





عوضاً عن كل ما كان من قبله  
بمن كان من قبله

الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

من مطبوعه  
مكتبة  
مطبعة





تاشش و اولی آنکه بدار و ماه استعمال کنند و اکثر بطریق سفوف همراه نبات یا نمک شیر بدون مخمیر  
چیزی در آب تر کرده صباح نموده با شربت سناسپه استعمال نموده شده و فصل و مزاج حار از  
اول نافع تر آمده و عملی گرم تر از شکری است و مقدار شربتی اگر دو چند خواهد بود در نفع اکس و در شربت  
اگر نخواهد بود استعمال اطریفات علی ادرام باعث صفت شده است **طر فیض ستانی معمول**  
و خوب حضرت قیل گاهی صاحب برای صداع و شقیقه و دیگر امراض درامی و سعدی صفت  
آن بلبله کالی بلبله آله برگ سناسپه برونغن بادام یاگا و هموزن او و به شکر و زرد سناسپه  
مرتب سازند **طر فیض کشمیر** بخت تقویت دماغ و معده و قوت باه و بواسیر و جرب است و صفت  
از صفت آن بلبله سیاه بلبله کالی آله متشکل و اطفال بربک پیچیدم و به شکر و زرد سناسپه  
بوزیدن شیطنج هندی شقائق مصری تودری سرخ و زرد لسان العنقا و غیره جرب لعل کشته  
خشکاش سفید بربک دو و نیم درم بهمنین پیچیدم کوفته و به شکر و زرد سناسپه بادام یاگا و جرب نموده و به شکر  
خراسانی شست و اتم عمل سفید سیاه و بقوام آورند شربت از دو درم تا چار درم **طر فیض ستانی**  
صاحب تحفه و سمی با سیم بدین خود ساخته و گفته که جهت اقسام بالیخولیا خصوص مرقی و خندان و  
صداع و منغ و صرع و بخار نافع و در اوست او جهت قطع ناز جرب و قوت او تا دو سال بانی ماند و قوت  
شربت سبز که سال از چهار شقال تاشش و غنای ادرام است از یک شقال تا دو شقال و به شکر و زرد سناسپه  
صن سفید بلبله زرد پوست بلبله کالی بلبله سیاه گل خفته محموده مشوی بربکیده شقال  
ترید سفید و محموده کشته شیر شک بربکیده شقال پوست آله پوست بلبله متشکل گل سرخ بلبله  
سفید گل خند و بربکیده پنج شقال سفید کیر بربکیده شقال برونغن بادام شیرین سی شقال  
او و به کوفته و به شکر و زرد سناسپه بادام یاگا و هموزن او و به شکر و زرد سناسپه  
صاف نموده و به شکر و زرد سناسپه یک زن عمل گرفته بقوام آورده و به شکر و زرد سناسپه  
افشیدم و به شکر و زرد سناسپه یک زن عمل گرفته بقوام آورده و به شکر و زرد سناسپه  
پوست بلبله کالی پوست بلبله آله از بربکیده و درم سناسپه کالی ترید سفید افشیدم از بربکیده

شیطیج هندی سه درم بسفنج قشقی یک درم انیسون نمک هندی از هر یک درم کوفته و بنجیه بعسل شسته  
 شترتی کبشقال تا چهار درم اطر لیل افیمون که شخ در علاج بالینو یا بدرتیه تعریف کرده و مجرب شود  
 صفت آن اطر لیل سه درم افیمون یک درم ایاج نصف درم مخلوط نموده استعمال نمایند  
 اطر لیل اسطوخودوس بیمارهای نفی و سوداوی را سود دارد و دماغ و معده را از اخلاط  
 غلیظ پاک کند صرغ و الینو یا و بوق و برص را نافع بود و دهان و دست آن نافع سفید شدن سحری  
 باشد و رطوبت دفع نماید حص پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی بلیله سیاه آمله منفی است  
 ترد بسفید بسفنج قشقی اسطوخودوس مصطکی روغن افیمون سوزن از هر یک پنج مثقال کوفته و بنجیه  
 بروغن بادام شیرین لبست پنج مثقال چرب نموده بعسل مصفی البیه برابر وزن او و برشته  
 مسجون سازد و بعد از چهل روز استعمال نمایند شترتی چهار مثقال اطر لیل مثقال جت بوا سیه  
 نفع عظیم دارد صفت آن پوست بلیله زرد پوست بلیله آمله شترتی از هر یک ده درم مثقال  
 سی درم مثقال او را آب کند تا بگذارد و شصت مثقال عمل اضاف کنند و بچوشانند البقوم  
 آید و او را کوفته و بنجیه آن بشنند اطر لیل مثقال منقول از قرا و دین عم حرم ص بلیله زرد  
 کابلی و سیاه آمله شتر بلیله از هر یک دو درم سوزن شترتی شش درم مثقال شش درم آب گندنا  
 یک با عسل سفید سه برابر او و بروغن بادام شیرین شست درم بعد از چهل روز استعمال نمایند  
 هر چند گشته شود و برص خون بوا سیر مجرب است اطر لیل مثقال بلین طبع را نرم گرداند  
 و بوا سیر را نافع بود بلیله کابلی پوست بلیله سیاه افیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم  
 مثقال فلو س خیار شنبه از هر یک سی و مثقال فلو س را در آب گندنا حل کنند و با عسل مصفی بقوا  
 آورند و او را کوفته و بنجیه بار و روغن بادام چرب کرده بدان بشنند شترتی کبشقال تا چهار درم  
 و اگر تریه و صوف با سنگی بنفشه ایند در عمل خود اقوی خواهد بود اطر لیل ویدان که مایه ای است  
 را بکشد و حب القرع را از اتمل کند ص رنگ کابلی ده درم ترد و صوف حب انیل قسطیج  
 از هر یک پنج درم قبیل ترس فستقین و می در مننه ترکی افیمون نمک لفظی خروخ حنظل سحار

از هر یک سه درم کوفته بخمیره وزن او و عسل بیشترند شترتی و و شغال تا چهار شغال بحسب  
مراج اطراف فیصل خبث الحیدر یک درم منقول از قرابادین قانون نافع ست از برای سود چشم و در  
سعد و استرخار مشانه و سرعت انزال و زیاده می کند قوت باه راحل پوست بلبله سیاه پوست  
بلبله آله منقی تخم کرفس کوبی شیطاح هندی نامخواه صغیر فارسی از هر یک یک اوقیه بلبله لواء جاما  
سنبل الطیب و ج ترکی از هر یک سه درم و ارچینی چهار درم فلفل سیاه فلفل سفید و شکاک و کنگر  
از هر یک نیم اوقیه خبث الحیدر و دیگر اوقیه خردل یک اوقیه و نیم نو سار و نیم درم کوفته و بخمیره بروغن بادام  
شیرین چرب نموده بعمل کف گرفته سه وزن او و بیشترند و در غرض چینی نگا به شسته بعد از شش ماه  
استعمال نمایند اطراف فیصل با مان منقول از قرابادین نجیب الدین سمرقندی بوق و برص  
نافع بود و سیاهی مونگا بدرد و امراض لغوی زائل کند خاصه که بعد از تفتیه مستعمل میشود و ص  
بلبله کابلی بیت درم پوست آله منقی اقیهون برنگ نقشر هر یک ده درم تربید سفید پانزده درم  
اسطوخودوس بسفلیج هر یک هفت درم خاریقون نیم درم کندر سعد قسط زنجبیل زو فاکر یک  
دو درم فلفل و ار فلفل نارمشک هر یک چهار درم کوفته و بخمیره بعمل بیشترند شترتی سه درم  
اگر بر بیل دوام خوردند جهت اسهال حسب مزاج زیاده توان داد اطراف فیصل که صاحب عرق  
مدنی را نفع دارد و مسهل و قاع این علت است و هر که در بر سالی این را بخورد سالم ماند و  
ماده این مرض پاک شود و ص پوست بلبله کابلی پوست بلبله آله تربید صوف زنجبیل فلفل حبه و  
برابر کوفته و بخمیره بروغن بادام چرب کرده بعمل بیشترند شترتی سه درم و در قلا نسی گفته با هم  
چند مبر فانیذ و قند و دین بروغن بادام نموده بیشترند اطراف فیصل شایسته جهت حله و جز  
و سفوف نافع ست و ابله فنی را زایل کند ص پوست بلبله زو و جمل درم پوست بلبله  
کابلی سی درم پوست بلبله آله منقی هر یک بیت درم ساسلی ده درم گل سمنخ نشش درم شانه  
پنجاه درم کوفته و بخمیره یا سوزید قوق بیشترند و بعضی این نسخه را چنین نوشته اند بلبله زو و جمل  
بلبله کابلی شایسته هر یک سی درم بلبله سیاه آله هر یک ده درم ریونز چینی چوب گدری

کوزه هر یک و درم کوفته و بنجته بار و غن با دام چرب کرده با کشش بدقوق لبشند شربت از  
 دو درم تا چهار درم مع طلیح غاب اطریفل غد وی بجهت خناری نافع است بلبلیه  
 پانزده درم بلبلیه آله ترید هر یک هفت درم افیون ده درم بسفایج اسطوخودوس خد خشک  
 که در گوی گویند می باشد هر یک پنجم درم سنبل چار درم غار لقون زرنبا و شیطیج نو سادر  
 سه درم انیسون قرفه سنبل الطیب قرفل بحری جوز بواخیر بوا مصطکی هر یک و دو درم کوفته  
 و بنجته لبسل مصفی لبشند شربت پنجم درم و در نشو و دیگر بلبلیه و آله و ترید هر یک پنجم درم بسفایج  
 و اسطوخودوس و سنبل هر یک هفت درم و قرفه و شیطیج و دیگر منبثل سابق است اطریفل  
 که بوق و برن رافع است بلبلیه کابلی بلبلیه آله برگ خناری ده درم و دو درم و دو قشبت  
 درم مصطکی سه درم شستین پنجم درم سوز منقی سی درم عمل قدر کفایت اطریفل کششی  
 جهت سرعت انزال و کشادگی بحری بول و منی مجرب است ص پوست بلبلیه زرد بلبلیه سیاه  
 پوست بلبلیه آله منقی هر یک و دو درم کشنی خشک چهار درم کوفته بنجته بروغن با دام چرب کرده  
 با کشش و دانه درم نبات بیست و چهار درم بقوام آرند شربت سه درم ایارج یک سه نمره  
 و قیل الفتح بالفسیر آن دوائی الهی است و نسبت بالکسب قوت عمل او نموده اند و بعضی گفته اند  
 بر دوائی که اسهال بخواص و قوی کند که حق تعالی در آن نموده است آنرا دوائی الهی گویند  
 و بعضی کتب تفسیر ایارج بر دوائی سهل مصلح است جهت آنکه درین ترکیب ادویه سهله امضا  
 است و بعضی بر دوائی شریف تفسیر نموده بشرافت این اول سهل است که حکما و متقدمین ترتیب  
 داده اند اینست ایارج قیصر امضاء النافع و شرم گویند وقتی که داخل کرده شود شرم خنثی فائده  
 می کند اکثر قسام صلیح را و صده را از اخلاط علیک پاک کند و است و اکثر باطریفل کوچک یا کشیر  
 یا گند مزه و صبح نموده است و ال فمیده نافع بسیار باشد که گردیده ص سنبل الطیب و جینی  
 عود و لبان حب لبان ساینده که اسهال در آن از هر یک جزوی صبر قوی و دود  
 او و شربت و دو درم سهل و اکبرم و بعضی صبر و شربت او و صی کشند ایارج لو غاف یا نام می



نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد و با ضمّه را قوت دهد و باه زیاده کند ص عاقر قاشق  
 فلفل و دار فلفل و ج از هر یک ده درم سداب خضیا ناز را وند ج ح حلیت حب الغاذ  
 شیط خردل از هر یک پنج درم غسل بلاد چهار درم و نیم دار و با را کوفته و بجهت بروغن گردگان  
 چرب کنند با غسل بلاد و سه وزن او و غسل صاف بشینند و بعد از شش ماه استعمال نمایند  
 یک مثقال الفرو یا صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است ص صلبه سیاه پوست بل  
 آنکه متقشر از هر یک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کند و ج فلفل زنجبیل غسل بلاد را از هر یک  
 پنج درم دار و با را کوفته بجهت بروغن گردگان چرب کنند و با غسل بلاد و سه وزن او و غسل  
 بشینند و بعد از شش ماه استعمال نمایند اسود سلیم و اصفر سلیم غسوب لبوی سلیم  
 که وکیل عبداللہ بن ابی بکر بود و صاحب تذکره اسود سلیم را غسوب بعد از آنکه ابی برکات کرد  
 و چون لون این سیاه ست مسی با سوخته و اسود سلیم نافع است جهت فالج و لقوه و  
 و صلیح مزمن و دیگر امراض بارده و عادت خوردن افیون قطع می نماید و قدر شربت بنما  
 و گرم در اول و دوم و خشک در آخر سوم ص سنبل الطیب صلی زرنبا در و ج هر یک است  
 ورم زردان سه درم افیون فرقیون پنج درم فلفل سفید کندش ملح هندی ملح لفظی بن بخور  
 پنج تلح عاقر قاشق لبان شیط هر یک است درم و ج سکنجبین اشق زرا وند طویل مدح خردل  
 تنبل ازرق خربق جندبید شتر خنظل کبریت اصفر بزر جریخ نمیکشت سداب جلی هر یک جلی  
 شونیز بار و نه های بری از هر یک شصت درم جاوشیر شتاد درم بزر جریل کبیر است درم  
 ص صغیر بار و قطران آغیز حل کنند و دیگر دار و با را کوفته با هم آمیخته با غسل سفید سفید نموده و ماه  
 افیون دارند و صبل کرند از خمر لولوی منقول از شتالی جهت جرب و جلی و شریاق و ضعف باضم  
 سفید سه ص قوتیای کرمانی شسته شمع محرق شسته از هر یک ده درم و با را دیدن سفید  
 نبات پنج درم ص صلیب زده استعمال نمایند و وجه تقسیم در اکثر کتب بنظر نمانده بخاطر می گذرد که چون آنرا  
 شل غبار بسیارند یا آنکه نکاش نماند بنگ غبار است لهذا این اسطه سمی شده اگر چه معنی





حصص ششترین مرزبوش ستر بخوشانند و انکباب نمایند انکباب مجرب حکیم علی اکیخان مرحوم جهت  
 درگوش حصص مرزبوش پوست خشک گل بنفشه کشنیر خشک چوب چینی خوشانیده بخور نمایند بعد  
 ازان و سته ششاله باشعله شمع موی بریان نموده سائیده بلبه مزوج نموده درگوش بگذارند که  
 چیز را گویند که درین دندان ریزند و هم نام مکی است که دمیده میشود و در حلق آتیر المله که  
 نافع است بوزم حلق و سقوط المات و قلع و شیره و بخره دهان حصص کافور و دوانک قاقله عفران  
 هر یک یک درم طباشیر سفید غصص سماق هر یک دو درم زرد سدر درم شکر طرز و عدد س قشعر تخم خرفه  
 هر یک چهار درم ماشایچ درم کوفته و در حلق بدمند انیر صغیر منقول از قلاشی نافع است از برای  
 استرخال مات حصص سقر قاری و سقر نیله عاقر قرحا ماشا از هر یک جزوی کشنیر خشک و جزوی  
 اصل السوس نیم جزو کوفته و بنجیه در حلق وقت حاجت نفخ نمایند از سطون معنی این فاکر  
 است یا جلیل القدر گویند الیف از سطون است از سطون صغیر نافع است بسبل و بر و چشم  
 و وضع شکم و جمی مختلفه و بر لبه قلع و جوج هم حصص سلیمین درم عاقر قرحا عفران و فریون هر یک درم  
 آتیا فلفل کربت اصغر سنبل هر یک یک اوقیه افیون یک اوقیه حماما و اوقیه کوفته بنجیه  
 بعسل معجون سازند شربت کالدیک ششقال اثا ناسیا لفظ یو یانی است معنی وی مفید است  
 و بعضی گفته اند که معنی وی ایم و بهتر کنم است و چون که درین دوا کبد فیض و شاخ ماخذ داخل  
 میشود مسمی بدواء الزیب و الماعز نیز شده بعضی دیگر گفته اند که اثا ناسیا یو یانی جگر گرگ است لند  
 باین اسم نامیده شده او جاع کبد و طحال و معده و اسهال بطنی و سعال  
 مزمن و جمی یوم و خدر و جوج کلیه و مثانه و ربو و لوب و اسیر را نافع بود و بادها بشکند و درد هاساکن  
 سازد حصص مراغیون زعفران چند بیدستر نیرالینج قسط قرمانا خافت خشکاش شاخ راس  
 بزکوی سوخته جگر گرگ خشک کرده مجموع مساوی اینچ کوفتی است بگویند و اینچ که افشانی است  
 بگذارند و در شراب و عسل صاف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت ششقال  
 ناکندرم اثا ناسیا صغیری مسافغان بگیری است حصص آن میوه تامله زعفران قسط سبزه

کبد و ریه  
 و شاخ ناسیا  
 شاخ بزکوی

افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافق بهشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته  
 بنیة لعسل معجون سازند شربت مقدار فنقی در نسخه دیگر عود بلسان و مرز هر یک چهار درم  
 نموده اند اهر و سیالغت یونانی است یعنی جالس المود است و از تالیف بقراط است  
 جهت بادشاهی که شکایت می کرد از ضعف معده گرم است در تانیه و یالین در تالیف جگر و سپر  
 و کلیه راقوت و بد و سده بکشاید و در ابتدای استقار نافع باشد و علل بارده را دفع نماید و بول بر آید و  
 از گرده و مشانه بریزاند و بدن را قوه دهد و آنچه بروشش ماه بگذرد بهتر بود و قوت آن یک نیم سال  
 و گویند تا سه سال باقی ماندن قسط تلخ فلفل سفید و فلفل سیاه یک نیم درم زیره کرانی دو غده  
 بلسان سلیخه قرومانا قنق از خرچم کرفس هر یک یک درم و ج زعفران هر یک دو درم مرصاف درم  
 حب لغارده حد دو کوفته بنیة لعسل کف گرفته بیشترند و بعضی کتب عمل سه چند نوشته شربت  
 یک بند قباب گرم یا پار الاصول الفوشدار و لغت فارسی ست معنی آندار و باضم است  
 و بغیر حمزه نیز گویند بعضی گویند که نمی خطبه الله بعد این توجیه برابر اب و افش مخفی نیست و بعضی دیگر  
 گفته اند که نوش لفظی است موضوع برای بلبله بلبله آله و خبث الحیدر و عسل اندام کرب که ازین  
 پنج جز باشد از پنج نوش گویند و چون درین معجون عمده ترین اجزاء آمله است اندامی یا  
 گشته و اکثری از اطباء نوشدار و جوارش کندی گویند یا برای آنکه مروج این نسخه بندی است  
 یا آنکه بعضی تصرفات از و درین نسخه واقع شده است و اولی آنکه بعد از چیل روز استعمال نمایند  
 تحفه آنرا که آمله در و بر ابراج است جوارش کندی خوانده و غیر آن را نوش دار و قوت این  
 معجون تا دو سال باقی می ماند بیشتر از یک انتقال تا سه انتقال پیش از طعام و بعد می توان خورد  
 و این معجون در تقویت معده و باه و اعصاب ریسه نفع تمام دارد و بوی دهن و بوی بدن نیکو گردد  
 و خفقان و تصعر را نفع می آید نوش دار و نسخه حکیم شغائی و موافق همین نسخه اکثر استعمال  
 در آمده ص آن گل سرخ شش درم سعد کوفی پنج درم قنقل و صطک اسارون سنبل الطیب  
 از هر یک سه درم قافله صغار و کبار از زنباب ساسه جز را قرفه زعفران از هر یک دو درم آمله



صقر مرغ گوش چندید تر بنفشه بابونه بچشاند و عسل را در آن بنشانند و اگر این او و به درشتان گاه  
 گذارند و بر ناف علیل نهند و بر شکم و ناف روغن شبت و سداب بمانند نفع تمام دهد و فایده  
 استعمال آبرن در قوچ بسیار است که ضرری نماید زیرا که موجب کرب و خشکی می گردد و نیز اگر گاه  
 و انصباب بود بسبب رخا و باعث از ویاد انصباب میشود و اگر قوچ بسبب ریج غلیظ بود و  
 بسبب غلط تحلیل نیاید پس از آبرن مستعمل شده منبسط گردد و موجب افزونی و جوشیدن  
 اما وقت انحلال پس آبرن شدید النفع است آبرن که در آخر ورم دارد مثانه بکار آید حص  
 تخم کتان با بوننه اذخر سعد سنبلی حماما فرومانا چشایند استعمال نمایند آبرن که بول بسته بکشاید  
 حص آن سداب پودینه برنجاسف سنبلی الطیب جامه مرغ خوش است خطمی ورق تربتی ککوم  
 شلغم شیخ بابونه شبت همه را به پزند و در آن نشیند آبرن نافع برای ورم مثانه متصل و انحطاط  
 باید که مر ایض در آن نشیند حتی آنکه هرگاه احتیاج ببول شود و سداب آن است که بول در آن  
 کند حص و از ششمان فرومانا سه کونی سنبلی الطیب جاما اذخر حلیبه بزرگان تخم شلغم خشک  
 و آب جوشانیده و رشتی کرده علیل در آن نشیند آبرن که بکاه و رسل از گرده و مثانه پاک  
 کند حص آن بابونه تخم شبت خار حاک نیمکوفته اکلیل الملک تخم کرفس مرغ خوش حلیبه قوط  
 پسیاوشان بنفشه خطمی همه را بچشاند و بپزند و در آن بنشانند آبرن دیگر که از گرده سنگی بول یا پسته بچشاند  
 نیز پوزه نیمکوفته خطمی هر یک هفت درم خار حاک شش درم بنفشه چهار درم اشنان سید درم  
 همه را در ده من آب بچشاند تا پنج من بماند و رشتی کرده در آن نشیند آبرن که سنگ گاه  
 و مثانه را نافع است حص ورق کلم برنجاسف است پودینه سرکه کینوت تر مغز خشک از بچشاند  
 آبرن نمایند و ادویه که سنگ ریزه اند بچشاند آبرن که سنگ گرده و مثانه را پاره کند  
 و بیرون آورد و بول بماند حص بابونه گل مرغ خطمی اکلیل الملک انبه بکوه درم پوست بجز  
 خشک کرده پسیاوشان حب القلت نیمکوفته از هر یک هفت درم اشنان پوست بجز  
 اصل السوس از هر یک پنجم درم کافور حلیبه از هر یک چهار درم برنجاسف کل بنفشه از هر یک

دو توکل نیلوفر اضل المیون از هر یک دو مثقال در ده من آب بچوشانند نصف رسد حمام  
 طشتی بر کرده علیل را در آن بنشانند و چون از حمام برآید روغن عقیق در اعلیل بچکانند  
 آئین برای بول الدم کلوی ص برگی آس عقیق گلنار جوز السرو پوست انار گل سرخ  
 در آب جوشانیده مریض را در آن بنشانند آئین برای حبس بول و عسر آن که حادث از  
 احتباس شده در مجاری بود حص آن گل بابونه گل بنفشه اکلیل الملک خار خشک آرد جو  
 گل سرخ از هر یک دو توله برگ پید برگ خرفه برگ پالک برگ ساگ سرخ از هر یک یک دسته  
 که در ریزه ریزه کرده با محمه سر و عدد در ده آثار آب بچوشانند و در طشتی کلان بر کرده علیل  
 در آن نشاند آئین هرگاه خصیه بزرگ و مرق برآمد باشد مفید بود حص آن بابونه فرنجی  
 حاشا تمام زوفای خشک غناب برگ زیتون اکلیل الملک تخم کتان جوشانیده  
 و روغن نار درین داخل کرده و در طشتی کنند و مریض در آن نشسته مکرر آن آب را در آفتاب بر کرده از  
 لوله آن بر پشت زمار بریزد و ملائم دست بمالد از اعلی بسوی اسفل تا خصیه بجای خود آید  
 آئین در سبعت انزال هرگاه بسبب حده منی باشد بکار آید حص عوچ برگ مور و گلنار  
 گل سرخ سماق لحیه التیس ثمره الطراف پوست انار جوشانیده بکار برند آئین بحبت زنا  
 حامله که حیض نمیند سودمند بود حص عدس پوست انار گلنار بازو بلوط حفت بلوط و آخته  
 در آن نشینند آئین قابض گفته اند که اگر در شبی ده من خون رفته باشد آنرا بنده نماید اول  
 قرص که بار و رب مورد بخورند بعد از آن بکیند ثمره الطراف جوز السرو پوست انار بنکوفه گلنار  
 هر یک پنجم گرم گل سرخ برگ مورد و هر یک ده درم در ده من آب بچوشانند تا پنج من بماند در طشتی  
 ریزند و در آن نشینند و بر پشت و زمار بریزند و همین آب را چند مرتبه تکرار کنند و حجامت فی طهر  
 زیر پستان بکار برند که جذب ماده بدان جانب کند آئین که فرزند را در شکم مادرش نگه دارد  
 تا پیش از ولادت بیرون نیاید حص آن صندل سفید بنکوفه برگ نیلوفر تخم مورد و اقاقیا  
 هر یک سی درم گلنار چهار درم گل سرخ ده درم و پنج من آب بچوشانند تا دو من بماند و باقی

درم سلنگور و چیل درم آب کاسنی پنجاه درم آب سم کیه آهیمخته بیمار را در آن بنشانند آبرن که  
اورا رطمت کند ص آن سیلونه مرزنجوش ازخود پودینه قسط اکلیل الملک شونیز کرب سد  
فودج کرفس حاشا برنجاسف قدمانا زهر یک جزوی بنزند و در آن نشیند آبرن که بچهره را  
بیرون آرد ص مشکطرا منشیع برنجاسف و ج ترکی قسط سیلونه ناخواه فودج مرزنجوش تخم بلبلون طلبه  
فراسیون جده عود بلبلان اسارون هر یک جزوی بچوشانند و در آن بنشانند آبرن از کال  
الصناعی هبت نفرس و وجع منافع مزین سرگاه بدن لاغز شده باشد و علاج فائده نکند بکار  
ص بگیرند گفتار زنده و محکم بنهند و در یک کنند آب شیمیزن القدر که بهوشا مندر آن بریزند  
و گوشت خروسی مقدار صالح و بخود سیاه و سفید هر یک ششتی بزرگ و جهر خروکدر و شلغم و سد  
و لبلا ب و رازیان و برگ کرفس و کرات نبطی هر یک پنجم درم کرب نبطی هفتاد درم زرنب کابی  
یک رطل پیاز صد درم بنفشه انید و بنفشه تا به ثلث رسد ص صاف کنند و در نیگرم بنشینند تا یکساعت  
و سه روز متواتر استعمال کنند و هر روز گرم کنند و بعد هر سه روز تازه سازند آبرن که در جوی و  
بکار آید و فائده عظیم از ترطیب و تبرید نماید ص گل نیلوفر گل بنفشه پوست خشکاش سحرش شمشیر  
خطمی شسم کامو و برگ آن برگ بید برگ خبازی برگ خرفه برگ اسفناخ تراشه که دو تر اشید  
جمله با سرچه سیس آید و آب بسیاری بچوشانند و غلیل را در آن نشانند لیکن باید که سه چهارم بیرون آن را  
باشد و آب فانی بود و بعد خروج تدبیر بادمان چون روغن که دو شمشیر و جز آن مفید است  
و کند الک تقطیر و رگوش و الفت یا سب الیاء یا و هر چه معرب از باد مهربه برودت معده و کله  
و جسم و احتباس طمت را نافع بود و ریاح غلیظ را دفع کند و جگر و سیر را بکشتاید بقول از شناسه  
ص زربنا و در روغن عقری افیون چند میدتر عاقر قرحا فلفل و افلفل سیلونه سوم الجوس بزرگ  
قسط لبنی جاویش زعفران از هر یک شش درم حله بهشت درم باز و در از هر یک دوازده درم  
رواریدنا سفته ده درم غسل دو وزن ادویه بطریق متعارف همچون سازند بخور از برای صد  
حار وادی مستعمل بعد تنقیه ص گل بنفشه برگ فسطی جو شمشیر نیگوفته گل نیلوفر با بونه جوده که در جگر

در آب پنجه درشتی کرده روشن نموده و روغن گل سرخ در آن داخل کرده علیل چادر کشیده  
بر آب بخاران و در و آب را حرکت داده باشند تا بخاران بدماغ رسد و روزی دو سه بار این  
عمل کنند و اطراف را از پاشویه بشویند بخور منقول از فلاسی نافع بعد از بار و معده موده  
تقیه ص من زنجارش فودنه بالون الکلیل الملك قیهوم ثبت شیخ تمام غار و دیر پنجه بدستور عمل کنند  
و تقیل این آب بر سر نافع است بخور دیگر برای شقیه ص اسیرنج را بر روی کاغذ خشک  
به مانند خوی که کاغذ سرخ شود و آن را فیتله کرده سر اورا آتش زنند و دو آن در بینی کشند بطرفی  
که درد است اگر در دو تمام سه باشد در هر دو سوراخ بینی کشند مجرب است بخور که لیفرنس رسد  
و بد باید که روز سوم بخور کند ص ناشافوخ هر دو برابر و سر که بنزد و نزد یک بینی دارند بخور منقول  
از بیاض عم موم جهت فانی و شیخ مفید ص شیر خام یکد ام پنجه برگ بکاین یا و آثار برگ سنبه لاه  
یا و آثار سیر و زنجبیل را جوکوب نموده در و آثار آب بجوشانند مادامیکه نصف آب بماند و در جا  
مخوف و زیر لاجان بخاران را بگیرند و با احتیاط و دو آن را بپوشند بخور که سعال بلغمی را نافع است  
ص مرقطه زعفران برابر کوفته و شراب سرشته اقراص سازند بسوزند و دو و بگیرند بخور که جهت  
سعال عجیب است ص بگیرند از پنجه مراره از نب زنج سرخ و شخم هر را بر آتش بگذارند و قدر  
سازند قرص نصف نه قال و یقین هر روز سه بار بخور بگیرند بخور جهت شوصه و بود نفث الدما  
ص قسطمیع صمغ البلسطک از هر یک یک اوقیه آینه کوفته پنجه نمایند بخیتی که دو آن بخور  
و دمن رسد بخور نافع برای ریه و سعال مزمن و نفث نمن و ضیق النفس را در ساعت و  
کند و بقرص از پنجه مسلی است ص زرا و نه سه سایه قنده مسادی از پنجه برابر همه او پیرا و در  
کا و نیم نموده حب بالسته از نع دو آن علی الریق بگیرند بخور منقول از بقای جهت تسکین و  
بواسیر عیاده غار و برای زمره کردن دانه با طاهر مجرب است ص سلنج الحیه هر که گوش فیل  
منقل از رزق پوست پنجه که پوست تخم مرغ پوست انار کلاه با دانه فیهون ام که شاخ گردن شاخ  
گا و که از گاه و پوسیده گرفته باشند مشک دانه دار خراطین خشک سوی سر و می خار خشک است

همه را برابر مجموع بگویم نموده بقدر نیازم بر آتش شکل میگیرند و دود آن بگیرند و از موانع  
 کنند و پیش از بخیر اگر دانه با طاهر باشند بپیت و یک زو بگذارند تا از راه پیش ماده ترشح شود  
 بخور که صلب خون بواسیر کند ص از زوت زنج پو است خردوب پوست مار همه اجزا را  
 برابر اقرص کنند و بر آتش که از شکل شود و دود نمایند بخور جهت ساقط کردن دانه های بواسیر  
 جرب است ص گوگرد و اصل السوسن بخ که برگ مورد و کربا استعمال آرند بخور که او را  
 حیض کند ص باد شیر انظار الطیب عود الصلیب میوه یا لبه که بخیر نمایند بخور که در اسقاط  
 حمل و تسهیل ولادت عجیب است ص مقل ازرق و اربسل با السویه گرفته بقدر فراق  
 قرص سازند و استعمال نمایند بخور که شیشه و بچه مرده بیرون آرد و بجهت احتناق و عسر ولادت  
 بسیار نافع بود ص مراد و باد شیر گوگرد و مساوی گرفته بجهت بزره گاو و بیشترند و اقرص سازند  
 و بخیر نمایند و در بعضی کتب هم منطل نیز مرقوم است و بخیر هر واحد در سم اسپ و موی  
 آدمی و مراد و باد شیر و سر گین باز و سر گین که بوتر و پوست مار بچه آورده اما پوست مار بچه باشد بخور که بزره  
 یاری دهد و خوب است ص زنج احمه و جوز السوسن و میوه یا لبه و باد شیر و باد و با السویه گرفته بجهت  
 بیشترند و بعد از پاک شدن سه روز متواتر هر روز بقدر یک گرم بخیر کنند و بعد از آن سبب اثر است نمایند  
 بخور که تخم مفصل را که رافع است ص حمل گرفته سدس جز و در سر که یک جز و حمل کنند  
 و سنگی گرم کرده در سر که سر دهند و بخار آن بگیرند بخور برای اقسام آتشک از شاه احمد سیده از  
 مجربات ایشان است ص شکر ف ماز و حاق و قرحا اسکند ناگوری موصلی سفید خشک بر یکدیگر و شغال  
 همه را بیکو فته چهارده حصه نمایند و حفر کرده آتش از جوب کنار باغی افروزند تا آنکه دود آن با کل  
 زائل گردد و در بعضی عریان شده چادر بر خود پوشیده بالای آتش مذکور بر سر و پای نشیند و یک  
 حصه دود بر آتش اندازد و دود آن در تمام بدن بگیرد و دهن تر کشاوه دارد و تا بخار اندوزن دهن  
 نیز برسد و صبح و شام تا هفت روز همین دستور استعمال نمایند و از ترشی پریز نمایند بلکه گفته اند  
 که سوار خدار شیرین چیری دیگر بخورند و هرگاه دهن جوش نماید برگ درخت چنبل چوشانید



غوره نمایند چون الهی تنها خواهر شد بستی جهت امراض سوداوی خاصه جزام دفع دارد و ص  
 بلبله سیاه شیطنج هندی هر یک در مقلقل پنجم بشت سفید و دو در مقلقل کوفته و بنجینه  
 بر وزن گاو چرب کرده بعسل بسترند شربت این همچون جبر علی یک منتقال نوشته اند لکن  
 باید که بعد از منقته استعمال کنند فی تنها و الاستقام قال الاستا و قدر ترک فی زمانا فصد الواد این  
 استعمال البشی و البزجی انتی احوط آنکه بشی و جز آن سرد و آلی که بشت و امثال آن از او  
 سمیه داشته باشد شربت ضرورت بسیار از بسیار بقدر قلیل استعمال نمایند بعد از آنکه از طرف  
 سفر است و اطیبیان حاصل شود و فراج خوگر کرده بمقدار شربت که در کتب مذکور است بستانند  
 و نیز همراه این ادویه از او پیتر قیاسی مثل دواء المسک و امثال آن استعمال نمایند بر هر حلی  
 بمنافع پیشی مقرر است ص بلبله آینه شیطنج هر یک چهار درم جوز بواغیر قشور کند و مقلقل  
 و اقلقل نازمشک کنش عصاره استیل سانج هر یک بشت منتقال بشت سفید چهار منتقال  
 کوفته بنجینه همچون سازند شربت یک منتقال یا سلیقون کبیر مغوی کحل روشنانی است  
 و گویند نام باوشایی بود که بجهت او ساخته اند یعنی جالب السعادت نیز بیان کرده اند و واضح او بقدر  
 است تاریکی چشم و آیت ای آب و دمه و جرب و سبل و ظفر و شران و سطریری ملک رانفع باشد  
 ص کف دریا و اقلیمیای نقره از هر یک در مقلقل آنکه ازانی سانج هندی سفید آب از هر یک  
 و اقلقل سبیل الطیب سمره اصفهانی از هر یک دو درم نمک هندی قرقل و داله از هر یک یک درم  
 صبقوطری عصاره یا ششاس سوخته از هر یک پنجم درم مایران مرقوسا و زرد و چوب از هر یک  
 سه درم پوست بلبله زرد چهار درم کوفته و بجر بنجینه استعمال نمایند یا سلیقون پوست بلبله  
 این قریب بمنافع کبیر است ص اقلیمیای نقره پنجم درم روی سوخته و دو درم و نیم سفید آب  
 از هر یک آنکه ازانی نوسا و جده ققل و اقلقل از هر یک پنجم درم کوفته و بجر بنجینه استعمال نمایند  
 بنفشه شیمی تاریکی چشم و دمه و جرب و حکه رانفع باشد ص شادنج منقول و دو درم و داله از  
 و آنکی روی سوخته و اقلقل از هر یک پنجم درم سانج هندی و داله قافله مشک از هر یک

دانگی کافور دانگ کوفته و بجزیره بخینه استعمال نمایند چون لون این مشابه بلون نیشه است  
 بدین نام مشهور گشته پروا مار در او در نماید و فربان شدید بنشیند و روماده کند و چشم را  
 در یک روز با صلاح آورد و ص شتیاف مائیدا از زوت از هر یک هشت دم کثیر بکند و چشم را  
 و درم افیون نیم درم کوفته بخینه باب باویان یا آب باران بپاشند و در وقت حاجت بپاشند  
 خامی رخ حل نمایند و با استعمال آورند پروا و باله سلیمانوس تالیف کرده و چونکه در ایند از  
 مروت ترتیب یافته باین اسم سسی گشته و بعد از آن در بخیرات استعمال این فاضل  
 شده پروا و حصص حرب و بیاض و دمه و شلاق و سل و طفله را نافع باشد و در  
 کرانی مغسول ده درم پوست بلبله زرد و زنجبیل زرد و جوب از هر یک پنج درم و در فلفل ماران  
 چینی از هر یک سه درم نمک هندی یک درم کوفته بخینه چند روز در آب غوره پروا و دریا  
 خشک کنند و دیگر بار کوفته بجزیره بخینه استعمال نمایند پروا و دمه مغسول از شقای مجرب  
 معمول قبله گاهی ص استخوان بلبله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی مار و هر یک یک درم  
 و نیم کوفته و بجزیره بخینه استعمال نمایند پروا و مار سی قوه با صره را بپذیرد و محافظت بشم  
 نماید ص توتیا قشیشا اظیمیای نفه از هر یک پنج درم سبیل سانج زعفران از هر یک یک درم  
 مر و اید ناسفته دو درم کافور و دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند پروا و  
 چشم را خشک گرداند و از سوزش باز دارد ص شادنج مغسول ده درم روی سوخته بخینه  
 مر و اید ناسفته یک مثقال و دو دانگ نبات یک درم صلایه کرده بکار بند پروا و اسود  
 و دمه را باز دارد و بیاض پروا و ص سیر توتیای مغسول از هر یک دو درم و اید  
 ناسفته سانج هندی یک درم زعفران بنیرم مار قشیشا هشت درم مشک و کافور از هر یک  
 دانگی صلایه کرده استعمال نمایند پروا و در بان که پروا و نفاشیس مشهور است و مجرب است  
 جهت تقویت چشم و از آنکه ضعف بصیرت اندر شیرین و ترش بگیرد و تخم و تخم او بکوبند و  
 آب صاف بستانند و در یک من آب صد درم غسل صافی بپاشند و در یک سنگین

نرم بنهند و بر غوه بر میدارند تا بقوام برسد در ظرف نقره یا آئینه بدارند و استعمال عند الحاجة  
 نمایند خواه تنها یا بگلاب برود که نهایت نفوی و حافظ چشم و قاطع دمع و قانع بیاصل حله  
 و جرب فرس و محلل اورام است و جالینوس مصنف اوست ص صبر فلفل دار فلفل  
 شادنج مقبول متقاطیس سوخته مقبول هر یک نصف جزو توتیای کرمانی سانج بهندی  
 مس سوخته هر یک یک جزو بادشاها از وی سبزه چینه شرح انزروت زبد البهریک ربع جزو  
 باریک ساخته آب انارین پنج قریبه برورند در هر قریبه در آفتاب بگذارند برود و خیار لنگ  
 ص بسیارند خیار بالنگ بخورد و جوف کنند و توتیا در آن پیر کرده و غیر گرفته در نور گرم  
 گذارند که خمیر خفته شود بعد از آن توتیا بر آرد و عسلایه بلنج نموده با استعمال آرد و اگر آن توتیا را  
 در آب کدوی تازه بسایند بهتر خواهد بود و نیز توتیا را بغیر تخم در آب که دریا خیار تازه خوب است  
 بکار برند همین منفعت دارد و اگر توتیا را چند مرتبه گرم نموده در گلاب تطفیه کرده صلیایه کرده استعمال  
 نمایند در تسکین حرارت چشم و تقویت آن نفع عظیم دارد و پروانه شاگرد حکیم علی تقویت  
 میکند و نزول رانفع است ص آب بادیان ترهیت شقال عسل صاف ده شقال زیره  
 یک شقال محبوع را در شیشه کنند و در آفتاب نهند تا غلیظ شود و بهر شمس و صغی وی  
 است جهت زکام و نزله و ظلمت چشم و دوار طین و لقوه و فالج و صرع و رخش و سیات سهر  
 و سیان و بالیخولیا و غیره امراض سودای و سهر منقط و ضعف اعصاب و استرخا لته و  
 ملاذه دهن و بخرم و سیلان لعاب و نزف الدم و قولنج فرس و درد معده و کبد و سده و ضعف  
 کبد مستقار و سرعت انزال مفید و امان او بعد از انزال امن و نهاده از مضار و در قلع  
 همیات خفیفه و سعال نافع و پا دز جمع سموم ص فلفل سیاه فلفل سفید زبر البیض سپید  
 هر یک بیست شقال افیون مصری ده شقال زعفران پنج شقال سنبل الطیب عاقر  
 فریون هر یک یک شقال ادویه جدا جدا یکو بند بپزد و زن نموده همراه عسل صاف که  
 سه وزن ادویه باشد بپزند و سه ماه در جودارند پس استعمال نمایند و مقدار شربت آونما

نصف شتال است و افش و انگی و قولش تا پنج سال باقی است بر شش سال دیگر از عمر صادق  
 برای نزله و زکام نافع بود و مسک و مقوی باد است ص و مروریدنا سفته سائیده کمرانی شی  
 بسا احمد بن سبل الطیب عاقر قراخون لجان زنجبیل سینه همین سفید همین سرخ سافج هندی آله منقش  
 نقره از هر یک شش درم گل سرخ چهار درم قنفل جوز بودا و اجینی عود و بلسان دو اسعد کوفی زعفران  
 هر واحد چهار ماشه نرانی با نغوا به یکد و درم مشک خالص ناشه افیون پا و آثار غسل خالص و اما  
 مغز لیمو مغز بادام مغز زاجیل مغز گردگان از هر یک یکد ام قنفل و از قنفل چهار ماشه کوفه بختیبر  
 معمول معجون سازند یا ششویه استعمال یا ششویه در عین شدت حمی مفطر الحارة روانیست چنانچه  
 آب گرمی حمی میزداید و اگر فوریت تشل خوف حدوث سرسام و جبران داعی باشد از آب نیلیم  
 مائل بسوی نماید و در وقت استعمال یا ششویه بر دای مابین طرف آب و و بر مرقش و از نجات بخار  
 نرسد و اصل یا ششویه آب گرم است و برای تبرید و تقویت و از غلظت دیگر ادویه اضافی نمایند  
 یا ششویه یا باران شک کرده و در آب پوشیده دارند و مخصوص در هوا سرد و فکرا عمل بحسب حاجت است  
 و در حمی محرقة اکثر روز چهارم بحران بر خاف میشود اگر ممکن باشد تا چهارم یا ششویه نمایند که آنجا که سبب  
 شدت عوارض در استعمال یا ششویه مجبور باشند و در روز چهارم هرگاه معلوم نمایند که رخاف خواهند شد  
 احتیاطاً و ضرراً نهم الا عند کمال الضرورة و هرگاه شدت جلیین جهت جذب مواد کرده باشند چون  
 یا بیمار از آب گرم گذارت تا ناخاره صود نمایند و حل فحمة کنند و ابتدا از طرف قدم باید که بخلاف شد  
 و هرگاه یا ششویه و مجهمه برود نمایند و اول مجبوری شرط بکار برند بعد یا ششویه نمایند تا ناخاره که سبب مجهمه یا سفل  
 منجذب شده اند از یا ششویه تحلیل شوند و باز صود نمایند و یا ششویه بسبب تقنیج مسام و سبیل عرق و رسیدن  
 حرارت نظائر جمعی هم فاعر یا ششویه نافع برای صداع شدید الحارة و قرانطس و ششال  
 آن حص برک بید نیم پا و برک کنا گل بنفشه گل نیلوفر بر یکد و درم گل خطمی غناب شعلب بر یکد و درم  
 اردو چهار درم درده اما آب پوشانیده صاف نموده یا ششویه نمایند و در انشای آن یا بهای از  
 یا سفل یا لیده باشند و اگر تیرید زیادیه مطلوب شود برگ خرفه برگ اسفناخ گل سرخ برگ گولک

اضافه نمایند پاشویه جهت صداع بارد و ص گل بابونه اکلیل الممک گل خنثی غلبه تعلب  
 زوفا حاشا خردل نمک طعام سبوس گندم تمام بدست و متعارف پاشویه نمایند و اگر چوب چینی با عنبه  
 حسب حاجت اضافه نمایند اقوی خواب بود بنا و ق کندی ذرب و اسهال سعدی و معوی  
 نافع بود و ص باز و سبز یکدم کندر کرناج هر یک نیم گرم افیون چار و دم حب الاس ده و دم کوفته  
 پنجه بنا و ق سازد هر یک دو دانگ بنا و ق دیگر خیر و اسهال را نافع بود و ص مردار سنج در  
 و نیم کافور یک دانگ بر وزن زمبق بنیق سازند و بدیند فوراً انشاء الله تعالی حبس می کنند و این  
 شربت مردکلان راست و طفلان را کمتر باید داد و زیاده بر آنچه مرقوم است ندیند که خوف حدوث  
 قویج خواب بود بنا و ق جهت عسر بول که سبش جمود دم یاریم در مثانه و نشان وی حدوث عسر  
 عقب بول الدم و ده ص قودمانا فروه اهل اشق بالسویه اشق را در سر که حل کنند و دیگر اثر  
 کوفته پنجه آن لبشند و بنا و ق سازند و لطیف نر و یا لطیف اصول بالای آن نبوشند بنا و ق  
 بنر و حرقت بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع بود و ص مغز تخم خیار نیم گرم مغز تخم خربوزه  
 ده و دم مغز تخم کدو بنر البیخ خرفه تخم خطمی سبب با دم مقشر کثیر انشاء رب السوس خشخاش سفید  
 گل انبی تخم کفلس از هر یک یکدم بکوبند و بنا و ق سازند و شربت سه و دم بشرب خشخاش بنا و ق  
 بهمت جمود دم و در مثانه منقول از معالجات قانون ص اهل حلیت اشق فوه اجزا و سبوس  
 کوفته و پنجه بنا و ق سازند شربت چار بند قه بار الاصول باب التاء تریاق الاربعه تریا  
 صغیر نیز گویند جاریالس است در آخر درجه دوم محلل بیاخ غلیظ و مصلح کبد و طحال است با صلا  
 عظیم و منسج سده بود و نافع باشد از برای سم مار و عقرب و عنکبوت و جمیع جانوران گزنده و غیر  
 و او را رافضیات که تخم لبسبب برو دت بود می نماید و اخراج جنین میت و تسهیل ولادت کند  
 و نافع است از برای صرع و خفقان و قویج کشاید جمیع امراض بارده را مفید بود و لیکن مهورث  
 صداع و دمه است و مصلح آن شیره خرفه مقشر گویند تا لیف اندر و اخس قدیم است  
 و اول ترکیب ادویه فاو نیز به اطباء است ص حب الغار و خطبایا و مرصاف و زرافند و زرافند

اجزاء مساوی کوفته لعسل مصفی سه وزن ادویه همچون سازند شربت از آن چهار دانگ یا یک مثقال  
 آب گرم و قوت این تریاق تا دو سال باقی می ماند بعد از چهل روز استعمال میتوان کرد و بدین  
 نصف وزن تریاق پس است و گفته شد که بعضی اطباء بعضی مصافی قسط تلخ داخل کرده اند  
 و حکایت کرده صبار رحمت که یافتیم در نسخه که یک جزیره عنبران بر این اجزاء از ربع این تریاق زیاده  
 کرده شد و تیغ رئیس گفته که بعضی اطباء بعضی زراوند طویل زراوند مدحرج داخل می کنند و این  
 است تریاق ثمانیه بعد تریاق اربعه تالیف شده نافع است از برای گردیدن حشرات و دفع همه  
 زهر است و بادها بشکند و قوی کفایت نفیج سده با کند از برای صلابت حمال و سده های آن نافع  
 بود و فلج و رعشه و صرع را سود دارد و حصص مرکب حب الغار حب طویلیا قسط تلخ از هر یک شش مثقال  
 فلفل سفید سیلینیه سیاه از هر یک چهار مثقال زعفران و اچینی هر یک یک مثقال اجزاء کوفته بخمیره  
 مصفی سه وزن ادویه بیشتر شربت از یک مثقال تا سه مثقال بعد از انداختن اول حکیم  
 بلیدس هر چهار جزیره تریاق صغیر افزوده بر تریاق ثمانیه ناسیده تریاق صغیر از رئیس در برنج  
 جانوران سمی اقوی از تریاق اربعه است حصص زراوند طویل حب الغار حب طویلیا پوست تخم کبر است  
 زرد چوبچ و پنج خنظل با شش اجزاء مساوی کوفته بخمیره لعسل مصفی همچون سازند تریاق که عقرب  
 گزیده را بغایت سفید بود و خداوند قویج و در داخشا و سده رود و باران غایت نافع است و تسهیل  
 ولادت کند حصص مصافی حب الغار قسط تلخ بودیج سداب بری چند بدینتره عاقر قرحا تخم بخیل  
 فلفل شونیز خلطیت اجزاء مساوی کوفته بخمیره بان سه وزن تمام ادویه عسل مصفی بقوام و  
 همچون سازند شربت و درم باب یکم تریاق بلنج النفع که جماعتی از اطباء آنرا در دفع افغان  
 تریاق کبریافته حصص زراوند مدحرج چند بدینتره و احد یک درم و نیم فلفل سه درم انیسون ده درم  
 کوفته بخمیره بیشتر شربت یک جوزه تریاق الطین جهت سموم نافع و خاصه است  
 که چون سمومی بخورد از سم پاک نشود و اگر نیارد دلیل آن باشد که سم نخورده حصص  
 گل مخموم حب الغار ابر سنابا سوید کوفته بروغن گاو چرب کنند و لعسل بیشتر شربت یافت

قبل از غذا و بعد از آن توان خورد تریاق سرد را که دوار السرطان نیز گویند که بدین کلب را  
نافع بود و صحن خطبیا کند بهر یک پنجم درم سبطان محرق ده درم بصل سبز شربت کیمشقال  
تریاق دیگر از معاین کبار است از منافع شمرده اند صحن یا قوت رانی و وارید نافه  
دار افضل جوز بواقا فله کبار شیطیح بندی و اچنی لسان العضا فیرو سانج بندی غنچه گل سرخ منور  
الاقلاع قر قنقل زنجبیل فلفل سبیل بندی بصل بود و روخ عقربی باور بخوبی لسان  
مصطکی خوشنجان قند خشک صندل سفید زراوند و حج سلیمه سیاه از هر یک  
دو درم بسیار شش درم پوست اترج سه درم زعفران پوست بایله جد و اخطائی از هر یک  
یک درم همین سرخ نیم درم عنبر شنب مشک قنقی از هر یک پنجاه انگ اخرا کو فته نخچه یا عسل مصف  
دو وزن ادویه مجنون سازند شربت یک درم تا کیمشقال و این ترکیب سی و دو جز است وزن  
اجزائشست درم چهار انگ و فراجش گرم و خشک در دجه دوم تریاق که خواصه بود علی سینا  
ساخته و گفته که من این تریاق را ساخته ام و از موم و از منفعت های بسیار یافتیم ولی را قوت  
دهد و باور زیاده کند صحن پوست تریخ خطبیا نافع حرب لسان برگ باور بخوبی نیم قنخشک زرباد  
در روخ از هر یک چهار درم سنگ مشک قنقی عنبر از هر یک یک شقال عود و بندی و شقال کافور  
رایجی شقال قسط و اچنی و زعفران و این ششتر از هر یک سه درم سنگ قنطر اسایون که در دو درم نیم گرم  
نیم شلغم کند لسان العضا فیرو جبال القنقل از هر یک دو درم سنگ افیون سه درم سنگ  
بکونند و انگبین به شند چنانچه نعم است شربت یک شقال بعد از شش ماه تریاق المشک  
تالیف ابو مابر حیات قروح کرده و شانه و مجازی بولی و احتباس و حرقت بول مزین بنایت  
محراب است و جهت امراض رحم بسیار نافع و در حیض و سکن و در دما اعضائی تناسل  
نافع و صغول و تجربه ببلانغ و مقوی اعضا است قدر شربت و راول کیمشقال تا سه اوقیه بشیر الاخ  
و بهفت درم بار النسل و در فراج بسیار حد با شراب و آب غوره و در وسط علت و در شقال  
تا بهفت درم آب بارشک و بلبل و نیم درم بار النسل و در آخر علت که چرک شده باشد و چو

باب آید یک شغال و ریح با شربت مورد باب غوره و امثال آن و جهت اورا در حقش باب  
 سنج و منقوع و مانند آن از ادویه در ده حیض ص دفع سوخته شام گاو کوهی سوخته لیس و  
 هر یک یک شغال و نیم افیون رب لسوس هر یک دو شغال سماق منقوع غوره خشک یکین کار  
 که گل شیرازی است ریوندر یک طلق محبوب خشک سفید و سیاه نیرالنج هر یک یک شغال  
 عصاره لیمو اتیس فطر اسالیون زوفای خشک صمغ تخم کرفس انیسون هر یک چهار شغال  
 تخم خلی تخم جازی تخم خرفه صمغ تخم خیارین صمغ تخم کدو صمغ تخم خرپوزه دم الاغین هر یک پنج شغال  
 صمغ آلون شاسته کثیر حب القلت حب صنوبر خربوط بنطی صمغ بادام کوهی شیرین منقوع هر یک  
 بهفت شغال گل ارمنی منقول گل قبرسی پانزده شغال حب کانج چهل عدو غسل کف گرفته  
 سه وزن ادویه که پانصد و هفتاد شغال است تریاق الذرب جهت ذرب و تباهی  
 و ضعف اسهال و قبض شکم و تقویت اعضا و ترسیب بی عدیل است ص صمغ وارید اسفند و ج  
 که با عقیق شیب عاج طباشیر سفید طر ائیت کشته خشک بریان صندل سفید شبنم قفل زیره که با  
 در مصطکی گردانا ناز و سنبل گل ارمنی شادنج حدی صمغ اردکنار سنج حب الاس عذبه و انجاس  
 بریان کرده پوست بیرون زبیب منقوع الحجم سه درم ورق نقره یک درم تخم خرفه بریان  
 کرده دانه انگور خشک سفید زاک هر یک دو درم رب بنشیرین رب مورد و انیسون و قه  
 یاسه چند همه ادویه کوفته بنجینه لیسرند تریاق الدیدان تالیف اجنبی لوانیل و روان آن  
 حقه کردن بان دفع دیدان کند صمغ اسفید اب سفید بنجیل هر یک یک درم تخم سکنجبون  
 پنج توت بزرگ کابلی اطفار الطیب سوخته پنج شوشن آسمان گون بر یک درم تخم بنفشه  
 ترمس بصل انار ششوی قیق که سنه هر یک پنج درم کوفته بنجینه بصل بنفشه که با کافور  
 خفته کنند تا دو شغال ازین گرفته و رزیت با شیر تازه یا آب گرم حل کرده استعمال نمایند و اگر خوا  
 که بخورد سه روز پیش ازین دوا را ششایر و شکری بخورند و در جام این دوا را ششایر صمغ کبک حل شود  
 بخورند تریاق الکبد که در هیچ امراض حاره و باره کبد را مفید منقول است شمع حکیم علی ص



راس خشک فلفل زیره کرانی سبیل الطیب بن سوسن سیرک یکدرم شحم حنظل تخم خجاشک  
 پنج پاپون تخم بلبلون پوست تخم خار لیون پوست پنج غاف مغز بادام شیرین مقشر بادام تلخ  
 پنج لون جوده خار لیون بابونه حب البان زعفران سیرک یکدرم و نیم پوست شیرین  
 خشک کرده نارودین سوسن سیرک یکدرم و دو ثلث درم پوره ارمنی تلخ اندرانی زعفران  
 قنچ چلی سافنج هندی مسکه تخم طبله تخم مرورب السوسن سیرک دو درم نرجس ورق شبت  
 سیرک دو درم و نیم تخم کرفس انیسون آفستین و می ورق حی العالم قطو ریون باریک مرصاف  
 که با سیرک یا سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک سیرک  
 انچه لفاف گرم افستون سیرک شش درم کبد فیب خشک کرده حب الاس زبیب  
 طایفی ورق طر خشقوق حب کاکج سیرک ده درم عبدان الملک ریون چینی تخم خیار تخم  
 باد رنگ تخم خربوزه سیرک پانزده درم صندل زرشک بنبله زرد سیرک سیت درم سیرک سیرک  
 زبیب ورق طر خشقوق و حب کاکج کوفته بنجیه یابن سه جزو بیا میریزد و ترکیب و بنبله باد  
 این او و یه خوب امتزاج بخوراید یافت عمل شستن مناسب می نماید ابو الحسن طبری نوشته  
 که استعمال کرده میشود این را در امراض بارده رطبه جگر باد الاصول و کچین نیروی و  
 در امراض حاره یا بسبب آب کاسنی آب طر خشقوق و آب عنب الثعلب و در سده جگر یا کچین  
 نیروی و ابواب گفته که اهل خراسان جهت حرارت کبد همیشه استعمال میکردند با مار الشیخ و ابواب  
 نهاد و میکرد بر جگر جهت او را در بارده صلیبه تریاق الانسان که جهت در انسان که بسبب  
 سردی باشد نهایت مجرب است صس فلفل گرد عاقر قرحا الگوزنه کچرنگ لاهوری بر آب کوفته  
 بنجیه با عمل خلوه سازند و در سینه خشک کنند و یک خلوه زیر دندان بدارند تریاق  
 الانسان و دیگر جهت درد که بسبب سردی بود مجرب نوشته اند صس چند بید حلیث  
 مر فلفل زراوند و حنظل میوه افیون بزر الیچ مساوی کوفته بنجیه با عمل شستن و بنجیه  
 بدان آلوده بر دندان نهند یا حب ساخته در دهان گیرند تا قم گوید که در بعضی از جگر را در

یافته شده اگر مراد این تریاق داخل کنند احوط خواهد بود تریاق نثر که نام لونی است که در منع  
 تخنن مواد نثر که نثره سرفه مجرب است ص اسطوخودوس پنجم گل گاوزبان ششم مورد کشمش  
 خشک هر یک درم تخم کاهو بیست درم نیر البلیغ کوکنا هر یک سی درم تخم ششاش سفید هجده درم  
 در آب بنمایانند و بپزند و قند سفید شصت درم اضافه نموده بقوام آردند و گل سنخ و کشمش و رسته  
 نشاسته صمغ عربی کثیر امضا ص هر یک پنجم درم نرم ساییده در آن ریخته شربت سه شقال نوشته اند  
 اما سقوف برای طیب و حال مریض است تدبیر حکیم صدر الدین نقل کرده که در او درم خصیه بود  
 اطباء از علاجلش عاجز آمده بودند شخصی مرا گفت که قریب به بند دست از طرف ابهام از جانب که درم  
 در آن جانب است داغ نمایند که رفع درم و الم آن میشود چنین که درم بعد و سه روز بالکلیه رفع  
 و درم شده باز بعد از مدتی عود کرد و باز چنان که درم باز رفع گردید و دیگر عود نکرد تدبیر دیگر از برای  
 درم ششمین صاحب کتاب عین الحیوة ذکر کرده که رکی بر پشت ابهام بکشاید از دست مخالف  
 و گوش از آن جانب مخالف و درم نیز سوراخ کند یعنی اگر درم در خصیه راست باشد رگ پشت ابهام  
 دست چپ را بکشاید و گوش چپ را سوراخ کند سوراخی فراخ و اگر در خصیه چپ بود رگ ابهام  
 دست راست بکشاید و گوش راست را سوراخ کنند و اگر در پیر و دوطرف بود رگ هر دو طرف  
 باید کشود و گوش هر دو طرف را سوراخ باید کرد تیراب فاروقی گوشت فاسد بخورد و جراثیم  
 باصلاح آرد ص شوره قلمی بهنگمی نوشاد از هر یک یک سیر و قرع و انبیک کنند شنبلیله که در  
 قرع خالی باشد اول آب سفید خواهد برآمد و بپزد و آب بدن شروع کند تا مایه وصل کرده هر قدر که خواسته  
 باشد بکشد باب الثمار المشکله ثنادریطوس سمی با سم ملکی است که حکما بر پیش از جانین  
 جهت او ساخته اند صداع مزمن و فالج و رعشه و لقوه و صرع و اوجاع معده و کبد و طحال و جرب  
 و تارکی چشم و جمیع امراض بارده رطبه را نافع است و مدربول و حیض و سنگ کرده و مثانه بزرگ  
 اسهال بی شفت نماید ص صبر سقوطی پانزده درم غار یقون هشتاد درم زعفران و حبه  
 بچ مصطک روغن بلسان از هر یک سه درم ریونید چینی یک درم و نیم عود بلسان تفاح اذخر حاما

از هر یک یک گرم که در یوس قسط افشون از هر یک چهار درم نیم او پود کوفته بنجیه بروغن لبان  
چرب کنند و با سه چندان غسل بیشتر شربت چهار شقال و قوت آن تا چهار سال باقی است  
باب الحجامه و علاج بالضم والتشدید بهو السبل المطبوع فی بار الورد حیث یتقوم و قد یخیز من لکله  
قد یطیق و یرا و انفسه نفس اند سفیکین با کمین گلاب بچوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و اگر  
گاوزبان که باقی گل گاوزبان با در بنجیه گل سرخ اضافه کنند و تقویت دل و دماغ و معده قوی خوا  
بود و علاج است بحیث تقویت قلب حسن آب سیب یک جزو آب انار مثل آن عرق گاوزبان  
چهار جزو عرق سیب و شک گلاب از هر یک دو جزو عرق گل سی و پنج جزو نبات سفید هموزن همه  
در ستور شربت شکر و غشک بقدر مناسب اضافه نموده بکار برند و علاج نافع از برای نفوس  
باه و قتی که سبب آن استغراق کثیر باشد نفس نبات سفیده ورم عرق گاوزبان تودری سرخ  
و سفید هر یک سه درم نبات را در عرق حل کرده بقوام قوی آورده تودری بران پاشند هر صبح  
و شام بخورند و غرض آنکه آب گوشت بزه در لاج و کبک و هر لیس معمول از گوشت اینها و زرد  
شتر مرغ و علاج کتبیه ریجی و مائی و قتی را که سبب آن رطوبات فرقه باشد نافع است حسن  
شکر کرس اینسون یا شخواه را زیاده که و یا هر یک سه درم بچوشانند و صاف نموده کانگبین غسلی  
در آن اندازد و در آن حل کرده صبح ناشتا بخورند تا چند روز غذا لطیف و سبک بخورند و همچنین سبب  
کلی است و است قرائش تا چهار سال باقی است و شکری او را که گشتند و گانگکریا سی گویند قوتش  
او سه سال و ادرام و سائر ورم گرم و شک و دودم و راول و دم گرم و در یوس است معتدل است  
و دماغ و بنجیه رطوبات غریبه معده و بعد از غذا نافع صعود بخار بدماغ و عملی جهت ترو  
و تقویت بار و ادرام و جهت مفصل و فقر و فحاش و قشنگ گوده و مشاء و عسل و دل  
در لاج او نیزه جهت تسکین راج غنیزه و در کوفه نیم طعام نافع و چون او را با بلع نبرد و تخم کرس  
بچوشانند و صاف نمایند و بکار برند جهت تقویت معده و از آنکه قوه و استرخا و ابتدای  
جرب است از و شکری او جهت ابتدا و سه اس و خون نافع و چون گشتند را با مثل آن

اسطوخودوس و نصف آن مرای بنفشه مفرج کرده مداومت نمایند جهت ازاله رمدگنه و بخار و  
ضعف باصره و در سر و شقیقه و اخلاط سوخته و رفع سدر مجرب میدانند و چون با تمرین می نمایند  
بجوشانند جهت ازاله امراض مذکور نهایت مفید نوشته اند و چون سرد و قسم گلشن را بجوشانند  
وصاف نمایند نائب مناب شربت و رد کرد آسته اند و گویند مضر جگر و مریث تشنگی است و  
مصلح آن خنثاش و قدر ترش در مطبوخ با چهارده مثقال از ترش حیث استعمال شود و در مطبوخ چند بادکوبه  
و هرگاه بثلث برسد استعمال نمایند ضرر او بجز خلاف قیاس و تجربه است صاحب شفا را الاستقا  
در بحث تب و ق نوشته که اگر شکم از تناول شیر نرم شود و گندند و بند تا قبض شود و بیخ رئیس  
فرموده که مدقوق را گلشن طبری بسیار دهند تا آنکه تا نخورش بهم چنین باشد نفع عظیم خواهد نمود و حکایت  
بهترین باب نقل کرده که عورتی مبتلا به این مرض بود و نزد یک برک رسیده و گند بسیار می خورد  
که اگر بیان شود شایعش محمول بر کذب خواهند کرد شافی حقیقی آن زن را بهیست استعمال چنین  
شکری شفا داد طریق ساختن آن گل سرخ را از اقیاع و تخم پاک کرده از چند دست بنفشه  
که خوب در هم شود و باقیده مسحوق یا شکری بپایند که خوب آینه کرده و ناسه رفته و شام برهنه  
پس چهل روز در آفتاب گذارند و سرگاه شکری کند دیگر آینه زد و شکریه چند یا چهار چند گل سرخ  
باید و ظرف را محلول نگذارند که جای غلیان باقی ماند و بعضی ایرو و سر روز شریک و احتیاط  
لازم میسند و عملی را باید بوزن مذکور غسل کف گرفته اضافه نموده در آفتاب گذارند و بعضی بگویند  
برگ گل و پیچیدان قند یا شکری آینه زد تا نیک مخلوط گرد پس غسل کف گرفته بپوشانم آورده و هم  
جمله اضافه می نمایند و می مالند تا نیک آینه شود و سرگاه که گل تازه بنفشه خشک آن در  
گلاب تر کرده نرم ساخته بدستور مرتب سازند و گلشن تازه غلیظ الحار است از نسبت گفته بود  
چنانچنین گاوزبانی بهت تقویت داغ و دفع ماده سودا و تقویت دل مجرب است ص  
گل گاوزبان تازه یک من قند سفید دو من بطریق معروف باهم میسهند و اگر تازه نباشد  
خشک آنرا بگلاب تر کرده توان ساخت و گلشن که از گل بر و تفاح و گل سیبوی بسیارند

مقوی معده و دل و دماغ است و شدید التفریح و ترتیب همین است که بیان شد جوارش  
 معرب گوارش معنی باضم و شیخ داود در تذکره نوشته که جوارش در زبان عربی سخن لطیف است  
 و بعضی نوشته اند که معنی آن قطع اخلاط است را قلم گوید که استفاده این هر دو معنی از لفظ جوار  
 بعید می نماید جوارش عبارتست از و برودت معده و بدی هضم و اوجاع رحم را نهایت نافع  
 و برای پیران بسیار مفید است از بقای حش قاقله کبار و صغار بسیار در چینی از هر یک چارم  
 زنجبیل و دار فلفل از هر یک درم و دانه مصطکی غنیمت قرقر فلفل زعفران از هر یک دو درم جوز بوا  
 پنج درم مشک یک درم کوفته بنجینه بوسل سببند شربت یک مثقال جوارش چالیس  
 این جوارش را خاصیت بسیار است و همه اعضا را قوه دهد و بوی دهن خوش کند و بادها  
 بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز دارد و باه را زیاده قوت دهد و دیوانگی برود و صرع  
 و سعال بلغمی و بواسیر و قوبا و لقرس و هلق و حصاة و کلیه و مثانه را نافع بود و سیاهی سوراخها  
 و گفته اند که هر که بیست روز بدین جوارش مداومت نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن گردد  
 ص سنبیل الطیب سیلنه و چینی خولجان قر فلفل سعد زنجبیل فلفل سیاه دار فلفل قسطبجر  
 عود بلبان اسارون تخم مورد و صلب الکبیر زعفران از هر یک دو درم مصطکی پنج درم قند سفید  
 بوزن ادویه تمام اجزا را کوفته بنجینه باد و چندان عسل بپزند شربت و دو مثقال تا سه مثقال بیش از  
 طعام و بعد از طعام نیز توان خورد جوارش شهریاران برودت جگر و معده و قوی و عسل بول  
 را نافع بود ص قر فلفل قرقر و چینی سیلنه سنبیل الطیب جوز بوا بوسل مصطکی قاقله حب بلبان  
 زعفران از هر یک چارم درم مقهور یا ترب سفید و جوف حب النیل هر یک شش درم قند سفید هموزن  
 ادویه کوفته بنجینه بوسل بپزند شربت چهار مثقال تا هفت مثقال باب گرم جوارش چالیس  
 معده را قوت دهد و اشتها را طعام آورد و بوی دهن خوش کند ص پوست اشیخ خشک  
 سی درم قر فلفل جوز بوا دار فلفل قاقله خولجان زنجبیل از هر یک یک درم مشک دو دانه کوفته  
 بنجینه بوسل بپزند جوارش شش درم معده بار و اگر کم کند و اشتها را طعام آورد و دانه بنجینه

حص آن قرفل دوم سنبل الطیب یکدرم عود پنجدرم نبات فیدیکین نبات زورگلاب بکدارند  
 و بقوام آرند و فرو گیرند و بکفته بزنند و اجزرا را کوفته بخیته بر آن پاشند و بر روی سنگ نهند  
 چوارش مشک خفکان و بوا سیر را نافع بود و باد های معده را بشکند حص جوز بو ا قافله  
 زنجبیل دار فلفل از هر یک ده درم مشک خالص نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته  
 بخیته بعسل بزنند چوارش تخم میخوسب بسوی اطباء خورستان طعام را هضم کند  
 اسهال باز دارد و سپهر را بکدازد و تشنه را نافع بود و او را رول کند حص قره قسط سنبل  
 حب باسان سیلخه از هر یک ده درم جوز بو پنج عدد قافله کبار و صندار قرفل انیسون  
 اکلیل الملک شیطرح نار مشک از هر یک چهار درم لباسه درونج عقری از هر یک درم  
 ریونید چینی زراوند مدح آشنه هر یک پنجدرم بلبله سیاه پوست بلبله کابلی بر روغن ترب یا  
 کرده از هر یک هشت درم بلبله ده عدد تخم سور و بوزن همه او و نبات و وزن او و پودر گلاب  
 بکدازند و بقوام آورده دار و را کوفته بخیته بدان بپزند و بعد از دو ماه استحصال نمایند چوارش  
 لباسه بوا سیر و برودت معده و سوء هضم را نافع بود و باد های غلیظ دفع کند حص نبات  
 قره قافله صندار زنجبیل دار فلفل و چینی اسارون از هر یک یک درم قافله کبار پنجدرم  
 فلفل دوم قرفل یکدرم تخم قند سفید بیست درم کوفته بخیته بعسل بپزند شربت کینشال  
 چوارش و چینی ضعف معده و کرده و مثانه را نافع بود و باد های غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ  
 دفع کند حص و چینی عود هندی راسن از هر یک شش درم قرفل فلفل سیاه دار فلفل  
 سنبل الطیب اسارون از هر یک پنجدرم زنجبیل ده درم پودینه هشت درم جوز بو او  
 مصطک انیسون باویان سیلخه از هر یک ده درم کوفته بخیته بعسل بزنند چوارش زنجبیل صندار و قافله  
 ز نافع بود و طعام هضم کند و باد را بشکند و اسهال باز دارد حص زنجبیل بیست درم صندار  
 خیر بو از هر یک ده درم قرفل و چینی از هر یک پنجدرم جوز بو ایک عدد زعفران یکدرم نبات  
 چهل درم و در بعضی نسخه عوض نبات لباسه است و نزد اقم همین اولی است و شکایت

۱۱  
 نمودن متقال چو ارش سوکل نسوب بسبب است جهت تقویت معده و سوزن معده  
 است ص سینل قرفل و ارچینی جوز بوا قاقله زرشک سیرک یک متقال فلفل سفید زنجبیل  
 جنید بیدستر سیرک و متقال لبان ذکر ابض چار متقال قند سفید برابر همه او و یک کوزه  
 بنجته لعسل صاف بسوزند شربت یک متقال چو ارش کافور جهت ضعف معده و جگر نافع است  
 و اعانت میدهد بر فهم را و دفع میاز در یاج را ص کافور زعفران عود قاقلین کباب کاشمش  
 قرفل شنه سینل الطیب لباسه صندل سفید فلفل و انار فلفل و ارچینی شیطخ زرشک  
 شقاقل خولجان جوز بوا زنجبیل سعد فلفل صوبه جمله برابر شکر سفید هم چند به چو ارش آنکه  
 معده و دل و جگر را قوت دهد و اشتها آرد و غذا را فهم نماید و این چو ارش معمول است و بود  
 ص آنکه مقشیر بچرم مصطک عود از سیرک سه درم عینر نیم متقال قند سفید نیم من آب ساق  
 آب لیمو بر یکیده درم بدستور مرتب سازند چو ارش عود شیرین منقول از خط و الیها  
 ص عود هندی و ارچینی جوز بوا قرقه قاقله صغار قرفل خولجان از سیرک پنج درم اسارو  
 زعفران از سیرک دو درم نبات سفید نصف طل مشک قبی نیم متقال عسل مصفی زدن  
 او و به جنانچه رسم است مرتب سازند چو ارش عود شیرین بنجته دیگر از جمیع الجوامع ص  
 عود هندی پنج درم پوست اترج ده درم مصطک یک متقال نبات سفید یک من و نیم پتور  
 مرتب سازند چو ارش عود به بنجته دیگر منقول از کتاب مذکور ص عود پنج درم قرفل نیم  
 قاقله صغار و کباب سینل الطیب از سیرک و درم زعفران یک درم کوفیه بنجته عسل مصفی و اترج سازند چو ارش  
 اترج ایضا از کتاب مذکور ص پوست اترج سی درم قرفل جوز بوا و انار فلفل قاقله صغار خولجان  
 زنجبیل از سیرک یک درم مشک قبی دو درم انگ عسل سه وزن او و به چو ارش عود شش  
 یار بوب ص رب سیب ترش و ده متقال رب ترش رب زرشک آب انارین از سیرک  
 ده متقال آب ترش ترش و آب لیموی کاغذی از سیرک بیست متقال نبات سفید و ده  
 متقال عسل مصفی بیست متقال مر و اید یا سفته سوده پوست بیرون پسته مصطک و طباق شیر

که برای شمع سافج هندی پوست زرد اترج بادرنجویه و اچینی و انیسون و ابریک چهار شقال  
 زعفران یک شقال چنانچه رسم است مرتب سازند جوارش انارین معمول حکیم ارشد مرحوم  
 جهت تقویت معده و جگر غریب و برای بهر ساندن اشتها عجیب صول یا نیشیرین یا نیشیرین  
 سفید هر یک سیر نخلع سبز و گلاب هر یک هفت درم سنبل الطیب مصطکی سیریکد و درم دانه الایچ  
 کلان پوست اترج ابریک چهار ماشه پوست بیرون پسته یک درم دانه الایچ خورده باشد بتور  
 مرتب سازند جوارش انارین قاقص معمول حکیم مذکور ص قند سفید یا دانه آراب همیشه  
 شربت حب لاس هفت دانه آب انار شیرین و ترش هفت دانه شربت لیمو آب بودینه سبزه  
 شیر و برای هر یک چهار دانه گلاب و دو دانه مصطکی و دانه پیل زیر مهر و خطانی هر یک سه ماشه گل سرخ  
 زرد و روح ترکی جوز بواطبا شیر هر یک دو ماشه بدستور مرتب سازند جوارش حب لاس  
 و اسهال سعدی را نافع بود و قی که از بلغم و رطوبت بود یا زرد و ص سافج هندی همانا زرد  
 چهار درم جوز بواطحا کرفس ناخواه هر یک پنج درم مصطکی قروانا انیسون و کرمانی سنبل الطیب سیاه  
 قسط هر یک شش درم فلفل و از فلفل تخمیل هر یک ده درم بلبله سیاه پوست بلبله آندقی طالیسفر  
 هر یک هشت درم حب لاس و زعفران کوفته بخینه فلفل شش درم یک درم جوارش خولجان برای  
 بهضم طعام و طرد راج و سردی جگر مفید ص تخم کرفس انیسون زیره کرمانی طالیسفر کویا هر یک  
 یک درم خولجان و فلفل فلفل سعد یک درم پیل و اچینی نارمشک هر یک سه درم و فلفل  
 شش درم تخمیل شبت درم فانیذ شکر سه چند شربت دو درم جوارش از مجموع ص شک  
 دو دانه سعد کونی نیم درم فلفل از فلفل تخمیل یک یک درم نارمشک یک درم و نیم قره و فلفل  
 سنبل الطیب و اچینی قاقص صغارب سافج زعفران جوز بواطبا هر یک و درم عود غرقی پوست اترج  
 نیم درم ص قند سفید کربن جوارش ایضا از مجموع ص شک فلفل هر یک یک شمشک  
 عود غرقی پوست بیرون پسته هر یک و درم آب لیمو کجی غذای هفت عد و نبات سفید نیم بطریق مقرر  
 سازند جوارش که اسهال صغاربی مشتت کند ص سفوف یا نیم درم عود خام مصطکی هر یک درم سفید



چهارم غسل بپوشند شربت پنجم باب گرم جوارش کسری صاحب ذخیره گوید که من در شهر  
 پنج شخصی را دیدم که او را در معده بود بسیار علاج کردند هیچ دارو شفایافت اما این جوارش  
 گویند که هر کسری اول مرتب ساخته شده جهت خفقان و بیمار بهای رحم مفید و مصلح بسیار  
 افص غنبر اشتب یک مثقال روغن بلسان دو درم انیسون نارمشک تخم کرفس نیمه  
 فیون بنزد الخ سفید برگ بادرنجویه هر پنجوش زعفران سه ریگ سه درم قند فلفل کبابه فلفل صفا  
 لبار سه ریگ پنجم غنبر اشتب در روغن بلسان بگذازند و افیون را در شراب حل کنند  
 صلی کت گرفته بپوشند و دو ماه بگذارند و گوی شش ماه می نهند شربت دو درم جوارش  
 له لوی معده را قوت دهد و اشتها آورد ص شیر آبله دوازده مثقال طباشیر سفید صندل  
 عاق منقح زر رشک گل سرخ بادرنجویه پوست پیرون پسته از هر یک یک مثقال کشنیر خشک  
 فشر تخم نرنگه از هر یک دو مثقال مروارید ناسفته چهار دانگ غنبر اشتب ورق طلا ورق نقره  
 هر یک دو دانگ نبات آب پیسیرین از هر یک و دو وزن اوویه بدستور مرتب سازند جوارش  
 به لوی دیگر ص شیر آبله منقح زر رشک بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان و آب انار  
 بزن و آب انار ترش ص عرق بیدمشک بادرنجویه پنجه از پارچه سیاه اندیش شیر و نبات سفید فلفل  
 ده بقوام آید بعد از آن مروارید یا قوت رانی که برای شش و این ص مشک از هر یک شش ماشه و آب  
 مل طباشیر سفید ابر ششم مقراض صندل سفید گل گاوزبان کشنیر خشک مقشر از هر یک تو او  
 را ورق نقره از هر یک سه ماشه پوست زرد آتش نه ماشه غنبر اشتب سه ماشه بدستور بیان کنند  
 ربت شش ماشه جوارش استخوان از کامل النساءه نافع برای نفخ بطن و معده و قرق و نفخ  
 ام و برورده معده و گوده ص کا شمشیر و درم فلفل تخم کرفس از هر یک و دوازده درم قند فلفل  
 لرع خشک سیالیوس از هر یک سه درم اوویه را کوفته بخیه لعسل کت گرفته بپوشند و در  
 ی نگا بپارند و در وقت حاجت بکار برند جوارش غسل بلا درستی سمی جوارش حبه انظر  
 از برای استمرار بهتطلاق بطن و برورده معده و از برای بواسیر و اشتها طعام آورد و بپوشند

فریب کند و حفظ بفرایند اجزا آن منجمد شیخ رئیس که در قرا با دین قانون ذکر کرده عمل بلاد و بنه الحضر  
 کجند مقشر هر یک شش استار شکر طرز و بیت و چار استار پوست بلبله کابل پوسیدنی آله منقی زنجبیل  
 و از فلفل اتیج کابی ساخن هندی شیطی هندی از هر یک چار درم کوفته بخیه اول مرتبه ادویه بر لعل  
 بلاد و رسته بروغن گردگان چرب نمود و لعل قدر کفایت بپوشند و نگاه دارند شربت ازین جوارش  
 دو درم با تخم کاه و طعام درین مدتی که این جوارش خورده میشود باید که شیر و برنج باشد و گوشت  
 نخور و بلکه هر دو ای که بلاد و رسل بلاد و داشته باشد هر گاه خورده شود باید که گوشت با سوتوف باشد  
 و گفته اند که این جوارش گرم است در وسط درجه سوم و خشک در آخر درجه سوم جوارش خست  
 مطبوخ منجمد شیخ رئیس صالح است از برای ضعف معده و حراره مزاج ص خست الحیدر لعل  
 پوست بلبله زرد بلبله سیاه پوست بلبله آله منقی گل سرخ گلزار فارسی از خرمکی اجزای مسادی  
 همه را در شراب ریجانی بپوشانند تا غلیظ شود پس پیالایند و نگاه دارند و هر روز از آن مقدار سه اوت  
 تناول نمایند جوارش خست الحیدر مسک سحر است از برای مزاج بود  
 و ریاح حاد است از غلط خام و زرد دم بود اسیر ص بلبله کابل بلبله سیاه شیطی تخم که فسن از هر یک  
 شش درم پوست بلبله آله منقی ناخواه نو دری سسغ و زرد و از فلفل کجند مقشر از هر یک چار درم  
 قره سنبل الطیب جوز بود و فلفل و از هر یک هشت درم میل بود قطعه سیلین قره فلفل سیاه سنبل  
 نارنگ از هر یک شش درم سعد کوفی چار درم خشک پتی و دوشمال غنبر اشپ یک شتال  
 خست الحیدر بر لوزن مجموع ادویه و روغن گاو ده استار ادویه را کوفته بخیه بروغن گاو و چرب  
 کرده لعل کف گرفته بپوشند شربت دو درم با شیر گاو و پادوخ گاو که مسکه آن را گرفته باشد و شربت  
 دو هفته شوالی بخورند جوارش خست الحیدر قوت باه را زیاده کند و ضعف معده را سده دارد  
 و کوثر اصاف نماید و بود اسیر را بپوشد بود ص آله منقی و از فلفل زنجبیل زرد کابی و شربت  
 پوست بلبله تخم که فسن کند تا تخم بر جرم تخم شام تخم که سیلین سعد کوفی و از پتی قره فلفل جوز بود و از  
 سیاه سنبل خنجر گل سرخ قاقا که با رنگ عود هندی بر لعل و درم تخم سپند ان سید و از

خشت الحامی در بر مساوی وزن تمام ادویه دواها را کوفته بخینه با عسل کف گرفته سه وزن ادویه  
 بپوشند چوارش کندری بنخینه پنج بوجلی سینا که بجهت جمیع انواع فتق و قیله قوه و بهر ص  
 کت در شصت درم فلفل و در فلفل از هر یک ده درم نبات سفید شصت درم  
 زنجبیل خوبان از هر یک پنج درم مشک خالص نیم درم  
 کوفته بخینه با سه وزن مجموع ادویه عسل کف گرفته بپوشند شصت درم چوارش تقاضا جهت  
 تقویت معده و قلب و احشاء و باغ نافع است و باضمه را قوی گرداند ص بکیزد یک رطل  
 سیب اصفهانی رسیده کهنه پوست و تخم آن دور کرده باشند و با شراب ریحانی بپوشانند تا ممل  
 شود و با الایند و نیم رطل قند سفید و نیم رطل عسل مصفی بقوام آورند پس فلفل و در فلفل قر قتل از  
 هر یک دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود و سندی پنج مثقال کوفته بخینه با  
 بپوشند و در ظرف نگاهدارند چوارش طباشیر کتهوی معده است و نافع صعود اخوه صفرا ویدان  
 معده و باغ است و برای سدر و دوار که حادث شود بسبب سوء مزاج صفراوی معده ص  
 کل سحیح منزع الاقماع صندل سفید آله منقی طباشیر سفید کشتیز خشک از هر یک ده درم حب س  
 پوست انج ساق منقی مصطک از هر یک پنج درم کافور قیصری یک مثقال مجموع را در سه وزن ادویه  
 آب بشیرین و یک وزن قند سفید با گلاب بقوام آورده بپوشند شصت درم و مثقال چوارش  
 قند از لیقون این چوارش از رویان است نافع از برای ضعف معده که تولید ریاح در آن بسیار  
 باشد و از برای ضعف کبد باره و استسقاء طبعی و از برای دروشت و در کرده و معده ص آن  
 بنخینه شش درم زنجبیل سنبل الطیب از هر یک شش درم مصطک رومی ناخواه چهار درم کزبر  
 نفع خشک از هر یک پنج درم سلیمه زیره کرانی حب بلسان عاقر قرحا از هر یک دو درم سنا  
 سندی یک درم کوفته بخینه بعسل مصفی بپوشند و در سه و خضر او نگاهدارند و در وقت حاجت بهار  
 بپزند و فراختر گرم است و در اول درجه سوم و خشک است در آخر درجه سوم حکیم بپوشند و در  
 اقرا بدین خود گفته که شصت این چوارش چهار مثقال است و در نسخه او چهار درم انیسون

داخل است جوارش کمونی بنفشه شفا نافع است از برای برودت معده و احتشاش حامض و  
برودت آتشین و فتق و قیله ص زیره کرمانی مدبر بنماه درم فلفل سیاه پانزده درم برگ سداب  
در سیاه خشک کرده و نجیل از هر یک بیت درم بوره ارنی پنج درم غسل مصفی سه وزن او ویر استور  
مقررتب سازند جوارش کمونی تنقیه و تقویت معده کند از برای امراض باره و لطلان و قن  
و کثرت سیلان رین که سبب رطوبت معده بود ص کمون کرمانی مدبر بریان سی درم فلفل نجیل  
و فلفل از هر یک پنج درم ترب سفید پانزده درم فلفل سیاه ص قن بوره ارنی از هر یک دو درم و نیم  
و درم غسل مصفی سه وزن او ویر استور تب سازند شربت از دو مثقال تا چهار مثقال جوارش  
سوی معده و جگر نافع بود و بلغم دفع کند و آب فتن از دهن باز دارد ص مسکه سه مثقال کشته  
بنجته در یک من قند سفید سی درم گلاب بقوام آورند و بر وی سنگ که بر وزن بادام حریب  
کرده باشند بریزند و راقم قدر قند نصف بکار می برد جوارش لولونی مقوی معده و اعضا و  
و مصالح حال چنین از اسقاط حریب است ص مروارید ناسفته یک درم عاقر قرحا درم نجیل  
مسکه از هر یک چهار درم زرباد و رنج عفری تخم کرفس شیطاح هندی قاقه جز بوالب با سه وزن  
از هر یک دو درم همچنین فلفل و فلفل از هر یک سه درم و ارنی پنج درم شکیلیانی بوزن سه  
او ویر شربت بقدر یک عصفه و حفظ اسقاط چنین مداومت باید نمود جوارش قطیم این جوارش  
حافظت است و لین طبع و مقوی معده ص قرطم متشتر مغز بادام شیرین از هر یک ده جزو  
ایسون بسنج فستقی از هر یک یک جزو غسل مصفی بوزن تمام او ویر استور قدیم جوارش سازند  
و اگر دو جزو مسکه رومی افزاید افوی خواهد بود جوارش صندلین مقوی دل و دماغ و حاکم  
اسهال صفراوی و واقع خفقال و معمول و محرب حکیم محصوم شیرازی ص مروارید ناسفته  
فرفری از هر یک دو درم صندل سفید بگلای سوده خشک نموده ده درم صندل سنج بگلای  
سوده خشک ساخته پنج درم طباشیر سفید تخم خرفه متشتر بوداده تخم کنیر خشک بریان کرده پوست  
پیران پسته کنیر یک و دو درم مسکه زعفران از هر یک یک درم مسکه تفتی خالص بنیرم آب شکر

پنجاه درم گلاب سی درم قند سفید کمین قند را در گلاب گذاشته بقوام آرد و در آخر قوام آب شکر  
 شریع و افعل سازند و بقوام غسل متعقد آورده چنانچه رسم است معجون سازند خوراکی سه درم تا پنجم درم  
 جوارش آله قوی معده صحت آله منتهی نیم آله شرب در گلاب نیم آله عرق بید مشک نیم آله  
 بخینانند هیچ خوشایند هر ساخته از پارچه گذرانیده نبات سفید سیاه و غسل معصی نیم آله و در خل  
 کرده بقوام آورند و در این ساخته دو توله صندل سفید ایشیم مقرض غنچه گل سرخ گل گاوزبان و آینه  
 پوست برون لپسته مصطک و اچینی از هر واحد یک توله عنبر اشوب ورق طلار از هر یک سه تله  
 ورق انفره نه تله کوفته بخینه بآن تیشند و معجون سازند شربت نه تله جوارش خواج ابوعلی  
 و از موبات اوست صحت خود پندی سه درم مشک تبیی و دو انگ کافور ریاحی و انگ نیم تله  
 تاشک سفید پنج شک زرب زربا و از هر یک یک مثقال و اچینی مصطک زنجبیل سیل  
 قرضل از هر یکی دو درم لسان الثور پنجم درم تخم بویان تخم کرفس و ج سبیل از هر یک سه درم تا پنجم  
 سفید یک آله شرب شربت و و مثقال باد بکند و خفقان و شکلی دل بر جوارش ا  
 بضم هرو و سکون سین هاله و ضم قاف قسم خورده است اسفند بایمان خود که نمی شناسند هیچ دو  
 را بهتر ازین و دار قوی را می ریاید و قلع می کشاید و ریاح معده و بواسیر و رفع میساند و وجع خا  
 و ظمه را و قی را مایعی آید و قدر شربت جهت گوارش دو درم و جهت اسهال شش درم و پنجم  
 چهار مثقال نوشته از ص زنجبیل و اچینی آله مقشر قرضل بسفایج جوز بوا از هر یک دو درم و نیم فا  
 سه درم مقشر تیا بر سفید هر یکی پنجم درم قند سفید نو درم کوفته بخینه بصل شربت جوارش بر  
 قند و صفت قلوب و دفع خفقان و منع صعد و انحرور و دیه از معده بد باغ و از آله و سواس سوداوی و ج  
 است از خفیات و الیاده ص مریای لیلیه پنج عدد و مریای آله چهار عدد و انه سیل سه تله  
 کشته نیز خشک یک توله برید مشک بقدر حاجت نبات سفید دو وزن او و مریات را در آب سیاه  
 تر نماید از آن مریات را شسته شسته برون کرده در برید مشک ساییده صاف نموده و او  
 را تامل کرده کوفته بخینه و قوام نبات مرتب سازند اگر مزاج بسیار جار نباشد بقدر باشد مصطک

نیز اضافه نمایند جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد ص سماق ببت درم تخم سرخه نیم  
 خرنوب بطلی سی درم صمغ عربی گلزار فارسی انار دانه از هر یک پنجم درم کوفته بخیته با سرخه نیم  
 دیگر باره کوفته بکار برده جوارش متغلیا ساز جز و غل بوا سیرا نافع بود ص تخم تره نیک بر  
 کرده زیره مدبر از هر یک یک درم مصطکی شش درم بلبله کلان کابلی بریان کرده بروغن گاو بکشد درم  
 اوپیرا کوفته بخیته بروغن گاو چرب کرده بجلاب بپزند جوارش که قویخ و نشوده و بوا سیرا و اوپیرا  
 را که در معده بود سود دارد ص سنبه نیاترید سفید از هر یک پنجم درم فلفل قاقله از هر یک سه درم  
 زنجبیل و ارچینی آله متقشر فلفل بسطاج خیر بود از هر یک دو درم و نیم قند سفید نو درم کوفته بخیته  
 بپزند شربت چهار شقال جوارش عطائی کرده و دماغ را قوی گرداند و فی را بپزند این چوب است  
 صن بهنن تو درین تخم اسپست مغز تخم خربوزه تخم خرچهر تخم سیاه تخم حاض تخم انجیر تخم لبلون که ترا تخم از  
 هر یک سه شقال شقال شقال مصری قاقله صندل از فلفل خولجان و ارچینی زنجبیل قند هر یک یک شقال  
 تخم بختی سفید سه وزن اوپیرا زنجبیل را یک ششب و شرب که و غیا بپزند فی الیون صافند نموده  
 برایش نهند تا غلیظ شود و فرو آورده دارد بار کوفته بخیته بدان بپزند و در ظرفی کهنه شربت  
 سه شقال نامیت درم باشیر کا تازه جوارش بکار حاجت پشت را قوی گرداند و با سرخه نیم  
 معده را قوه دهد ص آن بکشد صمغ عربی نیم انار در و ویر بروغن گاو و بریان که کاسه کشی درده  
 صمغ را جدا دارند و روغن را جدا بپزند از آن بپایند اسکند و سولی سیاه و زنجبیل از هر یک  
 بیست درم کنکول پانزده درم و ارچینی خولجان که با ارچینی بسیار عاقره و از هر یک چهار درم  
 قند فلفل بوز بود از هر یک ده درم حله را کوفته بخیته و روغن گاو و بریان که کاسه کشی درده  
 سازند و شکم صمغ دو سیر نبات سفید و آتار بقوام آورده صمغ را کوفته و دران داخل کرده نیم  
 زنند تا چون حله شود آتش فرو آورده اوپیرا کوفته را دران داخل کرده نگاه دارند و بپزند  
 بیست درم بخورند جوارش کسی را که شهوت باه منقطع شده باشد بکار بکشد ص مغز خر و  
 بچوب یک شقال فلفل سفید استقیل شوی که بپزند متقشر دار فلفل زعفران هر یک یک شقال

و نیم تخم خندوقی ششقل مصری تخم شلغم پیاز سفید تخم جویبر خشک تخم کنز تخم انجور خفیه است  
 اگر ده تنقه قورحک قط شیرین بر یک دو تنقه و نیم مغز سر برده شیر خواره و داغ کنجشک خایه  
 سوسو گوشت قدیر اسوس بر یک پنجتنقه و اگر گوشت راسو و خایه سوسو تا نبود و ذکر کا و خشک کرده  
 و ذکر اسب خشک کرده و سوده بر یک درم بدل آن کنند پس تخم بابکو بند و نیزند و قنده و حاک  
 با پنجتنقه انگبین بگذارند و مغز با همه در ماهون کنند و بسایند بعد از آن با ویه خیر کنند و با سه چند  
 غسل بیشترند و در ظرف آگینه یا چینی کنند و شش محکم به بند بعد از چهار روز استعمال کنند شربت  
 از یک شقال تا بهشت شقال آب جویبر یا شیر یا مار العسل و غذا اسفید باج و گند ناد خود پیاز  
 که با گوشت دروغن کا و پنجه باشد جوارش بلاد این جوارش از تالیف حکما راست و بعضی  
 گفته اند که این نسخه بوجی بحضرت سلیمان علی نبینا علیه السلام مازل شده زیاده می کند باه را اصل  
 است از برای دفع که فرین شده باشد از برای بروذ راج و نسیان و نیامی کند رنگ را و نیز میگوید  
 حص فلفل دار فلفل بلبله سیاه پوست بلبله آله منقی چند بیدستر از بر یک چهار درم قطعه بلاد  
 به پنج کاغذی نبات سفید حب انار از بر یک دوازده درم سدر کوفی بهشت درم بلاد در انتها گفته  
 و باقی او ویه را کوفته بچینه مسکه کا و غسل کف کوفته بچوشانند تا بقوام آید و او ویه را بان بیشترند  
 و بعد از شش ماه پوزن و دو درم از آن با مطبخ کرفس و رازیانه بخورند و در ایام خوردن این جوار اگر  
 باید که تعب و غم و خرن و شراب بسیار نوشیدن و جماع کردن و خوردن گوشت ملاحظه نمایند  
 جوارش فربه کننده حص همین نسخ زراوند مدح کبیر صاحب الحضره القوری سرخ و زرد  
 بعد از شش روز مغز لپه لپه است خود مغز با و ام شیرین کچند متش مسامی نرم بگویند و و مثل گل  
 و حله بسته بریان کرده اگر نموده بار و شن کا و بالاند و غسل بیشترند و شربت بخت زبان  
 بقدر گردگانی و برای مردان بقدر تخم مسخ جوارش فوا که معده و جگر و دل و احشاء را  
 ت در دوقی باز دارد و صفرا دفع کند و نقل بدان منع خامی کند حص آب انار شیرین  
 شش آب سیب آب آمود آب غوره آب زرشک آب سماق آب لیمو محبوب

مسادی بچو شاند تا بلبی بماند پس فرو گرفته قند بقوام آورده و کفچه بنزند و آنها داخل نمایند و در وقت  
 سنگ ریزه چوارش عود و سادو حص عود هندی بنجدرم پوست اترج مصطکی از هر یک یک کپ  
 نبات سفید یک من نبات را بقوام آورده او را به ایوان بنهند و در وقت از دو درم تا دو مثقال چوارش  
 چینی ترکیب هندی است و در تقویت معده مکرر تجربه رسیده چون زنها بعد ولادت استعمال  
 نمایند جهت ریست و قلع سیلان و آب فرج و فکلی آن بسیار نافع حص لباسه زعفران الونگی  
 خور از هر یک شش باشد چوب بوسه باشد و فلفل سیل حبثه و ارچینی گل پسته گل سیاری از هر یک یک  
 یک توله خراگوبه هر یک دو دانه درم روغن زرد یک نیم پاوشک سره باشد سره سیاه و سره  
 نقره بیست و پنج عدد چوار اراج گوگل ترکیب هندی است جهت فالج و لقوه و عرشه و دیگر امراض  
 بارده و ماتی را قلم و استاد اکثر استعمال کرده و منافع بسیار مشاهده نمود حص سوته پیرا سیل  
 حبثه حبثه بلبل بنیک در روغن گاو بنشته اجود شرف زرد زیره سیاه زیره سفید بنکار  
 اندر چو شام ماده بای بنکس کچ پیل لنگی تیس بهارنگی تجو یا حبثه اشبار مسادی که در وقت  
 مضاعف آن تر بهله بگیرد و بعد از آن تر بهله و اشپای سابق بموع را وزن نموده هم وزن بموع  
 گوگل بگیرد گوگل اگر بهینیا باشد بهتر است بموع را سائیده کوفته بمیخه بنجدرم سادو باشد یا  
 گرم وقت شب بخورد و خوراک تمام بکتوله چوار اراج و دیگر تالیف پدر حکیم فتح الله معمول هم  
 و را قلم است و این ترکیب در فوائد مذکوره اقوی از ترکیب اول است حص و از غافل  
 فضل بهنگه از هر یک درم زنجبیل قسطا تخ اندر جو دیو دار نه بنز عاقر قرحا فضل معین زهر  
 از هر واحد شش درم بود و بنجدرم گوگل سیل کل انجرا کوفته بمیخه نگا بهار دو گوگل را نشو و  
 و بر روغن بادام چرب کنند و باز بگویند تا خوب باریک و نرم شود و انگاه از برای تپیدن  
 داخل کنند و روغن بیا نیز و باز بگویند و همچنین کنند تا تمام انجرا آمیخته شود و یک توله  
 کامل است چوارش عود و حاض نافع از برای برووت معده بهرگاه سود فراج بار و بادا  
 بنود و بن مال شلخی و شنگی باشد بکار آید حص عود هندی خام ده درم سنبل الطیب فاقه



از عرفان پوست اترج قنصل و از چینی بادرنجوبه مصطکله رومی طباشیر سفید از هر یک یکدرم آب  
 سیب ترش پنجاه مثقال گلاب شصت مثقال آب لیون نود مثقال قند سفید و عسل مصفی  
 از هر یک هفتاد مثقال به دستور مرتب سازند شربت از یک مثقال تا دو مثقال چوارش  
 غلاظی در دمه و شصت گلی را مفید باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را بهضم نماید و  
 حمی را از آن گرداند و صفت بنفشه صاحب کامل الصانع قنصل سیاه قنصل سفید و از قنصل از  
 هر یک بیست و درم عود بلبلان ده و درم بنجیل شش گرم کرفس سیاه نبر سیاه لیون اسارون  
 اسن از هر یک یکدرم کوفته بنجیه پاره وزن او و نیم عسل مصفی گرفته به شربت شربت یکدرم  
 آب کرفس چوارش سه شل تنه به حده کند و دفع فضلات شود و صفت ترید سفید تراشیده  
 بروغن بادام حریب کرده بنجیل بنجدرم قند سفید پنجاه و درم اجزا کوفته بنجیه به دستور مرتب سازند  
 شربت سه و درم آب یکدرم آب الجار الجار المله حب ایارج صداع قرص و صحر و سکنه و  
 امراض عین را نافع باشد و داغ و اعضا ریشه را از فضول و اخلاط پاک کند و صفت ایارج فخر  
 ترید سفید صفت از هر یک یکدرم حب النیل خارقون انیسون از هر یک نیمدرم شحم خنظل نکند  
 از هر یک دانگی و نیم کوفته و بنجیه آب را از یانه به شربت حب شهباز داغ را از صفرا و نفخ پاک  
 کند و صداع را نفع بود و منقول از خط استاد رحمت الله صفت پوست بلبله کابلی پوست بلبله  
 از هر یک هفت و درم قنصل ازرق یکدرم گل گسنج حب النیل از هر یک دو دانه و درم صحر  
 کند از هر یک هفتدرم کثیر سه و درم عصاره ریون مصطکله از هر یک یکدرم قنصل را در آب حل  
 و اجزا را دیگر را کوفته بنجیه حب سازند شربت از مثقال تا سه مثقال شب وقت خواب فرو برند  
 بخوابند از آنجا که تشبب استعمال میکنند تشبب می شده حب بلبله حب اقسام صداع و نفخ  
 و امراض چشم مفید و معمول است حب پوست بلبله زرد و پوست بلبله کابلی بلبله سیاه آله تشبب  
 پوست بلبله گل گسنج از هر یک سه دانه سنکی شش باشد خارقون سفید نرم ترید سفید صفت  
 خراشیده لاجور و منقول از هر یک دو و درم کوفته بنجیه از آب تازه حب بنند خوراک یکدرم

بروغن با دام چرب کرده بوق نقره پیچیده بایک گرم وقت پنج نشستن گسری چاشت باقی مانده  
 فرو برند حب بلبله دیگر محقر معمول حب بلبله سیاه بلبله زرد بلبله کابلی آمده بلبله گلشن از  
 هر یک چهار انش سناکی هشت ماشه کوفته بنجیه بروغن با دام چرب کرده حب بند در ورق  
 نقره گرفته یک دام وقت شب بوق مناسب یا آب گرم بخورند و بالای آن برگاه دو گستر  
 روز بر آید مصلوح مناسب بنوشند جهت امراض سر و چشم فائده عظیم دارد حب قوقا یا  
 حب بالینوس است صدراع و در چشم رانفع باشد و فضلات غلیظه فرو دارد و حب  
 صبره و طری عصاره افستین بطلک از هر یک یک شقال ششم خطل شقوقیا از هر یک یک گرم کوفته  
 بنجیه آب کرفس حب سازند شربت یک شقال حب مجرب منقول از بیاض پد حکیم کاظم  
 رانفع جهت درد سر و تشنیه و پیچیدگی صبره و طری جراتیه هر یک یک ماشه جاسیل دو ماشه زرد  
 سفیده اجود هر یک یک ماشه کوفته بنجیه آب کهنکنی چهارده حب بند یک صبح و یکی شام بآید  
 آب بخورند حب افیتون یعنی منقی است اسهال سودای مخرج از باطن و احلاط غلیظه  
 فاسده کند و اینخولیا و دیگر امراض رانفع بود حب آن زراوند مخرج نکس هندی از هر یک  
 یک گرم صبره و طری بنجدرم حب بلسان سیلخه سنبل الطیب اسارون و ارجشنی زعفران  
 بطلک رومی پنج اذخر مخرج ترکی عصاره افستین از هر یک گرم شقوقیا نشوی غاریون  
 سفید نرم ششم خطل از هر یک سه گرم افیتون بسفنج شقی از هر یک شش گرم کوفته بنجیه  
 حب سازند شربت از آن دو گرم و نیم وقت خوابگاه مافا تر حب افیتون منقول  
 از شقایق حب محمود یک گرم ایارج فیکرا ششم خطل غاریون حجرا شنی افیتون مقل اوق  
 هر یک دو گرم ترب سفید شش گرم کوفته بنجیه حب سازند شربت دو گرم و نیم حب لاجورد  
 جمیع امراض سودای رانفع باشد حب لاجورد منقول شقوقیا انیسون هر یک یک گرم  
 غاریون بنجدرم افیتون بنجدرم بسفنج شقی چهار گرم ایارج فیکرا شش و نیم با  
 کرفس حب سازند شربت سه گرم با مارا بچمن حب بند برای فالج حب

دار فضل تخم کمانی نمک سانهرا جو این کباب چینی برابر همه ساییده بآب گلیگوار و اگر آب یک  
 آگه باشد اقوی خواهد بود و چند بار تسقیه نموده مقدار خود حب مانند یکی صبح و یکی شام و قیت خواب  
 بخورند حب اسطوخودوس نافع است از برای صرع و الیغولیا و امراض سوداوی و بلغمی و آتشی  
 صوملی است بلبله و بلبله کابی از هر یک پنجم گرم تربید سفید و فلفل و نیم صبر سقوطی شش گرم  
 اسطوخودوس غار یقون نرم افیتون لبسفان پنج ششی هر یک سه گرم تخم غنفل یک گرم و نیم فلفل  
 فودج حبلی از هر یک یک گرم کوفته بخیته بروغن بادام شیرین چوب نموده حب با سازند شربت  
 سه گرم بآب حب برای صرع اطفال متعقل از قانون حص رکند و بعد از پدید آمدن از هر یک  
 یک باشد کوفته بخیته حب با مثل دانه خنثاش به بند حب شیطیح اسحاق که این حب  
 نافع است از برای فالج و لقمه و اگرانی زبان و در سر که از بلغم بود و بادامی علیطه را از این تحلیل کند  
 و در منافصل راد و نماید و قیض را بکشد حص صبر سقوطی بیست گرم تربید سفید ده گرم  
 تخم کمانی شش گرم حل از هر یک دو گرم و نیم فلفل دار فضل عاقر قرحا از هر یک و نیم شیطیح  
 نمک لاسوری شش گرم از هر یک دو گرم فانیذ سبزی چهار گرم اجزا را کوفته بخیته بآب شربت  
 حب با سازند شربت و دو گرم بآب نیلگرم حب برای صرع مجرب حص حب جالینوس  
 زراوند حرج چند پیستریخ هندی از هر یک چهار گرم قرص غنفل شش گرم و نیم ایارج  
 قیصر اسطوخودوس افیتون غار یقون تخم غنفل حجر لاجورد مغسول از هر یک ده گرم و نیم فلفل  
 سفید و نیم تربید سفید پانزده گرم بلبله کابی هفتی خرین سیاه کما قیطوس کما زریوس این  
 هر یک پنجم گرم کوفته بخیته بآب نیلگرم کرده حب با سازند شربت سه گرم حب که در آنکه رفته است  
 غنفل و دار و حص عاقر قرحا چند پیستریخ شیطیح زراوند هر یک سه گرم سبکی تخم غنفل هر یک  
 چهار گرم ایارج قیصر پنجم شربت و دو گرم و نصف حب سبات و سبات سیری حص  
 پیستریخ و دو گرم پوست بلبله زرد تربید موصوف هر یک یک گرم نمک هندی را زبانه تخم کمانی  
 هر یک نیم گرم ستمو نیل و آنکی و نیم بآب خالص حب با سازند و آن یک شربت است و اگر

طییب مناسب و از دود مشرب نماید حب منتق فایح و لقوه و مفصل و نفوسین و وجع ظهر  
 را که از سردی باشد دفع بود و بادهای خلیط را دفع نماید و حیض یکشاید ص سبکینج اشق جابو  
 منقل حریل شخم منقل صبر متوطری ترب سفید پوست بلبله زرد و از زردت از هر یک سه مثقال  
 از زردت را در آب حل کنند و دو بار کوفته بنجیه بآن آب بشنند و حب سازند شربت دوم  
 حب منقول از بیاض اکمل الزرقین و افضل المفقین ستمادی و ابوی و حادق  
 الملکات مکیم محمد اکمل خان مرحوم برای صرع خصوصاً سوداوی بسیار میزدست ص  
 لاجور و منقول چند پیستر و فلفل سیاه که تهنه و نیش بوی رب السوس بر یکد و در غم غلظت  
 سفید ترب سفید محوت سبکینج بلبله کابلی بلبله زرد و بلبله سیاه آله نقشه سیاه شاهره قطه سورجیان  
 مصری سنابلی فلفل سفید زعفران حب النیل و در پنج عقرنی گل گاو زبان قنه زرد بناد است  
 بسفلیج شقی افیشون اسطوخودوس ایارج فیکراسر یک سه درم کوفته بنجیه با گلاب شسته  
 حب ساخته تپیل روز در دو دست نماید و هر روز از حب آن شربت اسطوخودوس و منقل  
 بنورند حب کچال که برای انقباض و گیکاه رافض حب سبکینج و فلفل منقول از خط استاد حب  
 ص ص و اچیتی جوزی و انیساسر خود بلبله قنطاری و پراور یکس نالو کچال و توله کچال راوشیر  
 خیسانیده پوست انار و در کوه اسولان رسیده شوده حب بلبله کوه بعد از آن او و  
 دیگر کوفته بنجیه در عرق نامخواه نیم کرده مقدار خود به بندند و شامام بقدر و و خب  
 بعد از این عرق صندرو نامخواه بقدر مناسب بنوشند و کستی داشتیم که بروق برواخ او کمال  
 تیر فالت شده بود و در بار و انکی داشت و در شب تقویت و مانع بانواع بیماری  
 عامه مقویه مثل تریاق و جزآن می نمود و هیچ فائده نمی بخشید با استعمال حب کچال فراخ هم  
 با اعتدال آمد و هم ترک افیون و بیش نمود اول همراه افیون قدری کچال نیمخته استعمال  
 میکرد بعد از آن هر روز افیون می کاست و کچال اضافی نمود و قدری که از اثر زلاله باقی  
 نماند بود استعمال حب بلاد بالکل زائل گشت و چون درین حب او پی مقویه و مسک

انما نه نموده میشود در تقویت باه و امساک قاعده عظیم میدارد و اگر عقیده بعد از طهر استعمال  
 بار گیر و حب بلادر برای نزار و جمیع امراض بارده و ماغی و اعصابی و رطوبی و تقویت  
 حفظ و دفع ریاخ و سلسل بول قاعده عظیم دارد و تقویت باه و امساک و رفع سستی نماید  
 ص بکیر بلادر و مغز گردگان و کینه با السویه و کوبند بر همه را و خوب با هم مخلوط نموده حب  
 مقدار تخم و بنزد و از یک حب شروع نمایند و این حب و حب سابق را بعد از آن که چیزی ضرر  
 محسوس نشود و سه مرتبه است به قدر برداشت طبع بنیز ایند عورتی در دپا اشت بهت و دریا مال  
 این حب که بعد از آن که چیز و زکند شد و مقدار آن فرون شد تا لیل که بر فم رحم میباشند و  
 پروند و تراید بودند بالکل زایل گشتند و جمیع پانیز زایل شد و هرگاه بهین شفا قیل و نقیب  
 و غیر شمش و دیگر مغزات مثل فندوق و امثال آن اضافه شوند و تقویت باه و دیگر آماج  
 خواب بود و چون این سر و حب را بجهت امساک استعمال نمایند در آب که کنار حب بندند و  
 اگر حب از مغز بلادر یا او به مناسب ساخته استعمال نمایند نیز در تقویت باه و امساک فواید عظیم  
 خواهد بود و در دینی قاعده است و همچون مغز بلادر در معیشت معاینه خواهد آمد و در فوائد خوبی خد  
 است حب که سنگید در کتاب خود ستوده که در حق مبروح نظیر ندارد و گفته که داروی  
 بهتر ازین ندیدیم برای هر دایغ یک شقال و برای طفل بنوده قیاط ص صبر سقوطی  
 شقل ازرق یک جز و محمود الطاکلی ربع جز و گفته بنجته در آب خالص حب بند حب  
 برای گل چشم منقول از بیاض عمم حوم ص بلایه مرکبی پلاس یا پانک لاهوری هندک  
 مساوی کوفته بنجته باب سحق بلخ کرده حب سازند و در چشم کشند حب برای رسد از بیاض  
 زکیر ص شیان مایه شاگاسر حفض صبر صندل سرخ قوئل زعفران مساوی گرفته  
 حب با سازند و در ساینه شک نمایند یا شیر کشیده یا آب گلاب یا آب کاسنی حل کرده صندل  
 نمایند حب و سبب و دایع و در چشم رانفع از شفای ص صبر سقوطی بیت و درم و  
 بلایه زده و درم کثیر است که مقهور نماید زعفران از هر یک سه و درم و درق کل سرخ بنجته

کوفته بنجیه بکباب حب سازند شربت دودرم حب عشا منقول از شفائی ص  
سفيد درم پوست بلبله کابلی خاریقون سفید از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ گل سرخ و  
دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ باب حب سازند خشت اخلاط غلیظه را از سینه پاک کند  
ر بوضیق النفس را بنایت نافع باشد و امراض چشم و سینه دفع کند ص بنفشه دودرم  
ترید موصوف یک شتال محموده دانگی و نیم رُب السوس نیم درم باب کاسنی حساب  
حب جهت شکبوری ص چرک گوش آدمی جوان پوست بهیتر بر دوبرابر بسایند و با شیر  
عوره گولی برابر بخود بندند و یکب راتاده روز بعسل حل کرده دو ساعت از روز باقی  
مانده در چشم کشند حب سنج مجرب خواجه تبرک خان اگر چه ایشان در هر مرض چشم  
استعمال میکنند لیکن را قه در آخر مدسل و تحمیل مواد چشم و تسکین و جمع فائده مشابهه  
ص گیوه چار دام افیون یک دام زنجبیل ربع دام صمغ عربی ربع دام سیه کوفته بنجیه اگر  
درم باشد با کشنیر سبز و اگر مواد ناله چشم افتاده باشد در آب کوکنا حب بندند و در سایه  
خشک نمایند و بالای چشم در آب فراغ یاور آنها می مذکوره ساییده ضماد نمایند حب بنجیه  
مجبرب خان مذکور برای امراض چشم ص بیکری دو دام افیون یک دام حفض یار دام  
برگ نیب پنج عدد در عفان پنج سرخ صبر را سائیده و سرکه ای آهنی با قدری آب داخل  
نموده از دهنه آهنی خوب کرل نمایند بعد از آن بر آتش گذارند تا آب او جذب شود  
و لائق بستن حب شود حب هالسته بوزن سابق بکار برند و گاهی درین ترکیب صبر نیم  
داخل میکنند حب ممول و منقول از خط خال والد ماجد بجهت اکثر بیماری چشم مفید  
و تقویت بصیرت ص زرد چوب زنجبیل فلفل گرد بلبله بای بزرگ سنگ بصر  
اصل السوس نمک سنگ موده از هر یک یک درم مثل سره بسایند بعد از آن با شیر  
برگ نیب و شیر زرد سیاه و شیر کوبیده خمیر کنند و یک شب نگارند و صبح گولی مقدر  
چوب بندند و در سایه خشک سازند و بکار برند و بجهت نزول باب کابخی و بجهت بیاخترا

و با شیر کوبیده و بجهت گل چشم نو با شیر عورت و بجهت بیماری دیگر با شیر بز سیاه و برای دهنند باب  
 بادویان و چشم کشند حب نزله و زکام از مجربات است حب چند سیدتر زعفران هر یک یک مثقال  
 رب السوس و مثقال دارچینی افیون هر یک سه مثقال صمغ عربی کثیر انشاسته هر یک پنج مثقال  
 بقدر فضل حب سازند مقدار شربت و و حب است حب نزله از حکیم محمد باقر ص  
 زعفران بزر الیچ افیون صمغ عربی تخم کاهو پنج قلع حب السوس انشاسته زعفران از کاه  
 کوفته بنجیه باب حب سازند حب نزله منقول از بیاض والد ماجد ص غیر الیچ سفید تخم کاه  
 متشرب السوس صمغ عربی انشاسته مصلک کثیر اشک تمثال آرد یا قلع پنج قلع صمغ بادام  
 افیون زعفران تخم ششاش از هر یک مثقال نبات سفید پنج مثقال کوفته بنجیه باب شربت  
 حب سازند حب موسیائی جهت دفع نزله و زکام و تقویت و مانع و اساک نافع حب سدر  
 ماشه قرفل و دارچینی حب لبه صمغ عربی عود هندی رب السوس هر یک سه ماشه مصلک خونا  
 بهمنین هر یک دو ماشه ابریشم مفرغ چهار ماشه موسیائی کافی میده سائیده هر یک شش ماشه  
 کوفته بنجیه پودر عن بادام چرب نموده باب کوکنا خمیر کرده بر ابر بخور و حب سازند یک حب  
 صمغ و شام مخورده باشند حب المسک نافع بخوری که از فساد عود و الاستان و لثه را قوت دهد  
 و پیوسته در دهن دارند از شرح اسباب حب مشک کافور هر یک یک دانگ طباشیر نهند  
 بنورم فلفل قرفل خولجان حاقق قرطاسی ورم گل سونخ صندل صندل بلبله هر یک دو درهم  
 کوفته بنجیه باب هر دو گلاب سرشته جها سازند حب المسک بدینوه دیگر نزد یک اعتدال  
 فخر و مجرب یوسف طبیب حب مشک نیم مثقال مصلک رومی پنج مثقال نبات بهت  
 مثقال همه را جدا جدا کوفته و بنجیه بهم آمیزند و در گلابی که کثیر سفید یا صمغ عربی بقدر نیم مثقال  
 شب تر کرده صلیح صاف کرده باشند آب شربت و حب با کرده در سایه خشک سازند  
 المسک از شقایق حب مشک دو دانگ پوست تنج برگ تنج مرفر و خشک قرفل خور  
 تار مشک بیل زنجبیل کبابه لب باسه سعد هر یک ده درهم کوفته برب سبب یا رب به

بیمه سرشته حب سازند حب مهمل جهت بخوری که از حرکت موده معده بود بعد از انصاف بارالام  
 کرده چند روز تناول کرده باشند بکار آید از شفای صل آن با سیر و سرج حب انوار هر یک یکدم  
 رب السوس درم و نیم سنگه دو درم تنه و نیا مشوی سه درم گل سرخ افشتین رومی از هر یک  
 پنج درم صبر بنقوی پانزده درم و نیم کوفته خنده باب برگ ترنج حب با سبب مثل فلفل و سه درم  
 بکار ریزد اگر قوت باشد حب که داشتین آن در دهن بجزر محلی بلکه یا اکثر اقسام آن بقصد  
 صل سفرجل میان تهی کرده فلفل کوفته بجای تخم مانند و در خرقه تر به پیچیده و در گل گیرند و زیر  
 گذارند تا بخت شود گل از آن باز کنند و از خرقه بیرون آرند و گل نیشاپوری که مثل گل ملانی  
 می باشد بپوشند و از جهت محروک و کافور یک دانگ صندل یک درم زرد آلو خشک بکار است  
 دو درم با وی بیامیزند و حب سازند و از جهت مرطوب مشک دو دانگ و جوز بو اند  
 زنجبیل یک درم داخل کنند حب که حرق سنان را که از خوردن چیزهای تیر و شیرین بهم رسد  
 زایل کند صل مغز تخم خرپوزه مغز تخم باد زنگ مغز تخم کدو با سبب که تر تخمین کوفته سازند  
 حب و یک که بوی سیر و سیاه و شراب از دهن دور کنند صل مشک تنبیه هر یک یکدم  
 عنبر اشوب نیم مثقال پوست تخم مشک بیل و از جیبیل کباب با سبب سده کوفی هر یک یکدم  
 صندل بگلای سائیده ده درم در گلابی که صمغ عربی داغی در آن حل کرده باشند بپوشند و  
 حب سازند و در دهن گیرند حب جهت استمخاض زبان زیر زبان داشتین افشاید  
 بخشد صل حاکم البطم و دو درم خلطیت یک درم کوفته بهم سرشته حب سازند حب که در  
 آن زیر دندان درونک تسکین و جمع کند صل ششم مرو یک درم حاق و عا و نین هر یک درم  
 بشیر گاو ده مثقال آب کشیده سبز حب مثقال جو شائیده حب سازند و بر دندان نهند و اگر سدا  
 تازه با سوسن سیاه بگویند و بر دندان نهند همین گل که حب که صاحب خناق و سدا می دهد  
 و راسته ای زیر زبان داشتین سه درم سوسن بود و صل کافور یک دانگ تخم گل تخم خرپوزه شش دانگ  
 سماق و کثیر از هر یک یک درم کوفته با سبب بپوشند حب سازند حب که در سبب اللام و سبب



از سوز مزاج بارو باشد متحمل نشود ص فلفل یک درم خردل بریان سه درم کندر بازو و بریک  
چهار درم مرکب شد درم کوفته حب سازند وزیر زبان نگاه دارند حب جهت بستن گلو از  
از بقای ص مغز بادام تلخ تخم کتان مغز طخوزه سائیده حب بامبند در دهن نگاه دارند  
نافع برای اندمال قرصه حلق و آبله فم ص زرا لور و طباشیر سفید نشاء که با دم الاخرین  
گرفته کوفته بنجیه حب بامبند در دهن داشته باشند تا وقتی که اندمال قرصه شود حب جید را  
سجده الصنوت ص لوز بریان مقشر با قلا بریان مقشر بریک بیت درم مغز بادام صنوبر  
مقشر بریک بیت درم کثیر پنجد درم متقی دانه بر آورده بیت درم و در نسخه دیگری درم است  
متقی را کوفته با سایر ادویه کوفته بنجیه مثل کنار تنگی حب بامبند سه حب وقت صبح و سه حب  
بوقت شام آب با قلا و آب بخار را شکر سفید و روغن بادام شیرین با هم مخلوط نموده باشند بخورند  
جی که نصفه آواز نماید و ملین گلو و سینه کند و سر فرایق نماید ص مغز بادام مقشر تخم کتان  
بریان مغز حب صنوبر کنار از هر یک دو درم کثیر اصنع بریک درم اصل السوس خراشیده  
رب السوس از هر یک نیم درم شکر سفید چهار درم کوفته بنجیه آب باران و اندکی عسل  
نزع الرغوه سرشته حب بامبند وزیر زبان دارند جی که جهت تقویت شش و دفع  
و سعال مجرب است ص زفت مغز بادام شکر سفید بریک و درم کوفته بنجیه حب سازند  
و در دهن دارند حب بامبند که جهت سرفه شد بد که از کثرت آن طعام نفی بر آید و  
از علاج آن در مانده باشند دفع دارد و حقیق النفس را مفید است از قادی ص فلفل  
سه درم و از فلفل شش درم انار دانه و وازه درم قند سیاه بیت و چهار درم جو الکمار که  
نوعی از بوره امنی است و یک تیم درم ادویه کوفته بنجیه بقند سرشته حب بامبند اکثر اقسام  
سرفه را سود دارد انار دانه که در ادویه سعال واقع شده با آنکه جنوخت و سرفه منع  
است متوحش نشوند چشمتی علیه الرحمة نیز در قانون اند باب سعال جی نوشته که تمر بامبند  
و بعد این حب می آید پس منع از جنوختات و سرفه مفید بدان باشد که ترشی آنها بود و با

بعد ترکیب غلبه او را باشد انتی عبارتہ القادری را تم که معرفت بقصور فهم خود است مسکونیکه  
در سندرگ فتن از ترکیب شیخ خطاست زیرا که تراخ نوشته اند که او را تر سندی عجم تر سندی است ترکشت  
تر سندی و مخفی نیست که برش تخم تر سندی است و در بعضی نسخہ بای قانون تمر سندی بنظر آید  
پس درین صورت احتیاج تو حیث سراج کرده اند آن ہم نیست که الاختی و نیز در بعضی اقسام  
که ترشی منع است مثل آنکه سرفه از بروزت سافج باشد آنجا استعمال محوشت فقط میکند  
و به کسور الکلیفیه و در بعضی اقسام که آنجا تقطیع بلغم منظور باشد آنجا اشیا را حار سفه تنها استعمال  
میکند چنانچه در کتب معتبره استعمال حل غصص برای تقطیع بلغم فرموده اند و را تم هم در بعضی نسخہ  
مراجان که سرفه داشتند استعمال ترشی نارنج و لیمون بسبب کمر سوره صفر امیند یافته فافیه و الا  
باله و القبول حی که شیخ الرئیس در باب سرفه تار و ذکر کرده این است حص تر سندی یا بر  
حلی اختلاف نخستین رب السوس لباب الفم و بعد از آن کثیر احب صنوبر حب قطره حب الابر  
فشر خشخاش بزر خشخاش انیسون مر فانیذ از سربیک بقدر حاجت بگیرد و جها سازند و در آن  
دارند حب که نافع است اطفال را که از سرفه بیارقی کنند و سرفه خشک بزرگان و خوردن  
که نافع از غلاب باشد و نوازل حاده را دفع کند حص نشاء صمغ عربی رب السوس خشخاش  
افیون سکا و کوبیده بلعاب بهدانه بقدر خود حب بنزد حب جاشیر حبست رب و ضیق  
و برای اعانت رفع ماده موجب این امراض خواه در قهصیریه خواه در عروق اموات و غیر  
اصوات یا در خلل گوشت آن باشد مفید بود حص جاشیر بنیدیم در آب رازیانه حل کنند  
نیم درم شحم خطل سائیده اضافه و حب بسته با مار العسل به بندد و آنجا که نفخ جاشیر  
علت بسیار است و در اختیار آن اضطراب از پس دفع اخه از این دو که با عصاب است  
بتدریج اعصاب بروغنی که گرم و خوشبو بود باید نمود حب القطن این صمد که صمد  
پشه دانه مغز بادام مقشیر سربیک چهار درم اصل السوس پنجاهم است زردی چیدار مقشیر  
پنجاهم با هم آمیخته بصل کف گرفته و بروغن بادام حب با سازند حب السعال سندی

که شب تیز از دار و در پور ابر و لغایت نافع بود و صرب السوس نیز بر مفضل قروا  
حلیت مغز بادام سیرکی دو درم باار اصل شسته چهار سازند حب جت سعال و سیر  
صدر و حب است صرب نشاسته صمغ عربی مغز تخم خیار از هر یک یک مثقال رب السوس  
گوشت مغز بزرگ کثیر از هر یک سه درم فانیذ شش سفید از هر یک چهار درم حب السعال  
صاحب تخم در تذکره نقل کرده و از هر باب آن نوشته صرب نشاسته صمغ عربی کثیر السوس  
زعفران تخم خرفه بادام شیرین بادام تلخ عشق حب صنوبر انیسون تخم کنان هر یک نصف  
جز و مغز تخم که دو مغز تخم خرفه تخم خیار تخم شش سیرکی یک جز و حب سازند و اگر در سینه  
و شش قرحه باشد این اجزا اضافه کنند پس با و شان دو جز و زو فاد نیم جز و حلیه سه جز و  
چهار جز و اگر بادی باشد گل ارغی کل ختموم هر یک سه جز و به افزایند و همه را با هم چند شکر  
بلعاب تخم خرفه و پذیر قطن و ارچان روغن بنفشه حب با سازند و اگر بسیار که کرب مجون  
سازند در تین و صاف که در آن آواز ابلغ است عصب سرفه کهنه و ریو و ضیق النفس  
سینه را نافع است صرب ترید سفید فاریقون هر یک سه درم اصل السوس شحم خطن الماء  
فیقره انقوت هر یک دو درم باب حب سازند شربت یک مثقال باار اصل حب عطار  
منسوب به عطار اندر صاحب تخم جت سرفه و حلی و ضیق النفس لغایت نافع است  
و در تجربه را قلم نیز آمده صرب زرا اندر صمغ انیسون از هر یک مثقال حلیک لب طعمه ساید کند  
مرصاف از هر یک سه مثقال حب با ساخته از او ابلغ تا تخم مثقال با شربت مناسبه تناول  
نمایند حب جت سرفه و زله و تقویت سحره و اعصاب و سیه مفید و اساک و تقویت باه  
می نماید صرب مشک یک تخم باشد غیر اشب سه باشد که با لبید هر یک شش باشد مغز بادام  
تشر نشاسته جو غرقه و وارید یا قوت هر یک یکتو رب السوس صمغ عربی نبات بر  
انیسون سهری هر یک و نوله جواهر ابر سنگ ساق باکلاب صلایه کرده دو انامی دیگر گرفته  
بنفشه یک جا کرده باکلاب خمیر شود و جدا مقدار خود بر بند حب جت ضیق النفس و

لای

باغی محمول حکیم شاه محمد اکبر آبادی ص لکنتی پاودام نل بڑی چوک ترش سربیک  
یکدام خوب سائیده برابر مرغ جهالته بر روز و حسب آب بدیند چی که دشمن آن  
در دهن بسد و ضیق النفس نفع و بد ص و اچینی پوست بلبله قفل سربیک بجز و  
کته سفید چای و کوفته بنجته آب که پوست مغیلان در آن جوشانیده صاف نموده جسد بند  
راقم هم برای سرفه بار تجربه نموده چی که بخت بیضه و دمنه سرفه اشتها و در دهن و در کوم و در  
و نزل و صبح امراض بارده بلغمی و سوداوی و قوت نافع است منقول از بیاض عم مردم  
ص تنباکو سورتی نیم پا و گلاب نیم پا و تنباکو را در گلاب شب تر نمایند صبح خوب سائیده  
گو لیما مقدار خود بندند و این اجزا را مخلوط خشک بسایند فلفل دو دام بنجته وانه الایچی  
یکدام الایچی کلان دام جوز بود و دام زعفران یکدام بسانه نیم دام مشک سه شانه عنبر  
اشتب دو شانه پس گولی مارا در گلاب همراه این اجزا بنجته دوم بسایند و گولی با مقدار خود  
بندند و همراه پان می خورده باشند حسب برای سرفه بلغمی و رطوبت و ضیق النفس منقول  
از بیاض مذکور ص مرغ پیل زنجبیل عاقر قرحا نیمه تیلیه سربیک یکدام جلینچام کوفته  
در آب پنج ساشی بقدر موئنه حب بندند و یک حب بنجند حسب بندی جهت سرفه اطفا  
ص زنجبیل کاگرا سنگلی قیس وانه نیل بابونه کوفته بنجته حب بندند و قوت حاجب حبش شسته  
لحق نمایند برای سعال رطوبی و بلغمی و ضیق النفس از غیرات اهل بندند و ممول از  
بیاض عم مردم ص دار فلفل در پارچه پیچیده زیر پا کستر گرم مقدار یک ساعت بکشد  
بعد از آن فلفل با در دست مالند که دانه آن جدا شود پس بکشد ازین دانه با یک توله و  
بریان کرده و غولیان سربیک یک توله فلفل دو توله عاقر قرحا نیم توله نیمه ادویه را کوفته در کل  
انداخته باشیره گیسوار سه چهار روز صحتی ملخ نمایند باشیره گیسوار بسیار در خورد هر چند در  
و شیر دادن مبالغه نمایند بهتر خواهد بود حسب بمقدار خود بندند از یک حب تا دو حسب بخورد  
حب برای اکثر اقسام سرفه مجرب است ص گل پسته بلبله سرفه ویرا بر کوفته کوفته بنجته

در شیر و ادوک گولیا مقدار سونگ بندند و در دهن نگاهدارند حب غار لقون از علوی  
 معوم نافع برای اکثر اقسام ضیق النفس و سهل بلغم و صفرا و غی و سودا و متنفی صد و بیص  
 غار لقون نرم و سفید افشون سنکلی کثیر از هر یک شلت درم گل نبشته عصاره سوز  
 ایر سا هر یک نیم درم انزروت سفید و الگ مغز حب صنوبر کبار و دو انگ باریک خوب  
 نموده در روغن بادام خوب و جبه سرشته بغلاف سگری خمیر کرده حب با بندند جالیک  
 شربت ست کامل حب اللسان نافع برای سعال شدید که بسبب آن فی میشود  
 و صدر را از اخلاط پاک کند حب رب السوس کثیر انقبشته تخمین از هر یک پنج درم  
 تخم خشماش مغز بیدانه از هر یک هفت درم مویر وانه بیرون کرده چهار درم انیسون  
 بادیان مغز بادام تلخ متفش از هر یک دو درم لسان دقیق با قلا از هر یک هفت درم کوفته  
 بنجینه بلعاب اسفول حب با بندند و یک حب و در دهن نگاهدارند حب برای نرم  
 و سل مجرب است حب شکریغالی نشاسته کثیر از هر یک سه درم تخم خشماش رب السوس  
 مغز بیدانه هر یک چهار درم مغز بادام شیرین شکریغالی از هر یک ده درم صمغ عربی  
 سه درم تخم خشماش کوفته بلعاب بیدانه حب با بندند و در دهن نگاهدارند حب لسان  
 معمول قدیم حب صمغ عربی نشاسته کثیر از هر یک سه درم مغز بیدانه مغز تخم کدو تخم خیار  
 از هر یک دو درم مغز بادام متفش ششها سفید از هر یک چهار درم شکریغالی زونا نند  
 از هر یک هفت درم کوفته بنجینه بلعاب بر قطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس  
 سونبختی از هر یک چهار درم زعفران یک درم اضافنه نمایند حب از شیر اسباب  
 وقتی که در دهن گیرند نافع است از برای نفث الدم که حادث از قبحه و به بواسطه  
 گل از منی که با صمغ عربی و دم الاخوین طباشیر نشاسته کثیر انگلی را قاقیا عصاره تخم  
 کوفته بنجینه آب لسان الحمل و آب خرفه حب با بندند و در دهن دارند حب نافع برای  
 قفع ریه و سعال عقیق را از ایل کند و تئیس صدر و تصفیة صوت نماید حب مغز بادام شیرین

مقش بریان مغرباد ام تلخ بریان مغرب الصنوبر از هر یک دو درم افیون مصری صمغ  
اجاض ایر سارب السوس از هر یک یک درم فایند شکر سفید از هر یک دو درم کوفته بجنیه  
باب بادیان سبز حب هابند و استعمال نمایند حب برامی نفت الدم و سل که شده  
حرارت باشد از والد حکیم علویان ص کافور قیصری نیم و الفوق طیار سفید شبنج انجمار  
ولایتی دم الاوین که برام و ازید ناسفته سائیده شادنج حدسی منقول صمغ عربی کثیر الشیر  
سرطان محرق گل از منی از هر یک و انگ مغر تخم که و مغر تخم خوپوزه از هر یک دو درم  
کوفته بجنیه حب با سازند جمله یک شربت است با شیر آدم یا شیر بز حب جواهر کافوری  
جبت تقویت فراج و رفع حرارت آن و منع اسهال سفید و مدقوق و مسلول را مناسبت  
بود تألیف راقم ص مروارید ناسفته زرد و سوده یا قوت رانی سائیده زهر مهر و خطائی سو  
که با می شیمی اصل بخشی شیب سفید کافور قیصری هر یک درم رب السوس صمغ عربی کثیر  
نشاسته گل نیلوفر سلطان محرق طیار سفید پوست خشک ششاش تخم ششاش گل گاوزبان  
یک شتقال زعفران و انگ ریش پوستانخ انجمار صندل سفید گل از منی هر یک نیم شتقال  
ادویه کوفته بجنیه بلعاب بهدانه حب بالسته از نیم درم تا دو درم همراه ادویه مناسبه استعمال  
نمایند حب پاو زهر معدنی در تقویت قلب و دفع سموم و از آله ضرر و ادوی و اصل  
اخلاط فاسده بدنی بی نظیر است ص پاو زهر خطائی یا قوت رانی مروارید که با گل  
منقول درونج عرق حب لسان شتقال همین سنج همین سفید حب الغار طیار سفید  
و از چینی از هر یک یک شتقال زعفران نیم شتقال عنبر اشهب مشک خالص و قطلاد و رقیق  
از هر یک یک انگ و نیم جواهر ابر روی سنگ سماق صلاویه بگلایب کرده و رقیق طلا و ورق  
نقره را با آب صمغ محلول حل کرده مشک و زعفران را بگلایب حل کرده عنبر اشهب را  
بروغن لسان نیم شتقال حل کرده باقی ادویه را کوفته بجنیه و همه را در هم نیکو برشته حب  
سازند هر حب بمقدار قیر اوطهر و زنج عدد از ان حبوب با گلایب ده شتقال فرو برند

حب تخمه محمد زکریا گوید این حب تخمه را زائل کند و قوی بخشد و کفایت در قنطاریه و حب سبب نیک است  
 نارمشک و در فلفل شکری طریز و هر یک جزوی کوفته بخیته باب حب سازند قدر خوراک بنهند  
 حب باضم و خوش ذائقه اشتها را در آن مجموعه صلی الاچکی خورد و در چینی هر یک پاودام کنند  
 لون سولیمون سیند با لون جو اگر از سر لون دهند پیلا مول زیر پیفید زیره سیاه بخیل  
 تیرج ناگیر تالین تیر هر یک بندهام چوک ترش دو دام انار دانه هشت دام کوفته بخیته باب  
 لیو خمیر نموده حب با مقدار نخود بنزد چهار پنج حب بخورند حب جهت بهضم و تقویت  
 و طرد و ریاح غلیظ و دفع فواق شدید ممول است صلی نمک سانه نمک سیاه نمک  
 هر یک سه مثقال فلفل زربا و هر یک پنج مثقال بلبله زرد و بلبله آله متشرف فلفل گرد و فلفل  
 و ج ترکی بخیل هر دو زیره هر یک نه مثقال تخم کتیر نیم پاودا خوراه با دیان هر یک پاودا و کوفته  
 بخیته باب خمیر کرده و در آفتاب خشک کند و باز باب آله سبزه و اگر آله سبزه نیم زرد آله خشک  
 و آب تر نموده همان آب خمیر ساخته باز باب لیون خمیر کرده حب با برابر بخورد و کفایت می بخورند  
 حب تنکار گرسنگی آرد و در معده و شکم و گران را دفع کند صلی تنکار و درم جزر البیج و درم  
 و نیم فلفل سیاه و دوازده درم صبر سفوطری شانزده درم کوفته و در شیر و درخت صبر کزک را  
 بنندی کیکیوار گویند حب با بنزد بقدر نخود جهت تحلیل با دو سواد و دو سه حب دهند و اگر  
 رفع قبض مطلوب باشد زیاده بدهند و او مت او با و مطلق و شکم نمیکند و در کلانی درم  
 و در می نماید مجرب است حب ترش از میر محمدی مرحوم بخت بهضم طعام و تقویت  
 معده مفید و خوش مزه است صلی بکیر ندر بخیل سفیدی ریشه یک انار و نهایت باریک  
 بسایند و از پارچه بگذرانند و در میان آب انداخته یک شب و روز گذارند و صبح آن آب را  
 و در نمایند و هفت هشت مرتبه بپزند و عمل نمایند تا که خوب سفید شود و بعد از آن نمک بپزند  
 سائیده نیم پاودا اضافه نمایند و آب لیون بقدر آنکه دو انگشت بالا بایستد و اصل نمایند و  
 بگذرانند که خشک نشود و بعد از آن به بنشد که نمک خوب است یا که اگر کم باشد بقدر دو دام

یا کم نمک دیگر سائیده در آب لیون همان قدر آمیخته داخل کنند یکی سه چهار مرتبه آنچه بخواهند  
نمایند و اگر نمک کم نباشد فقط آب لیون افزایند گویا با مقدار نخود و بند حب ترش  
معمول و البته بزرگوار این خاکسار برای هضم طعام و دفع ریح و تقویت معده از مجربات  
است و مشهور بحب الکبریت حصن زنجبیل یک انار قرضل دار فلفل سهریک دو دانه و نیم  
نمک سیاه نمک سهریک پا و انار کبریت اصفه براق دو دانه کبریت را در روغن گاو  
بریان ساخته بعد از آن همه ادویه را حل کرده کوفته بخیته در آب لیون تر نمایند  
آفتدر که آب لیون دو انگشت بالا از ادویه باشد پس از آن که آب  
لیون خشک شود همان مقدار آب لیون دیگر بنیزانند و هفت مرتبه چنین کنند حب  
مقدار نخود و بند دو سه حب خورده باشد حب دیگر حب و جمع و دفع ریح و زیاده  
موجب است و پیش از طعام و بعد از آن توان خورد حصن سها که تبلیه جو اکمانه شاد و یک  
یک دانه زنجبیل فلفل دار فلفل سهریک دو دانه بلبله بلبله آله سهریک چهار دانه و انار کوفته  
بخیته باب لیون مقدار کنار جنگلی حب با سازند شربت و حب و در صورت شدت تبض  
سه حب حب نافع زلق الامعاء منقول از حکیم علی و او موجب نوشته حصن بگزیند قشدر  
کندر باز و پوست انار قرضل اثبت جفت باط از سهریک یک دانه و نیم کوفته بخیته در خل خمر  
بجوشانند تا منعقد شود مثل فلفل حب با سازند شربت یک دانه تا یک مثقال حب حلیت  
جنت تقویت معده و هضم طعام و طرد ریح مفید است و از تالیف راقم و اگر برای تقویت  
باده متب سازند در آب لیون و ادویه ترکند و همچنین و شقاق و لسان العضا فی و تعلیب صر  
سهریک بکتوله بنفیر اند و هر چند ترشی زیاده خواهد ماند بگویم خواهد شد حصن بگزیند زنجبیل بکوله  
انگوزه خالص چهار کوله و فلفل خنجران فلفل دار فلفل قاقه صغار کباب چینی مصطک خلخاتو  
ناخواه بلبله کابی آله بلبله سهریک بکتوله نمک سیاه و در کوله شونیز باشد ادویه را کوفته و بخیته  
و حلیت را کوفته در روغن بریان نموده در آب صبر و آب لیون و آب اورک انفار



که چهار انگشت بالا باشد تر نمایند که در مرتبه تجرید آب نافه و حبس مقدار بخوبی بنده حساب  
 غاریقون سده را یکبار به دست سقا و امراض کینه از نفع باشد صفتیون صبر از هر یک شش درم  
 غاریقون چهار درم انیسون فطر سالیون تخم کرفس و قو از هر یک و درم سقمونیادرم کوفته بنجیه با  
 خالص حبس سازد حبس مازیون استسقا رقی را نافع باشد صبر را به پیشانی صبر را به پشت  
 تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم مازیون مدبرده درم کوفته بنجیه حبس سازد شربت  
 و درم باید دانست که مازیون از دویله سمیه است عند شدت حاجت بعد از اصلاح استعمال  
 باید کرد و قهقهه سیاه را هرگز استعمال نماند و طریق اصلاح اینست بگیرند مازیون غریبه  
 و سرکه گندازد سه شبانه روز و بعد برآورده و آب شیرین سه مرتبه بشویند پس خشک سازند  
 و سه دانگ آفتاب در گریه اندر سایه خشک کنند و بروغن بادام چرب کرده بکار برند  
 و قدری کثیر باد و یارسازند و چون که این واقوی القابیر است در گریه مجرور و المراج  
 نباید داد و مازیون بسیار باریک بسایند و استعمال دو که مازیون دارد و غاریق  
 و اندک اندک بسایند حبس بهرامی استسقا یعنی را نافع بود صبر سقمونیادرم کوفته بنجیه  
 افقیون شش درم سقمونیادرم درم سنبل سیخه تر به سفید بطلک از هر یک و درم زعفران  
 و درم و نیم غاریقون سه درم حماما درم کوفته بنجیه حبس سازد شربت و درم و نیم حبس  
 برای صلابت طحال و سرفه و ضیق النفس بلفی مجرب است از بیاض عم مرحوم صبر را با  
 سما که بریان با قند سیاه سازد بقد خود تا یکماه بحسب حاجت بخورند و اگر هر روز نتواند خورد  
 یک و ز میان داده بخورند و وقت شب بعد از غذا که یک ساعت بخوابی بگذرد تناول نمایند بالا  
 آن هیچ چیز نخورند و از ترشی و اخذیه فضاخه پرهیز نمایند و اگر افزاید و سست هم می آید  
 اشخاص صلابت طحال از بقایای صبر پوست بپزند و روز جمعی شیطیح اشتراک سفید نکند  
 بریان بپزد سفید نمک سنگ برابر کوفته بنجیه بپزند سیاه کنند سه سال و دو چوب شسته حبس  
 خورند بنده از دو ماشه تا چهار ماشه بدین حبس که جهت سپهر و مجرب است با مارا العمل

و امثال آن بخورند ص پوستانج گبر یوندر یکدو درم مر جان سوخته صبر زرد تخم کرفس  
 نمک هندی درم باعوق بید حب با بندند قدر شربت یک شقال حب جت از آن  
 صلابت طحال از بقای ص پو سوخته سما که بریان سبج شور قلمی با و بزرگ برود  
 زیره نمک سینه بهر برابر کوفته بختی با قند سیاه حب با بندند و آب گرم بخورند حبی که  
 در رقان اسود بکار آید ص کندش بد بر لیس که با ذریون بهر یک سله طسوج خرق سیاه  
 بشیر و شمشیر پرورده یند انگ زعفران دو دانگ ستموینا مشونی اگر که بپوشین  
 رومی بهر یک و ثلث یکدو درم بلبله سیاه بلبله کابلی بهر یک یکدو درم عصاره غافث ریو  
 بهر یک پنج دانگ صبر خالص دو درم کوفته بختی بانی که در پنج غلطینا و در مس تلخ خوشایند  
 باشد شربت مثل فلفل حب با بندند شربت یک شقال و ربع آب رازیان و شربت  
 از جالینوس منقول است که شخصی را یرقان اسود عارض شده با بحمال امتداد گشته  
 شخصی او را بخوردن کبریت کوفته با بادام تلخ اشاره کرد بیمار حسب الایمان شخصی عمل  
 نمود بیماری نادر گویا نبود حب برای صلابت طحال ص زنجبیل فلفل زرد و حب جت  
 کیله جوار که با برابر کوفته و شیره کیلوار بقدر کنا چنگلی حب بسته یک حب بهر روز بخورند  
 حب غافث در دجک و تب های مومن را سودمند بود و در ابتدا استقامت مفید بود  
 ص عصاره غافث فستین بلبله زرد و صطک رومی زعفران ریوندر حبی لک مغسول باشد  
 ایاره فطرانجی مساوی کوفته بختی آب غب الثعلب شربت حب سازند یک شقال و  
 خواب با آب نیم گرم فرو برند و بخوابند اگر ریض را سعال باشد نصف یک بخورند رب السوسن  
 نمایند حب مقل بوا سیر نافع بود ص پوست بلبله زرد پوست بلبله کابلی مقل این  
 از بهر یک پانزده درم ترید سفید ده درم مسکین پنج درم خردل ده درم مقل و یکین را در آب  
 کند تا حل گردد و دارو بار کوفته بختی آن لیسند حب مقل و یکدو درم عصاره و اسود  
 بوا سیر نافع بود ص بلبله سیاه بلبله آله مقشر از بهر یک جزوی مقل برابر شقال

در آب گند حاصل کرده داروها کوفته بنجیه بان لبشند و حب سازند شربت دو درم  
و نیم حب سکنجبین قویج بکشاید و ریاح غلیظ را دفع نماید ص سکنجبین شحم خنظل از هر یک ده درم  
سهمو نیاسه درم باب سداب حل کنند شربت یک درم حب مقل نوع دیگر شقاق  
مستقر اسود دارد و طبع را نرم کند و محرو را سوافق باشد ص پوست بلبله کابلی شست  
مقل ده درم کثیر انجدرم انجیر سی عدد و انجیر را در شربت آب بنزد تا مهر شود پس بیالایند  
و مقل و کثیر در حل کنند و پوست بلبله را کوفته بنجیه بان لبشند و حب سازند شربت  
دو درم حب دیگر چون سه روز و شب متوالی بخورند و جمع بوا سیر را تسکین دهد ص  
بلبله سیاه بلبله آله متقشر از هر یک چهار درم نمک هندی صبر مصلک سوربنان اشق  
اسبند شیطیج ناخو اه از هر یک یک درم سنبل زعفران و اجینی و ج فاقله سلیمه از هر یک  
پشت درم صبر سقوطی هشتاد درم سکنجبین دو درم مقل و سکنجبین را در آب گند حاصل کنند و او  
را کوفته بنجیه بان لبشند و حب سازند شربت دو و شقال حب نافع برای اسهال ص  
افیون سندروس کنند و زعفران برابر کوفته بقدر نحو و حب سازند شربت دو درم  
حب برای دندان اطفال ص بزرگ متقشر بلبله زرد آله از هر یک پنج شقال شقاق  
شفاق فانیذ برابر او و شربت شش باشد آب گرم از بیاض عم مرغ مقل شقاق  
السلوک قویج بکشاید و باد های غلیظ دفع نماید ص صبر بنجدرم تربد سفید ده درم انزروت  
پوست بلبله زرد پوست بلبله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی ده درم مصلک  
سافج هندی قسط سلیمه ریوند چینی زنجبیل انیسون تخم کرفس و فلفل خیر بودا چینی کتیرا  
فاقله از هر یک یک درم سهمو نیاسه و شقال مشک و انگلی کوفته بنجیه بکلاب حب سازند  
شربت سه درم حب مقل قابض خون رفیق از بوا سیر باز دارد ص بلبله سیاه پوست  
بلبله کابلی پوست بلبله آله متقشر مقل از رق از هر یک دو درم مرجان که باد دفع شود  
از هر یک درم مقل را در آب آهنگران حل سازند و دارو با صلا میر کرده بان لبشند

و حب سازند شربت دو درم حب مسک طبعیه را به بند و خون رقیق ارشکم باز دارد  
 ص سماق دو درم باز و درم پوست انار نیدام حب الاس ده درم تخم زیت  
 کوفته بخیه بلغاب صمغ عربی حب سازند شربت دو درم باب مورد بد بند و عقرب  
 بارها آب سرد بخورند حب که شکم به بند و ص باز و سنبل گز مانج افیون کوفته بخیه باب  
 حب سازند هر یک مقابل فلفل شربت معده حب یا پنج حب حب زحیر و اسهال کنند  
 و زحیر را نافع باشد هر گاه فشرد و ص چندید تر اسار و فون بدیهه سائله نذر البیض سیاه کند  
 ساوی کوفته بخیه باب حب سازند شربت دو درم حب که قطع خون بواسیر می کند  
 جرب صاحب دارا شکوی که از کتایش رازی نقل کرده ص بلبله سیاه بروغن گاو  
 بریان کرده آمله پخته پوست بلبله زرد گل سفید طباشیر کزبانج صدف سوخته که با تخم  
 کشنیر رسوت مر و ارید بسیدر پوند چینی ادویه را کوفته بخیه با مقل محلول بکباب شسته  
 حب بسته پنج ماشه با عرق بارتنگ و عرق بید بنوشند و اگر ضعف معده باشد دو  
 تقویت بخورند حب که شکم به بند و در یک ساعت ص افیون درم اقاقیا دو درم گل  
 که سماق حب الاس از هر یک چهار درم کوفته بخیه بابی که صمغ عربی دران منقوع باشد  
 حب سازند شربت نیم مثقال حب مقل از بیاض علویان برای ریاح بواسیر باز دارد  
 نوشته ص پوست بلبله کابلی پوست بلبله زرد آمله بلبله سیاه از هر یک ده درم سکنج  
 حریف سفید و دو درم بلبلجات را در روغن بادام جرب کرده بعد از آن مقل از رزق پانز  
 درم در آب گندنازه حل کرده در باقی ادویه انداخته حب مقدار شود و بندند شربت بهشت  
 حب باب آهین تاب یا با عرق گاو زبان یا عرق باوکان حب مبارک از جمیع الجوارح در  
 اسهال صفرا بی نظیر ص بگیرد فلوس خیار شنبلیله شتال شمشونیا مشوی که مثقال  
 پوست بلبله زرد پوست بلبله کابلی بلبله سیاه سناکی زر شک منقی گل بنفشه خالص از هر یک  
 چهار مثقال کوفته بخیه بروغن بادام شیرین نیم مثقال جرب نموده بعسل خیار شیرین

حب با سازند هر چه بقدر نخودی بوزق نقره بچیده نگاه دارند شربت از دو درم تا دو مثقال  
حب منتن اکثر نافع است از برای قوی و نفوس و در دشت و زانو پاک سازد بر آن را  
از خلط غلیظه صفتش بکینج جا و شیر قفل از زرق بزر در حل تخم خنظل صبر سقوط طری افتیمون  
زهر یک دو درم فرغون یک درم ستمونیا می شود شش درم و از جنی سنبیل الطیبت غرا  
نندید شتر از هر یک دو درم صحن عربی را بآب حل نمایند و باقی اخرا از کوفته بختیه آن نشیند  
حب سازند شربت دو درم حب بوا سیر مختصر از مجربات عم مرحوم ص ص بلید کابلی را در آن  
بر آتش بسیار سرخ نموده باشند بنید از زنجار آنکه بروغن گاو چرب کرده باشند از قاشق با  
ز چوب تحریک می نموده باشند تا پوست و استخوان او هم جدا شود و کوفته بختیه برابر وزن آن  
فحص می آئینته حب با بقدر ریش بند صبح و شام و دوازده حب آب سرد خورده باشند  
حب بوا سیر خونی مجرب است و منقول از بیاض و الدراج ص پوست برشته مرغ خشو  
ندر و س شیطنج هندی از هر یک پنج ماشه نوشاد و سرخ کوفته بختیه حب با مثل فندق  
مازند شربت پنج شش حب حب جث الحديد با بوا سیر و سردی کرده و او را ربول  
سرعت انزال و صاحب جذام را سود دارد و دفع آرزوی گل خوردن کند و طعام گوار  
رنگ روی را خوب گرداند و لاغرا فربه سازد و قوت باه دهد و معدة ضعیف را نافع باشد  
با و آتش کند و حب خون بوا سیر کند و پیش و زهر که بسبب بوا سیر بود بر طرف سازد ص  
نخه مرزا ابراهیم که در منهاج نوشته جث الحديد که هفت روز در آب گندنا بخینا نهند و سر  
پا کنند تا زده داخل کنند بعد از آن خشک سازند و در تابه آهنی بریان نمایند و تخم گندنا تخم  
پندران سفید از هر یک جزوی تخم جبرجینم کرفس تخم گندنا تخم پیاز حله از هر یک ربع جزو  
نفته بختیه آب گندنا سرشته حب با سازند هر حب بقدر نخود شربت بیت و یک حبه در  
نه یکبار یاد و بار حب جث الحديد بخوبی صاحب ذخیره را قم نیز استعمال کرده برای دفع پا  
سیر یافته و نیز شخصی را قرحه در آلات بول از مدت بود و دریم بسیاری که قرحه را با گل

ز انکله بود هیچ اثری در آن باقی نماند و قاروه صاف شد و صفت خبث الحیدر بدتر در آب  
گندنا دارند بعد از آن خشک نمایند پس بگیرند از آن یکصد مثقال حب الزباد و روغنیت و درم  
تخم کرات تخم جرجیر نیم گرم تخم شمشاد نیم گرم تخم حلیله تخم یاز فاقله از هر یک بمیت و پنجم درم سبزه را گو  
بنجینه باب گندنا شسته حب سازند شربت بر باد و دو درم و در سحری خبث الحیدر بمیان  
بسیار کنند و الا احتمال ضرر است حب اسرسل از بقای جهت قویج نافع صفت و نیایش  
جز و آنزروت تخم خنظل از هر یک نیم گرم و شنبلیله یک گرم و کوفته بنجینه اخیل شسته  
بمقدار تخم و کلان حب مانند شربت پنج حب پنج مجلس برآید حب برای دفع اسهال  
بو اسیر حب است حب بلوط بلبله سیاه گلزار قاری طراشیت آمله حب الاس  
مقل باب برگ سر و حل کرده و اجزا دیگر کوفته بنجینه و ربانی که مقل در آن حل کرده باشد  
مخلوط کرده بنجینه بنجینه نیم گرم و بنجینه چهار از قرا و دین غم مرحوم حب جهت ایلاوس ص  
ستفوی نیامقل هر یک یک مثقال صبر و مثقال کوفته بنجینه بقدر تخم و حب بندند شربت بنجینه  
عدد حب دیدان که حب القمع و گرم باد از زور و برادر صفت شمش خنظل دو درم و ستفوی  
دو درم و نیم حب القمع سه درم افیتون چهار درم صبر ستفوی نه درم ترید و صوف و ده درم  
کوفته بنجینه حب سازند و هر روز دو درم باب گرم بخورند حب دیگر صفت شمش خنظل  
حب النیل شیخ از منی در مننه خراسانی انیسون ترید بنجینه و می برگ نشنا تو ترس بر  
هر یک سه درم مقل ازرق محموده هر یک شمس درم کوفته بنجینه بنجینه لبتراب اصول شسته  
حب سازند و بقدر حاجت باب گرم بدیند و بالای آن مقل از زور و زور کنند حب برای  
لسی که از مسهل نفرت دارد و جهت اندک تدارک فقور علی سه ملات نیز بکار آید هرگاه  
روز دوم از مسهل بدیند و سهولت مساوی کثیره غلیظه بزی آورد صفت قرانک و و ماشیه  
انیسون از هر یک سه ماشیه کل بنفشه شش ماشیه پوست بلبله زر و کشتش صبر هر یک یک مثقال  
سنا کلی تازه تر بنجینه خراسانی گل کنند آفتابی بر یکد و تولد اجزا کوفته و بنجینه با کشتش و گل کنند

باز بگویند که حب توان بست جهت رفع قبض و استعمال علی الدوام نه باشد تا بیکتوله جهت  
 اسهال و قولنجی که در قطع خون بواسیر و دفع یخ آن از مجربات است حص جوز بوا  
 مصطک و قنقل سنبل الطیب هر یک یک درم جفت بلوط طراشید گلنار متقل حبث الحید  
 مدبر هر یک دو درم تخم گندنا سه درم بلبله سیاه آمله حب الاس هر یک چهار درم بلبله  
 و تخم گندنا را در روغن زیت بچوشانند و متقل را آب برگ سر و حل کنند و او را بر ابدان  
 بپاشند و حب سازند شربت و در متقال آب گرم حب ممسک که در استطلاق بطن  
 مجرب است حص پوست انار نیم درم سماق یک درم بازو و درم کوفته بنجینه بقدر رغوغ حب  
 بنند شربت ده حب یا نهشت حب بازو ده بیضه نیم برشت حبی که خون بواسیر بپزند  
 متقل ارزق یک درم قرص کمر پاکینیم درم بلبله هندی آمله هر یک دو درم اطریفل را در روغن  
 زیت بریان کرده کوفته بنجینه متقل را در آب گندنا حل کرده با هم سرشته جهما سازند و در  
 خشک کنند شربت سه درم آب نیم گرم حب معروف بحب رسوت که اسهال  
 بواسیری و خون آن بند کند از بقایای حص رسوت را در آب حل کرده مثل رینی بچکانند  
 یعنی صافی را بچهار ریخ مثل زنگ نیران بسته رسوت محلول در آن اندازند تا آهسته آهسته  
 بچکد پس آب چکیده را در قاب چینی انداخته از گرد و غبار پوشیده دارند تا خشک شده قابل  
 حب بستن شود دست را بر روغن بادام یا گاوچرب کرده حب را بپزند و هر روز چهار تا  
 حب حاجت بپزند و در ایام استعمال آن اگر انخی نباشد روغن در غذا بیشتر بخورند  
 حب که در حبس اسهال قوی مجرب است حص سها که بریان یک حصه شکوفه دو حصه  
 افیون چهار حصه باریک ساخته نصف آن بجسل سرشته قدر فضل حب بپزند و نصف  
 دیگر را در آب لیون اگر اسهال در شب زیاده میشود حب عسلی بپزند و اگر در روز غلبه  
 می کند لیونی دهند حب جهت اسهال اطفال هر قسم باشد مجرب است حص کلی خور  
 انار یک عدد جوز بوا افیون هر یک یک باشد چاکسور رسوت زرد کچور زرد پیره سفید متفشر زرد چوب

خراشیده مغز آن گرفته کونیل نوب کونیل بکاین کونیل ببول کوفته بنجته جهاستقدار و اسه  
 موخه بند یک حب یاد و حب بدیند حب منقول از خط افصل المتحقین و اکمل التفتیر  
 والد ماجد رحمت الله علیه برای اسهال ص غفص بهار بنجد مغز استه جاسن مغز استه  
 پوست ترنج آله نشاسته صمغ عربی دم الاغین گل ارمنی گل و غستانی گل قبرسی قو  
 سفید موج پس طباشیر پوست انار ترش پوست کنار زرد و دگمار فارسی پوست مرغ  
 سوخته حب الاس پوست پنچ انجبار گل کنیر پوست خنخاش کشنیز خشک از هر واحد توله  
 کافور قصوری طراشیت مصطکی زبیره نفع خشک ایشب سوده زبیره سائیده مرجان  
 سوده که با سائیده سفوف یهودی سفوف متعلیا ساقوف حب الزمان از هر یک شش  
 او ویرا بریان کرده سائیده خوب مخلوط نموده بالعاب ریشیه خطمی شسته حب با سینه حب  
 مقدار خودی صمغ شش ازین و آخر و زشش ماشه تناول نمایند و از غلبه کلاب و بار  
 نبوشند و اگر مریض طفل باشد موافق سن و می دهند در آب اسهال و زحیر و آدن خون را  
 نافع بود حب مفت حصاة البشرط مداومت در زیر اندین سنگ عجب الاثر است صر  
 حب بلسان تخم ترب و قوفط اسالیون پوست پنچ کنیر پوست پنچ بادیان جاوشیر مغز بادام  
 حب الغار از خر سبیل سلینیه اسفوف قندریون حرمل زراوند مرخرج حبلیاناسارون  
 و دمانا شق بکینیز برالنج سفید قفل فلفل و ج حمله برابر صمغ بار اعل کنند و او ویرا باریک ساخته  
 بر و عن بلسان حب نماید چنانچه قابل بستن شود و هر روز یک گرم بالغ بزر و بدیند و اگر  
 خاکستر کزوم دانگی هر روز مضاعف کنند نیک عمل کند حب الزور قراط گوید که او قمر  
 قضیب و شانه را سود دارد و بستگی بول بکشد صمغ خطمی مغز تخم خیارین هر یک حب  
 مغز تخم خربوزه خرفه تخم خنخاش سفید هر یک نیم جود کوفته بنجته بلعاب اسفوف حب با سینه  
 و کیمشال وقت سرکار بر بند حب مستخرج صاحب نفع النفس گفته که بنجره نموده اسه استی  
 له بعد از جماع طاری میشود مطلق مدرک نگردد و صمغ موسیانی کافی سه جود صمغ بنجره و بنا



دو برابر بگلای حل کرده حب بندند مقدار فضل و نیم شقال ازین حب تناول نمایند و اگر  
 بالای او شراب یا مار الحسل بیاشامند الفع خواهد بود حب مجرب مسک از بیاض عم  
 مرحوم ص کافو چیتة مشک جوز بوافیون مساوی کوفته بجنیه در شیر بزرگ قبول شده  
 مقدار چار حب بندند وقت حاجت آب حل کرده بخورند حب مسک ص زعفران  
 قر قفل جوز بوافیون مشک مساوی در غسل کف گرفته مقدار بخورند حب بندند و یک  
 حب پیش از جماع بخورند حب افیون جهت اساک منی مجرب ست ص مشک  
 درم حب بلسان مرصاف عاقر قارب السوس زربناد چندید تدریج وار خطائی  
 در پنج عقی عود خام هر یک دو درم تخم خرقة تخم کرفس قر قفل از لعل خطیانا باریک سدوم  
 و اچینی فضل بخیل کثیر صمغ عربی زعفران لباسه هر یک پنج درم افیون ده درم  
 نبات پانزده درم کوفته بجنیه بگلای سرشته مقدار بخورند حب با سازند حب جالینوس  
 جهت کسی که عاجز بود در ازاله بکارت از راه سستی اعصاب خواه سبب جلق بود و خواه  
 بسبب یگر بود مجرب نوشته اند ص مغز کنشک نر که وقت بهیجان گیرند شقال مهر  
 تازه تخم پیاز سفید کش خرم تخم گندنا غلب مصری تخم جریه سیمک صیدا حمله برابر مشک  
 قدری کوفته بجنیه بعل و آب جریه حب بانند هر حب قدر بخوردی شربت کیشقال  
 تا یک درم و نیم با سه پیاله شراب یا آب انگور شیرین یا آبانی که بخورد در آن تر کرده باشند  
 حب سیاه کفته اند اساک تمام آورد و چند آنکه بدون خوردن ترشی فراغ نشود ص  
 سیاه را از یار چه بهفت کرت بگذارند و افیون خالص هر یک سه درم کوفته بجنیه و سر  
 برک قبول بحق کنند و در سایه خشک سازند و بچین بهفت کرت نمایند پس بگیرند عاقر  
 بزرگ البیج خولجان جوز بوافیون برابر هر یک یک درم کوفته بجنیه حمله هم آینه حب با قدر بخورند  
 بندند وقت حاجت بعد از آنکه کپاس و یک گری از تناول غذا گذشته باشد یک  
 فرو برد بعد از سه گری شروع در جماع نمایند و غذایان گندم بروغن گاومر قوم ساخته

و تسکیم سیر نخورد حب عنبر از مجربات صاحب تحفه گفته که برای شاه عباس ساخته بودم  
بعد از شش ساعت نفوظ می آید و ششستن آب سرد و فیل او ست و داشتند او در آن  
موجب نفوظ و خوشبو کننده و مان است و مقوی دماغ و شک مصطک قرنفل  
هر یک یک مثقال عنبر اشهب خصیة الثعلب خولجان هر یک دو مثقال پنیر پاشته  
اغرابی سه مثقال کوفته بنجیه جها سازند بقدر فندق و سر روز یک عدد بخورند از عقب  
آن شراب یا شیر تازه یا آب تره نیزک یا آب بخود خام بنوشند و ازین حب تا نیم مثقال  
میتوان خورد و مطلوب مزاج زیاده ازین هم میل می نمایند راقم حروف هم تجزیه نمودی از  
فائده نیافته لیکن این قدر مبالغه است بطریق استعمال علی الدوام منفعت میکند حب  
که در امر باه و امساک نوشته اند اثر تمام دارد حب تو دوری زرد تو دوری سفید تو دوری  
که مانع سافج سعد کوفی زعفران قرنفل سورنجان مهری هر یک نیم درم جوز بوالباسه  
مصطک انیسون حب الینیل سفید پوست خشنخاش قاقله صفار طباشیر ورق گل سرخ  
صندل سفید سنبل الطیب عود غرق درونج عتبری بوزیدان صمغ عربی تخم انجبه هر یک  
دو اچینی شقاقل مصری همین سفید تخم خشنخاش بزر الینج سفید یا به شتر اعرابی هر یک و در  
بزر القنب و نیم درم خصیة الثعلب کش خرمار و غن بادام هر یک پنجم درم نبات مغز  
هر یک و درم مغز دماغ کج شک پانزده درم گلاب بقدر احتیاج مغز دماغ کج شک را در  
کش خرمالیده خشک کنند و بادویه دیگر بگویند و بنیزند و مغز بادام را اعلی ده خوب باریک  
ساخته و در قدری گلاب شیر غلیظ بر آورده نبات را در اندک شیر بادام مذکور حل کرده  
و با آمیخته حب با بقدر نخود سازند حب که فقی ریجی را بسیار سودمند بود فصل الینج  
ققاح از خر قسط زرباد و رنچ اسارون هر یک نیم درم تخم کدو فیل انیسون بزر را  
زعفران هر یک درم پنجم سنبل الطیب هر یک درم نیم بلبله کابلی آله هر یک دو درم شربت میری  
حب دیگر از حکیم سعد الله که قوه باه زیاده کند و در امساک بی عدیل است استها اور

و کیفیت خوب دارد و صلی جذبه سترگافور هر یک نیم مثقال پوست ترنج فرمشک سفید فلفل  
 بسا سه عدد زباد جوز نخل بنز الیغ سنگ گیسر عنبر کیشقال مصطکی گل سرخ عود القرح هر یک و مثقال جوز  
 پنج تفاح جد و از زعفران هر یک سه مثقال در قهقهه قهقهه طلا هر یک پنج عدد کوفته بنجیه حب سازند  
 حب که در دشواری زاون بکار آید بعد از آنکه طنج حله و جباری و لعاب تخم کتان و روغن کنجد  
 نیم کباب بر پشت و زمار و جز آن ریخته باشند و پشت را بنیگاه بر روغن شبت و بابونه مالیده باشند  
 ص و اچینی اهل هر یک درم سلیمه هفت درم قرقه یا بنیر سرج قسط تلخ هر یک پنج درم  
 میوه دو درم افیون یک درم مشک یکد انگ و نیم بدست و حب سازند شربت سه درم باد و افیون  
 شراب کنه حب دیگر در خض و مستط بر تسیل ولادت مدد کند ص اهل دو درم خلقت  
 اشقی فوه هر یک نیم درم حب بسته استعمال نمایند جمله یک شربت است حبی که مانع از جنین  
 بود و بگذارد که منی قابل انعقاد شود ص انیسون تخم کرفس رازیانه فودنج حبلی مشکطراش  
 هر یک جزوی سبیل الطیب و اچینی سلیمه حب بلسان عود و بلسان اهل قسط هر یک نصف  
 حب سازند و هر گاه اراده صحت کنند فلفل از آن بخورون زن و دهنده مجرب است حب بخت  
 استو کام قصب فلفل ندارد خصوص مطوب الزاج را ص زعفران و اچینی عاقور حار گایاک  
 خولجان از هر یک یک جزو و غسل مقدار کنار یا آله حب با سازند و در وقت کار بخورند و  
 بسا سازند حب مشکلی کشا مجرب حکیم ولی برای رفع ندی و دوی ص عاقور حار جوز لبو الباسا  
 و اچینی فلفل اسبند کجند سیاه افیون هر یک و درم کوفته بنجیه در غسل حب بنزد سه روز یک  
 یک حب با شیر گا و روز چهارم یک صبح و یک شام با آنکه همه حب با خورده شود حب  
 خوش کیت که در اسالابی عدیل است ص جوز لبو خولجان مصری از هر یک دو درم  
 بسا سه یک درم افیون مصری ص صلیف کنیم و ام جد و اریک و ام خصیه الشعلب و دو درم مقدار  
 مغز حب سازند و بعد از تحمل پنج بکار برند حب در تقویت باه بی نظیر است ص موصلی سیاه  
 یک آثار در یک نیم سیر شیر گا و سبب شاند تا تمام شیر در خورد بعد از آن در سایه خشک نموده

وسیده کرده جز بوی یک پاولیبا سه یک پا کو فته بنجینه یا رکنند و اندک حلیت بقدر تحمل مزاج نیز در فصل  
سازند و باشند بقوام آورده گویا سازند و بحسب مزاج بدیند حب که آنز پیندی نامند و زنان  
بسیار نافع است ص مال گنگنی چا کسویر یکدیم زعفران دانه الایچی خورد و کلان هر یکد و درم نیم  
انگن بلبله آله هر یک سی درم سروالی پنجدرم جوتری سی و نیم پل با جو پهل برگ درخت فرارش  
زیره سفید و سیاه جز بویا این قرفل دوده هر یک یک بل بسیاری چهار پل جروخی بسته بود  
بهشت پل سنگاره بادام خرمای سنگ شکنش مغنینه هر یک دوازده پل مغزاجل شبت  
و دو پل شیر مویر منقی چیل و سه پل روغن گاو چهار نیم سیر چال کسری شکر سفید پا و بالاش  
هر سه که قابل سودن هست علمحه علمحه بسایند و جاسه نیز کرده میوه باراشل بادام مقشر کنند  
و در روغن گاو و آرد نشاسته د صد و بیست و دو پل زبیران کنند پس ادویه مذکوره را که جاسه  
کرده داشته اند نیز اندازند و بریان نمایند پس نیز مقدار دوازده درم صمغ عربی که در روغن گاو بریان  
کرده باشند اندازند و میوه هائیز بیانی نیز و پیندی یا بند و یک پیندی هر روز بخورند چمی که نوظ  
تمام آرد و در بطور انزال اثر بسیار دارد ص عود هندی قرفل گلاب قرفل سفید قره از هر یک  
سه درم زعفران نیم درم بالنگد و درم دار قرفل گل بابونه مروارید ساتیده از هر یک یکدیم  
کوفته بنجینه با قند بقوام آورده شسته حب با سازند هر حب بقدر نخودی شربت دو دانگ حب  
طلا قوت تمام بخشد ص عود هندی مصطک رومی زعفران از هر یک سه درم غنچه گل سنخ دو درم  
عبر اشهب یکدیم و نیمدرم و سق طلا هفت درم و نیم نبات سفید سی درم کوفته بنجینه بعرق  
بهار نارنج شسته جها بقدر نخود سازند شربت و حب حب نشط تالیف والد حکیم موسی گلاب  
بجفت اساک بی نظیر است ص اسارون زعفران تخم کرفس و ارچینی ریزند چنی سنبلیله  
مصطک رومی از هر یک دو مثقال زرباد حب الخار عاقر قرقا قرفل لباسه صمغ عربی از هر یک  
یک مثقال زرب النخ قرفل از هر یک سه مثقال کوفته بنجینه بگللاب شسته حب سازند بر جی بقدر  
نخودی شربت یک حب حب موثر تالیف پدر غلویان بجفت قوت با و دفع سرعت انزال

بی نظیر است ص اولایخ موخر کوفته از غراب بیرون کرده بشیر گاو خیم نموده قرص سازند و در  
سایه خشک نمایند و باز قرص را کوفته با شیر تازه خیم نموده در سایه خشک کنند و پنج مرتبه بخیم  
کنند پس او را نگارند و بگیرند و خرد و جوز بواو میان آنها سوراخ کرده نیم شقال افیون را  
فتیل کرده در سوراخ جوز ها کنند و جوز ها را بخیم گرفته در روغن گاو بریان نمایند پس خیم را از جوز ها  
جدا کرده باز از هر یک عدد از جوز ها بگویند از قرص مذکور چهار شقال دارچینی قرفل بسا سه عدد سبک  
و سه عدد کدو و سه عدد سیب و سه عدد شقال لسان العصاره از هر یک یک شقال مشک فاص  
غیر شرب رق طلا از هر یک یک انگ نهات سفید بوزن مجموع ادویه کوفته بنجته بعرق بهار نام  
سیرشته حب سازند هر حب بقدر خودی شربت یک حب یاد و حب حبی که امساک تقویت  
تمام کند قوی النشاط و مسک و منوم است حکیم موس گفته که من این حب را بمویر عمر می گردانم  
ص مویر طاقی یکص عدد پنج شود که آن سه شقال زبرالنج سه شقال هر دو را کوفته مویر باران  
مخلوط ساخته در صد و پنجاه شقال آب بخوشانند تا آنکه آن آب را تمام جذب کند حب ساخته در  
حاجت یک حب استعمال نمایند اگر قوی تر خواهند هر یک شیرازی یا ورق الجنال یا حب  
آن بخوشانند حب فادر حیوانی بحبت تقویت باه بی نظیر است از تالیف اضعف العباد  
در سن جوانی و در مزاج حار و فصل حار استعمال نباید فرمود ص فادر حیوانی مویر پخته  
که بای شمش بسد و جان مصطک لاجور و مغول در پنج عقرب حب بلسان شقال مصری  
همین سرخ و سفید هر یک نیم شقال زعفران جند بدست مویر می و دارایی مشک خالص شرب  
از هر یک دو انگ یا بیشتر اعرابی ثعلب مصری مغز کج شک هر یک دانگی مویر می را در  
زیت کداخته جوهر سائیده باقی ادویه را کوفته بنجته در هم مخلوط نموده بگلاب شربت حب  
سازند هر حبی بقدر خودی بورق طلا یا بورق نقره پیچیده بکار برند شربت و حب حب  
فادر هر از تالیف پدر حکیم علویان برای تقویت باه مجرب است ص فادر حیوانی  
فادر هر صنی خود بدهند قرفل دارچینی جوز بواو بسا سه نبل الطیب شقال همین سفید

ثعلب مصری از هر یک نیم مثقال عنبر شنب نیم دانگ زعفران یک دانگ و نیم کوفته بآب حب  
 سازند هر چی بقدر نخودی و بوقرقه پیچیده در سایه خشک کند شربت و دو حب حب که اس  
 منی کند و مقوی گرد است ص سبک شک و نقل جوز بوا سجد کوفی قرقه سنبل الطیب  
 پوست اترج عود و هندی اجزا را مساوی کوفته و بخته بآب صمغ زرد آلوده شده حب سازند  
 هر چی بقدر نخودی هر صباح و مسایکی در دهان دارند حب منقول از مجربین هندی بخت است  
 منی ص جوز بوا شنب رومی عاقر قرحا فیون هر یک یک درم هر چهار را یک جا کوفته و بخت  
 بشند سرشته حب سازند و هر کی را وقت عشاء بخورند و بعد ازین یک بیرون بخورند و این  
 حب را میگویند و تجربه بسیار می از اطباء آمده است حب موسیائی و عنبر تالیف و الکل  
 که بخت نقصان باه و قتی که سبب استرخا آلت باشد و ضعف قوی باشد بی نظیر است ص  
 موسیائی مصطک هر یک یک دانگ عنبر شنب یک جزیره رادرنجان چینی کده رخن  
 مغز لبه داخل نموده فنجان را در ظرف مسی که در آن گلاب و عرق بهار نارنج بر کرده باشند  
 گذاشته چونکه گلاب و عرق داخل فنجان نشود و آن ظرف مس را در میان پاتیل بر آب برود  
 سه پایه بگذارند و سر پاتیل محکم بسته آتش در زیر او کنند تا موسیائی و غیره گداخته شود پس فاو زیر  
 سعدنی مشک خالص از هر یک یک جزیره و واریا سفید طباشیر سفید و نقل لب با سه جوز بوا  
 سنج و سفید و اچنی شتاق نقل نجیل و رنج عقرنی عود و هندی عود و صلیب جد و الطیب  
 از هر یک یک دانگ کوفته بخته بآب سرشته حب سازند و بوقرقه طلا پیچیده پنج حصه نمایند و هر  
 یک حصه را تناول کنند بعد از آن نبات سفید پنج مثقال تخم بالنگو شتاق عرق گاو زبان  
 گلاب عرق بید مشک هر یک هفت درم حب جد و ارا تالیف میر باقروا و امداد طباب شاه  
 مقوی باه است بخت و سرور بسیار می آرد و لذت را بچشم امم البجته نامیده اند و نقل  
 سیاه بیت شتاق و اچنی از هر یک دو وزه و شتاق سنبل الطیب و ارا و رنج عقر  
 عود قمار می و نقل بیل بوا از هر یک نه مثقال و افاضل شتاق سعد کوفی میوه سیاه

از هر یک دوازده مثقال تخم بیل چینی مصطک رومی از هر یک پانزده مثقال زعفران شش مثقال  
تخم کرفس هفت و دو مثقال جوز بوالباسه از هر یک هفت مثقال سانج هندی کباب  
اسارون حب الغار صاف از هر یک شش مثقال جد و اخطائی پنج مثقال ششک  
خالص سه مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره دو مثقال غنبر اشهب زر شکسته  
از هر یک سه مثقال روغن بلسان هفت مثقال افیون مصری سی و دو مثقال صمغ عربی  
و گلاب بقدر حاجت بدستور حب سازند و این نسخه سی و دو جزو است و وزن آن صد  
و هفتده مثقال است و مزاج این گرم است در اول درجه دوم و خشک است در درجه  
و خمس درجه حب جد و ابر برای تقویت باه دفع انزال بسیار نافع است چین جد و ابر  
خطائی فلفل سیاه فلفل سفید سنبل الطیب ورق گل سرخ از هر یک پنجم گرم کرباسی می  
مروارید نافه یا قوت ربانی تخم کرفس سانج هندی سیلخه حب بلسان عود بلسان فریون  
تخم بیل دار چینی کباب چینی زراوند حرج اسارون زر بناد عود قناری پوست بیرون  
صمغ عربی فلفل و فلفل حقیق بینی لبد شیب سبز از هر یک سه گرم زعفران جوز بوالباسه  
حب الزلم شقال ریون چینی خضیه الثعلب از هر یک شش و نیم گرم عاقر قرحا درونج عترت  
از هر یک چهار گرم زر بناد و زرا بنج از هر یک یک گرم غنبر اشهب یک گرم ورق نقره یکصد عدد ورق  
طلا پنجاه عدد مجموع را گرفته کوفته بنجیه بروغن مغز پسته چرب کرده باب صمغ عربی پشته  
حب سازند سرجی بقدر نخودی وقت حاجت دو حب یا سه حب فرو برند و بعد از زمانی  
به جهت مشغول شوند حب معروف بچس چس که کیف فروشان اصفهان می سازند و نیز  
بسیار آورد و مقوی باه است و دفع سعت انزال کند ص چس که عبارت از  
است که بر قنب می نشیند و آن را جمع نموده قرص ساخته اکثر مردم می کشند فریون درونج  
عربی سه مثقال تخم گدازه خضیه الثعلب از هر یک ده مثقال اجزا کوفته بنجیه باب کوکب  
چما بندند هر جی بقدر فلفل شمرت یک حب حب و دیگر از مجربات اطباء هند است

ریحی صغیر و هتوره نیم گز نیم شلغم خار شک نیز المیخ فلفل عاقر قرحا تخم اوک  
 یک با همی قوتی جود بود از چینی زنجبیل موسلی سیاه زعفران اسپاسه از بر یک نیم  
 توله میز نیم کوفته در دو سیر و نیم شیر گاوی و پنیر ذغالین شود پس آنرا بوی سنگ با دست  
 تا هموار گردد و و حب با سازند هر چی بقدر جود خواست یک حب حب دیگر از بجزین  
 هند که قوت بسیار دارد و هرگز نماند نشود و نوشته اند که تجربه اکثر در آمده است حب  
 بکیر نیمه خوشی بخورم نصف آن را بریان و نصف خام در غذا پوست نشی و نیم  
 کبوتر سیاه و دو درم قند سیاه کشته بیست درم برسد و در آن نیم کبوتر سیاه با قند کشته  
 بگویند بعد از آن که او بیهوش شود و بخت کند که در هر صبح یک قند سازند و بخورند  
 و بوقت مجامعت یکی از آن بخورند و قلع عظیم مشاهده نمایند حب دیگر از بجزین ابله  
 هند که قوت بسیار دارد و مساک آورده و نزله با شلغم کند و کسائی را که قادر بر زن نباشد  
 مفید بود حب بکیر نیمه یک درم در شیر گاوی و پنیر ذغالین که پوست آن جدا شود و  
 پوست آنرا دور کرده فلفل و فلفل از بر یک بخورم کوفته و پنیر ذغالین یکجا نموده حب با  
 بر حب با وزن نیم درم نیمه نیم حب علی الصبح حب در آن است و بوی خوش  
 و نوشته که قاعده مقام افیون است و تقویت باه نماید برای کتبیه و بوی خوش و بوی خوش  
 بعد خوردن آن حق تعالی بسیری با بخشید و قحط هم سانه بود برای تندرست مساک کشته  
 حب افیون کا زنی پنج توله و عشر وزن آن زعفران و حب و آن جدا کرد  
 و سیاه از جلی کرده و نیمه گرفته یا در پانزده آتش شیر گاوی و پنیر ذغالین با قند و پنیر ذغالین  
 بعد از آن که در دستور در و آنرا روشن گاوی و پنیر ذغالین که در قلع فلفل و پنیر ذغالین با قند  
 نیمه را در ساخته پوست سیاه از جلی را نیز با یک درم و نیمه را از جلی با قند و پنیر ذغالین  
 خوشه مانند تا چون غریم شود و اگر از جلی عسل و اول و دوم است و اول که بوی خوش  
 مع اجزاء اندکی مخرج نموده بگویند کسائی که فتنه خواهد آمد و بعد از آن از بر نیم



برای پیریت متقال بسیار همین باور بخوبی از هر یک بکشتال مغز بادام مغز حلخونه تخم خرمق  
از هر یک نیم مثقال طباشیر سفید صمغ عربی کثیر از النج بخ کفاح جوز بوا از هر یک چهار دانگ  
لسان نبات از هر یک دو مثقال کوفته بخیه بروغن لسان چرب نموده همه را بجلاک یکبار کرده  
خوب بسایند تا نیکو مخلوط شود و بقدر خود حب با سازند و ورق نقره چیده نگاه دارند و شربت از گیت  
تا دو حب حب افیون مسک مقوی و برای نزله مفید است حب جوز بوا با را در میان  
خالی نموده و در شکم آنها افیون یک توله جد و از قش سه ماشه زعفران یک ماشه پر کرده و خیره  
آرد گندم گرفته در خاکستر گرم بنزد بعد از آن جوز بوا را بر آورده آرد و در کشته خوب بکوبند که  
با هر یک مغز شود بعد از آن حب بنزد حب مسک که صاحب اکمل الصانع محب  
نوشته است و گفته که چند بار آورده ام راقم هم تجربه آورده مفید یافته حب بکیرند جوز بوا هر یک  
باشد و درون آن خالی کنند و رقیق قدری و مثل آن افیون در میان آنها داخل کرده سر  
آنها را محکم بسته جوز بوا در میان جوز مائل که درون آن خالی کرده باشند انداخته سر جوز مائل محکم  
بر بندند و در خمیر آرد خود در گیرند که چهار انگشت ضخامت آرد باشد بعد از آن در روغن بریان  
کنند که سرخ شود و سوخته نگردد و بعد از آن خمیر را در سایه بگیرند از آن بعد که کوفته بهر چه میسر شود  
و از قش و کباب پیچنی زنجبیل و از قش عاقر قرحا و قش جد و از زعفران و از زردان و از قش  
از هر یک یکون و شک و در حب ادویه را کوفته بخیه و آب صمغ عربی مقدار خود حب با سینه بدو  
نخورد و یکی را در دهن دارند و از یک حب تا دو حب استعمال نمایند حب از مجربین  
بجهت کسی که بر آله بکفر قادر نباشد حب عاقر قرحا و قش خشماش موصی شود تیر جوز بوا  
قله که به اجزا مساوی کوفته بخیه حب برای تیر کنار جنگی هر صبح یک حب را بخورد حب مسک  
خمس کبک حب جوز بوا و زنجبیل و قش حب مصری از هر یک دو درم بسیار جد و از هر یک  
یک یکبار ام افیون مصری که نیم درم مقدار خود حب سازند از اینجا که در اکثر ترکیبها  
داخل میشود و از اینجا که شکر شکر است لند اینجا بهترین طریق تصفیه هر قوم

افیون را نیکو کوفته در آب گرم یا گلاب گرم شبانه روز تر نمایند صبح در پاشیک کرده بر آتش گذارند و  
 بپزد بماند تا خوب حل شود بعد از آن در صافی نموده بر چهار گوشه صافی به پارچه پسته  
 مثل پنبه ای نگه دارند تا همان افیون صاف شده بچکد و اگر بماند که در ثقل افیون  
 باقی است باز آب را در افیون انداخته مثل سابق بچوشانند و بکوبند و بپزند و همچنان کنند  
 تا افیون در و بماند بعد از آن که آب صاف شده را بر آتش ملائم بچوشانند تا قابل حبستن  
 شود و راقم در آب افیون صاف شده شراب انگوری مخلوط ساخته بر آتش ملائم جوش داده  
 قابل حبستن کرده استعمال نموده در و منافع بسیار قوی یافته و در الشرح بعدیل گشته  
 و چون شراب انگوری مخالفت مزاج افیون است در هر دو کیفیت اصلاح عظیم نماید و مضاد  
 دفع سکره از وجب مسکک است مثل اعتماد الدوله صمصامی غفلت کرد و عود غرق در چینی بر یک  
 یکدم زعفران سه درم چند میدستیرید ام پوست ترنج دو دام افیون مصفی هم سنگ ادویه اجزا  
 را کوفته بخیه با گلاب خمیر ساخته جهابند حب سورنجان منافع و فواید عرق انیسون  
 نافع بود و صمصامی قوی با پیچیز سراج از هر یک یکدم سورنجان تربید سفید از هر یک مثقال  
 کثیر حب انیسون از هر یک یکدم تخم خنظل و انکی نمائست می انکی نیم کوفته و بنیبه باب کرفس حب  
 سازند حب شیطیج عرق انیسون او جاع منافع و وجع ظهر را نافع باشد حب پوست بلبله  
 زرد و درم صمصامی قوی است درم غفلت دار غفلت از هر یک درم خردل سه درم شیطیج نکات  
 تخم خنظل زنجبیل از هر یک یکدم درم فانیخ جزی چهار درم باب کرب حب سازند حب بر رویا  
 او جاع منافع را زرد و یا اصلاح کرد و صمصامی قوی تربید سفید از هر یک است و درم پوست  
 بلبله زرد و بلبله ان سورنجان مصفی از هر یک دو درم انیسون سه درم یا انیسون و درم و  
 نیم ثقل و درم باب گنداب سازند شربت سه درم باب گرم حب خنظل حبست جهت قدر  
 حب صغریه ای پنج کثیر ثقل خنظل و دام بلبله الله شیطیج زنجبیل و غفلت شک پهنندی  
 هر یک سه درم بلبله سیاه دو درم صمصامی درم سورنجان مثل همه ادویه کوفته بخیه ثقل را



از یک لیسند و چهار سازند هر چه بقدر خودی شربت کشتن مال با آنچه مناسب  
 کافور بنفشه و یک حص کاغذ قهوه‌ری نیم ششمال نشاسته صندل سفید مغز تخم کدو کثیر از هر  
 از بر یک کشتن مال نموده بلباب بدهند شربت حب اسازند شربت یکدم حب که ربع را نافع  
 بود و حب یکمیز با اس با پیچیده پوست سرخ ازوی دور کنند و مغزوی او مغز تخم کدو بنفشه  
 و نرم بگویند قدری قدس با آب پیچیده قند فلفل جدا بکنند و هر روز یک حب بخورند حب دراز  
 اقسام پنج حب نوشته اند حب دراز فلفل مغز کدو بنفشه هر یک یکمیز از زیر سفید برگ معیان  
 هر یک یکمیز نیم توله او و دراز نیم بگویند و آب جدا بکنند بقدر خود یک حب صبح و یک حب وقت ظهر  
 و یک حب حب وقت شام بدهند و همین سان سه روز بعد از آن حب الشفا که جهت قسام  
 صندل و باری جمیع حاصل باره و اکثر اراضی دارد مفید نوشته اند و حب های مزمنه و ناسه  
 نافع بود و اقسام هم در حب مرکب تجویز نموده و در حب ناکه قبل از نوبت باید داد و مسکن و صج  
 قورنج و حافله صحت و جوانی و غزال اعتبار و گران از اعصاب و باین حب ترک افیون هم  
 توان کرد حب ششم بوزن شل و دوازده ورم ریوند چینی شست ورم تخم فلفل صندل عربی شربت  
 چهار ورم تخم فلفل و صندل را در آب حل بکنند و او دیر کوفته بنفشه بان لیسند و قدر خود و چهار  
 بنفشه این حب را هم در حرم بسیار استعمال میفرمودند حب الشفا بنفشه و کدو بنفشه و کدو  
 بنفشه و حرم در حرم انجرات نوشته اند حب تخم فلفل خورده ریوند چینی و دوزخ و جوز نامل سه خور  
 چهار کوفته بنفشه بادوزن او و پیچیده فلفل همچون کنند و نگارند و مقدار موثرب حب بکنند که  
 صندل و انجرات استعمال نمایند شربت یکدم حب حب این حار شربت های بلخی را برود  
 و باقی صندل و سیاه را و رسته شربت زائل کند و الیابد و هم در حرم بجهت بیهوشی استعمال  
 میفرمودند حب باری نفع می کرد و درین باب عذیل ندارد حب بلبله زرد بلبله سیاه و بلبله  
 سبکینج مثل شمشاد از هر یک پنج خور و خورل سقر فاسی شونیز زیره کرانی نمک تلک  
 رومی از هر یک یکمیز و فلفل سبکینج را در آب گندم حل کنند و در طاس رویتن در آفتاب نگارند

باقی ادویه را کوفته بخیته پیا نمینند و حسب مقدار فلفل بندند و سه بار با او یک مثقال تناول نمایند  
 و طعام زیر براج خوردند و قند کتب جدی علی بن الحسین اناجربیت بذا و بعد از پنج نام استعمال کنند  
 حسب شاهره جرب و قوبا و سغه را نافع است ص سقمونیا و درم و نیم بلبلیه سیاه  
 پوست بلبلیه زرد و سرباک پنج درم ص سقوطری شبت دوم باب شاهره شسته چهارم بندند  
 و در سایه خشک کنند و دیگر بار بسایند و آب شاهره تازه نمایند تا سه نوبت پس حسب سایند  
 شسته و دوم ناد و مثقال حسب مهمل طبری در وصف آن نوشته که از مسهلات مجرب است  
 هر که را توقع از البرص باشد البته از استعمال این حسب خلاص شود ص حبلیان در  
 فلفل و اسفود و دیون پنج سوسن آسمانگون هر یک نیم درم خرق سیاه زخمبیل و فلفل  
 فلفل سفید شیطیح عاقر قرحا سنبل الطیب مصطکی سرباک یک درم مازنیون درم و نیم سقوطری  
 بهفت درم کوفته بخیته باب برگ ترنج و شراب تند یا یکی ازین سه و شسته چهارم بندند  
 و مثقال در ربع آن به شبت تناول نمایند و در شدت گرمی هوا و شدت سردی باید از  
 نمود حسب دیگر که طبری از زنی بعد از ازیت خدمت او معلوم نموده وزن در یکصد و سی و  
 اطفال میکرد و بجهت برص میداد و غایتی شفع میشد ص زخمبیل فلفل سفید خرق سیاه  
 ایسج فلفل مساوی کوفته بخیته پیا محلول بشد آب لیمو شستند و چهارم بندند شربت دوم  
 و این طلا نیز استعمال می نمود و سرکه ماز و استخوان ماهی سوخته زاج سبز کوفته بخیته و ص  
 بندند و در سرکه انداخته طلا نمایند حسب که بجهت طاعون و خیارک و جمیع اورام حار  
 نافع است ص گل ارمنی جد و از غش زربنا و زردچوبه چند لیلین گل مفتوم مساوی  
 کوفته بخیته چهارم بندند و در هوا سرد و بقدر سه باشد باب و در هوا گرم با گلاب بندند  
 و اگر بر موضع باندند حسب بجهت برص منقول از بقایای نفع مداومت این حسب را البسیا  
 بیان نموده و جرب نوشته ص باجی مدبر و مقشیر پوست پنج کوفتری که آن عبارت  
 از انجیر دشتی است پوست پنج نیم برگ نیم شاخ نیم سرباک پا و آثار همه را کوفته بخیته نگا دارند

و گریز چوب گیر زیزه زیزه نمایند و در آب اندازند که در آن آب هشت برابر دراز  
باشد و بجوشانند و سرگاه بوزن چوب برسد صاف نموده او ویرا بآن خمیر کرده جدا کنند  
غذا نان بی نمک هر روز یک تانک پیاده و تانک خورده باشند طریق تدبیر با بچی اینست که  
با بچی را در بول ماده گاو سرخ که هنوز نازائیده باشد تر کنند و سرگاه خشک شود دیگر  
اندازند بعد بست و یک روز برآورده پوست او را دور کنند و در سایه خشک نمایند حسب  
که دارالشعلب را که از بلغم باشد نافع است صمغ حنظل سه درم و ثلث تربدین و فلفل  
ایارج فلفل هر یک درم شربت از دو درم تاسه درم حسب هندی جهت خنار پز و سلاخه و  
جمع اقسام عدد گاو معمول و مجرب حکیم شاه محمد روم بود صمغ الا بچی خور و پنجاه موطنه پز  
شیر بهیر آنوله سرب یک پیک و کم پنج ماشه کوفته بختی نگا دارند و شیر بهیر آنوله که نسوت سفید خرد شده  
مغز الماس هر یک درازده و نیم دانه بختی جو کوب نموده و پنج سیر آب شب تر نمایند صبح بخورند  
چون سوم حصه بماند بدست الییده آب غلیظ آن برارند و بست و پنجم درم گاو گل کوفته  
در آن حل کرده باز بر آتش گذارند و بجوشانند و چون غلیظ شود مثل معجون دار وای که  
اول کوفته نگا پرشته اند آن را داخل کرده حسب ما ساخته نگا دارند هر روز نیم دانه خام  
یا دانه بختی بخورند حسب برای دفع آتشک بعد از آنکه تقیه نموده باشند و بدون تقیه نیز آتش  
سبکند بعد از آنکه بر این نسو و نسو دیگر که بعد از این می آید هر قوم فرموده اند که چند بار بخورند  
آنکه است صمغ بلبله زنگی یک توله طباشیر سفیدشش ماشه نیله تهو ته سد ماشه نیکه شش  
دریاد آنار آب لیمون بسایند تا آب خشک شود مقدار کنار و شتی حسب سازند و یک  
صبح و یک شام بخورند و از شیرینی پریز نمایند و در آب لیمون سائیده طلا نموده با  
حسب الکالیات برای وانه قیسم که باشد خصوص برای ثبور سوداوی نافعت صمغ کلسه  
خانیله تهو ته بلبله زرد کسته با پز یا چون مساوی گرفته همه را با یک سائیده گولی بسازند  
و وقت حاجت در روغن گاو حل نموده طلا نمایند حسب خزان خزان و خزان و خزان

نافع است صلب ایاره فقیر اسه ورم غار بقول و دودرم و نیم تخم حنظل یکدم از زردت چهارم  
تر بد و صوف هفت درم جاوشیر کنه قاتل نوشادر و دودرم ستهوینا کوفته بنجید بآب گندناشاید  
شربت بر روز یکدم حب چهارم مجرب مهور است و رحمت الله تعالی حب زنبق و ریش  
درم کنیزش درم راوند چینی سه درم صمغ عربی و دودرم قنطیر القیق بجانض الملیو و سبیل  
ویدق و عن برارة الفان و یحب بمقدار الماش و شیطانی کل یوم حب فی المساء و حب  
فی الصبح حلاوی که صمداع یابس را نافع است و صدای که بسبب ضعف و مانع بود از  
نیز سفید بود خواه غلاف نمایند بر سر و خواه بخورند حب جوده که در خشتاش سفید شکر سپید  
نفاست و روغن بادام شیرین با هم آمیخته بپزند و بعد از تر اشیدن سه غلاف سازند حلاوی که  
خشتاش مسلول را نافع بود هرگاه ضعف معده بادی نبود حب از بنصول بگیرد و بر آب آن  
خشتاش سفید آمیخته با شیر بنجوشانند و غلیل شکر سپید و رب بنشین و داخل کرده حلاوی  
سازند و بخوردن دهند حلاوی سیب و پسته و معده و دل و جگر و موله و غلظت صام و منحل  
الکیفیت است حب سر یک از آن را که خوانند بعد از پاک کردن از پوست و تخم بگویند  
و با قدری روغن بریان کرده غسل گرفته باشند که سفید بقوام آورده بپزند و بر شربت  
مرتب سازند و مغز لیمو بوداده بعد از احتیاج مخلوط سازند حلاوی که بسیار ی پاک  
نام دارد و مقوی کرده و باو است و رافع عقم مردان و دفع زنان را تنگ  
و باضمه را قوتیب کامل بخشد و چهار دانگ کن و نیم نماید و اندام و عرق شود  
کنند و بند کشاد و بر پیو مردان و زنان را دفع سازد و نافع استفا و نافع و دفع استفا و نافع است  
منقول از بقائی حب کافی و قیصری غلص یکدم بنج و صمغ و نایک سه و شش و نعل طاز  
بارنج خراسانی الاپی خورده بر یکد و دودرم تالیس و قتری نیسلون و منحل سفید  
غلص گرد و مغز تخم کن را بر یک سه و دودرم جوز بواچا و دودرم زیره سپید شش درم بنج  
یک نیلو و سفر مین و دانه مغز تخم نیلو و قنطیر شش درم بر یک شش درم شکر

ستاور از هر یک دوازده درم نایکمه انجم که فی هر یک چهار درم مغز خردی با عوض مغز بادام  
مقشمت و هشت مغز لپته چهل و دو درم مویر منقعه چهل و چهار درم سپاری و کنی بیت  
هشت پیل آنچه کوفتی است حلله حلله کوفته جاسه نیز کند و بادام و پسته مقشر کرده با یک  
پزیده نگاه دارند و مویر منقعه را بر سنگ سوده غسل بکشند و سپاری چهار پاره کرده و مقدار  
ده سیر شیر پزوده گاو یا گاو میش بچوشانند تا کام شیر در خورد پس خشک کرده و کوفته بخینه  
حلله بدارند و آنگاه نبات یک سیر و شیر فنج ستاور و دو سیر و شیر پزوده گاو یا گاو میش هفت سیر  
شکر سفید و دوازده سیر بوزن اکبری یک جا کرده جلاب سازند و بقوام آورند پس بروغن گاو و  
نیم سیر گرم کند و سمیق بسیاری و صمغ حله دار و بار یک جا کرده بریان کنند و سیر جلاب کور  
و حلل مویر منقعه اندازند و بقوام حلوا سازند شربت از نه باشد تا دو توله حلوا ای جذر منقعه  
باه است ص یک پز جاذ را و گو پزیده باب پزند و غسل و یا شکر سفید بقدر کفایت بقوام آورده  
روغن گاو و مغز لپته و مغز حلخوزه مغز حب الخضر و مغز گردگان مغز بادام مقشر مغز انجم  
مغز زاجیل که پوست سیاه او را تراشیده باشند مغز فندق مغز حب السمسم نیم کوفته داخل کنند  
و حلوا سازند حلوا ای جذر منقعه دیگر که از نهایت نفع است از برای تقویت باه ص یک پز  
جذر و شغل و بنیزند تا مهر اشود پس بر و در بهمان آب که سخته باشند منقعه کنند و بسیار پز  
و مویر در آب مذکور باز نیزند تا قوام غسل آید پس مغز جلاب مغز بادام شیرین مغز لپته مغز فندق  
مغز حلخوزه مغز حب الخضر داخل کرده چند جوش دیگر بدیند چون بحد کمال رسد و از چینی خولجا  
بسپاسه سوده داخل کنند و از آتش بر گرفته و ظرف چینی نگاه دارند و حلوا ای طلب  
تالیف پدر علو سیمان ص آرد نخود سی شقال آرد میدیه آرد باقلا از هر یک بیت شقال  
بروغن گاو و بریان کرده غسل صاف سی شقال نبات سفید بقدر ضرورته بعرق سید و  
صداوان حل کرده داخل آرد روغن مذکور کرده با آتش ملائم بنیزند تا چون حلوا  
شود مغز لپته مغز فندق مغز حلخوزه مغز جلاب مغز زاجیل مغز حب السمسم مغز حب الخضر مغز بادام



شیرین مغرب الزم مغرب خروزه مغرب الفلفل مغرب قریس نیکو فته از هر یک مثقال  
 ثعلب مصری هفت مثقال ارچینی مصطکی خولجان هین سرخ سفید شقال نه هینل از هر یک مثقال جز  
 بسیار بهنجیل زعفران مشک خالص عنبر اششب از هر یک نیم مثقال کوفته بجنیه داخل  
 کرده در ظرف چینی هین کنند و مثل روز نهند و هر روز صبح چهار مثقال و وقت شب هنگام خواب  
 چهار مثقال بخورند حلوا ای جذر در تقویت باه بسیار مفید است ص زردک سرخ نیک  
 شیرین از پوست و پنج دور کرده یک آثار خرمای فربه از خسته دور کرده نیم آثار و شیر را ده گاو  
 تا مهر اشود پس برآورده در باون چوبین بگویند تا چون مریم شود بعد از آن آرد خود بریان  
 و سیاه کنند از هر یک با نروده درم قدری روغن بریان کند و قند سفید یک سیر و عسل  
 خالص نیم سیر و آب حل کرده صاف نموده بران ریزند تا بقوام آید پس زردک و خرمای  
 مرقوم مخلوط کرده بعد از سه چوبش داوه فرو آرند و مغز کنجشک ز خاکلی چهل عدد و نیز داخل  
 نمایند و همه را نیک امتزاج دهند و بعد از آن مغز فندق مغز بادام شیرین مغز پسته مغز جوی  
 مغز نارجیل از هر یک ده درم ثعلب مصری کش خرمای خشک مربی دارچینی زنجبیل خولجان  
 از هر یک سه درم مشک زعفران هر یک یک درم باریک ساخته بیامیزند هر صبح ده درم  
 با پا و آثار شیر بخورند حلوا ای منقول از خط حکیم الملک که بهجت کثرت دور سنی و دمی و می  
 و در نهایت نفع است ص زردچوب یک جزو آرد کنندم فانی روغن گاو از هر یک سه جزو آرد و بر  
 بریان کنند و بنزد تا چون زردچوب بریان کرده را کوفته و بجنیه داخل کند و از آتش بر گرفته سه درم  
 هر روز چهار مثقال از آن تناول نمایند برای ضربه و سقطه نیز نفع میکند حلوا ای چوب چینی  
 که نهایت متفوی باه است ص آرد کنندم سه سیر سن تبریز بر روغن زیتون و روغن گاو از هر یک  
 نیم سن تبریز بریان نموده عسل مصفی یک سن و نیم سنگ تبریز داخل کرده با آتش نرم نهند  
 تا چون تر شود پس مغز جویزه مغز نارجیل که پوست سیاه او را دور کرده از هر یک بیست  
 مثقال نیکو فته اضافه نموده قدری دیگر آتش ملایم بدهند پس چوب چینی اعلی یکصد مثقال

و فضل و انبساط در چینی سیلانی زرباد و از اینانه بنحیث انیسون ناسخا و لسان العصاره سوخان  
 و از فضل و انبساط سعد کوفی از هر یک پانزده مثقال کوفته بهنجته داخل کرده و در ظرف چینی این  
 کرده نگاهدارد و وقت حاجت بقدر خوره بخورد و حلوائی مرغ سیاه از برای قوت باه  
 مجرب است و این نسخه از اطباء فرنگ است ص بگزیند گوشت ده قطعه مرغ سیاه که او  
 بفارسی مرغ جشتی و بهندی مرغ که ک ناته را گویند و برابر چهار وزن آن گلاب داخل کند  
 و بنزد ناگوشت مهر شود پس در کرباس صاف کند و شیر آن کشند و نبات سفید  
 مغز بادام شیرین مقشرب حب الصندوب کبار مغز خسته زرد آو شیرین از هر یک یک مثقال شکر قندیل  
 پنج مثقال مجموع را نرم بگویند و مرق داخل کرده باز بنزد ناچون حلوا شود و در ظرف چینی نگاه  
 ببرد و بقدر خوری از این که چهار مثقال باشد بخورد حلوائی سویمان موافق مبردین و کثیر  
 غذا و مولد خون خلیط است و بهجت در دکر و تقویت باه و اعصاب نافع است ص  
 گندم را در آب بجایانند چند آنکه نیم بر دارد پس در کبیه کرده در آفتاب گذارند و هر روز قندیل  
 آب بر دپاشیده باشند تا شوریع کند بپزیدن پس در آفتاب خشک کرده و کندیان  
 شیر او را بر آورند و به تقدیر که آرد کرده باشند یا نصف وزن آن یا مساوی وزن آن  
 آرد میدهند مخلوط نمایند و آب را بجوش آورند و اندک اندک آرد را ریخته بزنند و بچوشانند  
 تا آرد طبع تمام یافته خلیط شود و اگر شیر او را بر آورده باشد بقدر نصف وزن گندمی که اندک  
 کشیده اند آرد میدهند داخل کرده طبع نمایند تا خلیط مشهور پس قدری روغن طعام  
 یا روغن کنجد داخل کرده بجوشانند تا روغن را جذب کند بعد از آن شیر و شکر یا دوشاب  
 بقدری که برای شیرین شدن او مقصود باشد داخل کرده بجوشانند که روغن را جذب  
 کرده شوریع پس داود آن شود پس معنه بادام بریانی پسته مغز گردگان مغز نارجل  
 که پوست او را دور کرده باشند بنیکوفته داخل کنند بعد از آن لیمو از آتش گرفته و در چینی بنحیث  
 جزو اول فضل بسیار است ناسخا از هر یک قدری که ذائقه را موافق آید کوفته بهنجته داخل کرده

قرص با سازند حلوای تخم مرغ ص زرده تخم مرغ بمیت عدد نبات سفید نجا متقال  
 نبات را برق بهار نایج و عرق بید مشک و آبله دان حله کرده بعد از آن ز تخم مرغ نوده نجر جان  
 تر حلو شود و جوز بوالب با سه از سر یک یک متقال زعفران مشک بتنی از سر یک دو درم داخل  
 کرده پنج متقال آن را صبح و سه متقال وقت شام بخورند هر وقت پنج متقال میتوان خورد  
 حلو استغری ص شکر را صاف کرده بقوام آورده بچوب زنند تا سفید شود و از مغز بمانند  
 مغز پسته مغز بادام قشر مغز فندق مغز گردگان مغز نار چیل که پوست آنرا تراشید  
 ریزه ریزه کرده باشند و امثال آن لبوب داخل نموده قرص با سازند و هر وقت خوا  
 باشند بخورند حلوای لبوب مقوی نسخه حکیم هاشم ص آر دکندم آر دخنو دروغن گاو  
 بریان کرده نبات سفید یک آنرا غسل مصفی بکباب حل کرده داخل آر دروغن کرده با  
 طایم شل تر حلو کنند و از چینی همین نسخه سفید شقایق عود صلیب و آنه بیل خولجان  
 بوزیدان از سر یک نیم توله بسیار داشته حقیقه الشلب چهار توله نیم چیل چهار ماشه عفران  
 دو ماشه مشک سه ماشه کوفته سنجینه مغز پسته مغز فندق مغز نار چیل مغز پلخونه مغز انجلك  
 مغز بادام شیرین از سر یک یک نیم توله داخل کرده و هر روز دو توله صبح دو توله شام یعنی آخر  
 روز بخورند حقیقه باید دانست که واضح حقیقه لفظ است جالینوس گفته که استاد لفظ را بخند  
 نموده است از طایری که ماسی بسیار خورده بود چون در دوشکم او غلبه نمود بر کساره دریا  
 آمده بمقتار خود آب دریا گرفته در بر خود کرد و بعد ساعتی آن آب را مع فلفل انداخت و  
 نبات یافت و پیر از نمود و در مقدار مطبوع حقیقه سه سله اطباء اختلاف است اما آنچه معمول  
 اکثر اطباء است دو ثلث رطل است بدو سه مرتبه بعمل باید آورد و باید که نیم گرم حقیقه عمل نمایند زیرا که  
 اگر سرد باشد تولید ریاخ خواهد کرد و بسیار گرم مورت غشی و کرب است و نیز معتدل در وقت  
 و غلط باشد چه اگر غلیظ خواهد بود باعث قرحه امعاء خواهد گشت و رقیق موجب انتشار در بدن  
 و حقیقه در وقت معتدل استعمال نمایند بهتر نیست که پیش از حقیقه سه سله یا نب نیم گرم وادمان

مناسبه حقنه کنند و اکثر اطباء صحت اعضا را بر پیشه در استعمال شش و ط کرده اند و این  
 در وقت غیر ضرورت است و حقنه حاده مضرت جگر و مورث حمی است و ترکیب حقنه  
 مسهله قریب مطبوخ مسهل و انداخته میشود و در حقنه سه دار و همچنانکه در مطبوعات  
 مسهله لیکن باید دانست که مسهلات بعضی را چون صبر و بلبلجات داخل حقنه نمی توان کرد  
 چنانچه بعضی اودیه حقنه در مطبوعات مثل زهره گاو و شارب اسباب در نسخه حقنه بلبلجات  
 افسانه کرده و صاحب تحفه المومنین نیز مروی نموده و راقم در نایفات خود که بر شرح آن  
 و علامات است عدم صحت این را بیان ساخته و اگر چه اکثری از اطباء بجم غطل در حقنه دار  
 کرده اند لیکن صواب آنست که داخل نکنند و حقنه دوا می مبارک کثیر الشفع است خصوصاً  
 و را فرجه عاصیه از عمل مسهلات مشرب و به تسکین مبدید او جاع اسهال و قوئخ و کلیه و مثانه و  
 اورام آنها را و محقون را سعی کند که عطسه و سعال و فواق نیاید و حقنه را با شکل مختلفه  
 نموده اند و بهترین شکل اینست که انبویه دانه باشد که منقسم بدو قسم بود یک قسم یک شل  
 دانه و قسم دوم دو ثلث و انبویه از نقره یا مس و اشغال آن سازند و در میان این بر قسم  
 از اول تا آخر حبابی از جسد سازند چنانچه اگر چیزی در یک شل بخش بگذرد بخش دیگری بحال  
 باشد و این حباب را از طرف قسم صغیر انبویه از آن طرف که مشک می بندند وصل نمایند  
 وصل شدید در وسط جگر و صغیر منقذی سازند که هیچ از آن منقذ بیرون آید اولی آنست  
 که دو منقذ نمایند تا ریج بزودی منقطع گردد و زیاده که ریج چیزی است که بر سبک اندوز دار  
 محقنه را و محقنه باید که مثل گاو تیار نمایند و کیسه را بوجه احسن بر محقنه بسته استعمال کنند و بعضی  
 گفته اند که محقنه بمقدار یک شبر باشد شکل کیسه دوخته و از طرف که بود آن طرف مشک  
 محکم بندند و شکل گردن کرد و سازند و عند الضروره از مثانه گاو نیز عمل توان نمود و بهترین  
 وقت ضروره از قطعه فی بعض انبویه کار باید گرفت و در وقت حقنه کردن در چهار  
 لای کلیه در رد و رگین بعضی را مستقیماً دارند و سر و سر برین را برایش نهانند تا میان

ایش بر زمین چسبیده باشد و در قونج و در داف و مانند آن بیار را بر زانوی وی خوابانده  
 شکم او بخیمه دارند و سر و سینه او بر بالش نهند و از طرف در و میل کند و در زیر تکیه لبوی نشین  
 نهاد و کتفی بقیانند و سرین مرتفع دارند و در امراض و باغ مستلحه و زیر گردن و سر بالین  
 بگذارند و زیاده التفصیل فی الکتاب المعبوط من اراد الاطلاع فلیرجع الیهما حقنه لعینه که سیم  
 و جمیات را سود دارد و ص عتاب سستان شعیق شعیق نیکو فته کل بنفشه سبوس گندم خطمه  
 اکلیل الملک هر یک کفی انجیر پنج عدد و در سه رطل آب جوش و بند تا بر رطلی آید و روغن بادام  
 بنفشه روغن کنجد هر یک دو درم آب گامه نیچرم اضافه نموده نیچرم حقنه کنند بدو نوبت دیگر  
 قوی تر خواهند یافت و در مغز فلوس خیار شنبه و سنای نیز داخل کنند حقنه که انیسون کثیف  
 است از حکیم علی ص ششم خطم قرطم نیم کوفته گمان بر الا انجیره فوج دشتی پوست پنج کبر  
 هر یک کفی در سه رطل آب بپزند چون یک رطل بماند صاف نموده نصف رطل ازین همه نصف  
 او نیمه زیت حقنه کنند حقنه که مشتمل است بر سیم حاصه و جرمه ص کتیک شعیق و او قیل و آن بر قطون مالیده  
 همه را یکجا کرده خوب بهم زنند و بدستور متعارف حقنه نمایند حقنه حاده که در بعضی امراض احتیاج  
 بان میشود خصوصاً در حالت سکنه و فالج و صرع کثیرش و در درمناصل بار و در من ص سوطه و در  
 ترید سفید برگ چند در مغز حب الزروع قطور یون و قیق شبت سور بنجان مصری از هر یک در مثقال  
 غلظت و شش سفید کثیفال سادگی چهار مثقال مغز حب القرطم پنج مثقال بنفشه قتیقه سه  
 مثقال عتاب سستان از هر یک بیت و آنه جو شاییده صاف نموده فلوس خیار شنبه نیمه  
 مثقال شکر سرخ پنج مثقال در آن حل نموده بیالایند و روغن حب الزروع ده مثقال روغن بادام  
 شیرین یک مثقال اضافه نموده سیم را دو و حصه نمایند و هر حصه را  
 با مثل ازرق و دانه بوره ارمنی یک مثقال با و شیب کد آنک حقنه نمایند و اگر قوی خواهد  
 یکد آنک شحم خطم و یکد آنک چند سیم است اضافه نمایند حقنه که در قونج موجب است ص  
 قطور یون بار یک دو درم بنفشه انیسون نیلوفر گ و زبان تخم را زیاده پوست پنج کاسنی تخم گ



ما از سرخ پاک شود و تنقیه کامل گردد و حقه مندل باب بارتنگ و گل مخموم و جز آن بکار برند و  
 چون مرض طول نمود و امتداد کند حقه نریخ بکار برند بشرطیکه قرص غایر نکشته باشد یا حقه ریش  
 موجب تنقیب اعمار گردد و علیل را بپاک سازد و دلیل غور قرص سرخ خراجه تخمین است  
 اطال مرض است به نهایت حقه که جهت اسهال صفرا که هرگاه شب و سده باشد نافع و مجرب  
 نوشته اند ص تخم خبازی ده درم غنبل الشلب و ونیم درم نیلوفر سه درم بچوشه  
 چهار درم بنفشه پنجم درم سپستان بیست عدد پنجه کوفتی است بگویند و همه را بجوشانند و صاف  
 نمایند و روغن تخم کدو و شست درم شیر خشک درم لعاب اسفند ده درم آمیزند و حقه  
 حقه که گرم ریزه و حب القز را الخیج نماید و بجز و مزاج شاید ص پوست بچ درخت انار  
 یک شارب و ز در آب تر نمایند صاف کرده آب برگ شفا لواضافه نموده حقه نمایند حقه که گرم  
 بواسیر رافع است ص عسل روغن کنجد روغن حبه الخضر هر یک نیم سکر حبه قند سیست  
 درم آب گند ناسی درم آب شست درم بچوشانند و نیم گرم کرده حقه نمایند حقه دیگر قوی  
 بکشد و در دشت و باد های غلیظ رافع آید ص حبه بزرگ قطور یون بایون خشک نیم  
 خطمی از هر یک کنفی انجیری عدد غنابستان از هر یک بیست دانه سبوس گندم برگ  
 بچندر برگ که جنب شبت سداب از هر یک سیست بکینج متل جادشیر از هر یک سه درم  
 سترخم کافه کوفته بیست درم بپزند آنگاه بیست درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند  
 حقه که ریش روده و اسهال خون صفراوی رافع است ص آب برگ خرفه آب  
 لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ روغن گل آسخته یک بیضا قاقیا پنجم  
 و م الاوین چهار دانگ کاخذ سوخته سفیداب که با مریحان گل مخموم از هر یک یک درم با  
 یکدیگر مریخ نموده استعمال نمایند حقه که شروح اعمار و اسهال و موی رافع باشد ص  
 کشک جوینج خشک پخته بپزد و بپزند و بپالانند و سفیداب نشاسته قاقیا  
 از هر یک پنجم زعفران شیان ابیض هر یک یک درم زده تخم مرغ عدد و ده درم روغن گل متل

و با یکدیگر می آمیزند و استعمال نمایند حقیقه حاده که قولنج و اوجاع مفاصل بارده و آلام جسم و امراض  
 و انگی و عصبانی بارده را نافع است ص غنچه گل سرخ با بونه بزرگ کتان حله شمع خنظل مغز تخم  
 شبت برگ کلم سورنجان چوشانیده بیا لایند فلوس خیال شیر گل کنند و در این حل کرده باز بیا لایند  
 و روغن حب الخروع داخل کرده بوره ارمنی نمک هندی سوده سرور و نموده بر سر  
 تا نیکو مخلوط شود حقیقه نماید حقیقه نافع از برای قولنج و امراض بارده رحم و درد پشت و در  
 سترین عرق النساء و اوجاع مفاصل ص بزرگ کتان حله قطور یون و دقیق شبت خشک از برگ  
 اوقیه مغز حب قرطم و اوقیه خشک یک اوقیه نیم انجیر زرده عدد سبوس گندم و اوقیه بونه  
 یک اوقیه نیم مغز تخم بیدار نیم کوفته یک اوقیه شمع خنظل مقل زرق بکینچ تخم سپندان سفر بادام  
 نیم کوفته از هر یک پنجم غاب پستان از هر یک سی عدد برگ کلم برگ چقدر از هر یک یک  
 کوچک برگ سداب خشک و اوقیه همه را در وقت رطل آب خالص بکینچ نماید و رطل بماند  
 پس بیا لایند و در هفتاد درم ازین آب تا هشتاد درم یک اوقیه آب کاسه و دو درم بوره ارمنی  
 و یک اوقیه غسل مصفی و یک اوقیه زیت باروغن گنجد نیم اوقیه روغن بان و یک درم زهره  
 ترکیب کرده حقیقه سازند حسوی جهت صداع که بسبب ضعف دماغ و انجیره هم سرد می افتد  
 ص سبوس گندم با و آثار آب شبت تر نموده نگاه دارند ص بیکر مالید و شیر برآورده ص  
 نموده بخوشانند و بیت عدد بادام مقشرد و قدری خشخاش نشاسته چهار درم قند سفید در آب  
 حل نموده بپزند و بپزند و قدری مشک خالص اضافه نموده بکار برند و اگر انجیره صعود نماید  
 شیر کشتن خشک بقدر حاجت بنفشه ایند حسوی جهت پاک کردن ریه ص بکینچ از آب بطم  
 کلب حب صنوبر دقیق کر سنبه لب نخا حسو سازند و بیل شیرین کرده بنوشند حسوی جهت  
 نفخ میابد بحال را و سرفه خشک را نافع بود ص سبوس گندم دو پیر و آب تر نمایند و  
 نموده آرد با ناله نشاسته یک اوقیه شکر سفید و اوقیه فانید یک اوقیه کثیر اسحق و دو درم  
 انداخته بخوشانند تا مثل حریره شود حسوی شحیر برای نفث الدم نافع بود ص بکینچ شیر



مقشده درم غاب یک اوقیه برگ لسان الحمل هفت درم تخم خشاش سفید و درم بهر را  
 بچوشانند تا مملو شود مالیده صاف نموده شربت خشاش شربت غاب شربت نیلوفر و  
 کرده باز بچوشانند تا مثل سریش شود و اورا استعمال نمایند حسوی نافع برای ذات الجنه  
 تخم خیارین مفرغ که در تخم خشاش منبت با دام مقشدر آب شیر برآورده باشک سفید و روغن  
 با دام شیرین بچوشانند تا مثل حریره شود بخورند ملین و معین برفیج و نفث است و مسکن و جمع بود  
 حسوی برای ذات الجنه سوداوی ص آرد گندم نیم مغز با دام شیرین شکر سفید بستر  
 مرتب سازند و بکار برند حسوی که تقویت دماغ کند و لذیذ بود ص منبت با دام ده و  
 تخم خشاش شش باشد نبات مسکه هر یک دو توله بدستور مرتب نمایند حسوی که بخت الصوت  
 میسی را نافع بود ص آرد باقلا آرد تخم کتان شکر یا ذران مناسب گرفته حسو سازند حسو  
 نافع جهت بخت الصوت ص غاب انجیر هر یک پنج عدد سپستان ده دانه تخم تیر  
 تخم ریحان بهدانه هر یک نیم شغال نبات قدری که شیرین شود بطریق فالوده بنزد وینگر  
 پیاله نوشند حسوی که برای بخت الصوت که سبب غبار و دخان و آواز شدید حاش  
 شود ص شیر تازه نشاسته روغن با دام شیرین شکر سفید حریره سازند نیم گرم بخورند  
 دیگر برای بخت الصوت که سبب آواز شدید بود ص لباب تمج کشک شکر در آب بچوشانند  
 و شکر طرز در روغن با دام شیرین و اندکی زعفران مسوق انداخته مثل حریره سازند حسو  
 که جهت سنج و زحیر کار آید تالیف مولف ص لعاب شیخ طلمی نبات خشاش نبات اسپنول شیرین  
 روغن با دام آب که در آن کنیز او صمغ عربی نیمکوفه شب خیسایند با شند نبات بقدر رسا  
 بدستور مرتب سازند حسوی جهت پیش بان خون و بی خون مفید است ص صمغ عربی  
 سه دانه نشاسته روغن با دام هر یک نیم توله یا رنگ بوداده یک توله با قدری نبات مرتب  
 سازند حسوی که اهل هند زنان را بعد از زاییدن میخورند ص روغن زرد پا و سیر خوب  
 دماغ کنند و پا و سیر سیده داخل کرده خوب بریان نمایند آنگاه یک نیم پا و نبات یا و سفید فانی

کلی  
 دوز  
 فانی

و بهین مسمول است شربت ساخته میدارند و به قاشق بگردانند تا بقدر سطرپی بهم رسانند  
پیش از فرو آوردن دواهای گرم مثل فلفل در از فلفل و پیرنجیل ناخواه از هر یک یک شیار  
کوفته اضافه نمایند و بکار برند و نیز اگر گاهی تنها قند سیاه ناخواه را در آب جوشانیده بعد از آمدن  
بجو رانند و هرگاه مزاج حامله گرم باشد فصل هم گرم بود یا حامله را حرازه باشد تخم ریحان و قند  
هم در او ریزد و عرق گاوزبان یا آب خالص جوشانیده دهند حسومی که در جرب کلیه بکار آید  
شکر طبرزد یا نروده درم یکصد بریان دو درم نشاسته چهار درم کریمه سه درم بخوراک بوبند و علی لک  
حریره سازند و روغن بادام اضافه نمایند حسومی استقوی باه از تالیف راقم ص مغز بادام  
مغز فندق هر یک بیت دانه نشاسته دو توله هر سه را در آب شیر کشیده بر آتش ملایم بپزند  
نبات بقدر حاجت و مسکه قدری در انشای تخم بختن و اصل نمایند پیش از فرو آوردن  
تعلب بمصری شقاق مصری بهمین سفید هر یک دوا باشد خوب ساتیده کنند یا سه رانیز شیر  
کشیده و اصل کرده بنزد حسومی مسمن معتدل ص نخود سفید که در شیر خیسانیده خشک کرده  
باشند یکصد و کشک یکصد و کشک کند نصف جزو نان کند سمید خشک کرده سه جزو سوای بنجر نیمه را  
در آب گران قدر از یه جوشانیده باشند بنزد هرگاه بچه شود جز را ساتیده و شکر بر اندازند و در  
خفیف دهند تا جمع شود حسومی دیگر برای من ص نخود که در شیر خیسانیده خشک کرده  
باشند پنج وجو مقشر از هر یک سی درم خرمید خشک کرده شصت درم همه را بعد از سحر بخور  
نموده سی درم کوفته باشند تازه حسو سازند حافظ الاجساد و سور القینه و استقوا و امر ارض  
معه و دماغ و جمیع اعصار امفید است و در بعضی کتب نوشته اند که مکرر تجربه شده و جمیع اعضا  
بهمه از دوا لکرم است ص و این پی پوستیج که قفاح از خمر از هر یک پنج مثقال زعفران پانزده  
مثقال سنبل الطیب شش مثقال سنبل رومی ریشه و الا انیسون دو قواسارون ریلوین  
فطر اسالیون و صافی از هر یک چهار مثقال قسط خیمون حب بلسمان رب السوسن  
غافث از هر یک سه مثقال فوة الصبیح سعد کوفی از هر یک دو مثقال زیت کهنه بوزن

او در آلوده بختی روغن زیت چرب کرده لعسل مصفی سه وزن او و بدستور برشتهند حسی جهت  
 پاک کردن این صفت بگزیند خشاش سفید باریک ساتیده و در آب بمالند و شیر کشیده صاف  
 نموده پس تر و بهین آب صغیر مخصوص با قلی سفید بیشتر بر یکد و درم را بچو شانند بالقوام بارش  
 آید بر این حالت و قد حاجت سفر خمر سمید شکو طرز در روغن تازه بار و غن مغز تخم کد و انداخته  
 یک جوش و دیگر داده از آنش فرو آورده مغز بلسفیل مغز تخم کد و شیرین بر یک بچیدم  
 ساتیده صمغ عربی گزیند یکد رم کوفته بختی داخل کرده بنیگرم تحسی کنند جمول که جهت زجر چرب  
 است زرده تخم مرغ روغن گل آمیخته و در سنگ منسول صمغ عربی سفیده از زین باریک ساته  
 در آن آمیزند و البته بدان آلوده بردارند باب النجار خمیره گاو زبان غبری تالیف الکمل  
 افضل المدققین علای فهای والد ماجد حافظ الملک حکیم محمد اکمل خان مرحوم جهت تقریر  
 دماغ بی حدیل است و برای تقویت و تفریح قلب بی نظیر و انواع بالیخ و لیا و اقسام خفیان  
 زائیل سیکه داند ص گاو زبان گیلانی سه دام گل گاو زبان کشنیز خشک ابریشم تفرض بهین  
 بالگو صندل سفید تخم فر خشک یک کتوله غبر ابریشم سوامی غبر اشهب در دو آثار آب تر نمایند و در وقت  
 صبح بچو شانند هرگاه سوم حصه بماند صاف نموده یا نبات سفید یک آثار عسل مصفی یا و آثار قوام  
 آورده آخر قوام غبر داخل نمایند و ورق طلا و ورق نقره شش شش باشد اضافه نمایند و هر  
 که خوب حل خواهند کرد خوب خواهد شد شربت از یکد رم تا دو درم و چون درین ترکیب در آید  
 یا قوت زرد زهر مره بر یک یک شتغال اضافه شود حکم تریاق بهم خواهد رسانید چنانچه  
 ابریشم از حکیم ارشد مرحوم جهت اقسام امراض سوداوی و تقویت اعصاب در بینه بعیدیل است  
 و در طعم بسیار لذیذ ص عود غرقنی چهار باشد ابریشم خام که از کوب باشد چیل و دق کوله صندل سفید  
 ساتیده نیم کتوله سنبل الطیب پوست بیرون پسته پوست ترنج مصطکی قرنفل دانه سیل ساو  
 پندی از هر یک پنج باشد او و بر پارچه کتان بسته مع ابریشم که در عرق گاو زبان بنید  
 کلا آب آب سیب شیرین آب انار شیرین آب به شیرین از هر یک دو از ده درم آب بان

دو آتار بچو شانند تا وزن آب برود و وزن آب میوه بماند بعد از آن با عسل سفید کنند  
 سفید هر یک یک نیم پار بقیوام آرند و در آخر قوام غنبر اششبش ماشه حل کرده بعد از آن که  
 قوام سرد شود و در حق طلا و ورق نقره از هر یک شش ماشه حل ساخته و وارید ساخته و  
 یا قوت ربانی نه ماشه که ربای شمع مر جان هر یک شش ماشه اششب سفید نه ماشه مشک خالص  
 چهار ماشه داخل نموده خوب مخلوط سازند و در ظرف چینی نگا دارند و شربت از یکد رم نداد و  
 شتقال خمیره ابریشم که حکیم سحر الزمان جهت بندگان حضرت اعلی ترتیب داده بودند  
 از آن توش و جمیع امراض سوداوی و تقویت قلب بی عدیل است صل که ربای شیب  
 صندل سفید عود صطک هر یک نیم شتقال فرنج مشک ابریشم سقرض مر و ارید هر یک یک شتقال  
 گل گاوزبان دو شتقال همه را بگویند و بنزد ابریشم خام ده توله عسل سی شتقال نبات بنفشه نبات  
 شتقال ابریشم را در دو سیلاب یک شبار و نتر کرده بچو شانند هر گاه که گلاب نصف باقی  
 صاف نموده و یک شتقال بادرنجویه علیحده در قدری آب جوش داده صاف کرده بان ضم  
 نمایند عسل و نبات داخل کرده بقیوام آرند اول غنبر حل کرده خوب صاف کنند که سفید شود  
 بعد از آن داروهای که کوفته باشند بیاورند و بکار برند خمیره ابریشم جهت توش سودا و  
 اقسام مایه نولیا و خفقان بارد و باد بواسیر سوداوی و متدوی دل و دماغ و جگر است صل  
 عود صطک مشک خالص هر واحد نیم شتقال یا قوت که با مر جان لیب هر یک یک شتقال  
 مر و ارید غنبر اششب هر یک دو شتقال هر یک بادرنجویه برگ فرنج مشک هر یک بیست شتقال  
 ابریشم زرد خام نو شتقال نبات یک سیر شاه جهانی ابریشم را در آب طلا تا آب یا آه بن تاب  
 تر کرده بچو شانند تا ربع بماند خوب مالیده صاف کرده بگیرند و بادرنجویه فرنج مشک را علیحده در یک  
 کاسه آب بچو شانند تا نصف بماند صاف کرده آب مذکور ضم کنند و نبات داخل کرده بقیوام  
 خمیره آورده بریزند اول غنبر و پس از آن جواهر داروهای دیگر بست و در حل کنند خمیره  
 ابریشم که منع نجات نماید تقویت دل و معده کنند منقول از خط والد ماجد صل طبایر سفید

نشسته خشک پوست بیرون بسته لوله سفید که بایستی می کل نیلوفر گاوزبان ابریشم قرص  
 از هر یک درم یا قوت رانی چهار دانگ برگ گاوزبان گیلانی ده درم کافور قصه صوری و  
 دانگ عصاره زرشک پنجم صندل سفید سه درم شیر آمله یا نروده درم زر محلول دو دانگ  
 ورق نقره سه دانگ مشک تبیی نیم دانگ غبار شیب دو دانگ آب سیب انار شیرین از  
 هر یک سی مثقال گلاب بید مشک عرق گاوزبان از هر یک پنجاه درم قند سفید دو سن بید  
 متعارف سازند خمیره گاوزبان که بنایت مقوی دل و دماغ بود و از آن تحقیقان غشی  
 نماید ص کافور دو دانگ مشک نیندرم زعفران درم گل سیخ براده صندل سنبل طبیب  
 آتشه هر یک سه مثقال بادرنجبویه پنج مثقال گل گاوزبان ده مثقال گاوزبان گیلانی  
 هشت مثقال سوای سه جزو اول همه را در ورطل آب و گلاب نجیسانند و جوش دهند  
 و صاف نموده بایک رطل قند بقوام آرنند پس سه جزو اول داخل نموده بکار برند شربت  
 دو درم تاسه درم با عرق بید مشک و گلاب خمیره بنفشه اسهال صفا کند و امراض  
 صدر و ذات الحجب و ذات الریه را نافع بود ص بگیرند گل بنفشه ساق و قمع آن را در کر  
 برگهای بنفشه آن بمقدار یک رطل ازان سه رطل قند سفید را کوبیده بر در او بریزند که کف  
 مال نمایند و در وقت مالیدن قدری از گلاب بران پاشند تا نیکو مخلوط شود پس در افتاب  
 گذارند تا سه روز چهارم روز آن را نیکو کف مال کنند پس بکار برند و در وقت حاجت ده درم  
 آنرا تناول نمایند خمیره خشکاش برای نزل و سر فیه سفید و تقویت دماغ کند تخم خشکاش سفید  
 صد درم کوفته آب نیلوفر آب بنفشه آب کدو هر یک نیم من شکر یک من بقوام خمیره آرنند و  
 طبیب تخم پنج در آب بایند که سه روز نجیسانند بعد از دست مالیدن صاف می کنند و قند  
 نموده بقوام می آرنند خمیره خشکاش بنفشه و دیگر جهت بی خوابی میفید و منع نزلات و اصلاح  
 ریش سفید سویش سفیدش و دفع درد سینه و تعدیل اخلاط محرقة و تسکین حرارت نماید  
 کوکب کلان با تخم صندل و نیم یک ب سازند یا پوست را جدا بکنند و تخم را نرم بپايند

و بادونیم من آب باران بنیزند و بیالایند و کین قند انداخته قوام دهند و خمیره سازند و قوت  
آن تا دو سال باقی می ماند خمیره صندل منقول از بیاض عم مروح ص براده صندل  
بسیست شتقال در نیم آثار گلاب تر نموده یک شبار و زنگاه دارند بعد از آن بچو شاستند و شیر  
آن بگیرند و با یک من قند سفید خمیره سازند خمیره صندل حامض سور مزاج حار قلب  
خفقان و جمیات صفراوی و اسهال مراری و توج و فی صفراوی را باز دارد و صندل  
سفید سوده سی درم کشنیز خشک متشعیر بنجر درم در آب غوره یکصد درم و سرکه انگوری ده  
و آب باران کین و گلاب و عرق بید مشک زهر یک نیم من یک شبار و زنجبیل  
بچو شاستند تا به نصف رسد و از دست بماند و از یار چه کتان نازک بگذرانند پس یک من  
قند سفید داخل نموده بقوام آرند و بنیزند بالقوام خمیره آید پس بگیرند صندل سوده فود  
مر و آید ناسفته لیشب سبزه و در اصلایه کرده زعفران بهر یک یکدرم کافور و صوری نیم شتقال  
طباشیر سفیده درم کوفته بختی ورق طلا و ورق نقره از هر یک نیم درم همه آن بپزند  
شراب بنجر درم خمیره صندل به نسخه دیگر متوی قلب و داغ از برای خفقان سفید صندل  
سفید بگلاب سوده بیست شتقال قند سفید یک صد و شصت شتقال غبیر اشب نیم شتقال  
مشک خالص یک دانگ و نیم ورق طلا و ورق نقره از هر یک نیم شتقال گلاب یکصد  
و شصت شتقال عرق بید مشک هشتاد و شتقال قند را بگلاب و عرق بید مشک حل کرده  
با آتش ملایم بقوام آرند پس سفیده تخم مرغ شیر و آب در نیم کرده دست زنند تا کف کند  
را بران قند زده بهر همچون سازی بران زنند تا مثل خمیره شود پس غبیر و مشک قدر  
نبات سفید سوده داخل نمایند و در نیم زنند پس ورق طلا و ورق نقره مخلوط داخل کرده نیم  
زنند پس صندل را داخل کرده نیکو بر نیم زنند تا بکار آید خمیره صندل سفید کافوری  
نافع از برای تسکین التهاب قلب و معده و تب و عرق و تب و عرق صندل سفید  
مقاصری سی درم سوهان کرده در کیسه کتان نموده در گلاب و بید مشک عرق نیلوفر

از هر یک نیم رطل یک شبانه روز بخمسانند و روز دیگر باده رطل آب در یک سنگین بچوشانند و دانه  
 کینه را با مالند تا نصف رسد پس کیسه را با مالند و بقتارند و در کنند و داخل نمایند و ران آب سفرجل  
 شیرین آب سفرجل حامض از هر یک یک رطل قند سفید سه رطل بقوام خمیره آورند و از آتش  
 صندل سفید طباشیر سفید سوده از هر یک درم مرورید ناسفته صلایه کرده که ربای شمعی صلایه کرده  
 از هر یک درم کافور قصوری نیم مثقال سوده داخل نمایند و تبریز تا نیکو مخلوط شود و در ظرف  
 چینی نگاه دارند شربت ده درم باشیره تخم خیارین شیر تخم خرفه منقشر عرق بید مشک خمیره  
 مرورید از اختراع والد ماجد بنایت تقوی دل و دماغ حل مرورید ناسفته یک توایشب  
 سوده که ربای شمعی صندل سفید طباشیر سفید هر واحد شش باشد نبات سفید یا آمار قند  
 پنج توله در گلاب و بید مشک قوام نموده و او و یکوفه بخیته بان آب بر شند خمیره مرورید بخت  
 در تقویت دل و دماغ سفید حل مرورید ناسفته طباشیر سفید صندل سفید ابریشم مقرض  
 سفید از هر یک یک مثقال غبار اشوب قنقره و روق طلا هر یک یک انگ و نیم مشک بقی نیم مثقال  
 نبات سفید گلاب بید مشک از هر یک دو صد مثقال عسل صغری بستی و پنج مثقال نبات  
 که اخته عسل داخل کرده گلاب بید مشک داخل کرده بقوام آرد و تبریزند پس او و یه شسته  
 شربت از یک مثقال تاد و مثقال خمیره مرورید تقوی دماغ و قلب و رافع خفقان و بر  
 قروح کلیه و مثانه بسیار مفید و اختراع سنگ کرده و مثانه و ریگ آن نماید از تالیف راقم  
 حل مرورید ناسفته طباشیر سفید از هر واحد و توله حجر البیود و سنگ سرابی هر یک شش  
 غبار اشوب یک توله صمغ عربی سه باشد گلاب بید مشک هر یک یک آمار قند سفید نیم آمار  
 مصفی نیم آمار بطریق خمیره سازند و هر گاه علیل از قروح کلیه و مثانه و جز آن نباشد حجر البیود  
 سرابی و صمغ عربی موقوف نمایند خمیره ابریشم بار و حل ابریشم خام صد مثقال در آنی که  
 طلا و ماب و قنقره تاب نموده باشند یک شبانه روز بخمسانند و عرق گا و زبان هشتاد مثقال  
 بگلاب و بید مشک در آن داخل کرده بچوشانند پس بارب سبب خمیرین و رب شیرین

از هر یک پنجاه درم قند سفید شصت درم بقوام آرد و غبار شنب و درم و مشک یک درم در آن  
 بپایند پس طباشیر سفید سوده مروارید ناسفته سوده از هر یک سه مثقال که باقی شمی بسد کل سنج  
 صندل سفید هر یک دو مثقال مسر سه سانموده در آن داخل کنند و خوب تیر زده بردارند خمیره  
 گل گاوزبان عنبری حارص گل گاوزبان گیلانی بسبت مثقال قند سفید شش صندل  
 مثقال گلها را در عرق بنید مشک بقدری که دو انگشت بالای گلها باشد یک شبار و زنجبیل  
 و جوشانده صاف نموده با قند بقوام آرد و غبار شنب نیم درم داخل نموده فرو درند خمیره گاوزبان  
 عنبری حارصت از آله خوش و خفان و تقویت دل مفید حص برگ گاوزبان گیلانی برگ  
 بادرنجبویه از هر یک بیت پنج مثقال مشک دو ماشه غبار شنب یک ماشه گلها را و برگها را  
 در عرق بنید مشک گلاب در زمستان سه شبار و در تابستان یک شبار و زنجبیل  
 بجوشانند و صاف نموده با و بالایک آثار نبات بقوام آرد و غبار شنب مشک حل نموده  
 فرو درند خمیره ابریشم محو درین را موافق بود و تقویت قلب کبدی نظیر است حل بشیم  
 خام پنجاه مثقال بگللاب و عرق بنید مشک و عرق گاوزبان از هر یک دو صندل مثقال آبلیمو  
 بقدر ضرورت یک شبار و زنجبیل ساند و ببالند و ببالند و بعد از آن بگیرند آب شیرین از شنبیل  
 امرو از هر یک سه اوقیه و من تبریز آب نیشکر و قند سفید از هر یک یک من تبریز عمل مصفی نیم من  
 تبریز مجموع را یک جا کرده بجوشانند و کفها آنرا بگیرند پس بقوام آورند و مروارید ناسفته یا قوت  
 رانی که باقی شمی از هر یک و مثقال فاو در هر مدنی و دو مثقال و نیم لعل نیشی زرد از هر یک  
 دو مثقال صندل سفید غنچه گل سنج گل گاوزبان شقایق مصری همین سنج همین سفید و طباشیر  
 سفید کشتی خشک متقشر از هر یک دو مثقال و نیم ابریشم مقرض پنج مثقال غبار شنب و زنجبیل  
 طلا محلول از هر یک یک مثقال و یکد انگ و نیم تخم خرفه متقشر پنج مثقال مشک نبی چهار انگ  
 ورق نقره دو مثقال بدستور مرتب آنرا در کفستال خمیره غبار شنب تقوی قلب است و پیران  
 موافق بود حل بگیرند شکر سفید یک من صاف نموده بقوام آرد و کف بردارند و سفید و تخم مرغ



بر آن زده تریزند تا نیکو آمیخته شود و عنبر اشپه چهار مثقال نبات سفید کوفته بجهت اندک اندک  
بر آن ریزند تا نیکو مخلوط شود و شربت یک مثقال خمیره عود ترش تا لیسف محذو که با الفع مفرحات  
است و نافع بود از برای سود فکر و وسواس و خفقان و انواع ضلول و ضعف معده و دماغ  
و قلب و کبد و بجهت استسقاء و نسیان و ضعف باه مفید صل بگیرد از سارون شامی و قافله  
کباب سیل بوا تخم خشماش از هر یک نیم اوقیه سفید گردی را و نود طباشیر سفید ابریشم خام و شرب  
فلفل و خشک از هر یک چهار درم مجموع را نیم کوفته سه شبار و ز در چهار رطل آب بنجیساند و بجوشاند  
آن مقدار که ربع بماند پس ببالند و بیا لایند و داخل نمایند در آب صافی آن آب عذاب است  
شیرین است و شربت آب بیاس آب زرشک منقی آب انگور آب انار ترش آب سفید جل  
از هر یک چهار اوقیه پس همه را داخل کرده بقوام سه وزن مجموع یعنی مطبوخ اول و این آبها  
فقد سفید داخل کرده بقوام آورد پس بگیرند عود هندی سیاه رنگ غرق چهار اوقیه و در این سفید  
مرجان قمری که بای شمع از هر یک سه درم با قوت رمانی یک درم و نیم همه را در گلاب و عرق بنفشه  
از هر یک نیم رطل آب لیمون آب نارنج و هر یک چهار اوقیه صلایه کرده در آن حل نمایند و بر بپزند  
چون لایق قوام آید عنبر اشپه محلول دو درم و برق طلا و ورق فقره محلول مشک خاص  
زعفران بگلاب سوده بعد از آن که از آتش فرود آورده باشند در آن حل کرده و در ظرف چینی  
باز جاجی یا فقره نگا بدارند شربت از یک مثقال تا دو درم خمیره از تالیف علویخان  
مرحوم مسک و منشط است ص چهل مثقال شکر سفید را قدری آب داخل کرده بر آتش نهند  
و بجوش آورند تا کف بر سر آورد پس قدری سفیده تخم مرغ را بر آن ریزند تا کف آن را  
تمام گرفته پس صافی نموده باز در یک کندیست مثقال بگلاب خوشبو داخل کرده  
بقوام خمیره آورد پس از آتش فرود آورده تخم خشماش مغز بادام مقشرا از هر یک ده مثقال  
در نهایت نرمی سائیده داخل کند پس چرس یک مثقال و نیم مشک عنبر اشپه از  
هر یک چهار دانگ سوده داخل کرده و بر بپزند و چون سازی آنقدر بر بپزند که نیکو مخلوط

در صفت  
عصاره اشپه  
در صفت  
عصاره اشپه

شده خمیره گرد پس نگاهد از شدت یک انتقال خمیره زعفران از تالیف راقم اقسام  
 خفقان را نافع بود و تقویت قلب نماید و تفریح تمام آورد و سواس سوداوی را زایل کند  
 ص زعفران سائیده و قند لاجورد مغسول همین سفیدار بشیم مفرض گاوزبان گیلانی هر یک یک درم  
 خمیره اشوب که انتقال و برق طلا و برق نقره هر یک یک درم گلاب بید مشک آب انار شیرین  
 سر یک یک اوقیه نبات سفید یک نیم یا غسول سفید هفت توله شراب سیب بست توله غسل  
 نبات و شراب را در آب حل کرده بر آتش گذارند بعد از آن که کف برداشته باشند گلاب بید  
 و آب انار داخل کرده بقوام آورده او را بیشترند خمیره یا قوت و سواس سوداوی و خفقان  
 و ضعف و اقسام الینو لیا رافع است از تالیف علویان ص آب بشیرین آب سیب شیرین  
 آب امر و گلاب عرق بید مشک از هر یک یک قصد انتقال عرق گاوزبان عرق صندل از هر یک  
 پنجاه انتقال قند سفیده من طبی قند را بابت و عرقها بچوشانند و کف آنرا بگیرند پس بقوام آورد  
 تبریزند که سفید شود پس یا قوت را بی ده انتقال بگلاب صلیامی که ده خمیره اشوب لاجورد مغسول  
 زهره و از سر یک دو انتقال اضافه نموده مرتب سازند و در ظرف چینی نگاهدارند و بعد از چهل روز  
 استعمال نمایند خمیره انتقال خمیره مسک چون قبل از جماع بدو ساعت بخورند اسهال منی و  
 سرعت انزال را مفید است پس بگیرند خشتاس مع پرده نیم طل و نیکو فته و رفعت من  
 حد او ان بچوشانند چون آب ثلث رسد بماند و بیالایند پس با یکطل نبات سفید بقوام  
 آورده بعد از آن از آتش فرود آورده و تخمیل بست درم جوز بود و درم افیون یک درم زعفران  
 نیم درم کوفته بختیه داخل کرده تبریزند تا نیکو بخا و شود و خمیره گردد و در ظرف چینی نگاهدارند و هر  
 که بضم خارجه و فتح رای مملد و قبل نشدید را بر پوست بیه منخ را که شسته باشند بیکو بند و  
 چون او داخل این ترکیب میشود و کند این اسم مسمی گشته و در بعضی کتب مثل سحر الجوا  
 و غیر آن این نظر را سحر مملد و از هر چه نوشته اند خرم قلع میکنند ریاض راص قشور بدب  
 عقدی کنه خاکسته صدف مروارید شیخ زبد النجر العر الصب فی پنج اقلیاسی طلا شادنج

بسد را و جناح لیسریک بکمر و حسن ریح جز شیر ق نیم جز و کوفته سینه بمیل چشم کشد یا در  
سازند و رفاوه بر عین بپزند حرم صغیر اجزا آن پوست برفیه در بار یک بسایند خواه  
تنها یا با شکر مخموج نموده استعمال نمایند و تدبیر قشور برفیه این است که آنرا در آب شیرین  
تر نمایند و در آفتاب بپزند و از غبار پوشیده دارند و چون آب تنقص شود تبدیل سازند و  
بایست که همی شوند و پوست باریک که بر اندرون قشور جدا گردد و دور کنند و آب دیگر بخیته  
و همین ظرف بسته دارند و از غبار بپزند و اول بدارند تا آب بکشد شود پس بشویند و بپزند  
و همین قسم تکرار عمل نمایند تا که آب از بکشد و باز باز و پوست از قشور جدا نگردد و پس قشور  
تباها شده بکار برند اگر قشور برفیه که از آن بچه بر آمده باشد بکشد قوی الاثر خواهد بود و حرم  
بسیار از برای بیاض چشم مجرب نوشته اند و من بکشد پوست تخم مرغ که بچه بر آورده باشد و  
در بر کنند و صلایه نموده از حریز بخیته و غسل آمیخته و چشم کشند حرم غل غصیل بصیر و قوه  
و فایح و سکه و وجع راس و ضیق النفس و ریه و وجع عصب و عرق النساء و وجع معده نافع بود  
و مظهر کردن بان تشدید لثه و اسنان و تصفیه صوت نماید شربت از دو درم تا هشت درم  
ص بکشد غصیل سفید فقی را بکار و خشب ورق بیزند مثل پیاز و قلم سازند و خطه کتاب  
و چهل روز در سایه حلق بپا و نیزه پس یک من ازین پیاز در بپست من خل خرم بپزند  
و صیف شصت روز از ابتدا در سه طاق تا آخر اسد در آفتاب بدارند پس بکار آرند اگر قشور  
بود و پستاند کور را با سرکه مسطور در قدیری جگری بپوشانند تا ماهر شود و صاف کرده بکار برند  
بعضی باین پیاز را و پانزده یا شانزده من سرکه انداخته در آفتاب بپزند و مولانا طبیب  
فرموده که خل خرم عبارت از آن است که در ده من آب انگور سرکه انگوری خالص ضافه  
کرده و خرم بپزند در آفتاب بگذارند تا ترش شود و خضاب که محافظت مو کند و سفیدی  
که در غیر وقت عارض شود و در نماید خل غصیل خشک بپزند و لادن پوست  
جز تر خشک کرده شتاقیق نعمان خبث الحیدر و سرخ شنب بمانی باریک کوفته بشویند و

خمیر کنند و قرص سازند و خشک نمایند وقت حاجت یک قرص گرفته و طبع نماید و اس حلاوه  
 در بر باد و دوسه دفعه خضاب کنند باید که خضاب از دوی مقویه و باغ مثل لادن و قنصل و  
 مشک خالی نباشد تا باغ بسبب خضاب ضعیف و مستقیم نماند نشود و خضاب که مورا  
 سیاه کند و بهترین نسخه با است باعتبار آنکه بجز و الیدن بی آنکه بر بند عمل میکند و حاجت  
 بدریستن نذر و در و گهری اثر میکند گش طابوسی نمی باشد و جل و انیاه نمیکند ص  
 ماز و چهار حصه سنگ راسخ و دوحه نوشا و یک حصه شب یامانی نیم حصه ماز و ارد خاکستر گرم  
 که بخود در میان آن بریان میکنند اندازند تا سوخت سیاه شود و در آب جدا بار یک سیاه  
 و وزن نمایند پس یکجا کرده و در ظرف آهنی نهند و آب آهینه بسته آهنی صلیب کنند تا خوب  
 گردد پس موی را بآب آله بشویند و در آب آله بپزند و بعد و گهری بآب آله بشویند  
 آب گرم و باید که آله را سخت در آب بچشانند پس آب او را داخل و اسازند و در شستن  
 بکار برند که عمل طبع قوی تر می باشد و خضاب که در می راسخ کنند و اشتر سازد و ص مریخ و  
 ترنس ده در مریخ و باغت یعنی شور و در می خور خشک کرده و بریان نموده هر یک سه  
 بعد هر یک جدا گرفته بنجته وزن کرده یکجا نمایند پس یکیزه خاکستر و رخت انگور و آب بران  
 و یک شب نهند و موی را بآب خاکستر که در شست بشویند و عقب آن دو اندک و آب  
 مسطور سرشته خضاب کنند و دیگر به انداز رنگ و در خضابی که موی را سفید کنند  
 ورق الخطاطیه را من خشک کرده که با نزع نیم ترب نسین خشک و قنصل خشک گرفته  
 بنزله گاو و غل سرشته خماد نمایند بعد از آن که بکبریت بخیز کرده باشند موی را با آب پس  
 یا چهار ساعت خماد و در کنند و موی را بشویند و دوسه ساعت فصل داده باز بخور کنند  
 بکبریت و عاده خماد نمایند و همچنین تکمیل کنند تا که سفیدی او موی بدید آید پس و اهرم بر و غن  
 تدبیر نمایند خضاب که مورا سیاه کند و نکا دارد ص اسه آله پوست بیرون گردکا  
 شقایق خناب یکیده ورم ماز و دوحه و همه را یکجا و پ نمایند و در دو رطل آب بچشانند تا بکشد

ایده صاف کنند و لاون ده درم روغن مور و بنیت شتال اضافه نمایند و آبش ملائم بچشانند تا  
 روغن بماند خضاب دیگر را سه چون گوید که این خضاب را ما آزموده ایم بسیار نیکو است  
 ایک باز و پرشته روی سوخته شب گل سر و کتیرا و نقل نیر یک نیم جزو برگ حنا و سه درازنگ  
 از نیر یک جزو حمله را کوفته بخیه تاب بپوشند و بعد از سه ساعت بمالند خضاب دیگر و رفع  
 و تیزاب فاروقی چندان مالند که حل شود باشند اسرب بعد از تصفیه مور و اساخ بکشند موی را بمان  
 ساعت سیاه کند و در پیر سیاهی آن می مالند منقول از بیاض عم مردم خضاب معمول کسل  
 المحققین شهادت بر اینکمال حاذق الملک حکیم محمد اکسل خان ص و سه کیتوا حنا و ماشه هر دورا  
 و رانی که در آن آلوده نمایند باشند چهره کنند و در کثیری در آفتاب نگا دارند بعد از آن موی را بمان  
 سیاه میکند آنرا و گاهی فرغی برای تسویه و تسخیر مانع نیز اضافه میفرمایند و بعضی اوقات بعد  
 شستن موی گل ملتان آیک در آفتاب از نیر یک جزوی سه را سائیده و در آب آبیخته بر روی  
 خضاب می نموند و در تسویه شترانه تمام میگرد خضاب معمول عبد الغفور مردم ص باز و  
 نیم آمار آله پا و آثار روغن کنجد با و آب لیمو زنگی ده آمار سید توتو ریزه مس از نیر یک یک درم شنبلی  
 نوشا و از نیر یک با و کم دانه و نقل نیم باشد همیر کسب سه باشد اول باز و در روغن جو شرا و ده باشد  
 شود و بعد در ثاب نهاده صاف کنند که اثر روغن نمالند بسیارند و جانی نیز نمایند و او را در حله جلد  
 کوفته در آب سائیده گولی بندند و در برگ انجیر یا برگ ارند نگا دارند بعد از آنرا و در حل کرده طلا  
 نمایند چون خشک شود آب گرم بشویند و روغن چنبیلی مالش نمایند و در مرتبه بعد صاف کنند و  
 داده خضاب نمایند خضاب در تسویه شترانه ص است را تم هم استعمال کرده ص سیده  
 گندم و نیم دام همین دام هر دورا و در این انداخته آب داخل کرده خوب حل نمایند  
 از سه این و هر چند حل خوب خواهند کرد فائده عظیم خواهد نمود و روز در آفتاب دارند و بعد  
 خضاب نمایند پس از چهار کثیری بشویند بعد از آن ملائمه سیاه و دو دام خوب با نیر یک نموده در  
 حل کرده خضاب نمایند خشک کند که چراحت زود برگ و انداخته ص خشنه را و مجرب است با و

چون خفته کنه خون برود بعد از آن دوا را پیشارند و بنزدن ص کات بندی مردار سنگ  
 بلبله بلبله مرصاف صبر و دوا را مساوی گرفته بخیته بر جراحی یا محل خفته استعمال نمایند  
 بعد از سه روز باز کنند جراحی به شده باشد خنده لقیون برودت معده و جگر و احشای را  
 نافع باشد و باضمه را قوت دهد و از برای سیران مفید ص شراب کمنه ده رطل غسل ص  
 سه رطل زنجبیل ده درم قافله صغار و کبار زعفران از هر یک یک مثقال و فلفل مشک از هر یک  
 نیم درم و ارچنی فلفل از هر یک یک درم ادویه را نیم کوفته سوای مشک زعفران در کنند  
 و سر کسیر را نیم به بندند و شراب و غسل را بچوشانند و کسیر را در آن افکنند و هر ساعت بدست  
 بمالند تا شراب بقوام آید پس کسیر را بر دارند و مشک و زعفران را در آن حل کنند و  
 انگاه بکار دارند باب الدال المہملہ دوا المسک حلوا نافع است از برای خفقان  
 و فالج و لقوه و صرع و خبث نفس و استرخا و کزاز مبتلای و مقوی قلب است و معده  
 پاک میسازد و لشف رطوبت از آن می کنند و عین است بر هضم غذا و ص زرباد و روغن  
 عقرم می و وارید ناسفته که با لبدا از هر یک ده درم ابریشم مقرض شش درم بهمنین سنبلیله<sup>طیب</sup>  
 سانج بندی قافله و فلفل از هر یک پنج درم شنه و از فلفل زنجبیل از هر یک چهار درم  
 مشک سه درم غسل کمن ابریشم را مقرض سازند که شل غبار گرد پس جوار بر ابریشم  
 صلایه کرده و باقی ادویه را کوفته بخیته بعمل مصفی لبشند شربت از نیم مثقال و حکیم الملک  
 بعد از دوا و جد و انقبس قسم اول باین معجون چهارم حصه مزه ج میساخت در جمیع افعال  
 خصوص در رفع سموم و عفونت اخلاط اقوی می گشت دوا المسک شیرین از  
 حکیم علی ص و وارید ناسفته که با مریحان ابریشم مقرض زرباد و روغن زعفران سنبلیله<sup>طیب</sup>  
 قافله و فلفل سانج شنه جذبه و شنه و از فلفل زنجبیل مشک مصطک بهمنین اگر قرض غیر بود  
 با ش عوض غنبره توله کند نبات سفید صد مثقال غسل خام ده صد مثقال دوا المسک  
 که در مرض بالینجیای اجرائی صفراوی بعد از سفر اعجت تبدیل مزاج بکار آید منتقل

شرح حکیم علی ص زعفران ربع جزو مشک نصف جزو که با سبب شش کثیر طباشیر مغز تخم  
خیارین ابریشم محرق مروارید ناسفته از هر واحد جزوی سوئی سبب شیرین سه جزو با سه چند  
شکر و آب و چون سازند شربت و درم تاده درم شرباب قلع شیرین و دو ابرالمسک  
حاصل از فرا بادین و ملائسی تقویت جمیع اعصاب رقیقه و جمیع قوتها کند و به خفقان که حادث  
از خمار بود نافع است و با همین را سود دارد ص مروارید ناسفته نیم درم گل گاوزبان غنچه  
گل سرخ طباشیر سفید کثیر خشک متشکر که بای شمع ابر محرق از هر یک یک درم مشک قتی  
دو دانگ نبات و رب سبب ترش از هر یک بقدر ضرورت سازند و صاحب میزان الطیار  
گفته که مزاج این دو اقربیب به برودت است و خشک است در درجه ثانیه و او ابرالمسک  
تایخ نافع است برای عرق و فالج و لقوه و خفقان سوداوی و اوجاع و ریاح معده را تحلیل کند  
ص منبتین و بی صبر و طری از هر یک ده مثقال سنبل الطیب مرکب از هر یک مثقال  
ربو و چینی فنام ناسخاه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار مثقال مشک نارین سافج هندی  
مروارید از هر یک سه درم چند بیدستر کنیم در عسل سه وزن او و به شربت یک مثقال +  
دو ابرالمسک بار از حکیم الملک اردستانی مرندی ص گل گاوزبان گیلانی غنچه  
گل سرخ کثیر طباشیر سفید مغز تخم که و مغز تخم خیارین تخم خرفه متشکر که بای شمع از هر یک  
سه مثقال گاوزبان مروارید ناسفته ابریشم مقرض از هر یک دو مثقال شربت فو که به شربت مثقال  
نبات سفید که مثقال کلاب و عرق بریز مشک از هر یک صد مثقال بطریق سقر چون سازند  
شربت و در مثقال سولف گوید که نیست این دو ابرالمسک زیرا که بدون مشک اطباء و  
نمی توان کرد بلکه این نوع بار دواست و دو ابرالمسک معتدل تا لیف علوی همان نافع است  
از برای خفقان سوداوی و با پنچ لیا راتی و مقوی قلب و دماغ و کبد و خبث نفس و  
دوسواس نزاع کند و در قوت و در محلل ایجه سوداوی و مانع صعود آن بدماغ تا لیف  
این نسخه موجب نوشته ص مروارید ناسفته که بای شمع و زق گل سرخ ابریشم مقرض و چینی

بهمن سنج و سفید و رنج عقربی زعفران از هر یک در دم مصطک شده مهیل بود از هر یک یک درم  
 صندل سفید طباشیر سفید صندل سرخ کشتیز خشک متفشگل کاو زبان آله منقی بسد تخم  
 متفش ورق نفره از هر یک سه درم زرشک منقی پنجدرم عود هندی بادرنجویه از هر یک یک درم  
 و نیم غیر اشب شک تپی از هر یک چهار دانگ رب سیب شیرین قند سفید و عسل سه درم وزن او دو  
 بدستور مقرر چون سازند و بعد از چهل روز استعمال کنند و او را المسک بار دینی چهار پنجم خلوص  
 صاحب ص طباشیر سفید کشتیز خشک صندل سفید تخم خرفه متفش از هر یک چهار درم که با  
 بسد ابریشم مقرر از هر یک چهار درم مشک تپی دو دانگ نبات سفید سه درم ادویه چنانچه درم  
 است مرتب سازند و او را المسک جهت غشی و خفقان و دوشست و دویم و بر و سه درم و  
 سه درم ص مشک تپی پنجم مصطک عود خام و اچینی پوست ترنج فرقل مهیل برگ مورد کباب  
 قافله که بار و صغار سعد از در و رنج تخم فرغ خشک تخم بادرنجویه تخم مرزنجوش دار فلفل مر و ارید  
 بسد که با ابریشم خام سازنج بهمنین هر یک ده درم با عسل بلبله مرئی لبرشند و او را المسک  
 بار و از حکیم محمد باقر ص طباشیر سفید مر و ارید یا سفینه که با بسد ابریشم مقرر از هر یک پنج مثقال  
 تخم کاه و و مثقال کشتیز خشک از هر یک دو مثقال ورق گل سنج پنج مثقال ورق نفره  
 عسبر اشب یک یک مثقال مشک خالص نیم مثقال زرشک  
 بهمدان و و مثقال گل کاو زبان دو مثقال با و و مثقال رب سیب ترش موم و مثقال  
 قند بقوام آرند و او را المسک بار و نافع از برای خفقان که حادث از شرب خمر بود و بهمن  
 قلب است منقول از خط علویان مرحوم ص گل سرخ طباشیر سفید کشتیز خشک گل کاه  
 که با ای از هر یک یک درم و ارید یا سفینه مشک تپی سدس جز و نبات سفید سه درم وزن او دو  
 و آب سیب ترش قدری بدستور مرتب سازند و مرتب کمثقال و او را المسک بار و  
 منقول از بیاض عم مرحوم ص که با بسد طباشیر سفید ورق نفره اگر یک سه باشد کاو زبان  
 گل سرخ کشتیز خشک از هر یک نیم توله ابریشم خام دو باشد تخم خرفه نیم توله زعفران و اچینی دو ال



از هر یک یک ماشه در او ریخته باشد ورق طلا باشد مشک شربت برنج است به شربت انار  
عسبر نیم ماشه غسل و نبات در وزن این دو را را قه نبر تجربه نموده و یا قوه صاحب بریان قاطع  
گوید که بلغت یونان شربت خشخاش را گویند که از پوست خشخاش بخیته باشند از تخم آن و زرد  
بعضی بر طلق شربت خشخاش اطلاق می کنند منع نزلات کند سر و خشک را بغایت نافع  
ص خشخاش سفید با پوست بیست عدد غم خطمی کثیرا صمغ عربی تخم خیارین همدانه شیرین از  
هر یک پنجم اصل السوسینیت درم بزر قوطو ناده درم مجموع و شش رطل آب باران  
بخشاند و شب از نماز می شود پس باقیش نرم بپزند تا مهر اگر دو و بنیمه آید بعد از آن صاف  
کرده با کیمین قند بقوام آورند و یا قوه منقول از بیاض عم مرحوم ص که گذاریم با وکل  
اصل السوسینیت نیم توله تخم پرسیاوشان هر واحد چهار درم غاب یا نژده عدد و صمغ عربی  
کثیرا هر یک نیم توله زرد فاخته شک سه درم مغز تخم خیارین پنجم درم همدانه شش درم خبازی دو  
درم مویزین سی دانه او ویرا در دو نیم آثار آب باران یک شبار و زنجبیل اند بعد از آن  
باقیش جو شائیده صاف نموده با نیم آثار قند سفید بقوام آرد به نگاه قوام درست شود و بپزند  
سفید شربت توله خشخاش سفید چهار توله صمغ تخم که و توله همه را شیرین کنند و در قوام مذکور  
باقیش ملائم که کم شیر و داخل نمایند قوام را حرکت داده باشند که شیر و با جذب شود و قوام  
بعدی رسد که با شست بچید بعد از آن رب السوسینیت شسته صمغ عربی کثیرا با یک نموده و  
آخر قوام اندازند و تبر زده نگاه دارند و چهار ماسنی آن محال ریاح است با و با شکند و قوت  
نافع باشد منقول از شفا ص هزار اسفید جامه از هر یک سی درم در و خ عقری فلفل  
و از فلفل حار قرصا سارون سلیمه قطره عطران زنجبیل از هر یک دو درم کوفته بخیته بصل  
بپزند شربت دو درم و و امیر الکلب کبیر صلابت جگر و سپرز و معده و استفسار و  
برودت معده مفید و بولی براند و سنگسار کرده و شان بریزند و بدن لاغر کند ص لکنت  
دو تخم کرفس جنبیلی زیره کرمانی زنجبیل کبیر شربت درم کافور و زو فای یا پس هر یک

چهار درم و چهار انگ چغلیا ناز و اندک دهریک یک درم صبر سقوطی سنبل هر یک و از زده درم  
 فوه پانزده درم حب بلسان سیلخه مصطکی مقل قصب الذریه اسارون هر یک شش درم  
 کند چهار درم دار فلفل زرا و نذ طویل هر یک سی درم و نیم ریوند جده و اخر هر یک ده درم  
 رب السوس بست بهشت سیالیوس سه درم کوفته بنجته لبسل معجون سازند شربت بکشتقال  
 و و امر اللک صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص لک منحول قسطی ققاح و اخر  
 تر مس حب النار حله فلفل هر یک ده درم ریوند چینی پانزده درم کوفته بنجته لبسل لبشند شربت  
 یک درم باطنج انشین یا آب گرم و و امر الکرم کبیر امراض جگر و سپر را که از سردی باشد  
 نافع است و سده کیشاید و باد بار اسفع کند و کرده و مثانه را قوت دهد و بول براند و استسقا  
 که کسب ورم جگر و سپر بود و سود دارد ص زعفران و از زده شقال اسارون و سقوطی  
 فطر اسالیون ریوند چینی هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سیلخه ققاح و اخر حب بلسان  
 هر یک یک درم فوه و درم رب السوس جده مصطکی خافث هر یک سه درم روغن بلسان  
 و صاف چهار درم کوفته بنجته لبسل لبشند شربت یک درم تا دو درم با ماء العسل و و امر  
 الکرم صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص زعفران سیلخه سنبل از هر یک دو درم  
 ققاح و اخر قسط و از چینی هر یک یک درم کوفته بنجته یک شیار و ز در شراب انگوری ترکیه  
 روز دیگر لبسل معجون سازند شربت بکشتقال و کر کم اسم زعفران است و چون او را  
 این معجون است و اصل و عمود این ترکیب لهذا این اسمی گشته و پیدا الورد بعضی  
 گفته اند که معنی و پیدا الورد آن است که و در برابر همه اجزا است لیکن از و پیدا الورد معلوم  
 میشود که عمود و اصل درین ترکیب و رد است خواه مثل همه اجزا باشد یا از همه اجزا وزن  
 این کم بود لیکن از هر یک جزو وزن زیاده باشد و این معجون یکی از شاگردان ابو البرکات  
 است که طبیب خلفا و نبی الد بود و این معجون را هم وزن طلسمی فروخت با الجماله در تقویت  
 سوده و ضعف جگر و استسقا و منفعت عظیم دارد و ذکره جبره را رقم آمده سنبل الطیب مصطکی زعفران

طبا شيرد اچيني اذخر اسارون قسط شیرین خافت تخم شوث لک منقی تخم کرفس زراوند طویل  
حب بلسان عود غرقی بیل ازهر یک یکدرم ورق گل سرخ منزع الاقماع برابر به اود عیسل  
سه وزن اودیه شربت از یکدرم تاد و درم و میدار برسانافع است از برای فساد مزاج معده  
و اجتماع ماء اصفر در لطن که عبارت است از استقازنی و ملین لطن است حص ایسا  
بیت و چهار درم فلفل بیت درم زنجبیل انجیران ازهر یک دوازده درم اینسون مصطکی  
رازیانه ازهر یک چهار درم ناخواه تخم کرفس زهر یک شتر دم کوفته بخینه بصل مصفی سه وزن اودیه  
سرشته همچون سازند شربت مقدار غصصه دوا را القسط شیخ رئیس گفته که ازین دوا نافع است  
از برای اوجاع کبد و معده هسل دایچینی سلیمه سیاه قسط ازهر یک سی درم زعفران بیت درم  
اینسون تخم کرفس ازهر یک ده درم اسارون بیت و نه درم ریون چینی ده درم قلع اذخر  
مرصافی ازهر یک بیت و چهار درم مراد شراب غلیظ بنجیسانند و بیا لایند و اودیه را بان  
بیشند دوا را الک بیت تالیف حکیم سنن سی بر تریاق معده گفته که این دوا در تقویت اجشاء  
ضعف بدن بی عییل است و در اول درجه ثالث گرم و موافق مبرودین است و قدر شرب  
از نیم مثقال تا یک مثقال حص سنبل الطیب قسط تلخ سلیمه مصطکی حب الغار زنجبیل قسط بل  
ازهر یک دو مثقال زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس اینسون ناخواه زیره کوفته فطویون  
باریک اسارون کبریت زرد انجیران پودینه دشتی افغ خشک تخم انجیر کندر ازهر یک چهار مثقال  
عود هندی فلفل سپید ازهر یک نیم مثقال زعفران یک مثقال و نیم مشک تنبی فریون ازهر یک  
یک مثقال باد و وزن اودیه عیسل مصفی همچون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند دوا را که تحقیق  
و صداع بار و ارفع نماید هو میانی و در دغش بنفشه بگذارند و آنرا سوط نمایند دوا که طبری گفته  
که آن را بر سر صاحب صداع بنزد بالخاصیت در دهر راسا کن گرداند بگزیند قوه الصبیخ بر سر  
عیسل بنزد دوا که صداع حار را زایل کند تخم کاسنی را کوفته بگلاب ساییده بر سر و جبهه بپوش  
کند و گزیند همین حکم دارد دوا که در ازاله الصداع مجرب است کباب و آنرا کوفته بگلاب شسته

بر سر نهادن نمایند و او را که برای صداع مزمن و شقیقه مجرب است بگیرند بندق بپندند و در آن یک  
دو سه قطره آن را سوط نمایند و او را که صداع دودی را نافع است و دود را بکشند بگیرند  
در آب یک شقلاوسایه و بپننی بچکانند و او را که چون سوط کند آن را مجنون بری کرده از بون  
خود بگیرند سوی سوخته انسان در روغن گل آینه استعمال نمایند و او را دیگر قرشی گفته اند  
عقل و مانیاد و الکلب او را یک روز زائل گرداند بگیرند قدری افیون و او را اشعر حل کرده  
بخورند و او را منوم از بلف علویان حس بیخ سوخته و او را ده شقال و نیم پنج شقال بزرگ سفید  
از هر یک پنج شقال کوفته در یک نیم من تبریز شیر گاودا خل کنند و بچوشانند پس فرو آورده تا  
ماست مان زده شیر را ماست بند پس مسکه آن ماست را تمام بگیرند و کا را رند پس بپزند  
جوز بوا پنج عدد و میان اینها را خالی کرده جا که آنها را نگاه دارند و در جوز بار خالی نموده بپزند  
افیون کا درونی را فیتله کرده بگذارند و جوز بار را بچمیر گرفته در روغن گاو بریان کنند بجای که نیم  
سوخته گردد پس خمیر را از آنها جدا کرده پس در آن دایچینی بهمین سفید و سبز شقال مصری نیم  
خشتش سفید گل گاو زبان سرشته غنچه تخم خرفه متشتر از هر یک دو شقال و نیم زعفران کشتیال  
و یک دانگ و نیم ثعلب مصری مغز بادام متشتر مغز جلیغوزه مغز انجلیک مغز حبه النخاض مغز حبس  
از هر یک پنج شقال مغز تخم خیارین سفیده شقال و نیم ورق طلا و ورق نقره عنبر اشک شکلی  
از هر یک چهار دانگ نبات سفید عسل مصفی از هر یک نو و شقال اجزا را انچه کوفتی است کوفته  
و انچه بختنی است بختیه مجموع را با جاک جوز یا مسکه ندکو چرب کرده عمل و نبات را بگلاب عرق  
بید مشک عرق گاو زبان حل کرده بقوام آورده او را بر بان بپزند و او را جهت تقویت  
از مجربات عماد الدین کا شتر حص غار لقون نرم سفید مغز بادام از هر یک پنج گرم شیر خشک و  
انچه دو گرم اسارون پنج گرم از مجموع حبوب ساختن پنج روز پیوسته بخورند و اگر در زبان  
لقوه زائل کند از ترشی پیریز نمایند و او را که صرع اطفال بر او مجرب است جد و از قشیر  
و شیر باد را سائیده بخوراند و همچنین اگر زوده فادانیا بر لیسان نیلگون بسته در گلوی طفل

تعلیق نمایند ام الصبیان را نافع بود سپهرها و الدوله در خلاصه التمارید در بحث صرع اطفال نوشته  
که چند اطفال را این مرض سه نوبت و بیشتر بمجاوزه کرده بود و هر مرتبه مرغانی با آتش سنج کرده نزدیک  
سیان دو بار و او از پیشانی داغ نهادند در حال مرض بسوزش آن بهوش آمد و دیگر عود نشد  
بعضی بالبتک گوشتند و غیر آن داغ میکنند و او امر که نفوخ آن برای صرع و سکت نافع است  
ص ششم خطل فتار الحار نوشاد و شونیز کنندش خریق ابیض فضل زنجبیل جنبه بتر مرقیون  
اسطوخودس باورنجویه نهانها یا مجموع در بنی دهند و او امر که خدر و استرخا عصب را نافع است  
ص هفتم بکینه عاقر قرحا بارغن زیت نمکرم طلا نمایند و عسل به القیاس خردل و دانه شیشان سایند  
با سرکه دوام کرد و چشم بیک نقطه ساکن کنند ص لوده سپیده گندم روغن گاو هر یک چهار دم  
و بهر راخمیر کنند و چهار غلوه سازند و سفالی بر آتش ملائم نهند و یک غلوه بر آن گذارند و چون گرم  
شود نرم کرده بر چشم نهند تا آن زمان سرد شود پس غلوه دیگر که گرم شده باشد آنرا بر چشم نهند و بچشم  
کنند تا در بر طرف شود و او امر که گل چشم را نافع بود ص زنجبیل پیگری نمک سنگ  
جمله برابر کوفته بنجیه و چشم کنند و او امر جهت عده که در گوشه چشم طرف بینی بچشم بکار آید  
ص زنجار نوشاد و راب ساییده بر آن گذارند و داومت نمایند و اگر اثر نکند با بن قطع  
کنند سفیده تخم مرغ گذارند و او امر که ببول و مانده و جاله سپرد از بقای ص نبات سفید نهدام  
مرچ سفید سر و آنه الاچی خور و سنگ بصری مغز تخم سرس پیگری شیشیه که در آینه نصب  
میکنند هر یک یکدم کوئی زرد بهشت عدد مثل سرکه کل نموده و چشم کنند و او امر که  
جهت دمه مجرب و به نادر و حکم قدیم دیگر امراض چشم رافع عظیم بخشند از بقای ص بکینه  
سنگ بصری یک توله مرچ سیاه شش عدد در و در اسانیده بجر بنجیه و در تمالی روغن پاکو  
پهول انداخته چند روز خوب بسایند تا مثل غبار شود پس بکار برند و او امر بپندی مجرب  
سنگول از بیاض عجم مرحوم برای پاره چشم و تاریکی ص سر کنده را از بند شکسته پوست  
مجوف او را از یک طرف آتش دهند تا سرخ بسوزد و گرد و وقتیکه بحدی رسد که سه چهار

همانکه در طول شکافته دویاره نمایند بمیان وی رطوبت سسج که جمع شده باشد آنرا  
در چشم کشند از بسکه تند و نیز است ایلام بسیار بد و سواس نباید نمود که بسیلان اشک  
ماده مرض بالکلیه بر طرف سازد و وانه که دفع شب کوری و نزول است ص نیز  
گاه و شیشه کرده و در روز در آفتاب گذارند پس مروز عفران مساوی کوفته آن زیر نم  
کرده سه روز دیگر در آفتاب گذارند پس احتمال سازند و وانه که پیدین مژه را نفع نماید ص کاسیل  
جوز بود در روغن چینی سائیده بر یکال بمالند و وانه دیگر که پیدین چشم باز دارد ص زعفران  
بسیاسه برود و در آب سائیده بر مژه بمالند و وانه دیگر که جرب عین را نفع می نماید بکیر نائل  
و او را در گلاب زن نمایند بعد از آن گلاب را در چشم چکانند باشد کافور محلول در آب همین  
حکم دارد و وانه که طلاء کردن آن چشم بر در نفع عین می نماید بکیر نائل و زوت و سفیدی بنفیه  
باشیر و ختر یا شیر بز آسینیه بکار بریزد و ای که بخت شور یکال که آنرا گمانی گویند بکار آید روز اول  
است و گوید در آب سائیده طلا نمایند بعد از آن که بشکلی معلوم شود زخاں کمند و او را خام را آب سائیده  
بر روی آن یکال طلا نمایند و اگر سه عت نفع مطلوب باشد و نقل و زرد چوب در آب سائیده بکار  
بریزد و خانه زنبور که سندی خانه که ساری گویند طلاء کردن نیز نفع است و وانه که در پنج اطفال  
را نافع است ص بکیر نائل و زوت و زعفران برود و اسائیده احتمال نمایند و وانه که بخت  
جرب عین مجرب است و منع میکند چشم را از قبول مواد باز دارد و ص باز و راشل غبار  
سائیده بر اجفان پاشند و به بند و سه ساعت بگذارند و وانه که عشا را بر دیگر دیگر که سفید  
و آنرا آتش بریان نمایند و در حالت بریان نمودن و در فلفل نیمه فنه بر آن ریزند تا بار طوف  
جگر گویند بچینه شود بعد از آن و در فلفل سائیده و آب بویان آسینیه احتمال نمایند و همچنین  
نفع میکند شبکوری را خوردن جگر مذکور و نگار چشم بر بخاران و احتمال بعسل و آب  
را ریا نه یا آب پیاز سفید نافع تر است بنیاست بخت این مرض و کذا الک و چشم کشیدن  
آبی که در آن پوست یرون زنه بپزند را سائیده باشند عشا را برود و وانه که غرب را

ز اسل گرداند باش را خائیده برینند و و اما که کلال لب را که از اداست نظر سوی تلخ و شام  
افتاب حادث شود نافع است بکینه بادام و بکوبند و بر چشم نهاد نمایند و بدوشند شیر و شکر  
و یکدشیم کند آب گرم و و اما که منع شعر را کند خون قنفذ و در آن و جندید ستر مسا و  
در لعاب فم صائم آمیخته بر موضع شعر بماند و و اما بجهت تایل جنین ص شونیز و بلخ و خل  
طلما نمودن مفید و بالیدن عکازت موجب تحلیل و و اما که شعر را اندر نافع است موسی  
بکشند فی الحال خون اسر و یار و غن کچله بران بمانند و تکرار عمل کنند و و اما که  
منع انبات شعر را و شعر منتقل کند صدف که چک سوخته ساییده بقطران سرشته  
بعد از شفت بماند و و اما که تیر گرداند لب را و حفظ صحت چشم نماید و تیا بگیرد و صفت روز و را  
بادیان تر نمایند پس خشک نموده ساییده استعمال کنند و و اما که تن بینی بر دقتار کنند  
ربیع جز و قشور نخاس شب یمانی زعفران بر یکی جزوی باریک ساییده قدری از  
بمغز فسیل در بینی حلیل که اور مستلقی خوا بمانده باشند اندازند و و اما که اقسام رعاف  
بند کنند ص بلبله گل مصفر اندر خام برابر سوده باب سوط کنند و و اما که با سوزنی را سوز  
و بد و آن گوشت فرونی بود که در بینی بهم رسد زنگار نوشادر اشکار یکجا کرده بشد آئینند  
و فقیله بر آن آلوده در سوراخ بینی آهند و از گوشت و شیرینی بر نیز نمایند و و اما که نافع است  
برای قروح و دیرینه الف منقول از بیاض عم مرحوم ص عفش مرز عفران سعد زرنج شب  
کوفته و خوب باریک ساخته در الف نفوخ نمایند و و اما که رعاف به بند و ریح کنند در آب  
ساییده به پیشانی طلما نمایند و و اما که سده بینی بکشد کلونجی بابل خر ساییده بر باید و چکان  
و و اما بجهت آن کس که بوی نیک دریابد و بدنه مشک دائم در بینی بچکانند و اگر کسی بخور  
بر دریابد و بوی نیک نه جندید ستر و دائم در بینی بچکانند که رعاف بند کند بکند حفص و در  
حره کتان بسته بسوزند و خاکستری بکیند و در بینی دهند و و اما که بواسیر الف را نافع است  
بکیند ز روغن گل و سرکه و گلاب و لوبان حلیه با سم مفرج نموده در بینی تسبیط نمایند و و اما

به خون رعات بند کند کافور یک جبه در شیر کشتیر سبز حل کرده سوط نمایند و اگر عوض آب  
 کشتیر سبز آب افشرد و سرگین خر کنند قوی خواهد بود و مگر تجربه بر رسیده است و اگر قدری  
 افیون اضافه نمایند بعدیل خواهد شد و همچنین روغن بنفشه با دام و مسکه برود و رام فرج نموده  
 استنشاق نمایند رعات که از حده و مرزیه خون باشد دفع شود گدازک آله بقدر چهار دان  
 در آب سائیده بریا فوخ گذاشتن و ششم شتر سوخته در بنی دمیدن رعات را قطع بسازد  
 و و اما که بواسیر الف را سودمند بود ص جوز السرا و انجیر مسادی کوفته فیتله کرده و در  
 نهند و همچنین اگر زجاج اخضر را در خل سائیده در الف صبح و شام گذارند بواسیر و درکت  
 و و اما که رعات را بند کند ص فیتله را با سفیده تخم مرغ غشسته و کافور بران پاشیده در  
 منفر سائل الدم بگذارند و گل ملتانی بآب سائیده بر سر و چهره و گردن طلا کنند هرگاه در  
 شود و دیگر اعاده نمایند تکرار عمل کنند رعات بند شود و و اما بجهت رعات ص دارا  
 سرخ را با خون غشسته و سوخته محرق با سفید سائیده در بنی دمند و و اما بجهت  
 رعات صفد سیاه راج محرق سورنجان برود و را به بیاض بیض جمع کرده زیر زبان بگذارد  
 و و اما که قلع اسنان ضعیفه و دردناک کند ص پوست سنج توت پوست سنج کبر عاقر قوا  
 شیر شتر تخم مازولون زربنج پوست خنظل بسر که بخته سحق کنند تا مثل خمیر شود هر روز در  
 سر که دیگر انداخته تا یک هفته همین قسم سائیده پس حوالی سن متاکل کلاک زده طلا  
 نمایند روزی چند بار و و اما که درد دندان را نافع است ص فلفل عاقر قوا  
 بنجیل مساوی کوفته بخیه لعسل شسته بمالند و اگر بیل آهنی گرم کرده چند کت بر دندان  
 نهند درد نهند و و اما که درد دندان سوراخ دار را نافع است ص فلفل عاقر قوا  
 مازو مساوی گریز و اوویه باریک ساخته لعسل شسته بر سوراخ دندان نهند و و اما که  
 لته را مکن کند و گوشت رفته بر داند ص زراوند مدح کند و دم الاخوین که سنج سوز  
 مساوی کوفته بخیه بر بنجیر غشسته استعمال نمایند و و اما که اکاه ساعیه را نافع است



ص شب یمانی قلعطار قلندیس نمک سوخته نوشاد و بر یک یکوز و مانو دبر کاغذ صری سوخته  
 ایک آب نادمه بر یک یکوز نیم زعفران کندر برگ حنا بر یک نصف جزع و ربع جزع کوفته نیمه  
 افراس سازند و در هر که حل کرده نمضمض کنند و در دهن بدارند و و امر که بواسیر بسیار نافع  
 است ص حدس با بونه اکلیل الملک خطمی اندر آب بنزند و بگویند و بخ بنفشه و بنه باکیان مزه  
 سازند و برینند و و امر که اناس لب رافع است ص حنفلی با بونه اردو جلاب غلبه شفاست  
 بعد فصد اسهال ضاد نمایند و در انتها قیرو طی که از موم و روغن بادام ساخته باشند برینند  
 آب گرم بشویند و و امر که جبت در دندان سفید است ص برگ سنبله و نمک سنگ  
 بر یک بخوبی کوبیده در جامه بنزند و زیر دندان گیرند و و امر که در دندان را مجرب است ص  
 شهاب که تیلیه پاشش نمند و از دسته آهنی صلابه نمایند و بعد از آن از آتش فرو آورند و باز صلابه  
 کنند تا که خوب ساقیده شود و نگا بدارند و بکار برند و و امر که جبت قلع اطفال مجرب است  
 ص گاو زبان گیلانی سوخته بر زبان پاشند و کندک حکم جو سوخته است و و امر که گرم دندان  
 و در وی که از سبب گرمی برسد و در نماید ص برگ مقشور و پارچه سالوسرخ و پوئی بسته  
 در قهوه ای آب چرب شوند و باین آب مضمضه نموده و پوئی درین دندان گذاشته بخوابند  
 و تکرار عمل نمایند و و امر که در دندان در ساعت ساکن کند و درک را ورق ورق  
 کرده و نمک نرم ساقیده بر آن پاشند و گرم نموده بر دندان در دندان گذازند و همچنین مضمضه  
 نمودن از آبی که در آن پوست درخت کیکرینیه ریزه نموده جوشانیده باشند یا برگ چنبل  
 در آن طبخ نموده باشند برای اکثر اقسام وجع دندان نافع است و و امر که جبت گرم دندان  
 بکار آید ص گوگرد و سرکه حل کنند و برین نهاده بر دندان بگذارند و کندک چوب کایه  
 نرم ساقیده بر دندان گرم تا که گذارند و و امر که ضغف لسان را نافع است ص شب  
 پنج سوسن آسمانخونی زعفران مرساوی کوفته نیمه بر ضغف بالند و و امر که برض انحراف  
 ص گیرند نیلوتونه و آن را برشته سفید کرده نرم نموده بعد یک سرخ بر آن بپاشند

و درین پائین دارند تا آنی که جاری نشود و نیز برود و اگر خواهند پان بالای دی بخورند و همچنین  
 که بخورد نمک سنگ آب لیمون سائیده بزرگان مالیدن و پیگیری گواقی سفید باریک سائیده  
 و باریک سائیده برانچه ریختن و درین کشاده بازداشتن تا طوطی برآید برای آنکه سفید است  
 و و اما که دندان کو دکان با سانی برآورد و چربی بطور مرغ بر موضع برآمدن دندان بمالند و همچنین  
 شیر و مسکه و روغن بادام که موم را در آن حل کرده باشند و بدان موضع را مالیدن نفع  
 کلی دارد و در وقت برآمدن دندان سر و گوش و گردن چرب دارند و طفل را نگذارند که چیزی  
 بخورد و هرگاه در دوقوی باشد طفل اضطراب نماید و روغن گل سرخ دندان بمالند حص که دندان  
 بکشد تخم گنداق تخم ساز مسای بر آتش انداخته و دو بکشد و همچنین نریذ بلغم و میوه سرد را حق نموده و  
 سازند و در آن بگریزند و اما که سن تامله را قطع کند و روغن آنرا ساکن گرداند و قطعه لیمون تیور  
 کنند و اگر با طفلان ضم نموده تغییر نمایند اقوی خواهد بود و حوالی موضع تقطیر از موم بپوشند و  
 الحارل خنای بلغمی سوداوی را سودمند بود چون با ماء العسل بدان غرغره کنند یا بر خنای  
 حلق طلا نمایند تا همچون خشک شود در حلق و دندان ص نهار اسفند تخم ترب مرکی پودر است  
 نوشادر مسای کوفته بنجسته استعمال نمایند و اما الحلیت که در بیت الهوت یار و بکار آید  
 حص قلع حلیت خردل زعفران با مسکه کوفته بنجسته بمعل شسته بعد از تنقیه برابر شود و خوردند  
 و اما الحلیت بنجسته دیگر حص ورق سداب مرکی قسط فوینج قلع با قرقه ما به برایتی  
 بلغم مجموع را با عسل بقدر کفایت شسته و قدر بند قه یا جوزه بخورد و اما خراک کباب که جمیع  
 خنای صعب و درجه بعد از فصد و تنقیه و استعمال خراخرا راه اضطراب بکار آید حص سداب  
 یک روز به دندان و دندان و دندان نگذارند پس آب نمک آن به دندان شکم پاک شود و در  
 استخوان پاچه بدهند و سر گین بگیرند پس از ماز و مسکه و سر گین مذکور جزوی که خنای کوبیده  
 حلق و دندان و دیگر سر گین و زعفران و گل سرخ هر یک مسای نوشته و در آن شسته و دیگر  
 سر گین و فصوص قشور زان مفرد و مسای مسطور است و اما الزطاطیت صغیر خنای و شکر

و سودای راناف است چون بدان غرغره کنند و یا حاج خلق طلا نمایند ص نشاسته  
 سبیل الطیب هر یک پنجم تخم کرفس اینسون نانوای هزار اسفید و اچینی مرکب ز راوند و طوط  
 زعفران هر یک درم گل سرخ بیست درم قسطر باد خطا طیف هر یک سه درم ماز و تازه دو عدد  
 کوفته بخیته با عسل برشته بکار برند و او را جهت حرقة طلق مفید منقول از مجموعه ص تخم  
 گل یک درم سوم کافوری یک درم فیم انزروت دو درم روغن گل سه درم و نیم موم روغن شمشاد  
 حب باخورد کرده یک یک از زرده تخم مرغ آلوده فرو برند و اگر بطور لعوق لعق نمایند نافع تر  
 باشد و در غذا هم زرده تخم مرغ نیم برشت تناول نمایند و او را که لهامه را بر دارد و استرخا را از  
 نافع است ص پوست انار شیرین گلنار طباشیر سفید از هر یک یک جزو و غصص اخضر افاقیا  
 بزر از اینها از هر یک نصف جزو کوفته بر معرقه میل نهاده از آن لهامه را بر دارند و او را بکشت  
 نهاده بر لهامه گذارند و همین دو را بر دارند و او را برای سقوط لهامه بسیار مجرب است ص  
 جوز السورخ اندرانی نوشاد و سماق غصص غیر منقوب اقلع رمان افاقیا عصاره لیمو  
 شب یمانی ورق السوسن شیان مایشا امیران حفص موصات ثمره طر فاد و عروق آن  
 گلنار را و خطا طیف کوفته بخیته نفوخ در حلق نمایند ص و او را یا بس منقول از قرابا  
 قانون برای استرخا و لهامه که بسبب رطوبت بلغمی باشد ص فلفل سفید یک مثقال مرصا  
 یک مثقال شب یمانی ماز و سبهر یک دو مثقال کوفته بخیته بر لهامه مسترخی بپاشند و او را  
 که در قلع و استیصال ماده خنازیر مجرب است ص تخم سرس کوفته بخیته یک حصه و رو  
 شهد آمیزند و در یک گلی آب ناریسده اندازند و سر لوش بر آن نهاده بار و ماش خواب  
 آن مستحکم سازند و در آفتاب بدارند تا دو هفته و چون دو هفته بگذرد و همین او بکشایند و سر  
 یک توله و از آن بخورند و از ترشی و بادوی و امثال آن پرهیزند بلیانیت الهی و کشته  
 دفع نماید و هر چند این دو را بدو گویند و بپاشند نفع او زیاده است و او را که ملازه بر دارد  
 ماز و او را در سر که سائیده بر تارک بپاشند یا گل سر شوی سوخته بسر که برشته بر بندد و او را

که زلوراکه در دمان یا غیر آن تعلق گرفته باشد جدا نماید ص سرکه و نمک با سرکه و انگه و هم  
 غرغره نماید و همچنین اگر گل سیاه در خریطه تر کرده در دهن خلیل گذارند زلور هر جا که باشد بسوی  
 گل میل کند پس گل بیرون آرند زلور نیز بیرون آید و اگر لثوم بخوراند و در آفتاب بنشانند تا  
 گرمی آید و کند پس کوزه آب سرد بر لب نهند و بفرمایند مریش را که دهن کشاده دارد و به  
 عمل نماید و اگر زلور بنظر آید از زنبور بگیرد و ساعتی چنان دارند که تعلق بگذارد پس بیرون کشند  
 و از جوشانیده مانده غرغره نمودن نیز درین باب مجرب است و و اما که غرغره نمودن  
 نیز بآن نافع است کسی را که چون آب بخورد و از بینش بر آید ص پوست بلیله زرد را  
 در آب جوشانیده بدان غرغره نمایند و و اما که استخوان را بحلق مانده باشد مفید است  
 یکدم سپندان را با آب گرم بپزند و و اما که شکم متعلقه را که بنظر نیاید مفید بود و بکینه قهیر  
 از گوشت گاو بالای آن انجیر خشک بر لیسان بسته بلیع نمایند پس و قتی که سبب از کدو باشد  
 آب سرد بنوشند پس بکشند لبرعت و از منخرعات قرشی آن است که اسفنج را بنحیط بسته  
 بلیع کنند و قتی که ماست را بجا از نماید آب بر بخورند پس بزودی بکشند و و اما که چالینوس  
 نفع میکند لعل قصه ری و قروح ری و نفث قیج و دم و ماده منجلبه بنه و غلغرس و گفته اند  
 که این دوا قوی است ص باز زد و ثلث و یک مثقال سایه سودا و و و مثقال سنبلی  
 روم و و مثقال و نصف حماما که تخم تمشامی هر یک سه مثقال صمغ البطم زعفران کند  
 مردار صنی مغر جلفوزه اصل السونش شطین ساموس قسط هر یک چهار مثقال و در بعضی  
 نسخها قسط یک مثقال است غسل چهار قطلون غسل با صمغ بطم در اما و صمغ طبع دهند  
 هرگاه غلیظ شود باز در آن آمیزند و طبع دهند که قطره از آن از جای بپزند از تندی پخته شود و  
 دوا سوخته بپایند و و اما که تنقیریه و تقطیع رطوبت می کند و بر یونف می بخشد نفع بین ص  
 قه یکدم در آبی که انجیر سفید یک اوقیه جوشانیده صاف کرده باشد حل کنند و یکدم گرم شود  
 بادام شیرین حل کرده بنوشانند و و اما که هر قسم سعال و سرفه سیال و در بلیات باطنه

را نافع است ص کهنه خبیلا را صاف جاوشیر فلفل سفید هر واحد و ششقال حب النار  
 منقعی چهار ششقال سخن کرده باب خمیر کنند شربت برای طلیب و و اما که جهت اقسام  
 سرفه بلغمی تازه و کمین و ضیق جدید و فرسن را محرب است ص بسیار در جبر یا برگ و  
 شاخ و تخم و پنجه و همه را بسوزانند که خاکستر شود و نیم سیر ازین خاکستر جو شانیده با نیم آثار آب  
 گرفته باد و نیم پا و فلفل در از کمرل کنند و حب مقدار کنار دشتی به بندند و یک حب صبح  
 بخورند و نیم سیر آب خاکستر که باقی مانده است در آن نیم سیر اجوان انداخته نگا دارند و  
 وقت خواب یک گشت بخورند و از روغن برشته کنند و و اما که ضیق النفس سرفه کنند را محرب  
 است ص تخم مقل بننگره دیو دار گوگرد شسته فلفل بنخچیل جله برابر کوفته بنخچه یک  
 باب عسل بدیند و و اما که سرفه و سل و دوق را سود دارد حب بانسه که گل او سفید باشد  
 مسیح است بار و سه بسوزانند و از خاکستر او که را گیرند جوئی که معمول است پس که را یک  
 کثیر اصنع عربی بلشی هر یک به دو م کوفته بدارند و قدر حاجت بدینند و و اما برای  
 دفع و مد حب گیکوار پنج آثار نمک شور نیم آثار فلفل و از یک توله اجوان پا و آثار  
 گیکوار را پارچه پارچه نموده در و یک گلی آب نارسیده نشاند و بالاایش نمک شور و اجوان  
 و فلفل نگا دارند و دهن دیگر را از آرداش بند کرده و پنج پاس آتش دهند تا که همه خاکستر  
 شود و یکماشته نهار بخورند تا نمک و شیرینی به پیش نهانند و روغن بخورند و هر قدر که خواهد و و اما  
 نافع برای ضیق و دلو حب حلیقه شتر در فوق یک جز و سه حب الصنوبر یکبار یک جز  
 و آب شیرین خوب جو شاستند و در باون خوب حق نمایند و و عسل گفت گرفته آب پیفته  
 مثل موق بسازند و و اما عجیب است ای اخراج ماده از صد و ریجس زونا و خشک چونه  
 اصل السون خردل فرو مانا فلفل تخم انجوره انیسون مسافری کوفته بنخچه عسل گفت  
 گرفته همچون سازند و یک مطلقه بخورند و و اما برای ضیق النفس بسیار محرب و معطر  
 حب گیرند ترب بقدر حاجت و اگر ترب بزرگ سیاه پوست باشد بهتر است و آنرا یکبار

قطع قطع بکنند و هم وزن آن منفرج رخوه در قدر سنگی یا حرقی بگذارند و نصف یک  
 خالی باشد و بعد از آن سرد یک از سیرپوش گلی بزنند و مکانها خالی را از عین حکم نمایند و  
 دیگر را در تنور معتدل که نرگرم و نه سرد باشد یک شب بگذارند و سرتور را از طایق این  
 تمام شب بزدارند بعد از آن یک را بر زاول بگذارند و سرد یک و اکند و آنچه در میان  
 دیگر است بخوبی وجه ببالند و صاف نمایند و سیرپوش بقدر مرقه خورده باشند و از سیرپوش  
 است از آن بریزند و بعضی گفته اند که من عوض قمل چقدر و عوض غسل شکله بریزند و آنهم  
 بسیار نفع یافتند و و اما الکاسین نافع برای سعال این دو انقیس است جالینوس گفته که  
 این علاج سعال همین دو انموده بودم بسیار نافع افتاد صافیون و دو مثقال تخم کاسه  
 بیت مثقال هند پخته بخورده مثقال سداب بستانی خشک بیت و چهار مثقال تخم کنان بریا  
 شانه مثقال پوست پنجه چادشیری و سه مثقال مرصافی چهارده مثقال زعفران  
 هفت مثقال کوفته بخورده باشد چندان غسل همچون سازند و مقدار با طلا بخورند و اگر حمی باشد یا  
 آب و الا به راه شراب و و اما که بخفان حار و بار نافع است ص غلبه اشتیاق  
 زهره مسائده عطر صندل هر یک یکماشته مرغان صلا می کرده ورق نقره و ورق طلا که  
 دو نیم کاشه روغن بادام نیم و ام پخته همه را یکجا کرده یک شب در روز علی الاتصال بپایند  
 از یکماشته شروع کنند و سیرپوش یکماشته میفرزیند در هفت روز هفت باشد برسانند و و اما  
 نافع بجهت سیمت و بر سوت صحن کند زربنا و سیرپوش یکماشته جدا در چهار کاشه  
 مشک نیم کاشه فخر الیه و ماشه در آب تر نموده چوشانیده صاف کرده بخورند و و اما دیگر  
 بر سوت و هوله ص شکوفه مرغ تخم سنبل الطیب الی هر یک واحد یک کاشه و کوفته بخورند و کوفته بخورند  
 را آب صحت نموده و و حبه گولی بخورند و و اما که شیرین بذر ابد ص تخم کرفس بولیدان تخم  
 شیب نادان انیسون از هر یک براید کوفته بخورند و کوفته بخورند و کوفته بخورند و کوفته بخورند  
 و و اما که تسکین و رفع خنده کند ص کاسوب تانی را در سرکه و روغن پخته بخورند و صناد نا

دو و امر که شیر کم کند ص زیره کوفته بستر که ضا کند و و امر که شیر بخورد را منحل سازد و تسکین و جوش  
 نماید ص حرام مغز را در شراب بنزد و ننماید و و امر که شیر زیاده کند ص نوری گلگون  
 ده درم باشدیر گاو بخورند و و امر که ورم گرم شندی را سود دارد ص اسهول و سکنجبین و آب بنزد  
 و برهند و بعد از ساعت تجدید نمایند و و امر که قی صفراوی باز دارد ص زرشک بیدانه  
 انار ترش سماق دانه جا کرده پوست بیرون بسته بر یک یکجور و طباشیر سفید گل سرخ غوث شک  
 هر یک نیم خرد کوفته بخیته از دو درم تا سه مثقال از وی بگیرد و آب به آب انار شیرین یا شربت  
 و مانند آن بشنند و بنوشند و و امر که قی بلغمی و سوداوی باز دارد ص گل سرخ چهار مثقال  
 زرشک بیدانه سه مثقال فلفل پوست بیرون بسته عود قمری سنبل الطیب نجشک  
 زیره کرمانی مدبر از هر یک ده درم کوفته بخیته و و مثقال از وی با سکنجبین سفر علی و انشال  
 بنوشند و و امر که قی بلغمی دفع کند ص بای بزرگ نمک سیاه فلفلین زنجبیل برابر شده  
 باشند بخورند و و امر که همین عمل کند ص عود هندی نالکیر و اجینی طباشیر الایچی خورد پوست  
 بلبله زنجبیل برابر کوفته بخیته باشند بخورند و و امر که ضعف جاذبه معده را نافع است ص  
 بلبله شش درم فلفل و راز چار درم چترک سه درم نمک سنگ دو درم کوفته بخیته آب  
 ترنج نمیر کنند و حب با کرده در سایه خشک سازند و هر روز نهارد و و درم بخورند و علامت را  
 جاذبه این است که اشتها شود و هرگاه طعام پیش رند رغبت غذا برود و و امر که قوی را بحد  
 و امعا قوت دهد و بیستم شتی سیم باضم و اگر شکم نرم بود قبض و اگر قفس بود بکشاید بهر آنکه  
 که ضعیف باشد وی را قوی می سازد و بر حسب است ص انار دانه ترش که گسته نباشد و ده ام  
 زنجبیل زیره سفید هر یک دو ام ترید سفید زیره سیاه شترک پوست بلبله هر یک یکد ام پو  
 بلبله زرد نمک سنگ و ونیم دام جله را بگویند و با یک سازند و قبل از طعام و بعد از آن  
 دو درم یا سه درم بخورند و اگر دو وقت بخورند نیز رواست و اگر قبض مطلوب باشد آرد  
 با چوب صفت بنزد و اگر کتین مطلوب باشد از بارچه غیر صفت بلکه از غرابال بگذرانند تا او و چوب

دوام النفس جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد نافع بود ص  
 بلبله سیاه بروغن گاو بریان کرده درم ناخته صقر فارسی از یک سه درم حرق تفلط  
 پنجم درم خشت الحیدر درم شربت هزاره درم با شراب کنه و و امر خطیانا جهت در معده  
 و بگرد طحال و صلابت و سرد و تب های کنه ص خطیانا فلفل بر یکده درم قسط ساج  
 سنبل زراوند هر یک اوقیه کوفته بنجیه بعسل کف گرفته بیا بنزدنا چون عسل غلیظ شود ستر  
 یکدرم باب سداب و و امر که جهت قی و تهوع که بهنج و و انده ایست از مجموعه بقای ص دانه  
 بیل و فلفل منفرخته کنار منفرخته آله و از فلفل سعد صندل سفید تخم کشنیز طباشیر ریت  
 درخت سنبل که درخت عظیم در هند می باشد بپول برنگ این دو انیز بندی است بنج  
 ساخی مار قیصر بر یک یکدرم مشک دو درم اندر دانه چهار درم بعضی اوقات بحسب حاجت  
 هم کرده میشود و بعضی اوقات رعایت گرمی کرده مشک طرح ساخته میشود کوفته بنجیه گاو  
 باب سرد گاهی بشربت نار منفع و گاهی بر برب دیگر مناسب حال داده میشود و شربت از دانه  
 تاش باشد و و امر که جهت قی و غشیان و تهوع و کرم شکم و هم رسانیدن اشتها صاحب بقای  
 مجرب نوشته ص طالینغر علف بندی فلفل سیاه نمک مار قیصر بر یک بندرم فلفل دراز  
 سیاه صقر شیطیح سماق و از چینی بر یک یکدرم سعد اهل تخم کشنیز بیل امل سیدنجیل از یک  
 یکدرم و نیم اندر دانه درم نیم نبات چهارده درم کوفته بنجیه نادر درم تنهایا بنجری مناسب  
 دوام که در درم معده قویست انفجار بکار آید ص تخم و تخم کتان خطمی مساوی کوفته بنجیه نادر  
 سه درم صبح و سه درم شام با بهار اوقیه شیرین بخورند و و امر که حاک مری را نافع است و الا  
 بیشتر از بخار معده بود ص شبت تو تیا تخم ترب بچوشانند و قی کنند و بیکه که گنه غرقه نمایند و  
 بیکین نوع و مکه شیرازه باشد که اینجمله جرع جرع نباشد و درین مرض شربت شراب که شیرین  
 نافع ترین چیز است و و امر که تفرق الاتصال مری را نافع است ص صمغ عربی کشا  
 کل را منی باریک ساخته اندک اندک بخورند و حسب سبب و ترقیه و جز آن کوشند و و امر



که شور طلق و مری و قصبه ریه مزاج قلیل از تفرج تسکین لایع و حرقت میکند ص بکیز نشیوه جو  
 و نشاسته و روغن بنفشه خیره سازند و آب میوه با طبع نرم دارند و شبانگاه لعاب اسفول  
 بنیگرم تجریم نمایند و از آب سرد بریزند و از بنفشه و کثیرا و رب السوسن تخم خیارین منقشر نشاسته  
 لعاب اسفول حب بسته و ایم در دهن نگا دارند و و اما که ورم سرد مری را نافع است  
 ص شبت بالونه الکلیل الملک تخم کتان در آب جوشانیده و آب وی در پنج آمیخته جرجه  
 بنوشند و و اما اسفلیس جهت ورم صلب جگر مجرب است ص کما فیلوس فراسیون  
 تخم کرفس جلی خطیا تخم شکفت زبره خروس تخم خیار فوه اسفولوندریون پنج جاوشینر تخم  
 تخم کرفس ریونذ فلفل سنبل مندی قسط تخم کرفس بستانی تخم گذر قله سیودیه جیده افیون غاش  
 حب عروسادی کوفته پیخته بصل همچون سازند شترتی یک بند قه لثرب بصل لثرب یک فلور  
 و و اما المله جهت قروح جوف و الفجار و و اما کبیده تفتیه ارچک بکار آید منقول از شرح حکیم علی  
 مصطک تخم کاسنی تخم کرفس گل مخوم هر یک یک مثقال کند ورم الاخوین گل سرخ طباشیر سفید هر یک  
 مثقال کوفته پیخته نه ورم با مار العسل یا جلاب حب سازند حب حال بدینند و از خارج سک  
 و اما یک سعد کند سنبل مصطک قصبه زبره و آب سیب آب آس آب سفرجل آمیخته  
 طلا نمایند و و اما که در وئی و ضرب جگر نافع از تورم آن میشود و بعد تصد استعمال می کنند ص  
 فوه ریونذ هر یک یک گرم تاسه ورم بدینند و و اما که در ابتدا ورم کند زانی که بسبب آسپی بود  
 که از خارج رسیده باشد استعمال گرمی و ورم و حرارت زائل کند و خون باز دارد و ص یونج  
 کلنا ورم الاخوین شب میانی مسادی شربت یک مثقال آب به و و اما دیگر که شیخ تریف از  
 نموده ص ریونذ چنی گل ارینی حب الاس با هم آمیخته بدینند و و اما که در یرقان سیاه  
 هرگاه که سبب او طحال و کبد بود و باشد بکار آید ص آب غنبل ثعلب سه اوقیه آب کاسنی  
 دو اوقیه آب برگ ترب آب برگ کزیزه هر یک یک اوقیه و نیم آب برگ شنبلیله یک اوقیه جوشانند  
 صاف نموده فلوس خیار شنبه ورم حل ساخته بنوشند و و اما که جهت یرقان صاحب قلی

موجب نوشته ص بسیار که قلع و سر آن بریده باب پر کنند تمام روز در آفتاب و نام شب  
در شبنم نگاه دارند علی الصبح دو قطره در چشم چکانند و بعد از دو گامی پوست بپایند و نیت  
سائیده و یک کف دست بخورند و غذا در آن روز حفرات و خشک بخورند و اوامرت  
یرقان اصفر و اسود معمول حکیم شاه محمد روم ص ملاک دار بلد هر یک پنج باشد یا سائیده  
عسل نیمه مخمر فرج نموده بخورند و اوامرت که در استسقاء صاحب قادی موجب نوشته ص  
منذره که از اقسام غله است و در بند مشهور است گیند قدر که خواهند و بسایند و آب برگ کنال  
بپزند و آن پزند بی آنکه نمک آسینند و بار و غن بسیار غذا سازند و بجا آن بلغ کنال  
یا عرق او بنوشند و غذا نیز در بهان آب پزند و غسل و وضو و آبست هم بهان نمایند در نوشته  
بافن المد تعالی رض دفع شود و اوامرت که صلابت طحال دور کند و موجب است ص  
اکمه که خود بخورند و از درخت ریخته باشند صد عدد نمک سنگ اشخار سه گاه زرد چوبه نمک سیا  
نمک سفید و اکهار هر یک هشت درم انگوزه ده درم نرم سوده درده درم روغن ترشفت دو  
درم شیر اکمه آسینند بر برگهای اکمه برو وقت طلا کنند و در یک گلی تو بر تونند و سر و یک  
بخمیر بپزند پس دیگر را بگل پاکیزه گرفته بعد خشک شدن میان پاچاک شستی گذاشته  
آتش قوی دهند و بعد از سر شدن سر و یک بکشایند جمله اجزا خاکستر شده باشد هر روز از  
سه انگشت باب ثبانه بخورند و از ترشی و شیرینی و اشیا دیگر و ماهی پرهیز نمایند و اوامرت که در  
مذوبت و صلابت سپری بی نظیر است و اشتهای نیز می افزاید ص عرق گندک یک سیم  
در آب آسینند و بنوشند و بتدریج بنفش ایند شربت کامل دی چهار سیم است و اوامرت که در  
نیمه درم باب ترب بنوشند و ترب و کنجد مساوی بگیرند و گرم نموده بر سر رضا کنند و او  
و دیگر بخت یرقان موجب نوشته اند ص برگ حنا نرم کوفته در آب شب تر کنند صبح آب  
صافش بنوشند تا یک هفته و اوامرت که حب القرع و گرم دراز بکشد و اخراج کند از شفا  
ص ترس حب البیل قبیل خسران زهر یک پنج درم در بهانه ترکی دو درم ترب سفید

برنگ کابی متشتر از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی کوفته بنجیه باشیر و شکریا بنیزد و بنجیزد و  
 که همین خاصیت دارد ص برنگ کابی متشتر سه درم ترب سفید دو درم قنیل یکدرم نمک  
 بنیزد و کوفته بنجیه بمویر متقی سرشته تناول نمایند و او امر که جب القز و گرم و راز بکشد و آخر  
 نماید و بعضی نوشته اند که ازین دو را خریطه حب لقرع بطول بنجره برآمده ص حس  
 قنیل حب النیل شیخ ارمنی و چکر خراسانی انیسون ترب بنشین برنگ شفا لوتیر  
 هر یک سه درم قنیل ازرق ستمو نیار یک نم درم کوفته بنجیه بشراب اصول حب کنند  
 و عقب ری متعجز متقل نمایند و اگر کم جرعه جرعه بنوشند و او امر که صاحبان انبه را  
 نفع دهد ص گل نیلوفر خشک دو درم و نیم تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک سه درم گل سرخ  
 پنجدرم نر قوطو ناده درم شربت و درم همدرم تانیم اوقیه بسر که باب آمینته و حقنه کردن بشراب  
 انگوری نیز سود دارد و او امر که حیات را بیرون آورد ص برنگ متشتر بلبله زرد هر یک  
 پنجدرم و نیم ترب سفید درم قند سفید برابر همه شربت شش درم آب گرم و او امر که وید  
 صفرا را که نزدیک مقدر متولد شوند و حله آرد سود دارد و این صبیان را بیشتر افتد ص  
 بکیند زیت رگالی بار و غن خسته زرد آلو یا روغن خسته شفا لویا لفظ سفید باز بهر که و مخ  
 بقدر قلیل هر یک که میسر آید پس بنبه بدان آلوده حمل نمایند و او امر که در شکم و درد و  
 بسبب حرارت بود نفع دهد و مجرب است ص آرد ماش سیاه باب گرم خمیر کرده قدر  
 نمک نیز خم کرده از هر یک طرف بزتابه گرم نهند تا بنیر و و فرو آرد و بر طرف خام وی روغن  
 کبچد یا روغن گل مالند و بر عضو بندند و اگر قدری زنجبیل و نسل که بعلی جزا لقی نامند  
 نیز آینه قوی تر بود و اگر از بوی کسی را چندان نفرت نباشد خلطیت نیز آمیزند که نفع کثیر  
 دارد و او امر که در هندی و بنیا پاچک گویند در اسهال و ذرب و چش عجب الفعل است  
 ص خس گجانی موته هندی بیل گری کشنیز زنجبیل که نر بالا صندل سفید گول الحلاج  
 غیر تبدیل و را و ان نموده استعمال نمایند و در مزاج گرم موته و زنجبیل متوقف نمایند

نوشته در کتاب طبایع و خواص گیاهان

و باقی بگیرد بر یک سه ماشه و مجموع در نیم آثار آب غلیظانیده صبح جو شانیده هرگاه چهار دام باشد  
صاف نموده بنوشند و باز وقت شام نقل او را در پا و آثار آب جو شانیده صاف نموده بنوشند  
اصل این نسخه پنج جزو است راقم بی کسول اکثر استعمال نموده در زرب و تباهی معده و جوار  
سناغ بسیار شایده کرده و او امر که تخم زیر و سکین جمع نماید ص زنجبیل و دار فلفل سنبل  
انیسون تخم کرفس فرومانا سیع سالد بزرالینج از هر یک یک درم چند بیدستر افیون از هر یک  
نصف درم پودینه درم اچمیج یک مثقال بگیرد و او امر که بخت کرم معده و اسهال و جوش  
ص جد و از انجیر خشک و خرماسیل نمایند بعد از آن این دوا را اختیار کنند فستقین و مح  
شیج قسط هر رنگ کابی پلید زو پلید سیاه آله از هر یک سه مثقال ترس نخود سیاه ایکسیر اشتقاق  
ترید و مثقال خافت چهار مثقال خرس مشکطرا شیخ سه مثقال همه را نرم کوفته سه فن  
عسل آمیخته تیار نمایند شربت سه مثقال تا چهار مثقال و بعد از خوردن دوا صبر نمایند تا  
خوب گرسنه شوند و او امر که در دوا سیر نشاند ص خوب کلان تخم کنند ناگشتیز در ظرفی بنشیند  
و دو دو آن بمقدور بسانند دوا برای وجه اسافل که از دوا سیر باشد ص ده درم اول  
راوانه بیرون کرده باروغن گاو بقدری که او را فرا گیرد بر آتش گذارند تا روغن جذب  
کند پس سائیده باده درم فانیذ مخلوط ساخته هر روز دو درم ناشتا آب گرم بارد و التراج  
بنوشند و این دوا از مجربات اطبا است و دوا معمول فرنگی برای دوا سیر ص سرب  
دوازده مثقال زینق نه مثقال اگر ترکی سه شتال سرب را آب کرده سیما ب در آب  
سرب شده بریزد و بگذارد تا سرد شود پس صلابه کنند و از پارچه ریشمی تنگ گذارند و با سرب  
خام حب سازند بقدر نخود کوچک دو حب صبح و سه حب وقت خواب بخورند و باید که  
در چله زمستان و تابستان چهل روز استعمال نمایند از بیاض عم مردم نقل کرده شد  
و دوا جهت پیش و اسهال که هیچ دوا نرفته باشد مجرب نوشته ص بلبله اجوان زیره  
سفید هر یک بشندرم جدا جدا بریان کنند کوفته بختی هر روز پنج درم با است یکید و بخورند

دو امر دیگر جهت پیش که با خون بود یا بی خون از جمله مجربات نوشته اند و خلاف ندارد و صلیب سنگی  
 بر و غن چرب کرده در ظرف آهنی بریان کنند تا شمع شود و محرق نگردد و پس کوفته بخیمه برابر آن  
 شکسته سفید آسینه غلوه از آن باب بخورند غذا برنج و ماست سازند و دو امر که جهت اسهال پیش  
 مجرب است صمغ بیل موچرس خسته کنه انبه هر یک یک دام جاتیفل یک عدد افیون بقدر  
 نخود کوفته بخیمه مقدار یک کف دست یا کم و زیاده حسب حاجت و موافق مرض بدینند و دو  
 که جهت سنگریزی مجرب است صمغ پوست سنگدان خردس و قنفل هر یک یک توله کوفته بخیمه  
 جمله را یک روز بخورند و همین پنج روز دیگر استعمال نماید و رب مین دفع گردد و اگر دانند که مریض  
 تحمل ندارد که یک یک توله دوا می مذکور هر روز بخورد و خوراک یک روزه سه روزه بدینند و  
 تا سه روز استعمال نمایند و دو امر که جهت زحیر مجرب است صمغ بیل بادیان صمغ بیل هر  
 هفت داشته نبات کوفته بخیمه روز اول هفت داشته و دهند و روز دوم دو داشته روز سوم چهار  
 داشته همراه آب و دو امر که جهت اسهال و ذرب کنه مجرب است صمغ بصری بزرگ  
 بریان کرده بسباسبه سرد و بار یک ساخته از نیم داشته شروع نمایند و بتدریج تا چهار داشته توان  
 و بعضی بسباسبه ضعیف بصری کنند و بعضی برابر سرد و بار یک می آمیند و همراه آب استعمال  
 میکنند و بعد خوردن وی چند لقمه مرغین بخورند تا ذراک ضرر سنگ بصری کند و یک هفته استعمال  
 کنند پس از سه روز بر طبع دارند و اگر دیگر حاجت باقی باشد باز دهند تا یک هفته سنگریزی مریض  
 دفع شود و طریق بریان کردن سنگ بصری آن است که ویرا در آتش سرخ کنند و اندک گلاب  
 سرد نمایند و بیت و یکبار و اگر صد بار چنین کنند بهتر باشد و بعضی ویرا در گلهای انار پیچیده در آتش  
 سرخ کرده بگلاب سرد نمایند و بعضی در جغات سرد کنند و بعضی در آب لیمون و صاحب قادی  
 گفته که مختار این درویش آنکه بصری را فقط در آتش سرخ کرده دوبار در گلاب سرد کنند  
 و ده بار در جغات و ده بار در لیمون و ده بار در آب برگ انار و دو امر که جهت اسهال و زحیر  
 و مخص وضعف معده بسیار نافع است صمغ بیزنگ بگزیند بنگ مذر چهار تا بنگ مصطکی انار و

گوشت نیم پخته پیل کشید خشک بریان یک لنگ صمغ عربی ریح ثلث کوفته بخیمه باب بر  
 شنبه بقدر مزاج مریض استعمال نمایند طریقی مدبر کردن بنک بگیرد قنب قسم اول پاک کرده بزرگ  
 بنفشه یاروغن بادام یاروغن گاوچرب کنند پس بیازند علف سبز که هندی آنرا دوب گویند  
 و شیر وی بستانند و قدری از شیر و ناخواه شیر بان ضم کنند و این هر دو شیر و در بنک بپزند  
 و بدست بمالند و بر سفال نو آب نرسیده بر آتش ملایم پخته نمایند و فرو در آورند و بعد از سرد شدن  
 باز شیر مذکور را آمیخته بریان کنند و هفت مرتبه رسانند پس بکار برند و و اما که انواع کرم  
 بگیرند ص بگ نینب پای برنگ کیله هر یک درم کوفته بخیمه لعسل آمیخته بخورند و و اما که کرم  
 هرگاه که باتی و لب بنود نافع است و حکیم علی و شرح معالجات بسیار ستوده ص بگیرد کبلی با کوا  
 و شکم او را پاک کرده سحاق و انار دانه نرم در و سائیده پیر کنند پس بگذارند خشتی در تنور گرم  
 که یک شبانروز در آن نان پخته باشند تا مثل زغال شود پس بگویند باریک و بگیرند و برابر  
 آن نان خشک را سوخته و بهم آمیزند و پنجم درم ناشتا در هندی و از پس آن رب بکره در آن سبک شود  
 حل کرده باشد و تجرع نمایند و و اما که خون بواسیر بند کنند و از مجربات حکیم علی منقول است  
 ص که با گل مختوم و دوائی که در هندی آتیس گویند هر یک نیم شقال باریک بسایند و  
 سفوف سازند جمله یک ثمر است سه روز متوالی بپزند و و اما که بالخاصه با سو خشک  
 کرده بگیرند ص سربای شور بگیرند و نزدیک آتش خشک کنند و بگویند و غیر خشک کنند کوفته  
 بخیمه در هم آمیخته باشد و و اما از ثبات ابن فره که درد با سورا باشد و خون باز دارد و  
 اگر متصل بکار دارند خشک کنند و بگیرند ص چستاله قسط پوست بچ که ریخ هزار اسفید هر یک  
 جزوی خرز بره کند و کربت اصف هر یک نیم جز و بخیمه هر یک نیم و دم ازان سی درم روغن بپزند و  
 روغن زیتون مساوی بگیرند و آن کند و کربت در آن حل کنند پس دوا را داخل کرده و در شنبه  
 کنند و بکار برند و و اما که جث اسهال خون مجرب است ص مغرشته انبه مغرشته جان  
 مغر کونج برابر کوفته بخیمه باب شسته ریخ ساسی بقدر قوت مریض بپزند و و اما که جث

اسهال اطفال صاحب بقای بسیار ستوده ص و ماه میل گری اندر جو ص بسیار  
 کوفته بنجته بقدر سن و مزاج طفل صبل آمیخته بلیسانند و بعضی سببای و ماهه آمله میکنند و در  
 بقی هم نفع می نماید و و ام دیگر جهت بواسیر صاحب بقای بسیار ستوده ص اندر جو ص بزرگ  
 بر واحد یک انگ مصری بکنیم مانگ کوفته بنجته یک مانگ بادوغ گا و بخورند غذا و ال مانگ  
 متفسر باشند و و ام که بویک بویک مشهور است لفظ فارسی مرگ موش عملی نیز گویند و چون  
 وی بعرنی قدر علی قدر است و وجه تسمیه او از بعضی تراکیب این مرکب مفهوم میگردد و  
 بواسیر میکنند و هر گوشت زیاده که باشد رفع سازد ص سیاب نوشتاد در هر یک ربع رطل رنگار  
 آبک آب نذیده هر یک نیم اشخار یک رطل زرنج زرد سوخته هر یک یک رطل و نیم انجود  
 اجزایا سر که بسیار سیاه گشته شود پس خشک کنند و مرتبه دیگر باب سر و سیاهند و آنرا در  
 مصعده کنند و نگاه دارند و بر باسور که بیرون آمده باشد بپاشند محمد ذکر یا میگوید این دارو در  
 هر در و هر یک روز بر باسور باید کرد و اگر بیند که هنوز چیزی می بر آید یک روز آسایش دهند  
 و روز دیگر بکار برند پس برگ که نیب بپزند در آب و روغن گا و و هم ساخته استعمال نمایند  
 و و ام که علت آن به از اکل کند ص جد و اقسام اول در سر که سائیده و در بنیه آلوده کرده ص  
 آن به احتمال نماید علتش زائل گردد و اگر ازین عمل سه مرتبه کند اثرش نماید بعضی اطباء نوشته  
 اند که باین دوا علاج اکثر مردم نمودم شفا یافتند و بعد نیست که این قسم از بلغم غری  
 بود که در اسعا باشد و برای همین این تدبیر کثیر النفع است در از آله و دیدان صغار که در  
 پیدا میشوند و و ام که قتل دیدان نماید و مجرب است ص بعد در آنکه از سونپیر و  
 آرنج طفل گذشته مروکلان را هشت عدد و خود را پنج عدد دیاده حد بلع بکنند و و ام که  
 بهجت اسهال خون بواسیر نافع است ص رسوت سه ماشه بااست ملفوف نموده  
 بخورند غذا و ال مونگ گشتی با مسکه و همچنین داغ کردن خضرو و بنصر برای خون بواسیر  
 نوشته اند و کذلک داغ نمودن بر فصل تر قوه جهت بپاش بواسیر از مجربات نوشته اند

و حکیم علی نیز باین معنی تصریح نموده و دوا را نافع از برای قروح کلیه صنف مغز تخم خیار باد رنگ  
سی و پنجه و مغز حب صنوبر و از ده عدد مغز بادام شیرین متقشر پنجه و زعفران قدری کوفته  
بناشتا بخورند پس اگر حرارت بسیار باشد بدل حب صنوبر مغز حب خیار کنند و دوا را که  
بهین منفعت کند حب صنوبر شست عدد و مغز حب قنار چهل عدد و مغز حب قنار چهل  
نشا پنجه یکدم و نیم کوفته با یک طل آب که در آن ناردین تخم کرفس از هر یک هشت درم  
جوشانیده باشند تا برنج رسیده باشد حل کرده بیاشامند و دوا را که هرگاه درین علت وجع  
شدید باشد واجب است معالجه این دوا و اعراض از علاج قروح صنف زبرالنج یک قطره  
مغز تخم خیارین دو درم تخم کامبو یکدم تخم خرفه متقشر یکدم کوفته حب سازند تسکین وجع فرا  
نماید و دوا را که تفتیت حصاة نماید صنف مغز تخم خرپوزه حب القلت زجاج ابض محرق  
دو قوسای کوفته یکدم باب نمک یا آب ترب بیاشامند و دوا را که مجرب است در تب  
حصاة صنف تخم خرپوزه تخم قنار حب القلت کفته همراه اشیاء مناسبه استعمال نمایند  
دوا را دیگر بهین منفعت دارد صنف اسفنج اصل خشک تخم گداز یک دو درم تخم خیاره  
تخم خطه نشاسته از هر یک در نیمه را زیاده اینسون جمده  
از هر یک سه درم کوفته بقدری که طیب مناسب داند که حاجت است بیاشامند و دوا را  
عجیب الفحل در تفتیت حصاة صنف مغز تخم خرپوزه ناخواه تخم کرفس تخم ترب زیره سفید  
مغز بادام پنج اجزای مساوی کوفته شربت دو درم باب پرسیاوشان و چند روز متواتر  
بان مداومت نمایند و این نسخه از اسحق است و گفته که من آزموده ام چون هر روز سه درم  
آز با آب مطبوخ پرسیاوشان بخوردی شک سنگ بیرون آید غذا را بخورد آب و دوا را  
برای سوزاک منقول از قزلباشین عم مرحوم صنف بیخ کیده پوست بیخ فالسه اگر شیرین باشد  
بهتر تخم خبازی اصل السوس از هر یک یکتوله سوای اصل السوس هر سه دوا را  
بطور نیک ساییده و اصل السوس را عاب برآورده علی الصبح بنوشند و دوا را



بجست سوزاک نیز منقول از قبادین عم مرحوم را قم نیز مکرر خبر نموده ص گریه و یکدم ال  
 پنچ و مع پوست یکدم شب و یکینیم با و آب تر نموده صبح بطور نیک سائیده بنوشند و شک  
 تشنگی بسیار شود شیر گاو بخورند در سه روز بفضل الهی بر طرف گردد و و اما دیگر منقول از  
 کتاب مذکور بجست قرحه سوزاک بسیار نافع است ص کونیل درخت بزر در سایه خشک  
 سازند بعد از آن سائیده بخیته مثل آن شکر خام آمیخته موافق مزاج البی ثیر گاو علی الصباح تا  
 هفت روز بخورند و و اما دیگر منقول از کتاب مذکور بجست سنگ کرده و مثانه ص حجریه  
 سنگ سربازی تخم ترب حب القلت از هر یک دو ماشه نیمه را کوفته در شربت کشمش بنوشند  
 بخورند بعد از آن شیر تخم خربوزه توله بنوشند و و اما که تقویت کرده و باه کند ص مغز بیدار  
 مغز حبه الخضر مغز حب صنوبر صغار و کبار مغز پسته تخم بلیون مغز ناحیل مغز حب تفل  
 مغز گردگان مساوی شتاقل تخم بیل حب الزلم لسان العصار هر یک نیم جزو کوفته  
 بعسل لبشند شربت یک گردگان و اگر مغز خشک یک جزو و شش دانغلل به یکینیم جزو  
 کوفته بعسل لبشند قوی تر شود و و اما که خون مجذاز نشانه خارج کند ص پوست بچ  
 کبر حب بلسان قردمان را وند مدح اهل فوه تخم کرفس دو قوه نیمه برابر شربت شتاقل تا  
 دو درم بهار الاصول و چکانیده میشود قدری ازین دوا در قصب و و اما که هبت  
 در دمانه نافع و مداومت آن هبت تقویت باه عجیب الاثر است و برای ربو و در و جگر  
 نیز مفید ص خضیه بزر اشکافه را وند مدح نظرون و زبره بزر و پاشیده خشک کند  
 یکم شتاقل او را آب گرم بدهند و و اما که برای بول فراش بکار آید ص تخم کتان  
 بریان راسن خشک بلیله کابی بریان هر یک ده درم تخم خطمی هفت درم شب بانی درم  
 اقامه کند رشیاف یا یا هر یک دو درم کوفته بخیته با عسل لبشند شربت سه درم  
 و و اما که بول فراش را نافع و هم برای سلس بول و اوارندی و منی مجرب است ص  
 بلوط را با هموزن او کند رکوفته بخیته باروغن زیتون مداومت نمایند و و اما که هرگاه بلغم

حار نباشد بجهت اخراج حصاة بکار آید ص خاکستر کربن بنطی خاکستر پوست تخم مرغ که  
 بچرازان برآمده باشد حجر الیهود مساوی کوفته بنجین شربت یک ملتفه با آب خشک یا تر کربن  
 دو و امر بجهت بول الدم مجرب معمول عم مرحوم ص چشمتیج بیست و یک عدد و بکوبند و با یک  
 نمایند و بخورند و بالای آن آب براده صندل بنوشند و و امر که در نفیست حصاة اثری  
 تمام دارد ص خاکستر کزدم حجر الیهود سائیده حجر الاسفنج بر یکد و دانگ باشد آب یا مارا  
 بخورند و جل یک شربت است و و امر پندی بجهت کسی که بر بول او گش نشیند بندگان  
 از اقسام پرسیو بلندی شمرده اند ص که اگر کت پوست روا من بلبله جهون سوکته سپهر اسکو  
 گرفته سائیده و در دم یا سه درم باشد در فیض را بخورند داده باشند و و امر دیگر برای  
 همین مرض مفید ص بلبله بلبله آله انکوه المناس مساوی در آب جوشانیده صاف نموده  
 استعمال نمایند و و امر دیگر برای همین مرض ص گلوبند و کماره خربا باشد در آب جوشانیده  
 صاف نموده بخورند و و امر دیگر برای همین مرض ص کلو جره در آب جوشانیده در آب  
 بلنج که کوکمه ماراهی کنگی انکزه داخل کرده صاف نموده بخورند و و امر دیگر برای همین مرض  
 ص گلوبی خشک را نرم سائیده باشد که تری آمیخته ندارد و کف هر روز بخورد و و امر  
 دیگر برای این مرض ص پوست انبی با پوست نیم یازد چوب یا پاری در آب جوشانیده  
 صاف نموده بخورند و اگر سلاجیت یا کنند و رنفع اقوی خواهد بود و و امر که در رفع صبر  
 بول مجرب است ص چوده تند خوشبو بقدر یکماشته بابرگ پان بخورند و و امر که بخاصه  
 بول کشاید ص زعفران یک شاخ و درجی قضیب نهند و کد لک شوره قلمی و شیش زنده  
 و اگر کپوتر بچه را بکشند خون او بر بار بچکانند و آنرا سینه نشه گافند و گرم گرم ببنند و قوتتانه  
 را بجهت می آرد و و امر بجهت سنگ کرده مجرب است ص ترب را خالی کرده چهار درم  
 تخم گشت در آن کرده بالای آن از پاریه ترب بند کرده گل حکمت نموده و در خمیر گرفته و در تنور  
 نگاه دارند و قتی که بخت شود بر آورده قدری قدری بصاحب حصاة ببنند تا سه روز

و او امر که بسوزش قضیب و بول نفخ تمام دارد و درخت موز که بپزدی کیکه گویند قدری در میان  
 نه شق کنند و در اینجا وصل نمایند بجای که در آن ترشح کند و در ظرف آید و تمام شب بدارند پس قدری  
 ب که جمع گردیده باشد بگیرند و وقت حاجت بدهند و او امر که جهت اخراج سنگ کرده و شش  
 برفع احتباس مجرب دانسته اند ص بگیرند گرم شنب ب که آنرا بربی حباص گویند پیاده  
 و ر کرده خشک نموده باد و از ده شقال یقنع حلیت سه روز متواتر بنوشند و او امر که کتف  
 اه کند ص بگیرند پیاز سفید عدد و پاک نمایند و در پاتیله سنگین کنند و شیر تازه بر سر آن ریزند  
 پند آنکه چهار انگشت بر سر آن بایستد و نیزند تا ماهر شود پس از آتش بردارند و بگذارند که سرد شود  
 بوزن پیاز و غرغره داخل کنند و بخورشانند و بوزن سل بنفشه و بوقلمون ارد و شقال و خولجان یک سبت در  
 و فته بدان بپزند و او امر که نقلیل مینی کند و با حرارت مزاج توان داد و ص گلزار گلزار  
 ل سرخ بر یکد و درم کشیر خشک اسپغول هر یک سه و درم تخم کاه و تخم فیه هر یک ده و درم شربت  
 در درم با قدری کافور چند روز استعمال نمایند و غذا محضات سازند و او امر جهت سیلان  
 نبی و اقسام بر پیونافه است و هم مقوی و هم ششی ص منقر کوخ سفید نیم سیر شاهجهانی  
 و صلی سیاه نیم سیر شاهجهانی طبل دراز پا و آنرا شاهجهانی شیراده گاو پنج آنرا شاهجهانی اجزارا  
 و فته بخینه باشد بخورشانند کشیر در خورد بعد و در چینی شیرین بکدام بخینه عاقر قرقاض فضل کلاه دار  
 الیچی خورد هر یک یکد ام بخینه نرم سوده و شکر سفید را دو برابر او و به سواهی شیر گرفته و داخل نمود  
 همچون سازند خوراک از ده اشته تابیت و یکماشه و او امر که اوار طشت نماید و در این باب  
 نوی است ص مشکط المشع فوه از هر یک یکد و تخم کرفس از یانه قافله فنه سبکینچ جا و شیر  
 زهر یک نصف جز و بهر اجمع نموده یک شقال کوفته بآبی که در آن ترس و لوبیای سنج  
 بخته باشند غسل داخل نموده بخورند و او امر که مکر تجربه بر سیده ص خطیانا سائیده  
 ان حبابا نیزند و در آب سرشته برکت دست و پا ضا و نمایند و یک ساعت در آفتاب نشینند  
 لمث کند و او امر که رفع علت استخاضه کند بنقول از بساط انبساط ص که بای شمی سوده

یکمقال گل اترنی پنجریم با هم آمیخته باب برگ بازنگ باب برگ تورک یا آب سماق بخورد  
 و واره دیگر برای همین مرض ص سنگجاحت دو دوا م گوشت دوا یک دوا م مایین خوردنیم دوا م  
 نبات سفید و دوا م کوفته بنجینه سفوف سازند خوراک یک کند ست یا یک پاوشیر تازه در روز  
 نفع کند و واره که اسقاط حاصل و اوار طمٹ نماید ص پودینه نهی مشکط اشج فوه حلیت یکینج  
 جاوشیر از هر یک دو درم ترمس سه درم سداب خشک پنجریم قرص سازند شربت و دوا م  
 باطنج اهل و طنج لوبیا صاف کنند و مقدار پنجاه درم بدیند و واره دیگر بنجینه قرفه هر یک سه درم  
 کنبه سیاه خود سیاه هر یک یکشت حله سه کف خرمای کطل بغدادی بنجینه در آب جوشانیده صاف  
 نموده سه اوقیه از آن باب یک اوقیه و نیم سداب نیز آمیخته بخورند و واره دیگر زخا و عسل و لادن  
 نافع شش اسقاط مشیم کند منقول از ثابت بن مره ص مر قنه جاوشیر با سوپه شربت و دوا م  
 باب کرفس یا آب رازیانه و واره اسقاط کند ص انگه پنجریم مر یک درم سداب خشک در  
 جمله یک شربت است ص و شام باطنج اهل بدیند و واره دیگر زرا و نطویل خطیان انبار  
 مر قسط بجری سلیمه فوه عصاره فنین منقل قد و نا مشکط اشج مساوی کوفته بنجینه صبح و شام  
 با عسل شسته بدیند و واره که کفیدی قبل را که در اقصاض بکاره یا عسل و لادن بهر سه  
 پیش و پس یکجا کرده در باشد سود دارد ص موم سفید پیچیده بر خنفر ساق گا و با سوپه بکشد  
 و صاف کنند و بهم آمیزند و قدری سنگجاحت و مردار سنگ سوده در آن مخلوط سازند نادانی  
 بگذاردند شفاق را بکند و واره که استخاضه را نافع است ص تال کهانه خربار سوت سوده  
 برابر کوفته بنجینه صبح نیم تول چهار ماشه شکر آمیخته باب بنج بخورند و واره برای خشکی فح زن  
 منقول از بیاض عم مرحوم ص باز و چهار ماشه خود سفید و ماشه حب لاس سه ماشه شک  
 نیم سنخ قلاح اوخر سه ماشه زعفران یک سرخ و نقل سه عدد سک سه ماشه کوفته بنجینه دریاچه  
 کتان بسته بردارند و واره که ورم رحم را نافع بود منقول از بیاض مذکور ص روغن گل بنفشه  
 روغن گل پیچ مر ساق گا و پیچ کرده بر از هر یک تول زردی بقیه مر ساق یک عدد صطک سه ماشه

زعفران باشد به دستور هم سازند و استعمال نمایند و و امر که تقویت باه نماید و بند کشا و رانافع باشد  
 صیج بند تال کنانه گونده پاک گونده گوری ثعلب مصری روب پسر اجزا مساوی کوفته  
 بخته شکری آمیخته بوزن مجموع او ویه داخل کرده نگا دارند و هر صبح یکدام خام بخورند پس نیم  
 بقدری غل بنوشند و و امر انجبین جهت ضعف باه که سبب آن حرارت بود بکار آید صیج  
 انجبین سفیدی درم در دو رطل شیر تازه بچوشانند تا بقوام آید و هر شب دو قطعه بخورند و و امر  
 انگشک در تقویت باه بی نظیر است صیج خشک را بکوبند و بپزند و در آب خشک  
 سبت باز و در آفتاب پروزند و هر روز نازه کنند چنانچه آب خشک تر سه وزن خشک خشک  
 شود پس خشک کن سه درم تاده درم شیر تازه و ده درم نبات بنوشند و در مزاج را قدر  
 در جمیل کوفته اضافه نمایند و و امر البصل تولید می کند و بغایت نفوذ آورده و مقوی باه بود  
 صیج آب پیاز و عسل دو جزو بچوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب دو شقال بنوشند  
 و و امر دیگر بخت قوه باه صیج مغز کتک خانگی نر فوج کرده پاک نموده با هر دو خایه اش  
 بیست و دو قطعه جوز بوازی بزرگ بیست و دو عدد در قنفل چهار درم باز و سنبل چهار عدد زعفران  
 بسا از یک نیم توله از شک بیست و دو خشک کرده بزنند و در عین گاو بریان ده پس بخوان کتک بخاک باراجدا  
 کرده پا بوز کوفته و سایر او ویه را نیم کوفته با هم آمیخته به صبح بعد از نیم توله بخورند و و امر جهت شخصی  
 که مایوس شده باشد از باه و از کار رفته باشد صیج سبب و فسیب گاو خشک نموده سوهان کوفته  
 نگا دارند پس بگیرد بقیه مرغ و آنرا سوراخ کند و زردی آنرا بیرون آورد و بخی که سفیدی نماید پس  
 فسیب گاو سوده را در آن تخم مرغ بپزند و سوراخ آنرا پوست بقیه دیگر بگیرد و بقیه را بخل  
 نموده در زمین حفر کرده پازیز بکین گاو کند و بقیه را در میان بکین گاو قرار دهد و یک شب بپزد  
 آتش کند پس آن بقیه بیرون آورد و گل آنرا دور کند پس هر چه بر آید آنرا اصلاح نماید کرده نگا دارند  
 و هر صبح مقدار یک درم بخورد و بغایت الهی مقصود رسد و و امر برای ورم بلغمی بارد و در یکی خصیه  
 موجب است صیج سبب و فسیب گاو خشک نموده و و امر که سوزاک را نافع است شفق

از قادی ص برک یاسمین سفید کوفته بچوشانند بعد فاش شدن قفیب در وی گذارد بعد  
نیم ساعت و پس از آن همان جابلول کند و سه مرتبه تکرار عمل نماید نفع تمام دارد و نیز در تر بوز  
منقور آلت در آورده همان جابلول کردن نافع است و کذا الک در کدو و خیار و و امر که  
در اسقاط مجرب است ص بول در قند سیاه مملو نموده بخورانشند همچنین اگر گلول را ساینند  
شیاف ساخته بعمل آرند و تخم از سم اسپ بوی ای و مروجا و شیر و سرکن کبوتر پوست  
بچه بیرون آرد لیکن پوست بچه را بکشد و و امر جهت قرصه که چرک و قیح بسیار داشته باشد  
ص بخوراند نرمی را که هر دانه را سه چهار بار کرده باشد در آب خیسانیده صبح فرو برند و آن  
انرا بخورند تا هفت روز و و امر که سرعت انزال را رفع کند و مجرب است ص دانه  
تمر هندی سه چهار روز در آب خیسانند و پوست آن را در کنند و مغز وی با و چند قند بگویند و  
حب بمانند و بعد بخورد و و امر که تقویت باه کند ص مغز خشک ز که  
در وقت بچان گرفته باشند ببت عدد و در سایه خشک کرده بروغن مغز و طبر قفیب و  
کن با مالند موجب بچان شهنوه میگردد و مجرب نوشته اند و و امر که بالخاصیت تسهیل  
ولاده کند ص متفطیس را در دست گرفتن و خاکستر تخم خرطل کردن و ببت این را سینه  
و سم اسپ خرد و کردن و و امر که ادر طمث و حیض نماید و اسقاط کند ص پوست  
خیا شنبه چار شقال باریک سائیده در آب بچوشانند و صاف نموده با شربت مدبر بنوشانند  
و اگر او بیدار و دیگر نیز همراه پوست مذکور بچوشانند اقوی خواهد بود و و امر دیگر که تبیه را مثل  
بلکه در اند ص قطعه اسفنج خالصا بریده بردارند و بی یکپاس نفع ملاحظه نمایند و و امر که فزی  
خصیه زائل گرداند و کوچک نماید ص بر بر بی آب کشنیز بچانند و سرب و دیگر و بسایند تا  
بر دو چری فرسوده شود بر خصیه طلا نمایند و و امر که چون زن انرا اندرون بمالد گفته اند  
که بچ کس بر و قاد نشود ص بگیند که مخرطین و انرا خشک نموده سائیده بکار برند و و امر  
و دیگر مایه آن مردار سنگ زرد سائیده بر قفیب بمالد و مجامعت نماید بچ مرد بر آن قاد

نشود و او را که تعظیم ذکر کند حص بگیرد خراطین و بشویند و خشک کند و باریک سائیده  
و بر روغن کبوتر آمیخته بر قصب پس از دوا که بخرقه خشن طلا نمایند و یک شب بدارند و بشویند  
و بمالند و همین قسم مکرر بعمل آرند عظم تمام آرد و بداند که دوا دایم و از عقب دوا که روغن  
مالیدن تا آنچه منجذب شده باشد به تحلیل رود و آب گرم تطیل نمودن و برفت طلا کردن  
از غلظت عضو است و اگر زانو بگیرد و در نازجیل که آب در وجود باشد بنماید از درد درجا  
محفوظ نگاهد تا تمام آب خشک شود و زانو نیز پس بیرون آرند و پس باریک ساخته طلا  
نمایند و در سطح نمودن قصب اثر تمام دارد و اگر آب نازجیل نباشد عوض او قوری شیر غلظ  
نمایند و اگر یاز نرگس را که گل بنیاورده باشد اندکی تراشیده و از آن پیاز قصب را بمالند  
تا سرخ شود پس شیریش طلا نمایند و خمیر کنند و در روز چند مرتبه این عمل نمایند تعظیم ذکر نماید  
و اگر رفت بعد مالیدن شیر بریزند و ساعتی نگاهد ازند و باز بنمایند و خمیر کنند منفعت عظیم  
خواهد کرد و او را که چون زن بفرج خود بمالد و در فرج آن زن گرد و حص گوشت مولا خشک  
ساخته سائیده و در غسل آمیخته استعمال نمایند و او را که حرقت شدید فرج و سوزش بود  
نافع است حص کافور فیصوری در گلاب یا آب سائیده استعمال نمایند صاحب قاور  
گوید زنی مقادیر بود که در ایام حمل حرقت در فرج او پیدا میشد و درین جسم آهسته آهسته بعد چاره  
کشاده میشد و راه به هضم به هضم می انداخت و هیچ دوا فائده نمیکرد و آخر الامر اجازت دادم  
باین دوا و تدابیر دیگر نیز مرغی داشتم اثر تمام مشاهده گردید و او را که منسوب است به جی بن  
خاله جیت و حج مفصل مجرب است حص سور بخان دره درم سنابلی پنجم درم زنجبیل  
زیره کافوری دار فلفل اسارون هر یک دو درم به جمل آب بنفشه شربت و در شغال باب بنکیم  
و اگر به سبیل سفوف استعمال نمایند و وزن او و یک مثقال کافی است و او را مخدر  
که عند شده و حج استعمال نمایند که مثقال حص تخم کاه تخم بنج سفید هر یک درم شیطج  
افیون هر یک درم هم آمیخته مثل چاخوزه خوب کنند و یک حب بدهند و اگر به سبیل

سفوف استعمال نمایند نیز رواست و و اما که جهت وجع الورک و وجع الرکبه مجرب است  
 ص ابراین با لون گلونجی منی بر چهار برابر یک جانی آنکه بکوبند و بر صبح آنقدر که در گز  
 سه انگشت بناید بآب بخورند و در کاستن و فزودن حسب مزاج مختار اند و و اما که جهت  
 عرق النساء از مجربات قواست و صاحب تحفه سفوف سنا نامیده ص سورنجان بخورم  
 سنا کی شش درم باشد درم شکر و و اما که بعد تنقیه بجهت وجع مفاصل استعمال نموده شود  
 ص سورنجان مصری نیم مثقال بوزیدان مصطکه هر یک نیم درم هر سه را سائیده و در گلاب  
 آفتابی بهفت درم آمیخته بخورند و عقربان عرق خار خشک عرق گاو زبان عرق خیار شیرین  
 پنج توله شربت اصول و توله تا بهفت روز بخورند و و اما که جهت وجع مفاصل و امثال  
 آن بنایت مجرب نوشته اند ص سورنجان بهفت درم زیره کرمانی مدبر فودنه هر یک درم و درم فلفل  
 یک درم قند سفید و ازده درم کوفته بنجیه شربت سه درم و و اما الاربع جهت مفاصل بسیار  
 مجرب نوشته اند ص کما در یوس کما فیطوس خطیانا تخم سداب مساوی هر روز یک مثقال  
 از ابتدای رستمان تا شروع تابستان بخورند و بخور المراج کمتر استعمال باید کرد و و اما الاربع  
 بهجت اوجاع مفاصل مجرب نوشته اند ص بنیر از سفید تخم ترب جلینت مر و بلور در  
 نوشادر مساوی کوفته بنجیه استعمال نمایند و و اما برای منع عرق در پها و جز آن استعمال است  
 ص برگ مورد گلنار که با سائیده بر بدن پاشند و و اما که در جدری و غیره هر گاه آبله  
 بزرگ در چشم بر آید استعمال کرده میشود ص سره اصفهانی کافور بآب کشتیه سبز حل کرده  
 بر ساعت در چشم بچکانند و در غاده در چشم نهند و تخمه از سر سائیده چشم بر بالای لبته دارند و اگر  
 فقط سره یا گلاب سائیده یا بی گلاب در چشم کنند نیز سفید بود و پیش از بروز آبله چهره  
 اگر در چشم کشند مانع بروز جدری در چشم بود و و اما که خلق را از آفت جدری نگاهدارد ص  
 سماق گل سرخ عدس سرخ در گلاب جوشانیده غرغره کنند و بارب توت و آب سر زین  
 مفید بود و و اما که در بر آیدن جدری زمانیکه ذرات گیر و در علامات نهوده باشد



بکار آید ص با بونه اکلیل الملک بنفشه خطمی سوس گندم مجموع یا هر واحد و آب جوشانیده علی اثر  
 بخور کند و او را که چون بر آید باشد سفید بود ص گل سرخ کندر صبر انور و دم الانون بهر را  
 سائیده استعمال نمایند و او را در زبانی که خشک ریشۀ بافتند که در زیر خشک نشسته بوی باشد  
 و عمیق داشته باشد بکار آید ص صبر مرز و چوبه و در سنگ اقلیم پای فتره سفید آب قلمی بوی  
 سائیده در آن عمیق کنند تا بر شود و او را که نشان آید از روی بر دص پنج فی خشک شد و  
 استخوان سوخته یا بوسیده پشک گو سفند کهن سفال نو تخم خرپوزه نشاسته آرد و بخود بر بکند و در  
 حب الیسان قسط زر او نطویل هر یک پنجم گرم کوفته بختۀ باب خرپوزه یا آب با قلا سرشته  
 بشب طلا نمایند و در بنفشه بنیز و آب آن روزانه بشویند و او را دیگر و در سنگ سفید کرد  
 و در دم آرد با قلا آرد و بخود پنج فی خشک هر یک سه درم تخم خرپوزه پنجم سائیده کبشکاب بختۀ  
 مکرر بعمل آرد و او را که در حلی مکرر از باقم و صفر استعمل راقم است خصوصاً هرگاه بعد تنقیه  
 استعمال کنند بسیار نافع آید ص گفتند سکنجبین هر یک چار درم بهم آمیخته بخورند و عقرب آن شیر  
 با دیان شیر تخم کاسنی شیر تخم خیارین هر یک سه درم در عرقهای مناسب کشیده شربت بریزد  
 بار و هفت درم اضافه نموده بخوراند و گاهی حبه هم بقدر سه درم اضافه کرده میشود و او را  
 که حبه سرخ محرب نوشته اند ص برگ دستوره سیاه برگ بان لیکری فلفل کرد هر یک دو نیم  
 درم و باریک ساخته قدر فلفل حب سازند یکی صبح و یکی شام باب گرم بدیند و او را الشوم  
 جهت ربع بلغمی محرب نوشته اند ص شوم نیم شقال قسط مغز هر یک دو نیم شقال بنش از  
 نوبت بخورند و او را از جدیمات بلغمی را نافع بود ص زنجبیل با دیان صطک از هر یک سه درم  
 نزدیک صوف بیت درم شکر بلبر و جیل درم شربت بهر شرب کیشقال و او اما الحلیت شرب  
 ربع و گزیدن عقرب در مثلاً و مانند اینها را نافع است و از جهت تب بعد از گذشتن چهار  
 و پدید آمدن نفیج در مواد همراه سکنجبین دهند و جهت گزیدن جانوران زهره دار برای سکن  
 ص حلیت مداب مرد فلفل مساوی کوفته بعمل بسبب شربت نهد و بکشد و او را که جایز

گفته اند که کسی را که خورده باشد این دوا را و نفع از سنگ دیوانه ندیده ام ص سلطان نهری  
 حرق دو جزو کند یک جزو سه روز دو در صبح دو درم عشار باب سه و بخورند و او را که در  
 دست از سر بکار آید ص شلغم را میان خالی کرده و موم و روغن در میان نمایند و در خاکستر گرا  
 نند و طلا نمایند و اگر شلغم پاره کنند و در روغن بچوشانند و صفا نمایند نیز سود دهد و او را که در فید  
 پاشنه بکار آید ص پییز بکند آخته باز و زم سائیده در هم آمیخته تبرقیدگی کنند و او را که حبس  
 ماده جرب رطب صاحب بقائی ستوده ص مصلک یک درم ناسیران چینی دو درم کل مسخ  
 مدبر در سر که در روغن بادام سر یک سه درم صبر سقوطی ده درم کوفته بنجینه سه درم یا کم از آن  
 با امثال آن شکرتی آمیخته با یک درم می خورند و اگر خواهند با سه چندان شکرتی مقوم سازند  
 و بقدر تحمل لعل آرد نیز رواست و او را که برای ضرب مهمل راقم ص لک متحول مصلک فوه  
 ریون چینی از هر یک یک درم کوفته بنجینه برده برقیع نیم برشت انداخته بخورند جلد یک شربت است  
 دوا را برای برص از حکیم محمد احسن که خال راقم اند تجربه راقم سیده ص با بچی نیم اثارنگ سنگ  
 سه پا و کوفته بنجینه بقدر کف دست خورده باشند غذا سوای نان نخورند و هیچ نخورند و در اثنا خوردن  
 این دوا مالش باین دوا کرده باشند با بچی پا و اثارنگ نیم اثار کوفته در روغن شیر گاو تر نمایند و با  
 و هر روز مالیده باشند و او را که لبرعت خلق شعر نماید ص بکند آتش تازه و بر روی شش خندان  
 آب اندازند و سه روز بدارند و پس صاف نموده سدس آن آتش دیگر اندازند و بعد از سه روز  
 صاف نمایند باز همان قدر آتش بیکر اندازند و بعد سه روز صاف نمایند پس زربنج انداخته  
 آن باریک ساخته اندازند و در آفتاب بدارند و بر شیشه امتحان کنند پس بصوفه بدن را بجا  
 کند و حلق میکند و بعد از آن روغن گل طلا نمایند و اگر ضرورت باشد که جلد مرتب سازند  
 نوزه و ثلث آن زربنج و هر دو را در آب سائیده بر روی پا مالند و ساعتی صبر نمایند پس  
 کنند و اگر هر دو را در آب سائیده در قدری آب بر آتش بپزند و خمال کنند آغوی خواص  
 و اگر قدری صبر درین بنفشه ایتم بوی نوزه و زربنج دور خواهد کرد و هم در خواص توی خواهد

دو و امر مذکور تصروف حکیم علی آهک آب نایده یکطل زرنج زرد خالص سه اوقیه بکشتقال  
 بر یک راعلمده طلحه بسایند پس سدیگر خلط کنند و آب گرم بقدر کفایت بنیدازند و بنفشه  
 یک عدد بر آن بشکنند و خوب مخلوط سازند و روغن گل سه اوقیه اضافه نموده گرم گرم استعمال  
 دو و امر مذکور نیز اشراع حکیم علی خوشبو کند بدن را و وجع مفاصل و خاصه دو کین و زانو و  
 نماید تحلیل ریا و تقویت اعضا و تنشیط حرکات کند ص نوره آب دیده و در طول زرنج  
 و رقی سه اوقیه زرباد و شقال صبر سقوطی چند پدستر بر یک بکشتقال علمده طلحه بکوبند  
 بیا نیند و دیگر بر شانشند خوب باریک شود پس بکیند و در طول و نیکوب کنند و در آب خوب  
 بجوشانند و صاف نموده او را بنسجوه باین آب بپوشند و بنفشه مرغ عددی بر آن بشکنند و روغن  
 کینجیچ شقال اضافه کرده بر بدن طلا نمایند و اگر زرنج کم کند بهتر باشد و قوه نوره ضعیف گردد  
 و موی را در پست و زبانی مستد به ملاصق بدن باشد و نفع بامراض بیشتر ظاهر گردد و دو آ  
 بخت آتشک ص شگرف عاقر قاقوه سما که اجوائن نیلا توتنه بهر را کوب نموده چهار  
 پری سازنیک صج و یک شام در خنک گلی بکشد و و امر که چون برابط و خانه و قن بمالند زرنج  
 نبات سوی کند ص طین قیولیا سفید رصاص بر یک جز و شب نیم جز و باب بجز  
 نمایند و و امر که در همین عجیب است ص که با بهمن سفید مناش زرباد و جز کنند و تخم خشار  
 بر یک هفت درم کوفته بختی بریان کنند و پست کنند بقدر سبوق ساخته آمیزند و شکله سفید  
 بقدری که شیرین سازد اضافه نموده موافق مزاج استعمال نمایند و و امر دیگر برای تسهیل اعضا  
 سمرقندی بهتر ازین درین باب هیچ دوائی نیست ص حب السمنه بوزیدان جوز کنند و حب  
 فلفل بر یک یکدرم حب الحلب قره دار چینی شقال بر یک سه درم نودری سفید و سمر  
 تخم خشار بر یک پنجم درم زعفران دو درم جوز هندی آرد با قلا آرد و در هر یک ه استامقند  
 کتیر و روغن صبر بر یک نیم من مغز بادام آرد و شکله سفید فانی بر یک کین غسل منزع الرغوه  
 فانی را بکوبند و با غسل آمیزند و بر آتش نهند تا غلط گردد پس فرو دارند و او را یک کوفته بنجیخ از عطر

در آن آمیزند و زعفران در گلاب حل کنند و با شکر آمیزند و بر آتش بنیزند و روغن اندک اندک داخل  
 کنند و بجایایند که حلوا شود پس این را با سابق بپزند و هر روز پنج گرم بخورند و بعد او با نیک نمان  
 استعمال نمایند بجهت سله که آنرا در پهنی رسولی گویند نفخ همین میسراند چون پان سنجی لویه هر دو را بر  
 گرفته بآب کمرل نمایند و بقدر نصف نخود در میان رسولی گذارند بعد از سه چهار روز منقرض شده آب  
 خواهد برآمد بعد از آن مرهم گذاشته علاج نمایند و تا به شدن آب برگزن رسانند که بیم عود است و دو  
 که از محمد حیات اکبر آبادی بر اقم رسیده بجهت آتشک مجرب است ص شکوف بریان کرده نگار  
 هر یک دو ماشه خرمهره زر و سوخته چهار عدد و سپاری چهار لیه سوخته یک عدد و در سنگ بریان  
 کرده نیله تهوته بریان کرده رال هر یک دو ماشه شکوف نیله تهوته و در سنگ هر سه را سایند  
 بعد خرمهره و سپاری چهار لیه ساییده بعد از نگار با هم بیا میزند خوراک از نیم سنج ناد و نیم سنج پودنه  
 اراده خوردن دو و آنکه نذول نان گندم بوزن چهار دهم بنیزند و بر روغن زرد چوب چرب کرده آرد  
 و اندکی نان از میان گرفته و دارا در و انداخته غلله البته بخورند بعد از آن تمام نان را بخورند و دو  
 که در تسهین بغایت نافع است ص کثیر مغز بادام نشاسته شکر حمله برابر بگیرند و قدر و افق تناول  
 نمایند و دوا مست فرمایند و دوا که بدن را لاغرا کند ص ناسخه تخم بادیان سداب سیه که را  
 هر یک چهار روز و چوب لک یا لک مغسول دو درم بوره ارمنی هر زنجوش هر یک یک درم کوفته  
 بجنه هر روز یک شغال بپزند و دوا دیگر نرل ص زاج زراوند جوج خلیا ناسربک و انگلی  
 و نیم زنجوش بنیزم لک مغسول سدر و س هر یک چهار دانگ کوفته بجنه دو دانگ بخورند و دوا  
 که جس عرق کند و شکم بندد ص پنج ساق کشتیر عدس عناب و آب بجایایند و بجو شاند و آب  
 تنها یا با شربت خنکاش بنوشند و دوا دیگر که عرق بندد ص ماز و باقدسی سفید از زیر بار یا شسته  
 باروغن گل کهنه بریدن بماند و دوا دیگر ص گل سنج گنداراقا قیاض کدیر بر روغن گل  
 با گلاب ساییده بماند و تدبیر روغن نفع تمام دارد و غذای که جس عرق کند هر سه و گوشت  
 نمک سود و گوشت گاو و اشغال آن این است و دوا که چون از موضع جراحت زلوا باز آید

صل خرقه با سرکه تر کرده بر جراحت نهند بکیند گل ارغنی یک جزو پوست پنخ نخل افیون یک  
 نیم جزو کوفته بخینه باب سرشته بنادق سازند و وقت حاجت بگلاب و قدری سرکه انگور  
 سائیده طلا نمایند بالای آن خرقه مسلول باب برون نهند و اگر خشک شود تبدیل خرقه نمایند  
 و و اما که بهت کشان جراحت موضع گزیده سنگ دیوانه بکار آید صل زفت یک پیل مافیم  
 یک پیل در سرکه حل کنند و زفت با وی بپوشند و ضا و کنند و پیاز و طلیت را بر سر موضع گذارند  
 همین کار کنند و حکیم کاشف گفته که بهتر از پیاز در علاج سنگ دیوانه هیچ چیز نیافتم طریق آنست که نیم  
 پیاز را آب گرفته در سه شبانه روز بپاشانند و و اما دیگر برای ورم که بعد از بیماری مادر است  
 ما و چشم در وی پدید آید سود و در صل صبر قاقیام کی سحشیاث مایثار عفران حفض کل  
 طلا نمایند و و اما که دامیل رانفع است صل تخم کنان حله بر یکده ورم سیه سائیده چهار ورم  
 سوم سفید سبت ورم بروغن یاسمین ضا و کنند و و اما جهت الفصاح دامیل صل خمیر ترش  
 و و اوقیه تخم مرکوفته اسفول مسلم بروغن گا و چرب نموده بر یک یک و قیه و نصف لبر  
 التین سه لوقیه حله تخم کنان بر یک پنجم ورم و و و بر بند و بکار برند و و اما که ورم دامیل  
 یکتا پد صل خمیر نان سه جزو پوره ارغنی نمک جاشا سیرین کبوتر سیرین خروس بر یک نیم  
 بکوبند و بهیت سرشته استعمال نمایند و و اما دیگر جهت ورم حاره و ورم حار فرج و قضیب  
 و کچ ران و سایر اعضا از مجربات است صل کوکندر بکوبند با یک و آب بنزند که مهر شود  
 پس تخم چند کوکندر اسفول بکیند و سحق نمایند و روغن گل بقدر مناسب اضافه کرده استعمال  
 کنند و و اما دیگر جهت کسره عاده ورم سرطان خواه متفرج باشد یا صرف هر تفرج بود صل سپید  
 اسر سب تو تپاشسته با سویر روغن گل و آب خرقه آب غلب لثعلب لعاب تخم خطمی کب و  
 آب تخم خیار بر کلام که حاضر باشد آمیزند و بر نهند و و اما دیگر جهت سرطان متفرج و جرب  
 و حله و و اما سارک مجرب است و منع مرد می نماید صل سب را باب کاسنی بسیار غلیظ  
 شود و بروغن گل یا روغن بادام با سویر ضا و نمایند و اگر آب کثیر سبز یا آب برگ بازنگان

بایندهمین حکم دارد و وار دیگر که در لیلین آورام صلیبه و تحلیل صلابات نافع تر است و  
 قوی الاثر ص پیله پیله یا لیان مغز ساق گا و سوم زرد همه را بر روغن بگذارند و بر روغن  
 یک شبانه روز قبل از وضع دوا باید که بر روغن تپیل کنند بطیخ خطمی یا باب صرف نیم گرم و  
 تفصید دیگر نمایند و هر بار بحسب تپیل لازم دانند چون رخاوه در ورم جاذب گردد و عملیات  
 بکار برند و وار دیگر جهت خنازیر حاره بکار آید ص مصاف یک جز و حفص یکی جز  
 باب کشنیز تازه ضما و نمایند و وار برای رشته ص افیون پیاز صابون روغن کنجد پیاز  
 و صابون را ریزه ریزه کرده در روغن جوش دهند که شل مریم شود و پس ناز و حوالی  
 آن ضما و کنند اول بخار آن به وضع رسانند بعد از آن ضما و کنند و وار دیگر جهت خنازیر  
 اورام صلیبه ص تخم حلبه تخم کتان تخم کرنب یکجا کنند و ضما و نمایند و وار دیگر جهت خنازیر  
 و امثال آن ص سرگین گا و خشک کرده با بونه اشق خطمی به یکبار یک ساخته و هم بخینه  
 ضما و نمایند و وار دیگر جهت خنازیر که بی حرارت باشد و جهت سلعه بغایت سوزن  
 قند و درم حلیت اشق به یک بخندرم جاوشیر فنیون به یک هفت درم قند ازرق چار  
 سکنج سه درم جله را در سرکه حل کنند و باب کشنیز ضما و نمایند و بعد سه روز تازه سازند و وار  
 برای حواص و قیق نخود چهل درم حلبه بورق بخار صلاح سفید سحوق از به یک هشت درم  
 گل خطمی شش درم کوفته از گل خمر که ممر صج باشد خمیر کرده بر سه مالند و از روغن گل منجم  
 بخل نموده تدبیر کنند و وار که بوی نوره دور کنند ص برگ فخر عفس خاکل سنج  
 سک صندل سفید مفرد یا مجموع کوفته بنجیه بصل طلا کنند و وار دیگر که اورام صلب  
 چون خنازیر بر و سلعه و امثال آنرا بر و ص سرطان نهی تازه بگویند و ضما و نمایند تا  
 صبح و شام تازه نمایند و بعد سه روز بانوره و نمک ملح متا صفت بگویند و ضما و کنند از صبح تا شام  
 و از شام تا صبح و سه روز بخینه میکنند و بعد با و به بتقر سازند و وار جهت برص موجب است  
 ص با بخی غنچه گلزار و من بسته مساوی صلابه نموده بر موضع برص بمالند از بیاض عجم و نمک

تقل شده و و امر برای کف ص پوست بپذیرد و اشنان مری تجسم خنجر پوزه و دقیق صحت  
 منقول اصول قضیب قشور عدس و دقیق با قلا فلفل زبد البزمیران چینی از هر واحد یک جزو  
 او ویه باریک سائیده بکار برند و بقدر حاجت گرفته بآب ترب خمیر کرده بر موضع طلا نمایند  
 و و امر دیگر ص ترس با قلا شغیر قشور خود گرفته خم خنجر پوزه از هر واحد چهار درم قسط با و ام  
 تلخ پنج سوسن زبد البزمیران و اندک صیغ از هر واحد دو درم تخم ترب جعفر فضل کنش جزو کنگشک بزرگ  
 سفید از هر واحد درم و نصف همه را باریک کوفته در آب سرشته طلا نمایند و آب نخاله شنبه  
 و و امر که منع ریختن شعر ابرو نماید مجربست ص خاکستر نفاحات که در شکم مایه می باشد خاکستر  
 قشور بندق بنخ فی لادن برابر گرفته در شراب حل نموده برابر و طلا نمایند و کم خواهد بود که آن  
 و و ابی که باید استعمال شود فلفل نمند و و ابی برای برش نشستن ص باغ نعیم است ص باغ نعیم است  
 باریک سائیده از ابی که در آن انجیر سخته باشند سرشته بر وجه طلا نمایند و و امر که مسمی به معضو  
 است متعصم بعضی اطباء را برای علام خود فرمایش کرده بود ص بگیند قیوطی که محمول اردو  
 فایز است بر بدن مالش کنند پس بجام بروند و لحاف بپوشند تا آمدن عرق شروع نمایند  
 و آب نیم گرم بر بدن اندازند تا که رطوبت آن در بدن سرایت کند پس این طلا نمایند ص  
 رما و حلزون را و پنج سداب و شتی هر یک مساوی خلط با عر که رتبه نه از هر یک جزو همه را  
 در سرکه انگوری و قدری زیت حل نموده متواتر طلا نمایند در هر موضع که باشد موی بروی آن  
 و خلط ندارد و و امر که موی باریک بکند ص لحار درخت انجیر لحار که م سفید بری طین  
 قیو لیا از هر واحد قدرین در آوند آهن کرده گل حکمت نمایند و در نور فخارین بریان کنند پس  
 خارج نمایند و نصف درم بوق و از روده عدیان سائیده احتمال نمایند و و امر که زنبور از آن  
 بگیند ص بگیند گوگرد بالسن زنبور و آن بسوزانند و اگر عصاره خطمی یا خاندشتی در زیت حل  
 کسی بر خور داند زنبور که در آن کس نگرود و اگر پوست ترب را بر گزوم نمایند ببرد و همچنین  
 آب ترب و برگ آن و آب و بان روزه دار که مزاج او گرم باشد گزوم را بکشد و اگر خنجر

در آب جوشانیده آن آب را در خانه پراکنده کنند کیان نمیرند و اگر خون بزد در زمین و فن کنند  
 کیان آنجا جمع شوند و او را که سفیدی موضع جاست دور کنند ص ص در سنگ سفید  
 کرده بعد از فراغ از جاست بمالند همچنین قبوه نمایند در ساعتی گذاشتن و او را که نفع به  
 ثایل بخشد هر روز چند بار لبه که و نمک ثایل را و نمک کنند و از پارچه شب میانی بگردانند که  
 آلوده شود و او را که و مایل را بکشاید و از شکافتن بآهن شنی سازد ص ص آب آب  
 ندیده با پیه مزوج کرده بر نهند و او را برای رفع رشته ص ص صابون قدری در روغن  
 مرهم ساخته ضماد نمایند انشاء الله تعالی در سه روز نفع بین نماید و او را که نهال می نماید  
 ص ص یک مغسول با یکدم سر که چند روز بخورند و اگر هر روز سه درم از سندروس و آب  
 و سکنجبین حل کرده با سه هفته بخورند تر تیل بی اهمیت کنند و او را که از مجربات محمد زکریا  
 بهجت از البرص ص ص سورچه کلان که از گور برمی آیند با سر که بسایند و موضع برص را  
 بخراشد بعد از آنکه تنقیه مسلمات کرده و یک رجبین روز و شب طلا نمایند و بر روغن بادجان  
 و آب نظرون بشویند و او را که حبس عرق نماید ص شب میانی آب حل کرده بمالند  
 بوق سوسن و آس و طر فا و آب محصور آن و او را که عرق مدنی را بغایت نافع است  
 در اول ظهور لفظ ص ص نیدرم ص ص بخورند روز دوم درم روز سوم یکدم درم و موضع را  
 نیز بصبر طلا کنند و هرگاه رشته ظهور نماید باید که بر پارچه سرب که بوزن یکدوم باشد چیده  
 از قطع شدن رشته پیریز کنند مگر آنوقت که رشته دراز شود پس در صورت اندکی از آن  
 قطع کنند و باقی را بر پارچه سرب بزنند و او را که سبزی و کبودی که از ضرب بهم رسیده  
 برگ کلم یا ترب یا پودنیه کوبیده ضماد نمایند و او را که سپیش آبکش ص ص زیتنی در آب است  
 سخن بلبل نمایند و ریسمان را چند مرتبه تر نموده خشک ساخته و در گریزند و او را که خفا  
 منفر سازد و هم تحلیل نماید ص ص حبه مفتاحه ابی که و آب سداس حل کرده بمالند  
 و او را که داخل را نافع باشد ص ص زبر قطونا سر که ضماد نمایند و خرقه در آنجا بزرگ و ص ص



و انگشت را در آب بخ بگذارند و محض طلا کردن در ابتدا نافع می آید و صمغ سر صفا کنند  
 و چند روز بلبه دارند تا نرم شود پس سوزن درین ناخن زنند تا خون بسیار نیز ویس صمغ  
 با سر که کوفته صفا کنند از صبح تا شب دست را مازنه با ناخن معیوب بدارند و او را که بر سر  
 در و روز با خون اندر دفع نماید ص ص بگیرد ماری و بشکافند و شاهره تر یا خشک در شکم  
 پر کرده بدوزند و بر روی آتش کباب کنند تا پخته شود پس شاهره را بر آورده بر موضع بر سر  
 صفا نمایند و او را بحبت شقاق که در لیم سرایت کرده باشد ص سندر و س بکوبند و با سر  
 گذرینند تا غلیظ شود پس از شقاق بچکانند و او را که گنده بغل در کند ص توتیا بکباب  
 سوده بر کاسه سفال تویالند و عود را بر مجر نهاده بر بخار عود گذارند تا خوشبو گردد و پس توتیا را در بغل  
 بمانند و او را که کلفت و تیری روی را بر برو ص غنچه گل چینه مع برکت پوست پیاز بپزند بر روی طلا  
 کنند و او را که سینه سرخ را که بر روی واقع شود دفع نماید ص بگیرند صابون و در کباب سینه  
 طلا کنند بر روز بگذارند یکدو ساعت پس با بگرم بشویند و اعاده کنند بارها و جهت چنانچ که  
 در عضو هم میرسد و جلد تو بر توشل قو با قشر سیکردنیز مجرب است و او را که کمری گوش  
 بر و منفر با دام مغز تخم که و تلخ بر یک یکدام پنج نیم پا و او را که نیم پا و سیر نیمه را انکوب کرده در آ  
 جوشانیده و صاف نموده بروغن کبچد نیم سیر داخل کرده بپوشانند تا آب جذب شود و روغن  
 بماند چند قطره گرم کرده بچکانند و او را که برای بند کردن ریم از گوش بعد از آن که اخراج  
 از او دیده دیگر کرده باشند مجرب است ص پوست به قیقه مرغ و خر مهره زرد مسادی گرفته  
 بر و در اسوده سینه نگاه دارند و در گوش قدری از آن بدمند و او را که گوش را از  
 چرک پاک کنند ص فقیهه بعل آوده اندر دست سحر بران پاشیده و در گوش گذارند و او  
 که آب در گوش رفته باشد و بخل و دیگر تدا میر بر نیاید فوراً بر آرد چوب مروی یا شنبه یا با  
 که شفا حاصل باشد بقدر ریاضت جب بگیرند و یک طرف او بقدر انگشت دی که چهار انگشت  
 بر صمغ سر و شنبه یا زیت یا روغن دیگر بپالایند و طرف ثانی چوب مذکور که در گوش

خواهند نهاد هموار کنند نمایی که اندر گوش در آید و چسبان شود تا هموار او داخل نباشد و اگر  
طبی خالی نماید با چرم مغسوس از نپس آن طرف که نپه است بفرزند و هرگاه حرارت در  
اندر گوش کما بیش می محسوس گردد و چوب را دفعه بیرون کنند تا بنا بر ضرورت آب منجمد شود  
و در انظار این عمل باید که مریض بر همان شوق مضطرب باشد تا آب بسهولت بر آید و هرگاه آب  
انداک بود بسا باشد که بنا بر حرارت خود بخود منجمد شود و تحلیل یابد و اما که در گوش در  
نماید ص آب برگ سدر و در گوش چکانند و اما که گرم گوش را بکشد ص خل  
تازه در آتش کنند چون بخت شود مغز او بمالند و فشرده در اندرون بچکانند گرم بمیرد و اما  
که رطوبت صرف که از گوش سائل شود دفع نماید ص باز و بار یک ساخته در شراب کهنه  
آمیخته بچکانند و اما که در سیلان خون از گوش باز دارد ص انار مع پوست و انجیر در  
اندر سر که بپزند و بچکانند و اما که در گوش را بسبب ریاخ بود مفید بود ص شلغم را در  
بخت بخار آن بگیرند و اما نافع جهت سیلان خون از گوش و مجرب درین باب نوشته  
ص بگیرند کلیه نور قدری از شحم آن محلیج کرده نیم بریان کنند و فشرده آنرا آب بگیرند و در گوش  
چکانند و سفل آن نیز نافع است همچنین چکانیدن روغن خسته زرد آلودوی و نقل آن  
را بپزد و اما که قرحه و بشه گوش را ببرد ص لعاب حلیه و تخم کتان و تخم مرفرادی یا بهر دو  
زنان آمیخته در گوش چکانند و اما که گرم گوش بکشد بلیکم کوفته بخت در گوش اندازند و یا آتش بکشد  
بچکانند و همچنین اگر قطره کرده شود صبر و ستمونیا محلول باب گرم و اما که در گوش ببرد ص  
هموار در شیر عورت ملکه کرده در گوش چکانند و اگر مرزخوش جو شانیده بخار آن بگیرند نقل گوش  
و وجع ببرد و اما برای جمل مجرب ص جوز بواسه در تخم نیم بپزند و تخم جریه نیم شبت بسا  
لسان العنصره از هر یک یکدم مشک یا عنبر بر واحد که باشد قدری گرفته بسمل بپوشند  
وزن بعد از ظهر در صوف بقدر سه ساعت دارد بعد از آن بیرون آورده صحبت نماید و اما  
نافع برای فشق ص و بر از نپ شستد رم حبه السوداء زرد و از هر یک چهار دم در

کل سنج تسنزه درم غسل لغت گرفته هست او صید بر او می پیچاید رم و بر این ب را از موی  
 مختلف از جلد ارنج بگیند و باریک بسایند و باقی او بر غسل بیشترند و آتش ملائم نیز غلیظ  
 شود و وقت خواب بخورند و فیکه معده خالی از طعام باشد و او را جهت بند کشا و نافع است  
 نص کوئیل درخت دوا که دانسته باشد بعد از خزان آن هم میسر قدر که باشد نرم  
 گرفته با قدر سیاه شش هفت ساله و هر قدر که گمنه باشد بهتر بسیار حق نموده بقدر یک تو که گوی  
 بسته تا چهارده گوی بخورد و او را که عقد و وجع مفصل را قطع نماید ص تخم شبت را گرفته  
 در آب پیزند و بخار آن بوضو بر آید و همچنین خوردن لبان برای وجع ظهر خوب است  
 دوا که در دشت را که از باد و بلغم بود و سود دارد و ص شلح آهوار را وند که ده بگل حکمت کند  
 و در آتش افکند و پسوزانند آنگاه برآورده آس کنند و هر روز قدری از آن بار و غن کا و خورند  
 مجرب نوشته اند و حکیم علی گوید و غن گل در سلایه داشته که از سر سب مصنوع باشد بالند و آن  
 روغن را بر مفصل طلا کنند و وجع آن رفع نماید و سحاق و حرقه اسب جهت وجع مفصل نیز  
 مفید است و بستن قطعه اسب بر الزنوا و عقد مفصل اذات آن کند و او را که جهت نیز  
 در و مفصل مجرب نوشته اند و ص ستخوان آومی سوخته با یک ساخته بگل آب بیشترند و بسیار  
 کنند و قدری به بند و ما حسب تحفه گوید آتش اسیدن ستخوان سوخته انسان سر و سر و کشتال  
 باشتغال آن شکر جهت عرف النساء و مفصل و صرع بجایت آزموده شد و لوک جید بر  
 ربو بلنجی ص زبد البهره ارنجی باریک ساییده در پارچه شش بسته بر صدر و داخل است  
 و لک نمایند و اگر از لک اخبار شود و روغن جنجیلی و روغن خیزی با هم آمیخته قدری بسین  
 بماند و لوک جهت خناق و اقسام آن را رفع کند ص پس گندم اکلیل الملک بالو  
 خطمی زو فانک در آب پیزند و پای بار از این مبلوغ بماند تا که سرخ شود و هر که کبک  
 لعنت پندی است و منی آن بنیض صبر است و از اطباء است که گفته اند از برای هیچ  
 امراض سوداوی و بلغمی و کسب امراض بارده معده و کبد و ثنبن و استسقاء را دفع کند

صل قند سیاه هشت سیر شاه جهانی پوست مغیلان پنج سیر شاهیانی برک صبر که خار با  
آنها دور کرده باشند و سیر پوست بلبله زرد پوست بلبله پوست بلبله کابلی بلبله سیاه آندنی  
از هر یک پنج توله اسارون سیلجه سیاه حب بلسان عود بلسان اسطوخودوس و بادنجون و سیفاج فستق  
افشنتین برومی مصطکه انیسون دارچینی راز یا نه زعفران برگ ترنج از هر یک چهار توله پونه  
نه ماشه ریزه ریزه کرده غنچه گل سرخ از هر یک پنج توله سنبل الطیب ناگکیس کبابچینی متل از زرد  
و دوقطر اسالینون از هر یک سه توله سیر کوفته بخینه با قند سیاه و پوست مغیلان و زخم کرد  
و آب بقدر ضرورت در آن ریخته خم را در سر کین اسپ دفن کنند و بگذارند که جوش خور و چون  
برسد یعنی از جوش فرو نشاندن راضا فی نموده و شیشه با کرده نگذارند و هر صبح و شام چهار پیاله  
قهوه خوری از آن بنوشند و در بهره بلاد ریزه از اطباء هستند و منافع بسیار آن ذکر نموده  
اند صل بلاد یک سیر پوست بلبله کابلی نیم سیر دار فلفل قر فلفل از هر یک نه توله فلفل  
از هر یک سدس یک سیر گل و با و پنج سیر قند سیاه دو وزن همه ادویه را نیم کوفته قند را  
صل کرده ادویه را دور و انداخته در میان خم نموده دفن کنند چون لایق بسید یا لایق کباب  
برند و در بهره که راقم برای دفع غشی طحال و نفخ شکم و ششها مفید یافته صل اجوین پوست بلبله  
هر یک بیست درم کیث یعنی چرک آهین سه درم سیرسته را اندکی بکوبند و در ظرف کهنه برب  
کرده در آب شیرین ده برابر همه انداخته و درین ظرف محکم بسته در سفالی که سیرین این  
در آن پهن نموده باشند بگذارند بعد از آن تمام سفاک را از سر کین بکشند و سه هفته بدارند و پخته  
آورده صاف نمایند و شیشه کنند صبح و شام یکدوم باز یا ده استعمال نمایند و بعضی قند سیاه  
کنند برابر همه اجزاء خل سازند و بعضی شیر که یکبار نیز اضافه نمایند در صورت داخل نمود  
شیره اولی نزد راقم است سیاه قند داخل نمایند یا بلال ال المعجمه فرو و رالفتح او هم  
یا به که در چشم و جراحات و قروح باشند و فرق در میان کحل و ذر و لک است که ذر و لک  
یک دفعه در چشم می اندازند و کحل را در چشم بمیل کنند تا مقدار قطره از دو یا پنج چشم برسد

الت که ادویه ذر و زنجبیل باریک باشد بخلان ادویه کل که آنها احتیاج این قدر باریک نبودست  
 زیرا که در میل خرد و اندک باریک متعلق نیک و ذر و زنجبیل و درونج و ابتدای رمد رانفع بود  
 انزروت پرورده شیر نشاسته صمغ عربی نبات مسادی کوفته بنجیه استعمال نمایند ذر و زنجبیل  
 نافع است از برای کینه المده و در چشم که سبب آن رطوبت باشد صمغ انزروت مربی  
 پنجم شیان ایشاد و دوم صبر زعفران تخم گل از هر یک پنجم افیون چهار دانگ کوفته بنجیه استعمال  
 نمایند ذر و دیگر قره و سوم سرخ رانفع باشد صمغ سره صفهانی شافج حدسی مغسول  
 صلایه کرده و سازند ذر و زردی انبیس که ابتدای رمد رانفع باشد صمغ اقلیمیای  
 فقره سفید آب صبر ستقوی از هر یک دو درم کثیر است در صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم  
 نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته بنجیه باب رازیانه پرورده ذر و سازند ذر و زردی جز  
 و سیل و نفع رانفع باشد صمغ امیران چینی یک درم توتیای کرمانی پرورده شمع سوخته پرورده  
 توبال مس مغسول سره صفهانی پرورده از هر یک و درم کوفته بنجیه استعمال نمایند ذر و  
 انزروت قره راپاک سازد صمغ نشاسته سه درم انزروت مربی سفید آب صمغ از هر یک  
 یک درم کوفته بنجیه ذر و سازند ذر و زردی که دمه و جرب ضعف بصیر رانفع بود و پیران را موافق باشد  
 صمغ توتیا مغسول دو درم پوست بلبله زرد صبر ستقوی دار فلفل زرد چوبه از هر یک پنجم  
 فلفل دو درم کوفته بنجیه ذر و سازند ذر و زردی که نافع است از برای جرب و سیل و فقره  
 و آنکه حقیق صمغ اقلیمیای فقره صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران فلفل شنگوف از هر یک  
 دو درم افیون یک درم پنجم صلایه کرده استعمال نمایند ذر و زردی که جرب در چشم اطفال نافع  
 باشد صمغ انزروت مربی خشک از هر یک ده درم دم الاغین امیران از هر یک دو درم  
 کوفته بنجیه استعمال نمایند ذر و زردی که صمغ دار فلفل دو دانگ بلبله زرد و حنظل از هر یک ده درم  
 زرد البجر یک درم امیران صبر دانگی و نیم کوفته بنجیه استعمال نمایند ذر و زردی که نافع است  
 از جهت حرارت و در صمغ صدف سوخته و زردی که نافع است از هر یک دو درم نشاسته یک درم

و دانگ صلا کیده ذو سائید در و ر بامیران جهت اختلاج دائم چشم و امراض بارده فرزند و تقویت  
 بصیرت است ص زنجبیل قر قفل فلفل بامیران دار فلفل توتیا کرانی مغسول صمغ عربی حله  
 برابر کوفته استعمال نمایند در و ر جهت رفع حمزه چشم و درد و جلا و آن و طرفه مجرب است  
 ص برگ عنبل ثعلب سوخته مروارید ناسفته متقاطیس سوخته مغسول کشوت سوخته  
 رنگ زرگران جلا رفته باو میدهند بالسویه در و ر سازند در و ر سبیل ز مجموعه ص خشم بیدار  
 یک عدد نبات مصری یک مثقال انزروت سه مثقال بهر را خوب باریک سائیده در و  
 کنند یا بمیل چشم کشند و رانار استعمال بن در و ر این حب با بخور دافینن تازه بسا  
 یک مثقال رب سوس کثیر از هر یک سه مثقال کوفته بخیته آب حب با بقدر بندند و بندند  
 و هر روز یکی از آن یا کم فروزند در و ر و محصل جهت بیاض از حکیم علی ص بویه ازینی کین  
 غسل سه جزو خوب با هم آمیخته بکشند در و ر که نافع است از برای در چشم گفته و سرخی آن  
 و آب رفتن ص توتیای مغسول نشاسته سفید آب ارزیز مسادی کوفته بخیته در و ر سازند  
 در و ر و روی باعتبار رنگش بی ر و خده جهت دو قه استعمال است ص پوست بقیه و جام  
 مدبره درم شاونج مغسول و درم جمع کرده بسایند در و ر که جهت در چشم اطفال و دفع قفل  
 و صلابت اجفان اینها نافع است مشغول از بقای ص انزروت سرخ اگر مدبر باشد بهتر و الا  
 ساده هم کافی است و محمول است با بخور و در سنگ بصری دو جزو چاکسوفقه حار جزو در و  
 سازند و بکلیا برداشته بر آکنده و بند که ده بالایی چشم بالیده از مان کنند و روشن و در شکرت  
 کرده گدشته بر فاده بر بندند اگر گرمی غالب بود و تسکین یاده مطلوب باشد بهر گاه می توانند  
 زیر نارسیده بجای آن مالیده چشم بندند در و ر که جرب ثقل و غلظت اجفان را نام  
 است ص زردی بقیه در آفتاب خشک کرده انزروت سفید لثیه خریچه برده هر یکی چارم  
 بامیران هر یکی نصف درم زعفران شیاف مایه سیرکین و دانگ کوفته بخیته استعمال نمایند  
 در و ر که در انحطاط مرض آکا بکار آید ص گلنار سفید آب قلعی یک یک درم زرشک

هر یک یک درم و نیم تو بیاب غوره پرورده دو درم و نیم سائیده بپاشند و باید که ازین درو پر خیزی  
 بملق نرود و در ورمی دیگر که جهت قلاع احمر مجرب است ص طباشیر سفید جو سوخته  
 شیر خشک مساوی سائیده بپاشند و در ورمی قلاع سفید قلیل الحار است عفتص چهار درم  
 زرد جو پر پوست اندر گلنار ساق هر یک شش درم شب بمانی ده درم بعضی دوازده درم نوشته اند  
 همه را کوفته بخیته اول ادیان را بهار العسل شسته بپاشند و در ورمی قلاع شدید که مثل غلغله  
 در زبان بهر دو با صطلاح ابل و کن اهرمی نامند بسیار نافع است بعد خراشیدن از بیک  
 بیدار بخر استعمال نمایند ص صباوچن کته سفید کباب چینی سنگ جراحات الایچی کلان شوره  
 بر آب کوفته بخیته بکار برند نزدیک شده حرارت کافور اضافه نمایند و هرگاه تحلیل باشد کباب الثعلب  
 خشک سائیده بخیزند و در ورمی که مکرر بخیر بر سیده جوش دهان خصوصاً کته را بر و ص  
 کته سفید طباشیر سفید و انه الایچی زیره گل سرخ زیره گل سیوتی ناگه و ته کباب چینی بلبله سیاه  
 بار بکاین سوخته از هر یک یکماشته سیاهی نابه سقر التاس خشک هر یک دو ماشه همه را کوفته  
 بخیته بر زبان بپاشند هر قدر که صلایه زیاده خواهد شد آتوی خواهد گشت و در ورمی قلاع معمول  
 حکیم علی اکبر خان مرحوم ص گلان کیمانی حرق کاغذ محرق و دغ محرق کشته خشک  
 در سرکه خیسانیده بریان کرده گل ازنی حب لاس طباشیر سفید و م الاوین مرجان سرخ  
 اوقاقیاسد بلبله کابلی گلنار فارسی فوفل عاقر قرحا پوست بلبله زرد برنج در آب بستان افروز  
 خیسانیده برگ ریاس اجزاء مساوی کوفته بخیته بعد از غرغره که باب چوب چینی کرده باشند و در  
 نمایند و در ورمی اسود نافع جهت گوشت پایی دندان که گم شده باشد برویاند و گوشت فاسد  
 دور بساند و خون رفتن باز بیدار و ص فوفل گلنار فارسی از هر یک دو شقال شلخ بز  
 کوهی سوخته شقال کاغذ خطائی سوخته نمک سود و جمل رشته د سوخته سعد کوفی از هر یک دو  
 شقال و ص طباشیر سفید غنچه گل سرخ و رابی عاقر قرحا شب بمانی از هر یک نیم شقال  
 کنانج استخوان بلبله زرد و بوجاری عود قماری خام سوخته صندل سفید سک صلی راک

پوست زرد و اتیج و قنصل برگ مورد شاخ گوزن سوخته از هر یک ششقال و دم الاخرین کند  
 از خنیزر یک ششقال همه اجزا را کوفته بجز بخت برده آن و پای دندان باشند و زور این  
 لثه را محکم کند و قطع خون رفتن و تقویت دندان نماید و بوی دهان به برود دندان را از  
 افتادن و کماکل و کند شدن نگاه دارد و منع الفیاب سواد بسوی عموم اسنان نماید  
 عاقر قرواح تنگی که مانع سعد کوفی از هر یک سه درم قشور رمان ماز و منیز قشار کند و گنار فارسی  
 غنچه گل سرخ منزع الا قلع از هر یک سه درم زبد الجونک طبر زشب یمانی سد ف سوخته از هر یک  
 یک درم و نیم قنصل سفید مسطک روی عود بلسان از هر یک درم و دراید ناسفته بسوی سفید از هر یک  
 سه درم و نیم قنصل سفید مسطک روی عود بلسان از هر یک درم و دراید ناسفته بسوی سفید از هر یک  
 کثیر اکثر خشک سوخته ارد عس از هر یک هفت درم کوفته بخت کافور قیصری نیم ششقال و نعل  
 کند و بر دندان و لثه باشند و بعضی اوقات با سرکه مضمضه کنند و گاهی بازیت دروغن دندان  
 محترقه بر دندان و لثه گذارند و رفع حرکت دندان نماید لیکن در نرم کوبیدن نهایت سعی نماید  
 و زور قلع و جوشش زبان را قطع تمام دارد و موجب است ص دان الا یکی کلان و در  
 کشته کشتن سوخته پیکری جمله برابر کوفته بخت برده آن باشند و زور برای قلع ابض بارد  
 ص عاقر قرواح کبابه زعفران سعد فلفل جمله برابر کوفته بخت استعمال و زور سازند و زور  
 اقوی در تخفیف ثبور لثه و قلع ص عروق پوست انار ساق از هر یک شش درم عصف جاد  
 شب یمانی دو درم کوفته بخت و زور سازند و زور اعظم جبت جراحت قصب اکله و قروح  
 سیاهیه دمان و گلو و سایر اعضا و رفع خون جراحات در دیانیدن گوشت و منع ورم و تضای  
 سوا از موده اند و از تالیف صاحب تحفه و موجب نوشته ص صبیح آب می تیا کوفی شسته کنند  
 از هر یک یک جزو موی سوخته گنار شاخ گاو کوبی سوخته و اگر نباشد اسنخان سوخته برگ و عا  
 گل از می هر یک دو جزو و از حریر گز رانیده استعمال نمایند و هر گاه در غیر گلو و دمان بهار برند  
 صبرند یک جزو و از سنگ در آتش بکشد و سرکه انداخته و غسل نموده و دوزخ



انسانه نمایند هرگاه خواهند فقیله ساخته در سوزاک استعمال نمایند بی نظیره خواهد بود و در  
 که جراحات قضیب و دیگر گردانده خصوص خنده ایاید که چون خنک کنند بگذارند که تا خون تمام برود  
 از آن این دو همیشه اند و بربندند ص کات هندی مردار سنگ بلبله بلبله صافی شود  
 صبر اجزا سادی کوفته بخیه بر جراحات پیشانند یا بر خرقه کسه در ور کنند و بر جراحات در بل خنک  
 به پیچید و بعد از سه روز باز که جراحات بر شده باشد هیچ در وی دیگر محتاج نشوند به پیوست و  
 برای قروح طریقه حدیر این اعضا عجیب الفعل است و در اندک زمان با صلاح آورد  
 ص شب سوخته توتیای کرمانی کوفته بخیه استعمال نمایند و در و را ز بوفی بخت  
 قروح ذکر و خالی آن ص شادنج منسل صبر سقوی مردار سنگ پوست کد سوخته  
 اجزا سادی کوفته بخیه پیانند و در و رسچ گوید که این دارو را آزموده ام رسپا  
 فاسد را سود دارد ص صبر مرانزروت هر یک بکفر و کند و جز و همه با یک بسایند و بپزند  
 و وقت حاجت برایش ها افکنند و در و را زروت جنت رطوبات و بردن گوشت بسیار  
 محسب است ص کند و صاف دم الاخون هر یک دو درم نحاس سوخته پیچیدم افزود  
 پوست انار و شب کاغذ کبود سوخته سعد هر یک دو درم و در و سازند و در و خربین جنت  
 نرف و دم جراحات نظیر دار و ص کند و بزر و هر یک نیم درم سماق زاج سفید دم الاخون  
 هر یک یک درم آبک شسته دو درم خربین سه و دم مثل غبار سائیده استعمال نمایند و مفورات این قرح  
 هم همین اثر دارد و در و که جراحات آتشک را نافع بود ص بویار سوخته شش ماشه فلفل  
 سوخته کچود و توت و توت بریان نموده یکماشته مردار سنگ کسه سفید سنگ جراحات از هر یک و ماشه کوفته  
 بخیه در و سازند و در و که بدن را خوشبو کند ص سعد سافج ققاح اذخر میوه ساکنه شحم انار  
 از هر یک ده درم و درم گل سرخ خشک طرف آس از هر یک بیست درم ققاح اذخر میوه  
 را بشرب ریجانی یا گلاب تر کنند و خشک نموده سخن نمایند پس طرف آس و گل سرخ  
 سائیده بر آن اندازند و زعفران در گلاب سوده با او بپزند و در و ساپ خشک کنند

سایتده بعد حمام بر بدن پراکنده کنند تا عرق را جذب کند پس دور نمایند از کتاب جلوه نما  
منقول شد و در وسیقه خون که جراحت فرشته را بکشد و و دفعه الحمام در و چون بر  
و عددی بی مانی همچنان بالایش بندند بر عت زائل کند از مهربات است و از اسرار  
اند گل ارمنی گل گسرخ و دلتک بکشتال جفت بلوط بکشتال مرصاف یکدم و نیم کند  
و دوم گلنار سه شقال از حیر کند زانیده پاشند و در و سقر در رفع آله و خفیف و  
جرب است ص کافور ربع جزو تخم ریحان بوداده نصف جزو پوست پیاز سوخته کبجز و مز  
سازند و استعمال نمایند و در و ربوی عرق شستن را دور کند و فراغ سرد را مناسب است  
ص سنبل الطیب قرنفل حماما عبدان البلسان سلیمه از هر یک یکدم قسط اطفال را  
سنبل هندی و اجینی از هر یک و درم اطراف فرزند خویش چله درم میده سالک انار و درم  
حکوده و باقی ادویه را در آب تمام سایتده با هم آمیخته استعمال نمایند و در و عجیب  
گوشت و الصاق می کنند جراحت تازه را ص کند صبر انزروت دم الاخین سنگ  
سحق کنند و بر جراحت بریزند و در و ملتئم از مهربات حکیم سعد الدکیلانی ص گلنار و در  
کندر می مجموع برابر کوفته سنجیه بر چشم پاشند و در و دیگر ص مرانار سوخته از سوخته  
اقلیمیای فقه مرار سنگ سفید آب بر یکدمی کوفته بکار بریزند و در و که جهت آله و مز  
است ص گل گلاب سفید گلنار فنبیل کات هندی سفید صاف کرده بر یک بکشتال  
سنگ بصری شش شقال سنگ بصری را سه مرتبه در شش سوخته کرده سرد نمایند که در  
از ان بر طرف شود باز همه را کوفته زرشک منقعی با ساق بادیان سنگ خاره و در و متصل  
با سر که انگوری بسایند و در ظرف چینی پهن نمایند و با چرتنگ سر آنرا بزنند و در سایه  
خشک کنند و وقت استعمال چشم را بیکر کشته باشند و قدری از ان بگلاب و سر که  
بخورند و از روغن و گوشت و پوست پر میزند و در و که داغ کند و خون آمدن از جراحت  
باز دارد ص آهک آب ندیده ریزه گرفته ققطار قدری بادی آمیخته بر جراحت کنند

و بنزد باب لمر الممله روغن بادام تلخ گرم و خشک است و در دم همت صداع  
 بار و ملل برای درد گوش و کرمی آن قطره آنفع می نماید و خوردن آن و چکاندن آن و ملل  
 لغتیت جصات کند و روغن بادام شیرین گرم و تر است و صداع بیسی تشنج را نافع بود و  
 سرد و مقوی و مانع اند ص بگیند مغز بادام و آنرا متفش کرده بگویند و اندکی نبات یا فانیذ ساق  
 آمیخته در طبق مسکی بر آتش زغال گذارند و دست را آب تر نموده مغز بادام را افشوده بپاشند  
 و ظرف را اندکی کج دارند تا روغن جدا شده طرف مابین طبق جمع شود و روغن پسته که بجز  
 طریق گرفته میشود اگر صاحب شقیقه بجام رفته و انگبای برپا چه نموده سحر کند علت او  
 همان روز بر طرف گردد و روغن کوک همت صداع و سهر که از حرارت بیست بونفع نماید  
 آب کامپوسنبر دو حصه روغن کینج یا بادام یک حصه بچشانند که روغن همانند روغن کدو  
 اثر دارد و در دم سرد تر است و روغن پسته که ص کدو خراشیده با شخم و تخم بگویند و آب  
 او گرفته چهار حصه روغن کینج یا بادام آمیخته بچشانند تا روغن همانند و از مغز تخم کدو شیرین نیز  
 روغن بادام روغن می گیرند و این الطف است و روغن گل سنخ مرکب مقوی است  
 و جالیتوس مقیدل سیداندر اوغ و محلل و مقوی اعضا است ص بگیند برگ گل تازه از  
 قلع پاک کرده در روغن زیت یا کینج بنید از زرد و شیشه کرده در آفتاب گذارند و چون بر  
 گل سفید شود و این علامت زوال قوت است بیرون کنند و بکار برند و اگر بدون گل نیز  
 در آفتاب هفت مرتبه بچید گل تازه در روغن کنند و در تبرید افوی خواهد بود و روغن گل  
 عبارت از همین است و روغن مذکور بعد یکسال تغییر میگرد و و طریق دیگر آن است بگیند گل  
 و کوفه شیر آن بر آرد و بار روغن زیتون یا روغن کینج که نیموزن با هم وزن باشد بچشانند  
 تا شیر غائی گردد و روغن باقی ماند و روغن بنفشه بادام مقوی و مانع است و مرط است  
 ص بگیند سر بنفشه تر در روغن بادام ترتیب نمایند یا آنکه بادام را متفش نموده دو نیم کنند و  
 بالای او گل بنفشه تر نموده چند روز بگذارند که بنفشه خشک و سفید شود و مغز بادام بویاگرد

بنده مرتبه چنین کنند بعد از آن روغن بکشند و روغن بنفشه ساده مثل روغن گل ساده هر  
 بشود و یا بکنند و در گلهای بنفشه بر رویش نموده مثل روغن زیتون بکشند و روغن گل نیلوفر را هم  
 ساده را همین پنج مرتبه سازند و او در تیرید اقوی است و روغن بالونه و زنجبیل و اکثر  
 باریق اینها همین است یعنی گلهای او روغن بکنند و انشال آن انداخته بعد مضمحل  
 لیا تبدیل نموده مرتبه سازند و آب آنها گرفته همراه روغن بچشانند تا آب خالی شود و روغن  
 باقی ماند روغن برای فالج و عرقه جمیع امراض مزمنه منقول از سیاق عمم حرم در فالج و غیره  
 را قلم نبر سید ص سیاق تخم و ستوره زهره از هر یک یک انگشت روغن بکنند و روغن گل نیلوفر را هم  
 شود بعد از آن از آتش گرفته او دیر بیند ازند در اجوب و یا دو سه گاهنی خوب حل کرده بکار بزنند و  
 رو باه متحل جدا بجمد و او را جدا و فقیر هم در فالج و تشنج و اکثر امراض بارده فوایدش آمده نموده  
 بگیرد رو باه دست و پای البسته زنده و در یک که آب در و بقدر بیت آثار بسیار گرم باشد انداخته  
 تا خوب بچخته شود و مضمحل گردد صاف کرده آب آن بگیرد و نگارد از پس فلان و یا لنگنی جوز بواندا  
 سنبل انگوزه از هر یک نیم پاو تخم و ستوره آثار پوست بید انجیر یا فیتون خالص سه درم بهر  
 جو کو ب نموده در یک سن آب خالص آتش ملایم بزنند تا پخته آید و آب همان صاف نموده آن  
 را با آب رو باه که اول گرفته اند مفرج نمایند و پنج سیر روغن بکنند خالص گرفته بهر ای هر دو آب اضافی  
 نموده بر آتش نیز بچشانند تا آب بسوزد و روغن همان صاف کرده استعمال نمایند و استاد بر آن  
 که ستوره این روغن وقت استعمال برابر وزن روغن بکنند آینه استعمال می فرمودند و در  
 کلان معمول این و دمان برای فالج و تقوه و دیگر امراض بارده ص قسط فرقیون چند سیر  
 قصب الذریر استین کندش پنج بادیان فیطیح از هر واحد سه شانه حاق قر قافیل بشک  
 سنبل الطیب پنج سوسن قفر آشنه داسن مرسله قرفل جوز صفرا بنفشه او پنج کرفس تخم  
 اسارون سکنجبین جاد شیر زرد بنفشه و اینها را با آب بپزد و در فالج کند از هر یک یک و شانه  
 شونیز چهار شانه با و ام غم شش شانه غبر اشبه با شانه بید انجیر قفل از هر یک چهار شانه

دو نیم باشد روغن گل روغن بالون روغن سوسن روغن بیدانجیر نیم کد ام نیم پاو تمام او و پراسوا  
 مشک عنبر و جوز و فرفیون چند بیدستر نگرفته در چهار پنج اندر آب یکشنبه روز نر نمایند صبح بخورند  
 هرگاه سوم حصه باند صاف نموده در روغن باینجه باز بپوشانند تا آب فی شود و روغن باقی بماند بعد از آن اوده  
 باقی مانده را بسیار یکسانید حل نموده بکار برند روغن صلیح جهت فالج و لقوه و عشو و خزان ناهست حل نموده  
 شود و اول صبح ماده مذبوج را بپسته شود و دست پای و در و ریک می زند انداخته در سبب میفش و شست  
 هر یک یک کف دست و آب شیرین بقدر کفایت اندازند و در یک بند نمایند و آبش ملائم بنزند  
 تا صاف شود و بعد از آن از آتش فرو آورده صاف نمایند جلد و استخوان و موی و لحم و تمام ثقل او دور  
 نمایند پس از آن آب صاف شده در یک دیگر انداخته و روغن بلسان روغن نارودین از  
 هر یک قدر اسکرجه داخل نمایند و آبش ملائم بنزند و قتی که سوم حصه بماند برابر آب غسل در غل  
 نمایند تا بقوام آید استعمال نمایند روغن لبوب سببه جهت تشنج بیسی و اینجولیا و برای سهراف  
 شربا و سوطا و مروحان مغز خنق مغز بپسته مغز بادام شیرین کهنه مغز خنق مغز حلخوزه مغز خنق کد  
 شیرین مغز جوز مساوی گرفته بدستور روغن بادام مرتب سازند روغن که چون او را بر سر  
 بینی بمالند سبات را رفع نماید منقول از بیاض عم مروج ص نو شاد در نیک نقطه چشم پسند  
 تخم خیر فلفل سیاه زنجبیل کاکج بهبه را در آب بپوشانند تا صاف شود پس صاف کنند و با هم بچند  
 وی روغن بیدانجیر بلنج دهند که آب بسوزد و روغن بماند روغن استقیل نافع است  
 برای سکنه و سبات و فالج و استرخا چون بر سر و صره بای گردن و پشت بعد از تحقیق بماند  
 و جهت عرق النساء و در دگر بلغمی نیز مفید ص استقیل تازه چهار اوقیه و ریک سن نیت  
 سراج بنزند آنقدر که چون بدست بمالند مضمحل شود پس خوب بمالند و بعد از آن عاقر قرحا  
 چند بیدستر خردل فلفل فرفیون از هر یک یک مشتال شک تبنی نیم مشتال ساسیه نیم  
 نموده خوب بخلط نمایند بکار دارند روغن بلادر استخا عصب و فالج و لقوه و دیگر  
 بار و در انافع است محلل ریاح ص سنبه الطیب سیل بوا فلفل و ج تنگی شیطرح را

و از فلفل جزالتی بلادر ایر سار از یانه قسط تلخ بوزیران زربناد و روغن از هر یک پانزده  
 شقال نیم کوفته با شیر و آب از هر یک پانصد شقال و روغن کنجد و مسیت و پنجاه شقال  
 بچوشانند تا آب و شیر برود و روغن بماند چون در استعمال بلادر می باید که احتیاط بسیار نمایند  
 اول دریافتند که باین مزاج بلادر سوافقت دارد آن زمان این روغن بکار برند و روغن بوم  
 آن را روغن راهب نیز گویند بعضی گفته اند که این ترکیب یکی از راهبان است برای امر  
 بارده و تقویت عصب و جمع ظمیر و تقطیر بول و بواسیر مفید است و نم مشرب یک جز و فلفل  
 عاقر قرحا از هر یک ثلث جز و فلفل سداس از هر یک یک جز و مجموع را نیکو کوفته با بون  
 جمله ادویه زیت داخل کرده بریزند تا ثلث آن بماند پس بیالایند و در شیشه نگه دارند و روغن  
 چوب چینی از امراض باوده یعنی چوبان فالج و استرخار و رعشه و کزاز باز دارد و وجع مفاصل و  
 درد پا که از تشنگی بهر سیده باشد بر و ص چوب چینی اعلی سبب شقال سوختن  
 سداس از هر یک پنج شقال قصبه لوزیه شسته سنبل الطیب سا فنج هندی مرزنجوش  
 از هر یک سه شقال عاقر قرحا و شقال قسط و ده شقال مجموع را نیکو کوفته و شرباز و دیو  
 س سیاه آب که قریب هفت رطل و نیم بپزد و بپاشند آنگاه با زیت و روغن گل سرخ  
 از هر یک چهل شقال روغن بابونه و روغن زنبق و روغن کنجد و روغن شبت پانزده شقال در دایک  
 کرده با نش ملائم تند ریخته باشند تا اجزا ماهر شود و آب برود پس بیالایند و روغن را نگه دارند  
 و فلفل را یکین شیر و آب پنجاه شقال روغن کنجد و نیم بچوشانند تا آب برود و روغن بماند پس  
 بیالایند و روغن اول داخل کرده و در شیشه آن نگه دارند و سر آن را محکم کنند و وقت حاجت  
 بکار برند و اگر در بزرگوار شقال این روغن یک شقال سویمایی و ربانی حل سازند برای رعشه و دیگر امراض  
 بارده انفع خواهد شد و اگر چندید ستر فلفل و هر یک نیم شقال همراه سویمایی نیز ساینده اضافه  
 نمایند قوی تر خواهد گردید و روغن حمل فالج و رعشه و تشنج و اعصاب دست و پا را نافع بود و  
 سپند سوختنی یک رطل و نیم ربی رطل روغن کنجد چهار رطل اسپند و نیم رطل را نیم کوفته

در اندک آب تر کرده تمام شب نم نمایند صبح در روغن بریان نمایند چون سوخته شود روغن  
 بپارچه صاف نموده جدا سازند بعد از آن بهیت عدد و جزو بارانزم کوفته در آن داخل نمایند  
 و وقت صبح و شام بمالند و یک ساعت بخرقه دلتک نمایند و از آب و بهوای سرد اجتناب لازم  
 دارند و روغن زعفران که آنرا خلوق نیز گویند ملین عصب است و تشنج را از اکل کند و دانه  
 از برای اوجاع و صلابت رحم و معده و رفع یخوایی کند و از برای تنقیه قروح رحم مفید  
 است و رنگ آنیکو گرداند و ص به لخته شیخ رئیس زعفران شش رم قصب لذیر به نیم  
 مکی صاف نیند رم در آن نسخه دیگر یک رم فروماناشم رم اجزا را علیحد علیحد نیم کوفته  
 ادویه را سوای فروماناشم درم با سه که انگوری خیساییده پنج و زبگذار نذر در ششم فرومانا  
 را با سه که انگوری بخیسایند و یک و زبگذار نذر روز هفتم روغن کنجد با زیت یا هر چه مناسب  
 داشت بقدر پنج استار داخل کنند پس باتش ملائم بچوشانند تا سه که رفته روغن بمالند پس  
 و روغن را علیحد نگاهدارند و فلفل را علیحد و گویند که فلفل و روغن زعفران فرومعا است  
 که در اکثر دواها مستعمل است و روغن سوسن منقول از ذریه نافع است برای فلاج و دانه  
 بارده کرده و مثانه سردا گرم گرداند و احتناق رحم و برودت معده را نافع باشد ص سینم  
 قسط تلخ حب بلسان زعفران مصطک از هر یک یک و قیه قرفل قرقه الطیب از هر یک  
 نیم اوقیه ادویه سوای زعفران نرم کوفته همه را در شیشه کرده بکین زیت طیب بروی آن  
 کرده سی عدد گل سوسن سفید پاک کرده اضافه نموده چهل روز در آفتاب گذارند و روغن  
 قسط به نسخه حکیم موسی نافع از برای رخش و فلاج و تشنج و خدر و امثال اینها و اعصاب را  
 را نیز فلاج نماید و بایده که اول اعصاب در دناک را بکسید و رشتی بمالند تا سرخ شود و در شب بمالند  
 نموده بخواب روند و ص قسط تلخ سنبلی الطیب از هر یک بهیت و دو مثقال گویند و در  
 یک لطل زیت طیب یک لطل بچوشانند تا آب برود و روغن بمالند پس بیالایند و باران  
 روغن را با یک لطل آب بروی ادویه کرده بچوشانند تا سه مرتبه و اگر جوش آب بر سر نه

عرق بهار نارنج و عرق بادیان کنند بهتر پس بیا لایند بعد از آن چند میدستر فلفل سیاه و عرق  
میوه سیاه از هر یک ده مثقال در آن حل کرده در شیشه نگاه دارند روغن مبارک منقول  
از شفا و الاسقام این روغن را شیخ داود در تذکره با سم و هین اللقوه گفته نافع است از برا  
لقوه و فالج و کزاز و عرق النساء و دوا فی فقرس و تحلیل یاج کند و هیچ باه و شهوت جماع  
است و قوطور آن در گوش جبت کری و گرانگی گوش و سده صماخ و ریک و رموش و قوت  
آن جبت امراض جسم مفید صلب شو نیز کوبیده تسفیه نریت بطریق تمیض بر روی آن  
نمایند تا سه وزن خود روغن را حذب کند پس قطره روغن بقرع معکوس یا بقرع انبیق  
نمایند اول بهتر است روغن مجرب بجمت حذر و فالج و عرشه و استرخا و مفصل باز  
و عرق النساء و ص قصب لذریره قسط تلخ از هر یک سه مثقال از خرمکی سوربجان  
مصری کباب چینی نار دین اسار و ن از هر یک دو مثقال زرنبار و ارشیشیان عا و  
سفات بغدادی بوزیان از هر یک یک مثقال مجموع را مخلو فته به پیاله آب بچوشانند آنقدر که پیاله آب نماند  
شیره آن را بر آورده روغن گل سرخ روغن یاسمین و غن زنبق روغن بابونه از هر یک  
مثقال داخل کرده بچوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند پس جد و از خطائی چنانچه  
فرقیون از هر یک سه مثقال جوز بوا و تخمیل از هر یک دو مثقال مقل ازرق یک مثقال  
کوفته بجزیر بخیته دریا و ن سنگی کنند و روغن را اندک اندک بران چکانند و بدسته بمالند  
تا تمام روغن بان مخلوط شود بعد از آن سومیانی معدنی در آن حل کنند و در شیشه نگاه دارند  
روغن نار دین منقول از منصور بن محمد ذکر کیا و صاحب مناج الدکان گفته که من نقل  
کردم این نسخه از قاضی فتح الدین ص روغن بان یک پیل سبیل رومی شش درم  
سعد کونی قصب لذریره مصطکه از خرمکی از هر یک یک مثقال سه خیار از هر یک یک مثقال و روغن  
بان داخل کرده بهیت روز و آفتاب گذارند و هر روز و هر مرتبه برهم زنند پس بیا لایند  
و نگاه دارند روغن موم از بیاض حکیم علی اکبر خان مرحوم برای درد اعصاب تحلیل



تجربه رسیده ص موم یک تارنگ شوره آثار هر دو را در یک اندازند و بطریق کلاب  
 بکشند مثل عرق برمی آید آنرا نگاها دارند بر بدن عریان شده مالند و می باید که بعد از آن لیدن  
 دو گامی پا بر بدن نیندازند و روغن ریحان فالج و در زانو رافع دارد شرباب و مرقه  
 ص آب ریحان و دوزخ و روغن کبکب جزو ششند تا روغن باماز و روغن آجرتوه  
 و فالج و امراض بارده رافع دارد و سمی است بدن مبارک و خواص بسیار و مودت  
 گرم تر و لطیف تر از نطفه سفید است و جهت گزیدن عرق و کسی را که افیون و بزرالینج داد  
 باشد نفع کثیر دارد و مقوی باده است ص خشت سخته سرخ آب دیده با دلم با دلم کند و در آتش  
 اندازند که سرخ شود و از بنور بر قطعه را گرفته در روغن زیت سر و کنند پس از روغن آو  
 خورد نماید و در شیشه که مطمئن لطیف بود اندازند و موسی سبک و من شیشه و بطریق مرقه بچکانند  
 در باقیما و در شیشه نگاها دارند تا مرقه بچکانند و در روغن کبکب و در روغن کبکب  
 فالج و در روغن کبکب و در روغن کبکب و در روغن کبکب و در روغن کبکب و در روغن کبکب  
 مصری بوزیران و ریحان زرد بناد جوز بوازرا و نطفه لویل بنج زیره عود صلیب و ارجینی از  
 هر یک و ماشه قطعه بجز قرقش از هر یک سه ماشه زعفران نیم ماشه خفاش زنده ده عدد در روغن  
 زیتون در یک سسی قلمی دار کرده کلاب نیم من آب دوسن بر سر آن کنند و بر آتش گذارند  
 و روغن کبکب آید بگیرند و استعمال نمایند و روغن حواصل بنخ و دیگر نیز منقول از خط این  
 مخصوص ص حواصل از پروانه و پاک کرده و بازوی او را دور کرده همه را قیسه نمایند و استخوان  
 را کوفته مع قیسه در روغن صاف نموده در شیشه نگاها دارند و وقت حاجت بر موضع طلا نمایند  
 و روغن بیدارنجیر کبکب فالج و قنوه رافع و بدوده جگر و سپر را بکشاید و قنوه را دفع کند  
 ص ماشه صاف و بدوده کوبی تخم کرفس انیسون مصطکی رومی اسارون هر یک بیت در  
 بنج کبکب بنج ما و بان بنج سوسن آسما بخونی راسن خشک هر یک در م شیطرج هندی مثل  
 از هر یک یک درم بنج جاوشیر و زرد بناد و در روغن عتری از هر یک سه درم بنجیل و ارجینی و جلال

کبابه دار قفل جزو البیاضه شو نیز قسطه که و یا از هر یک چهار درم جمله نیم کوب ساخته در آب  
 بنجیسانند تا دو ارنه نرم شود و بیا لایند و صد و پنجاه درم روغن بیدانجیر آمیزند و بچوشانند تا آب  
 برود و روغن بماند شربت دو درم تاسه درم بامبر الاصول و نندین درین روغن نیز نمایند  
 روغن بیدانجیر ساده سهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک نماید ص بیدانجیر پاک  
 کیره بریان نموده نیم کوفته در آب بچوشانند و کف همی گیرند و ظرفی تا تمام کف گرفته شود و آن  
 زرد بماند پس کف را بچوشانند تا تمام روغن صاف برآید روغن غشی که جهت در دگوش  
 کدی آن مجرب است ص بزرالینج حرل سرتکی ده درم نیم کوفته شب در یک بطل آب  
 بنجیسانند و صبح بچوشانند هرگاه نصف بماند صاف نموده روغن کچند نصف طل داخل کرده  
 باز بچوشانند تا روغن بماند روغن ترب در دگوش را نافع است و قفل سمع و بادی که در گوش  
 بود دفع کند و بتجرب سولف هم رسیده ص روغن کچند یک جزو آب ب سه جزو بچوشانند تا آب  
 فانی شود و روغن باقی ماند روغن جهت دوی و طنین و قفل سمع ص شستنی و  
 بالونه را در سر که بچوشانند و گوش را بر بخار آن دارند و بعد ازین روغن چند قطره در گوش  
 چکانند زهره گاو بگوید روغن گل روغن مغر خسته شفا لوس بر کاف لوله بالشی در کمال بلا نعت  
 بچوشانند تا آب برود و روغن بماند صاف نموده بنمردم افیون خالص در آن حل کرده بکار  
 از بیاض جدا مجد نقل شده روغن برای خنای و معوی وقت نشی هرگاه صلب شده باشد  
 استعمال نمایند بلین نفع نماید ص عصاره بارنگ برگ کاسنی شیر در قفسه لعاب گل خطمی  
 عدس قش عصاره برگ خنای عصاره بالونه روغن خیری بچوشانند تا قفیکه آب فانی  
 کرد و روغن باقی ماند و بعضی عوض روغن خیری روغن گل می اندازند و برگ کون نیکم کم  
 تدین کنند روغن لاله معده را گرم کنند ص بگیر برگ لاله و دوشیش کرده روغن زیت  
 ریزند و نایکاه در آفتاب بپزند روغن مصطک ص مصطک رومی بریزند و دیش و دی را نیم  
 کنند و آن شیشه را در میان دیگ بگذارند تا آب بچوشد چندانکه گداخته شود و روغن برگ و ص

را قوت دهد و صیس عرق کند و اگر بر روی کشکاب کند و بخزند اسهال بند نماید ص آب در جز  
 آب بر یک مورد یک جز و روغن گل یک جز و همه را بپوشانند تا آب برود و روغن بماند و روغن  
 افشین سحره و جگر را و جمیع اعضا را قوت دهد و خوا و کلا حص فستقین و می تازه و دوسرین  
 در روغن زیت یار و روغن بادام تلخ یار و روغن جوز یار و روغن خسته زرد آلو تلخ که نیم سن باشد انداخته  
 و شیشه کنند و چهل روز در آفتاب آویزند و روغن علقم روغن خطل است و بعضی ترجمه در  
 روغن فشا الحار کرده اند و اکثر اطباء بهترین ادیان دانسته اند خصوصاً جهت اشتها و برون  
 معده و در منافصل و نفوس و عرق النساء و تقویت باه ص عصا ر قمار الحار دره رطل میوه  
 پانزده شقال قطور یون شخم خطل زراوند مرچ زوفا خشک پودینه کوی و بری و نری سکنجبین و زرد  
 و علی پنج سوسن آسمانخونی هر یک ده شقال عاقر قرحا چار شقال روغن زیتون آب صاف باشد  
 پانزده رطل بعد از خیسانیدن او و بپوشانند تا آب سوخته روغن بماند پس صاف کرده استعمال  
 نمایند روغن داسون بجهت برود معده و عصب نافع است و مقوی اعضا و در افق فصول  
 ملین اعصاب حاسه و داسون نظارومی است و تفسیر او دو عشره اخلاط است حص میوه سالک  
 سا فنج هندی سنبلی هر یک چهار اوقیه روغن بلسان مصطکی سوم سفید هر یک دو اوقیه  
 فرفیون سه اوقیه فلفل یک اوقیه روغن بان چهل و هشت اوقیه داجینی شش اوقیه انچه خشک  
 است بکوبند و غیر آن را نذاب کنند و هم باینیزند و بدارند روغن خطیانا نافع را تحلیل کتب  
 دهنه قیل و قبیل مفید و مجرب بود و باوی را که در پشت و زهار و خصیه و کرده و جز آن برفع  
 و درم بلغمی را نفع نماید ص زراوند مرچ سعد و سلیمه پوست بخی که هر یک جزوی خطیانا رومی  
 و و جز و همه را نرم کوفته بار و روغن بادام تلخ یک رطل در شیشه کنند و ده روز در آفتاب گذارند و  
 در شیشمان معده را قوی کند و شکم رفلن باز دارد و ص قرفه یک و قیه زیره و دوا قیه چوب  
 سلیمه قسط هر یک چهار اوقیه و در شیشمان شش اوقیه همه را نرم کوفته بار و روغن کنجد هشت رطل  
 با نش نرم بپوشانند و مالیده و صاف نموده بکار برند روغن جهت ساقط کردن دانه ها

بواسیر مجرب دبی خالک است ص گوگرد زرنج هر دو برابر ساییده بر آتش نرم تسقیده بر روغن  
 کبکچد کنند بجای که خوب جذب کند و با قرح و انبغ تقطیر نمایند و روغن و دغ جهت درم  
 مقعد و درد بواسیر بغایت مفید است هرگاه با حرارت بود ص و دغ ماسه کوبیده در آب  
 بچوشانند تا هله شود و روغن که بر روی آب بعد سرد شدن بسته شود و بداند اگر دنباله با روغن خان  
 ساییده اضافه کنند جهت بواسیر بار و نیز نافع خواهد بود و روغن که چون بر معده تدبیر کنند  
 تحمیل نفخ کند و نفخ بقولنج و ریاح غلیظ می نماید مجرب است ص سبیل الطیب اشیشان  
 یا بونبرگ سداب تخم شبت شونیز مصطکی از هر یک یک توله زیره کرانی دو توله کوفته در یک تار  
 آب بچوشانند هرگاه چهار حصه بماند بر آن آب شبت تر و روغن بیدارچند و روغن گل و روغن  
 یا بونبرگ هر یک چهار توله کبکچد بچوشانند تا آب شود و روغن بماند صایند و دغ خسته اشیشان اصل کرده  
 نگاهدارد و وقت حاجت بنمردم گرفته استعمال نمایند اگر کس غایب بود و در دسترس نباشد وقت منزل  
 قدری چند بیدستر حل نمایند و روغن خشک عمل بر لول را نفخ غلیظ نماید ص سبیل  
 زنجبیل چهار مثقال و نیم بکوبند و بچوشانند و بیالایند و یک چهار روغن کبکچد اضافه  
 نمایند و بچوشانند تا آب برود و روغن بماند و روغن عقرب تنگ کرده و بماند را پاره پاره  
 کند و بریزند ص ریوند چینی سعد کوفی جنطیانا روی پوست پیچ که از هر یک یک کاسل و قیوه  
 باوام تلخ یکرطل وار و ارا کوفته ببنجینه در شیشه کنند و روغن بر آن ریزند و یک هفته در آفتاب  
 گذارند بعد بیالایند و دغ عقرب زنده در آن اندازند و سه شیشه را به بندند و یک هفته دیگر  
 در آفتاب بدارند و دو قطره از آن در احلیل بچکانند و روغن شمل که بیارسی مورچه باشند  
 ص چون بگیرند یکصد مورچه کلان سیاه که در مقبره پیاپی باشد و در شیشه که دوه نیم اوقیه روغن زیتون  
 بر روی او کرده تا بنفثه بگذرانند پس بماند بر احلیل سخت می کند قضیبت و بزرگ میکند و در آب  
 می نماید عصب و موجب نفوذ میگردد و بعد از آنکه یلوس از بر خاستن شده باشد روغن زیتون  
 از او را بکنونه است در تقویت باه معیدیل و چون با عسل و معاینین باهمیه تلخ و بنفشه و مسام

ان را شکر نیست و چون با شکر استخرج دهن او نمایند و بسبب امراض بارده از موه  
و به نهایت موثر است و استخرج و روغن با شمار مختلف است بهترین انخاب قطیر است  
صن خود را نیم گرفته و قرع مطین کرده بطریقی که گوی قرع خالی باشد و از لیف مانند آن  
گلوی قرع را بکشد تا از وقت معکوس آرد و خود از شیشه بیرون بیلد و کوزه ترتیب دهند و طبقه  
و گلوی قرع را از سوراخ طبقه اول بطریق اسفل کوزه بیرون کنند و شکم قرع از طبقه اول ظاهر  
باشد و قابل را بدان قرع وصل نمایند و بهر اطراف شکم قرع آتش بگیرین یا زغال کمی افزونند  
تا روغن از لیف های گلوی قرع قابل بکشد و شیشه نگاهداند روغن خشک بنوع دیگر با  
زیاده کند و رنگت خساره را بیکو گرداند و بر جمیع حریم نماید و اصلاح حال کرده و شانه و  
پشت کند و بگاه بخورند بعد از آن بمقدار یک اوقیه هر روز پنجشنبه یا نهم استعمال کرده میشود  
این روغن در رفته های مهبی ص روغن کنجد شیر گاو تازه آب خشک تر از هر یک  
رطل فانیند و نیم خجیل دو رطل و نیم فانیند را کوبیده حل کنند و مبعوث را در یک  
سنگین کرده با آتش ملایم بپوشانند تا آب خشک و شیر برود و روغن بماند پس از آتش گرفته  
صاف کنند و در شیشه مانگاهداند و بیاشامند چنانکه مذکور شد روغن نایجل منغن است  
و نافع بود از برای نقصان باه و ذهن راحت بخند و مفید است از برای وجع شانه و  
از اگر او به درد پشت و وجع و رگین و بواسیر که متولد از موه و سودا بود و مخصوص وقتیکه  
آنها بار روغن خراشته آلو یا زرد آلو یا شفتالو یا لادن بر فقرات پشت و حاصره بکشد و در جای رو  
باه را در همین آتش بپزد آن حرکت باه است و مقدار شربت آن سه شقال ص بکشد و مغز  
و بکوبند و بپزند و آب و روغن را از روی آب بگیرند و این طریقه اصلاح است از آنکه آنرا بکوبند  
و بطریقی عطر روغن را بگیرند و بدستور روغن با دامنیز گرفته میشود و روغن که صاحب فضل  
بهت تقویت باه و برب نوشته ص رس کپور دال کونگی افیون نگر کوک کچا و سبزه  
جوهری جا بهین و سیل کنی و سبزه سبزه اسکنان گوری و خراسانی و اجنبی حاق و قرع حاسه که تلبیه

تا گمانه تخم او گلشن آتش بچکان اسپند خشم پیازمصلی کلیمجی کاوخی ها لون چله غوره کن  
 حلیه بنیه دانه زعفران لونک موصلی سیاه مشک تراشه سمپ عراقی تخم گسائی بزرگ تخم  
 آسائی خورچر وخی دیو دار اگر غرق چیتنه پنج اونٹ کتاره هر یک یکدم ها لنگنی تخم و تنو  
 انگوزه پنج کنیر سفید از هر یک دو دم زردی بنیه بیت عدد روغن کنجد بقدر حاجت دارو  
 را کوفته در روغن کنجد چرب کرده باز زردی بنیه آسینه بدست مالیده شب نماید بشته  
 صبح بدست روغن کشند و بکار بند روغن دیگر از بقائی این را نیز چرب نوشته صبح  
 و رتی زرنج موصلی سیاه پیر بونی هر یک یکدم پیله تیل گیوه کنجی سفید لونک اسپندی تخم  
 کونج بیج بل پوست انار خا طین پیشیر هر یک دو دم کم سر و پوست کبیر سفید  
 سر سیاه که تازه گرفته باشند از دم سیاه هر یک یکدم و یکبار عوگستی سانه ریگ باهی  
 هر یک و عدد دو اها کوفتی کوفته و جانوران را ریزه ریزه کرده همه را در شراب و آتش  
 شبان روز تر کرده نگا دارند و ستور چوده کشتند روغن که قق را فاع نماید صفتل کلان  
 دو عدد در روغن کنج نیم آمار آب چاه یک آمار خطل را بار چده کرده در آب روغن انداخته شب  
 هرگاه آب سوخته روغن همان مضاف کرده نگا دارند و روزی چهار مرتبه باین نموده باشند و روز  
 ناوره جهت سرعت انزال بی نظیر نوشته اند چون گفت باید آن چرب کند صفتل ناوره تازه از  
 پوست باز کنند و نیم کوفته و شیشید بلند کردن کنند و سر شیشید بموی اسپ حکم نمایند و شیشید  
 کل حکمت گیرند از هر کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب نمایند و پنج کاسه اسپ را بخ کنند و شیشید  
 از آن بیرون کنند و در زیشید بیا که گذارند و کاسه را بر بالای سه پایه نهند و آتش از بالای  
 شیشید کنند و روغنی که از آن بچکد نگا دارند و روغن دفلی در دشت کنند را دور کنند و پنج  
 جرب در ساعت نماید و جرب است ص روغن یکم طل نیت یکم طل بگ خیز هر یک  
 دو با هم بدون آب یا آب انداخته بنزد و صاف کرده نگا دارند و شب بر پشت بالاند و صاب  
 استمهم نمایند و غذا اسپند ارج کنند روغن خفاش نافع جهت عرق النساء و لقن و جمع

اوجاع مفاسل ص چند سید قسط به یک سه درم زراوند چهار درم عصاره مرزنجوش  
 روغن زیت از هر یک طلی شپش یک پنجم کرده دوازده عدد آب خالص بقدر ضرورت سه برابر یک جا  
 کرده بنیزند چنانکه آب برود و روغن بماند استعمال نمایند و روغن مفاسل منقول از بیاض  
 عم درم و حج مفاسل راص افیون هشت درم روغن کبچد و شیرگاو یک ثمار کچله بیت  
 عدد افیون را در شیر حل نمایند پس روغن و کچله داخل کرده در ظرف آهنی بچوشانند با کش  
 ملائم تا شیر برود و روغن بماند و در آورند و صاف نموده استعمال نمایند و روغن بخیل جهت  
 صلابت مفاسل و وجع آن و در دریاخ غلیظ موجب است ص روغن کبچد با و آثار  
 آب بخیل تازه که آن را در کک گویند و وسیع بچوشانند تا که آب جذب شود و روغن بماند  
 روغن منقول از خط و الد شریف ص فی زرد شده را که تمام خشک نشده باشد  
 بنزد جدار کرده در روغن زیتون یا کبچد چند روز بگذارند تا قدری دهنیت اخذ کنند  
 پس بطریقی روغن آخر با قریح مسکوس تقطیر نمایند و روغن حنا سوی را سیاه کند و عرق آنرا  
 و اوجاع مفاسل را نافع باشد ص برگ خنانیم من در دهن آب بچوشانند تا نیمه باقیماند  
 صاف کنند و با نیم من روغن کبچد بچوشانند تا روغن بماند و روغن سوربنجان مفاسل  
 را نافع باشد ص سوربنجان سبزی آب کرفس از هر یک ده مثقال قصب لذریره پنج مثقال  
 سوربنجان قصب لذریره را نیم کوفته بچیشانند و یکشنبه روز و روز دیگر بچوشانند تا نهم شود  
 بیا لایند و آب کرفس اضافه نموده با چهار یک روغن زیت بچوشانند تا آب رود و روغن  
 بماند و روغن که جهت جبر عرق بکار آید ص برگ سور و خشک گلنا گل سنج مصفر  
 آبی تازه پاک در آب بنیزند و مقدار ربع آب روغن داخل کنند و آن مقدار بچوشانند  
 که روغن بماند و اگر قدری باز کوفته اضافه نمایند خوب تر شود و روغن که در نگاه داشتن  
 سوی از سقوط و دراز کردن آن از جمله عجایب است و سیاه میکند و زرد و زرد بیا نند  
 در قی آس آنکه از هر یک ده اوقیه پخته پخته است بیا لایند و آب کرفس را نیم کوفته بچیشانند تا نهم شود

لادن از هر یک یک وقیه و ربع طباشیر سفید نصف اوقیه فلفل دو اوقیه و نصف کوفته  
 بخته دست رطل آب بچوشانند و صاف کنند از پایه پنهان با دو رطل روغن گل برآید  
 ملائم بنزد و فلفل که باقی مانده است از او رطل آب حل کرده بچوشانند پس خوب  
 مالیده بخور و پنهان صاف نموده اضافه کرده با شش ملائم جوش دهند تا که آب برود و روغن  
 بماند پس فلفل که از روغن باشد گرفته و شیشه کنند که درین آن فراخ باشد پس فلفل آن را بریزند  
 همین قسم فلفل نگا دارند و وقت حاجت استعمال نمایند روغن که منع سوزن مختل کنند  
 ص اند و ورق آس و در آب بنزد تا آب سبز شود با یک رطل زیت الفاق بنزد تا آب و روغن  
 در روغن بماند پس یک وقیه لادن محلول بشراب اندازند پس پنج سورا مالش نمایند و روغن  
 که سوزی رویاند و منع تساقط آن کند ص لادن در شراب حل کرده بر او وزن آن روز  
 آس گرفته بیاورند دست در پنج سورا مالش نمایند و صبح بهام روز روغن که حلق می‌کشد  
 ص قلعی یکچیز و وزه غیر مسطه دو جز و زنجبیل زرد و جز و در آب بنجیساند چند انداخته  
 اجزا رسد و سه روز نگا دارند بر روز چهارم صاف نموده سه جز و ازین و یک جز و در روغن  
 کنند آمیخته با شش ملائم بنزد تا آب برود و روغن بماند و روغن که منع تساقط شعر و استهلاک  
 ضلع نماید ص عفش بلبله سیاه برگ آس و در شراب بنزد پس یک رطل زیت الفاق گرفته  
 یک اوقیه لادن نصف اوقیه صیقله در آن حل نموده بیاورند تا محلول شود پس از آن شراب را بعد از آن که  
 صاف نموده باشند بچوشانند تا که قدری غلیظ شود پس از آن در روغن مذکور شراب را پنج  
 هموزن آن اندازند و طبخ دهند تا که شراب برود و روغن بماند و غلیظ شود پس وقت حاجت  
 نمایند و صباح بطبخ آس بشویند روغن اندک و آس اندک و اسهال را منور بر او بر آب بنجیسانند  
 نموده مثل آن روغن کچد خالص داخل نموده بنزد تا که آب برود و روغن بماند پس بجا بریزند  
 روغن که سوزی رویاند و در التعلل نافع باشد ص قینه و مالون و پنبه و شان از یک  
 یک وقیه در شراب بنزد تا که گراخته شود پس صاف نموده برابر آن روغن بان انداخته



با آتش ملائیم بنزد تا که آب برود و روغن بماند پس نگاهدارند و بکار برند و روغن بقیعیه دو هفته  
 بر موضع که بالند موبرو یا ند ص بگیند یک خربوزه و سوراخ کنند و دانه ازان بیرون آورند  
 زرده تخم مرغ سی عدد و روی اندازند و برگ مورد کوفته و براده آهن صلاویه نموده هر یکده و  
 روغن زیت پنج سیر بر آمیزند پس سوراخ محکم کنند و بگل حکمت گیرند یک شب رتور نهند  
 بیرون آرند و گل دور سازند و میان آن خربوزه بارو روغن زیت بالند تا چون مرهم شود و در طریقه  
 دیگر اینست که زرده تخم مرغ پنجه بدست بالند و قدر سه نوشاد رسوده بروی ریزند و در شیشه  
 کنند و بگل حکمت بگیرند و قدری موی اسپ یا لیف خربا یا پنج با آتش که ازان جاروب سیاه  
 بردمان شیشه نهند و دیگر ناظری و در میان آن سوراخ کنند و در شیشه در آن سوراخ کنند و محکم  
 گردانند و انگشت در آن ظرف ریزند و آتش زنند چنانچه آتش بر پشت شیشه باشد تا روغن  
 ازان بریزد و بالند و روغن طشت پاکیزه زرده تخم مرغ بیا لایند و در آفتاب بگذارند تا روغن ازان  
 جدا شود و بهتر آنکه بقیعیه را راجه شایند نیم شب نموده زردی آن را گرفته در آند آهن یا مس انداخته  
 بر آتش نهند و آوندند کوراندگی کج دارند تا روغن جدا شده بهین آوند بیاید و روغن دیودا  
 از مخمرات حکیم علی شراح قانون است و او نوشته که در علاج جراحت بمنزله خرق عادات است  
 خصوص در جراحت تازه پس اگر بر موضع زخم پیش از رسیدن این روغن ریزند این  
 مانند از در دو ورم و صددید و چرک و تغییر لون فرد و منند مل کنند و اگر بر روز جمعه بار درین  
 روغن ترکیه بگذارند در یک روز جمعه یا گوشت ملحق شود و در کتاب گنج باد آورده  
 که روغن را حکیم مسطو جهت عرش شهبانی در راه کابل و قتیکه از فیل افتاده بودند شسته  
 و اعضاء را باد شاه در و منند شده بود بعد از مالیدن آن در عصبه شهبان و وصحت گردید و حکیم  
 نیکو رعایت بهینه و فوایدش حلیه فرمود و حکیم علی در مجربات خود نوشته که یک شخص اوضاع شد  
 که افتاد و زخم فرورفت و از کمر تا پشت کوفت رسیده خریطه نفل روغن دیودا را غالب فرمود  
 و بر روغن دیودا را مالیدن اعضاء و بعد ازان مالیدن روغن گل امر کردیم بر طرف شد مانند

رمالی ص گیند زرد چوب چوب دیو دار اصل السوس بسین منهد در آخر دار بلد از سرب یک یک دقیقه  
 گرفته با یک دقیقه دوده سفت کسی که نخود بریان کند آمیخته با آب کمرل کند تا خوب منضمل شود پس  
 در دیگر با سه رطل و ثلث رطل آب صاف که سی صد و دو مثقال باشد با بش ملائم بچوشانند  
 تا ثلث آب مذکور بماند ثقل را بکفت گیر و دراز و دیگر همان قسم بر آتش باشد و آن ثقل را بچوشد  
 در پارچه کرده در همان دیگر بفتانند و ثقل را که پنج ماسیت در آن نماند دور کنند بعد از آن  
 روغن کبچد مسیت او قیبه که دو صد مثقال میشود داخل کرده با بش ملائم ترازش  
 اول بچوشانند که آب جذب شود و در آخر احتیاط کنند که روغن بسوزد و اگر همچنین جای سرد کنند  
 روغن صاف از بالا بردارند و بقیه که در ته دیگر باشد دور کنند صواب است و قوت این روغن  
 تا یک سال می ماند و حکیم علی در مجربات خود نوشته که جهت درد مفاصل و در دپای مفرس اگر  
 پانزده مثقال هوجونه و پنج مثقال قهه اضافه اجزاء خمسة مذبوره کنند بهتر باشد و اگر حیوانات را بکوشند  
 بسیار بر آید و بجز آن و قهه اینجا بد بلکه شمعن شود قدری کافور درین روغن حل کرده غلیظی از آن  
 استعمال کرده باشند و نسخه این روغن که در شرح قانون است در اکثر نسخه های شرح غلط معلوم  
 میشود و روغن شیخ صفغان جهت جمیع اقسام زخم و ماصور و فح اسما و بول و این مجرب محلی اورا  
 بارده و متوی اعضا راست ص جد و از خطائی پنج توله شکوف گل سفید جوز لوام دار سنگ  
 فنبیل رال تخم بلبل تلخ از رنج سرخ موسمی کافی سرب یک بچ سیر اهل نیم ایشون با و کم میر در بلد  
 چوب گز و بود از پنج همک قهه بلبله زرد منقی آمله منقی تراشه انبوس سرب یک چینه پوست درخت شینا  
 برگ حنا فلفل حله خانه عنکبوت چوب کبخی خوب سرب یک با و سیر در در چوب سیر و سرب یک شش  
 سرب یک برگ نیم نازه آب گ پان سرب یک نیم من روغن کبچد یک من روغن زرد چوب برگ حنا و  
 دیو دار تراشه انبوس چوب گز اصل السوس دوده چینه پوست درخت منیلان ابل  
 فلفل بلبله زرد بلبله آله چوب چینی مجبور غ را صلیای کرده با چهار من آب صاف پنجه تا یک من  
 بماند صاف نموده رنگا بدارند و باقی او دویه را کوفته با آب برگ نیم و آب پان در روغن کبچد و

بریند تا آب او بسوزد و روغن بماند آنگاه در طرف چینی یا شیشه نگاهدارند و کات و رال بعد برود  
شدن بیندازند و باید که در اثنای ریختن نیمه نیمه خبر گیران باشند تا روغن بسوزد و روغن دیگر باقی  
که صاحب تحفه تجربه نموده و گفته که در التهام زخمهای تازه بهتر از نسخه اول است ص بخام  
دیو دار سوخته پوست درخت مغیلا ن زرد چوبه با سوخته چهار چهار شقال کوفته با روغن جوی  
که از پنبه دانه و تخم کنان میگیرند شش مثقال و سه من تبریز آب بچوشانند بجای که کف نکنند تا آب  
بسوزد پس صاف نموده استعمال نمایند روغن گندم و جو سفید و قو با اسود مندا باشد محلول  
ملین بود و سوزش و حرارت را ساکن گرداند و اورام صلبه و اورام حاره را نافع است طریقه  
آن بر چند نوع بود یکی آنکه بگیرند گندم سفید یا جو پاک کرده یک طلع و شش شیشه کنند و مطین کنند  
و در آن شیشه قدری لپت خرد نمایند و ظرفی را در میان سوراخ کنند و شیشه را سه رنگون در آن  
سوراخ نهند چنانچه گردن شیشه در آن سوراخ محکم باشد و شیشه اندکی از سوراخ بیرون آید  
باشد و ظرفی در تحت آن نهند و آتش غم در آن ظرف حوالی شیشه کنند و دم بزنند که آتش فرو  
گردد و روغن شمع شود و اوای آنکه گندم را اول از آب شب تر نموده صبح بطریق مذکور روغن  
و لپت دیگر آنکه گندم یا جو پاک کرده بر سندان بافته نهند و مطرقة با ضربه ای بغایت گرم بر روی آن  
گندم یا جو نهند و آن را بقیضارند که روغن از وی بیرون آید پس بردارند و استعمال نمایند نوع دیگر  
آنکه گندم درست کوفته و رقیق و انبوق گذاشته آتش استاده است که شعله روغن بیکدر روغن بر  
قو با انبوق مجرب است ص سیاه کند یک نیله تهویه روغن نیم پاؤ کند یک و سیاه کجانی  
نیله تهویه انصافه نمایند بعد از آن روغن انداخته سه چهار پاس کدل کنند و وقت حاجت بکار  
برند روغن جهت نامور ص خرباک عدد در میان دو توله روغن بکشد بچوشانند تا سوخته شود  
بعد از آن صاف نموده یک مثقال شکر و صلابه کرده داخل نمایند تا مزوج شود و قدری از  
زخم نمایند اثنای بردن آنجا روز بروز روغن مسمن که حکیم عماد الدین محمود بن  
شهره ص بخام شیشه و ده هم مغزیه مغرب الحنه مغزیننه دانه مغز بادام شیرین یک

سوم مغز قندق ناخک مغز ناریه هر یک چهار درم چغوزه مغز حب النم مغز تخم حیاء مغز تخم  
گد و کثیر ابریک بفتند درم چوب چینی ده درم سوم کافوری پنجاه درم ویندانه صد درم عالی اگر  
مرتب سازند بعد از آن که بجام رفته باشند و کیده درست کشیده باشند و در زبانی که هنوز حرارت  
عام باقی بود بمالند و بدن را از پارچه ابریشمی پوشیده دارند و روغن که جهت درازی است  
آن منع تشنگ و سقوط منقول از مخبرین است حص ناز و پوست بلبله تخم مورد هر یک ده درم  
سی درم مبر را بنجوب کرده در شراب هشت طل نجیاند پنجاه شانه طل بر صاف کرده  
این اجزاء را بنفشه انداخته در صقله هر یک پنجاه درم برگ حنا پسیا و شان تخم کتان بریان کرده  
هر یک ده درم سه روز دیگر دوشسته بچشانند تا ملت بسوزد انگاه صاف کرده با هم چند روغن که بچشانند  
تا روغن باند و روغن کنج منع بخنک که از علت تشنگ و از مویات است چون بپسندید و موضع و از تشنگ  
بر آید اگر استعمال این روغن بر آن موضع نمایند موی بپسندید و موضع و از تشنگ  
متقال پنج شانه نصف درم صفت متقال غن بماند تش متقال لادن و ران  
حل کنند روغن مخترع حکیم علی که در حفظ شعر از سقوط و درازی و سیاهی و انبوه کردن بی نظیر  
است حص پسیا و شان طباشیر گرسماق زرد و گلاب مضطک هر یک یک درم و لادن نیم درم  
فوقل پوست بلبله هر یک ده درم پوست بلبله ناز و سنبر هر یک سمنجوز آله منقی پنج جز و بلبله  
دوازده جز و اینهمه روغن بپسندید و موضع و از تشنگ و از مویات است چون بپسندید و موضع و از تشنگ  
در آید و بدست خوب بمالند و صاف کنند اما بنحویکه جرم دارد و عمل نماند باشد پس روغن که بچشانند  
پنجاه جز و روغن گل پنجاه جز و اضاف نموده بآتش نرم بچشانند و بر هم نیندوده باشد در آخر آن  
جرم بسته میشود اول سیروان آرند و سر و کرده و در ظرفی که بعد از آن روغن را تشنگ کرده  
بر آن ریزند و بچشان نگاه دارند و باید که در آخر احتیاط کنند که آب هم نماند و هم روغن بسوزد  
روغن که جهت پرخندون چشمه بآوردن کرمی و حلقه باز و پارچه و پدید استخوان تشنگ  
که در زخم آمده مانده باشد نظر ندارد و اگر چه مفصله نیم گرم یا زیاده یا کم باشد منقول از بیاض تخم

حص برک سبنا لو برک فراش برک و بتوره برک چنبلی از بریک یکدام بروغن کهنج نیم انار سیه  
 خوب سائیده در روغن مذکور اندازند و بر آتش گذارند و کفیز زنند چند آنکه همه و واسوخته چوب  
 گرد بعد از آن فرو آورده و بهتر زنند چند آنکه همه یکسان شود پس روغن خالص بکیند و بکار برند و هر  
 جهت جهان بخن که در دست و پا سیم رسد حص نیم توله پوست بلبله نه ماشه چوب چینی یک توله نیلا  
 برشته و توله بطریق سیمی بمالند بعد از آن بروغن مضمضه نمایند بجهت استحکام دندان و تقویت  
 لثه عدیل ندارد و ششون بجهت استحکام دندان و نشفت رطوبت لثه معمول جدا مجروح صر  
 تنباکو صورتی قنقل بالسویه بسایند و هر روز سه مرتبه دلوک نمایند سنون جالی دندان  
 زردی و سیاهی بر دهن باز و زنجبیل زرد البه و دار قنقل قاطعه از یکدیگر درم نکند یا که درم عدد  
 پنج درم شک سه درم جو سوخته کوفته بجهت سنون زرد یا که دندان را محکم کند و خوشبو نماید  
 که خون رفتن از دهن باز دارد حص غصص حدس افاقیا کند رگها شب یانی بند آورد از بریک  
 چهار درم کوفته بجهت بردن مالند و اگر بر دندان بعد ایلدن کندی کند بآب برگ سماق  
 و خره مضمضه نمایند و یک درم بادهام نمایند که کندی برود سنون که بوی دهن خوش کند  
 و دندان را محکم کند و جلاد بدو گوشت پنج دندان بر دیاز حص سفال چینی کف دریا اشعار  
 نمک نذرانی از بریک سه درم جو سوخته عود سوخته عاقر قرا از هر یک درم قر قنقل کباب چینی  
 بریک نیم درم کوفته بجهت سنون بجز صلیب توتنه پیل و زیزو سفید باین کرده کشیند  
 بوداده سوننه کشته با پیر یا نمک سینه به مصطک قر قنقل همه را کوفته سنون سازند و از آب  
 سوننه نیز نمایند سنون برای استحکام دندان و پیشدن گوشت و جلای دندان  
 موجب است و معمول جدا مجروح حص نیله توتنه یا دودام نمک لاهوری نیم درم کته سفید  
 ششم اول زیزو سفید بریک پاؤ دام زنجبیل کشیند خشک کس بریک نیم درم مصطک بجز دنتی  
 بریک پاؤ دام کپور کجری کباب چینی بریک نیم پاؤ نیله توتنه یا دودام گرم نهاده خوب مضمضه  
 و زیزو سفید کشیند و این از اندک بریان کنند که سرخ شود دیگر بند و با باقی او ویه کوفته بجهت مثل سائیدن

و بعد مالش سه چهارگزی آب نرسانند و بالایش یک پیله بان لثیر طعدم سوانع بخورند  
 سنون که دافع حدت خون بود ص گز نانچ و گنار طباشیر سماق گل سرخ پوست انار  
 ترش شلخ گوزن سوخته کوفته بنجیه سنون سازند سنونی که خون رفته باز دارد ص  
 ماتین کمنه سیاری نیم سوخته برابر و در سنگ نصف وزن سنون سازند سنون که گوش  
 دندان محکم کند ص مرجان سوده نیم توله طباشیر سفید کثیر خشک سخوان تر سندی هر یک  
 یک توله که با نیم توله فلفل سماق هر یک یک توله کات بندی چهار دانگ کوفته بنجیه دهن را اول  
 باب کشیده شده بالند سنون برای تقویت دندان و رفتن خون و خوشبوی آن عدیل  
 ندارد و منقول از بیاض حرم مجروح ص که با سوده چهار ماشه براده آهن یک توله و یک ماشه  
 مصطکه مار و سنبر توتیای سبز سوخته از هر یک سه ماشه چوبنجی پوست بجز مولسری هر یک شش  
 ماشه لبد سوده چهار ماشه هر یک فلفل سوخته کتیر یا پریا سنگ بخت از هر یک شش ماشه  
 شب یانی برشته بلبله کابی از هر یک سه ماشه شلخ گوزن یک توله کوفته بنجیه سنون سازند  
 سنون برای نقصان لحم لثه از بیاض حرم مجروح و جرب نوشته اند ص که سه کوفته  
 بپس نمیدانند بر آردشته در تنور گرم گذارند تا محرق شود پس بگیرند کند و گرم  
 از هر یک پنج گرم ایر ساز راوند جرج از هر یک دو گرم کوفته بنجیه با هم آمیخته سنون  
 سازند سنون سور بنجان تقویت دندان نماید ص سور بنجان مصری فلفل سحر کزبانچ  
 پوست بلبله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی کوفته بنجیه سنون سازند سنون که  
 ناصور بن دندان را با صلاح آرد ص پنج سوسن عاقر قزا از هر یک یک گرم شب یانی  
 گلزار مار و سماق از هر یک دو گرم کوفته بنجیه سنون سازند سنون که چون قبل جوشش  
 اردار و آتشک بر دهن و پنج دندان افشانند منع جوشش دهن کند و اگر جوشش نماند  
 باشد استعمال نماید با صلاح آرد ص زراوند جرج یک مودر کندر گلزار سعد پنج مودر  
 دم الاچین و مساوی کوفته بنجیه استعمال نمایند سنون ص دندان محکم گرداند و در دندان سیاه

گل سرخ سماق پوست انار ترش مازو استخوان بلیله زرد گلنار کزبانج مساوی کوفته  
 بهنج دندان افشانند سنون اکله دهن و لثه رانفع باشد ص پوست انار ترش و  
 شیرین از هر یک سی درم مازو گلنار شب یامنی کاغذ سوخته عاقر قره از هر یک ده درم  
 سماق پانزده درم نمک هندی نوشادر پنجم درم کوفته بنجیه لبه که لبشند و مخلوط با سازند  
 در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند سنون بنجیه دیگر و استرخا و دم  
 لثه رانفع بود ص پوست انار و درم گلنار زرد و چوبه سماق شب یامنی مازو از هر یک یک  
 کوفته بنجیه استعمال نمایند سنون که اکله و ماصور بهنج دندان رانفع باشد و خون رفتن  
 باز دارد ص منو تاد بنج سوسن زنجبیل سرخ عاقر قره مساوی کوفته بنجیه استعمال نمایند  
 سنون منقول از خط و لیساده ص پوست تخم مرغ آقا قیاقعش حفض می قطعه حب الاس  
 کزبانج دم الاخوین طباشیر سفید بنج انجبار و لاتی گل از منی برگ ریاس گلنار کشنیر خشک  
 خربوب پوست بلید زرد جفت با و ط پوستی کابلی بلیله سیاه صمغ عربی گاؤز بان گیاهانی حبه  
 بر که ام شش باشد کاغذ سوخته زرد پوست انار شیرین عنب لثعلب برگ مور و سماق  
 برگ عناب سوخته کوفته بنجیه مرتب سازند سنون بجبت درد دندان و استحکام آن  
 ص نیلاته و ته بریان کرده کته سفید نمک سفید کوت زیره سفید بریان زنجبیل کشنیر بریان  
 سر یک یکد ام دار فضل نیم درم سنون سازند سنون حضرت فرید شکر کنج ص پوست  
 بلیله کابلی پوست بلیله آله شتی زنجبیل دار فضل تونیا بقم مازو نمک سنگ مساوی جدا  
 جدا کوفته بعد سه روز زن کرده با هم آمیخته بکار برند سنون باره جهت امراض حاره  
 و برای رویانیدن گوشت لثه و لثعلب آن و حرکت دندان خجبر بر سیمه منقول از تذکره  
 ص طباشیر گسرخ از هر یک سه درم مروارید گل از منی برشته دم الاخوین از هر یک  
 دو درم مرجان سوخته صندل سرخ مرصاف حب کا کنج کزبانج امیران از هر یک یک درم  
 کوفته بنجیه سنون سازند سنون که صوت انسان را نگا دارد و ص شاخ گوزن

سوخته که مانج سبیل هر یک چهار درم نمک ندرانی یک درم سنون سازند سنون صاحب  
 تخمه از کافی نقل کرده و گفته که در کردن دندان نایب مناب کلیس است و فحیت دندان  
 می نماید ص عاقر قرحا پوست خنفل چوب توت شیرین مازریون مدبر پوست پنج کبر حلیت  
 زرنیج زرد با سوبه مجموع ساییده سه روز در سر که بخسایند و حلیت را نصف وزن او نقل و  
 در سر که بخسایند و حل کرده او ویرا بآن بپوشند و وقت استعمال احتیاط کنند که دندان مجاز  
 نرسد بلکه دندان صحیح مجاور را بنحیر موم خلاف کنند سنون جهت رویا شدن گوشت  
 بن دندان و رفع بدبوی دهان بغایت نافع است تالیف والد حکیم موسی ص دم الاخوان  
 که مانج از زردت جوز السرو کند و بنج فی سوخته طباشیر آقا قیالک سنخ جفت بلوط پوست  
 انار ترش هر یک جزوی قصب الذریره نصف جزو در وقت خواب استعمال نمایند سنو  
 که جهت آگاه بهترین وواست ص برگ سداب دو درم اشجار اکبر زرنیج سبکی یک درم  
 جله را سوده در سر که تندر کنند و در کوزه لونهاده در گل حکمت گرفته و در آتش نهند که گل سبز  
 شود و وایا بنشته گرد و پس بر آورده مقدار دانگی یاد و دانگ بر آگاه افکند و در چند باغ  
 الهی بر طرف شود سنون که جهت درد دندان بغایت نافعت ص سوخته بنحیر مجاز  
 تخم سرس پوست دخت مازر رشک کتیرا با دم شش ص عری از هر یک انگلی فلفل بنحیر  
 بسیار نرم ساییده استعمال نمایند سنون که در سبکین آلام و رفع خون و رویا شدن گوشت  
 و منع رختن مو و بنحیر بعضی رسیده و با کثره موافق است ص سعد طباشیر گل سنخ  
 تخم مورد گندارکات هندی فلفل که مانج آقا قیالک هر یک جزوی سماق سه جزو و سداب  
 تخم این نسوز را لببت بخور نموده سنون از جهت درد دندان و محکم شدن گوشت بنا  
 دندان مجرب است سنون از بقالی ص عاقر قرحا دو درم انجیر یک درم و نیم گندار سبب مانی  
 که مانج طباشیر از هر یک یک درم بهر را با یک ساییده و از پارچه که ساییده بر دندان می گذارند  
 کند یا بنج آن سست باشد یا بشد سنون دیگر از بقالی جهت رفع درد دندان و اشک



آن و دفع اکثر امراض نافع است ص نیاید تهو تهو بریان تخم کشنیز بریان زیره سفید بخور  
 قسط شیرین فلفل کات بندی نمک هندی نمک سیاه زراج زرد و نمکی کسب مصطکی رومی نیمه  
 برابر سنون سازند سنون جهت در دندان و جریان خون و استحکام اصول و اکثر امراض  
 انسان از بقای ص نیاید تهو تهو سوخته شب بانی سوخته نمک لاهوری کته پاپریه باز و سوخته و الی  
 کلان بهر راسادی کوفته پیچیده استعمال نمایند و اگر دندان متحرک باشند بهر اکسیر پیچیده ایست سنون  
 که والد اجابت نواب مجالدوله برای تقویت لثه و اسنان تالیف فرموده بودند ص زرد و  
 گلاب سرخ بسفید ساییده الایچی خور و گل سیوی زیره سیاه بریان شب بانی برشته از بزرگ  
 ماشه طباشیر سفید یکا شسته کوفته پیچیده سنون سازند و من را خوشبو نیز کند سنون جهت استحکام  
 دندان اگر چه قریب افتاد و باشد دیگر امراض لثه را نیز نافع بود و منقول از بیاض حکیم علی  
 اکبر خان مرحوم ص پوست خیلان چهار توله سنگبراحت کته پاپریه سپاری چالیه از هر یک  
 یک توله فلفل سیاه پنجبیل هر یک یکا شسته پخشش جز را بدون بریان نمودن جدا جدا بابت  
 و وزن نموده با هم آسیخته نگا بدارند و شیب و روز هرگاه خواهند بر دندان بمالند سنون  
 که اهل هند مسی می نامند و هر روز بکار برند ص لیچن یک تار باز و سنبر یک نیم پا و نیمه  
 فو از ده دانه کته سفید شش ام الایچی خور و قدری بار یک ساییده استعمال نمایند سنون  
 مسی بر نسف و یک ص لیچن فلفل یک تار پا و بالا باز و سنبر لیچن سوراخ نیم تار الایچی خور  
 مسی پوست نیاید تهو تهو هر که ام چهار دانه کته سرخ پنجه ام بهر کس مصطکی رومی هر یک یک  
 سنون مکی گزانی چهار دانه لثه لثه اگر کوفته پیچیده چند بار از پارچه سفید گذرانیده بکار برده سنون  
 مسی نبشته دیگر منقول از بیاض حلو بخان ص براده مس پوست آنار از هر یک نیم تار  
 باز و سنبر سلع استار زاج سفید همه اجزا را کوفته پیچیده مثل سدره صلا یا نموده استعمال نمایند  
 سنون مسی سرخ که آنرا دانگ گویند ص تمر هندی پا و سنبر کیت یک توله شب بانی چهار  
 ماشه نمک و ماشه برای سرخ ساخته من همین کافی است و اگر سنبر سازند تو بیای سنبر و حل

نمایند سئون زرد معمول و مجرب جهت استحکام دندان و رفع درد آن ص پست انا  
 گندار زرد چوب سماق شب یامنی برشته مار و سبزه ساوی کوفته بجنه شون سازند شون که خون  
 رفتن بن دندان باز دارد ص عود بسوزند و خاکستر وی بسایند و بچندان شب بهانی برشته  
 بمالند و اگر قدری نمک لاهوری داخل نمایند اقوی خواهد بود سئون که دندان را محکم کند  
 و بوی دهن خوشبو نماید و کثیر الفوائد و نادر است و درج را فوراً ساکن میگردد اند ص مصطکی  
 تخم پنبیل کسین زنجبیل سوخته سنگ جراحی بریان سما که بریان سنگ مرمره سنگ فیدر  
 یکدوم فلفل کشنیر بریان کته زیره بریان هر یک دو دام ناگر موده چهار دام ادویه کوفته بجنه بمسوا  
 بر دندان بمالند و آب غرغره نمایند و دهن صاف سازند و بالایش پیره بآن بخورند سهره  
 مسهل معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد و قه لنج بکشد ص به اصفهانی را نیم من  
 از پوست و دانه پاک کنند و در سرکه یا شراب بچوشانند تا ممل شود و از غریب ال بیرون کنند و کمین  
 عسل بر آن ریزند و بچوشانند تا بقوام آید این دارو بار کوفته بجنه بآن لبشند زنجبیل  
 و فلفل قاقه صغار و یکبار دا چینی زعفران از هر یک سه درم ترب سفیدی درم مسکه پنج درم  
 ستمونیا درم شربت پنج مثقال تا بهفت مثقال آب گرم سفر جلی تابستانی صاحب حاج  
 گرم را موافق بود و در فصل تابستان توان داد ازین جهت محمد ذکر این نام نهاده ص  
 ستمونیا دو درم و نیم ترب سفیده درم مغز تخم پیار و کدو از هر یک پنج درم ورق گل سنج طباشیر  
 سفید از هر یک دو درم و نیم زنجبین عصاره به از هر یک پنجاه درم آب به و زنجبین را بچوشانند  
 چند آنکه زنجبین گداخته شود و بقوام آید پس دارو با کوفته بآن لبشند و این جمله ده مرتبه  
 است سفر جلی مسکه بنفشه آبیروسن شکم به بند و ماضیه را قوت دهد و بجهت تقویت  
 معده و احتشاد و داغ نافست ص بکیند سفر جلی اصفهانی و از پوست و دانه آن پاک  
 کرده یکطل و آنرا در شراب ریخانی یا در آب بچوشانند تا ممل شود و از پیر و زن سوی بیایند  
 و با نیم طل نبات سفید عسل سفید بنفشه تا بقوام آید پس فلفل دار فلفل و فلفل از هر یک

و متقال نیمیل چهار متقال زعفران نیم متقال عود و هشت سکه چمتقال کوفته بختنه  
 بآن بپزند سنگنجبین واضع اشرب و بوب سنگنجبین فیتاغورس است و گویند که سنگنجبین  
 اقدم است و شیخ بنیفراید که از حکمای فرس بویانان رسیده و صاحب تذکره گوید که هر  
 سرکه انگبین است و بعضی گفته اند که معرب سکه انگبین است و سکه بمعنی سرکه در لغت  
 فارسی آمده و علونجان مرحوم با وجود آنکه خود گفته که معرب را فاعله منفری نیست به شیخ داؤد  
 اعتراض کرده که اگر معرب سرکه انگبین می بود سرکه انگبین بودی بچنین ساده صفا دفع کند  
 و محو و مزاج را موافق بود و تپ های حاره و جگر گرم را سفید باشد و تشنگی بنشانند و سده بکشاید  
 بول برانند پس قند سفید بکین در و یک کند و یک چهار یک سرکه بر سر آن زینند بقوام  
 آورده پاک و قبه گلاب بر سر آن ریخته فرو گیرند و اگر تبرید زیاده خواهند سرکه از وزن مذکور  
 بهیز ایند سنگنجبین و ری بار د سده جگر بکشاید و بول برانند و استقوا و تپ های حاره را  
 نافع بود و تشنگی بنشانند پس پوست پیچ کاسنی بهفت و درم تخم خیاره تخم کاسنی از هر یک  
 پنجم درم نیم کوفته و در یک چهار یک سرکه کرده و آب بنجیساند یک شبانه روز و دیگر بچینند  
 و بیا ایند و بکین قند بقوام آرند سنگنجبین و زوری حار سده معده و جگر بکشاید و بول برانند  
 و فضول از سده پاک کند و سسته را نافع باشد ص تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث تخم کز  
 را زیاده اینسون از هر یک پنجم درم پوست پیچ را زیاده پوست پیچ کوفل از هر یک درم در آب  
 و سرکه بنجیساند چنانچه ذکر شده و بایک من قند بقوام آورند سنگنجبین و زوری معتدل سده  
 سیر و جگر معده بکشاید و تپ های مرکه و در نماید و بول برانند ص تخم کاسنی را زیاده تخم کز  
 از هر یک بهفدرم مجموع نیم کوفته و در سه رطل آب بیت درم شبانه روز بنجیساند روز دیگر خوا  
 بایک من بقوام آرند سنگنجبین و باری لنته قهرای نافع اراض جگر و سده آن ص ریون و ص  
 بمتقال پوست پیچ کاسنی تخم کز تخم کشوث پیچ منک هر یک سه متقال تخم کاسنی نیم متقال  
 زرشک تخم گل بیت هشت متقال در یک سیر سرکه انگوری و دو و بیست و اب بنجیساند و بچینند

و بایک سیر قند بقوام آرد شربت آتش پنج مثقال تا ده مثقال سبکچین پنج وری اصولی سده  
 جگر و سپر بکشد و بلغم را براند و صفرا بنشانند و معده را سود و بدص اینسون تخم کشوث رازیانه  
 پوست پنج که پوست پنج که کرفس هر یک پنج درم تخم کاسنی ده درم بهبه را نیکوب کنند و در یک  
 نیم رطل سرکه نهند و نیم رطل آب خالص یک شبانه روز در آنند و آبش نرم بنزد تا قدری آب کم  
 شود و قند پنج رطل حلاکه ده بقوام آرد سبکچین غنصه سخی جگر و سپر را نافع است و جهت سده  
 و قطع اخلاط غلیظه و دفع سعال و ضیق نفس بلغمی و صفرا بنشانند و پیاز غنصل نیم رطل بکار و چون  
 پیاز جاج قطع کنند غور و غور و سرکه کشته پنج رطل انداخته آبش نرم بنزد تا که پیاز غنصل ممتد  
 و صاف کنند و بایک رطل سرکه قند سفید یک نیم رطل آمیخته آبش نرم بقوام آرد و در  
 آتش آبلنج کف برگریزد پس فرو در آنند و بکار برند سبکچین فحیه است و تقار و صلابت سپرز و درم  
 جگر را نافع است و سده جگر بکشد و ص رازیانه پوست پنج رازیانه پوست پنج که اینسون  
 تخم کاسنی پوست پنج کاسنی زوفایا پس فوه عافت افستین هر یک ده درم تخم کشوث تخم کز  
 و پوست پنج آن جعه سنبیل سارون هر یک هفت درم آب دو صد درم سرکه کشته  
 بعد از جو شاندن و صاف کردن بایک من قند بقوام آرد سبکچین یونیدی ریحان  
 و در و جگر که از گرمی باشد سود دارد و ص تخم کاسنی نیکو فته بیت درم کل سبکچین  
 شاه تره تخم کشوث هر یک ده درم ریونید پنج درم ریونید را نرم کوفته در صره بنزد و بادیه و دیگر  
 در و من آب بجوشانند و کیسه ریونید را بدست مالند تا شیر تمام باز و بد جعه صاف کنند و  
 با نیم من قند بقوام آرد و با مار الجمن احتمال کنند پنج یا لبین محله و جیم و زازا بچه و تخمانی و  
 نون و تخمانی ثانی و الف و منی وی کثیر النجاج است و قیل الدواء الحاد و لبین محله و  
 نون و جیم و زازا محله و نون ثانی و تخمانی نیز بعضی تحقیق نموده اند و با لجه و واد مذکور معروف  
 و مجرب است و جهت گرم کردن سده و از آله تخمه و تقطیع سده و تحمیل صلابات احشای و با  
 و لکین جع سده و دندان و تا کل آن جهت بطور استمرار و قوی لجه و عسر یول که از بد

بلغم باشد نافع و نوشیدنی مایه متعده است و آنچه معمول اکثر اطباء است مرقوم گشته صنوبر  
 و اچینی اسارون قومود و قوکر یکدوم فلفل دار فلفل باز و قسط هر یک شش درم و زعفران  
 نیم درم و در نسخه دیگر شش قیراط و در بعضی شش درم افزوده اند باز در او عسل که سه چند  
 جمله باشد حل کرده او را به سحوقه بخوراند ابدان بهر شش و به شش ماه بکار برند شربت از دانگی تا  
 دو منتقال سماک سوخته دوام بندی است باضم و شش درم و بلغم بهر قسط و مرقوم باده و دل  
 و پیریت زمان را بسیار نافع بود ص صنوبر زیره سیاه زیره سفید کشتیر باویان تخم شبت  
 لونک جوتری صندل سفید لوده گجراتی بهر یک و نیم تلیه بهر یک نیم درم تر کشاده ده و دام پنجیل  
 روغن بادله گاد بهر یک شانزده دام شکر تری چهار و نیم سیر اول پنجیل را کوفته بنجیه و پنج انار  
 شیر گاو بجوشانند تا که خلط شود روغن انداخته کف زنده بعد از آن شکر تری در اندک آب صاف  
 نموده با هم بهر شند و مثل حلوا بنهند و در او بار داخل کنند و بهر روز یکدوم یا کم از آن بخورند سفوف  
 و آن اقدام تراکیب است و بعد از آن همچون ترکیب یافته و بسقوریدوس گوید که مخرج او  
 شاکر و اسفیوس است بهر قراط مشهور سفوف قلیل الاجزاء بهجت صلیع حماری و بخار  
 و خفقاان معدی در رفع و سواس سوداوی تصنیف از اجداد و ص صنوبر خشک توله  
 گاو زبان شش باشد آمله مقشر یک توله گل سرخ صندل سفید هر یک شش باشد کوفته بنجیه  
 نبات سفید شش توله آمله سفوف سازند و بعضی اوقات این او را به اضافه می فرستند  
 طباشیر سفید سه باشد زیر مهر و وارید ساخته از بهر یک و باشد خرفه مقشر پنج باشد شربت از شکر  
 نایک توله عرق های مناسب سفوف بنفشه برای صلیع تجاری و رفع قبض از مجرای  
 است ص صنوبر شش نبات مساوی الوزان کوفته سفوف سازند شربت از نه باشد تا یک توله  
 سفوف برای خمار اگر پیش از شرب استعمال کنند بگذارد که مستی در وی اثر کند و خوردن  
 را نشاید ص ناخواه سداب نمک زیره سیاه از بهر یک سه جز تخم کرب بنطی بنظر با و ام  
 تاج مغز با و ام شیرین بهر یک جزوی کوفته بنجیه سفوف سازند خوراک سه درم آب بهر یک

انار سفوف لاجورد که برای رفع مواد سوداوی همراه مار الحین شعل شود صحرای سنی  
 سفوف لاجورد و سفوف سحر یک داشته بلبله سیاه بلبله کابلی بلبله زرد از هر یک یک مثقال  
 افیمون بسفایج فستقی از هر یک هفت داشته سنگی خفته از هر یک پنج داشته تخم شاهنوشتر شش  
 تخم بادرنجبویه دو داشته کوفته بنجیه شکر سفید چهل مینشت داشته بیانیند شربت یک مثقال سفوف  
 دیگر محرب و معمول قبله گاه بنده درگاه بجهت فرزند کوره صس سنگی افیمون از هر یک یک مثقال  
 ترب سفید و صوف خراشیده چهارم غار لقون نرم سفید لاجورد و سفوف بلبله سیاه بادرنجبویه از هر یک  
 سه درم گل سرخ چهار درم پوست بلبله کابلی پوست بلبله زرد و بسفایج فستقی ریوندر چینی از هر یک  
 پنج درم اسطوخودوس و درم کوفته بنجیه سفوف سازند شربت از یک مثقال تا چهار مثقال بعضی  
 احیان از چهار مثقال اضاف شده و نفخ بسیار نموده سفوف مروارید که در دفع امراض غده  
 و قلبیه و سواس خفقان و نفخ بین می نماید و مقتضای جالینوس است صس بلبله کابلی و زرد  
 بهمنین از هر یک سه درم درونج عقربی ریحان بادرنجبویه گل سرخ مسکه از هر یک و احد پنج درم تخم  
 مرجان قرمز و مرارید مسفته و رقیق طلا محلول و رقیق نقره محلول از هر یک یک مثقال تخم بلبله  
 پنج درم حبه رازی ابریشم مقرر از هر یک سه درم کوفته بنجیه و در شیشه نگه دارند و یک مثقال  
 و چهل مثقال سرکه بنزد القوام آرند و بچین منافی تب محرقه و جگر و معده گرم را سودا و ریه  
 و تشنگی بکشند صس سرکه آب نارترش و شیرین از هر یک نیم من القوام آرند و قدری  
 و آب یک چهارم سرکه صفت و مین قند اضافه نمایند و بچینانند تا القوام آید و اگر بدیل سرکه بنزد  
 شکر آب کنند نیز شود و بچین منافی تب محرقه و جگر و معده و ریه و سینه و سینه و سینه  
 و طعام مفهم کند و ناقصان را فائده بخشد صس آب پنجه مثقال هر که صفت و آب لیون و گلاب  
 از هر یک سی مثقال قند کمین بچینانند تا القوام آید و بچین منافی تب محرقه و جگر و معده و ریه و سینه  
 صفرا باشد نفخ و بد صس فستقی و سرکه تر کنند و از آن سرکه بچینانند تا القوام آید و بچین منافی تب  
 سنگ بنجیه و دردی معده گرم را نفخ و بد صس گل قند شکر و در گلاب گرم حل کنند و صفا

نمایند و سرکه انقدر که مطلوب باشد آمیخته بکار بند اول بقوام آرد سنگنجبین زردی در تقویت  
 معده و جگر فی نظر است ص سوز و رسه که بپزند و صاف ساخته با عسل و روغن بنفشه  
 دستور است سنگنجبین قفاحی از تالیف حکیم ارزانی جهت آشفته و هضم و تفتیح سده جگر  
 و تقویت معده و دل و دفع غشایان و قی نافع است ص آب سیب پخته شیرین ص درم  
 سرکه چهل درم آب انار ترش آب لیمون کلاب بید شک هر یک بیست درم قند سفید  
 و نیم پودینه سبز یک مشت در انشای طبع اندازند چون خوب بپوشند بیرون آرد سنگنجبین  
 برای فواید مذکوره از تالیف مؤلف ص آب نار شیرین و ترش آب سیب آب شیرین  
 و ترش آب غوره آب زرشک رب فاسه آب تر سندی از سر یک هشت درم لبر که  
 انگوری شصت و چهار درم آب نفع سه درم عسل نبات یک یک آرد بقوام آرد و ازین  
 شک هر یک یک درم طباشیر سفید چهار درم هر سه را خوب باریک نموده با قدری سنگنجبین  
 مخلوط نمایند بعد از آن در تمام سنگنجبین بپزند و غلظ کنند سنگنجبین ناسخه طوام هضم کنند و  
 آرد و معده را سفید بود ص ناسخه زیزه سیاه زو فاجده چلبه هر یک یک و نیم که  
 کنند یک قسط و نیم عسل نیم قسط ادویه را در سر که یک شیار و زیزه تا به ثلث پزد و صاف  
 کنند و عسل آمیخته بقوام آرد و باب فیل لبر دهند سنگنجبین تر سندی تالیف علوی  
 نافع از برای فی صفراوی و حمیات معده و قتی که با قبض طبیعت باشد و مقوی معده  
 البه حار است ص بکیز زرشک منقی نیم رطل و رد و رطل آب خالص و در وقت کلاب  
 بخینساند یک شب صبح و رضائی آنرا از غیر الیدین جرم آن بدست گیرند و رطل شک  
 سفید چیده اخل کرده بپوشانند قدری سفید تخم مرغ مخلوط بر آن زنند و کف آن را بگیرند  
 و چون دیگر کف برسد بپاشند یعنی نموده باز در یک سنگین نموده مقدار نیم رطل سرکه انگوری  
 چید و اخل کرده بپوشانند تا بقوام آید نگارند سنگنجبین مهمل ص بگز یکین شک سفید و رب  
 سنگین کرده سطح آن را استوی سازند پس بریزند بر آن سرکه غصص و آبش ملائم برفق بپزند

و کف بردارند و بنید چون دیگر کف بر سر نمی آرد از وصف نموده چمنل کنند در آن پنج بار  
 منفرجه لقرطرم نرم کوبیده بر سر زنند و بکیرند بنیت درم ترب سفید مضغ و نرم کوبیده در بارچه  
 محلل النسخ کنند و سر آنرا محکم بسته کوبیده بارچه ببالند و به فشارند تا باقی نماند در آن صره چیزی از  
 تربد و بقوام خمیس آید پس فردا آوزه سرد کرده در شیشه یا در ظرف چینی نگاهد از شربت از  
 ده درم تا پانزده درم سکنجبین افیمونی منتقل از قرابادین شفافی اصحاب بالیخولیا و حسن  
 و صرح رافع بود ص افیمون ده درم بسفای شفتی ترب سفید از هر یک شش درم گاو زبان  
 پرسیاوشان تخم کاسنی ایسان تخم کثوث پوست پخ کاسنی از هر یک پنجم درم حاشا و ورق گلبرگ  
 کما فیطوس از هر یک چهار درم تخم باد رفح فرخ خشک بادرنجبویه زیر بنا و در رفح عقرب ایمن  
 و سفید سانج هندی قافله سنبل از هر یک درم گلشن آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب  
 بنجیانند یک شبانه روز و بایک من فند قوام آزند سکنجبین افیمونی بر نشسته و یک ص  
 افیمون گاو زبان فرخ خشک بادرنجبویه هر یک ده درم افیمون در بارچه گتان بسته و دیگر آوزه  
 در شصت درم سرکه شرب بنجیانند و صبح بخوشانند و وقت حاجت بکنتقال تناول نمایند  
 سفوف لانا بخت امراض مذکوره ص حبس لاجورد حجر ارمنی اثب قیطاس یعنی نیر  
 بادرنجبویه بسفای شفتی اسطوخودوس برگ فرخ خشک بر شیم مفرض گاو زبان کیلانی گل سرخ  
 از هر یک درم در رفح بلبله کابلی فیمون مصطک رومی بن سفید آمله گل گاو زبان از هر یک  
 سه درم کوفته بنجیه سفوف سازند شربت منتقال تا دو درم با مارالجبین سفوف لانا برای  
 اخراج سودا و سودای با مارالجبین ص بلبله سیاه پانزده درم غار یقون افیمون از هر یک  
 پنجم درم بادرنجبویه بهفت درم تخم منتقل چهار درم شربت کنتقال سفوف مبارک نافع برا  
 مایخولیا و بقی اسود و جذام و اورام سودای و جرب و حله و قوباص حبس لاجورد  
 منقول دو درم حجر ارمنی دو درم منقول بلبله سیاه پانزده درم بلبله کابلی بلبله زرد هر یک چهار درم  
 افیمون بروغن بادام غشسته بسفای از هر یک بهفت درم ساکلی گل بنفشه هر یک پنجم درم



تخم شنبه تخم بالنگوسه درم ادویه بکوبند و بنزد غیر از بلبلجات که آنها را پارچه پیر نمایند و غیر از  
 تخم بالنگوسه که اورا ناکوفته آمیزند و بچندان شکر سفید آمیخته از چهار درم تا هفت درم استسقا  
 نمایند لعرق گاوزبان و شکر نیکرم و اگر سدس روم محموده درین بپزایند اقوی خواهد بود و سفوف  
 تالیف والد شریف برای خدر و برودت دماغ ص در پنج عتبی زرینا و مصطک ابریشم خام و  
 تخم بادرنجبویه گاوزبان کیلانی قاقا صغارا از هر یک سه ماشه جدوا و نقشی عود غرق از هر یک  
 یک ماشه عود صلیب برگ فرخیشک ارچینی سلیمه سبیل الطیب زهر واحد و ماشه سوربجان ص  
 چهار ماشه بهمنیش ماشه کوفته بهخته نبات سفید هموزن ادویه داخل نمایند و راکش ماشه  
 با عرقها و اشربه مناسیه سفوف که سل و سعال و تب و قی و خلطی و اسهال را نافع است و تب  
 صداع و منغ نزلات حاره مجرب ص تخم خطمی اقا قی گلنار هر یک دو درم مخزایو ام سد درم  
 کثیر الشاسته صمغ عربی مغر تخم کد و شیرین مغر تخم ترلوز مغر بهر از رب السوس طباشیر سفید  
 مغر تخم خیار گل ارمنی عصاره لیمه التیس هر یک چهار درم با قیاقا صغاره لیمه التیس درم خشناس  
 سفید سلطان سوخته هر یک دو درم کوفته بهخته شربت و مشقال یاسه مشقال سفوف  
 نفت الدم ص طباشیر گلرنگ گل ارمنی گل مخموم تخم خرفه شادانه عدسی مفسول از هر یک  
 پنج درم بسد کبریا و اریدنا سفوفه خشناس سفید رب السوس قاقا صغاره لیمه التیس  
 هر یک سه درم بنزد قوطونا شست درم افیون دو درم غیر از بنزد قوطونا سه را بکوبند و بنزد  
 و سفوف سازند شربت دو درم باب باران یا آب برگ خرفه و اگر حرارت قوی بنو کنند  
 سه درم درین نسخه بپزایند سفوف سلطان سلول را بغایت نافست ص سلطان  
 سوخته دو درم طین قبری صمغ عربی خشناس سفید خشناس سیاه تخم خطمی هر یک شش درم  
 صندل سفید دو درم شکر الغر طباشیر هر یک سه درم تخم خبازی تخم خرفه هر یک یک درم تخم خبازی  
 تخم کد و گل ارمنی عصاره لسان الحمل گل مخموم هر یک چهار درم زعفران یک درم کوفته بهخته  
 متب سازند شربت دو درم تانی انگ کافور دو دانگ ماد السلطان شراب خشناس

تخم خرفه سفوف سنج مجرب سید الکماجنت لفتح ماده ص تخم خطمی صمغ عربی گل  
کتیر طباشیر بریک و ماشه رب السوس بهدانه تخم خبازی نشاسته مغز بادام بریک سه  
آرد باقلا بریک چهار ماشه کوفته بنجیه سفوف سازند و قدری در دهن نگاهداشته باشند  
سفوف دیگر جهت نفث الدم از تالیف و الشریف ص انجبار ولایتی دم الاغون از سر  
یکدم خرفه متشتر و متقال صمغ عربی که با اقامه و ارید از بریک یکدم خشخاش و درم کثیر  
رب السوس گل ارمنی هر واحد یک متقال گل و غستانی نیم متقال صندلین بسید یکدم  
کافور قیصری یکماشه سرطان محرق یکدم زهر مهره سائیده سه ماشه تخم کاهو نشاسته بریک نیم  
گل نیلوفر سه درم کوفته بنجیه سفوف سازند و تشاشه تا یک لکه با تبرید مناسب بخورد  
تأثیر آن نفث الدم ص سنجبراحت بنیدرم مرارید سائیده پوست خشخاش دم الاغون از سر  
یکدم که با ریشیه انجبار بریک و درم خرفه متشتر نشاسته از بریک و متقال کوفته بنجیه سفوف سائید  
شربت از یکدم ماد و درم سفوف آخر لای برای سل و نفث الدم ص غری السکک طباشیر  
سفید یک یکدم افیون بنیدرم زعفران نیم ماشه مصطلک کافور قیصری یکماشه گل و غستانی  
اقاقیا از بریک یکدم سرطان محرق یک متقال تخم کاهو و درم نبات یکدم کوفته بنجیه سفوف  
سازند سفوف برای سعال بلغمی و ضیق النفس ص بلبل در اصل السوس طباشیر  
همه برابر هر روز سه درم وقت خواب باب گرم بخورند سفوف برای سعال منقول  
از سکنده سی ص صمغ عربی شکر تری از بریک و درم عاقر قرواط سوسن کبود بریک و  
درم سفوف ساخته هر روز یکدم بخورند سفوف که نفث را بچخته گرداند و سعال را  
مفید بود ص صمغ عربی اصل السوس از بریک چهار جزو دار فاضل یکجزو شکر بر آب  
سفوف ساخته بقدر و متقال بخورند سفوف تالیف حکیم عبداللادی برای سل یا  
نفث الدم ولین طبعیت ص کافور قیصری بنیدرم طباشیر سفید پنج انجبار ولایتی دم الاغون  
مرارید سائیده که با کثیر اسفید مغز تخم کدو غری السکک فاوانیا اینسون رب السوس

سرطان نرمی محرق نشاسته محض مع سداب و ام بریان صمغ عربی بریان از هر یک یک درم  
 زعفران یک نیم دانه پوست خنثاش یک مثقال کوفته بخیته سفوف دو درم وقت صبح  
 آب برگ بارنگ و آب پید از هر یک درم بخورند و همچنین وقت شام سفوف برآ  
 دفع سرفه ضیق النفس بلغمی منقول از خط خال والد شریف و ایشان این سفوف را  
 مجرب نوشته اند ص برک اگر که زرد شده باشد از دشت افتاده باشد یک تا چونه بری و  
 نمک از هر یک دو درم بخیته سرد و در آب سائیده بر برگ مذکور طلا ساخته خشک شود  
 در سبوحه گلنگاه بسته در میان آتش پاکت ششی تا یک پاس گذارند تا سوخته شود و قدر  
 مناسب بجار برند سفوف شب برای نفث الدم ص شب بانی سرکه اصفهانی  
 از هر یک یک درم که با روغن اوقیا از هر یک سه درم دم الاخون صمغ عربی کثیر از هر یک  
 دو درم کوفته بخیته سفوف سازند تریب بندرم تا نیم مثقال سفوف برای نفث الدم  
 وقتی که کبیب مدینه کبیر باشد ص روغن چینی ده درم یک محلول گل ارمنی از هر یک  
 پنج درم کوفته بخیته سفوف سازند خوراک نیم درم سفوف مسک سل نزدیک شغال  
 حرارت جمی و لین طبیعت تهمل است ص اسفول تخم و تخم بجان تخم خرفه از هر یک  
 درم صمغ عربی نشاسته کثیر تخم عا من گل ارمنی سرطان محرق از هر یک چهار درم  
 سولق بنق سولق غبیر از هر یک شش درم شاه بلوط پانزده همه اجزاء را سوده سوا  
 تخم های مذکوره کوفته بخیته دو درم ازین سفوف بارب آس و آب بارد وقت صبح  
 بخورند سفوف از تالیف راقم جهت رفع خفقان و تقویت دل ص گاوزبان گل  
 گل پید خشک گل سرخ از هر یک و درم مر و اید ناسفته قطاس حبه ارمنی که با لیب  
 یا قوت از هر یک نیم درم گل داغستانی طباشیر سفید هر یک یک درم کثیر امتش صندلین  
 دو درم کوفته بخیته سفوف سازند از یک درم تا دو درم همراه گلاب بخورند سفوف طباشیر  
 از شغالی دل گرم را سود دارد ص گل سرخ طباشیر سفید هر یک سه درم کثیر خشک

مریاست جو دروید هر یک بندم کا خود اکی شربت دو درم بهر بهنجین سفوفی سفوف که  
 در درم ادنی القلبی خفت مرض از آنکه حالت شبیه لغتی و بعد از ختن آب فاکر که در آن  
 قدری اکلیل الملک قوق بسره که و گلاب داخل کرده باشند باید دوا دهنی ریوند چینی و در  
 حوض و ولت میدرم ورق یا در بنجویه کا و زبان هر یک میدرم نیز بقدر میدرم و نیم ورق عقیق  
 شک پنجم کوفته بنجیه از یک درم تا هفت درم رب حاض بدهند سفوف که شیر زیاد کنند  
 و منی بهیتر اندینقول از شفائی ص تم شلغم تم رطبه تم ترب تم گند نام تم پیاز آرد و تم بادیان  
 تم جرجیر حله برابر و در بعضی نسخ بجای آرد جو آرد و خواست کوفته بنجیه صبح و شام با شیر بخورند  
 و بعد از آن نخود در شیر تر کرده بخورند و شیر نهند سفوف و در پنج از شفائی خفکان در  
 سودا در دهن و در پنج عقری کا و زبان کیلانی از یک شش درم زربناد و درم بکوبند و  
 بنزد شربت کیشقال تاک چهار شراب کنه یا مار العسل سفوف عود مسده سرد را سو  
 دار دهن و قرضل کباب از هر یک پنجم درم سنبل الطیب مصطک از هر یک سه درم عود مسیت  
 درم شک طبرزد بوزن ادویه شربت کیشقال با ده درم گلکند سفوف کتی باغی را نفع کنند  
 ص کند مصطک از هر یک پنجم درم عود خام هفت درم نار دانه بازده درم قرضل جوز بوا بسا  
 قافله سعد کوفی نفع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرنجشک از هر یک ده درم گل کسغ  
 شش درم سنبل از هر یک پنجم درم شربت سه درم سفوف که شهوت و شهوت وین را نفع  
 بود ص اینسون تخم کرفس زبیره کرمانی ناخواه از هر یک ده درم فلفل سفید و درم نیم قرضل  
 پنجم درم کوفته بنجیه سفوف سازند شربت به صبح و شام کیشقال سفوف اینسون بادبای مسده  
 رفع کند و عود را از اخلاط غلیظ پاک نماید ص اینسون ناخواه تخم کرفس از هر یک پنجم درم چار درم قلع  
 از خر قوط مصطک از هر یک درم سبندان سفیدی و درم کوفته بنجیه با فانیذ آمیخته بخورند سفوف  
 حب لربان صفت معده و امعاء و اسهال مراری را نفع بود ص نار دانه بریان کرده ده درم  
 بلوط ساق زبیره کرمانی مدبر حب کلاس کشیز خشک بریان بخورند زوب آرد کنار از هر یک

۱۸۹

نچدرم عود خام نچدرم آله منقی کشتقال کوفته بنجینه باب به استعمال نمایند خوراک سه درم سفوف  
 حب از هر یک شکر را به بند و معده را قوت دهد ص دانگ انگور صمغ عربی از هر یک چهار درم  
 حب آله اس سمان از هر یک ده درم معطلک گلنار از هر یک یک درم کوفته بنجینه سفوف سازند  
 سفوف ارسطاطالین حکیم مذکور از بهر اسکندر ساخته بود و ریب و تباهی معده و زردی  
 روی و وسواس و نسیان را نافع بود و طعام را هضم کند و بوی دمان خوش نماید و دل را  
 قوت دهد و قوت آن تا یکسال باقی می ماند و اکثر استوائین سفوف تصرف کرده اند  
 و تصرف شنب و او و نزدیک اقم دور از صواب است و اقم اصل شنبه که کوشش بسیار فایده نشاء  
 نمود و ص قرفه سانج هندی عود سیل سارون معطلک بلبله کابل فرخ شک شک بره کنگ  
 و اچینی شنبه و اقلیل زنجبیل قرفل انار و انجور با قافله از هر یک و درم شک عنبه بریک  
 یک درم نبات سفید شش زن اود و کوفته بنجینه سفوف سازند شربت از یک درم ناسه درم  
 سفوف که فواق بلقی را دفع کند ص ششم کرفس فطر اسالیون از هر یک  
 دو درم و نیم دو قلو پوست بیرون پسته سعد انیسون بودینه اسارون قسط زیره کرا  
 از هر یک سه درم و نیم درم کوفته بنجینه شربت دو درم سفوف  
 که شہوت رویه زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتها آرد  
 زیر بنا و تخم کرفس ناخواه زیره کربانی از هر یک و درم کندرنه درم کنبه و قشره و درم شنبه  
 نو و متقال کوفته بنجینه استعمال نمایند سفوف الزور یا دمارا بشکند و معده را قوت دهد  
 ص کرد یا انیسون زیره کربانی قافله قرفه ناخواه تخم کرفس از هر یک و درم قرفل نچدرم  
 زنجبیل و اقلیل از هر یک و دانک قند بیت متقال کوفته بنجینه مرتب سازند شربت دو  
 درم سفوف نمک که اشتها آرد و مناسب مو و رین است و منع اسهال نماید ص کنبه  
 نمک مذرا فی خور و خور و بشکند و بنا به آهنی یا سفال گرم نان نهند و سرکه تیر بران بپاشند  
 و حرکت می دهند نمک را و چون خشک شود و یک بپاشند بر پهن سان سرکه را فرغ شود

نافع استعمال  
 و منقی است  
 و کوبیده  
 و کوبیده

سازند پس سی درم اگر از ان باشد کشتن بریان و عصاره زرشک انار دانه بریان ساق  
 شقی از تخم هر یک ثلث وی که ده درم است اضافه کنند و کوفته بخیه بقدر حاجت بخورند سفوف  
 نفع معده را قوت دهد و باد دفع کند و نفخ شکم دور سازد و پیش از غذا و بعد از غذا انوار خورد  
 ص نفخ خشک و درم ساق پنجم قفل و دو درم نمک پنجم کوفته بخیه از یک درم ساق  
 بخورند سفوف قفل جهت ضعف معده مجرب است ص قفل را زیاده از هر یک  
 اینسون مصطلک هر یک و درم نیمیل نبات از هر یک یک درم کوفته بخیه و دو درم پیش از غذا  
 سفوف ناخواه جهت باد و در معده و سپرز و تقویت بهضم و دفع زهر و نفس بخارات  
 نافع بود ص ناخواه تخم کرفس یا سویه قدیم چند شربت و دو درم سفوف و در جهت  
 که بعد تب باد را یام نقابت افتد نفع است ص گل سرخ پنجم ساق ده درم قاقه کبار  
 یک درم کوفته بخیه و دو درم بخورند سفوف مرکی معده را سود دهد و گرم دراز و خور و شکم  
 بری آرد ص بلبله کابلی بزرگ متشکر هر یک و درم تربید سفید سی درم فایند و چند آرد  
 شربت و دو درم سفوف سینای شسوب نشین سینا که اشتها قوی آرد و از راه نفوذ  
 معده و تخفیف رطوبات بنزد نفع دارد ص عود غرق قفل هر یک و ماشه نفع با  
 هر یک یک درم شایبانی کوفته بخیه سفوف سازند شربت از دو ماشه تا چهار ماشه سفوف  
 جالی که بپای سی سفوف آبستنی گویند جهت شهوت طیب شهوت رد بزرگان را نافع بود  
 ص قاقه خیر و اکاب به ساوی شکر سفید برابر به شربت و دو درم باب گرم و در نسخه  
 کیا به بپایه است سفوف خرنوب اسمال معدی و استخوان را نافع بود و شکر  
 اسان کند خرنوب طبعی بی دانه زین کرانی مدبر ساق پست کنار حب لاس مصطلک باطون  
 خشک بریان ساوی کوفته بخیه کیشقال بخورند سفوف در ب ص تخم حماض  
 بید خشک بیدانه سوزن کشتن خشک بریان گل سرخ خرنوب شاه بلوط لمبا شیر هر یک یک درم  
 ساق حب لاس هر یک و درم انار دانه چهار درم کوفته بخیه سفوف سازند سفوف

زرشک ضعف معده را نافع بود و شکم بربند و ص ساق ناخواه زخمبیل انداردانه بریان  
 کرده زرشک شقی آرد کنار بر یکده درم کوفته بجنیه بکشتال بخورند و بعضی لشخه شکم طرز و سبب  
 شتقال افزوده اند سفوف ساق لشکی نبشاند و اسمال سعدی و استرخا سعدی و منقصر  
 نافع باشد ص صحن عربی گلنار بر یکده درم حب لاس انداردانه بریان کرده بر یک پنجم  
 ساق ده درم خربوب پانزده درم کوفته بجنیه بکشتال بخورند سفوف شمار که عبارت  
 از بادیان است غذا بهضم کند و اشتها آرد و با تحلیل کند ص زرد کوسه درم پوست  
 پنچ که چهار درم شکم تخم کثوت بر یک نیم تولنج کفش شش درم گل بنفشه هفت درم  
 انیسون یک و دقینه پنچ سوسن دو اوقیه شماره اوقیه کوفته بجنیه پنچده وی سفوف سازند  
 سفوف که در معده بار و را مفید است منقول از شرح حکیم علی ص عود خام درم  
 سنبل قاقیه بوز بوا بر یکده درم سعد انیسون تخم کفش بر یک سه درم گل سرخ چهار  
 کوفته بجنیه با شراب ریخانی و شربت سبب بخورند سفوف که شوت کلبی را که از بوم  
 باشد سودمند بود ص عود هندوی قرفل فلفل سعد بر یک پنجم شنه سنبل کند از  
 بر یک یکدرم که و یا تخم کفش بر یک یکدرم و نیم مصطک سه درم و نیم نرم سائیده با شراب  
 که خمیر کنند و خشک نمایند و بار دیگر سحق نموده با شراب تسقید یک بازند و بار داده بکار  
 و پیش از طعام یکدرم بخورند سفوف که قی صفراوی باز دارد ص کافور نیمه انگ طبایع  
 و درم گل نیشاپوری سه درم گل سرخ ساق بر یک پنجم شربت یکدرم باب اندازش  
 یا آب سبب سفوف که منع غشیان و قی محو و رین کند ص عود رومی پوست بید  
 پسته پودینه خشک بر یکده درم گل سرخ طباشیر سفید بر یک پنجم زرشک ساق  
 انداردانه بر یک پانزده درم شربت بکشتال باب اندازش شربت پودینه سفوف که حب  
 التهام قروح بعد تنقیه آن از چوک بکار آید ص گل سرخ گلنار بر یک یکدرم گل رخی  
 سه درم کند درم الاخوین بر یک پنجم شربت از یکدرم تا دو درم بارب سیلاب

سفوف منخرج بعضی اهل تجربه که در امر هم و دفع قبض مثل بن کباب و در امتهار  
 حکم سیاه اردص کنار نمک کنار بکینی کنار ترب کنار برگ بودینه کنار کثانی حله را  
 جدا جدا نمک برآورده بر سر نمک در عطر ناخواه که برابر مجموع باشد بسایند تا یکپاس بر  
 سفوف کرده نگاهدارند بعد خوراک از نیم باشد تا دو باشد سفوف بندی در مجربات  
 صدر الدین محمد خان نقل نموده شد حص بنساجن هفت ماشه مرغ پیل پیل سول  
 سوخزیره سفید جو اگر چینه نالیکش نیز جاب چوک تن تریک الایچی خورد تیج خج هر یک  
 هشت ماشه زنجبیل پنجاه شش ماشه انار دانه دو صد و بیست و چهار ماشه حله اباریک  
 کرده با قند یا مصری آمیخته با شش ماشه نایک توله بخورند سفوف بخت سنگینی منقول  
 از بیاض عمم مرحوم ص بلبله رنگی بلیگری با دیان کو کنار ال سور پیل اسجول پنج کشتن  
 جوز بوانا که موخته کشته ابنه همه برابر نیم خام و نیم بخته کرده هموزن اجزاء شک سفید آبیخته  
 یک چنگی صبح و یک شام بخورند مجرب است سفوف دیگر برای اقسام سنگینی مجرب  
 نوشته اند ص بوجرس مائین گل دهاوه از هر یک یکدوم صطک و دوام بلیگری کو کنار ال  
 خشک یک یکدوم کوفته بخیه سفوف سازند یک یک صبح یک شام بخورند غذا بر هیچ سائی مال  
 سنگ سفوف شیرین از سفوفهای هندی است و در زبان هندی سسی به لوکا چور  
 است و در کثرت نفع نظیر ندارد اشتها را زد و در ببرد و جوی مرکبه را نافع آید اکثر تجرب شده  
 راقم در آمده است ص قرفل دانه الایچی خورد تا یکدوم ص کنگول داچینی زنجبیل فلفل  
 در از نتر بالاخص سوچه صندل سفید اگر یکدوم طباشیر کنول گشته زیره سفید زیره سیاه پنج  
 از هر یک پنج ماشه کافور قیصوری یک ماشه نبات سفید هموزن اوویه کوفته بخیه سفوف  
 سازند شربت پنجاه باب سفوف مشهور بلخ سلجانی در تقویت معده و تحلیل طعام  
 و در امر باده خصوص ص گاه در زرده تخم مرغ انداخته بخورند معیدیل است ص نکات منبر  
 یکطل نمک سنگ نازده شقال نمک نذرانی ده شقال نوشاد و پانزده شقال تخم کرش



پنج شقال فلفل سیاه پاو کم چار شقال فلفل سفید سه شقال اوزخرا پاو کم دو شقال انیسون  
 سنبل الطیب طلیت طیب کمون سربک نیم شقال دارچینی تخم انجدان مغز تخم معصف  
 زنجبیل انیسون اصل السوس سربک یک گرم نمک بار اوزخرا گلی انداخته در آب  
 ملایم بجوشانند پس در تنور نگه دارند تا بنجد شود پس بار دیگر ادویه را که کوفته بخیته باشند با آب  
 سائیده بیاورند و اگر نوشادر کافی بهم نرسد همین نوشادر را بطریق مذکور صاف نمایند  
 شربت از یک نشاء و ماشه سفوف که به جهت شاه جهان پادشاه حکما در آن زمان بر  
 ضعف معده و اسهال داده بودند می گویند نفع بسیار بخشیده بود صفت فلفل مصطکی  
 غیر الای خور و عود غرقنی سنبل الطیب و نع سوخته گلزار فارسی مشک بسدر جان کبریا گل  
 از سربک یکما نشاء پوست مغز بیل طباشیر از سربک و ماشه کوفته بخیته سفوف سازند شربت  
 از یک گرم تا یک شقال سفوف مخمر قوه الحکما ترسیل لاطبا علامی فامی حاذق الملک  
 حکیم اکمل خان در تقویت معده و هضم طعام و بر آیدختن شته ها ربی نظیر است صفت طباشیر  
 زرد یا بلک قابل و انیسون بادیان مصطکی پودینه ناسخا طباشیر شیطرج از سربک چهار ماشه چار  
 دارچینی قرنفل پوست اترج سنبل اترج سنبل الطیب زیرک سفید تیرج تخم از سربک سه ماشه  
 انار دانه هفت ماشه نمک لاهوتی نمک سیاه یک بکتوله زرد سفید شش ماشه کچی بریان  
 کرده هفت ماشه در آب لیو و کسا بنجور که دو سه انگشت برادویه باشد تر نمایند و خشک  
 ساخته سفوف سازند سفوف اولوی از حکیم عبدالهادی حکیم مذکور گفته که سفوفی معده  
 و کبد و قلب است و نافع از برای خفقان و ضعف قلب حادث به شراکت معده از حصول  
 خلط سوداوی و بلغمی بصفر ابرو اصحاب الیخولیا موافق و وسواس را نافع است و طعام  
 بهضم نماید و اخلاط صالح پیدا کند صفت مروارید ناسنه که برای شمع کشنی خشک بنفشه آله  
 شقی ساق انار دانه بادرنجبویه دارچینی مصطکی و انیسون طباشیر سحر کوفنی خلیجان و کرا  
 مدبر در سرکه پوست اترج ساق بنجوری از خشک شقی بادیان روغن از سربک یک شقال شک

عزیز شرب رق طلاء از هر یک شش قریط نبات سفید بیت شتال کوفته بختیه بر روز صبح و شام  
 نیم نیم شتال تناول نمایند سفوف طح از شش رئیس نافع از برای وجع و اوجاع مناسبت امر  
 که بوده باشد بسبب فضول صم نمک طعام یک طیل نوشا در زنجبیل فلفل سیاه بودیه هر  
 از هر یک و اوقیه فلفل سفید سه اوقیه اینسون تخم جریا نخاوه سنبل الطیب از هر یک یک اوقیه  
 تخم کرفس بری یک اوقیه و نیم کوفته بختیه سفوف سازند و شتال باب بنگم سفوف  
 وج معوی معده و دماغ است و مانع صعود بخار اسهاده بد دماغ و چون استعمال کرده میشود  
 بعد از تنقیه معده نافع سیات است که بسبب صعود انجروه بلغمیه بود صم و ج ترکی زنجبیل کند  
 شونیز از هر یک یک نخ و کشتیز خشک چهار جز و نبات سفید شست جز و کوفته بختیه سفوف سازند  
 شربت و دو درم ناش درم باب به و غذا اقلیه با توبل عاره سفوف که رفع رطوبات کند  
 معده رطب باضم طعام است صم داچینی سعد کوفی عود قمری تاخواه بادیان خطائی  
 فلفل سیاه دار فلفل دانه بیل صغر فارسی راز یا نه اینسون کشتیز خشک تمشیزیره کرانی در  
 زیره سبز زیره سفید در زنجبیل مصطک رومی کوفته بختیه یک شتال با عرق بادرنجبویه بپاشند  
 سفوف دیگر که مداومت آن معده و دماغ را قوت دهد و نفخ آورد و دفع علل بارده  
 نماید و حفظ صحت کند صم مروارید سائیده که با بی شمعی ابرشیم مقراض از هر یک چهار دانگ و نیم  
 چینی بسا سه راز یا نه مصطک رومی اینسون زربناد هر یک یک شتال نبات سفید شتال کوفته  
 بختیه از دو درم تا سه درم بخورند سفوف که طبع را نرم دارد و تنقیه معده نماید و مقبول است  
 سافور صم مصطک تربد سفید مجوف خراشیده و بر وغن بادام چرب نموده از هر یک و دو درم  
 شکر سفید و چون کوفته بختیه چهار درم باب گرم بخورند سفوف که درد جگر و تهج را برطرف  
 گل سنخ بهشت درم زر خشک پنج درم سنبل مصطک عصا ره غافلت استین و می کوفته  
 از هر یک و دو درم و نیم زعفران یک درم شربت دو درم با کنگبین سفوف لودی و کافور  
 کبدی را دور نماید و معده و جگر را قوی گرداند و حرارت و تشنگی نبشاند صم مروارید سائیده

چهار درم بید سوخته گندار طباشیر سفید خر نو خجسته گل فربسی گل رمنی تخم گل صندل سفید  
 بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد پست کنار آرد و بنجد کشید خشک ساز  
 کرده سماق زرشک پست جو بریان کرده بزر قوطو نابریان طراشیت بریان کرده خرفه بریان  
 صمغ عربی بریان از هر یک سه درم گل مغموم مصطکی هر یک یک درم انار دانه پنجدرم که با اوقیا  
 سفید ل زهر یک و درم مجموع را سوای بارتنگ بزر قوطو ناکوفته بنجیه سفوف سازند سفوف  
 که حرارت نباشد و حار را دور گرداند و اسهال صفراوی را ساکن گرداند و کسی را که آبده بخواند  
 آند سود دارد و ص درق گل سرخ ده درم طباشیر شست درم سماق تخم حماض عدس شسته  
 زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشکاش سفید از هر یک پنجدرم صندل سفید ده درم و نیم کافور  
 یک درم شربت سه درم با شراب غوره یا با شراب انار سفوف که نافعت از جهت یرقان و  
 در دیگر وقتی صفراوی خاص لک مغسول یک مثقال طباشیر سفید ده درم زعفران یک درم  
 ریونید چینی دانگی و نیم کافور یک انگ شربت دو درم با شراب تمر هندی یا شراب لوبانیترا  
 فوا که سفوف دیگر که درم جگر اسود دارد و بول براند و ص تخم خیارین تخم خربوزه از هر یک  
 پنجم درم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کفس نیسون رازیانه رب لسوس از  
 هر واحد دو درم عصا زرشک چهار درم ریونید چینی یک مثقال لک مغسول چهار درم  
 زعفران سیل مصطکی استین از هر یک یک درم کافور دو انگ شربت سه درم سفوف  
 مغسول از بیاض غم مخفوف نافع از برای امراض طحال و کبد ص تخم خیارزه گل سرخ از هر یک  
 پنجم درم بلبله سه درم کشید خشک که در سر که تر نموده باشند طرافه تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک  
 درم زرشک شش درم لسوس مثقال ریونید چینی مثقال کوفته بنجیه سفوف سازند سه درم  
 از ان بلبلج مار الخفاف و مار ورق طرافه که سکنجبین را ن حل ساخته باشند بخورند سفوف  
 که کجبت استسقا و مجرب است ص حلیت سه درم فلفل دراز زنبیل ناخواه هر یک  
 شش درم پوست بلبله زرد و شیطیچ بهمن سفید سناگی هر یک سه درم کوفته بنجیه سفوف سازند

سفوف که جهت سپرز مجرب است ص زوفا تشک پوست یخ که غلبت شلالت سیاه  
 تخم فنجانش تخم سداب بالسویه شربت دوم با جبین سفوف که در یقان سدی بکار آید  
 و مجرب نوشته اند ص کبریت زرد تخم شقال افیمون تخم کرفس جلی بنفشه و سیاه کند سفید  
 دم مغز جوزه درم سوزن منقح پیچرم سله خارا کوفته بنجید یکدم نیم آب زبانه بخورند سفوف که مخصوص  
 بکبر است و در تقویت وی کامل تر ص گل سرخ سه درم زرشک منقح لک سول سربک  
 یکدم و نیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته صمغ عربی سربک یکدم ریون پنجه تخم شقال تخم  
 یکم شقال زعفران دودانگ کوفته بنجید سفوف سازند غاده جگر راقوت و بهر حال وی  
 زائل کند و رخاوت و رطوبت معده را سودمند بود سفوف لک مغسول حب لاس  
 بلوط مصطکه مازع و دلبسان پوست انار سربک کچیز و بنجیل کند سربک یک ربع خیز و قند سفید  
 دو چند همه شربت از دو درم تاسه درم و باید که تا یک هفته بدهند و هم وقت صبح و هم وقت  
 خواب گوشت درین اثنا ترک کنند و در قانون وزن کنند نیز همراه لک غیره که هم در  
 اگر بر واحد از آن مثلاً یک درم باشد یک یک درم باید گرفت و وزن او که مضاعف  
 مرقوم شد مختار صاحب فخره است و وی عوض لک زلخته مسطور عیدان الکاف نشسته  
 و بداند که شیخ در قانون لک عیدان مرقوم نموده است و اکثر اطباء از حفظ لک راده  
 کرده اند و اضافه وی بعید آن در کلام ایشان آمده است جهت رفع القباس چه لک  
 بعضی از جمله کهر بامید اند و تحقیق غیر آن است بدانکه لک نباتی است لهذا عیدان  
 مضاف شده و کهر با علی الاصح معدنی است و صاحب فخره لک عیدان را که در قانون  
 مسطور نموده عیدان لک تفسیر کرده باجاط تقدیم مضاف الیه بر مضاف و عجیب نیست  
 که حین ترجمه کلام یونانی بر عایت هر کلمه در محاسن از سرجم اول چنین رفته و تقدیم مضاف  
 بر مضاف در کلام یونانیان شایع است بالجملة عمل لک و عیدان وی یعنی چه بهای او  
 اگر چه قریب بایم اند لیکن در تجربه این درویش لک نافع تر از عیدان خود است

صاحب قاضی نفع منقول مسطور همین را اختیار کرده کما یظهر من کلامه تا اینجا عبارت حساب  
 قادری است را قلم گوید قولین بزرگ که که بر اعلی الاصح معدنی است مخالف کتب معتبره  
 مثل جامع بغدادی و جامع ابن بطیار و ترویج قانون و جزآن قول بسیار ضعیف را شیخ  
 از برای تصحیح قول شیخ مرکب توجیه ضعیف گردیده حال آنکه بدون از کتاب تکلیف قول شیخ  
 درست نیست زیرا که لکت از عیدان می گیرند و برای اضافه این قدر کفایت نمی کند کما لا یخفى  
 علی الطیب و در علاج الامراض حاشیه نهیه آن زیاده از این تفصیل نوشته ام سفوف  
 جهت پیوسته منقول است در تذکره و در یک هفته زائل میکند مرض راحص مرجان  
 کثیرا و دوا نیک بخورند و همچنین یک شتال عرق بهار چهار شتال مرجان و دوا نیک  
 هفته را و دست نمایند سفوف متعلیانا بواسیر و مفاصل اسهال کمنه و زحیر وضعف معده  
 و بعضی معده را نافه و حص تخم تره تیزک هشت درم زیره کرمانی هشت درم در کر خنثا  
 خشک کرده و پنج بریان یک شتال نیز گتان تخم گندنا بلیله سیاه بروغن زیت بریان کرده از  
 یک شتال یک شتال غیر از تخم و تیزک مجموع را کوفته بخیته مرتب سازند سفوف  
 یهودی از جهت زحیر مجرب است اسهال کمنه را بند کند حص تخم تره تیزک بریان کرده و بر قطونا  
 بریان کرده اهل بریان کرده از هر یک و درم زیره کرمانی تخم گندنا تخم شتال نیسون  
 و بر البیج از هر یک و درم و نیم افیون سه درم و دانگی کوفته بخیته سفوف سازند تره تیزک و درم  
 و کتب نوشته اند لیکن درست همان را قلم از دوسرخ تا چهار سرخ در آمده است افیونی را  
 یک یا شش یا یک نیم ماشه توان داد و بعد دریافت سازش سفوف زیادتی مقدار مفوض بر  
 طبیب است سفوف برای اسهال مجرب است خصوص بجهت افیونی که علاج آن دشوار  
 است حص گل دهاوه رال بر دورا سائیده بادوغ که آهن و انخ کرده باشند بخورند سفوف  
 برای اسهال خون حص صمغ عربی کثیرا سنگ جراح از هر یک یک یا شش برب بر یارب  
 و بر اسهال سفوف الطیب سفوف النسا نیز خوانند اسهال مراری و دوسوی را نافه

باشد مس بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم محاض بری بریان کرده صمغ عربی گل آتش  
 طباشیر مساوی کوفته بجنه از سه تخم اول در یکدیگر بیاورند و شربت سدوم روغن بادام با روغن  
 چرب کرده همراه گلاب یا بادویه و عرقهای مناسب بخورند سفوف این ماسویه جهت زیر و زدن  
 اسهال و سحرانفع است صمغ عظمی خبازی نقشه از هر یک پنج درم نشاسته بریان سدوم  
 صمغ عربی گل ارغنی از هر یک دو درم کوفته بجنه سدوم شام بابی که طباشیر و گل ارغنی  
 و صمغ عربی و آن منقوع باشد بخورند سفوف که در یک ساعت شکم بپزد صمغ شاه بلوط  
 بازو پوست انار از هر یک چهار درم سماق شش درم حب لاس هفت درم کوفته بجنه و دو درم  
 آب سرد بخورند سفوف که نافه است از جهت اسهال که با دسره بود صمغ حب لاس و آب  
 خربوب خشکاش از هر یک دو درم صمغ عربی یک درم کوفته بجنه سفوف سازند شربت سدوم  
 که همین نفع دارد صمغ عربی طباشیر گل ارغنی حب لاس از هر یک چهار درم پیاوست  
 کند از هر یک یک درم خربوب شامی قفل یکی اشق از هر یک سه درم کوفته بجنه شربت  
 بپزند سفوف بلوط مسوده راقوت و دود اسهال بازو در صمغ شاه بلوط یکدانه سوزن آرد  
 از هر یک دو درم خربوب بنطی حب لاس از هر یک بیت درم کوفته بجنه سفوف سازند شربت  
 سه شقال سفوف هندی برای بواسیر خونی و بادی سفید است صمغ تخم کاجین خشک  
 رسوت نمر کوک بلبله سیاه هر یک یک درم کوفته سفوف سازند و شربت یا شربت  
 و بعد از آن قدری قدری بخورد بشته بخورند غذا بر نان مرغین بی نمک یا کم نمک و آب  
 و بعضی حب بسته بقدر خود یکی صبح و یکی شام استعمال نمایند منقول از بیاض عم مجوم  
 سفوف ساز لبقای اخراج اخلاط ملته و وجع شکم و قویج کند و گرم باشد صمغ سنابلی  
 بزنجبیل پوست بلبله زرد نمک سیاه هر یک مساوی کوفته بجنه از هفت باشد یک  
 توله آب گرم بخورند و با طفل موافق سن ایشان باید و او سفوف حاصل سه سال  
 و غیر دسوی و در پنباب مبرک است صمغ بارتنگ بریان نیکو بریان تخم ریحان

بریان حب لرتاد بریان تخم حماض بریان ازم تخم بار درست دارند صمغ عربی بریان  
 طباشیر گل ارسنی گل قبری گل مخوم بل شیرین حب لاس پوست بیرون پسته سوخته  
 پوست اندرون پسته سوخته خردانه سوزیدانه بر لیس غصص سبز پوست نارین جفت لوط شاه لوط خرب  
 شامی خربوب بنطی شاخ گاو کوهی و شاخ بز کوهی که بر بار سوخته مرور ویدنا سفته سوخته و چنان  
 سوخته جوز السرو سوخته پوست گردگان سوخته نشاسته پست کنار اردو و گوز راج خسته  
 کنار سوخته قطه کنار تخم خاوی تخم خطمی اندکی بریان نمایند افاقیا سکه یک بمندل ساسیه  
 و خشک کرده پوست خشتاش زیره کرمانی یک شیار و زرد سر که خیساییده و بریان نمود  
 دم الاخون پنج انجبار تخم تونک بریان هر یک حبندوی خسته جامن سوخته  
 خسته انبه سوخته هر یک و جزو اندکی همه را کوفته بچینه با تخم با آینه سوخته سفوف سازند هر روز  
 دو درم تاد و شتقال باب سرد بخورند سفوف منخرج جهت اسهال و خون بواسیر و غیر  
 و هر نوبت اندک نشاسته بریان گل ارسنی تخم گل صمغ بریان فوغل شاخ گوزن  
 سوخته پوست تخم منع پوست کنار دم الاخون تخم ریحان بریان با زیتک پیره بریان  
 جفت باوطل گل رخ بسا سه هر یک نیم ماشه پوست بیرون پسته عود غرقی طباشیر سفید  
 حب لاس کشنیر خشک مغز انجبار و لایتهی هر یک یک ماشه که با تاد وانه بریان مرارید  
 بسد شایخ هر یک و ماشه کوفته بچینه سفوف سازند سفوف سفوفی که در اسهال سودا و  
 بعد وضع محاجم بر طحال بکار آید و از خمریات زین است حص همین صمغ بریان گرد  
 زرد بناد بریان تخم سداب تخم شنبه هر یک یک درم تاد وانه یازده درم کوفته بچینه سفوف  
 سازند شربت سه درم سفوف که اسهال معدی را نافع بود از بقای صمغ که و یا که از انج  
 حب لاس طارثیت طباشیر خشم کشنیر بریان هر یک سه شتقال خربوب اردو که از انج  
 هر یک پنج شتقال کوفته بچینه بر روز و شتقال بار برب با آینه بخورند سفوف که خرد  
 ریج بی اراده را فائده بخت صمغ زرد ما نخواه کاشتم که و یا هر یک جزوی افیون و در جزو

فانیذ سبزی که بزرگ و انبیه اسفوف کنند شربت بچند مرتبه این امراض کمونی و فلافلی و وج در بے  
 نیز نافع است اسفوف که خروج خالط بی اراده را مفید است بعد تنقیه بکار برند ص  
 گزنای فستقین ایر ساسا هر یک یک درم ناخته زیره کرمانی گل سرخ تووری نار شک زید  
 هر یک دو درم صلیک طایفسر سفر فارسی زوفای خشک هر یک سه درم بکوبند و به پزند و بر آب  
 بلبله کالی مخلوط بیاورند و مثل جمع شکله زو منضم ساخته یک درم صبح و یک درم شام به بند و از  
 استقام و تخین آب گرم به مقدار معاد بر شیر کنند و اگر سببین اخلاط سوداوی باشد  
 اقیهون یک درم اضافه کنند و یک درم و نیم ناشتا فقط به بند و صاحب شفا را لا استقام منفر  
 نوشته که بریان کردن او و سرخ برای دو غرض میباشد یکی آنکه اگر از جمله نریز در بغایت غرض  
 در آن پدید آید و دوم آنکه اگر کمتر از طوبت نبود یک گونه تخفیف در دو حادث گردد و چون  
 بعضی ادویه که معرا ازین دو غرض اند حاجت به بود و آن آنها را نیست و گل ارغنی بسیار  
 باریک بسایند تا بزودی از موضع سحج برود و بخلاف صمغ که آن بسیار باریک نباید ساخت  
 تا شدید الا لصاق بود و اسفوف که اسهال باز دارد و اشتها را فتنه باز آرد ص بریان  
 چون سرکه باریک کرده که و یاد سرکه تر کرده و بریان نموده کشنیز خشک رسر که تر کرده بریان  
 نموده هر یک بست درم خرنوب بطنی سماق پاک کرده گزنای گنار هر یک درم کوفته بنیم  
 شربت یک نیم درم با شراب مورد یارب به اسفوف قشر الرمان که عتلا فراط اسهال  
 افراط عمل مسهل بدینند فوراً باز می آرد ص پوست انار باز و هر یک یک درم کک و دو درم  
 کندر نیم درم بزر الیچ ریح درم افیون و الکی و این یک شربت است کامل قوی فراج  
 بانیبه استعمال نمایند اسفوف افقاع الرمان جهت اسهال مسقط کنند نفع کثیر دارد و سب  
 عجیب است و مراد او از افقاع و اینها گل نار است ص گنار شب بانی سماق بلوط  
 خرنوب سوک آرد کنار تخم مورد انار و آنه ترش قسط بزر الیچ سفید گزنای و طر شیت بلبله  
 کشنیز بریان و آنه انکور بریان پوست انار به اقیهون باز و جمله برابر بخورد بریان نیمه آنکه



بنجینه حجابت بدیند و در گر آباب سردی آب گرم سفوف تری که شکم براند و معده را  
 قوت دهد ص سناکی اندازد نه هر یک شش درم تخمیل بندی تری بدیند باویان هر یک درم  
 کوفته بنجینه وقت خواب مثقال یکم و نیم مثقال و صبح بخورند سفوف که جهت نزلت الا  
 مجرب است ص بلبله سیاه بلبله آله هر یک برابر روغن زیت رسته هر یک پنجم درم زرد کاس  
 مدبر حبش رشاد بریان هر یک هفت درم تخم کرفس نسیون که خرداید خشک کرده و بوداده و درم  
 چهار درم مسکه قرقل قاقله عود هندی سنبل الطیب هر یک درم و درم سعدیه درم صبح و شام و  
 بخورند سفوف اسوقه اسهال سعدی و سحوی یازده درم ص صلیق بوشوق صافق حبش سیاه  
 تفاح سفرجل سولق خرنوب شامی سولق بنق سولق بلوط سولق انبر بارلس که کاشای تلخ  
 یکجا کرده اجماع کنند اندامین و دارا تمه الاسوقه گویند و فرق و فرجه و سفوف آن است که  
 انچه در قون ساخته و آب و مانند آن انداخته نبوشند آنرا فیه گویند که با هوا المتعارف فی ای  
 و انچه خشک ردمان اندازند و آب آن افور بر آن اندازند و فرزند آنرا سفوف گویند و گاهی بر سبیل مجازا  
 یکی بر دیگر میکنند سفوف جهت اسهال اطفال مجرب است و غیره اطفال را نیز نافع بود و  
 طباشیر اندازد و نه بوداده بسیار نرم صلیب کرده صمغ عربی کثیره مسکه تخم سورگل صمغ گل  
 بالسویه سفوف کنند و در اطفال نیم مثقال صلیح و نیم مثقال شب بارب بر یا شربت سیب  
 بدیند سفوف جهت اسهال مراری فوسف و بو اسیری و نو اسیری حار با جایت و فوسف  
 مجرب نوشته اند ص گل سنج صمغ عربی بریان سماق همدان هر یک مثقال گل سنی زرافه  
 بریان دانه انگور که در سر که برورده باشند و بریان هر یک پنجم مثقال طباشیر سفید گل صمغ گل  
 و اغستانی هر یک و مثقال مسکه رومی عود قاضی هر یک یک مثقال شمریت و مثقال ابونیشا  
 نیواج جهت اسهال بو اسیری مجرب است ص نیواج غلاتی نیم مثقال نیواج خشک باغ  
 بازنگ بنه با است بخورند سفوف که رفق خون بو اسیر بازدارد و درین باب مجرب نوشته اند  
 ص معسنه نبولی و داشته محض یکی یکم باشد شکر تری سه داشته سفوف ساخته آب گرم بخورند

پنجم بر آتم نیز آنده سفوف سحر جهت اسهال صعبیان مجرب است ص سحر کند و حبس  
 خشکاش بالسوبه کوفته بختی با شیر مضمعه بنوشانند سفوف جهت اسهال فائده عظیم دارد ص  
 ورق قنبت یا ن بخیل نیم پخته و از لعل از هر یک نیم مثقال مصطک روی اندازند بر یا  
 کشنده خشک بریان از هر یک چهار دانگ صمغ عربی یک دانگ پوست خشکاش بوداده  
 یک مثقال و یک دانگ کوفته بختی هر روز یکدم از آن آب سرد بخورند سفوف لولوی از  
 علویان مضر الیه نوشته که بخت خود در اسهال و سوزی بواسیری و حرارت کبد و جوی و تهج پایا  
 و خفقه آن نفقه مراقب ترتیب اوده و منافق بسیار شایده نمودم ص مروریدنا سفته لیب سبز  
 زیر مهره خطائی از هر یک یک مثقال ورق طلا عشر اشب از هر یک یک دانگ و نیم ورق نقره  
 یک مثقال و یک دانگ و نیم صندل سفید ابریشم تقرض طباشیر سفید پوست بیرون بسته و انزله  
 بریان کشنده خشک بریان بادیان بریان آله نقش بلبله سیاه در روغن گاو بریان کرده از هر یک  
 یک مثقال و نیم زرشک سفی ساق سفی اندازند و از چینی از هر یک یک مثقال مصطک روی مثقال  
 کوفته بختی سفوف سازند سفوف از جمیع الجوامع سهل بود و در بلغم غلیظ و مجرب است و نیم  
 و جود عالمه ندارد و ص سرد سفید بخت تراشیده و بر روغن بادام شیرین چرب نموده پوست بلیله  
 سناکی از هر یک یک یکدم بخیل یک دانگ ففی خاریقون تازه پس سفید یونیزی بسیار بخت  
 اسطوخودوس افیون افراطی بختی کل سنج کثیر از هر یک و دانگ ففی نبات سفید و دو درم  
 بختی بروغن بادام دو درم چرب نموده از دو درم تا مثقال بخورند بعد از آن آب نیلگم بمشوند  
 سفوف جبر الیه و سنگ گرده و شانه را پاک کنند و پاره پاره کرده بیرون آورده و ص  
 تخم خیارین تخم خرپونه مغز تخم کدو از هر یک نیم درم خشک مربی چهار درم جبر الیه و حبس  
 از هر یک سه درم تخم کرفس سیالیون فطر اسالیون از هر یک نیم صمغ عربی کثیر از هر یک مثقال  
 کوفته بختی و دو درم با تخم از هر یک یک بخورند سفوف جبر الیه و بنفشه دیگر ص تخم قلند بنفشه  
 درم مغز تخم خرپونه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم و نیم سیالیون و دو درم صمغ عربی

نشاسته کثیر از هر یک سه درم حجر الیهو خشک شده درم قند سفید ششاد و هشت درم کوفته بخیته  
 و دو درم آب بخود سیاه بخورند سفوف که بول براند و حرقت بول و سوزش شانه را نماند  
 صفت تخم خیار بن مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه خشک نشاسته کثیر از رب لسوس از هر یک سه درم  
 برالنج دو درم قند سفید برابر او به شربت سه درم آب خشک نشاسته بپوشد سفوف جهت  
 تقویت و اخراج حصوات جرب است ص خاکستر بن کربن بطلی خاکستر پوست بقیه مرغ  
 که جوهر بر آرد و باشد حجر الیهو و دانه سائیده مثل غبار ساخته با خاکستر با بخیته آمیخته قند  
 کفنه شرباب خشک یا آب خشک تازه بخورند سفوف دیگر ص شادنج منسول دم لاجوز  
 بس که با گلناز شب یمانی تخم خرفه گل ارمنی گل قبری بالسویه کوفته بخیته آب سماق بخورند  
 سفوف ماسک ببول جهت سلسل بول بلا حرقت و بول در فراش و کثرت آن نافع  
 بود ص گلناز گزنه سحر یک پندرم کثیر خشک یان صمغ عربی گل ارمنی هر یک ه درم  
 کند سی درم بلوط پنهان درم کوفته بخیته یا با صمغ رند سفوف که زیابطس را نافع است ص صندل  
 سفید یک درم نشاسته کثیر تخم کاهو تخم خرفه هر یک سه درم صمغ عربی گل ارمنی گلناز سماق  
 بلوط هر یک یک درم کوفته بخیته مرتب سازند همراه بعضی اشیاء که جالع قبض و جموضت باشند استعمال  
 کنند سفوف در رمل از شادان سیل ص مغز تخم پوزه تخم خبازی تخم کرفس از اینها هر  
 یک بخورند و مغز بادام حب لبان بنج عقیق بنج کاکنه حب بلسان و دو قوت قفاح از خردناخواه برگ سندا  
 فلفل گل صمغ سحر هر یک نیم خرد و کوفته بخیته سفوف سازند سه درم یا کم از آن با بلنج برسانند  
 بخورند سفوف جهت قره شانه ص سومیاکی کافی دو دانگ م الاوخین شادنج منسول  
 نشاسته تخم کرفس هر یک یک درم صمغ عربی یک درم کاکنه دو درم سفوف سازند شربت یک درم  
 و نیم با شرباب ششاس سفوف جهت قره شانه و جربان و جمیع امراض مسطور مفید ص  
 زیونید چینی یک درم صمغ عربی گلناز افیون کثیر از هر یک دو درم تخم خرفه سه درم زرشک سید  
 هشت درم کربت زرد طباشیر تخم خیار بن هر یک دو درم کبج سفید پانزده درم شکر طرز و سبب

کوفته بنجیه سفوف سازند شربت سه درم با پنج یا طلا سفوف که جهت جرب کلیه بعد از استقرار  
وقتی بکار آید ص ر ب لسوس چهار دانگ نشاسته صمغ عربی کثیر اختشاش سفید نر را پنج سفید  
دو درم مغز تخم خیار باد رنگ مغز تخم خرپوزه هر یک پنج درم تخم خرفه ده درم کوفته بنجیه نر قوطونا  
ده درم اضافه کنند شربت هر صبح سه درم با طبع شام بهتره و شربت انجیر سفوف بعد از انجا درم  
کرده و شانه هر گاه ریم باز ایست جهت کشا و ن بکار آید ص راز یا نه انیسون هر یک یک درم تخم  
سرف راس خشک هر یک یک درم و نیم تخم انیسون تخم کرفس هر یک و درم فطر اسالیون سه  
درم شربت دو درم صبح دو درم شام سفوف جهت قرحه مزین که با چرک و با او قطعه البول  
و سلس البول نیز نافع بود و جهت در و رینی نافع بود و صاحب تخم گفته که در امراض مذکور  
چند مرتبه تجربه رسیده و موثر افتاده ص گل ارسی کشنیر خشک صمغ عربی تخم حمض بوداده  
کندر دگر هر یک و درم بلوط بوداده پانزده درم شربت دو شتال باب سرد در ایام شتال  
این سفوف از آب اجتناب نمایند سفوف که فیتت حصات کند و جهت محررین صفات  
جگر گرم نافست ص صمغ اکو تخم کاسنی هر یک نیم خرد و مغز تخم خرپوزه مغز تخم خیار هر یک یک  
شربت دو شتال بابک اوقیه سکنجبین سفوف که حکیم علی در شرح مفردات جهت حصا  
امجربات نوشته ص زرق الحمام دو درم و اجینی سه درم کوفته بنجیه بخورند و همچنین کوفته  
اگر بجای وانه تخم کتان بدهند و سفوف ازرق آن کنند حصاة را پاره پاره کند سفوف  
که چکیدن بول بی مراد و سیلان مینی بی اراده باز دارد و اصلاح حال نشانه نماید ص گل  
گلنار از هر یک پنج درم سک تخم کرفس تخم کوک تخم سداب از هر یک سه درم انیسون نیم  
دو درم بلوط کندر سه درم پاپر دو درم سعد سه درم زیره دو درم خرفه چهار درم کوفته بنجیه نر  
آن فایده امینته مرتب سازند از پنج درم نافست و درم بخورند سفوف اکب را بوند بنسبه  
عیسی بن یحیی از برای قروح کلیه شیش ترس گفته که سفوف اکب را بوند و بزرگ کانیخ خصوص  
جبله آن قوی است در علاج قروح کلیه ص مغز تخم خرپوزه مغز تخم خیارین مغز تخم خیار

[illegible]

حص است سلامجیت انقباضی یک تولد است علی سباده و سفید آینه هر یک نیم تولد علی چای با شکر  
 نیم آتش کوفته بخت سفوف ساخته بهفت باشد با شیر تخم خیارین بخورند سفوف برای اسهال  
 و ابراز مجربات هم درم منقول شده حص سداب و نانا ابل از هر یک درم پنج درم شربت  
 لیمو درم سفوف که قطع شود جمیع از رجال و نساکند حص شندراج تخم خرفه تخم کاهو  
 تخم کاشت از هر یک یک درم و نیم و خربزه شربت درم با شیر تخم خرفه سفوف از زعفران  
 و مقداره دار حص کشنیز بریان سحاق پاک کرده چند بیدسته صدق سوخته که بالبد هر یک درم  
 نازولی سورخ بلوط بریان قرفل کلنا از هر یک پنج درم شربت دو درم آب سرد سفوف  
 که با دمای رهم را برود زنان آبش را سود دهد و سده و جگر اوت دهد حص پودینه تخم بابا  
 هر یک یک درم و نیم دارد عافه فرج هر یک درم زرباد و پنج تخم کرفس ج جوز بودا در فضل  
 و اجنبی خیر بودا هر یک درم پنج درم سفوف هر یک پنج درم شکر نیم چندا و دیر شربت دو درم تا  
 سه درم سفوف از بقای برای جریان سنی و سوزاک قدیم و جدید بسیار مفید نوشته است  
 است سلامجیت الایچی خورد که مان سید تا مکمانه قلعی کشته بنسلوچن هر یک یک درم نبات سفید  
 برابر همه کوفته بخت هر روز نه باشد تا یک تولد بخورند سفوف برای جریان سنی از بقای صر  
 بیج بند سباده تخم بلبل هر یک درم که و تا مکمانه اندر جو شیرین هر یک شش درم بسوزد  
 بیست و ارم کوفته شکر تری آسیننه هر روز یک تولد باب سرد بخورند سفوف جهت کشتن  
 حص چمال دواک چمال مولس می چمال گولر گولر سینبل موصله سینبل فود گولر بول گولر  
 دواک گولر گولر خود بریان همه برابر کوفته خوراک کامل آن بهفت درم است سفوف جهت  
 سوزاک قدیم و جریان ریم از بقای حص سلامجیت سیت گاو تانه الایچی کلان تو اکیر  
 کشته سفید بسوزد حص همه برابر کوفته بخت یک مانکت هند سفوف بهست سوزاک سیلان  
 چرک مجرب است و تخلف ندارد حص شوره قلعی دانه الایچی کلان هر یک بست و یک باشد  
 باریک ساخته شش حصه کنند و تانه روز همراه آب یک حصه صبح و یک حصه شام بخورند

روز چهارم آبیکه برنج سرخ که آنرا اهل هند سائمی گویند قدر دوسه دام در آن تر کرده باشند بخورند  
 روز پنجم و ششم نیز همراه همین آب برنج باید خورد و غذا درین اثنا دوسه روز هم بی نمک  
 و بی شیرینی بخورند سقفوف در کشادن بول بسته از مبریات است ص شور قلمی خردل  
 هر یک نیم دام بخیه سحق کرده آب ناشتا بخورند و در طب فرشته نوشته که اگر بادشاه را بول بند  
 شده بود هیچ دوائی نشود آخر حکیم مصری سه توله شور قلمی در آب حل کرده داد و بفاصله دو روز  
 دو توله دیگر داد حق تعالی شفا بخشد سقفوف برای اصلاح منی موجب بعضی اطبا است ص  
 شتاق صبری فحاصی مصطکی روی دارچینی صورتی بنساجون گجراتی راج نو و خوب تا ملکما  
 گوهر و پستان سنگاره خشک زهر یک یکدم مصری سه دام همه را کوفته بخیه بوزن برابر  
 چهارده بوٹری بسته هر روز یک پی ی باشدیر تازه ماده گاو بخورند و از ترشی و جماع پرهیز نمایند  
 سفید از برای قوت باده و در نهایت نفع است ص بکیز خشک خشک آن را کوبیده  
 و آب خشک تر نمایند و در آب خشک سازند و این کار را که میکنند تا آنکه سه وزن خشک  
 خشک آب خشک تر بآن بخوراند و خشک نمایند پس بکیز از آن خشک مربی یک جز  
 و ارقار قرقر خارج جز و نبات سفید مثل مجموع و همه را کوفته بخیه چهار درم از آن بخورند سقفوف  
 برای منج میلان رطوبت رحم بسیار موثر ص خسته ترسندی را در آب تر نمایند تا که تمام  
 قوت دی و آب بیاید آنوقت خسته ترسندی را نقش نموده باز در آب مذکور تر نمایند تا  
 آنکه آب بخورند و خشک شود و بعد از آن برگرفته باریک سائیده هموزن آن منقرض و درخت  
 از او یعنی منقرض بکاین و صندل سفید آمیخته بر اربع نبات انداخته سقفوف سارنگ و یک  
 او قیبه آب بخورند و سقفوف دیگر از بیاض عم مرحوم حیض منقرض باز در ص سپاری چنانکه  
 دو درم برگ بانسه دو درم قیو و دو درم باریک سائیده بقدر مناسب قوت خفغن که بعد  
 خالی باشد بخورند سقفوف دیگر برای قوت باده موجب است ص تخم جرجینم نیم بوٹری  
 تخم ترب اجزاء مساوی کوفته بخیه سه درم از آن یک و قیو شیر تازه بخورند سقفوف

موجب از اطباء پسند منقول از ترجمه باسیر جیت در دپشت و در زمینی و تقویت الفاظ و سستی  
آلات تناسل ص فلفل هفت شقال و نیم صلابه کرده در سفال آب ندیده و پاک دار چینی  
هفت شقال و نیم بستور کوفته بجنه اضافه نمایند و بر روی آتش نرم گذاشته تا چهار صد و پنجم  
مرغ بگذرانند که چون شود مغز پخته و در شقال و نیم نبات سفید بشنود و دو درم کوفته بآن  
نمایند و مجموع را در یک روز بخورند و سفوف دیگر که در امر قوت باده و اسهال موجب نوشته اند  
بگیرند یک سیر و از فلفل را در سیاهی شیر گاوی و بچشانند تا تمام شیر را در خود و بعد از آن خشک کنند  
و تا سه یا چنان کنند پس خشک کرده باد و وزن آن نبات سفید کوفته و در هم کرده نگاهدارند  
و هر روز صبح ناشتا بخورند و نیم درم سفوف دیگر که بخت قوه باده و اسهال منی موجب هفت  
ص جوز بوانیم کوفته و در آب پوست خنکاش هفت مرتبه پرورده کنند و هر مرتبه خشک و  
باز آب پوست تازه بر روی آن کرده خشک کنند تا هفت مرتبه تمام شود پس فلفل خجیل  
و از فلفل شکر طرز دخم و گل بنک که آنرا هندی گانجه گویند جو پرورده اجزاء مساوی کوفته  
بجنه اول مقدار یک درم در وقت عشاء بخورند و بعد از آن هر روز مقدار موافق و اگر حبسته  
استعمال نمایند هم رواست و اگر چسب محض گانجه نماید اولی خواهد بود و سفوف که شش  
باده میفراید و بغم رفع کند کرده را قوت و بد و صحت بدن افزاید و ششها زیاده کند و مبالغه بسیار  
دارد و مختصر کرده شد ص زنجبیل و از فلفل فلفل تخم که فلفل گلزار و نیک که از زیره سفید از هر یک  
چهار درم و فلفل انار دانه از هر یک هشت درم تخم آوگن پاک کرده چهل درم سنگند که بعد  
و بسبت درم حلیت یک درم ادویه کوفته بجنه نگاهدارند و هر روز نیم درم ازین سفوف ده  
زنجبیل و رو و سیاه شیر گاوی و خام اندازند و صبح ناشتا بخورند و شکر سرخ بخورند و سفوف که منی  
خشک کند ص تخم سداب اینسون از هر یک یک درم بزر الیخ سفید بجنه شیر از هر یک یک درم  
گل سرخ گلزار از هر یک سه درم کوفته بجنه سفوف سازند و شربت و درم آب شکر و سرکه  
و یا دمنش بکار برند و سفوف کیمیای عشه ص کیمیا کیمیای عشه ص کیمیا کیمیای عشه



قرنفل چهار سرخ زعفران یک سرخ شنگرف چهار سرخ دارچینی یکماشه ماز و پهل جارسرخ  
افیون شش برج و رنق طلا و رنق نقره هفت هفت سرخ مشک یکماشه ریگت ہی  
یکماشه این همه را سفوف سازند و با یک قوح شیر فرو برند بعد چندی بجای ششول شوند  
نهایت قوت یابد و قدری اسهاک خواهد آورد و چون در وقت جماع قدر سوزش سینه  
یک پیاله گلان شیر بخورند و تمام شب همین قسم چپا زده آثار شیر باید نوشید و مفهم خواهد بود  
و بیدار خواهد ماند و در جماع ششول خواهد بود و از بیاض عم مجوم نقل شده لیکن در تجربه  
راقم نیامده است سفوف از بیاض عم مجوم ص سفوف خسته جاسن سفوف خسته  
با تهاجوری رسوت سوچرس فوہیس سوتہ سفوفیل لوده گیر و کا پهل فلفل کرکسند  
صندل سرخ ماز و کرناز و ہماسہ گل دما و ہ ملٹی پوست و رخت سانج برابر سوہ ہوزن  
آن شکر سفید پیانیزند و دو دم آب شستہ برج بخورند و چون حیض و بواسیر و شکم باز دارد  
تری در فتن زرد آب و ہر نوع کہ باشد بر طوط سازند و اگر فصل و شکم عجول سازند نیز  
سفوف برای رطوبت نسا ر مجرب است ص دما و خسته ہنہ خسته جاسن یکماشہ  
رسوت مائین سوچرس گل زعفران اتیس سوتہ پیل گری لوده گیر و کا پهل فلفل کرکسند  
اند و صندل سرخ پوست کرناز و ہماسہ گل دما و ہ ملٹی ار بن بر جن گل کیلہ گل سنبل  
برابر کوفتہ بنجینہ سفوف سازند و جسل و آب برنج بندرم بخورند سفوف مختصر برای رطوبت  
نسا ر مجرب و سفوف از بیاض عم مجوم ص گل ہر ہری اگر اسہا کب پیانیزد ہم سامیتہ  
بوزن نیم ہاش باز دی نیم مرغ نیم پشت ہر دو وقت بخورند سفوف امیران از حکیم علی برا  
اندال قرص سوزاک بسیار نافع و کر تجربہ در آمدہ ص ہاش سفید کبریت زرد و دو دم سفوف  
تیارین چار دم تخم خرفہ نیم مثقال صغیر علی و انگ کتیرا و انگ سران چینی و انگ گنا  
کیتم و انگ زرشک میدانہ افیون زرد و نداجج از ہر یک دو و انگ کبچہ سفید مقرر مثقال  
شکر سفید چارہ دم کوفتہ بنجینہ سفوف سازند و اگر کیتقال آب تازه یا او و ہ مناسب

سفوف دیگر برای سرعت انزال مجرب است ص لاکه دانه زرد و مشول سربانی  
 لوده پنهانی بازوی سوراخ خورد برابر کوفته بنجینه شک سفید هموزن ادویه آمیخته آتشش  
 نانه ماشه با شیر گاویش بخورند سفوف برای قوت باه و اساک و تقویت اعضا ریشه و  
 کرده و مشانه بی نظیر است تصنیف والد ماجد ص گوند کثیرا کلنا صندل سفید طباشیر سوس  
 خاک خشک درده مایتین قلعی کشته از هر واحد چهار ماشه که با سائیده مصطکی گل ارمنی طباشیر  
 شتقل لسان الوصافیر نفع یکمان بید مایه شتر اعرابی لوده کرانی از هر یک سه ماشه  
 سنبل الطیب و ماشه تو درین بهمنین نه نه ماشه پوست پنج موالسری پوست پنج کپال  
 پوست پنج جهریری پوست پنج کیکر پوست پنج شکابولی سنگماره خشک از هر یک پنج  
 دانه الاچی خوردش ماشه ادویه را کوفته بنجینه برابر آن نبات سفید آمیخته سفوف سار  
 ویکت که باب سوز خورد سفوف برای انزال قرحه مجرب است تالیف یگانه روزگار  
 حضرت استاد رحمت الدج ص گوند کثیرا دم الاخون گل ارمنی طباشیر رب السوس گل غنوم  
 کلنا رب گانج تخم خشخاش از هر یک و ماشه نشاسته تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه مغز تخم  
 از هر واحد سه ماشه ریونید چینی ماشه کوفته قیقه سفوف سازند سفوف منافی از تالیف  
 ص سنگماره خشک شمشیر ماشه بازوسه ماشه تالمکانه نشاسته هر یک چهار ماشه گوندش  
 ثعلب مصری چهار ماشه مصطکی سه ماشه نبات سفید هموزن ادویه کوفته بنجینه سفوف سار  
 خوراک پنج ماشه آفت ماشه سفوف دیگر برای تقویت باه ص پوست پنج شکابولی  
 پوست پنج اوش کساره آرداش هر سه بوزن برابر و اراد رسایه خشک کرده جدا  
 یاریک بسایند و با سوز کرده بهم آمیزند شربت هفت ماشه وقت صبح یا قدری شربت گاو  
 سفوف برای تقویت منی مقول از بیاض عمم درم ص قرق جاج بند تخم کوبی کلنا تخم  
 سوس بوبولی شکر اندر جو شیرین تالمکانه سمندر سوکمه و ص سیاه موالی و ص  
 سنگماره خشک مصطکی نصینه الثعلب کباب چینی دانه الاچی کلان طباشیر خاکش

سه ماشه گوشت ناگوری نشاسته سوزده تخم خشتاش از هر یک چهار ماشه کوفته بختیه بران  
 شکر سفید داخل کرده بکته له باب سرد بخورند سفوف برای سوزاک که با خون دریم  
 اصل السوس منقشه نانک ست سلاجبت شوره قلی جو اکهار الاچی کلان گلکسو  
 برگ حنا بلدی زیره سفید از هر یک و نانک نبات بیت و هشت و نانک سفوف ست  
 یکد ام بختیه همراه آب سرد بخورند سفوف مفتت حصات از مجربات است ص ناخواه  
 تخم کرفس از هر یک پنج درم تخم جریدرم باریک نموده هر روز و درم باب سرد بخورند  
 سفوف برای سرعت انزال از بیاض غم مرحوم ص سورانه پادیسر صلی سیاه ص  
 سفید میوچرس سنبل الطیب خراطین از هر یک چهار دام بختیه کوکنا دودام بختیه انیون  
 پنج ماشه تخم جلبلی دودام بختیه ورن الحیال در کف تنفر بر کرده در سایه خشک نموده یک  
 توله باشیر گاو بخورند سفوف برای سوزاک ص گل سیون نانک یا بختی پنج نانک گاو  
 قلی هر یک یک نانک الاچی کلان اصل السوس هر یک پنج نانک تخم کشتیز دو نیم نانک  
 زیره سفید دو نیم نانک برگ حنا آله منقی دو نیم نانک نبات سی و دو نانک جو کوب  
 نموده هر روز پنج نانک این سفوف را پنج نانک نبات در یکپا آب شب ترکند ص  
 مالیده صاف نموده بنوشند سفوف برای سرعت انزال ص بوسن و رخت بول  
 برگه پلاس ستاو خسته انبه پوستی کفرنی پنج سنبل پوست انجیر باغی پیل بول  
 سیستان بگردنی مساوی کوفته بختیه سفوف سازند سفوف مقوی باده ص پیل  
 را باده برابر شیر گاو و بوشاند که شیر را در خورد و بعد از آن پیل را در سایه خشک کرده در جا  
 که با و نباشد باریک ساییده هر روز سه درم باش درم نبات سفوف نموده بانیم شیر گاو  
 خورد و باشد سفوف دیگر ص سورنجان مصری ده درم سنکلی مفتت درم پوست  
 پیل منفر بادام منقشه از هر یک سه درم زعفران نیم درم سفوف نیایک درم گل سیخ  
 شش درم فندک سفیدی درم اگر باده بلغمی بود پنج سفید پنج شغال ستود و یا بنیدرم

نمایند سفوف سورنجان برای خراج بخواه سودا و بلخی در امراض مذکور بکار آید صمغ ریحان  
 مصری هفت مثقال غنچه گل سرخ منزع الاقماع سنابلی هر یک پنج مثقال پوست بلبل  
 ترب سفید مجوف تراشیده بروغن بادام شیرین چرب نموده از هر یک چهار مثقال سفوف نیا  
 مشوی لاجورد مغسول حجار منی مغسول از هر یک مثقال بوزیدان بسفایج فستقی مصطکی  
 رب لسوس از هر یک و مثقال زعفران دو دانه قند سفید ده مثقال کوفته بنجیه سفوف  
 سازند و شیشه نگاه دارند شربت و درم باب سرد سفوف قفس از هر یک از هر یک  
 در و مفصل بار و در قفس بار و در کوفته اند و گفته اند که با لکویه قطع می کنند صمغ  
 ابل سداب تخم کرفس از یانه دو تو هر یک و در جزوفه بادام تلخ سنبل قسط شیرین زرا  
 در حج هر یک شکر کوفته بنجیه هر روز یک درم استعمال نمایند و از ابتدا در رستان و تا وسط نهاد  
 بکار آید و بعد از تناول این تا چهار ساعت از ناکول و مشروب چیزی نخورند و باید که بعد  
 از تنقیه استعمال نمایند سفوف مجرب حکیم نال الدین حسین مرحوم جهت تب ریح صمغ  
 افیون نیم مثقال جنبدی شربت غشوقه نقل شونیز مرصاف سیع سایله و اچینی سداب  
 خشک فلفل هر یک سه مثقال مجروح کوفته بنجیه سفوف سازند شربت یک مثقال با شربت  
 مثقال شراب کهنه سفوف خازن صمغ ترب سفید بنجیل مصطکی شکر سادی کوفته  
 هر صبح از یک مثقال تا دو درم بخورند سفوف شاهره که اهل شام بمیچ اقسام جرب استعمال  
 می کنند و طبری نقل کرده که بعد از تنقیه و قصد اصلاح غذا بکار می آید صمغ قنبل سدوم  
 و ثلث با میران چینی پنجم شاهره خشک ه درم کثیر خشک بیت درم کوفته بنجیه با سب  
 شکر آمیخته بر حل نشسته ریحنه استعمال کنند شربت سدوم تا پنجم بعد از طاقت سفوف  
 که لدغ عقارب نافع است صمغ یونانی زرافه و بلبل پنج کبر عاقر قرحا بالسویه سفوف سازند  
 شربت از یک مثقال تا دو درم سفوف برای بنجام صاحب بقای مستودع صمغ  
 نیم کیمین سفوف کدو کدائی با برون و هر یک از کدو کدائی و کدو کدائی و کدو کدائی و کدو کدائی

جدا جدا گرفته بختی زهر واحد یک پا و اکبری بگنجد مزاج نموده جملہ را چهل و نه حصہ کنند یک  
 صبح و یک حصہ شام بدین غذا و ال نخود بی نمک نان نخود بی نمک و بنابر ضرورت نان  
 سبده و کباب بی نمک سفوف برای جرب سعه و سوزاک و آتشک و بر قسم که آبله  
 باشد بسیار مفید است خصوص بعد از ترقی و بار بار با تخم نموده شد ص لبیلہ زرد چهار ماشہ لبیلہ  
 کالی سی ماشہ لبیلہ یازده ماشہ آبلہ ده ماشہ شانه سی ماشہ چوب گز یازده ماشہ گل سنخ خشک  
 ریوند چینی پنجاه برگ سنابست ماشہ لبیلہ سیاه ده ماشہ کوفتہ بختیہ هموزن شکر سفید آمیخته  
 سفوف سازند و علی الصباح یک یک دانه یا یک یکتولہ یا نه ماشہ ازین سفوف خورده باشند  
 اگر مزاج سعادت کند علی التواتر بخورند و الا دوسه روز بخورند و موقوف نمایند و باز شروع  
 کنند و بصغیر السن وضعیف المزاج کمتر ازین باید داد سفوف جهت برص ص لجمود  
 پا و آثار کیر و گویاری نیم پا و سر دورا کوفتہ بختیہ مثل سر سخته وزن یک مری روزی بار  
 آب بخورند و غذا و سوای نان بی نمک روغن دیگر ندینند سفوف دیگر جهت برص ارجح  
 شاه عطار الدمد مردم ص مندی پا و سر سمندر سو که نیم پا و سر دورا کوفتہ بختیہ سفوف ساخته  
 سر روز نش ماشہ یا نه ماشہ بروغن زرد بخوراند و از شیر و شیرینی پر بنیز کنند و در آتش بخورند  
 ازین سفوف گویا طلا کرده باشند کونیل ختیه سر دورا کوفتہ بختیہ آب لیمو نمیده کرده گویا  
 ساخته نگا بدارند وقت حاجت آب لیمو ساییده طلا کنند سفوف جهت سرخ باوہ طفل  
 سهول و مجرب صاحب بقائی و او نوشته که تخلف نمیکند ص کچور زیره خا برک نیم کل  
 و این بنی ملاه حری سمن بند فوه پوست انار و هاسه یکن رکت چند مندی سوراج  
 نیمه دینکی یکبجر و دو دانه دیگر و نیم جز و همچنین سر و ایا بعد یک جز از دو انا قبل زیاده باشد  
 چنانچه اگر کچور یک گرم باشد زیره و درم علی هذا القیاس تا و نیمه یک یک گرم بنیز اندوزند  
 مینده درم یک بند و سمن نیم کوفتہ نگا بدارند وقت حاجت به طفل از یک شته ناز ماشہ  
 شب در آب تر کرده صبح صاف نموده حسب قوت دس طفل دهند و نه ماشہ خوراک

فوی مزاج و کلان است که بسین ربات و بلوغ نرسیده باشد و اگر طفل آب یا سرکه بود  
 بداید و ی و قدری بطفل میداده باشد و اگر ازین عارضه بدن ورم زیاده کرده باشد  
 و جای متفرج شده باشد نقل ازین دوا و آب برگ خناسائیده ضداد کند سفوف  
 برای سرخ نمودن رخسار ص زوفای خشک و جزو عرفان سه جزو کوفته بنجیه سفوف  
 ساخته هر روز و درم بوزند سفوف مسهل عجیب غریب منقول از خط جد امجد و غم مردم بود  
 و در آخر از سودابی نظر است و بلغم را دفع نماید و آشک را در سه روز دفع می گرداند و ارا  
 در میان انداخته همراه شیره فرو برند و اکثری آرد و با وجود آن در اسمال تقصیری نمی کنند و جا  
 مزاج و ضعیف المزاج کم استعمال باید کرد و ص بگزیند سیاه و گندک مسامی الوزن و کل  
 نمایند و هر قدر که سحق زیاده خواهد شد بلغم خواهد شد و قی کمتر خواهد آورد و اگر کم سحق خواهد شد  
 البته قی خواهد آورد و قتی که از کجلی فارغ شوند برابر هر دو جزو و حلت لسلطین کوفته بیه سرکه سحق بلغم  
 بعد از آن سنگ بصری مسامی از هر واحد از سیاه و گندک گرفته یار کنند و باز سحق نمایند  
 قدری که سنگ بصری باریک گرد و نیمه را برابر داشته در ظرف گلی آب نارسیده لیست  
 و کمر را شسته آبش در میان ظرف مذکور اندازند اگر بر دست قرار دهد و انگشت آب  
 نه آید و الا آب بگر بریزند و بالای آتش نگاهدارند تا که آب خشک شود و هنوز تدریجی آب  
 در طویته باقی باشد که از آتش فرو آورده در سایه ت و بالا نموده نگاه دارند که خشک شود  
 پس در ظرف شیشه یا چینی بردارند و قدری تحمل در یک سرخ یا دو نیم سرخ است  
 باب الششیلان لم یجیه شربت از تالیف قدما است و جمعی بر آن اند که اول  
 کسی که شربت تالیف نموده فیتا غور سلست شربت مجرب و معمول و الدیاجبت  
 اقسام بالیخو لیا اکثر بعد تنقیه همراه مارا بجن استعمال میفرمودند و در تنقیه و تنهائز گاه گاه  
 در استعمال می آوردند ص گاه و زبان کیلانی هفت درم و نیم گل منقیه ریح کم و درم  
 گل سنج یک درم و سربع ورق باورنج و یو گل نیلوفر تخم فرغ خشک بلیله سیاه افیتون

بسنج فشتی برگ فرخ خشک اسطوخودوس رزق ساز بر یکد نیم درم نبات و گلاب  
 هر یک پا و آثار شب دویر را در آب خیسایند صبح بطریق معروف همراه نبات و گلاب  
 بقوام آورند و اگر عود صندل نیز بچین شیر خشک داخل میکردند در این وقت در سایر خواص  
 اقوی میگشت شربت مسهل نیز از تالیف استاد است برای اخراج مواد سوداوی  
 و بلغمی مفید جهت خفتان بار و امراض دماغی بجز بر رسیده ص پیما و شان گاوزبان  
 گیلانی بادرنجبویه انیسون از هر یک یکتوله گل سرخ پنج کاسنی هر یک یکتوله گل خنثیه  
 تره سفید هر یک دو توله عود صلیب غار یقون نرم سفید از هر یک نیم توله ساکی سه توله  
 سی وانه کشش چهار توله اسطوخودوس بسنج فشتی بلیله کابلی تخم کرفس نیکوفنه تخم کشمش  
 بلیله سیاه از هر یک یکتوله او ویرا از انچه کوفتنی است نیم کوفته و شرب در آب که جهات  
 بالای او ویرا باشد تر نمایند و با ترنجبین نبات و گلقد از هر یک پا و آثار بقوام آرند شربت از  
 چهار درم تا پا و آثار بعد فنج مواد استعمال نمایند و اگر حاجت باشد برای قسیق نمودن سنگام  
 خوردن این شربت عرق مناسب بقدر مزاج نمودن بنوشند و این شربت را بجهت  
 که از خوردن مسهل کاره بود نصیفت فرموده بودند شربت بادرنجبویه از جلالی ص  
 گاوزبان خشک سی درم بالنگوتازه یک من اگر تازه نباشد خشک سی مثقال بگیرند و  
 بچوشانند و بیالایند و بایک من غسل گت گرفته شربت سازند و نسخه که جدا میجد در قرابا این  
 خود مرقوم ساخته اند در آن غیر شرب بوزن یکان توله نیز داخل است شربت اسطوخودوس  
 در انضاج مواد سوداوی و بلغمی مخصوص مواد دماغی نفع بسیار دارد و نسیان و اختلاط  
 مفید است ص اصل السوس قشقرچ درم بنفشه خشک رزق گل سرخ از هر یک هفتد  
 پیما و شان اسطوخودوس فاوانیا گاوزبان خراسانی تخم رازیانه تخم کرفس تخم خطمو  
 هر یک پنجم سوخته فشتی بیت درم پستان سی عدد همه را بچوشانند و در سه رطل سنگ  
 بپزند و غسل صاف کنند و شربت بپزند از ده درم تا پانزده درم آب گرم بدیند شربت

ابریشم که حکمت پناه هیچ الزام بحیث جهانگیر بادشاه ساخته بود خفقان را شصت عظیم  
 نموده و معمول عمم مرحوم بوده ص ابریشم خام ده توله یکت بانروز در سه آثار آب بنجیانند  
 و بچو شاسته و صاف نموده بان ضم کنند و بنفاد شقال نبات سفید و سی شقال عسل و  
 کرده بقوام آرند و تبریزند تا سفید شود بعد از آن با ابریشم مقرض سه شقال گاوزبان یک  
 دو شقال فرخ مشک یک شقال دوارید که را شیب صندل سفید و صندل مشک عینر  
 از هر یک نیم شقال گلاب سیر سیر و معمول شربت سازند شربت ابریشم منقول از زبان  
 عمم مرحوم برای خفقان بار و تقویت معده و رفع اراضی باغی مثل صرع و تقوه سفید صر  
 بکنید ابریشم یک رطل و در آب آهمن تاب سه شیار و زنجیانند و پس بچو شاسته و جوشانیدن و  
 ناقوت ابریشم در آب بیاید صاف نموده نگاهدارند بعد از آن اسطوخودوس نیم رطل یک  
 گاوزبان تارنج رطل بادرنجویه ربع رطل گل گاوزبان چهار توله بگیرد و هر یک جدا جدا  
 بدستور بنجیانند پس بچو شاسته و غسل مصفی و نبات سفید هر یک سه با و بقوام آرند و از آن  
 فرو و آورده این ادویه را با یک سائیده داخل نمایند و عود هندی صندل الایچی خورد و از  
 شیرین عود صلیب سافج لبفایج مستقی خولجان و ج ترکی سنبل الطیب نقل از هر یک یک توله بسا  
 جوز بواز عفران از هر یک شش ماشه عینر شیب نه ماشه شربت ابریشم جهت تقویت  
 دل و دماغ و باه مفید است منقول از بیاض عمم مرحوم ص ابریشم چهار توله با یک نموده  
 در چهار شیشه عرق بید مشک و و شیشه گلاب سه شیار و زنجیانند و بعد جوشانیدن و  
 صاف نمودن هفت توله شراب فواکه و شستاد توله قند و نبات سفید داخل کرده کهن  
 آنرا با سفیده تخم مرغ گرفته بعد در آن دار و باراد و عینر طیب به بچو شاسته تا بقوام آید و عفران  
 عود هندی صندل از هر یک یک شقال صندل سفید سنبل الطیب از هر یک سه شقال نقل  
 سبیل سافج و رنج عفران از هر یک نیم شقال بعد فرو و آوین عینر شیب و و شقال مشک  
 نیم شقال ورق طلا یک شقال و قند و شقال نقل یک توله یک ساعت خوب بپایند



و بکار برند شربت ابریشم از تالیف راقم جهت تقویت دل و دماغ و باده مفید صحت است  
 ابریشم سی متقال بکشد و بخیزد و سه شباروز در گلاب و سید مشک آب باران بر یک  
 دو آن تخمبیا اند و بچوشانند پس صاف نموده با غسل و نبات سفید از هر یک بیت متقال  
 بقوام آورند و بعد فرو آورند و عنبر اشوب بمتقال و ورق طلا بکند و ورق نقره بکند  
 و در آن حل کنند و در ظرف پاکیزه نگاه دارند شربت از نه باشد تا دوازده شربت گاوزبان دل  
 قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع باشد و خفقان را از ازل کند از شفاقی ص  
 آب گاوزبان تازه کمین با کمین قند بچوشانند و کف آن بردارند و بقوام آرند و بیت متقال  
 گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد چهار یک خشک داخل کنند  
 شربت گاوزبان مقوی دل و دماغ منقول از قرا بادین عم مغفور ص گاوزبان گلاب  
 با درنجوبیه هر یک نیم تطل نبات سفید سه رطل عرق سید مشک چهار شیشه گلاب چهار شیشه  
 مشک خالص نیم درم عنبر اشوب نیم درم کافور یک درم زعفران دو درم اول گاوزبان  
 با درنجوبیه را در ده سیر آب بچوشانند چون نصف بماند صاف نموده عرق سید مشک گلاب  
 داخل نموده با نبات بقوام آرند بعد از آن عنبر و زعفران و مشک کافور بگلاب بانیذ  
 داخل نمایند شربت از دو درم تازه درم و اگر گاوزبان و با درنجوبیه را منقطع کرده عرق نبات  
 و عملی از رسم شراب سازند لطیف و لذیذ خواهد بود و اگر مزاج مائل بر برودت بسیار باشد کافور  
 موقوف نمایند شربت فستقین بالبخولیا می مرانی را نافع بود و جهت ضعف معده با  
 و سودا تقذیه بغایت مفید باشد و طبعین طبع نماید ص سبیل الطیب و درم ترد سفید خالی  
 نرم سفید از هر یک چهار درم فستقین و می ده درم ورق گل سرخ بیت درم جلد را در  
 چهار تطل تخمبیا اند و بچوشانند تا به ثلث رسد صاف نموده با صندل و بیت درم قند سفید  
 بقوام آرند شربت فستقین و دیگر معده ضعیف و جگر ضعیف را و سپهر را نافع بود و طبع  
 نرم کند و باده ای را در ده سیر آب بچوشانند و درم سبیل بیت درم کافور سی درم

در دو من آب بر نرند تا به نیمه آید و با یک من قند شربت کند شربت اسطوخودوس صحت  
 ده درم بخیل خشتی خراشیده گاو زبان گیلانی بادرنجوبه بر یک پنجم رم همه را در یک رطل آب  
 تا به نصف رسد پس بیا لایند و شکر طرز دوران کنند و بچوشانند تا به نصف رسد شربت بکند  
 شربت عمل تا لیف محمد بن زکریا جمیع امراض بارده و امراض بلغمی را سود  
 دارد خصوص فلج و عشه را نهایت مفید است و معده بارور را نیز سود دارد و صلیب عمل  
 یک رطل و با شش رطل آب باران بنزد و کف از آن برود و در پیش نقل سفید و خبث و نقل  
 خوبنجان مصطکی رومی از هر یک یک مثقال چون سر سدا در پارچه کانی بسته در آن افکند و بچوشد  
 و لجه لجه پارچه او به رابدست بمالد و آنچه پارچه در آن است از او به بیرون آرند و چون شربت  
 بقوام آید فرو آورده نگاهدارند و هنگام حاجت بکار برند و اگر عوض او به مذکور به عنبه و  
 مشک بقدر حاجت بویانموده بکار برند در لطافت و لذت اقوی خواهد بود و شربت دارد  
 بخت مقوی اعصاب و رقیقه است و امراض بلغمی را سودمند بود و نسیان را از آن کند و  
 رنگ خسار نیکو گرداند و پیران را سوافتی آید و قوت باه بنیز آید و اشتها آورده و بدن را  
 فربه نماید صلیب یک نر آب انگور یک صد من سبب شیرین به شیرین که از پوست و دانه با یک  
 کرده باشند هر یک سه من گلاب نیم من آب خالص ده من و اینچینی و نقل و صلیب رومی و گلاب  
 سنبل الطیب خیره او خوبنجان هر یک پنجم رم خود قماری بسپاسه شند از هر یک سه درم و نیم  
 و شغال مشک خالص نیم مثقال عنبه شهاب مثقال سید به برادر آب انگور بچوشانند  
 و کف آن بگیرند تا این هر دو مهر شوند پس از آتش فرو آورده بگذارند تا سرد شود و بمالند  
 و بیا لایند و او به را بیکوفته و در کیسه کتان کرده در وقت بچوشانند کیسه او را یک نر  
 و لجه لجه کیسه بمالند و شیره آن را بکوره کیسه را در کنند و مطبوخ را بیا لایند و سر کرده چشم  
 ریزند و مشک عنبه شهاب و زعفران را بگلاب سوده در آن داخل نمایند و سرخه را محکم  
 کنند و بعد از شش ماه چشم را در کرده شربت را استعمال نمایند شربت توت یونانی

این دو را با سرخ خوانند نافع است در جمیع حالات بخناق و زجر و هم قطع میرساند پودرم  
 حار و مان ص گبرند عصاره سرخ پنج رطل و طلا دو رطل و عسل مصفى یک رطل و سبزه انار  
 ملائم بچوشانند تا بقوام رفیق آید و زعفران و عصاره الحیمه التیسر سبکدو درم شنب گبرم و نیم  
 سائیده بران پاشیده و حل کرده بردارند شربت توت سوافق نسخه شاهی ص گبرند آب  
 توت سیاه و در رطل و بچوشانند تا نصف بماند پس با سبزه رطل شکر سفید بقوام آرد شربت  
 حب لاس سرفه یا سهال را نافع است ص حب لاس بکوبند و بچوشانند تا مملع شود  
 و بیالایند و هر دو جزو از آن ده جزو قند سفید اضافه کنند و بقوام آرد و اگر قدری طباشیر سفید  
 سوده بنفشه انداقوی خواهد بود شربت زعفران سافج ضیق و سرفه را نفع است ص زوفای  
 یا بس از چوب پاک کرده نیم رطل و در آب بسیار گرم یک شنبازن روز تر کنند و بنیزند و صاف  
 نمایند و قند سفید یا شکر سفید چهار رطل و عسل یک رطل آمیخته بقوام آرد شربت زعفران مرکب بلغم  
 غلیظه از چهار نفس بر دو سینه را پاک و نرم کند و ضیق و سرفه را سود دارد و ص را زیاده  
 گرفتن بر یک پنج درم زوفای یا بس هفت درم انجیر ده عدد و سوزنی شش سی درم حله چهار درم  
 تخم خطمی ایریا اصل السوس بر یک سه درم بر پیما و شان شش درم قند سفید و در رطل بکشد  
 یک رطل بدستور متعارف شربت سازند شربت از ده پانزده درم با یک درم سبزه یا ده درم شربت  
 زعفران بنفشه دیگر که سینه را از خلط غلیظه پاک کند ص بیخ کرفس بخوابان پنج گبر بر یک سه درم  
 زعفران چهار درم بچوشانند و با قند بقوام آرد شربت بنفشه که سرفه و شویه را سودمند بود  
 و تسکین طبیعت نماید و فواید بسیار جامع بود و ص بنفشه تازه یک رطل تخم خطمی همدانه صمغ عربی  
 هر یک ده درم حله را در پنج رطل آب تر نمایند یا شنبازن و زلس بچوشانند تا ثبات برسد بیالایند و قند  
 سفید یا نبات جید اضافه کنند و بقوام آرد شربت هفت درم شربت بنفشه بیاضات الحیمه  
 و ذوات الریه و صمغ و در و چشم و در کرده را نافع بود و بول بر اند سینه را نرم کند و ص کل بنفشه  
 تازه یک چهار یک بچوشانند و بیالایند و کین قند بقوام آرد و شربت بنفشه تازه یک چهار یک

درمان سرفه و  
 ۲

یک وقیه بنفشه خشک اصل کنند و باید که وی را بسیار بجوشانند شربت نیلوفر صداع حار و  
تب های صفراوی و ذات الجنه ذات الریه را نافع بود و ص گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه  
نباشد یک چهار یک بجوشانند و با یک من قند شربت بریزند شربت عذاب آب و ص  
و در دینه را نافع بود و ص عذاب و لاتی یک طل و در چهار طل آب بجوشانند و باد و طل  
سه طل قند بقوام آرند شربت اعجاز تالیف حکیم ارزانی جهت اقسام سرفه خشک نفع  
است و برای تبی ق مفید ص عذاب لاتی بیست عدد پستان فر بنفشه وانه اصل  
مقشر تخم جباری تخم خطمی گل نیلوفر گل بنفشه هر یک هفت درم بیدانه پنجم درم کنیز اصمغ  
هر یک سه درم برگ ارسه یک طل قند سفید و دو طل غیر از صمغ و کنیز است و بجوشانند و بطریق معلوم  
باقند بقوام آرند و بعد کثیر اصمغ عربی کوفته بنجیه داخل نمایند شربت عنب به حال نفع  
دارد و بنفش هوا تم مفید بود و ص انکو شیرین از کرم قدیم بگیرند و باب خشه شیر و وی بستانند  
بر قدر که خواهند بجوشانند تا که ثلث بماند و همچنین شیر خام قند سفید آمیزند و کف بردارند و بقوام  
آوردند شربت نیر ص که ضیق و انقباض نفس را نافعست ص زنگنه تازه سالم اعصاب  
روح طل و در آب گرم یک خباز و تر کنند و با شکر بجوشانند و صاف سازند و یک طل قند یا  
عسل آمیخته بقوام آرند شربت فرسیون معمول را قم که بنیق و سعال را که پیش از این بود  
نافعست ص فرسیون چهل درم اصل السوس و فاد فوینج نهری پسیا و شان بر یک درم  
حلبه مغز بادام مغز حلزونه بادیان اینون هر یک پنجم درم صمغ که در این بنی بخوبی بکشد و درم نوشه می سی درم  
عذاب پستان هر یک صد وانه انجیر سفید بیست عدد و جله در بیست و چهار طل آب تر کنند  
و یک شبانه روز بگذارند پس برش نرم بریزند تا که نصف بماند و صاف کنند یا بنجیر طل قند سفید  
بقوام آرند شربت یک وقیه شربت انجیر لفت الدم و اسهال و صوی و سیلان شکم  
نافع است معده و جگر گرم را سود دارد و از شنائی ص اتاقیاز و شتال مندا لیرن سمانند  
هر یک پنجم شتال انجیر بیست شتال قند سفید نیم من شربت سازند شربت پستان

سرد و تر است جفت سرفه و در و سرفه شونت مطلق و خسته شدگی آن و ذات الجنب و  
ذات الصدر و ذات الریه و حمیات صفراوی و در و مطلق و خنجره بغایت نافعت و شکم نرم  
و سومت اسهال را بشرط مداومت بالکل زایل سازد و در و معدوم و عاقل و پست سازنج یا  
ماده یا لیس بود ساکن نماید حص سستان خوب فرو یک چهار یک در و من آب بوشند  
تا سوم حصه بماند پس بماند و صاف کنند و قند یک من آمیزند و بقوام آردند شربت و شفا  
شربت ششماش مختص حص کوکنا نیم آمارشک غیر اشهب شش ماشه نبات و آثار  
کچله مقشر در شربت خیسانده و ده عدد بطریق متعارف مرتب سازند شربت که با نفع  
نفس نافع است حص مصطلی سازنج هندی هر یک سه درم شمع قیصوم فراسیون پوست  
بج کوکبست پنج بادیان پنج جنلی سداب از هر یک پنجم درم انجیر سفید یکدرم بیه را در پنج درم  
آب بوشند تا در و مطلق باقی ماند صاف نموده غسل پیشینج هر یک یکدرم در و مطلق کرد و شش  
ملاکیم بوشند و کف بردارند شربت سازند شربت یکده و نصف باب سرد و شربت فیادرس  
برای سرفه و نثره مجرب است حص گا و زبان گیلانی صندل سفید پیراوشان عمو صلیب  
از هر یک و توله اصل السوس را از پنج تخم خطمی گل سرخ از هر واحد یک توله منقی بیت و پنج درم  
ششماش و توله کوکنا پنج عدد قند سفید یک آمار پستور مرتب سازند شربت دیگر این الیاء  
فکر نموده که برای مسلول لاغر بکار آید حص آب انار و لایبی شیرین چهار درم مطلق آب سبب  
یکدرم مطلق آب نیشکر و در مطلق بیه را بوشند تا نصف بماند نگا بردارند شربت یک و قیه باید  
که این فاضل خلاف ظهور و زریده زیرا که بیه قائل اند که تفاح صورت سل است پس این  
شراب بچ طور نافع سل خواهد شد شربت اسبنول بحبت خفقان صفراوی و سرفه گرم  
و خشک و شونت قصبه ریه و اشغال آن نافعت حص بند قطونا یک و قیه را با یکدرم  
آب بپزند و لعاب آن بگیرند و با یکدرم و نیم شکر سفید بقوام آردند استعمال کنند شربت  
سیب و مسوده را قوت دهد و صفرج بود و فی ساکن کند و اسهال صفراوی را باز دارد و صفر

سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کرده در باون سنگین یا چوبین بگویند و آب آن بکنند  
 ده من و بچوشانند و من آید پس یک من قند اضافه نمایند و بچوشانند تا بقوام آید شربت  
 صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم و سده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی شکم هم بندد از  
 شقایق ص صندل سفید سائیده بیت شقایق در گلاب یک شانه روز پنجشنبه اندوز  
 دیگر اندک جوش داده شیر عاقل بگیرند و با یک من قند شربت سازند شربت صندل  
 ترش جهت تسکین سوزش دل و تب محرقه نافع بود ص صندل سفید سوبان کرده پنجاه  
 یک شانه روز در آب غوره و سرکه هر یک پنج استار و قدری آب بنجیسانند پس بچوشانند تا بر آید و  
 صاف کنند و با یک من شکر بقوام آید شربت نارنج جهت تقویت سده و دل نافع است  
 ص قند سفید بر قدر که خواسته گیرند و بجای آب عرق گاوزبان انداخته بچوشانند و گفت  
 بردارند پس آب ترشاده نارنج چهار و نیم بچوشانند و یک پل قند بیدارند و دوسه جوش داده  
 فرو دارند و زعفران بعدرم فی یک پل حل کرده بیاورند و بدارند شربت ترنج جهت خفگی  
 گرم و امراض حاره دل بغایت مجرب است ص ترشی ترنج را یک روز در آب بشویند تا  
 ترشی در جرم آن نماند پس مقابل هر یک عدد ترنج هفتاد و پنج مثقال قند اضافه نموده بقوام  
 آورند شربت برگ ترنج نموده بقوام است جهت ضعف دل خفقان ضعف معده بغایت مجرب است  
 ص برگ ترنج پنجاه عدد در شراب کهنه صاف یا در جوی بقدرشش قطعه قند بپزند  
 و پنجاه مثقال است هفت روز بنجیسانند پس صاف نموده با سده و پنجاه مثقال عسل کف کوفت  
 بقوام آورند و بعضی از پوست ترنج بشوید و مسطور ترتیب میدهند و بعضی یک پل پوست ترنج  
 و دوسه بیت و پنجاه آب خیسایند بچوشانند تا ببلند رسد پس صاف نموده با یک پل عسل  
 بقوام آید و در شربت تفلح تقوی منقول از ذخیره صفت قلب امراض سودا و  
 نهایت نافع است ص یک پل سیب شیرین و پوست و تخم آن دو کرده بگویند و آب  
 بگیرند و در هر دو من از آن پس یک پل و یک من شراب سیحالی داخل کنند و به یک روز

نمایند پس بکیند قنفل یک مثقال عود قهاری خام دو درم گل گاوزبان بادرنجبویه  
از هر یک سه درم ورق گل سرخ دو درم همه را نیم کوفته در صه کنائی کنند و در آن اندازند و با  
لایم بچوشانند و صه را با لند تا آب نبصفت رسد پس صه را نیکو مالند و خیمه اش را بر آورند  
و پیش از آنکه از آنجا دور کنند و یکس قند سفید داخل کرده بقوام آورند و فرو و آورده سرد  
کرده نگاهدارند شربت در اوقیه شربت انارین منفع از شفا فی فواق بنشانند و فی باز دارد  
و معده را قوت دهد ص انار شیرین و ترش با هم بکوبند و با تخم و آب آنرا بکیند و دو سن  
یکس قند و یک و قیه آب لفع اضافه کرده بقوام آرند شربت انار ترش قی باز دارد  
و صفا را دفع کند و معده را قوت دهد ص اب انار ترش دو سن لفع سه چند سنج عود قهاری  
مصلک آینه قش از هر یک دو درم پوست بیرون پسته بخورم کوفته در آب ناریچوشانند و با  
مصلک ناب نیمه آید صاف کنند و با یک سن قند بقوام آورند و بعد از آن مصلک را اضافه نمایند  
شربت انار شیرین بگردول را قوت دهد و شنگی بنشانند ص اب انار شیرین بکیند و بچوشانند  
تا به نیمه آید و به هر یک سن آب یکس قند اضافه نموده بقوام آرند شربت لیموی سفید  
بنفشه سیاه سن ص اب انار شیرین دو جز و آب لیمو کبچ و شکریلت مجموع بدستور قفر  
بقوام آورند شربت اناس سن تالینها و رقیق و تقویت دل مفید بود ص اب انار  
یک جز قند سفید نیم جز و گلاب بید شک هر یک نیم جز و شک قدری آب لیمو تقیه  
که ترش گرداند بدستور آب سازند و اگر سرفه باشد آب لیمو موقوف نمایند شربت فواکه  
معده را قوت دهد قی باز دارد و دل را قوی گرداند ص اب سیب و به و انار ترش  
و شیرین و امر و از هر یک یک جز و آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعفران از هر یک  
نیم جز و بچوشانند تا به لثی آید قند آن مقدار که کفایت کند اضافه نموده بقوام آورند شربت  
ریاس سهل صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و شنگی بنشانند و معده را قوت دهد  
ص ریاس را سرد و نبال بکار و چون بیندازند و در باون سنگین یا چون بکوبند

و آن را بگیرند و صاف کنند و بچوشانند تا به بلغمی آید و زمانی بگذرانند و مکرر بیاورند و در یک مین  
 آب یکین قند اضافه نموده بقوام آورند شربت به دل را قوت دهد و معده را قوی آورد  
 و اشتها را طعام آورد و طبع را نرم کند و قی باز دارد و ص بترش و شیرین اندرون او را  
 پاک کند و آب او را بگیرند و بر پنج من آب یکین قند اضافه کرده بقوام آورند شربت  
 حماض صفرا شکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد  
 آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکین شربت بزند چنانکه گرم است شربت لبو معده را  
 قوت دهد و اشتها آورد و صفرا شکند و قی باز دارد و باضمه را قوی گرداند و ص عود سبک  
 آینه متشکر از هر یک و درم سبیل قرقر صلیک جوز بوا از هر یک و درم مجموع را بنیکوفته در  
 کینه گمان کنند و در سه چهار یک گلاب چوشانیده کینه را خوب بمانند تا قوت بگلاب  
 و بایک من قند بقوام آورند فرو گرفته نیم درم مشک خالص سوده در آن حل کنند شربت  
 حب الاس مرکب معده را قوت دهد و اسهال باز دارد و ص حب الاس مرو و خشک  
 از هر یک پنجاه درم قرطط ایشیت از هر یک و درم آب سیب و بونا را از هر یک یکین و درم  
 بارادین آب بچوشانند تا به ثلث رسد و بیاورند و دیگر بچوشانند و بقوام آورند شربت  
 ترسبندی طبع را نرم کند و صفرا شکند و معده را قوت دهد و قی را باز دارد و ص نیم من  
 را بچوشانند و شیر بگیرند و بیاورند و یکین قند اضافه نموده بقوام آورند شربت که فواق را  
 نبشانند خاصه آنچه پس از طعام آید ص زیره کرانی انیسون پودینه کند را از هر یک و درم  
 در دو من آب کرده بچوشانند تا نصفی آید با قند و غسل هر یک نصف رطل بقوام آورند  
 و تخرج کنند شربت عنبر و زرد عصاب را سود دهد و خفقان بار و از ازل گرداند و ص  
 غسل و درمن باد و من آب قند بچوشانند و کف آن را بر دارند با بقوام آید عنبر و عنبر  
 سوده از هر یک یک مثقال اضافه نمایند شربت پنج درم سبیل  
 مشک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع بود و پیران را مراضی بود



ص قش یک من قند سفید یک من در دو من آب بچوست است تا بقوام آید  
 نیم درم زعفران سوده بکشتال مشک اضافه نمایند شربت سه درم شربت خبث الحیدیه  
 معده را قوت دهد و باضمه را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد و اسهال را نافع بود و ص خشم  
 کرفس از یانه زیره کرمانی ناخواه اینسول معتبر اخذان کاشتم که دریا کشنیر فلفل دار فلفل کندر  
 دارچینی قرفه جوز بلو اسنبل تخم جرجیر تخم پیاز سعد زنجبیل از هر یک بکشتال خبث الحیدیه  
 در شش شقال اودیه بچوشانند تا به نیمه آید صاف کنند هر روز سی درم بنوشند شربت  
 عود ترش معده و جگر را و دماغ و دل را قوت دهد و عثمان و فساد و هضم و بخارهای متحرکه  
 و جنای و خانی را دفع کند ص بکیزند سیب ترش و شیرین و انار ترش و شیرین و لیمو  
 از هر یک یکصد و پنجاه درم آب بتانند و تا سه چند درم قند بقوام آرند و عود قناری پنجم  
 و صندل سفید سه درم بادرنجبویه گل سنبل صمغ طکه قرنفل بر یکد و درم سنبل الطیب و  
 بسیار سافج و ورق نقره بر یکد درم عنبر و مشک و ورق طلا بر یک چهار درم در آن  
 حل کنند شربت یسبه ساده جهت تقویت معده و جگر و رفع عثیان و قوی عطش و  
 خفله نافع است ص قند سفید پنجم در آب حل کنند و بریزند و کف بردارند پس آب  
 سفرجل مروق و شراب ثلث بر واحد یکد و نیم اضافه کنند و بقوام آورند و ثلث که  
 در وی مشعل کنند باید که چهل روز آن را در آفتاب داشته باشند و چهل روز در سایه  
 باشند و اگر گرم تر و قوی تر باشد عوض ثلث خمر کنند و بدل قند غسل و یسبه لفظ فارسی  
 هر یک از وی و بر شربت بهینه قوی معده و جگر را قوت دهد و تجوید بفهم کند و سودا را مزاج  
 را که عصب حیات پدید آید نافع و فرحت دل بخش و حرارت غریزی متشایخ و بر وین  
 مزاجان برانگیزد و قوی و غثیان و فواق و اسهال و بهیضه و غشی که از بهیضه افتد زائل کند  
 ص فلفل دار فلفل دارچینی زنجبیل بر یک سه درم عود وندی یا قلع بسیار سنبل الطیب  
 زعفران جز بلو بر یک یک درم مشک زعفران انگی جمله را با یک سازند و چون شربت

ساهه را از آتش فرو آورند ازین شیا منروج نمایند و بعضی این شیار را پنجه فته در خراطه انداخته  
 در صین غلیان می افکنند و بعد از سرد شدن خراطه را افشوده بیرون کنند شربت  
 عبداللہ بن طاہر چون او استعمال میکرد با هم او موصوف شده جهت اصلاح معده و  
 است ص آب سیب آب بقد سفید عسل ہر یک یک پل شراب ربجانی شش رطل حلیم  
 بقوام آورند و اگر خواهند قلیل الحارث باشد عوض عسل نیم وزن قند کنند شربت ساز  
 جهت تقویت معده و تجوید ہضم و تقیہ شہوت جماع و بطلان نفس و دفع فرغ و از یاد حرارت  
 غریزی و تسکین بدن و تعدیل مزاج و تحسین لون و تصفیہ حواس و تقیہ فضول روینہ است  
 و قوت میدہد جگر و دل و جمیع اعضای باطنہ و افعال را و مولد خون و در رول است  
 و بمنافع کثیر موصوف است ص پنج راسن خشک پنجاه مثقال در کیسه فراخ بسته در آب  
 شیرین کہ بنقاد رطل پرطل بغدادی بود انداختہ سہ ماہ در قلاب گذارند پس صاف کرده  
 بقدر حاجت و تحمل طبیعت استعمال کنند شربت آبی و شراب سرور موسوم گردانید  
 شربت فستق غشی و قی رافع است ص پوست بیرون پستہ نفع ہر یکد و درم گل سرخ  
 انار دانه زر خشک ہر یک چهار درم عود صطکی ہر یک یکدیم شاخ ہار ریشش و درم آب یک پل  
 آب سیب آب انار ہر یک نیم رطل سبلہ بنہرند تا نصف رسد پس صاف کنند و قند سفید بپزند  
 بقوام آرند شربت و مقیر الطیس جهت معده و جگر و سپرز نافع است و فساد مزاج بارور  
 باصلاح آورد و گفته اند کہ و مقیر الطیس سیب استعمال این شراب در تمام عمر خود و عیال  
 نشدہ ص پنج سوسن آسمانگون زعفران از یازہ فلفل ہر یک یکدیم سیلخہ چار درم حلیم  
 بار یک ساختہ در ظرف چینی یا آئینہ بنهند و شراب جید الحوائج رقت رطل و نیم بران ریخته  
 بر طرف را از کج محکم کنند و چیل روز بگذارند پس قبل از غذا و بعد از غذا بخورند بہت  
 فستقین از نالیفات شیع کہ از جمیع نسیجہ های شربت نستین فایق است و مجرب ص شراب  
 صد درم بکیند و در سہ من آب بنہند تا کہ بریلج رسد و باید کہ آتش ملایم نرم بود پانہ و صاف بخارند

و بستانند سفر جل و در خمیر شوی کنند و بعد به پیش از لیس آب مطبوخ او و پیشش جزو عصا  
 مذکور و در روز غسل یک نیم جزو شراب سه جزو فروج کرده بریزند تا بقوام آید شربت  
 بهشت کرب سعدی و فقیان و بزرگترین شتهما و از آن به خفقان مجرب است و پادشاه سوسوم  
 و اسحق افندی منقول از تذکره شیخ داود و صاب آب زرشک آب سبب شیرین بر یک سه ششگل  
 آب لیمون آب ترنج بر یک پنجاه شغال قند سفید و دو صد مثقال شربت بریزند و در وارینا هفت  
 آب ترنج حل کرده شش مثقال اضافه کنند و در این وقت در اکثر علل قایم مقام تریاق فایز  
 است شربت اصفی سوافی سعدی بار و است ص شراب باز و قطعه اصل سه قطعه و از  
 بهشت اوقیه بیکه زعفران بقدر کفایه شربت کرفس شربت بر انگیزد و بعد را سوسوم  
 و غلغل فغول و دافع عسل البول بود و ص تخم کرفس تازه بهشتا و مثقال کوفته خیمه و در خرقه گمان  
 بسته در عصای غیب بنید ازند و دو ماه بگذرانند پس صاف کرده بر دارند شربت و در ساد و  
 سعدی و مسکن عطش و حره احتیاج و تقوی قلب بود و طبع را نرم کند و حی را نافهست چون  
 قنبر را و بعد است بالاخره قنبر می آرد و ص بگیرند گل سیخ تازه از اقماع و تخم پاک کنند و  
 و در و رطل آب بچشانند تا نیک شود صاف کنند و بر رطل نیم آب صاف بدو رطل قند سفید  
 آمیخته بقوام آزند و کف بر دارند و بعضی قنبر را بر آب می کنند و درین هنگام قوی تر میگردد  
 و از آنکه عمل او بهیچ است آب سرد اعانت میدهد او را بر اسهال شربت و در و کر  
 صاحب نادر می نوشند که آنچه ممول این درویش و خوش مزه و لطیف العمل و متوسط  
 الحال نیست ص بیک گل سیخ و نیم رطل و در و از ده رطل آب بچشانند چون  
 و در رطل آب بسوزد و بیالایند و گل تازه و در رطل دیگر و روی بچشانند که یک نیم رطل  
 آب بسوزد و بیالایند و گل تازه و یک رطل و نیم در آن جوش دهند که یک و نیم رطل دیگر  
 بسوزد و بیالایند و گل تازه که رطل آمیخته پنج دهند که یک نیم رطل دیگر بسوزد و بیالایند  
 و نیم رطل گل تازه مطبوخ نمایند که یک نیم رطل باز بسوزد و چهار رطل آب بماند پس سفید

[illegible]

دیگر گل سرخ در آن داخل کرده بپوشانند تا سه من و نیم گلاب باقی ماند پس باز ببالند و بپالانند  
 و مرتبه چهارم ده استار دیگر در ق گل سرخ داخل نمایند و بپوشانند تا یک من گلاب باقی ماند  
 پس آنرا نیکو ببالند و بیفشازند و فشردنی قوی که مطلق رطوبت در نقل نماند و بپالانند و در آن  
 یکین شکر سفید داخل نمایند و بپوشانند تا یک پیمانه آورد پس قدری سفیده تخم مرغ مخلوط  
 بآب بر آن بزنند تا کف آن جمع شود پس تمام کف آنرا بگیرند و مرتبه دیگر آنرا صافی نموده بپوشانند  
 تا بقوام گلاب آید فردا آورده سرد کرده در ظرف چینی باز جاجی نموده و در وقت حاجت  
 از یک و قیه تا سه اوقیه آنرا با گلاب و برف سرد کرده بپاشانند شربت بهر گاه در دم کوف  
 باشد بکبت الفجار و نفخ استعمال کرده میشود ص زعفران صبر سر یک و دو انگشت نیم هر دو  
 در لعاب تخم کتان و لعاب تخم حلبه هر یک ده درم شربت انجیر و اوقیه حل کرده گرم نموده بپزند  
 شربت مسهل تالیف این ماسویه بلغم و سودا را از جمیع بدن فردا آورد و معده را قوی گرداند  
 ص گل سرخ تازه منزع الاتماع دور طبل در چهار رطل آب خالص یک شبانه و بپوشانند  
 تا به نصف رسد پس یک و قیه افیتون دروی افکنند و یک جوش و گیر داده آنرا آتش فرو گیرند  
 و نیکو ببالند و بیفشازند و بپالانند و دیگر طبل و نیم فایتون در داخل کرده بپوشانند و کف آنرا بگیرند  
 پس ستمونیا الکلی آنرا سائیده در پارچه کنای بسته درین افکنند و چندان ببالند که بار چارستون  
 خالی شود پس عود بپزدی و سکا صلی و بسیار از هر یک دو انگشت کوفته بختی دروی افکنند  
 و بپزند تا بقوام عسل آید پس بر داشته نگاه دارند و در استعمال نمایند شربت نفخ در تحریک  
 اشتها بمرتبه بجز است که شرح آن نتوان کرد معنی مقده است اینجا طسوخسته و وضع بلغم نماید و بجز  
 است چون پس از بچون بایسته نباشد ص آب نفخ افشرد بلیست شغال شب بمانی  
 خردل بلیست شغال یک صد شغال یا نو و شغال خمیر در زهرار و و صد شغال آنرا بپوشانند  
 تا به نصف رسد پس مسافنی نموده شصت شغال و نیم بقوام آورد شربت زرشک دروی  
 از قرابا وین تخم عرم ص زرشک شتی شصت شغال تخم کثوت و شغال تخم خیار بن گرفته

پوست بچ کاسنی پوست بچ رازیانه از هر یک سه مثقال تخم کاسنی چهار مثقال کوفته یک شبار  
خمسایده از دست مالیده صاف نموده و با صندل مثقال قند بقوام آرد و عود نهاری و سیاهی  
از هر یک دو مثقال ریوند چینی سه مثقال نرم سوخته درین شربت فروج سازند شربت  
افزودت شده جگر و استسقاء و یرقان و دریاچه معده و اکثریت و غصص مفید صندل طبع  
سایه و ج حب لبسان حب ریوند چینی مشک که بر یکد و درم پنج اوز قفاح اوز نهشتین خشم  
رازیانه اینسون تخم گل سرخ تخم کرفس گیاه غافث بر یکد درم همه را و در طبل آب  
تر کرده بچوشانند تا بصفت رسد و مالیده صاف نموده ثقل آنرا باز و درشش رطل آب بچوشانند  
وصاف کنند و هر دو آب را جمع نموده با شش رطل شکر بقوام آرد و از یکد درم زعفران خوش  
کنند شربت یک و قیقه با گرم با مار البقول شربت اصول سور القنیه و استسقاء و یافیت  
نافع بود و منقح اخلاط خلطه و فتح سده و کاسه ریح و در فضلات است صندل سوخته  
چهل درم پوست بچ رازیانه پوست بچ کرفس پوست بچ کاسنی هر یک می تراویز و سیاه  
تخم از رازیانه تخم کرفس هر یک بیت و درم پوست بچ کبریا ترده درم اوز قفاح سارون سیاه  
بر یکد درم حله را بچوشانند و صاف کنند و با یکد قند بقوام آرد شربت پانزده درم بیت  
درم شربت کشوت که تقوی و معده و فتح سده و تلین طبعه و دست سور القنیه و سیاه  
در کبه مفید صندل بچ رازیانه گل سرخ اینسون بر یکد و مثقال تخم کشوت رازیانه تخم کاسنی هر  
کشوت تخم خیارین تخم پوزه پوست بچ کاسنی هر یک سه مثقال قند سفید یا بنفشه شربت ریوند  
بطریق معلوم شربت آن بنوشند شربت ریوند جگر و قوت و در سده یک شبار  
بیت و درم در سه رطل آب تر کنند یک شبار و زوبانش نرم بچوشانند و با سه رطل قند بقوام  
آرد شربت ریوند در کب جیت امراض جگر و سپرز و فتح سده و تلین طبع نافع صندل  
ریونده درم تربه و صوف غار قیون لبناج تخم کاسنی هر یک پنج درم تخمیل و تلث درم قند  
سفید صندل درم بطریق معلوم شربت ریوند شربت دینا صناعیت بختیج است پیر کسی که

شرابی ازین شراب سیداد یک نیارسیگفت اند این اسم سسی گفته و اکثری از اطبا گفته اند  
 که دنیا اسم تخم کثوث است و چون او بود این ترکیب است ازین جهت باین اسم نامیدند ازین  
 تسبیح گل با هم خرد و وجه الطلاق نمودن دنیا تخم کثوث نیز و اجنبی آن است که دنیا را اکثر  
 در کینه بسیار تخم کثوث است که در جمیع مطبوعات و اشهر در کینه نموده طبع می کنند لهذا  
 در فارسی تخم کثوث را تخم کپ می گویند و اجنبی گویند که چون درین شراب ذهب محلول است  
 تفسیر و اصل میکروث را بنیادی می نامند و قوی دیگر گفته اند که چون بنگ دنیا است لهذا اکثر  
 دنیا را می نامیده شد شربت دنیا به نسخه حکیم شفا فی طبع را نرم کند و رفع حمیات و عفونت کند  
 و سده بکشاید و سور الفینه است و استقار ذات الحسب را نافع بود و در دیگر و شکم را ورم و مثانه پاک  
 کند و اوار بول نماید چنانچه تخم کاسنی خنجر گل سرخ از هر یک بیت درم پوست کاسنی چکانی هبل درم  
 گل نیلوفر گاو زبان هر یک درم تخم کثوث در کینه کانی می درم مجموع را در آب بپوشانند تا  
 شود و بیالایند و با یک سقند سفید بقوام آرند پس از آتش فرو آورده مقدار ده مثقال  
 ریوند چینی سوده داخل کنند و جبر بر سر تخم ریوند ریخته شود و شربت دنیا به نسخه حکیم سده  
 با خندال و کثیر المنافع است و در سده حکیم و اسرار لقا و انشاء نافع و باور اسم آن سفید  
 هر گاه با شیره تخم خیار چهل شود و خاصه که تخم کاسنی نیز می تواند باشد و رافع یرقان حرار  
 جگر و سده و در بول و طین طبع و رافع حصیه و جدری و حمیات و سدی و صفرا و یرقان است  
 غناب ص ریوند چهل مثقال تخم کثوث چهل درم گل سرخ پاک کرده یا زده درم تخم کاسنی چکانی  
 ریوند یا کاسنی که سده و در بول و طین طبع و رافع حصیه و جدری و حمیات و سدی و صفرا و یرقان است  
 بقوام آنرا که گفتند و دیگر از ریوند یا کاسنی که سده و در بول و طین طبع و رافع حصیه و جدری و حمیات  
 ده درم یا زده درم شربت دنیا به نسخه حکیم است از برای جمیع امراض که در آب  
 یا بنویسند و فقیه این شربت بعد از فصد و اخراج ماده بمار الاصول بهترین تدبیر است  
 تخم کاسنی سده درم را زانچ درم تخم کاسنی یا زده درم پوست کاسنی یا بایان سفت درم و نیم

گل بسنج منزوع الاقمار پانزده درم گل نیلوفر گل بنفشه گاوزبان گیلانی انیسون اسطوخودوس  
 از هر یک چهار درم بسنج منقعی تربد بر از هر یک بیت درم سنبل حبلی انیسون از هر یک  
 هفت مثقال تخم کشوت پنج مثقال بدستور شربت وینا صغیر از اسهال در نه رطل آب قند شربت  
 و صبح بخوشانند و چون سه رطل آب بماند بیالایند و کین قند سفید و ران داخل کرده بقوام آورند  
 و چهل درم ریوند خطائی و ران داخل نمایند و بعضی پانزده درم شانه نیمه چهل عصاره داخل کرده  
 اند مقدار شربت از آن ده درم پاشانزده درم آب نیکم شربت بزوری معتدل برای  
 مکره و امراض جگر مفید ص تخم کاسنی تخم خیارزه تخم باد رنگ تخم خربوزه هر یک یک مثقال و ربع آن  
 پنج کاسنی و دو مثقال و نیم پنج بایان یک مثقال و ربع آن قند سفید و دوازده مثقال بطریق  
 مرتب سازند شربت بزوری حار معده و جگر نافع بود از شفتائی ص پوست پنج کاسنی  
 درم تخم کاسنی پوست پنج رازیانه هر یک بیت درم رازیانه تخم کرفس پنج کرفس از هر یک  
 ده درم تخم کشوت و رازیانه کتان بسته پنجم درم بخوشانند و بیالایند و بایک نیم من قند پیزند  
 شربت بزوری جهت تب های کین و اوار بول و حیض و ریزانیدن سنگ گرده و شانه  
 و دفع یرقان و تسخیر سده جگر و سپهر نافع است شربت تخم رازیانه تخم خربوزه تخم خربوزه تخم  
 حب القرطم هر یک پنج مثقال پوست پنج کاسنی گل حافت تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب  
 گل بنفشه گاوزبان گیلانی هر یک سه مثقال آنچه باید کوفت نیکو فته جمله را یک شبار و زنج  
 آب تر نمایند و منقعی هشت درم آمیزند و بخوشانند و دو رطل بماند صاف نمایند و قند سفید بیالایند  
 کرده بقوام آرند شربت یک قه شربت بزوری بار و برای امراض حاره و رفع حمیات حاره و  
 حاره کنند و رفع حمیات و امراض کله و شانه مفید ص پوست پنج کاسنی هفت درم تخم خربوزه  
 تخم باد رنگ تخم خیارزه هر یک پنجم درم صغیر زبوز و نیم درم قند سفید کین بطریق معهود مرتب سازند  
 و اگر شراب بزوری بار و سفر جلی خواهند بجای قند آب نیرین بوزن قند داخل نمایند و شربت  
 اینها جهت تب ها و تسخیر سده و تقویت جگر و دل و معده نافع است ص شکر سفید سه رطل



در آب حل کرده بچشانند و گفت بر دارند پس آب کاسنی یک طل بگیرانند تا بقوام آید و چون  
 قریب بقوام رسد قدری آب لیمو نیز اضافه نمایند شربت فشر اصل بندها که در تب مابعد  
 و مفسده لوان و اوجمت قطع عفوشت از عروق خاصه اگر همراه قرص زر شک راوندی  
 خورده شود و ایضا بفرستنج سده و تقویت معده و تحسین لوان نافع است ص پست  
 پنج کاسنی نیم طل تخم کاسنی سه اوقیه هر دو را بنیکوفته در آنقدر آب که مطلوب باشد ترکشند  
 و بچشانند و صاف نمایند پس گلاب عرق گاوزبان هر یک یک طل و آب کاسنی مروق  
 قند سفید نیم طل آینه بقوام آرند شربت بندها بهت امراض جگر و قیحه سده و اصلح  
 مزاج وی نافع است ص پوست پنج کاسنی پنج رازیانه هر یک سی درم تخم کاسنی یک اوقیه  
 شکر طارک گاوزبان اصل السوس مقشقه تخم کشوث بنه رقیقه تخم خلمی هر یک ده درم شکامی  
 باداورد هر یک پنج درم کک چهار درم انبه پارس سندل سفید خشیش خاغت آنتین  
 رومی هر یک سه درم اسارون یک شتقال آنچه کوفته است نسیم کوب کنند و در آب  
 بسیار گرم بکشبار و زتر نمایند صاف کرده پنج طل قند سفید و سه درم آب مروق  
 و نیم طل سرکه و نیم طل گل قند و او قیه آب لیمو و خضر و سه اوقیه آب ازبانه بقوام آرند و بعد  
 فرو آوردن از آنش ریونیز یعنی کشتقال کوفته بنجید بیا بنیزند و بدارند شربت که اکمل الشفا  
 و افضل التفتیق علامی فهایم والد ماجد حافق الملک حکیم محمد اکمل خان بحبت حکیم علی نقی  
 مرحوم در دستقام و وزم بکرتوز فرموده بودند بسیار نافع افواص پنج کرفس پنج رازیانه  
 تخم کاسنی گاوزبان گیلانی گل نیلوفر تخم کرفس شکامی ریونیز یعنی خنب الثعلب گل سنخ  
 خانبشک از هر یک دو درم پنج کاسنی تخم ریونیزه صماده خاغت زر شک انیسون از هر یک سه درم  
 تخم خیابن چهار درم تخم کشوث موزین شنی هر یک پنج درم پنج سوسن کشتقال هم او ویه را در عرق  
 کاسنی عرق بادریان و عرق خنب الثعلب عرق گاوزبان و عرق شاهبهره هر یک نیم طل  
 بپوشت شب به او ویرانچسانند و بچشانند و صاف نموده با بنجین یک گ نار بقوام آرند

شربت آووی مسل صفرا و بلغم را دفع کند و ص آووی سیاه عدد و نمرندی یک چنانیک  
 نرید سفید نقشه از هر یک بیت درم و یکصد کنند و پنج من آب بپوشانند تا یک من اینیک  
 بماند و بیا لایند و یک من تخمین صاف نموده اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و بقال  
 شحمیاد را ن حل کنند شربت آووی که بیت تب های دسوی غلیظانی و عتقی و صیات  
 صفراوی نافخت ص آووی شیرین بزرگ سی عدد و نمرندی نیم طل برود و در سطل  
 آب بپوشانند تا یک طل بماند صاف نموده لای سیاه آواز و آب حاض اتج هر یک نیم طل نشا  
 نمایند و بر آتش نرم بپزند تا به نصف رسیده و فند سفید یک طل و گلاب ربع رطل آینه  
 و بپزند و قوام آرند و شربت پانزده یا بیست درم ص و درم تخم فند که بسیار با یک است نه  
 باشند بنوشند و اگر حرارت قوی باشد و عطش شدید بود و به شربت اول با شیرین درم و پنجاه  
 قدر حاجت آینه و بنوشند شربت سیاه آووی ص آووی شربت کینه قالی حب لاس و قشقال  
 پوست پنج انجبار گلنار گل سنخ تخم حاض بیت از هر یک یک و درم آب بیشتر از گلنار یک  
 بیت شقال شراب صندل بدستور معروفه شربت سازند شربت که نافخت بیت ارباب  
 دسوی ضعف معده ص آب شیرین سی شقال گلنار فند که گرانج آینه صندل سفید  
 از هر یک یک شقال گلاب فند از هر یک بیت شقال بطریق معروفه شربت سازند شربت  
 انجبار که حکیم موسی رقیب این تحفه الکوشین آورده ص بگیرد پوست پنج انجبار شربت قالی  
 خرنوب شامی پنج شقال صندل سنخ صندل نصیب همان کرده حب لاس از هر یک و شقال  
 همه را یکشان روز آب حدادان بنمیسانند و روز دیگر شانیده بیا لایند و با یک عمل کنند  
 سفید قوام آرند پس فرو آورده سرد کرده و نقشه گلاب بپزند شربت آووی با خواص یک و  
 سنگ کرده و شانیده و در بار بول نماید ص آووی نیم طل را و در طل آب شربت بنمیسانند  
 و صلیح بپوشانند هر گاه آب بنیمیه آید صاف نموده با و در طل نبات سفید قوام آرند و  
 شربت دو تولد و زیاده هم توان داد و شربت خشک بهشت آینه ت سنگ کرده و شانیده

عسر البول لفع دارد و باه را بفراید ص خشک گرازه بود بکوبند و اندک آب بپاشند تا  
عصاره او بر آید پس بکیرطل ازین عصاره و دو دقیقه عمل دو درطل قند کنند و بقوام آورند  
و اگر خشک بود و دو دقیقه قند خشک بکیرطل قند کنند و باید که اندک بکوب کرد که شبانه روز در آب  
و آبش نرم بپزد و صاف کرده قند آینه بقوام آرند شربت شنب در عسر البول که سبب شستن  
خون در شانه بود بکار آید ص شنب بمانی و دو درم سرکه یک شبانه روز بخیسند و صاف کنند  
و از آن سرکه سکنجبین سازند شربت کاکج حبت و سه مثانه و سوزاک مفید بود و ص انیسون  
تخم کرفس و دو درم پرسیا دشان گل بنفشه گا و زبان هر یک پنج درم خار خشک هفت درم کاکج  
و دو درم تخم جانی سی و دو درم قند نیم سیر بطریق معلوم بقوام آرند شربت حبت حصا  
کلیه دشانه مجرب و مقدار این سیر است ص پوست پنخ اگر پوست ترب باد آورده پوست را  
پنخ کرفس خار خشک فطر السالیون البیون اسارون خشک مربی پنخ حامض گل سنخ سیاه  
استفاده تو قدر لیون غنبل ثعلب فیصوم ناخواه ریشه خطمی کوکنا رسنبل الطیب ارجینی سدر گز  
هر یک و توله انجیر زرد سی و اندک اجزا را کوفتی بکوبند و دو شبانه روز در چل سیلاب بخیسند  
و بچوشانند ثلث آب بماند باد و سیر قند سفید و ده مثقال سرکه انگوری بقوام آرند و چون بر  
شود بوره ارسی تخم ترب پنخ پنخ توله حجر البیه و ریوند چینی و توله کوفته سنجیه اضافه کنند و سه روز  
سه توله ازین شربت یا جلاب که اجزای آن نیست بنوشند سناکی پنخ مہاک متفشر کوفتی نیم  
پنخ راز یا نه باد و در پرسیا و شان خار خشک قصب لذزیره فیصوم ایر سیاه کرام کوفته  
فراسیون غنبل ثعلب پنخ زرد و سونبر منقی هر یک یک توله در سه برابر آب بچوشانند تا نصف  
بماند و صاف سازند چهار توله آینه بثراب بیاشامند عذرا بخود آب باشین تخم مصفر شربت  
مفتت و صاف و ص پنخ کاسنی هفت مثقال پنخ اودان هفت مثقال انیسون راز یا نه  
انجیر از هر یک سه مثقال تخم کرفس یک و نیم مثقال تخم کشته و دشانه تخم سیارین ازین  
چهار مثقال تخم زرد و تخم کاسنی از هر یک یک مثقال اگر کشته و دشانه و دشانه

پاویس پر سیاوشان کشتیال بدستور مرتب سازند و باب پر سیاوشان بنوشند شربت  
 بلبلون ریگ از گرده و شانه پاک کند ص بلبلون سی شقال در دهن آب بچوشانند و از  
 دست بماند و پالانید و بلیک من قند بقوام آرد شربت هفت درم شربت برگ تنبول  
 مقوی باه و دل و مفرج ولی بدل است ص برگ تنبول پخته و سفید بسیار با یک بریزند  
 تا کوفته در آب بچوشانند تا قوت برگ در آب بیاید پس حلاط شکر برشش کرده بقوام آرد  
 انگاه زعفران بگلای سوده بسیار و قنقل در روی سفیز ایند و فرو گیرند چند کشته شود  
 قوی تر گردد و شربت عنبی باه را زیاده کند و شربت رافع بود ص بکیزد عصر انگور و در زیر  
 ده استار دار و کوفته و در صرسته در آن افکنند و بگذارند تا بجوشد و شراب شود و در آن  
 انیس تخم شلغم تخم جریبوزیدان بهمن سفید و سرخ بلبلون لسان اصفافیر حسب التقلیل  
 بربری تخم کدو حله برابر و هر چند روزی صره را بخیسانند و بپاشانند چون به شربت  
 صره را از وی بردارند و شرباب را نگاها دارند شربت موز که بسیار دارد است و در  
 مید بدن را و رنگ سرخ گرداند و باغ را قوی کند و ضعف کوشی دور کند و قوت باه  
 سفیز این ص انگور سیاه شاداب را بدست بماند و صاف کرده شیر آن را در ظرف چینی یا  
 کانسه سفالی کرده در آفتاب تند نگاه دارند و اگر آفتاب تند نباشد ظرف در زیر زمین دفن  
 کنند و اطراف آن لبر گین اسپ پر کنند و در ایام طمس آن یک هفته نگاه دارند بعد از آن  
 این ادویه را نیم کوب نموده در آن ظرف انداخته سر آن محکم بگیرند و بگذارند تا پنج شش روز  
 دیگر بگذرد و بعد صاف نموده در شیشه با پر کنند ادویه اینست قند سفید یک نیم سبزه  
 یک نیم توله و قنقل و در چینی سانج الایچی خورد از هر یک یک توله شربت کدو در آن  
 نافع بود و باه را قوت دهد ص کدو شسته پاک کرده ده من سر وین آن بپزدانند و در  
 هم کنند و در یکسنگین و آب بر بالای آن ریزند و سر دیاب را محکم با تخمیر و باکی کنند  
 تا آنکه از آن سر وین سر و و آبش آید سه پزند و سر دیاب بپزند و باکی کنند

آب آن بگیرند و صاف کنند و بر آن غسل در و یک ریزند و شب و قنصل و خولجان و در آن  
 از هر یک یک گرم زعفران بنهند و مجموع کوفته و شیشه کنند و در و یک نداخته بر خطه بدست بماند  
 شربت فنجوش سرعت انزال را بی نظیر است ص آب انگور شش رطل سماق مارگونار  
 و سق گل سرخ کشته خشک سعد کند رسترا از هر یک ده گرم زعفران در شب بمانی از هر یک یک گرم  
 خبث الحدیدی متقال بچوشانند تا لثی باقی ماند صاف کرده احتمال نمایند خمر مت جرجر که  
 موافقت تمام دارد برای نقصان باده ص بگیرند جرجر نیم و انجیر زرد باب بخته صاف کنند پس  
 بگیرند آب سوزنی که یک روز خیسانیده پس بچوشانیده صاف نموده باشند مثل وزن بطبخ  
 اول و بر دور مخلوط کرده قدری نایتی بخت زیادتی شیرینی او داخل کرده و اگر اندازند باید  
 و بنیاید شود شرب ریحانی باده را قوت دهد و امراض بلغمی را سودمند بود و پیران را سود  
 باشد ص شیرین انگور رسیده شیرین یکصد من در خم اندازند و شش من قند در آن داخل کنند  
 و در آن قنصل و قنصل و لباس جویند و احوال و سندی گاو زبان گیلانی باد بنجوه هر یک ده گرم  
 در یک کس که در روز نیم اندازند و نیم نیم را بگیرند هر روز نیم زنده از شش ماه استعمال نمایند و باید که  
 اولاد درون خم را سوم گذاشته بگیرند و شک و غلبه بویاسانند و در وقت حاجت بخورند  
 شربت که آسانیدن آن حلال است و حضرت امام همام علی ابن موسی الرضا علیه  
 و انتار در ساله و فیه که بخت مامون عباسی در حفظ صحت و تدبیر اخذیه و اثریه و ادویه و  
 فرساده بود ذکر فرموده اند ص بگیرند سوزنی ده رطل و بشویند تا از عیار پاک شود پس  
 بخیسانند او را آب باران یا آب شیرین صافی بمقداری که چهار انگشت آب بر روی  
 سوز بالیستد و اگر اندازد و او را در ظرفی که خیسانیده اند سه روز و فصل مرستان و یک روز  
 شب در فصل تابستان پس او را در و یک پاکیزه کنند و بنزد آن سوز خیسانیده را تا که  
 منفق گردد و مشعل شود پس بپشتارند و صاف کنند و بگذارند تا سرد شود و باز مرتبه دیگر او را  
 در و یک که باقیش را بچوشانند چوشانیدن سهواً تا که و ثلث آن برود و یک ثلث باقی مانده

پس بکیز عسل مصفی کبطل و بچوشانند تا آنکه از مقدار آب سوزیر مقدار عسل سوخته بشود  
 و آب بعد اول رسد و باید که بکیزند پاچه تسفی و در آن بخیل بوزن یکدم و از قرفل نیم  
 و از او چینی بنچدم و از زعفران یکدم و از سنبل الطیب یکدم و از جوز هندی بشل آن  
 و از صطکی نیمدم بعد از آنکه کوبیده باشند هر یک را علیحدہ کوفته بچینه باشند پس  
 در آن پارچه کرده و سر آن را بنحیاط بندند به استحکام تمام و در وقتی که عسل داخل میکنند  
 بگذارند در آن دیگ بدست کفچه خرقه را در شراب مالند کشتی که سرات کند و فرو در آن  
 عتاقیری که در آن خرقه است بآن شراب و مقدار تخم یکب آن مثل الا انصال باشد  
 باش ملائم بچوشانند تا آنکه مقدار عسل برسد پس از آتش برگرفته سر کنند و در میان  
 کرده بعد از سه ماه که فراغ بگیرند بعد از آن پنجه آشامیده میشود و بر آن یک و نیم یا دو قید از آب  
 خالص آنحضرت علیه السلام در صفت این شراب خطاب بامول کرده میفرماید که بخور  
 از طعام مقداری که وصف کرده ایم از برای نوش یا شام سه قح آب و فروع از طعام بپزند  
 چنین کنی نمیدر توانی شد که در آن روز آن شب را و جاع باره فرستند تا نقرین را بچ غیر از این  
 عصه بی باغ و معده بوی و جاع که بطحال و اماره و آشامی که مقدار آشامیدن این آب تمامه و ساقی از آب  
 آب بیان شد پس بیاشامی از آب مقدار نصف آنچه می آشامی قبل از آشامیدن شراب  
 پس بدستی که این اصلاح است به بدن تو و معین است بر جمیع شدت از برای ضبط  
 و حفظ آن نیز آنحضرت در ضمن فصول سه و شهور و رمیه فرموده اند که در شهر آو که اول فصل  
 ربیع است فرموده اند که بیاشامی این شراب را درین آوان بعد از تعذیل آن آب  
 و در فصل نوز که وسط تابستان است فرموده اند که باید که ناری در مزوج کردن آب  
 باین شراب نیز آنحضرت فرموده اند که چون در فصل تابستان جامست کنی باید که بخوری  
 بعد از آن گوشت طیوج و بیاشامی هموزن ازین شراب شربت بلبله او جاع مفصل  
 و تپ های گرم را نافع بود و طبع نرم کند ص بلبله زرد و صد عدد آب گرم شسته نیم کوفته

در ظرفی واسع کنند و آب برسد آن بریزند چنانکه یک بند انگشت بالا آید و سه روز در ظرف  
 نهند بعد آب وی بگیرند و نگاهدارند و آب جدید بر پایه بریزند و آنقدر و سه روز در آفتاب آشته  
 این آب نیز بستانند و آب ول و دوم با هم آمیزند و پنجمین صدم و پنجاه مثقال در آن حل  
 نمایند و صاف ساخته بر آتش نهند و بقوام آورند و فرو گرفته سقمونیامشوی مسح میکنند مثقال  
 اضافت فرمایند و حسب حاجت بنوشند شربت گذر بنج و این الیاس جهت حصه  
 جدری و جمیع علل و موی مفید ص کاذبی و کمر بندی و عذاب بزرگ دانه بیرون کرد  
 از هر یک یک رطل پنج راز یا نه ده درم صندل سرخ و سفید از هر یک ده مثقال گل سرخ منقوع  
 و سنبل الطیب از هر یک دو مثقال نیم کوفته در چهار رطل اوویه آب خالص شیرین بچینند  
 تا صبح آن بماند و پالایند و بگیرند آب آنرا شستن آب آنرا شیرین و سرکه انگوری از هر یک  
 یک رطل و در یک سنگین داخل کنند و بچوشانند تا در یک برسد بقوام آمدن پس شکوفانی  
 سفید یک رطل داخل کنند و بچوشانند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید و آتش برگرفته حل کنند  
 در آن سه درم زعفران و سه درم کافور و صندل و سه درم شربت کافور  
 بنشیند و در روح الارواح جهت جدری و حصه و شری و ماشری و جمیع علل و موی و بر دفع  
 حرارت جگر و معده و قطع عطش نافع است ص شربت کاذبی که آنرا کدر گویند بدل  
 معده و مندی کیو نه خوانند ربع رطل صندل سفید و صندل سرخ هر یک اوویه هر سه  
 نیم کوفته در یک رطل خل نمزینق تر کنند تا یک هفته پس پالایند و سرکه صافی شده بپزند  
 و اوویه ثلثه منقوعه را در شش رطل آب بچوشانند تا چهارم حصه بماند پالایند پس بگیرند  
 آنرا از ترش و آب ریاس و آب غوره و آب لیمو و آب زنجبیل سماق و آب تفه  
 و شکوفه و توت شامی و آب طبع عذاب آب طبع عدس و واحد رطل گلان و صندل  
 تا صبح آنرا بماند و پالایند و بگیرند و در یک رطل و در یک رطل و در یک رطل و در یک رطل  
 در یک سنگین بقوام آرند پس طباشیر سفید یک اوویه راز یا نه سنبل الطیب یک درم

کافور رباجی یک مثقال کوفته بجنیه در آن بشنند شربت منقول از قرابادین بنجید  
 که در امراض شدید الحارث عند غلبان مفرط خون توان و اوصس سرکه تیز انگوری سرطال  
 آب انار ترش آب حمض آب ترچ آب لیمو آب غوره آب ریاس آب توت شامی آب  
 خیار آب کدو آب سماق آب زرشک آب کاسنی آب عناب ثعلب تر بو آب کشری آب  
 تمر بنندی آب تفاح حامض آب سفرجل آب زعفران آب طنج حدس طنج عناب لیمو آب  
 بریک یک طل و نیم چهارم در آمیزند پس بکوبند جفت الکدر و یک نیم طل و صندل سفید صندل  
 بریک نیم طل بکوبند باریک و در آبهای مذکور بچاشند بعد تقوی یا بدون آن و بریزند تا نصف  
 رسید پس بیالایند و قند سفید آینه اندازند که مراره در طعم حاصل آید بقوام آرنده بعد کافور  
 رباجی سه مثقال طباشیر نچ اسناک کوفته بجنیه در آن اضافه نمایند شربت مارافو که قانیم  
 شربت گذرست و جهت جمیع امراض و موی و صفراوی و خناق حار و طاعون نفوذ در حلق  
 خل الخمر یک نیم طل آب غوره آب انار ترش آب حمض آب ریاس عصاره توت فتح ماز  
 عصاره زرشک بریک ربع من عصاره لیمو آب توت فتح حدس طنج عناب  
 بریک شمن من قند سفید چهار من جمله باجم آینه و بقوام آرنده بعد کافور نیمم باریک  
 آینه شربت یک و نیم باکلاب کذافی الفلاسی شربت کونیل از باقی ماء الحامض  
 بسیار شوده و گفته که برای خفقان و اروش صعود و انهد و ازاله و خش و جنون و نیکه گردان  
 رنگ بشود و باعث معده و جمیع قوی بسیار نافع ص گل کربل که گلی است در بند و  
 مشهور صد عدد لیکن باید که گلهای بالیده و یکمال سرخی رسیده باشند بیری آن دور نمود  
 آب لیمو کافوری نیم طل در پیاله صینی شب نگاه دارند صبح بانیات دور طل که با چهار طل  
 آب باران شربت نموده باشند یک جا کرده در شیشه ضخیم که نصف شیشه یا ثلث آن غالی باشد  
 انداخته سر شیشه محکم بسته در ظرف پر آب گذاشته در جای محفوظ نگاه دارند بعد از سه روز پیاپی  
 رونده خوش خورده باشد برآورده صاف نموده از دودام تا شش و ام است تمام نمایند و در





دو درم فروغون نو سادر بر یک یک درم باب سداب یا آب رازیانه شیا ف سازند شیا ف  
موجب جهت نزول ماضی بازشیاشا سوخته دار فاضل اقلیمای فیهی دو درم که در محل  
که اختن من جمع شود جمله برابر باب بادیان شیا ف سازند و طریق سوختن بازشیاشا  
که در باد شیشه کنند و سر او گل حکمت گرفته در نور بر آتش گذارند که خاکستر شود و شیا ف  
حلیت خیالات و ابتداء آب را نافع است ص حلیت خریق سفید بر یک یک درم که در  
سه درم بصل شیا ف سازند شیا ف و مرچ کمنه و جرب و بیل و سلاق و شکر زایه و رافض  
است و صنی و مرچ در لغت یونانیان اسود است ص زنگار شش درم صنی عربی  
اشق بر یک چهار درم اقلیمیا رطلا افیون بر یک و درم باز و بر یک یک درم باب سداب  
شیا ف سازند شیا ف نایخ جهت منع نوازل و جرب و حکا و دمه و درم و حفظ صحت  
و امراض پلک موجب است ص نوبتای باب نایخ پرورده ده درم که کثیر افشاسته افروخته  
گل سرخ صبر بر و حفض کی بر یک یک درم سفید آب قلمی بلبله زرد و من خسته بر یک یک درم  
افیون ربع درم شیا ف سازند از تخمه منقول شده شیا ف تقاضای بغایت لطیفه و در  
و جهت قروح و ضربان و عتاه و ثبور و مورسج و در کسالی را که دوا نباشد سفید  
صل اقلیمای محرق مطلق در شیر الاغ یا شیر و خران شانه زده درم سفید آب قلمی شیا ف  
درم زعفران چهار درم کثیر او درم باب قطر شیا ف سازند و با سبب جگر و استمالات  
و در قانون اجزاء این شیا ف را که لجن بیمار الاطوار و صاحب تخمه زرد یا سبب  
ظاهر او بعضی نشو عوض قطر مطلق شرس رسیده و ناقطر الباقی خوراند و در قانون  
خواسته بالجملة بقا است و چون او در او چشم متصل است اگر این آب را در چشم  
اقوی خواهد بود که انی القادری را تم گوید حکیم و من در تخمه الفونیون قوی که در  
که از کوزه سفال متبرج پس حکیم مذکور با وجود تدریج خود بگویند مال الطرمان افشاده که در  
توجهی صفت قاهری را قبل توجه کلام القائل بهالایشی به قائله و از اینجا که در اکثر نسخ قانون

صاحب تحفه دار المطر و همین را سح و دانسته ازین جهت باب باران ترجمه نموده و در وجه  
تسمیه این شیا ف تنجاسی در اکثر کتب بنظر نیامده بخاطر میگذرد که چون بعضی انواع موسج  
که آن تنجاسی گویند نفخ میکنند لهذا باین اسم مسمی گشته شیا ف ابیض جهت امراض  
حاده و تحلیل اورام و دروغ آن مفید بود ص سفید یک درم سپید ارزیز صمغ عربی کثیر  
سهریک تبه درم بالخاب اسفول یا سفید مرغ شیا ف سازند شیا ف ابیض افیونی  
گردم رانافع بود و در وصف بنشانند و تخذیر نماید ص سفیده بیست درم صمغ عربی یک درم  
کثیر افیون از سهریک یک درم سفید تخم مرغ بسترشند و شیا ف سازند شیا ف  
ابیض انزروتی ابتدای رمد رانافع بود ص سفید آب ارزیز انزروت مرئی بشیر  
از سهریک چهار درم سفید تخم مرغ سرشته شیا ف سازند شیا ف ابیض کندری  
و دده غلیظ رانافع باشد ص سفید آب ارزیز بیست درم افیون انزروت مرئی کثیر  
از سهریک یک درم صمغ عربی چار درم کندر نیم درم باب باران شیا ف سازند شیا ف  
جالب الدم جهت وجع شدید و مسموم اورام نافع و از انقباض موالد قرنیة الحمل نافع  
ص با شیا ف درم صمغ سه درم انزروت مرئی زعفران افیون مرزاج محرق یک درم  
باب باران شیا ف سازند و سفید بکار بند شیا ف برای و مایه را در یک روز با صلام  
که در شیا ف با شیا ف انزروت مرئی از سهریک هشت درم زعفران دو درم افیون  
نیم درم کثیر یک درم کوفته بخیه باب باران بسترشند و شیا ف سازند و سفید تخم مرغ و چشم  
کنند شیا ف سماق که جرب و خارش و سوزش و جھوظ رانافع بود ص سماق سی  
مشقال باب باران بپزند و بمالند و باز بچوشانند تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود و درم  
سفید آب ارزیز بآن بسترشند و شیا ف سازند و بعضی آب سماق را می چوشانند تا غلیظ  
شود و که در سماق بآن سرشته شیا ف سازند شیا ف از مجموع نافع است با وجع فرسنگ  
و وجه که از نقصان لحم فاق اکثر پدید آید و بخراچی که حادث میشود درین ماق فضا صورت شود

ص زعفران چهار شقال افیون صمغ عربی هر یک شش شقال را دهانه با که خاص  
 کرده پیشود و در آن نخاس را بیت و چهار شقال اقلیمیا و مغسول شامخ محرق هر یک است  
 و بشت شقال مرچل و هشت شقال فلفل سفید سی حبث شراب نمیر کرده شیان سازند  
 و در امراض قریب العمد بسفیدی بیضه که رفیق باشد استعمال کنند و بعضی زعفران هم در او  
 شقال درین می افزایند شیان غرب که بعضی اطباء و مجرب نوشته اند صمغ  
 سرخ زنج آبک نوشاد در ذرا چ شب یانی اجزا مساوی در بول که دکان آبشند و  
 شیان کنند پس بسایند و خشک بکار برند شیان پنج مسکن و حج و یک و نیم کلید  
 ورم در یک ساعت کند صمغ بدتر صمغ افیون فلفل طار محرق هر یک دو شقال سبیل  
 حفص هر واحد چهار شقال اقلیمیا شش شقال اسفنداج رصاص شش شقال  
 نخاس محرق مغسول چهار شقال انهدا قاقیا صمغ هر واحد چهل شقال آبی که در آن در  
 جوشانیده باشند نمیر کنند و بیاض بعضی استعمال کنند شیان یا سپین از همه فواید  
 با اکثر امراض خواه در طبقات باشد خواه در یاقین صمغ غنچه گل یا سپین سنگ بعضی گو  
 و اردنی پنج زعفران شوره قلی مغر خم سرس هر مساوی کوفته از پارچه پافته گردانیده  
 در سنگ سماق با شیر لیمو تا یک هفته سحق کرده شیان ساخته نگاهدارند و آب پیون  
 سائیده یا سبیل جسد در چشم و اگر در چشم مابزه باشد یا موی قره ریخته بود یا آب و بنفشه  
 صمغ در چشم کنند شیان که جهت رمد مجرب عیب با نفع است صمغ ورم الاخرین صمغ  
 اقا قیا شیان یا بنفشه زعفران افیون صمغ عربی کوفته سیمین یا سب کاسنی تر شیان سازند  
 شیان که در ذرا و در طریقه همین نفع کند و حج چشم طار آبشاند صمغ اقلیمیا و فلفل  
 مس سوخته هر یک ورم ورم الاخرین بسد و باید هر یک چهار ورم و نیم در پنج مس سوخته  
 هر یک پنج ورم که نیز زعفران اقا قیا ناسته زهره هر یک و دو انگ علی الرغم شیان  
 سازند شیان که با اکثر امراض چشم نفع بود و مغسول از همه فواید فلفل و فلفل و فلفل

توتیای سبز هر یک نیم جزو امیران چینی مرکی مشک حفص هندی هر یک نیم جزو  
 سنگ بصری سر سفسید سر سیاه هر یک پنج جزو کوفته بنجته سه روز در آب لیمو بپزند  
 و شیاف سازند شیاف مجرب جهت نزول صحت حلیت یکدرم را در غرقه بسته در زیر  
 گاو یک عدد ببالند تا مغل شود پس یکدرم روغن بلسان اضافه کرده خشک نمایند و  
 شیاف سازند شیاف مرارة که جهت نزول و دفع غشاده و رطوبت مفید است و از  
 سرعت نفوذ و رطوبات تاثیر میکند و قوتش تا دو سال باقی ماند صفت اعلیای محرق با نر  
 درم صمغ بست درم دوا هندی فلفل سفید هر یک پنجدرم سفیده قلعی چهار درم شکر  
 سکنج روغن بلسان جاوشیر هر یک یکدرم زهره کفتار انیون هر یک یکدرم زهره ماهی  
 زهره کبک هر یک هفتدرم زهره باشه و عقاب و گاو و خرس و گرگ و غراب و باز هر یک  
 پنجرم و آنجا که روغن بلسان یافته نشود روغن آخیریل او کنند و قلعی گفته که فوری بهر شیوه  
 و گرگ است و دیگر زهره های زواید و باید که باب راز یا نه الکترول گفت و از مجرب  
 یافته که زهره حسد و جگر و بوم در دفع نزول و غشاده مجرب است شیاف  
 مرارات بنسخه دیگر ص زهره کاکبک زهره گرگ زهره کبک زهره بزگویی زهره باشه  
 زهره شیر زهره خور زهره کهوتر زهره لعل زهره خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره  
 آهوزهره ماهی هر یک خشک کرده و درم سکنج فرفریان تخم خلل هر یک یکدرم سکنج  
 را باب راز یا نه حل کنند و او و کوفته بنجته یا نه بهر شیوه شیاف سازند شیاف  
 منقول از بیاض عم مرحوم عباسی بیان چشم نافع بود ص نخن فیل در آن  
 نیم خام و نیم بریان حفص سر سفسید صفرائی منقرن کهرنی مساوی الاجزا کوفته بنجته  
 شیاف ساخته نگاهدارند و وقت حاجت بکار برند شیاف ابتدا در نزول را سه روز  
 نماید باشد باز در از نور الیین ص گینه خربان سفید هر یک او فلفل فلفل  
 شکر یکدرم مهبوه را جدا جدا کوفته در آب ترب شیاف سازند شیاف

نافست مرناخته را که غلیظ باشد و کسی را که از این تبر سرد چون این شیا ف بکار برند باین جهت  
 نباید ص بگیند روی سوخته بخیرم زنگار و درم فلفند سوخته زرنج معدوده از هر یک یکدرم  
 بکوبند و بنیزند و یک بفته و شراب ترکند پس شیا ف سازند شیا ف دراز و چون ناخن را بخوانند  
 که بی این تبر دارند بدین شیا ف ناخن را بماند و بر دارند و غده لحم را بیدار است قول از نور العین  
 شیا ف احمر عا سیل و ظفره و سلاق و بیاض انا ف بود ص شیا ف عا سی منقول شدیم  
 صمغ عربی بنجرم مس سوخته زنج سوخته از هر یک و درم افیون صبر متوطری از هر یک نیمدرم  
 زنگار و درم و نیم زعفران مر از هر یک دانگی و نیم کوفته بجز بیه شیا ف سازند شیا ف  
 احمر لین سلاق و علا جفان و آخر در انا ف بود ص شیا ف عا سی منقول ده درم  
 سوخته بیت درم صمغ عربی کثیره صاف نموده از هر یک دو درم سید مر و ایدرنا سفید سیاه  
 بندی از هر یک چهار درم و م الاخرین زعفران از هر یک یکدرم صلا یه نموده شیا ف سازند شیا ف  
 اخضر حرب و سیل و مسعود گل چشم را سوده و در و تجرید را فم نیز آمده ص زنگار صافی سه درم  
 اقلیسیار فضه اشق صمغ عربی سفیده از زیزا زهرتی دو درم باب سداب بیشتر سازند  
 شیا ف که بیاض غلیظ پر و با صره را یاری سید منقول از بیاض جدا جدا درم ص  
 بکینج اشق زرد چوب از هر یک یکدرم و زبد البهر نکس لاهوری از هر یک دو درم و زنجار و زنجار  
 جز و بهر را کوفته بختی خوب صلا یه نمایند و باب بادیان نمیکرد شیا ف سازند شل جوی  
 حایه خشک نموده وقت حاجت باب ساید همیل در چشم کشند شیا ف انار از اول و در  
 نافع ریش و مسود و بقیه شور را و آب رفتن از چشم باز دارد ص صدف سوخته سردی سوخته  
 مسود صفا قوتیای هندی اسفند ل از زین صمغ عربی هر یک هشت درم مر افیون نیمدرم  
 بنجرم عدد و دار و ده است بستانند و آنچه آب سوده باید کرد و در آب سوده باید کرد و در آب  
 بنامیت نری و بسفیده بپیچند و شیا ف سازند و در سایه خشک کنند و بکار بند  
 شیا ف جهت کرم گوش ص مر زنجوش خول سداب شخم خنخل مساوی کوفته بختی

در زهره گاو شیان با ساخته وقت حاجت بر روغن بادام تلخ سائیده در گوش چکانند  
 شیان کرد در عظم عظیم النفع است حص بوره حب لغار چند بیدستر هر واحد نصف جزو خردل  
 انجیر بر یک جزوی شراب عقیق مقداری که پوشد و واهار بجوشانند تا مسفتد شود پس شیان  
 با ساخته در گوش نهند شیان نافع برای ثقل اذن منقول از بیاض عمم حرم حص تخم  
 عصاره افستین چند بیدستر راوند صحیح از هر یک نیم درم بخورق سدوم قطره بعد از هر روز  
 و انگ کوفته شیان ساخته و در زهره گاو سائیده در روغن بادام آمیخته در گوش قطور نمایند  
 شیان که اطباء قدیم جهت امراض جهت خزن آورده اند از بنی ساخته اند حص کنش سوزج  
 فرغون کوفته بنجیه زهره گاو و شسته شیان سازند و بوقت حاجت در بنی نهند که عاف جگر  
 کند شیان نمناک بالینوس برای بواسیر و ارسال الف منقول از بیاض عمم حرم حص انار  
 باشم او کوفته و آب او را فشرده در ظرف اسسرب بگذارند تا آنکه در دونه نشین شود و بعد از آن  
 در در آب سائید تا آنکه مثل عجن شود و از آب صاف انار در وقت سائیدن گتیه نموده باشند  
 هرگاه خوب بیدستر و شیان در از بازند و در بنی گذارند و مکر این عمل نمایند و بعد و در روز  
 بیمار را راحت داده باشد و باز این عمل را شروع می نموده باشند و بنی را از عصاره کند  
 نیز طلبه کرده باشند پس نفس میکنند این دو انفع کثیر و الم بسیاری بهم میکنند چنانچه او دیده گیر  
 که درین باب مذکور اند الم می نماید شیان که استقار طبل را نافع بود و باد بار انفع میکند  
 سداب خردل را زبانه تخم کرفس سفید بوره از بنی بر یک یکدرم شکسته پنج درم باب سداب  
 شیان سازند شیان که در استقار زرقی استقار زرد آب کند حص غار یقون سفت  
 قیر اطمس سوخته و ثلث و زنجی ماسه و دانه و ثلث عدد انجیر چاه عدد کوفته بنجیه با سفید  
 شیان ساخته بردارند شیان مسهل قونج را بکشاید و بلغم و صفرا دفع کند و در دشت  
 بنشانند حص سکنج جاد شیر قند بوره از بنی اشق انزوت زنجبیل سور بنجان شقاق قند تخم  
 تخم کرفس از یانه اینسون نمک بندی چند بیدستر زرباد باهی زهره قسط سعد سداب

خشک مساوی کوفته بخیته باب سداب تازه بپاشند و شیان سازند شیان نیرص  
 زعفران حنظل مرافون کند مساوی کوفته بخیته شیان سازند شیان خیارشیر قویج  
 بکشاید و طبع را نرم کند ص بخشد ده درم سارکی بنجد و خمی سودرم نمک هندی یکدرم  
 عسل خیارشیر شکریخ از هر یک ده درم اول غسل خیارشیر و شکریخ بر آتش گذاشته بعد  
 از آن او روید و دیگر کوفته بخیته آینه شیان سازند شیان بنفشه همین خاصیت دارد ص  
 گل بنفشه بنجد و تمهونیا نمک هندی از هر یک و درم بوره ارنی ترید از هر یک و درم  
 فراوت فایده از هر یک پنج مثقال شیان سازند شیان منقح با سورمتلی ص  
 شتم حنظل سه درم بادام تلخ چهار درم کوفته بخیته شیان سازند و هر ساعت یک حال نمایند  
 پنج ساعت شیان قطع دم بوا سیر و نمک کند ص عفن حنظل کند جلای قویج  
 محرق کحل طین ارنی از هر یک یک نخ و کوفته بخیته در آب سرور شیان بسته و آن تا صفت  
 بدان آلوده بکار بند شیان قویج ص بوره ارنی ده درم شتم حنظل مثل سکنج از هر یک یک  
 تمهونیا و درم و نیم شکریخ ده درم شیان سازند شیان که خون رفتن از بواسیر ببرد  
 ص کند از زرد دم الاخوین گلنار سریره زاج سفید از هر یک یکدرم زکار یکد انگ  
 کوفته بخیته با عسل بپاشند و شیان سازند شیان که شکم را به بند و ص قاقیا منقح  
 گلنار زانج بلوط مرغ بریان کرده کوفته بخیته شیان سازند شیان که نافع جهت زجر و  
 دم و اغراس ص صمغ عربی قاقیا فیون مار و بند از پنج کند رگل ارنی پنج بریان زیره  
 بوداده مساوی کوفته بخیته باب سرور و یا کشنیز تازه شیان سازند شیان جهت رفع نفیر  
 و دفع سده اطفال المجر ب است ص نخلع ترید سفید شکل موش هر یک یک مثقال کوفته  
 بخیته با عسل خیارشیر بپاشند شیان سازند و وقت بر داشتن بریت چوبسار کرده به دارند سیا  
 دیگر معمول و کثیر المنافع ص زبل الفار همین شکریخ را سوریه بر آتش نرم معقود ساز  
 و مانند خسته خرافه قلیله با ساخته بروغن بنفشه چرب کرده بکار بند شیان که عصب



مسهل استعمال کنند اگر اسهال تقصیری رفته باشد و گرم فراوان باشد صبح بخورند  
 پنجه درم صابون زنی خطمی نمک طعام از هر یک و درم شکر سرخ پنجه درم بیهوشیاف سازند  
 شیاف غد یوطص افاقیا نمک گلنا رضع عربی کوفته سنجینه شل بلوط با ساخته در زیر  
 و قبل از بلع باید بستراج روند تا شکم از غلظت پاک شود و اشبار فایده نماند شیاف که ابوالفتح  
 کمال جهت درد بواسیر و قراقرش شکم اختراع نموده ص ص میوه یکدرم سوم یکدرم و نیم نقل و درم  
 روغن خسته زرد آلو روغن گل سر یک سه درم چنانچه رسم است شیاف سازند شیاف بخر  
 که استفاظ لا گیرند ص عشقه و آن نباتی است که بر دخت پیچ و خشک کند و در روغن  
 مسین بریزند و صاف کنند و چهل روز در آفتاب نهند و در شب بپوشند و از گردنگاه دارند  
 و هر روز بر نیم زیند بر مقدار کین ازین صبر و عرقم سپندان سفید و هر یک یک سارا صفت  
 کنند و شیاف سازند و یک شب بکار بند و یک شب ناک خشک شود و بقیه شیاف  
 دیگر مجرب قمار است ص لثیم گو سفند را فیتله ساخته سه روز در سر که بگذرانند پس برگ  
 قنب را کوبیده نرم ساخته بر آن فیتله پاشیده شیاف کنند شیاف که در قطع خون  
 مجرب است خواه از بواسیر یا اسهال باشد و جروح مقعد را نیز مفید است ص و صا  
 اتا قیابذ البیج صغ عربی برنج بوداده بالسوی آب مورد سرشته شیاف سازند شیاف  
 برای قرحه مجری قفصیب بعد پاک کردن قرحه بکار آید ص تو تیار مغفول و دار سنگ ص  
 که و محرق نخاس محرق اقلیمی مغفول همین قبرسی شادنج مغفول کند را نیز روت مانو  
 گلنا رشب قاقیا راج محرق دم الاخوین گل سرخ نزع الاغلاماندر شش کاغذ خسته از جبهه یکدم  
 که باشد یا محرق کوفته شیاف ساخته استعمال نمایند باب لصا و المسمیه ص صغی که  
 چشم را سیاه کند ص سمر سه درم و دو چنانچه سرب و درم مشک انگلی غفص قاقیا هر یک  
 یکدرم سمر را با یک سائیده و چشم کشند ص صغی دیگر ص فندق سوخته در روغن زیت  
 سائیده بر با فوج طلا نمایند تا چهل روز چشم را سیاه کند ص صغی که بعضی را رنگین کند

صل تو بیا بر بزرگ حشیر طبع یکجمله کوفته بنجیه باب آید طلا کنند صبیغه دیگر شش طبع عاقر و حافظ صفت  
 شنبه کل شقایق در کی پنج زرد چوبه هر یک یک گرم کوفته بنجیه بکر اگر سرشته سه روز نگاه دارند پس شمال  
 کنند صبیغی دیگر صس اطراف شاخهای درخت انجیر سیاه در سرکه انگوری نجیسانند پس بپا  
 و بوره و کبریت زرد و شیطرج هندی بدان آئینه طلا نمایند بعد از آن بسره و بوره و شنبه  
 صبیغی که بهق اسود و بهر دو رنگ بدن را برآورده و کندش قسط هر یک دو درم تخم ترب  
 ده درم بسره کنند صبیغی که نشان آبله و جراحات را برنگ بدن آورده و صس مرد رنگ  
 شسته بنجی کنند آرد و خود و بنج استخوان پوسیده مغز تخم خربوزه حب البان قسط کوفته بنجیه  
 بلغاب حلقه تخم گمان قوت شب بالند و صبح از بسوس و آب گرم بشویند صبیغی دیگر که رنگ  
 سرخ کند صس زعفران فوه کندش مصطکه مساوی کوفته بنجیه باب بلبوس ایمنی بصل آید  
 تر ساخته شب بالند و صبح باب گرم بشویند صبیغی حلونی صس مصطکه نیم جز و ورق نر  
 زعفران زرد و نر یک یک بخور و خون سیاوشان مصفر از هر یک دو جز و جله را با یک بسا  
 و باب صمغ عربی خمیر کنند یک شب و یک روز بگذارند و انگاه برکت دست و پا نهند بغاب  
 خوش رنگ میگردد صبیغی از رین صس زعفران ربع جز و ورق نر خون سیاوشان  
 زاک زرد و حنظل طار هر یک جزوی نوساد برابر همه چون سر سیه بسایند و در شیر و ان ترخاله  
 کنند یا در رو و دما و در خم سرکه چون قندیل بیاورند داخل شود و اگر زیر زبل و قن کنند  
 و هر روز زبل تازه کنند تا حل شود و هم نیکو است بعد از آن آرد و جو باین آب خمیر کرد  
 یک شب و یک روز بپا کنند انگاه چون خابر دست نهند مثل زر گرد و صبیغی طاووس  
 صس پوست انار شش نیم مثقال قلع لیس تو بال آهن سه مثقال باب چند خمیر  
 کنند و بر دست نهند و یک ساعت بگذارند و بشویند صبیغی قمری صس لاجورد و ورق نر  
 و سمد از هر یک جزوی زعفران مصطکه بهر یک نیم جز و بکوبند و باب صمغ عربی خمیر کنند  
 و بر دست و پای نهند رنگی لطیف آید باب انصاف و المجهه و نما و بالک شیری

میان صفاد و طلمار باغبان غلیظ و رقیق است ضما و برای صداع حار شدید الحرارة منقول  
 از خط الله بن محمد ص کل نیلوف کشنیر تر گل نقشه نقشه خوشنماش باریک بسایند و اندکی  
 کلاب و قدری ایفون و کافور و فلفل کرده بکار بزند اگر حرارت فلفل باشد کافور برون  
 نمایند ضما و جهت صداع فزمن سوداوی ص سداب بری فربون بوق بذر حر  
 بنفشه مرزنجوش از هر واحد جوئی ششیم ششون جزین کوفته و فلفل صمغ در روغن نیلوف  
 نموده با هم مخلوط کرده بمثل آرد ضما و معمول نافع صداع که از فربون و سقطه بهم رسد  
 کل از منی صبر از هر یک پنجم دقیق ماش مناش آس ورد از هر یک ده درم  
 بالونه قصب الذریره از هر یک یک درم کوفته بخینه در آب بید سائیده ضما و نمایند و اگر  
 جبهه اخنی در اینجا باشد و الم شدید پس تبرید مضایقه ندارد و اگر ورم در موضع باشد پس  
 است از او ویه قافیه مقویه مثل عدس گلنار و ورد و آس اگر دماغ حرکت کند پس  
 اسطوخودوس با شراب عسل نافع ترین اشیا است و در نیم صورت غذا را او معده و جاج  
 و کبوتر و اشغال آن کنند ضما و جهت صداع حار سافج از حکیم علی کیلانی ص یک  
 خرفه جاده که در برگ بیدگل خطمی صندل سفید کوفته بخینه با قدری کلاب و سرکه ضما و نمایند  
 ضما و که مقوی دماغ است و نافع بود برای در و سرکه و زلالات فزمنه ص نمک طبع  
 نمک طعام بوره سفید سوخته بن سوخته پیچ هرج خردل زبد البهر از هر یک یک مثقال  
 کبریت زرد گل سرخ سماق برگ حنا از هر یکی غصص فرشیون صمغ عربی کندر فلفل  
 عود قهاری صبر زرد و بنخ سوسن سنبل الطیب زهر یک نیم مثقال جوز بود و مثقال  
 کوفته بخینه بکبر انکوری بچوشانند و صابون در آن حل کرده ضما و نمایند ضما و مقوی  
 و نافع بود از برای صداع حار و از تر عرع دماغ ص صندل سفید صندل سرخ  
 فلفل کل از منی ریشه چینی آرد با خاک کوفته بخینه با جاج مخلوط کرده بر سر ضما و نمایند  
 ضما و صمد الی ساد و الله علیه جهت نفع صداع و سرسام و جرب است ص کل



افاقیا ساوی کوفته بنجیه باب غنبل الثعلب یا کاسنی سنبه آمیخته حوالی چشم ضما و نمایند و اگر وجع  
 و ضربان آشفته بود همراه آب کوکنار یا آب کاهو استعمال نمایند ضمما و که سلطان عین را نفع است  
 صن و قیق شعیف بنفشه خشک نیلوفر آرد با قلا اکیل الملک بالونه آب کالنج آب غنبل الثعلب  
 ضما و دیگر صن غنبل الثعلب خشک برگ خطمی برگ خبازی کوفته بنجیه برغن بنفشه بعل آبرند  
 ضما و از آن طرف نمایند صن سوزنی از دانه پاک کرده برگ غنبل الثعلب صبر نمک سائیده با سر  
 ضما و نمایند ضمما و دیگر برای همین کار صن اکلیل الملک م الاخوین پنج نمک عفران حد  
 منقشه باروغن گل و زرد و تخم مرغ ضما و کنند ضمما و که غرب بسته را نرم کند صن خم مر و کوفته آرد  
 کنند بشیر خیمه کنند و قدسی زعفران داخل نمایند و در شیر و خمران یا شیر خر به پزند و بر غنبل  
 نمایند و تفصید باش مضمغ نیز از جرب است ضمما و سهول استاذ علیه الاعما وجهت رد و در  
 چشم صن عصا دانه یا گل از منی پوس در بندی صندل سرخ حفض کی افاقیا غنبل الثعلب  
 تخم خطمی صمغ عربی فلفل سبز عفران کوفته بنجیه آب کاهو یا العا ب سپنول یا سفیدی بیهیه  
 ضما و نمایند و هرگاه بشویند باید که از آبی که در آن کوکنار و برگ شبت جوشانیده باشند ضمما و  
 منقصر سهول استاذ بهجت ضرب که چشم رسیده باشد و جره شدید و تخمه باقی ماند صن عفران مصلک  
 هر دو را سائید و در زردی بیهیه مرغ سرشته گرد حلقه چشم ضما و نمایند ضمما و که آخر رد بکار آید صن زرد  
 تخم مرغ آرد جو گل بنفشه گل بالونه ضما و که در م صلب گوش نافع شود صن شحم بط و دواج هر دو  
 بگذارد و قدسی بصر غنم خوب باریک سائیده بنید از ند و در هم کرده از خارج ضما و نمایند ضمما و  
 که در م بیرونی گوش را سود و در صن آرد با قلا آرد و جو بالونه گل بنفشه خطمی اکلیل الملک و زرد  
 بنفشه و آب گرم ضما و نمایند ضمما و که در ورم گوش که از آب رققن و در گوش بهم رسد بکار آید صر  
 پوست خشک اش اکلیل الملک بالونه خطمی تخم کتان آرد و بنفشه بشیر زمان سرشته ضما و کنند  
 ضما و که انگاسا از منی کوفته شد با اذن را نفع است صن صبر منقش افاقیا یا ایتانج حنا هم سرشته  
 بر آن بجانب که گسترده باشد بنهند و عضو را بر پیست اصلی به بند و ضمما و که انقلاخ غنم

گوشت بعد روان بر خوش و بستن رفاوه و عقب فصد اسهال بکار آید و از این ضما و تسکین  
 فوج که ماضی و نماید ص بکیرندان خوشک و در آب ترکند و هرگاه شتر شود قدری از سرکه و در  
 بدان بپاشند و مثل ضما ساخته بپزند ضما و که بر سر جبهه گذاشتن آن جوش عاف نماید ص  
 کافور افیون هر یک یک ربع جزر گل از بنی عصاره الحینه التیس گلنار عدس متعشر هر یک یک نخ و فو  
 بنجیه لبره که انگوری شسته بترارک گذارند ضما و که هرگاه بر سر جبهه بپزند رعان باز دارد و اول آب  
 شدید البرد بر سر بپزند و بعد از آن تفصید نمایند ص باز و بنیز پوست از گل سرخ هر یک یک نخ و  
 عدس متعشر و در جوش حفض بر آب بر جبهه کوفته بنجیه آب آس و گلاب شسته بترارک بر سر جبهه بپزند  
 و اگر خرقه گمان بگلاب که بر برف سرد کرده باشند تر کرده بترارک بر سر بپزند و جوش عاف آوی  
 خواهد بود ضما و محرب به محمول جهت در دندان حار ص افیون کافور بر در و از منفرج نمود  
 بر دندان و دندان ضما و نماید ضما و که بطلقه و ظفر به و حصه است نان نافع است ص بکیرند شحم  
 شحم و جاج شحم از شحم خاری مساوی روغن خیری قدر کفایت شحم را در روغن بگذارند و قدر  
 سوم و زو فای طب و حلیب خط داخل کرده مثل قیر طلی ساسته طلا بر سخن کنند و به بیایند  
 که دندان را از زهر ابر چیل روز صیانت کند اگر طفل یا در سن ترنج باشد ده روز این ضما و کفایت  
 میکند و طریق بر آوردن حلیب خط نیست که گندم را در آب بجایانند تا مالیده و متعفن شود پس  
 شیر آن مثل شیر غلط کشیده داخل داری مذکور کنند و جهت مرض مذکور باید دندان خون خفاس  
 و را و ساخ الحیه علی التواتر نافع است و اهل بصره جهت این مرض نرول معجون که در جبهه  
 استعمال میکنند ضما و برای خناق ص حلیب کتان تخم شبت بابونه برگ کرنب و تخم انجور  
 کوفته بنجیه بروغن زرد گس و پیله بطه که اخته آمیزند و بر جاج حلق ضما و نمایند ضما و نافع بر  
 استر خالماة از رطوبت لمبی ص عفض سبزه قشار کنند و روغن آس کوفته بنجیه و سرکه خمر  
 ساخته برافوخ ضما و نمایند ضما و برای خناق ص دقیق شیر در آب عنب ثعلب آب  
 بارتنگ آب کاسنی گلاب قلیل خل خمر نموده خارج حلق ضما و نمایند ضما و که هر دم صلاب

نفع دهد و برون بتلیث زعفران اهلل الملک کوفته بروغن زکس خمیر کرده بر خارج  
 ورم بندد ضماد خنایر مجرب و معمول و مختصر سند الاطباء و الدراجا حص صبر مرناخواه که  
 از هر یک دو ماشه زراوند در هیچ فلفل سیاه فلفل سیاه از هر یک یک ماشه علمه نیم ماشه قصبه  
 اشق مقل را تیغ حلیت شستن قسط فریون قندهر و احیدیک ماشه بر کتان و دواشته کوفته  
 بنجینه در آب قرض سازند و وقت حاجت اندکی در آب حل کرده ضماد نمایند ضماد و نافع  
 خانی که بسبب دال فقره حلقه کوفته باشد بعد از آن وقتا به وضع خود استعمال نمایند حص  
 سخا صبر مرنا قیاسیش بلعاب سنبول خمیر کرده بعمل آرد ضماد و محل خنایر حص  
 تخم انجیر کبریت زرد الهمر رویند چینی مثل اشق روغن گشته ترکیب آرد بر خنایر گذارد ضماد  
 که خنایر را قطع سازد حص اگر دوازد کندم آرد با قاسم که ام بخیرم شب یانی ایر سافت  
 تر به که ام و ورم موم پیله بر هر که ام بخیرم بریت گشته گذارد و مجموع را بهم برشته ضماد  
 کنند و بعضی به بول صبیان مجموع را می برشته ضماد عجیب محل خنایر حص زراوند  
 کندش هر که ام یک جزو اشق دو جزو با قدری حسل نرم و دواشته یانی آرد و کوفته بنجینه  
 بدان آینه زده پیوسته ضماد نمایند ضماد دیگر جهت خنایر که از زوال فقره حادث شود و هر  
 عفتش قشور ران قسط اهل اسکاب هم مخلوط کرده و بقیه او را بگذارد ضماد که در تذکره محمد  
 مجرب نوشته حص ایر ساز زراوند زفت هر یک جزوی و در هم و اخیون هر سه مفرج کرده  
 بر شست لریگندارد و او به سائیده بدان برشته و بر پارچه کرده بر رقیه بندد ضماد که  
 تسکین و جمع ذات الجنب نماید حص آرد جو اهلل الملک پوست خنخاش کوفته بنجینه  
 آب ضماد کنند ضماد که ماده ذات الجنب ذات الریه بر و در دساکن کند حص بنفشه  
 بالونه هر یک جزوی آرد با قلا آرد جو هر یک یک جزو نیم اصل السوس و و جزو کوفته بنجینه  
 روغن یاروغن کچد برشته بر نهند و اگر حاجت به تمایل زیاده باشد تخم کتان در آن قرار  
 و با تیغ ضماد نمایند و اگر حرات بسیار نباشد بدل روغن بنفشه روغن سوسن یا روغن

نرگس کنند و اگر حرارت قوی باشد بدل تخم گئان برگ نیاید و گوشتی مانده نمایند و نهاده و اگر قلیل  
 لبن کند و در دم که سبب یاقتی لبن باشد و در نماید ص قیق با قاعده من فشر تخم کامه و از  
 گل سرخ گل ازنی سائیده در روغن گل و سرکه آمیخته استعمال نمایند ضماد که هرگاه از صاب  
 ذات البنت صاحب شصه تیپ اقل شود و ماده عسره باقی مانده باشد استعمال شود و ص کبیر  
 اطراف سلق و اطراف هندی باره و کوفته در روغن کبیر بچو شاند و آرد و جو خطمی و ورق  
 کوفته بنجینه ضماد کنند اگر نفث بر آمدن شروع کند بهتر و الا این ضماد بعل آرد بکیر نذر دل نیم خور  
 انجیر سیاه بکیر و بایون و جیره بر یک هله حله در آب پن خطمی که اخته مثل فلفلس ساخته نهادند  
 که این ضماد کمین و ترفیق ماده کرده بسلط جلدی کشد و قرحه می اندازد و اگر ازین ضماد و انجیر اقل  
 بسلط جلد نشود و محاجم کبار بر نهند ضماد که در نفث الدم که سبب ترقیدن عرق یا جرحت سینه  
 و شش هم رسیده باشد سودا و روص پوست اندازد فاق کند باز و آرد و جو گلانار و آسیا برگ و  
 اطراف زرشق و قنب کوفته بنجینه روغن گل یا روغن مورد آمیخته بر سینه نهاد و کنند ضماد و سر عسره  
 حادث از ورم ریه وقتی که حمی و حرارت شدید و التهاب قوی باشد ص آب جوده که  
 آب سد آب برگ اسفول آب خبازی شیر کشتک جو آب بار اجمع نموده خرقه گئان خشته  
 بر سینه نهاد نمایند ضماد نافع برای انتصاب نفس حادث از اشتراک عضلات صدر است با  
 بارده و صنعت حرارت ص صطکی سنبل الطیب و صافی قصب لذریه و ص قوطی تار شک  
 مساوی الاجزاء در گلاب بر پارچه پلانموده بر سینه نهاد نمایند ضماد و منفع و مسکن جمع ذرات  
 تالیف والد حکیم علویان هر جم ص آرد با قلا آرد و مسوق آرد و بخود آرد و گندم از هر یک و گند  
 باب عنب اشولب غیر نموده لعاب گل خطمی سفید لعاب تخم و لعاب بهمانه شیر تازه گاو و غن  
 منقرض که در روغن بنفشه زردی بصفیه بر او داخل نموده بر تارچه پزند تا لطف فنی ضد جنب  
 ضماد نمایند ضماد بر شصه تیپ ششخ و بخور بایون آرد و قلا خطمی لکلی ملک مساوی کوفته بنجینه  
 و قوطی که از ورم و روغن بنفشه ساخته باشند آمیخته بکرم ضماد نمایند و بعضی امسار استعمال



اضمه و اطلیه در شومعه منع کرده اند و اولی آنکه این حکم را مخصوص بان حالت دانند که ماده بسیار باشد و اگر قلیل ماده باشد استعمال اضمه و اطلیه مفیدی آید ضمما و برای ورم ثدی منقول از بیاض عمم و حرم ص آرد جو آرد عدس آرد و با قلاگل سرخ مساوی کوفته بخیته در روغن گل و سرکه کرده بیکرم بر پارچه پالیده بر ثدی ضما و نمایند ضمما و برای ورم ثدی صر چوب میپده که بهندی میدهد لکتری گویند پوست کچال تخم صلبه پوست پنخ ارزند گیسو بر راکوفه بخیته ضما و نمایند ضمما و که چون به راه بعد از حقیض سه روز بر پستان ضما و نمایند حافظه اشتر خان ابو ص و فقیق شیر پوست کن راجع باریک سائیده باشی آینه تاسه روز متواتر در شب روز دوسه مرتبه بعمل آورده باشند ضمما و برای خوردی و سختی پستان ص پنخ کند و روی سوسپی نام سه روز مساوی گرفته در رس سجنه تا چهار پاس که ل نمایند بعد از آن ضما و کنند انشا الله در سه روز بحال آید ضمما و صندل که در ضعف قلب حار و خفقان حار بکار آید ص صندل سفید بگلاب سائیده قدری سرکه و آب سیب ترش و آب به و آب انگه زن و پاره کافور اضافه نموده بار پنجه کشانی در آن نمر کرده بهوای سر خشک نموده ضما و کنند ضمما و دیگر که در دل رافع است ص صندل در گلاب بسایند و قدری کافور شپاف امینا و آب <sup>الطیب</sup> سبز عرق سید مشک آب برگ کامبو آینه استعمال نمایند و تنها صندل در گلاب عرق سید سائیده در صورت قلت حرارت نیز کفایت کند ضمما و که احتواء بر طوبت قلب را بعد از استعمال یارجات و جز آن نافع آید ص گل سرخ سنبل الطیب عفرا ن باب بادرنجبویه سرشته ضما و کنند ضمما و که جهت سوه فرج بار و قلب نافع است ص سنبل قسط اهل و اچینی سعد و فلفل و ورق آس با شرباب و آب سیب آب به ضمما و نمایند ضمما و که تحلیل ورم اذنی القلب کند ص بابونه اکلیل الملک تمام تخم کنان برگ خطمی برگ کزنب عفرا ضما و نمایند ضمما و که بر نفس قلب فاع آید ص بگیند و ورق خبازی و ورق غنبل <sup>الطیب</sup> پنخ زعفران بسایند و با شرباب بپوش سرشته خشک کنند پس دوباره سائیده با خیر و

که از روغن گل و موم ساخته باشند سرشته پاره کتان بان آغشته بر سینه بگذارند ضما و که شیر پستان  
 زیاده کند ص تخم بادروغ پنجم آرد با قلاده درم کوفته بختی باب بادروغ ضما و کند ضما و که  
 شیر غلیظ با صلاح آرد ص نقشه خطمی جو شسته بختی و پستان ضما و نماید ضما و که شیر را که سبب  
 و خشکی منجمد شده باشد عمل کند ص باش که در سندی مومک گویند و برنج که آنرا در سندی ساشی  
 نامند باب ساشی و اندکی گرم کرده ضما و کند ضما و که در زمانی که شیر بسته شده حنن گردید و باب  
 بکار آید ص آرد و کنیز روغن گا و آگین آرد با قلانان خساریم سرشته ضما و کند ضما و که در سندی  
 پستان بکار آید ص باش دانه سوز کوفته باب سر رشته ضما و کند ضما و که در سندی پستان را  
 بر دو کیشاید ص تخم کتان سوسن میوه ساندله گریز گریز کبوتر نظرون راتنج مساوی کوفته  
 بروغن کنیز و مغز ساق گا و روغن سرشته ضما و کند ضما و جهت زنی که پستان او بغایت خود  
 باشد یا بر نیاید و چون این دو ابر نهند عظم بدید آید ص پیه پیل پیه گا و میش السویه بگیرند  
 مخلوط ساخته هر روز شیر گرم قدری بمالند ضما و که نافع است از جهت اورام صلیبه معده و  
 ص غفران صبر از هر یک یکدرم شنبلیله از هر یک یکدرم کوفته بختی باب گرم ضما و کند  
 ضما و که معده بار و گرم کند و وقت در ص سعد کوفنی صطلک قسط آفستین از هر یک پنجم درم از  
 آله و قنصل و اچینی قصبه لذر از هر یک یکدرم کوفته بختی باب بنما و نماید ضما و که درم که بختی  
 راتجاسیل و ص قنصل حب لسان تخم کرب از هر یک و درم شنبلیله از هر یک پنجم درم  
 موم سه درم روغن نارودین پانزده درم صمغ باراد و شراب حل کنند و باقی او را کوفته بختی  
 نمایند و باروغن موم ضما و کند ضما و که همین خاصیت دارد ص حله شب میانی تخم خطمی بزرگ  
 بالونه صطلک از هر یک پنجم درم شنبلیله سعد قصبه لذر از هر یک یکدرم موم سفید سه درم  
 روغن بالونه پانزده درم بطریق معهود ضما و کند ضما و انجیقون برووت سعد و کب و طحال  
 نافع بود ص شنبلیله الطیب سیخه صمغ طری از هر یک سه درم عود و لسان زعفران از  
 هر یک و درم موم سفید هشت درم موم راد روغن نارودین یا روغن قسط یا روغن زنبب بگذارد

باقی ادویه کوفته بختیه بآن آئینه ضما و کنند ضما و که اگر سعه نهند آرد و اگر بر ناف نهند  
شکر بر اند و اگر بر خانه گذارند بول و حیض بر اند ص برنگ کابی عصاره قشال الحار بر یک  
سه ششقال خربق سفید و در سنگ از هر یک چهار ششقال روغن زیت ده درم سوم سفید  
نیز از هر یک پنجم درم سوم و پیر را در روغن زیت بگذارند و باقی ادویه کوفته بختیه بآن ضم کنند  
و بر روی کاغذ تازه کشند و ضما نمایند ضما و دیگر که چون برکتان کشند و بر غم اندازند اسهال  
سودا کند چون زیر پیل ضما و کنند اسهال صفر نمایند و چون برابین در کین ضما نمایند  
بلغم بر اند و این هر دو ضما و از اسرار اطباء است پیران و کسانی را که طاقت اسهال بدو  
مسهل نباشد بدین معالجه کنند ص ترس متشربک کف بکوبند و در و یک کنند و  
مقداری از شیر تازه که آنرا پوشانند بر سر آن ریزند و بچوشانند تا ترس شیر را جذب کند  
بعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بچوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و چون  
خواهند که قطع اسهال شود لته بردارند و آن موضع را بگللاب بشویند ضما و که درم سعه  
بلغمی را نافع بود ص جده پنجم درم اکلیل الملک حماما با بونه شبت بر صطک از هر یک ده درم  
سنبل صبر از هر یک هفت درم کند بر شش درم پیرا و دوازده درم پیرمخ بیت درم پنج  
خطمی پانزده درم سوم سفید سی درم ضما و کنند چنانچه رسم است ضما و فیاض نوس و در  
و جگر و او را بر آن رافع و در ص زعفران دو درم متل صطک شیخ صبر سیئه ساله هر یک درم  
سمع سه اسار پیرا و دوازده درم زو فار یا لبس یا رطب سی درم روغن نار دین بقدر کفایت  
و در بعضی نسخه زعفران دوازده درم است و در امراض رحم بصوف حمل باید که وضما و که  
قروح سعه را نافت ص افیون زعفران هر یک نیمه انگ و در سنگ کیشقال سفید  
از زیره پنجم درم روغن پنجم درم ضما و کنند چنانچه رسم است ضما و که درم سعه و جگر و پیرا و در  
و بدو صلابات نرم کند و در شقیقه مزین را سفید است ص زو فای رطب بابیه اوک  
و پیرمخ از هر یک ده درم حل کنند و دیگر ضما و نمایند ضما و که جساوت سعه را و عضله های

شکر را نرم کند و جالینوس گفته که درین باب مجرب است ص سوم شصت درم صبر و عسل و عسل  
 هر یک سی درم بجعل جاذب شیر بر یک پیست درم روغن سوسن دو بلیت و چهل درم بطریق  
 معروف درم سازند و ضماد نمایند ضماد که منخ تولد بلغم در معده کند ص عود خام سبک الکالد  
 هر یک سه درم گل سرخ چهار درم سنبل الطیب مصطکی هر یک دو درم مشک دانگی کوفته بجنه باب  
 مرزنجوش یا آب نام سرشته ضماد کنند وقت خلوص معده از غذا ضماد که دسی صفراوی بعد از تحقیق  
 بکار آید ص آب بر بیان آب سیب بریان صندل سفید گل سرخ مورد مرادان عود کافور  
 سوسن بر معده ضماد کنند ضماد دیگر که منع فی کند ص کافور نیم جزو زعفران یک جزو عود  
 صندل سرخ و سفید هر یک چهار جزو گل سرخ سبک هر یک پنج جزو باب بر سماق ضماد کنند  
 ضماد که هر گاه درم معده شروع بفعج کند و احتیاج بجعل افتد بکار آید ص آرد جو خطمی بالونه  
 اکلیل الملک گل سرخ صندل سفید کوفته بجنه باب کرب و آب عنب الثعلب قدر  
 زعفران بکار برند ضماد که در انتار ورم جاست عمل میشود ص زعفران نیم اوقیه پنج خطمی  
 اکلیل الملک هر یک یک اوقیه پنج مهک بالونه گل بنفشه هر یک یک اوقیه و نیم آرد جو  
 خطمی هر یک دو اوقیه موم روغن بنفشه روغن گل هر یک پنج اشار علی الرسم مرتب سازند و در  
 خرقه کتان سطر بالیده بر معده نهاد ضماد را و سپر زنجب را نرم کند ص خاکستر جویبار  
 خاکستر لچک بز سادی بسبر که سرشته در حمام ضماد کنند ضماد سنبل سور الزاج بار و جگر  
 نافع است و در حل که قرص را وند مستعمل شود بکار برند ص سنبل مصطکی قصبه اندزیره  
 او خیز عطران محمله برابر یکد مصطکی و مراد شراب حل کنند و دیگر اودی که کوفته بدان  
 و ضماد نمایند و اخذیه بارده ترک کنند ضماد اکلیل الملک جهت ادراس بارده که نافع بود  
 ص زعفران سنبل رومی سعد قرمانی سوسن آسمان جونی هر یک دو اوقیه مقل شش  
 اکلیل الملک شق عسلک بطم هر یک یک خطمی و هین عصیر عنب دور طل موم  
 شراب بقدر کفایه ضماد که نفخه سبز و صلابت آنرا نافع است ص سداب ده درم

فودنه هر یک سه درم اشق بهفت درم کوفته بنجیه بسره که گشته ضما و کنند ضما و انجیر سفنی سپر را  
 نافع است محل اشق یکدم متقل و و درم با قلا متفشر که سینه بخور اکلیل الملک نبرک حلیه  
 با بونه نرس نسل هر یک پنجم انجیر زرد بیت و چهار درم انجیر را و در سر که به پزند و متقل و اشق  
 دران بگذارند و بهم آئینند و او به کوفته بنجیه بروغن سداب یا روغن با و ام یا روغن بابون  
 سرشته ضما و نمایند ضما و فولا و خون جمت زرد آب سفید ص لادن یک درم و نیم عا  
 سنبل الطیب قروانا دار فلفل سیلونه کند در گرسط تلخ عاقر قرحا مصطک متقل ازرق حب  
 بلسان اشق مریمه صبر سیالیوس زرد و نند حرج زرد و نند طویل اکلیل الملک مسک  
 پنج سوسن آسمان جونی روغن بلسان هر یک ده درم حاک البطم سوم سفید هر یک می  
 انچه کوفتنی است بکوبند و انچه که اختنی است در روغن نار دین بقدر حاجت که افته با و  
 کوفته بنجیه در لادن بکوبند تا خوب شود ضما و فیتا غورث جمت استسقار بائی صفر  
 و ضعف جگر و غیر آن مفید ص زرد فام رطب سوم هر یک بیت و چهار رطل زعفران  
 پیله بطیم مرغابی هر یک و زرده متقال صبر اشق مصطک سیئه سالک متقل ازرق هر یک متقال  
 ضما و قابوس محمل در ام کبد است ص روغن بنجیه مصطک روغن گل هر یک و و درم  
 زعفران حماما هر یک چهار و نیم پیله سوم هر یک ده و نیم شراب و وقو طوطی و نیم بدشود  
 سازند ضما و فوطون جمت خسارت جگر و حد ص حاکا البطم نیم اوقیه مصطک یک اوقیه  
 اصطرک و دوا و قیه و بنج کوا بهر الفحل شش اوقیه و روی روغن نار دین بقدر کفایه ضما و  
 نایب والد شریف که برای حکیم علی نقی خان جمت درم کبد تجویر نموده بودند ص لک  
 مشمول اسارون ریوند چینی قصب لذیذ و بنج اواخر فینش از هر یک و درم مصطک گل خط  
 عصاره ماشا از هر یک یکدم سنبل الطیب مرکب صبر از هر یک است ماشه گل بنفشه گل بابون  
 هر یک یک نیم متقال گل سرخ سه ماشه تخم کشوث و متقال پنج خطمی یک نیم متقال  
 اکلیل الملک یک نیم متقال کوفته در آب عنب ثعلب سنبه و قدری گلاب خوشایند

بر پانچ طلا نموده بر موضع درم بچسباند ضماد تالیف والدیاجد برای ورم دست و پا  
 زیره سیاه گل ارمنی سعد کوفی بابونه غنبل شلب بریک کیمشقال مرصبر یونیز چینی اکلیل الملک  
 از بریک سه ماشه لیشک خشک بزر لیشک گاو خشک بریک یکتوله پوره ارمنی دو ماشه کوفته  
 بختی در آب حل کرده بیکدم ضماد نمایند ضماد از شغالی جهت صلابت سپر زانغ ص ص ص  
 دو درم اشق یکدرم آرد با قلا کرسنه آرد بخود حله اکلیل الملک بزرک بابونه ترس منبل از  
 بریک پنچدرم انجیر زرد بیت و چار درم ادویه را کوفته و ضمورغ را باروغن بابونه گداخته بهم  
 آمیخته بر طحال ضماد نمایند ضماد که ورم جگر را نافع است ص آرد جو در سه که نمیبانند  
 نامر اشود پنچدرم طباشیر سفید فلفل سفید بریک پنچدرم فلفل سفید درق گل سرخ صندل  
 سفید قصب لذر شیرشیان مایشا از بریک یکدرم کافور یکد انگ کوفته بختی بر لیشک گداخته  
 مالیده بر موضع گذارند ضماد فیر و طی منقول از کامل حرارت کبر و قلب و معدن را بزر  
 و در ص سوم سفید سه او قیر روغن بنفشه روغن گل بریک دو او قیر سوم را در روغن  
 بگذارند تا سرد شود پس در ماهون انداخته بگلاب و آب برگ حنظل و آب  
 بستان افروز و آب کشنیر و آب کاسنی و سه که انگوری کم کم انداخته نسفیه  
 نمایند و بر خرقه کتان مالیده بگذارند ضماد سقاطین تخم کشنیر عود و صوف سقاطین  
 یعنی عود هند می بریک یکدرم سیاه که سطلک فستقین غفران بریک دو درم را یک سماق بریک  
 دو اما کوفته بختی باروغن یا سمین سه استار سوم سفید بیت ورم روغن گل و بابونه بریک  
 پنچ استار شل مریم سازند و استعمال نمایند ضماد جهت گرمی جگر و دوشنظار یا آب بی از  
 شغالی ص گل سرخ صندل گندار لیمه التیس گل ارمنی دانه سور و انجیر را بریک کوفته  
 بگلاب برشته بر موضع جگر ضماد نمایند ضماد منقول از قرابادین هم مرجم در استار ورم  
 گرم جگر بکار آید ص گل بنفشه گل نیلوفر بابونه آرد و صندل شیان مایشا فلفل پنچ غلظو  
 اکلیل الملک از بریک و درم کافور دو دانه غفران یکدرم کوفته بختی و فیر و طی که از سوم

و روغن سوسن سفید ساخته آئینه بکار بند ضما و مفتوح شده بکشد ص سنبلی الطیب سارون  
 مصلک بر یکدوم فراسیون بادام تلخ تخم کرفس ناخواه بر یک سه درم بابونه اکلیل الملک  
 بر نجاسف بر یکدوم کوفته بختی بآب از یانه وقت خلوصه ضما و کنند ضما و که در دگر گرم  
 سود و بدان کامل الصناعته ص کافور مصلک ساج هندی بر یک یکم فلفل کل از بی بر یکدوم  
 نیلوفر بنفشه بر یک سه درم صندل سفید گل سرخ بر یک پنجم درم صندل سرخ نه درم کوفته بختی  
 با سوسن و روغن گل با روغن نیلوفر ضما و سازند ضما و بخت در و که از سردی بود سفید است  
 ص زعفران دو درم حب لبسان عود بلسان مصلک سنبلی الطیب سارون قسط سیاه  
 بر یک سه درم اکلیل الملک صبر سقوی شیخ ارشی فشتین بر یک پنجم کوفته بختی با سوسن  
 و روغن سوسن یا روغن قسط آئینه ضما و نمایند ضما و دیگر در ابتدا و درم جگر بکار آید ص بنفشه  
 کوفته بر آرد و گلاب بپاشند و هر گاه چند روز بگذرد و تحلیل آید ص شود درین ضما و مصلک بابونه  
 اکلیل الملک فحاشات اضاف نمایند ضما و بخت او را درم بار دگر و سپر از تجربات قابوس است ص  
 میوه یکدوم صبر زرد زعفران بر یک سه درم مصلک حمام زعفران اکلیل الملک بر یک چهارم  
 از حجب لبسان بر یک شش درم اشق هفت درم سوسن سفید ده درم با روغن سوسن و قشر آب  
 و سرکه کنه ضما و کنند ضما و که درم و بیکه کبر الفصح و بد و الفجار نماید ص بابونه اکلیل الملک  
 پنج خطمی پودنه انجیر سوز متقی خمیر پیاز بریان روغن خسله اینه مسادی ضما و نمایند ضما و که انجیر  
 کبد کند ص مصلک دو درم سرکین گبوتر بوره بر یک سه درم بابونه اکلیل الملک بنفشه  
 بر یک پنجم درم پنج خطمی آرد سلم غبار رچی از بر یک بخت درم حلبه تخم کنان تخم مرو خمیر پیاز زرد  
 بر یکدوم و درم و اما را خشک کوفته با و آمانم آئینه روغن خیری و روغن بنفشه که قدیم است  
 در آن گذاشته باشند آئینه ضما و کنند ضما و که در یرقان زرد سدی بکار آید ص رازیانه  
 پنج خطمی که زب بخت گل بنفشه فشتین انجیر سوز سیه را سائیده و روغن قسط یا روغن سنبلی  
 چرب کنند و بر جگر نهند ضما و بخت یرقان سیاه سفید بود ص مقل پنجم درم اشق بنفشه

قحاح از خرماسا قرومانا قنطور یون دقیق پنج کنیر گل سرخ هر یکده درم مقل و اشق در سرکه  
 حل کنند و ادویه کوفته در آن بشینند و هرگاه ضما و بر دارند موضع ضما و را بستر که در آن شبت  
 و سرد آب بودینه بچینه باشند بشویند و هرگاه بآب و حرارت مزاج باشد بشیرت های خشک  
 مثل آب غلبه اشلاب آب کاسنی با گنجین بخورند ضما و که جهت اسهال بارد و تقویت بکر  
 و معده بود و ص کفک پنج شقال قحاح از خوشینر سه کوفی از هر یک چهار شقال شب یکا  
 دم الاغین غنیم پوپست شنج جاورس مصافی کند از هر یک و شقال آب بود شسته ضما  
 نمایند و هرگاه جهت تقویت معده و جگر استعمال کنند و اسهال نباشد بقت شقال صبر  
 نمایند و بجای آب بر مورد روغن گل سرخ داخل نموده ضما و نمایند جاورس در قطع  
 اسهال موجب است ص جاورس سه درم آردو پنج درم گل سرخ برگ مورد کند رنگ  
 هر یکده درم آب بریا طبع او بشیند و ضما و ملزمت ضما و جهت اسهال صیدان مجرب است ص  
 زرد و برگ آس زیره کتیز کند پوست از ترش کوفت بچینه آب بریا آب  
 سماق ضما و کنند ضما و که در دوا سیر نشانده مجرب است ص حاکم بنم کمان هر یک نیم  
 گل خطمی گل بابونه اکلیل الملک هر یک چهار درم عدس منقشه ده درم نمود بچینه  
 به زرده تخم مرغ و روغن بنفشه آسینده استعمال نمایند ضما و که دوا سیر و شقاق متعدد و غریبه  
 آنرا و اسهال دوا سیر و خون حیض را سود دارد و درین باب دوا سیر نشانده آید و ص  
 از برفض موم هر یک جزوی گل خطمی مقل هر یکده و جزو روغن گل پنجا جزو روغن  
 بزرگ به ضما و جزو بونند و روغن با بچوشانده تا به نصف رسد پس صاف شده بکلمه بنام  
 ضما و برای خروج مستعد که درم باشد مفید آید ص حدیث منقش شوران بچینه بود  
 جزو اسهال و از هر یک بجز و صیده را و آب آس بخوبی بچوشانده دوا سیر آن روغن گل انداخته  
 و ظرف نگاه دارند وقت حاجت ضما و کنند ضما و برای اورام متعدد ص برگ بنفشه  
 تازه کوفته بر تاجه بریان نموده بعد از آن در سکه یا در روغن گل آسینده ضما و نمایند ضما و



که وجع رحم و بواسیر را سکن گرداند ص غفران افیون بزر الیچ پیم غ از هر یک دو درم خطمی گند  
 از هر یک پنجم زده تخم مرغ نیم تخمه یک پیچیده بر روغن استخوان زرد و او ضما و کنند ضما و که شکم چند در ص قاتی  
 م آله کند سعدا و نه سنبلی مصطکه از هر یک پنجم کنگره درم کوفته و بنجیه باب بنجیاد  
 کند ضما و که فروغ مقدر رافع است ص افیون زعفران از هر یک بنده انکاشا  
 یکمخال سفید آب از زیر پنجم در روغن گل پنجم درم ضما و سازند چنانچه رسم است ضما و ببت  
 بواسیر ص تخم گند نابزرگ قمل ازرق از هر یک پنجم درم بر روغن شسته ضما و نمایند  
 ضما و که اسهال صفراوی را رافع است ص برگ سرور گل سبغ گنار صندل بازو آله لادن سیاه  
 حفص اقا قیاسادی کوفته بنجیه باب برگ سرور شسته بر شکم ضما و کنند ضما و که بزلق الاسعار  
 نافت ص لادن سعدا کوفتی مصطکه قصبه بندیره از خرمزنگوش تمام از هر یک پنجم درم  
 خود جز بودا و فضل از هر یک نیم کوفته بنجیه باب سرور ضما و کنند ضما و که در بواسیر انباشاد ص  
 قمل کوبان شتر مغز ساق گا و مغز استخوان زرد آومیه زرد تخم مرغ مسادی در روغن گل با  
 روغن گا و که پیاز و ران جو شایند ه باشند حل کنند ضما و نمایند و پیاز  
 بر روغن گا و بریان کرده نیز ضما و نافع است ضما و که بواسیر و درم مقصد  
 قهیر رافع است ص مغز ساق گا و ده درم موم سفید سه درم اقا قیاد و م الاغور کنند  
 هر یک پنجم درم در اسنک سفید از زیر هر یک یک درم و نیم قمل یک درم افیون در روغن  
 روغن گل ببت درم بطریق معهود ضما و کنند ضما و که جها و ده مذاکی و درم شانه و استرخا و  
 رافع است ص مصطکه ربع درم پیه بطه و ازده درم مغز ساق گا و موم سفید روغن گل از  
 هر یک شانزده درم مصطکه سابتده موم را در روغن گذاخته و پیه مغز داخل کرده بکار برند  
 ضما و که مرض ذیابیطس اسود دهد ص برگ بید برگ خرفه حی العالم اطراف رز بزرگ  
 یزد جو که در روغن گل دریم آمیخته بر پشت ضما و نمایند برینو لایان نهند ضما و دیگر برای از  
 کاص بازو یک درم عصاره لیمه التیس لادن را مک هر یک دو درم اقا قیاد چهار درم قه

باب مورد تر سرشته ضما و نمایند ضما و که در درم صفراوی کلیه که با سوزش موضع و  
 لشکر باشد بکار آید صموم سفید روغن گل گلاب و عن بنفشه با دام آب کشیده تراب  
 برگ خرفه سرکه با هم آمیخته خرقه بدان تر کرده نمایند ضما و که انضاج او را م کلیه سفید بود صم  
 گل بنفشه اکلیل الملک کشد انگ تم شبت حلیه آرد جوهر یکیده درم همه را نیم کوفته و در  
 بالونه سرشته ضما و کنند ضما و بخت انفجار درم سفید است صم آرد در کسره سرگین کبوتر  
 که و آسیر همه را و دینه بنفشه استعمال نمایند ضما و که در درم صلب کلیه بکار آید صم اشق مقل  
 حلتک ابطم هر یک سه درم تخم خطمی تخم خبازی شبت هر یک چهار درم تخم گنان حلیه هر یک  
 پنج درم صمغ باراد آب گرم حل کنند و دیگر دارم بار کوفته بنفشه سرشته ضما و کنند ضما و که تحلیل  
 درم کلیه کند صم ارد گندم نیم پخته بزرگ حلیه یک گرم بنفشه خطمی شبت بالونه و عسل و روغن بنفشه  
 بریزند و ضما و کنند و اگر پیله بط و پیله مرغ خاکی اصناف کنند تیره بود ضما و که هرگاه جراحت کلیه از بیم  
 پاک شود بکار آید صم راکب دو دانگ قاقیا گل سرخ حفض گلنا رشیاف مائیسار یک گیم  
 آرد جوهر یک یک بریان هر یک سه درم و اگر مزاج احتیال کند یکیدرم کند را ضما و کنند و باب  
 مورد بکار دارند ضما و که در بول الدم گوی سفید است صم حدس مقشیری آبی کوبی سب  
 کوبی حب الاس تخم خشاش پوست خشاش کوفته با عصاره برگ مورد سرشته ضما و  
 کنند و اگر قاقیا و گلنا و سماق اضافه شود انفع بود ضما و که حبس بول الدم کند صم گل  
 مخموم صمغ عربی تخم خرفه کثیرا گل سرخ گلنا رشیاف گوزن سوخته لیمه التیس هر یکیده درم زرد  
 یکیدرم کوفته بنفشه باب مورد ضما و سازند ضما و که چون بر جان نهند او را بول کنند صم سدا  
 پودینه برنجاست سنبلیله مرزنجوش مرطبه نام خطمی شلغم برگ تراب شیخ بالونه شبت کینب  
 همه را در آب بریزند و در بطیخ دی مرطبه را بنشانند و نقل بر جان ضما و نمایند ضما و که در عسل  
 از جهت این جن را نشان باشد بکار آید صم تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو  
 تخم سیاه یکیده درم کوفته بنفشه کینب شسته روغن بلبان با روغن سوسن مخل نموده ضما و نمایند ضما و که در عسل بکار آید

مده و ریشانه باشد بکار آید ص بر گ کرم برگ چغندر حله اکل ال ملک با بونه که در باغ آرد و جود  
نخود پیاز قدری چغندر قدری سر گین کبوتر داخل کرده بار و غن زیت ضما و کنند ضما و برای  
بول الدم ص اقا قیاسندل سرخ خرنوب پخته آب سماق و خرفه ضما و نمایند ضما و دیگر ص  
صد سقشسته خنماش حب لاس اقا قیاسماق محصاره برگ آس م کوفته پیچیده در آب سبب  
پا میغنه ضما و نمایند ضما و بجهت بول الدم که سبب جراحت باشد ص طین از می صغیر  
اقا قیاس کوفته پیچیده در گلاب و سرکه آینه ضما و نمایند و در آئین قافض شنبه ضما و بجهت ضما  
شانه از والد علوی خان مرحوم ص سنگ سراهی حجر الیه و برگ سنابر سیا و شان پنهان  
بیشه سنگ پشت خشک تخم لیمون جوده سبب تازه اقوان کوفته آب رازیانه تازه  
روغن عقرب و غن خشک اصل کرده نیم گرم بر جان ضما و کنند ضما و دیگر از حکیم مذکور که  
پهین نقد از دص را و عقرب حجر الیه و سنگ سراهی قورنا حاشا برگ حنا کا فیلوس  
که در یوس بیشه سنگ پشت منفر آسته الی با و گل سرخ گل خطمی کوفته آب سبب زه آب  
رازیانه تازه آب غنبل شعل برشته روغن خشک بر روغن صندل داخل کرده نیم گرم  
ضما و نمایند ضما و جید از برای ورم حار شانه مستعمل بعد از اول زمان ابتداء محل آن  
کینه متشکر کوبیده شیر تازه ووشیده و بار و غن بنفشه و روغن با و نه برشته ضما و نمایند ضما  
نافع برای ورم بار و صلب شانه منقول از احتیاجات ص سینه ریخ منفر ساق کا و منقل از  
رغایخ مجموع را و در اول کند و اگر نیم وی بیان نیز در باب یک بیانیه در ورم شود پیچیده  
از وی بر شانه مالند از غذا و سرد و اگر آن بر پیچید ضما و که هرگاه با و نه ریشانه ورم و سبب  
و سرد مسد است ص روغن گل خطمی سفید کوفته آب غنبل شعل روغن گل شسته  
ریشانه و پشت ز بار ضما و کنند ضما و که تقویت باه کند ص گینه پیاز ز گس غنصل از پیاز  
یکدم و ریشنه شش جوان یک روز حل کنند بعد از این او دیده در زرد گاه که ضما و در زرد  
نمایند او دیده نیست مویخ دار صینی جند بید شتر فروغون عاقر قریط ایجور این تخم کلم کئی خور

نعم بزرگ میل گوش زفت روی چونک خشک خراطین از سربیک در و در این یون مالک کنی  
 ز دیوب از سربیک یکتا و نهاد نمایند ضما و که سجدین قنصیب اسود دارد ص زعفران یکدم  
 مرده درم قطه زرا و در افون سربیک سه درم علك نانبا زفت سیعه سایه سربیک پنج درم  
 و زفت و سیعه را در روغن گل حل کنند و در زعفران را در شراب و همه را با میند و نهاد  
 ضما و که درم بار و قنصیب اناخت ص آردسته خرد و خرد و خطمی کیند و که نهاد کنند  
 که در آن این درم بکار آید برگ کاه عنبه بگویند و با طلا سوزان و برون کرده زیره که با  
 در شراب بچینه خاکسته و انداخته خطمی سهند درم آینه ضما و که نهاد و برای و درم بار و خضیه  
 قنصیب درم ششم فنجکشت پنج درم آرد خود آرد با طلا سربیک و درم سیه طلا و یک کوساله و شراب  
 زیت بر شش و سربیک یک اوقیه سوزنی پانزده درم با هم مخلوط کرده ضما کنند ضما  
 که در علاج فتق بعد از آنکه روده و شراب به موضع خود گردانید باشد ضما کنند تا روده به هم کند  
 و مجری تنگ شود ص افاقیا ص عصاره لیمو التیس مراد و کت کند و علك پوست  
 اقماع از ترش باز و سینه ساق گذار برگ سور و شب یمانی صوغ عربی طراشیت ششم  
 مایه ششم کفش گران بعضی با مجموع ضما سازند و اگر او به ناشقه و اهل این کنند و شل  
 بنویسند و سربیک و روغن چین او و به که نفخ کم میکند شل اهل و ریزه اصناف نمایند و او  
 نیز کم کنند و شادی زفت روی و علك لعل و آفتاب و شل افزوده شود بر این ضما و که  
 و افعال خود بی نظر نماید و ضما و دیگر اندرین باب مضب بود ص انزوت ساق شاد  
 افاقیا و شنبلیله اگر شب متفاطیس شب یمانی کنند و که شاد سربیکه درم مرخوز السرو  
 سربیک پانزده درم سوم سفید پنجاه درم سوم را در روغن سور و بکار اند و او به کوفته بچینه  
 در آن حل کنند و ضما و نمایند ضما و که اندرین باب سفید است ص علك کند و مایه  
 گذار درم الا و این ششم مایه بر سادی ششم و آب عنب حل کنند او به کوفته بچینه آن آینه ضما و که  
 فتق و کوفت ص سمار و خشک که نند با ششم مایه که خنده و شنبلیله به موضع ضما و که آینه و در او

زیره کرانی ترس سخته شتم غفلت مبر سقوطی قنار الحار هر یک یکدم آرد و چشک گو سفند  
 کینه گل ازنی سرگین گاو خشک هر یک و درم کوفته بنجیه لبه که ضما و کنند ضما و که تسکین و حجیم  
 و بواسیر کند ص نغز ان افیون بزر الینج میرغ هر یک و درم خطمی تخم کنان هر یک پنج درم زرد  
 بقیه مرغ نیم بنجیه یکی در و روغن خسته زرد و آوضا و نمایند ضما و که در زمان و نبل و انار جمع ظاهر  
 شدن بکار آید ص حله کوفته بار و گندم و شیر تازه بنجیه قدری سرگین که بر اثر اضافت کرده ضما و  
 نمایند ضما و که در و درم صلب حم بعد از قصد با سلیق و استفرغ استعمال شود ص سم غلیظ  
 و با سلیقون با پیو و مغز ساق بز کوی و مسکه سفید بگذارد و قتل از ررق حل کرده بان بگذارد  
 و روغن نرگس ضما و کنند و ضما و نمایند و با ششم تازه باد پر کرده بگیرد و اگر روغن نرگس نباشد زعفران  
 نسوسن روغن شبت روغن آهوان روغن یا بنجر هر چه از اینها موجود باشد عوض آن کنند ضما و  
 سیلان ملت که لیب کشادن سرگما باشد ص خرا خشک به ترش پوست انار بلوط  
 برگ زرشک برگ درخت مصطکی گلزار حفت بلوط افاقا عصاره لحمیه التیس حب لآبر  
 لادن کوفته بنجیه باب برگ مور و بر شکم و زهار شبت و بندند ضما و که استخاضه زن با شستن  
 آفتون با و در ص حدس مقشیه پوست انار ترش برگ مور و خشک باز و هر یک جزوی کوفته  
 بنجیه نخل خمر شسته بر شبت و زهار ضما و کنند ضما و دیگر همین خاصیت دارد ص صبر شبانی  
 هر یک نیم سد گل بنشین گلزار لادن ص شش پوست انار ترش باز و هر یک درم خرافق ب می روم  
 خرا و در شراب بچوشانند تا نرم شود و لادن را در روی بگذارد و خوب بپایزند و داروهای دیگر  
 کوفته بنجیه بدان بپوشند و بر شبت و زهار بپزند ضما و بجهت زنان حامله که چون خون بندید  
 قطع کند ص کرمانج پوست انار گلزار لبه که بپزند و بپزند ضما و کنند و اقراص که با و اشمال آن  
 بنوشند ضما و که احتیاق رحم را نافع است ص عکاک لانا با مصطکی سنبل هر یک و درم  
 قلع سلین شونیز بودنیه کوی هر یک پنج درم شمدانج عاقر قرحا هر یک بپزند در روغن سوسن  
 روغن شبت اکلیل الملک هر یک میت و درم عکاک مصطکی با روغن بگذارد و او دیگر بنشیند

کوفته بنجیه با هم بپزند و شکم و ناف و زبانه و تنگگاه و کمرگاه و استخوان سیرین بدان ضماد کنند  
ضماد که بچهره را بلبغز انداخته شحم خنفل برگ سداب قسط بر یک سه جز و نبره گاه شسته بر ناف  
و زبانه ضماد کنند ضماد که در سواری زادن بکار آید شحم کتان بکوبند و در راه غسل  
و روغن کنجد بچوشانند و بزبانه و تنگگاه و کمرگاه و استخوان سیرین منقول از بیاض عمم حرم ص  
شحم اسد میل گوش آدمی خراطین پوست بچ کنیز سفید روغن گاو دارد و بار کوفته و روغن  
و شحم صلابه نمایند و وقت حاجت بکار بند ضماد که از جهت فتق نافع است جوز السرو پوست انار غصص  
از هر یک ه و درم شب یامانی گلزار قشور کند از هر یک پنج درم همه را کوفته و در شراب خالص بپزند  
و اسلرس و دقیق با قلع انداخته خط نمایند و ضماد کنند و بپزند و اگر فتق از نازل شدن اسهال در کسین  
باشد پس باید که برای آن لجام از چرم سازند و لیکن اول در آبی که در آن کزمارنج و جوز السرو  
جوشانیده باشند بطول کرده و باروغن خلایف تدبیرین نموده بعد از آن ضماد نمایند و چرم بپزند  
ضماد و نافع برای فتق ص جوز السرو و درم نیم صغیر عربی ناز و درم گوش اقا قیاس کند از هر یک  
کوفته بنجیه بشراب کهنه ضماد کنند ضماد و رادع در ابتدا و اورام حاره و خصیه متعل بعد از تنجیه  
تالیف والد علویان ص صندل سنخ گل ارمنی شیا ف بادیا غصص کلی بوش درم یک  
طین قیو لیا طین ساموس حجر البود سنگ سرابی آرد با قلع غصص شعل آب برگ خنا  
آب کاسنی آب کشنیز تازه آب کامو آب کوکنا سرکه آب کدوی تازه سرشته ضماد نمایند  
و اگر در آخر زمان تریا درین ضماد بیه سنگ شیب و گل بابونه و اکلیل الملکات داخل  
کنند بهتر است ضماد و رافع بخت اورام حار فصب ص گل سنخ ندس متفشر گلزار  
فارسی پوست انار آرد و جاز هر یک و درم باب بنجیه روغن گل داخل کرده ضماد نمایند ضماد  
نافع برای فتق ص جوز السرو کزناج شب یامانی گل سنخ آس گلزار غصص قشال  
کند حفت بلوط اقمارع الدمان خبث الحديد صبر با قلع غری السک از هر یک جزوی  
کوفته و صغ و غری اگر داخه با او و دیگر مخلوط ساخته بر موضع فتق و سر و انشیدن ضماد

نمانند و بلجام حکم بنند ضما و اواع که قوت لفعج هم دارد بخت اوزام حار خصیه صل رد  
 جو آرد عدد س که در کینه گل خطمی گل بنفشه کوفته مجموع را باب عنب شعلاب تازه آب  
 کشته تازه آب باقیانازه لبر که و گلاب شسته بر خصیه نهاد نمایند ضمما و محلل که به بخت محلل  
 اوزام حار خصیه انشین که درد و سوزش داشته باشد مفید است ص گل بنفشه  
 گل خطمی سفید از هر یک پنجم خا خشک قصوم از هر یک و درم با بونه اکلیل السلک از  
 هر یک چهار درم برگ بنیلوفر یک درم نیم سبز کوفته آب کاسنی تازه شسته نهاد نمایند  
 ضما و دیگر محلل قوی ص سوز دانه بیرون کرده نه اوقیه فلفونیا شش اوقیه خبث الفلفه  
 زیت عسقیق از هر یک چهار اوقیه موم دو اوقیه خبث الفلفه را نرم ساخته بابت  
 و بنزد نازیت توام هم رساند پس موم و فلفونیا که بونانی را شمع است در آن انداخته بخت  
 که گذاشته شود پس از آنش برگ بگذارد و بگذارد و نیم گرم با لند پس سوز دانه که بهید را داخل  
 کرده چهار اوقیه آرد با قلا شرب یا بنزد ضما و محلل درم بار و در سچ که در خصیه پیدا میشود  
 سوزنج بخورد سیاه از هر یک یک درم و ماد غریب نیم جز و مجموع را ساخته ضمیر که در ضما نمایند  
 ضما و بخت اوزام بار و انشین قصب ص برگ کلم نیم من انجیر زده عدد آرد و طایفه  
 سوز دانه بیرون کرده از هر یک درم در قدری آب بنزد و در زخم داخل کرده ضما نمایند  
 ضما و جدید که در این باب اقوی است ص مثل از برق اشق پیله بطیخه صغی خاکی  
 کو با ن شتر سقر ساق گا و با بونه اکلیل السلک حله به نور مرتب ساخته استعمال نمایند  
 که لاس خصیه و منتهی آنرا سودمند بود ص با بونه اکلیل السلک قصوم از هر یک ششم  
 گل بنفشه گل خطمی از هر یک چهار درم گل سرخ و و متقال و نیم کوفته بخیمه با صابون  
 یا عاب تخم و شسته ضما و نمایند ضما و که شمع بزرگ شدن خصیه شین کند ص طین  
 سفید آب قلمی از هر یک و درم شش بانی ناز و سبز از هر یک یک درم کوفته بخیمه بصل در غرض  
 گل شسته چند مرتبه نهاد نمایند ضما و محلل که همین نفقه آرد ص سوز دانه بیرون کرده موم





باب علق و آب برگ روانگی شراب علفن قافض شسته ضما و نمایند بر موضع فوق و خصیه  
بدانکه چسبید و قفص کند و اگر خوب چسبید باید که سریش و سریشتم هاسی را زیاد کند و آن قدری بزرگ  
نیز اضاف کند و واجب است که اقبال کند به الجواب این و تساهل هرگز تو زنگ که خوف هلاک است  
خوشتر است حتی که بوده باشد قفص در دو جانب ضما و دفع سستی که در سرعت انزال کند ص منقل  
از زنی و در انتقال آب برگ مور زمانه و گلاب خیسانیده بدست بمالند تا هوار شود و صندل  
نیز نوبل مسک مسک زهر یک بکنقال جد و از خطائی و روانگی فته بنجیه داخل کرده بر  
نار که پاس آب ندیده انداخته بر یک چسباند ضما و که مفید است از برای بسیاری اقسام و  
سبب آن ضعف ماسکه او عینمی باشد منقول از خط والد علویان ص صندل سفید و صندل  
و در صلب مسک مسک راک پوش در بندی اقا قیاس قطع تلخ ج ترکی کوفته باب سور و  
سرکه و گلاب شسته روغن قطر و روغن گل سرخ بآن مزوج کرده ضما نمایند ضما و عیب  
فوق ص صندل که در صلبه جوز السور و غری المسک از زهر یک برابر غری المسک در فلک  
گذاشته باید که او را جمع نموده ضما کنند ضما و مقوی باد از حکیم محمد جعفر الکرادی ص چند بیت  
سفید که از هر یک توله قطر شیرین یک نیم توله تخم ترب سه توله روغن زیتون بیت و پنج توله  
که در آن شود استعمال نمایند ضما و کافور ص کافور پوست خ کبرین پهل قر نفل کوفته بنجیه در  
مسک آینه ضما نمایند پس سستی که اساک خوابد که ضما و مقوی و مسک ص خاکستر  
پوست نیل شست درم نیم شیرین چرخ از هر یک چهار درم زهر بنجیه پنج کینر سفید جوز بوا حاف  
از هر یک نیمه الک که در آن نموده استعمال کنند ضما و برای ورم بار خصیه ص گیر و سوننه بنوله  
کینر سیاه برابر برابر کوفته بالوال اده گاو بنجیه نیکو م ضما نمایند در سه روز ورم و صلابت تمام  
یروقت شود ضما و مجرب برای ورم خصیه که غیر جار باشد و ص صغیر هیدانجر زیره که  
کل با بونه اکلیل اللمک با قلا آرد و نفل برگ قنب از هر یک بجز و سوز منقی جمله از هر یک  
نیم جز ضما نمایند ضما و برای سبب خون حن حن قفص قفص ص حنا و حصه خطیای نایک حصه

کوفته بخت در آب سرشته بر کف پا و دست ضما و نمایند شقوق از مجربات عم مردم ضما و بخت  
 غم خصیتین که بسبیل و نم باشد بلکه بطریق سیمین صفت و بکار اید ص بخ شکران حکا که حجر الحسن حکا که  
 اسر حکا که حجر الری طین نمویا و سفید آب کشید و گلاب بقدر حاجت ضما و بر او ص صلب هم بکار  
 ضما و نمایند دفع کلی میکنند و مگر بتجربه رسیده ص شیر شتر شیریش روغن بید انجیر بر یک یک  
 بر سه مخلوط نموده بر آتش بنزد تا که شفق گردد و بعد از آن از تخم بیل یک توله انجیر و یک توله کوفته  
 بنجینه بان مفرج نمایند ضما و برای ورم فرسن خصیه که راقم بخت مولوی وجیه الدین تبرک  
 بود ص گل خطمی پنج خطمی کنجد سیاه تخم کتان حلیه اکلیل الملک ارد با طلا از هر یک چهار تا  
 مرکبی گل بابونه زیره سیاه قفل ارزق اشق میوه ساندل از هر یک سه ماشه پیر که ده زیره سیاه  
 روغن گل چهار توله سنبل الطیب و داشته بدستور مرتب نموده ضما و نمایند ضما و برای جان  
 ص کچا و دو سیه شیر بر یک چنبلی و دو جز و جز الفی رنخ سرخ بر یک جز و روغن کنجد و دو جز و  
 او ویرا کوفته بخت یا شیر و روغن انداخته تا دو پاس که ل نمایند و وقت حاجت بکار  
 جرب است ضما و مقوی باه ص بر بوی سها که تیلیه سخر گنجی سفید شیر که از هر یک شش  
 روغن کنجد نیم پا و که ل نموده استعمال نمایند ضما و بخت مفاصل گرم و نفوس بنایت سفید  
 است ص صندلین اکلیل الملک بر یکده ورم شیان ماشا پنج شقال اقا قیاد و دو جز و  
 یکدم افیون پنج قلع کیشقال و نیم باب کشنیر بر ضما و نمایند ضما و بخت نفوس باغاب  
 جرب است ص مرزنجوش گل خطمی اسفول آرد و جو سونجان بالسویه باز و تخم فم و روغن گل  
 ضما و نمایند اگر قدری زعفران و افیون اضافه کنند اثرش قوی تر گردد ضما و سلیمانی بخت  
 مفاصل فرمن جرب است ص دارا شکسته که سلیمانی نامند بزیق بر یک است شقال آب و من  
 ترکند تا سیاه کشته شود و صابون ده شقال در آب حل کرده اضافه کنند ضما و روغن  
 مفاصل که قریب تر باشد جرب است ص مغز تخم بید انجیر سه جز و روغن تازه گاوی  
 غسل بر یک جز و بعد از صحت مجموع سرگین خشک گاوی ساییده آلود که خایه سازد

افتاده و نیکم استعمال نماید ضماد پانچ که جهت تسکین ضربان مفاصل در روز سه مرتبه  
 میرسانند صفتش استخوان پانچ در وزن یک پنج فرغیون یک زعفران سه ضماد مفاصل  
 اگر کم کرد وقت بجان تسکین نلزم نماید صفتش افیون زعفران بالسویه با شیر رانیده بر وزن گل یک  
 ضماد نماید ضماد که در تسکین برده مفاصل حاره و بارده و مرط است صفتش حلبه آب و سرکه  
 فلیج نماید تا ممر شود و غسل چوبان حلبه اضاف کرده جو شانه تا غلیظ گردد و نیم گرم ضماد کند ضماد  
 در اعضا که کسب باد و اسهال برسد و برای که از جرب است صفتش فلفل و جوز قاقا نوشاد و بر  
 جزو تحلیل یک سور بخوان یا زده روشن اگر دکان بست موم زردیچ ضماد که در کتب و جمع میرسد  
 است صفتش لب خبز سید افیون بالسویه نشیر کا و ضماد نماید و چون نیکم شود تبدیل کند ضماد  
 اگر نفرس بار در اسود دهد و بقایای او را م بار در تحلیل دهد صفتش گندر بزرگ اشق کوفته  
 بشیر آب ضماد سازند ضماد که نفرس و او را م حاره را نافع بود صفتش صندل سرخ حدیق شکر  
 و فلفل شایف مایشاگل الزنی کوفته پنجه گلاب آب کاسنی ضماد کنند ضماد که عرق النساء  
 او را یک رافع باشد صفتش پوست پنجه که قودنه کوسنی حافره از بر یک و در م عصاده قطار الحار  
 حسب انهار از بر یک و روی زفت پنجه زفت را در روغن زیت بکشد از نه و باقی او در زیت کوفته  
 بشیر آب غسل ضماد کنند ضماد که جمیع اقسام و جرح مفاصل را نافع بود صفتش بابونه خطمی کلیل  
 بر یک یک نیم شکر یک زبر یک دم موم که از یک پنجه دم روغن زیت یک نیم موم ضماد کنند  
 چنانکه رسم است ضماد که نفرس مرکب را اسود در موم جوز السور و تخم و صفتش تخم  
 آرد و سور بخوان مسدای بر غشگل و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد اسهول جهت او را م حاره  
 مفاصل و در تخم و کچر زان و قشید سایر اعضا از مجربات است صفتش اسهول  
 که در کتب و پنجه آب بنزد ممر شود و غشگل بقدر حاجت آمیخته بنهند و احسن  
 آنکه اگر تسکین حار است بیشتر مطلوب باشد اسهول را نا کوفته چنان ثابت داخل نمایند  
 آب طعن او گرم است و از کوفتن اثر آن بر زرمی کند و نا کوفته تبریدی نماید و اگر انصاف

باشد کوفته عمل رنند ضما و محذور مسکن ص ر غفران کافور بر یک نیم مثقال گیک حابر یک درم  
 حدس نقش سر درم ماش گل سنج اصل السوس گل نیلوفر بر یک نیم درم نقشه طالع خطی  
 بر یک هفت درم کون را با تخم شست عدد کوفته بخیه باروغن گل سرخ نقشه روغن نیلوفر قدر خفای  
 زرده بیضه پنج عدد شسته ضما و کنند ضما و جهت کوزی پشت که از باد باشد سی گوید که این  
 آزموده ایم مجرب است ص فرفیون درمی مرصافی قسط قصب لذریره بر یک درم موم  
 یک اوقیه روغن نادرین چندان که باید همه را بسایند تا چون مریم شود ضما و که در پشت را  
 زائل کند ص مقل ارزق اشق جاوشیر سیکنج چند سید شرفیون با سوبه در روغن سوز  
 روغن حب بخار یا روغن سداب حل نموده ضما و نمایند ضما و بعد از تقیه و شیباب غذا  
 منقول از بیاض عم حرم ص برگ جنای سبز را شیر کشیده نیکه توتمه را در آن خیسانیده  
 صالون را نرم کوفته آب ساتیده با هم شسته نیم گرم ضما و نمایند ضما و کهاده را بطرف غایب بپزند  
 و تحلیل نماید ص تخم سداب بری حب الغار انجدان نظرون شیخ از منی قرومانا شیم خطی ناخواه  
 جاوشیر استارین کنگر دواستار و نصف کبریت استار کوفته بخیه در آب آمیخته ضما و نمایند و  
 و بگذارند تا آنکه خود بخود ساقط گردد ضما و جهت وجع و رک مجرب است ص حرف در  
 سر که پوره از منی مویج حاقرق حاکوفته بخیه بر و رک ضما و نمایند ضما و که عرق النساء را شش  
 کند ص خردل سرگین کبوتر مساوی نرم بگویند و بطبخ انجیر یا شیر انجیر بپزند ضما و کنند تا آنکه  
 کند و چند روز بگذارند تا ماده پاک گردد ضما و مجرب حکیم کمال الدین چین جهت درد مفصل  
 و عرق النساء و وجع و رک بار و ص اشکل بزسخ یک رنگ را که چند روز او را دانه حایر خورده  
 باشد و بعد روغن سداب و زیتون حل کنند و اگر روغن مذکور موجود نباشد بدل آن روغن  
 بید انجیر کنند و قدری آب سرکه بچشانند که چون مریم شود بعد از آن به وضع وجع ضما و کنند و  
 بر گهای بید انجیر روغن مذکور آلوده بر بندند و صبح بجام رفته بشویند ضما و برای وجع مفصل  
 حار ص سور بخان رسوت ثقیان یا شارب روغن بابونه یا روغن گل سرکه برابر با هم خورند

نموده ضما و نمایند و بخت ثانیل مجرب است و از پنج بر کند ص زرنج زرد سوده انگ آب  
 زهره گوشت مویر بگویند و ضما کنند و سه روز متصل بگذرانند تا از پنج بر دارو و اگر قبیله مانده باشد  
 دیگر باره همین ضما کنند و نهادان بگویند استخار همین عمل کند ضما و جهت جرب از شرح حکیم علی  
 ص زنگار یک گرم ضما و او قیله هر دو را سائیده بروغن کتان خمیر کرده بر سر دوست و هر دو  
 پا صاحب جرب خضاب کرده خوابد صبح بشویند و یک و نپاک شود ضما و دیگر جرب جرب  
 ص صندل با دم تلخ سنکلی مروار شک بر یک سه درم کنجد ده درم لبر که در روغن گل ضما کنند  
 ضما و جهت خناری که بی حرارت بود و برای سله و بخت جرب است ص کبک سه درم قمل  
 چهار درم حقیقت اشق از هر یک پنج درم جاوشیر فریون از هر یک هفت درم قنده درم  
 بماله را در سر که حل کرده ضما کنند ضما و کتیلین و کتیلین موده خون و مجذب خون و تسخیر  
 با اعتدال کند ص زنگار درم نیم حله سه درم ترس تلخ خاکستر چوب انگور هر یک پنج درم  
 زعفران ترس کین گاو خشک هر یک ده درم زفت بیت درم کوفته بخت نگا بداند و بموم و عود  
 از پیس ساخته باشند و اگر فزاج احتمال کند از پیس تیره پیس خرس ساخته باشند آمیخته بر موضع  
 خناری نند ضما و جهت قوبا و بقی البقی ص سها که تیل صندل سفید سادی در عرق لیمو  
 حل نموده کمر ضما نمایند ضما و اسحاق گوید که این را تا از نموده ایم خناری را منفتح دارد  
 ص فست کچر و باتش نرم بگذرانند و کچر فست کلم سوخته باوی آمیزند تا بهم آمیخته شود ضما کنند  
 ضما و برای قوبا از بیاض عم درم ص کته پاپریا ماز و سها که تیل کنند یک چهارم سها  
 که فست سائیده حل نموده کمر ضما نمایند ضما و برای دار الشعلب ص سوی بر سرخ  
 سوخته همدست گز و با سوبه بروغن زیتون سرشته اول به پیاز و اشنان  
 یا به پیاز غصصل موضع را که را لیده بشویند پس دوا مذکور بمالت ضما و  
 برای دار الشعلب و دار الحبه مجرب صاحب تحفه ص کندش شیطرج هر یک خروی  
 زرنج و جرب بروغن زیتون نند ضما و بخت دمل ص پیچ سها که چهار درم تخم کتان

طبله بر کیده درم سوم سفید و نیم درم بروغن یا سمن نهادن ضما و که بسفید فرسته نافع است  
 ص ناک سوخته ترنج سوخته دردی ازیت مازوزر و چوب زرا و زرد و ارنگ بهر رسته  
 ضما کنند ضما و دیگر جهت سفید که بر روی اطفال باشد ص کافور مسوی گلزار زر و چوب  
 یک درم گل سرخ دو درم سوم سفید و نیم درم سفید از زیر سر درم بروغن گل ده درم دوم  
 در روغن بگردانند و باقی او ویه کوفته بخیته بآن آمیزند ضما کنند ضما و سله و جمیع چوبت را نام  
 بود ص لادن باز و قتل اشق مویخ خانه کس غسل حلاک لیطم مساوی در هم بسته ضما  
 کنند ضما و که سله را منفر ساز و مویخ از حدی است ص بگردانند یک کف کبر و ورق و فلیک  
 باقیه هر دو را در شیرین خوب مهر بپزند که شل جلوا شود ضما و کنند اگر تشنگا قدری اشق  
 و قدری تو بال مس سحوق بپزند با بر الد لب ولت تشگافه شود و از سالیات ابر علی ضما و  
 ساجت جرب بی حکه مجرب است ص سنا و کی پیلله زر و در ارنگ سفید و قلمی بالستو  
 بروغن گل و روغن بنفشه آینه برینند ضما و که در ورم لکین و جع کند ص تخم خشتا شش  
 و در شیرین و باز بکوبند تا شل مرهم شود پس بگردانند گل سرخ و قدری زعفران و چوب  
 که موم مصفی در آن گذاشته باشند آمیزند ضما و کنند ضما و جهت جرب مجرب است در روغن  
 زایل می کند ص کند یک آنوله سار نیله نه تو که کیله در ارنگ از هر یک یکتوله جبهه از  
 سائیده سه حصه نمایند یک حصه در روغن زر که بقدر سه چهار دام باشد آمیزند بریدن با  
 و سه چهار گری در آفتاب نشیند بعد از آن ضما و آر و بخور بریدن مالیده غسل نمایند بر خنجر  
 زیاده خوابد بود وقع زیاده خوابد که وادی آنکه محو و المزاج در فصل زمستان به کار بر و یا ملافی  
 گرمی باد ویه دیگر نماید ضما و بنجر که ماده بنجر را سوراخ کنند زانی که صاحب علت از تشگافتن  
 برسد ص غسل بلاد زفت نرم مساوی هر دو را در ظرفی کنند و برشش نهند تا یکسان شود  
 پس بکار بند و دهر صبر کنند و اگر دانه عمر سندی کوفته را در شیرین بنجر ضما نمایند سمن کار کنند  
 و بعضی دانه عمر سندی که بنج متقال باشد سیکو بند و ریم جیران نیم متقال در آب گرم می

و با هم می آیند و نمیکند احتمال نمایند ضما و که در مثل و درم یکشاید ص لوره ارینی نمیک  
 حاشا سرگین کبوتر سرگین خروس هر یک یک و نیم زن سه جز و با هم شش برنند ضما و که در مثل  
 پرنافست و قوی الاث حص پیر بطیچ مالکیان سفر ساق گاد و موم زرد و نیمه را بروغن بگردانند  
 و بر عقونند یک شبار و رویش از وضع دوا ریاید که بر عقون طیل بطیچ خطی باب حرف میگرد  
 لازم دانند و بر گاه رخاوت و سستی در ورم پدید آید محملات برنند ضما و که در انضاج و سائل  
 از او ویر قویه است حتی که ماده خنازیر و صلابات را تخمیل کند حکیم علی میگویی که بر همین ضما و  
 ملاک اکثر اعمال باست در این باب ص بگیرند برگ خطی و بگویند در گلاب بپزند تا مثل  
 خم شود پس مرهم اشق و مرهم و اخلیون بپایند و بر ورم نهند و عجائبات مشاهده کنند ضما و  
 جهت انضاج و انفجار مفید است ص حلیه تخم گتان هر یک نیم و درم تخم مرو کوفته استیول  
 درست روغن گاو هر یک او قیه و نصف خمیرش دوا و قیه شیر انجیر سه او قیه بهر را و شیرین  
 بپزند و برنند ضما و جهت تریل اعضاء ص کبریت سرگین گاو حلیه هر یک جزوی گفته  
 بخته باب گرم بپزند و ضما و نمایند ضما و اندرین باب بطیچ القح است ص زرینج زرد  
 حلقه ص هر یک یک و نیم و کندر نیم جز و سق کنند باب کشنیز و ضما و نمایند ضما و جهت ضربه  
 و سقطه ص معاش گل ارینی خطی باش صبر هر یک ده و درم داسن ثبت ببطانین  
 وفاق کند رساک زعفران هر یک نیم و درم کوفته بخته باب برگ فنجانش بر شسته ضما و  
 نمایند ضما و دیگر از برای ورم و ضرب و ضربه مفید ص باش بیت درم لادن ده و درم  
 زعفران سه و درم گل ارینی دو و درم باب برگ مورد و عرق گل و آب برگ گز و بر شسته  
 ضما و کنند ضما و برای این کار بسیار مفید است ص معاش گل ارینی هر یک ده و درم صبر  
 یک و درم و نیم کوفته بخته باب شسته ضما و کنند ضما و برای ضربه و سقطه مگر بعمل در آمده ص  
 زرد چوب بخت نموده که گوی شش باشد به خاش ابدادی پنج اش که کوفته بخت در روغن بپزند آمیخته بگایم  
 ضما و کنند و گاهی صبر را بونگی تیر اضاف نموده ضما و جهت ضربه که با عصاره رسیده باشند

صل سیده آله زرد چوب تخم بنوار عالم صبر صابون خشت برابر گرفته در آب سائیده در  
 در روغن کیند آینه نیم گرم نموده ضما و نمایند این سر و دستنه منقول است از بیاض تخم مرغ  
 ضما و کیند و عرق الفسار سفید است ص روغن ضما و در طل روغن  
 سوسن یکطل و نیم سوم روغن خار هر یک یکطل فلفل جادو شیر هر یک سه اوقیه قند زرد  
 و قاق کندر حلاک اکطلیم هر یک یک اوقیه ضما و جهت انفجار خیارک و درم پستان مجرب  
 است و هم شکاف و نیم شکافه را مندل سازد ص نیله توتونه نیم خیزد با لون پلهای ال  
 هر یک یکطل و کول دو جزو قند سیاه و دو چند به جزیاد و ابارا گرفته با قند بیاض و خوب نیم  
 نموده نیم گرم به بند ضما و آثار ضرب و آثار سیاهی دور کند ص دقیق کر سده دقیق خود را  
 بزرگ برابر بعد از آن شکم طبرزد و زردی سرخ جگر فلفل از هر واحد قری فی قلیل سه برابر یک  
 سائیده در سرکه که در آن فلفل جوشانیده باشند و لعاب سیخول حل نموده بر آثار مذکور  
 نمایند و دردت قلیل زایل کند درین باب مجرب است ضما و برای و نمل مجرب است  
 ص آرد سونک آرد جو آرد لویا آرد عدس کیه و برابر لبر که آب خمیر کرده بچینه ضما و نماید  
 ضما و برای سرطان مجرب است ص عدس پوست انار کیه و قند کینه آب به حق  
 نموده استعمال کند که اگر در سرطان مثل حلقه و بالای سرطان از دو اویج نباید گذشت  
 بی این نفع نمی بخشد ضما و کرنگ را حسین کند ص ایشان دقیق با قلا و ستیق منس  
 با و ام قشقر بیدانه معشر تخم خربوزه تخم خیارین زید البحرین که در سفیده بپاشد همه برابر اجرا گرفته  
 بچینه در شیر تازه آینه و قدری غسل نیز داخل نموده شب بروی طماننا بپاشد و صبح بشوید و ضما  
 که خار و غیر آن بر آرد ص تخم فی زرا و ندجج کوبیده بصل برشته ضما و کنند ضما و که قبل  
 و درم کردن سح افغانی را هر خوب کند ص بصل الغار با بونه اسفیل و فی دقیق کر سده  
 هر یک برابر جدا جدا گرفته بشراب برشته ضما و کنند و همچنین که سرخ فانی سائیده و با  
 و بر بند نفع بخشد و گوشت افسی و فصدع نیز سود دارد و در روغن خار و طلخ برگ فانی سائیده



دارد ضمنا و توتومره و در نماید ص آرد با قلام از و انار شش پوست بیضه مرغ بالسویه سوزا  
 بیضه همه بپزند و پوست بیضه ساییده بدان رشته ضمنا و نمایند ضمنا و که سله را از پنج بر کنند ص  
 ساجی چونه سینند و بر خال کتیشک همه را کوفته بصابون قدر کفایه کرده بر پنج رسولی بالند  
 و بالایش چهار داغ کنند هر گاه ماده رسولی دفع شود و موضع را بروغن گاو بپزند و بالایی آن  
 برک سینیل خورد و نرم بپزند ضمنا و دیگر اندرین باب نافع ص صابون ساجی چونه شود  
 شکوف همه برابر ساییده باروغن کینخ نمیکرده موضع رسولی را کلاک زده طلا کنند هر گاه شکاف  
 شود اصلاح زخم آن به بلید سایه کنند ضمنا و دیگر درین باب مفید است ص افیون سم افار  
 نیله توتومه دوده چیر کوفته بخیته در آب حل کرده بر رسولی بالند ضمنا و مختصر در این باب یک  
 مفید است ص چوک نیله توتومه سحی نوشاد و بروغن کینخ بالند باب اطوار المهاطیلا  
 برای صداع باره مع ماده منقول از خط عم مرحوم ص مرچند بیدستر فرفیون از هر یک یک پیمانه  
 افیون راج جزو کوفته بخیته آب سداب شل نخود خیساییده حب بپزند و خشک سازند  
 و باروغن زرنیق یا روغن قسط طلا نمایند طلا را نافع برای شقیقه فرسن ص فرفیون  
 یکشتال غلغلیت یکدم چند بیدستر سه درم هر سه در خل ساییده طلا نمایند طلا را نافع  
 شقیقه بار و راحل خردل یک جز و سوینج دو جز و بکوبند و باخل و آب مفرج نموده بکار  
 بپزند طلا را نافع صداع حار ص صندل سفید و سرخ گل نیلوفر از هر یک سه درم عرق  
 یکدم آب شاکل سرخ تخم کاهو هر یک دم دو درم پنج لقا کیمتقال افیون بپزند و بکوبند و باکلا  
 و آب بید طلا سازند طلا را نافع برای صداع ضربانی ص انزروت یکجز و صندل سفید  
 چهار جز و افیون ثلث جز و آب کاهو مخلوط کرده طلا نمایند و اگر درد در نهایت شدت  
 باشد وزن انزروت درین ترکیب زیاده کنند و بعد از طلا پارچه سربی بر موضع گذاشته  
 مفید است و ایند تا منع جریان سران و تصاعد بخار کنند طلا را بخت صداع بار و ص  
 کبریت زرد و یک جز و پوره ارسنی دو جز و در آب سحی کرده بر جبهه بالند طلا را بخندسترمل

در صداع صغیری صمغ کرم کوک پوست ششماش افیون بزرالینج برگ قنب کوفته بنشیند  
 بآب برگ افلاج شسته طلا نمایند طلا نافع صداع بخاری تالیف مسیحی صمغ غصص گلندار  
 سک قاقیا افیون هر یک یکبخور کوفته بنشیند در سرکه شسته بر جبهه و صدغین طلا نمایند طلا  
 مجرب به جهت تاثیر مستعمل حاجی حسین منقول از خط علوی خان مرحوم صمغ خون خمر  
 سغیر جراب گل همیشه بهار کافور قیصری دریم شسته طلا نمایند طلا بهندی جهت خمر  
 صاحب بقای مجرب نوشته صمغ سیاه بچیناک هر یک جزوی میچ چهار جزو خاکستر تخم  
 و متوره سیاه هشت جزو اول پاره را با زیر کبرل کند بعد از آن میچ و خاکستر مذکور داخل  
 کرده باز کبرل نمایند بعد از آن در نشیوه برگ آگ خوب کبرل نموده طلا میکده باشند طلا  
 دیگر بخبر نافع است صمغ عاقر قرحا منسوج باریک کوفته لبر که گشته و آب پودینه طلا نمایند  
 طلا و دیگر که مخدر نافعت صمغ مر و صبر سرد و آب پودینه حل کرده طلا نمایند طلا  
 برای فالج و لقوه منقول از قزاق دین کبیر عم مرحوم صمغ سونچان بوزیدان قسطخ تلخ و نجاب  
 زرباد جوز بواج ترکی خود بهندی خود سیاه عاقر قرحا همه را بگللاب و ده قتیق نام را با عاقر  
 سوده داخل نموده بر فقرات ظاهر محل فالج طلا نمایند طلا که درم ششم را بنشانند و در سایر  
 کنند صمغ صبر شیان مایه حشمت کبی زعفران انیسون اقاقیا گل ارینی سندان سنخ  
 مساوی باب عنب الثعلب یا گللاب طلا نمایند طلا که شمع ریختن خرگان کند و موجب  
 است صمغ استخوان خرا سوخته سنبل الطیب سیرگین مو شصت و سوخته فلفل از هر یک  
 یکبخور و سرکه جزو طلای سوخته منقول شش جزو زعفران نیم جزو طلا نمایند طلا  
 جهت شعور اندک مجرب است صمغ ارضه نوشاد در حافله الحامض و حله برابر بگیرند و بخار  
 خمر بقیق آمیزند و بعد از آن طلا نمایند طلا که چوب ششم را سود دارد و متعلق قاقیا و صابون  
 باب عنب الثعلب یا آب نال صمغ طلا نمایند و بالاسی آن را طلا بجهت رست بهنجار  
 بسته در صورت ساخته و در فاده گذاشته چشم بندند و بر قفا بخور نمایند طلا نافع

ابراهیم ص شب یانی کتبه و سونج نیم خفته بخفته در روغن حل کرده بدن فرکان طلا  
 طلا را که اثر کبودی را که از ضرر چشم بهر سیده باشد زایل کند ص کنیزه فوینج حجر فلفل زرنج  
 خمدان ابر بگل آب یا آب سائیده طلا نماید و حجر فلفل و جبار است انگلی و خرطیة فلفل بافته میشود طلا  
 که بدو در روغن الطفال بسیار نافست ورم نبشاند و در و ساکن کند ص افیون کات بید  
 ص صغیر یک جزوی شب یانی چهار جزوی لیسوی کاغذی هشت جزو شب بریان کرده  
 باوگر او سید با کوفته و زعفران استی انداخته باب لیسو بر آتش نرم گذاشته بسته آهنی بسته بسته  
 بسایند یا خوب باریک و منخل شود و طلا را برای در چشم مجرب عم موم ص لود و آله را بر او  
 گاه بریان نموده باب سرد سائیده برو چشم طلا کنند اما باید که در چشم نرود و طلا را برای در  
 چشم که از ضرر چشم رسد از بیاض عم موم ص آرد و مونگ رود و خوب رسوت ماسیران چینی  
 آب سائیده که در چشم بیکم طلا نماید طلا نماید طلا را که در م پس گوش را نافست  
 ص مندل پنج فلفل شیان مایه صبر زعفران محله برابر بگل آب طلا نماید طلا را جبت  
 شور که برینی و زرد شود ص کافور زعفران هر یک نیم درم گل خنوم یک درم گل زنی  
 و در م بگل آب و سرکه انگوری طلا کنند و طلا را روغن گل و سرکه انگوری نیز سفید است  
 و در استنک تنها کافی هم است طلا را رض الف را سودمند بود ص اس زعفران  
 مراکب سس گل استی خطمی لادن کوفته بخفته باب طر فادر شسته بخت بنی است  
 بوست کنند و در اینو به پیشه چیده و برینی گذارند و بالای آن این طلا نماید طلا را بخت  
 رعاف ص آرد و گلاب را قاقیا عصاره لیمو القیس افیون مندل سفیده ار نیز از برای  
 ورم کافور و انگلی بگل آب تر ساخته بر پیشانی طلا نماید طلا که همین نهایت و ارم  
 قاقیا نشسته گل زنی گندار ساوی کوفته بخفته باب روایت گلاب شسته طلا نماید طلا  
 که همین منفعت دارد منقول از بیاض عم موم ص نشسته مندل سرخ گل آملانی با سرکه گلاب  
 آینه بر پیشانی طلا نماید طلا را دیگر رعاف بند کند ص مندل سرخ تخم کاسو آب کشیده

خزانه آب خیار کافور شاهره گیر و مساوی گرفته طلا نمایند طلا را دیگر همین دفع دارد از قرابا  
عم مردم آرد جوگیر و گل ملتان آله هر یک سه ماشه نشاسته صندل سرخ کچ کنه گل اجاغ یک  
نیم توله کافور افیون هر یک یک ماشه با سرکه و گلاب یا آب یکس یا آب کشنیز تر شسته بریشانی و آب  
س طلا نمایند طلا را دیگر حیت رعا ف منقول از قرابا دین عم معفور ص حدس منقر صندل  
سفید خطمی ماشی کچ و اندک کافور یا آب مورد بریا فنج ویشانی طلا نمایند طلا را برای قروح  
ص مازو پوست بلیله زرد یا چربی مرغ دروغن گل طلا نمایند طلا را استرخا لسات و سوط  
آن که از رطوبت و سوی بود ص ماش مطون گل ارسی صمغ عربی آقا قیا کثیره کوفته سفید  
خمیر نموده یا فنج خلق کرده طلا نمایند طلا را که داده ذات الریه یا فنج وید ص دل موم زعفران فنج با دام  
بالندین سرخ و دبا بینه خطمی اضافند و بتدریج با بونه و خطمی پنج مک بنایزی بتانی زیاد کنند  
بر عمل رند طلا را سر فر که از امان جگر باشد سود دارد ص نبل نیدام ربوند چینی کدرم صندل  
سرخ صندل سفید با بونه اکلیل الملک شحم کاسنی خشم کشوت برگ نیلوفر سرکیده و درم گل  
چار درم گل بنفشه گل خطمی آرد جو کاک بفتند درم کوفته بجنه آب کاسنی و بید طلا نمایند طلا  
قروطی سوزش سینه با تب بود یا بی تب بود و در کند ص موم سفید بنفشه گل بروغن گل  
بکد از ندیس آب خیار آب کدو آب برگ خرفه جمله برابر بقدر حاجت در آن آمیزند و کف  
مال کنند تا نیک بخاوشد و پس با رچه بدان تر کرده و بخلج سر کرده استعمال نمایند طلا را  
که جهت درد و کوفتی که در ضرب و سقطه بر سینه یا بر عضو برسد سود دارد ص منات ماش  
گل سفید سر کیده درم آقا قیا صبر هر یک سه درم آب برگ مورد و بشند و طلا کنند طلا را  
که نفث الدم را نافت ص آقا قیا سوط قید اس نزدا کثر سوس نزد بعضی لخته نیست  
کندر مازو گلنار صمغ عربی گل ارسی افیون جمله برابر کوفته بجنه اقراص سازند و قوت  
بر سینه و معد و ناف طلا کنند و این طلا را زنف الدم را که از نشانه ورم و جراثیم و غیره دارد  
و هرگاه بر آنه و بل طلا کنند و حقنه و قیل نیز کنند و تخمینی که کوفته زنف باشد بر همان عضو طلا نمایند

طلا ما که درم تندی را تحلیل کند ص عسوق مصارع بینی جوی کسی که نینبار عوز  
 حنا طلا کنند طلا ما که آما س پستان را سود دارد ص نان گندم خشک کوه  
 کوفته آرد و آرد با طلا آرد و عطیه طی سرب یک جزوی زعفران نصف جزو کوفته بنجینه برده تخم مرغ کشته  
 و طلا کنند طلا ما که پستان را نگذارد که بزرگ شود ص کند و روغن سوخته آرد و کوفته بنجینه یک  
 مشت در سیراه طلا کنند طلا ما که سحین بر بالیدن و بر آمدن پستان است ص سندی کوه  
 اسکند بالسویه باریک ساییده طلا نمایند طلا ما دیگر ص کچ پیل پنج کوه اسکند بالسویه باریک  
 سوده با مسکه گاو طلا نمایند طلا ما که پستان را محکم کند ص برگ انار گل و پوست انار بر قدر  
 که باشد بسیار باریک ساییده شپارو ز در آب مقداری که بالای او دیر بایستد خیساییده روز دیگر  
 چند جوش دهند بعد از آن صافی نموده چهارم حصه آن روغن تلخ اضافه کرده بچوشانند تا آفتابی  
 گردد و روغن بماند پس در ظرف سجاج نگاهدارند و قدری بر پستان مالیده باشند سریع الاثر است  
 طلا ما درم کهنه معده را سود دارد ص سوم سرد درمنیل مصطک سبیه سرب یک پنجم درم مقل تخم  
 سرب یکده درم روغن نار دین پانزده درم صمغ راد آب حل کنند و با سوم روغن شسته طلا  
 کنند طلا ما دیگر خلط را که در پیضه افتد نفوذ بر ص صندل سفید گل سرخ سبک کافور بگل  
 طلا کنند و بالای آن پارچه بگلایب سر کرده بر بندند و چون گرم شود اعاده کنند طلا ما که تخم  
 و آسیب معده را نافع است ص سیب شیرین در خرفه پیچیده بریز آتش نرم و فن کنند تا بپزد  
 پس پاک کرده گوشت آن پنجاه درم گل سرخ ده درم برگ مورد آقا قیاسییل سرب یک پنجم درم  
 جوز السو صبر سرب یک یک درم بکوبند و بگلایب طلا کنند و اگر اندرون حرارت باشد آرد و ده درم  
 زعفران یک درم کافور پنجم درم زیاده کنند طلا ما که آسیب معده و جگر و اعصاب دیگر را سود دارد  
 ص ماش لادن گل استنی سرب یکده درم صبر سبک عفران سرب یک سه درم بگلایب آب  
 مورد طلا کنند و اگر محل عصبانی بود قدری شراب و روغن زگس آمیزند طلا ما که قی و  
 پیضه را نفع است ص راک سبک گرد ساق سرب یک جزوی باب برگ مورد و بر معده

طلما نمایند طلما که همین عمل دادرص افاقیا سعد کند رجز السرد کل سنج آنگاه کل سنج  
بلوط کا و رس سنج حدس گلزار بزرالنج صندل باب سور و یا آب به بر شکم طلا کنند طلما  
که فی الجاز دارد و شکم به بند و ص کل سنج پنجم افاقیا گلزار ماز و شب یانی جرز السرد صندل  
سنج و سفید حدس برگ سور و هر یک سه درم طباشیر دو درم باب به بر شکم و معده و پشت طلا  
نمایند طلما برای ضعف معده و مرج فوا و ص و اچینی عود صابن بدل سفید اگر نیکی زرباد  
بگلاب سائیده روغن مصطکه داخل نموده برقم معده طلما نمایند طلما برای خفت  
قم معده و در معده گرم نافع است منقول از بیاض عم حوم ص پوست بیرون است  
زرد و صندل از هر یک سه ماشه عود کن مصطکه طباشیر روغن گل یک توله گلاب  
قدر حاجت کوفته بنجینه بار و روغن گل و گلاب سرشته برقم معده طلما نمایند طلما از سفید  
جهت استسقاء طی ص و در منته ترکی صدف سوخته پوره ارینی سرگین گاو کنه لبر که  
طلا کنند طلما که درم گرم جگر را نفخت ص بنفشه گل خطمی آرد و جوهر یک هفت درم  
گل سنج چهار درم صندل سفید و سنج بابونه اکلیل المکال تخم کاسنی تخم کشوث بنافون  
هر یک و درم شایف مایشا سه درم ریوند چینی یک درم سنبل پنجم درم کوفته بنجینه بگلاب آب  
کاسنی طلما نمایند طلما درم نرم را که بعد از بیماری های دراز که در وی تخم پای پدید  
زائل کند صنج افاقیا شایف مایشا مکی سعد زعفران حفض گل ارینی کوفته بنجینه لبر که و  
آب عناب شعلب طلا کنند طلما از بیاض که عم حوم برای فائده مذکوره ص کنه لبر  
نمک سنگ پوره ارینی اگر ترکی زرباد حاشا صندل و طری سرگین گاو سر که و گلاب به  
دست طلما نمایند طلما آماس و پیش جگر انباشند و در دسا کن کنند ص گل بنفشه گل  
خطمی بابونه اکلیل المکال زهر یک پنجم درم گل سنج تخم کاسنی تخم کشوث شایف مایشا  
از هر یک سه درم لک اسارون ریوند چینی از هر یک دو درم مصطکه پنجم درم زعفران  
و در و انک سوره بنجینه باب کاسنی و گلاب طلا کنند طلما جهت درد اعصاب که از پو آید

بهم رسد صبح پنجشنبه کشتن فضل و در متقال قاقله نوشاد بر یک تبه متقال حلبه پنج متقال  
 سورنجان یازده متقال با موم پنج متقال دروغن گردگان بیت متقال آمیخته طلا  
 طلا که بواسطه رتبه کند و این پنج برافکنند صبح یکشنبه بوزنه کوزه که قسمی از بوزن است سه رم  
 زینخ دو درم هم الفار یک درم و نیم زنگار یک درم نرم کوفته پاره پیغمبر را بکند از قدری از آن  
 آمیخته طلا کند و اگر علت ضعیف بود سه روز نهند هر روز دوبار و اگر قوی باشد پنج روز عمل  
 آرد تا علت تباه شود پس هر یکی سازند از پیاز سرخ دروغن گاو و در علت هر روز نهند تا  
 و درین مدت بدان جایگاه آب نرسد تا وقتی که بهتر شود و چون علت افتاده باشد هر  
 کنند از انزروت و دم الاخون و سفیده پیغمبر تا گوشت بر آید طلا بهجت تسکین جم  
 بواسطه مجرب و بی نظیر است ص در و دام شیره برگ پنبه نرمه که آبی آب شیر کشیده  
 باشند نیم درم زر و چوب خار دار را بسایند و در شیشه نگاه دارند بعد از فرستادن  
 بیت الحلا موضع را شسته و آب خشک کرده و دو اندک طلا نهند طلا  
 برای جالوق و ضعف باه ص پوست پنج کنیر سفید پوست پنج کنیر سرخ از هر یک یک درم  
 چون یکدیگر افزون مصری بنده اول هر دو پوست را کوفته و بیه راه پاره پاره گوشت  
 سوسمار گوشت نیم درم بکر و زکریا کنند بعد از آن رس برگ و متوره انداخته تا دو گونی کحل  
 کنند پس مثل کنار گوی بسته یک جب و در شراب و آتش حل کرده سوای حنفه طلا  
 تا چهار ده روز و باید که کوه کلان باشد که آن را شاه کوه میگویند طلا جالوق ص چوب  
 پنج درم چوبی خاک جنگلی نیم درم بیه بیوی یک درم جز بوا یک درم ترافل بسایند زعفران المنی  
 ابو این خراسانی سر کشمیری سر کشمیری سما که کافور پیچینی چکر گوش آدمی شکر  
 پنج کنیر سفید هر یک و دهم ترافلین خشک زهر چنباک گنوجی سفید عاقر قراش بچکان  
 در این پی هر یک یک درم کشته نرس عدد و مغر و خاک جنگلی چهار عدد و مغر و خشک خاکی شش عدد  
 مغر و چوبی سائده دو عدد و مغر و چوبی نوله دو عدد و بیه را کوفته تا دوازده پاس کحل نماید

استخوان آن است که یک کیلومتر شش از دست نرم نمایند و دوازده کور بران طلا نموده  
نگاه دارند و روز دیگر اگر آن کینه سخت باشد علامت تیار شدن دوا است و الا باز چهار بار  
پزودی کرد نمایند طلا عوارض محمد عابد ص زریق و دوام سها که نیدام پیش یکدم بچپناک  
نیدرم قسط شیرین نیدام قسط تلخ بپزوی یکدم چند میدستر یکدم روغن کبج سیاه پاور سیاه  
عرق برگ چنبیلی نیم انار شراب و آتش پادانا راول عرق برگ چنبیلی و شراب و روغن کبجا  
داده بچوشانند عرق و شراب فانی گرد و روغن ماند بعد از آن دوا را کوفته و روغن  
داخل کرده بسوزانند بعد صاف نموده در شیشه نگاه دارند و بقدر وسخ طلا کنند و بالا  
آن برگ تنبول بزنند تا هفت و هفت لعل آرند در تقویت باه موجب است طلا  
که ابتدای وجع و ورم خصیه را نافست ص کالنج کوکنا آر دو آرد و عددس جمله بسیاری  
باز زده تخم مرغ و روغن گل طلا نمایند طلا که خصیه فربه شده را لاغر گردانند ص سنگ  
کار و تیز کن و سنگ سیاب کشتیرانه هم بسایند و طلا کنند طلا که خارش زبانه  
نافست ص صبقوطی نوشا و از هر یک چهار دانگ بسایند یکدم شیان  
افاقیا هر یک سه ورم سوده و بخت بگلای و سرکه سرشته طلا نماید و اگر گل سخی و صند  
از هر یک نیدرم اصنافه نمایند و رفع خارش قضیب و خصیه و قعدا قوی خواهد بود  
طلا بخت گچی قضیب است کام اعصاب آن و برای تقویت باه مفید است ص  
افیون مصری یکدم جوز بوا یک مثقال و اچینی یک مثقال و ریح عاقر قلیک مثقال  
نیم نیاز نرس و نیم مثقال پوست خربزه سفید پنج مثقال کوفته و بخت چهار ساعت بخور  
شراب قسط سق کنند و قرص با سخته خشک کنند بوقت حاجت بشراب ساییده طلا  
طلا بخت روده که در خصیه فرو آمده باشد بدان سبب یا فنی ورم هم رسد و هر روز  
خشک را با یک ساییده و آب افیون محلول سرشته و پاره بدن آخته کند و  
عص ساینده برو پاشند بر خصیه بگذارند و تا یک پاس در آفتاب بگذارند پس تمام شب



گذاشته باشند صباح آثر آب است که جدا سازند و دیگر طلا کنند تا که روده تمامه بالا رود از بیاض عروق  
 طلا جهت بار یکی عقب ذکر مخلوق صس جزو البسایه شده هر یک چهار ماشه چک گوشتی که  
 چربی خصیه خرم پاد به رادر شراب دوا نشه بسایند چنانچه یک سیر شراب جذب شود و بکار  
 طلا از فاضلی در ویش محمد در تجربه والد را حد و آمده صس پیر بوی که بوی سفید زهر شسته  
 پنج چوبه بخت گله پنج کمانی پنج اونث کنار پنج آرد پیله شیر پیله سوس پیله کیمیا پیله نوک از یک  
 پنج دانه پیله شیر کلان سه عدد و ساند نشه عدد و زو صحرانی چهار عدد و جالیه که آثر اسیراک گوشت  
 یک دانه پیله بخت گله پنج کمانی پنج آثر مار سیاه شش انگشت از جانب سرد و کرده هشت انگشت بگیرند اول  
 که بخت گله در آب صاف بشویند و در سایه خشک نمایند و پنج بار را جو کوب نموده در روغن گاو  
 بهر را انداخته قوی در دست بماند که خوب تر گردد و بعد از آن یک سبوی کلان که در عروق  
 یا سیاه مشعل شده باشد از سه بار چوبه کمانی گل حکمت کرده خشک سازند و در زیر آن سه بار  
 نمایند و در آن سوراخ ماسخ یا بانس بگذارند و بعد از آن مار را پاره پاره کرده و بیشتر روغن را  
 با شیرک و ساند و دیگر اجزاء با بخت گله و پنج آثر پیله کیمیا نموده در سبوی مذکور اندازند و در هشت  
 انگشت سبوی خالی دارند و بالای آن سیر بوش گلی نهاده خوب بند سازند و باز گل حکمت  
 نمایند و بعد از آن بانس با چاک شستی بطریق پتال چسب روغن بگیرند انشاء الله تعالی نفع تمام  
 نمایان خواهد شد طلا که در تقویت عدیل ندارد و دفع عینه کند صس سیاه گرسن از غصه  
 قند هر یک نیم بند و در بیت و هشت شغال روغن زیتون و قهوه ای آب بچوشانند تا ممل شود  
 و آب سوخته روغن بماند پس صاف نموده و غنیم شغال زهره که خشک شخم انجور عاقر قرحا  
 خردل سرخ هر یک یک شغال اضافه کرده مکرر بر قفسیب و عانه و آتشین طلا نمایند و اگر موسیقا  
 و اشال آن و زهر مرغ و مانند اضافت کنند باعث تقویت آن میشود طلا که چون زن  
 در فرج کرده ببرد و غنیم نماید مرد و فرقیته آن زن گردد و صس تلخه مایه رو بهو فضل در آن یک طلا  
 کرده بار و غن گاو طلا نمایند طلا که مسک مجرب صس بر پستانی ضد عک که فزونی

میباشد مانند پستان کوچک نزدیک ابرو باید که خضدع کلان را گرفته آن موضع را افشودستی  
 که از زود تراود او را با چکیده ستی فیل در باد خسته بر باد القیاش نکند بعد از خشکی هر غروب نزدیک  
 نمایند طلا مار که افراط حیض باز دارد و صلبوط طباشیر بر یک یکدرم اتفاقا گنار صندلین هر  
 سی درم گل ارسی چهار درم گل سرخ حدس مقشر بر یک یکدرم کوفته بخیته باب بر تر ساخته  
 بر خانه و پشت طلا نمایان طلا مار که زود انزال منی زن کند و صلب حکار کافور بر یک یکدرم  
 غسل شش جزو با هم سائیده بقدر نخود سه حب بنزد و بجز شسته بر زک طلا کنند در دو روز و در  
 منی زن بریزد طلا مار و یک محرب صاحب گنج باد آورده صلب سبوعه سالک زاک متعارف بر دو  
 مساوی کوفته بخیته سبوعه را قدری بر آتش گرم کرده با هم منروج سازند و نگاه دارند و شش  
 دخول بقدر یک نیم در فرج بماند طلا مار منی زنان را که بی اختیار روان باشد باز در صلب  
 صندل سفید و سرخ گل سرخ برگ نیلوفر و منقشه گل خیری آرد و جو تخم فنگشت گرفته کوفته بخیته  
 طلا نمایان طلا مار بجهت عنی و از کار رفته بسیار مجرب است صلب ستی که عقب سر سائده  
 میباشد بوزن یک نخود و فلفل سه عدد باب برگ پان صلا این نموده طلا کنند طلا مار که درم  
 حاضیه را نافع باشد صلب بالونه اکلیل الملک خطمی خیانت ماینا بوش در بندی از بر یک  
 به قدر صندلین از بر یک سه درم بنفشه دو درم کوفته بخیته بکلاب طلا کنند طلا مار که سر ستی  
 سفید باشد صلب بلسان جاوشیر قفل باد آورده مساوی کوفته بخیته باز بره گاو قفصیب  
 طلا کنند و بگذارند خشک شود پس مجامعت کنند زود آبتن شود طلا مار دیگر صلب  
 سبغ ز خشک کرده بگویند و باز بره گاو و بر قفصیب طلا نمایند و مسابنت کنند طلا مار و قفصیب  
 باه صلب شحم شیر بیل گوش خراطین پوست بجز کثیر سفید روغن ماده گاو طلا مار متقوی باه صلب  
 شحم خوک دشتی شحم سائده از بر یک نیم درم مسک شش چهار درم زبر لیدر نیم درم شحم شیر برابره  
 سبغ ادویه را در او نهند از چوب دواک که در دفلوس خیسانیده باشند بیت و شش و زبر  
 که ل نموده مقدار نخود بر قفصیب بماند از ترشی و جماع تا مدت استمال دو ابر نیم نمایان

طلا را برای تعظیم ذکر ص صندرخ خشک کلان بمشابه باشد که بعد خشک شدن پا و آثار پاره  
 منفرخ پا و آثار چونک خشک پا و آثار خراطین خشک پا و آثار همه را نرم کوفته و در شیشه  
 گل حکمت انداخته پیوه بکشند و بکار برند طلا را برای جالوق و درازی و سطریری قضیب هر  
 شیطان سر سره باز و استخوان ماهی سوخته زاک سرخ شکوف از سر یک یکتوله خراطین بخت اول  
 انیون و قو له و عروسک و توله همه را سائیده سر سره سائوده نگا هارند و مرغ پنج توله سائوده  
 بهفت توله بیشتر بهفت توله تخم زرب تخم گذار از سر یک چهار توله قرضل جنگلی بهفت توله مرغ چنگ  
 پنج توله این همه را بطریق چوب بکشند و دوا که نگاه داشته اند آینه استمال نمایند از مجربات  
 حکیم محمد جعفر اکبر ابدی است طلا را مسک عجب است ص صستی غوک کچل سمندر سهو که  
 کف دریا فلفل و ساینج کنیر سفید کوفته بخنه طلا نمایند طلا را بقوی ص خراطین انگوره گوچه  
 سفید پوست پنج کنیر سفید تخم دهنوره از سر یک پنج دایم همه او ویه را چهار پاس و در شراب  
 تر کرده و در میان شیشه انداخته مثل چوب بچکانند و سوا ی خشفه طلا نمایند طلا را معوض  
 بری و ساینج کنیر ص ص خرافه قرضل خراطین تازه و فقیون چند پیوسته تر لکن از سر یک پنج توله  
 باریک سائیده و در پیاز تر کس که برگ نیارده باشد ریزه ریزه کرده در نیم آنرا شیر گا و تر کنند  
 تا پنج که ری بعد از آن او ویه سوه را با پیاز تر کس در کحل حل نمایند تا که خشک شود پس پیاز سفید  
 پنج عدد داخل نموده حل کنند تا که خشک گردد پس زهره گا و تر جوان داخل کرده بسایند و برشته  
 در ظرفی نگا هارند و وقت حاجت بزرگ پان الیده و قدری بر قضیب طلا ساخته به بندند  
 تا بهیت دیگر و ز سچش زن نروند طلا را بهندی بر بی برای تقویت باه سفید است ص  
 بافته نازک سفت را باز و چوب رنگ کرده در سایه خشک نموده با شیر زقوم که بهندی است  
 گویند بهیت تر کنند و در سایه خشک نمایند پس با شیر بز تر کرده بدستور خشک در سایه کرده  
 اول بزرگ پان پیچیده و بالای آن پارچه به بندند و پنج پیچید تقویت تمام نماید و هرگاه احسانگر  
 سوزش شود و خارش طلا بر گرد و نور آوا که تید که موجب تفرج نشود از بیاض غم جویم طلا را

موجب ص فریون قننه از هر یک و درم بسیار در فضل یک نیم درم چندید ستریک نیم درم  
 حاقه قرص و نیم درم سوم کافوری نیم درم تخم جرجیر یک و نیم درم زجس نیم اوقیه اول سوم را و در  
 مذکور حل کرده او ویر کوفته بختیه در آن بیاورند و بعد بحق بلنج لعل آرند و درون حشفه طلا کرده  
 باشند و بالایش برگ پان پیچید طلا که حلق و غیره را از خون برده و قنیه را بقدر دوص میباید  
 تیل و دوام که گوی سینه و خال گوشت پوستی کثیر سفید بر بوی هر یک یکدام در نیم سیه ستریک  
 علی الاتصال بهشت پاس کمر نمایند و در سایه خشک کرده گوی با بقدر کسار شستی بنزد و ستریک  
 سه و دروغن کنند و بر قنیه طلا نمایند و بالایش برگ پان پیچند از مهربات و الد ماجد طلا بر  
 جلق هرگاه در پیشین پس تفاوت باشد ص تیل که تیل یک کند یک اوقیه سار سار که تیل بسیار  
 خالص بیداد ویر اسوای سیاه خوب باریک سائیده مثل ستریک نموده و دروغن زرد و سیاه  
 پس بعد ص بافته باریک باد و اندک ویر لوت نموده و در سیاه او کمال انداخته از یک طرف پاره شستن  
 و در سیاه بچکانند تا آنکه تمام پاره پاره شود و از آنجا پاره پاره کبر کبر زده و شیشی بخاک بپزند و قنیه  
 قدری قنیه اندک و قدری برگ پان و لیسان جام پیچند و در زیر حشفه طلا کنند و در پخته سه بار استعمال  
 نمایند بفضل الهی مطلب حاصل گردد و طلا از حاوی کبر ص بگیند صوف پاک را و دروغن  
 سداب یا و دروغن فشار الحار زنده و ورق حاقه قرصا کوفته بر آن باشد و قدری ستریک بپاشند  
 آرند طلا که بدال قنیه فخت ص صبر اقا قیام عصاره لخته التیس شب کوفته بختیه با سر که کند  
 سرشته طلا کنند و بال آن عصاره بپزند و در لیسن از طرف عقب شروع نمایند طلا را مخدر  
 ص فیون چندید ستریک یکجوز و زعفران نیم خرد طلا را برای و جمع ر که از بیاض عم درم  
 ص بگیند خطل و عدد و در نیم آب بپوشانند تا آنکه نصف بماند صاف نموده و با و دروغن و در  
 بیت و پیچید و بپاشند تا آنکه نصف آن پنج آثار آب برود و بعد حسابا ستریک در آن انداخته  
 بپوشانند تا که تمام آب برود و دروغن بماند پس سور بخان و بپاشند و از هر یک ستریک  
 و اصل کنند و در محل و جمع طلا نمایند طلا را بفرسنگ ص زنجیر سیاه ص صاف کرده و بپاشند

نیز این پنج بزم روغن گاو درم همه را در طاس انداخته بدست چوب نیم سه روز بسیار سق نمایند  
 و سر روز طلایانین طلایا مجرب حکیم کمال الدین حسین نافع باتشک و حرب تر و خشک  
 صس قسط تلخ زراوند حرج ایریسا و ورق و فلی سیاه مامیران چینی کندش بوره مدوار  
 هر یک پنج مثقال پیمر غالی روغن گل بقدر کافی پیمر را در روغن بگدازند و او به کوفته بخته بان  
 آمیزند و شب بربدن بمالند و صبح بخام روند طلایا که لشکره را پاک گردانند و شوروی که بر روی  
 پیدا شده باشد بر روی صس جو نشسته بکوفته در پاتیکه کنند و بریزند شیر تازه و دوشیده و در طلایا  
 بچوشانند چنانچه که شیر بمالند و سر و ن آرد و خشک کنند بعد از آن بگدازند و چوبه کثیر از هر یک  
 سه درم و بگویند یا آن جو خشک کرده و بریزند بجزیر و لبشند به سفیده تخم مرغ و طلایا نمایند  
 بر روی و بعد ده ساعت بشویند آب نخاله طلایا بجهت برص صس ماو زیون بوره خرت  
 سیاه فلفل سیاه مساوی در سرکه بنزند پس مقداری نظرون و زایرج براده آهن کف دو  
 بسایند و در وی بسایزند تا غلیظ شود پس موضع را بنظرون بشویند و این دارو با پیمر  
 بر آن موضع در آفتاب کمر طلا کنند و صبر نمایند تا آبله کند پس آب از آبله بیرون کنند و بگدازند  
 تا خشک شود پس دیگر باره طلا کنند و این طلایا قوی است در افعال خود طلایا که با نجاش  
 نفع کند موضع برص را بنجون مار سیاه و لک کنند پس غسل بلا در طلایا نمایند و بگدازند تا  
 متفرج شود و آنگاه تدارک قرحه نمایند صس که برص را بر و شیطان عاقر قرحه حاضض خردل  
 شونیز گل شقایق زرنج زرد مو قوسه یک یک بجز درم بگویند و بنجون بز لبشند و طلا کنند  
 طلایا دیگر صس تخم ترب کندش مغز بادام تلخ شیطان زرنج سرخ و زرد اسفند خرق  
 سیاه پوست جو تر بر کج دی کوفته بخته بشرب شراب طلا کنند طلایا و دیگر دین با مجرب  
 است صس ذرا بنج غسل بلا در ناسیا سر گین کبوتر تخم ترب شیطان ماو زیون همه کوفته  
 بخته لب که کشته بشرب طلا کنند طلایا و دیگر مجرب محمد زکریا جهت برص صس شیطیح بند  
 سنگ سرمه ماو سبز منقوب زاج مسخ زعفران خشت الحمد بهشت شبار و زرد سرکه

کرده زرد البهر کو که در سفید خاقر فر خا خردل سیاه قنبیل زبر و براده نخاس حبس لئیل برکد و  
توله استخوان ماهی سوخته پنج فی سوئیچ سوخته هر یک کفی اجزاء کو فتنی را بگویند و با برنگ  
بجوشانند تا چون مرهم شود بعد از آن با خون مار سیاه و خون خفاش مزوج کرده بر موضع  
برص یک لایقین طلا کنند طلا را برای دوا ص نخم پنوار آمله لاکه زیره اجزاء  
برابر کو فتنه و موضع دوا را با کیسه حمام خوب مالند بعد از آن سفوف مذکور را بآب طلا کنند  
در سه روز بر طرف شود طلا را سخته منقول از بیاض غم مرهم ص قنبیل شمار در وجود  
بابی در روغن تلخ کحل نموده بکار بند پنج خردل شونیز پوره ارمنی پنج کثیر کو که در بید  
گرفته سائیده با سرکه آمیخته طلا کنند طلا را برای برص افکار که بعد از تنقیه بکار آید ص عود  
آرد خرد و آب ترس در سرکه برشته طلا کنند و همچنین شبت تخم کنان و روت و خردل  
با هم کو فتنه بسر که طلا کردن و در وی شراب با سرکه سوخته باز پنج در پنج و زفت برشته  
همین عمل دارد و کد لک پنج حماض بسر که طلا کردن همین اثر دارد و طلا را دیگر قوی از  
اول است ص زنج شنبک فی کربت هر یک خرد و پیخت بسر که انگبین حل کنند و دیگر دوا کو فتنه بنیاد  
برشته و طلا نمایند طلا را بر آب لیل ص شیا ف مائید که درم نیم بر سر لوش و برشته بکند و درم  
از طلا سه درم نیم طلا را کربل لک یک درم کو فتنه بنیاد طلا نمایند و اگر این عارضه بر آن حال با برشته  
موقوف نمایند طلا بجهت بهق ص طرح فوه تخم کندش خردل بسر که نیز سائید و در آفتاب طلا کنند  
طلا را بجهت بهق اسود ص تخم زرب ده درم قسط کندش بر یکد و درم کو فتنه بسر که  
برشته طلا نمایند طلا را بجهت ترهل از کناش یو حنا ص مبر شیا ف مائید با برکب  
در می تخم حرمل کیمشقال فی فون دو درم و رت کرب سوخته پنج درم طلا ساخته با برکب  
یا روغن کچد یا روغن خیری برشته طلا کنند طلا را برای ترهل ص مبر شیا ف مائید  
حفض سود شیا ف مائید زعفران گل ارمنی مساوی بگویند و نیکو برشته و آب کرب طلا  
نمایند طلا را تو لول را بر برص ماز و شب بمانی تخم جیر بگویند و بر سر کار برشته

برو طلا کنند طلا که نشان آبله بر طرف نماید ص فی پوسیده یک جزو و وارید یک جزو و در  
باسم بیاورند و بشیر زن آن ترک کرده طلا کنند سه نوبت و آب گرم بشویند طلا را برای برص منقول  
از قرابا وین عم مرحوم ص کنند یک آله سار گیر و جلدار باجی مساوی الوزن شربت کیشک  
شماره در آب خیساییده زلال آنرا بنوشند و نقل را سائیده بر بدن طلا نمایند و اگر در ایام  
استعمال این دو و از نمک ترک نمایند اولی است طلا را بهجت برص منقول از بیاض  
عم مرحوم پوسیده با بنجر دشتی یکد ام آله دو دام باجی یکد ام کوفته بنجیه نگا بدارند و گل و پاک  
مسح کس یا بی که شل کلاه بر گل و پاک میباشد و دو دام در پیچاه دام آب فقط گل را بشویند  
هرگاه بمقدار پانزده دام بماند نگا بدارند تا که آب سرد شود بعد از آن گل را از دست مالیده  
آب را از پارچه گذارند و دید مذکوره را داخل آب کرده حل نمایند حب با مثل حب کتار  
دشتی بپزند و یک حب در آب سائیده بر صحنه طلا نمایند طلا را نیروی منقول از جمرات  
حکیم با فرو لکیم عماد الدین شیرازی نافع از برای اورام حاره که در غیره نفعین باشد ص  
صندل سنخ عصاره مانیا گل سفید که سحروف بود و چینی حنظل فلفل زعفران کوفته  
آب سرشته بنادق سازند و نزد یک حاجت یکی را با آب کاسنی تازه و آب کشنده تازه و  
گلار آب غنبل شعلب سوده طلا نمایند طلا را نیروی بنجیه دیگر ص صندل سنخ گل کزبر  
عصاره مانیا حنظل یکی نوش در بندی صبر سقوطی اقا قیا از سرب یک جزوی افیون  
زعفران از سرب یک عشر خردوی کوفته بنجیه آب غنبل شعلب سرشته اقراص سازند  
و در وقت حاجت با عصاره که مناسب باشد سوده طلا نمایند طلا را که ساسیر را سوده  
دارد ص انزروت نرشارد رنگار آب صابون سرشته طلا کنند طلا را که در رفع سکنج  
تالیل بعد از استفراغ سوده بار الجبن بکار آید ص بازو شب میانی با ششم خنظل طلا کنند  
طلا را بهجت جذام که بعد از استحکام خلبه و تقاطع و داجین در ربیع و خریف و گذشتن  
مهاجم با شطر بر نفم سده و یادون سر شیف بکار آید ص لاون دو درم و نیم اوقیه

سبیل حماما قردمانا دار فلفل سلیقه قسط تلخ حاقرق حاصطک مرقل جبب لسان اشق صبر سیه  
سیالیوس زراوند طویل زراوند حرج سعدا گلیل الملک قرفل ایرساروغن لسان  
هریک یک اوقیه حلاکت هم هر یک سی درم مبعده را در روغن نار دین حل کنند و دیگر او سیخته  
و بنجته بروغن لسان لت کرده بدان بیا نیند و حرکت دهند تا لکسان شود طلما که زراوند  
است استعمال آن بمقدوم ص نظرون اشق فرقیون کرب زرد برگ انجیر بالسوی کوفته  
بنجته بسر که برشته طلما کنند طلما دیگر از مجربات حکیم کمال الدین حسین ص کبریت زرد  
قسط تلخ و شیرین باز و محرق سونج بلبله سیاه سوخته استان هر یک سه توله برگ درخت  
صنوبره توله آرد و خود آرد با قلا هر یک دو کف آب برگ گردگان و سرکه خمر کنند و شیار  
بگذارند و بر روز قدری از آب برگ جوز و سرکه داخل میساخته باشند و روغن بنفشه و روغن  
که هر یک یک پا و شحم سه قطع مرغ جوان شحم و روغن را بهم گداخته صاف نموده او دین مقوصه  
بصهاره جوز و سرکه را در میان روغن های مذکور یک روز بتریمی زده باشند و شب بالند  
و صبح بجام رفته بشویند و بدن را از عرق خشک کرده مسکه گاو را باز عطران بالند طلما  
بجبت جرب منقول از بیاض عم مرحوم ص سیاه کند یک نیله توتنه سترال بابجی از  
هریک یک توله نخل تلخ کشت توله کوفته بنجته در روغن حل کرده اش نمایند و در آفتاب نشسته  
بعد از سه ساعت کملی روغن تلخ بالند و آب گرم بشویند و سره روز دفع شود و بجبت  
قوبانیز نافست طلما بجبت جرب طب ص سیاه منقول خشت الفصد برک خرد  
اشمار مردار سنگ کنده همه را بگویند و بروغن گل تر کنند و شب طلما نمایند و در بجام  
رفته بشویند طلما بجبت جرب و حله مجرب است ص سیاه (علیمیای فصد گوگرد  
سفید برگ خرز بهر کندش دغلی مردار سنگ بالسوی کوفته بنجته با قدری سرکه در روغن طلما  
لنند و شب همچنان بخوابند و صبح بجام روند و بسر که ایشان اخضر بدن را بالند پس  
اب گرم غسل کنند و عقبی باب سر و بشویند پس روغن گل بالند و باز باب سر



عسل کنند و بیرون آنند طلا را بجهت جرب و آب که استعمال دارد با جد است ص ص و در اینک  
 خاک میکند چوبی بری خشک ز هر یک یک کوب و نیاید توته نیم جز و کته شش جز و کوفته بخیته در و در  
 تلخ یا شیرین آمیخته بالند و اگر ساعتی در آفتاب نشیند اولی است طلا را برای جهاجن  
 اگر سرخ یا سیاه رنگ در عضوی بهم رسد و سفیدی نیز در آن باشد و جلد تو بر تو مثل تو  
 متفش شود ص صابون عا غلاب سائیده طلا را نمایند از مجربات است طلا را  
 جهت جرب و رفع آثار که تجربه بعضی رسیده ص ص سیاه مغز بادام تلخ هر یک سد رم  
 تخم خربوزه غیر متفشرا بنزد درم تا یک هفته به شرب طلا نمایند طلا را برای جهاجن جرب  
 منقول از بیاض عمم حوم ص ص پاره یکد ام کته یکد ام اجوان خراسانی یکد ام روغن گاو  
 چهار دام و ظرف مس با چوب نیم نه روز محق نمایند بعد از آن بر جهاجن طلا کنند و با آتش گرم  
 مقابل دارند طلا را دیگر برای جهاجن ص ص سرشیم کادی سرخ از هر یک یکد ام زرنج زرد  
 حد بشو طری از هر یک یکد ام مغز تخم همدانه یکد ام سرشیم کادی را با قدری آب بر آتش  
 حل کنند و اجزا کوفته بخیته داخل نمایند تا شل مرهم شود قدری از و به روی کاغذ آس کوفه  
 بر موضع شقاق بگذارند تا هفت روز طلا را دیگر جهت جرب طرب و یالین و به سواد آتشک  
 از مجربات است ص ص سرب سیاه زرنج هر یک درم سرب راد و سفال بگذارند و فرود  
 آرند و سواد آتش بدارند پس دیگر او به نیم نمایند و حرکت دهند تا منعقد شود پس خوب بست  
 مالند هر گاه مثل غبار گرد و استعمال نمایند طلا را جیره که برب و قضیب و خصیه و سواضع طبع  
 باشد بکار آید ص ص بوره نیم درم قلع طار قلع لیس هر یک هفت درم آب سائیده طلا را نمایند  
 طلا را خزان ص ص آرد نخود آرد با آرد و تر مس خطمی هر یک جزوی در کشکاب به لعاب  
 مالیده بشند و طلا کنند طلا را دیگر برای همین مرض ص ص زهره گاو یکد رم بوره ارمنی درم  
 قلع درم با عمل سیاه نمیزند و طلا کنند طلا را برای خزان ص ص بوره ارمنی چهل درم  
 صابون یک آب و قیة دردی شراب یکد طبل در هم شسته برزند و در میان سو کنند و یک

صبر کنند پس بار در خود آب چقدر بشویند پس روغن مورد طلا کنند طلا را که در سبزه  
 رقیق بکار آید ص عصاره برگ کنجد عصاره برگ سیاه دانه بادام تلخ مستشر کوفته باخل خمر و  
 آرد حله یا آرد نخود منروج نموده بکار برند طلا را جهت جبره و سایر اورام ملتبه را نیز فایده  
 بخشش ص مندل سرخ فلفل شیان مائینا سفیده گل ارضی کو قنطاریه آب کشتیزه نبر طلا  
 کنند طلا را به جهت خنار نیز ص آنکه رنج سرخ هر یک در مضمغ منوبه سی در مضمغ  
 بهشت در مضمغ را در روغن حل کنند و او دیر را کوفته بدان بپوشند و طلا کنند طلا را جهت  
 دار الشعلب که سوی را بر ویاند ص قیصوم پرسیاوشان با بونه بر واحد یک و قیه در آب  
 بنزند تا مهر شود پس بیالایند و همچند آب روغن بآن آمیزند و آبش آهسته بنزند تا در غلظت  
 پس طلا کنند طلا را جهت دار الشعلب ص مویزج زریاج هر یک بنزد درم پوره خردل که در  
 زر دلقیا فریون هر یک یک درم زید الجبره درم کوفته بنجیه ابشر آب کهنه شسته بعد و لک  
 بمالند و هرگاه تنفط گردد و یک روز در میان بعمل آرند و بشیم بط و مرجم سفید آب معالجه کنند  
 بعد از آن اعاده ضما د نمایند اگر احتیاج داعی شود طلا را به جهت منع نمودن انبات موجب است  
 منقول از اکمل الصناعات ص آب انجیر سفیده تمام زبد البزاج ترنج از هر یک قدر مساوی  
 با هم مخلوط نموده از هر جا که دوسه مرتبه طلا کنند هرگز سوزان موضع بر نیاید و همچنین اگر طلا  
 کنند موضع را انجیر و شوکران و افیون هرگز سوزد برای طلا را جهت رویانیدن موجب الفصل  
 است ص سم زبسیاه سوخته کندش سم الاغ سیاه سوخته باروغن زیتون بکار برند و  
 مولف حاوی کبیر و اطباء متقدمین را اعتقاد آن است که چون کندش را باروغن و خمر  
 مرع طلا کنند در همه اعضا سوی را بر ویاند حتی در کف دست طلا را دیگر تبین درین باب  
 ص پوست درخت انجیر و برگ او کف دریا سوخته هر یک درم فریون پنج درم در آب  
 پیاز بشزند تا دوز طلا کنند تا موضع سنج شود بعد از آن زراوند مدحج لادن فستق  
 سوخته مورد و خض مسادی کوفته بنجیه آب غناب الشعلب شسته طلا کنند طلا را

جهت دارالتعلب سعه طب ص کف دریا کاغذ حب لغار همه را سوخته بسره سرشته  
طلا کنند طلای دیگر که شبه انواع دارالتعلب عجیب الفل است ص پنج فی سوخته  
سیرکین سوش خاکستر خال پشت نوشا در پوره مغز بادام تلخ سوخته خربق سفید سیریک  
یکجز و کوفته بنجینه برغن بیت طلا کنند و به برگ انجیر چین خارند طلای جهت و خمس بعد از  
فصد و ملین جهت تسکین و حج بکار آید ص افیون زهر البنج کوفته با سیرک طلای کنند و بنجینه  
اگر بعد از فصد که چند دفع بعمل آورده باشند افیون اگر در سیرک که اخته باشند و بعد از آن برف  
مضروب بسره که بر خرقه که در آب برف تر کرده باشند گذاشته بربزند و بهرگاه خشک گرد  
اعاده کنند و مبالغه در تخدیر آب برف نیز مفید است طلای جهت رویا نیدن سو  
از مبرجات حکیم جعفر اگر آبادی و جدا بعد ریش سیر رحیم الد بعد پنجاه سالگی ازین طلای آید  
بود ص براده حاج خیال کس برابر برغن بصفیه مرغ سوده بهر جا که طلای نمایند سوی آید  
طلای جهت آس گرم و کوفتنی اعضاء و شکسته شدن آن سودمند بود ص گل رسته  
فوقل فانیای سیرک و اسنا صندل سفید سه استار شیا ف مائیا حفض هندی بوش و فندک  
خطی سفید آب قلمی مردار سنگ هر یک پنج استار کوفته بنجینه باب بید و آب کاسنی کشند  
و سیرک و گلاب اندکی اضافه نموده بکار برند طلای جهت اورام ملتص ص صندل سر  
فوقل شیا ف مائیا سفید آب قلمی گل اسنی هر یک یکجز و پوست تبر مج افیون  
هر یک نیم جز و آب خمیر کرده بشکل بنادق ساخته نگا دارند وقت حاجت به گلاب  
یا آب کشنیز تر و قدری سیرک انگوری سائیده و بالایش جامه باب برف تر کرده دهند و  
گرم شود اعاده جامه نمایند طلای سرطان که در اول بکار آید ص حکاکه سنگ آسیا  
حکاکه سنگ آهن سرکن حکاکه سیرک باب کشنیز تر یا آب عصاره کاهو سائیده طلا  
کنند طلای که در اول سرطان بکار آید ص سیرک باکی از آبهای مذکور بسایند و قویا  
و صبر و سفید آب اضافه کنند و در میان مهره صلابه سیرک بشایند و اگر خرقه کثانی در

عنب الثعلب ترکند و بران نهند ریش شدن سرطان را مانع آید طلا را که منع زیاده و  
 و ریش نشستن سرطان نماید ص گل رسنی کل مخموم سفید آب سرب بایت انفاق و عصاره  
 کا هو با عصاره حی العالم با عاب بگو از مهره صلابه سرب بسایند و طلا کنند طلا را بر آب  
 دار الثعلب ص کبریت زر و سیم برده و سوخته اجزای مساوی بروغن سرشته اول سوخته  
 بسیار و اشتنان بنالند پس شسته و طلا را نمایند و چند دفع چنین کنند طلا را برای سینه  
 رطب که در سندی گنج سرگویند نقول از بیاض غم مرحوم ص نیلا نوتنه بیشتر نیم نود  
 سوخته آبله پوست از انزخاش سفید گیلا سوخته از هر یک یکتوله فلفل نیم توله در روغن سر  
 او و پیوسته و قوه را سرشته طلا کنند طلا را برای سینه یا لب بکار آید ص نوبال ص سر  
 سوخته انزروت قرطاس محرق هر یک و جزو گوگرد و زرد یک جزو لبر که سائیده طلا کنند طلا  
 محمدریک یا گوید که سغه را به ازین دو و انیت ص سفال تنور سوخته یکجز و نمک نیم جزو نرم  
 بسایند و با سر که سائیده طلا کنند طلا را بهجت سغه یا لبه نافعست ص نمک زاج سوخته  
 کبریت بر آب سیاه بازو زر و چوبه زراوند مر و در سنگ لبر که انگوری و روغن گل طلا  
 طلا را محرق حکیم سعد الدگیلانی ص مر و در سنگ توتیا پوست از انزخاش بازو رو  
 روغن گل هر یک سه مثقال سر که کنه یک ملقه طلا را که سغه را متا صل کند ص صابون  
 زنی بگلاب بر نهند تا کف بر دارد پس پنج بنفشه موم سفید روغن بادام هر یک قدری اضاف  
 نمایند و طلا کنند پس باب گرم بشویند طلا را که سغه و ریشه با که بر سر کوه کان باشد زاکر  
 کند ص مغز بادام سوخته زراوند مدحج هر یک یکجز و خاقنیل دم الاخرین هر یک و جزو  
 سفید آب زراوند طویل خبث الفقه مر و در سنگ هر چهار جزو بگویند و در سر که ترکند و طلا  
 تر کرده طلا نمایند طلا را که قمل را بکشد ص صبر سقوطی شباف مانیا ز پنج مرغ اخرا  
 کوفته بخیه در روغن گل حل نموده طلا را نمایند طلا را برای قمل و صبیان و خارش که در  
 جمیع بدن باشد ص شباف مانیا یک جزو و برق نصف جزو نشاسته مثل صمغ اوده

در سر که آینه بعد غسل بسیار در حمام طلا نمایند و یک ساعت گذاشته باز غسل نمایند طلا بر آید  
 نو اندک کوره ص زرد چوب مغز بادام تلخ گلند را تلخ کاغذ سوخته باز و سوخته پنج سوس آن همان  
 جونی افاقیا قنبیل اجزا مساوی کوفته بنجینه بکار برند طلا را صبیان کنند بغل ص کاغذ  
 بنجدام قلیسیای فقه قنفل صطلک بهر یک شغال شب بانی بنجدرم توتیای بصری پیوده  
 ده درم کوفته بنجینه در شیشه کنند وقت حاجت بگلاب تر کرده در بغل طلا کنند و اگر در آب  
 بگلاب پر ورده طلا کنند بوی بغل کم کنند همچنین اگر توتیای بصری بگلاب سائیده با گل تر  
 یا مقداری کاغذ آینه خشک کنند و بکار دارند بوی بغل دور کنند طلا را قبل و بعد از شام  
 سفید است ص مویخ زرنج سرخ زراوند طویل بهر یک بجز کوفته بنجینه در روغن زیربسته  
 بر اعضا در حمام طلا کنند و بعد از یک ساعت که عرق جاری شود و بشویند طلا را برای قویا سفید  
 است ص خردل تخم زرب تخم جریه کیندش بهر یک سه درم خربق سیاه هشت درم حر  
 ده درم کوفته بنجینه آب کرب سرشته طلا کنند طلا را برای قویا در روغن بنجینه است  
 قانون ص ایرسا که بیت از بهر یک بنجدرم بخود لپاک بز بهر یک شش درم خربق سیاه  
 هشت درم حرف ده درم قرمانا مویخ بهر یک ده درم کوفته بنجینه بسره سرشته طلا کنند طلا  
 جهت قویا بر بابت نافع ص شیان مایشا کند زرد البجر کثیر التوبال مس بوره از منی خربق  
 سفید تر مس اشق بالسویه بسره که طلا کنند طلا را که کلف مبتدی را بکار آید منتقل از محالجا  
 بقراطی ص گل سرخ آرد عدس درست فخنکشت بهر واحد یک جز و مویخ دو جز و کوفته بنجینه  
 بسره که شراب و قدری آب مورد آینه طلا کنند طلا را که در انتها کلف بکار آید و تحلیل طلا  
 سواد نماید ص صبر نیم جز و ورق الفار حبل نمار خاکستر قیصوم خاکستر استخوان اگر استخوان کثاف  
 باشد بهتر است کند را تلخ ورق سداب جیلی پنج سداب جیلی زعفران یک جز و بهر را کوفته بنجینه  
 دو حصه کنند یک حصه در موم روغن که از روغن خار ساخته باشند یا بنجینه روغن که از سرکه حل کنند  
 و آنچه از سرکه ساخته باشند در روز ببالند و شب آب شسته آنچه از موم روغن ساخته باشند

بکار برند طلا را برای دارا التلب کلف ص ترس تخم رب تخم جرب قسط مغز بادام تلخ بود  
 اینی فلفل قلع را بپزند و قلع را بآب صغفر حل کنند و او دیر بپوشند و طلا نمایند طلا را  
 جهت کلف جرب ص شیر لیموی کاغذی بریده زرد چوبه بریزه بریزه کرده در آن لیمو بپوشند  
 باز گاه لیمو بر جاده آشته تا یک هفته بر جای محفوظ نگذارند پس از آن شیر آرد و به اینجی بپوشند  
 شب طلا کنند صبح بآب گرم بشویند طلا را که قلع را دور کنند وقت حدوث آن ص شیر  
 یکدرم تخم خربوزه نخاله جواری کثیر از سر یکدرم و درم چو چاردرم همه را کوفته بآب ترک کنند و با گاه  
 طلا نمایند و سه روز پیاپی چنین کنند خواه بر سه باشد خواه جای دیگر طلا را دیگر ص کثیر اینجی  
 جزو آرد و ترس آرد و جو عدس متفش نشاسته هر یک جزوی آرد و با قلع آرد و بخور آرد و کینه بر یک  
 و جزو تخم خربوزه سه جزو همه را کوفته و بخیه بشیر زنان و اندکی زعفران سرشته طلا کنند و به  
 بآبی که در آن تخم خربوزه و بنفشه و خطمی و سوس گندم جو نشایند باشد یا تر کرده باشند بشویند  
 طلا را که قلع و شمع کنند بی تفریح ص نظرون بآب گرم حل کنند و بر دوشم بمانند زمانی طلا را  
 حاکم بپوشاند و غسل نرم بپایند و طلا نمایند و سه روز بکشایند و نیک بمانند و الیه فی حید  
 از آن آنچه در آن آله آنگذشت طلا نمایند و در یک وزده مرتبه و یا سه روز و لعل آرند و باز  
 بآب نظرون بشویند و همین قسم مکرر کنند که در سه تدبیر از آن دوشم کند طلا را که سوی ابرو  
 که از جذام برنجته باشد برویاند بعد از تنقیه بکار آید ص مویج بلبله سیاه آله هر یک جزو یک  
 و در روغن زیت حل کنند و بمانند بعد از آنکه موضع را بطبخ گلزار و فوینج شسته باشند طلا  
 که موی سر و ابرو را از رنجین بدارد و حکم گرداند ص لادن هر قدر که خواهند بگیرند و بپوشند  
 عفش ترکند پس گاهی بروغن مور و شمع بپایند و گاهی بشراب و نیم وزن لادن بپوشند  
 باوی بپوشند و در حمام یا در آفتاب طلا را کنند و اگر فراج آن کس سر و باشد یا زینسان  
 بانار وین بپوشند و بمانند طلا را برای جزا ص دقیق نخود چهل درم زجاج سفید مسوق  
 نخاله بوردق از بر واحد بشند درم گل خطمی ششدرم گرفته غل غمر خمر کرده شل مریم مرتب باز

و وقت حاجت در سر که قدری آب حل نموده بر سر خلق نموده بروغن گل و قدری سرکه بپزند  
 نموده باشد استعمال نمایند طلا را که سوزی لیمو و حاجب بر ویانند صندل البحر خاکستر قیوم  
 بنزیت کشته رسته در آن موضع دلك کنند و شراب صرف بپاشانند و ندیم بر تخمین بمشعل  
 بعمل آرند طلا را که سوزی را قوت دهد و از زخمین باز دارد صندل کند را زو از هر یک یکدرم صندل کدو  
 و ندیم قزوینا هر یک و درم لادن سه درم بروغن گل بگذارند و اصول شعر را بدان طلا کنند  
 طلا را که منع ضلع کند و ابتداء آنرا به سازد طلا را پرسیا و سان و ورق آس لحار و رخت صندل  
 کند را برابر وزن گرفته بریان نمایند تا گرم شود پس لادن مرا از هر یک جزو داخل کرده و شراب  
 کهنه و روغن تراب سحق کنند و بر سر طلا نمایند و وقت شب صندل غسل کنند و تدبیر نمایند پس صلح  
 مبتدی را از آنکه میبکند طلا را که منع نبات شود کند و رغانه و فلفل تادیت طویل صندل لیا  
 سفیده رصاص از هر یک یکدرم و شب یمانی نصف جزو در آب پیچ بر نیاسر که در پنج چوبانند  
 باشند سحق نمایند و بر موضع طلا کنند و علی الدوام بعمل آرند طلا را جهت کسی که از جافانده باشد  
 صندل هر یک سه درم خطمی بنفشه صندلین سفات گل سمرقندی اکلیل الملک یک  
 پیچدرم کوفته و بنجینه بسفیده پیچدرم بپاشند و طلا نمایند طلا را و دیگر هم در بنیاب و استخوان شکسته  
 را جگر کند صندل قنطاریه یکدرم انبون سه درم فلفل سفید آب صندل پوش در بندی خطمی  
 برگ نیلوفر هر یک سه درم شیان مانیاده درم صندلین هر یک و استار گل سرخ گل ارغوی  
 عسلک لبطم هر یک سه استار کوفته بنجینه آب کاسو بپاشند و در اول علت بگلاب و سرکه طلا  
 کنند و بعد آن آب کاسنی طلا را که گوشت افزون را بخور و بی آنکه بسوزاند صندل زرنج سرخ  
 خرفی سیاه هر یک پیچدرم تو بال مس ده درم همه را بروغن گل بسایند و طلا کنند طلا را که  
 دشتند و خنثی را ندیم کند صندل زرد پیچ و پیچدرم منع خانگی هر یک یک و قیو منفر ساق گاو  
 دو اوقیه روغن سوسن شش اوقیه همه را با هم بپاشند و طلا کنند طلا را و دیگر برای همین اغراض  
 صندل سبزه ساکله جاوشیر اشق هر یک نیم اوقیه متقل در وی روغن سوسن و دمی روغن کتان هر یک

یک و قیه نیز سرس یا پیرنخ دو اوقیه صمغ البشرب حل کنند و پیر را باروغن پاکد ازیند و دریم  
 بشیند و طلا کنند طلا را پوست پاک بر اطراف ناخن نیز و سودا در حصص مصطلک سه دریم نمک  
 دو دریم مصطلک را در روغن بیایند و نمک حل کرده طلا کنند طلا را بجهت آبله و دمی که کسی که  
 از سوزشکی بهم رسد حصص بگیرد حدس معطر و گل سنج چند آنکه خواهند و حدس را پنجه با گل سرخ  
 و سرکه خوب بسایند و طلا کنند و خرقه کتان را با آب سر و تر کرده پنج سر ساخته بران افکنند  
 و اگر سفیده مرغ بر روغن گل طلا کنند نیز نافع بود طلا را احراق غسل بلا در حصص اولی شکر  
 زنند و حجامت کنند پس از آن مرهم خل طلا را نمایند طلا را دیگر که افرایطین در کثرت سحر  
 و انبات شعر بر گاه در انبات تاخیر کند خصوص مر این طلا را حصص بیه که گرفته سر آن سوزان  
 کند و رطوبت آنرا بکند در آب بشویند تا صاف شود پس روغن چینی در بیه مذکور اندازند  
 و نصف بیه پر شود پس در روغن مذکور فریون دو دانگ فیون یک دانگ چند بیدستر  
 یک دانگ مغز حب القطن یک دانگ و نصف مشک لادن از هر یک دانگ صمغ عربی  
 دو دانگ انداخته همه را جوش دهند تا هم بخاموش شود پس سر نموده استمال نمایند می  
 سوی را طلا را که مضرت گزندگی جانوران زهرناک باز دارد حصص چند بیدستر یک دانگ  
 کرب سیرگین که بوتر مشک طراشج اجزا مساوی روغن زیت کنند بشیند و طلا نمایند  
 طلا را از مجربات صاحب الکمال انصاعا بر حصص کرب سیرق چهار دریم فریون محرق دریم  
 خربق اسود شیطرج هندی شقائق النعمان از هر یک دریم کوفته بجهت همراه سرکه طلا  
 نمایند طلا را دیگر از کتاب مذکور حصص مغز بادام تلخ سرس تخم ترب تخم جیر تخم کرب  
 حرف زراوند طویل خربق اسود شیطرج هندی خطبایا فریون اجزا برابر کوفته بجهت  
 و طرح عنفس آمیخته طلا نمایند طلا را قوی الاثر در انبات شعر حصص روغن بان اوقیه  
 زرایع مقطوع الزاس و الاچنه سه دریم سائیده در روغن بان اندازند و بردارند و از  
 و غیره شوسازند و بر موضع مالش نمایند و از بارچه صاف کنند و باز انداخته تا آبله بر آید



طالار برای تیر که در وقت بلوغ بر روی بهم رسد و در بندی مهاسه گویند برک  
 نیم پنج سوسن پوست سرس بهم سائیده طالار دافع دافع برص ص اختیارات  
 آب ز سیده مساوی با هم سائیده در جای که مکه برص طلا کنند چون پختگی اگر اید از جاسط  
 خراشیده و در ساز و باز طلا کنند همچنان خشک بجایه سطر عوا شد که درین و تبه آن جرم  
 و در شود و در تبه چهارم باز طلا نمایند مثل دافع ظاهر خواهد شد بعد از آن آنرا به تیل کجند چرب  
 میگرد باشد که در اندک فرصت بزرگ اصلی بازمی آید طالار جبت برص ص پوست  
 چیت پنج سرکنده مساوی بآب لیمو سائیده چون بر موضع برص مالند آبله بهر سائیده فخر  
 خواهد شد بعد از آن بالایش روغن نیم بالند که در اندک فرصت بزرگ اصلی بازمی آید  
 طالار برای کلفت ص اشنان در آب خربوزه سه روز پرورده و خشک کرده کوفته بکنز  
 پوست عدس پوست پنج قصب از سر یک ربع جز و همه را بار یک کوفته و آب شسته  
 بر روی طلا نمایند طالار که رنگ سیاه گرداند ص خبث الحید که مثل غبار سائیده بکنز  
 و با عدس سوخته سائیده آمیخته بر روی طلا کنند پس بجام روند و انگیم بر روی اندازند پس  
 مالش نمایند لون را سیاه کند مثل سیاهی که از گرمی آفتاب پیشو و بداند که مثل خبث  
 در این امر پنج چیز نیست طالار که سوی لویه و حاجب برویاند ص زبد البحر خاکستر فیصوم در  
 زیت کشته خمیر نموده بر موضع مالش نمایند و شراب صرغ بنوشند و ندید بکنند از چیزها که گرم کند  
 با اعتدال که روی را زرد کند ص زیره که مانی یک جز و در جوب ربع جز و کوفته بخمیر با زیره  
 جوی آمیخته بر روی ضما و کنند پس در آبی که در آن انجیر خفته باشد غسل نمایند رنگ رویند  
 مثل رنگ مضمی طالار جدید برای آثار ضربه و آثار سیاه ص لوز متقشر درم صدق محرق  
 حوت سفید از هر یک و درم مالش متقشر نصف درم نخود سفید و درم کر سنه درم ترس  
 درم زبد البحر درم استخوان نهایت بوسیده درم انزروت درم کوفته بهخته در بار الشعیر  
 شکسته خمیر کرده بآب روح طالار نمایند طالار که رنگ را صاف کند و آثار ضربه بر ص

شایع گوشت بجدی بسوزانند که سفید شود و کندر دقیق و ترس دقیق که سینه دقیق با قلاب اجزا  
 برابر اشق نوشاورد با دلمخ از هر یک سه جز و کمتر اصنع عربی از هر یک یک جز و طبعی که  
 حصاة نماید ص دو قوطر اسالیون هر یک چهار درم بر سیاه شان بختدرم استوارند  
 بختدرم خشک ده درم تخم قلع پانزده درم انجیر سفید بختدرم در چهار رطل آب نیم  
 تا بر طلی آید نیم رطل بعد از خروج حمام بپاشند طبعی که وجع کرده و عسر بول و در کس  
 ص حب کا کج تخم جنای بر یکد و درم زیره سفید اصل السوس تخم خنجره بر آب حلی  
 باد و قسط آب پنزد تا به نصف رسد و او قیة نبوشند طبعی برای درد کلیه از مجربات بود  
 است ص حلیه ناخواه تخم کندر تخم کفص تخم سداب مساوی در آب پنجه نبوشند طبعی  
 که وجع کلیه و مثانه را دفع باشد ص بادیان اینسون تخم خربوزه تخم خیار بن خارشک سیاه  
 تخم خبازی گل بنفشه تخم کشوث حب القلت بقدر مناسب گرفته در عرق خیار شنبلیله  
 طبعی که بلغم نمایند هر گاه سوم حصه بماند ثمرت بزوری یا شربت آلبا بختدرم شنبلیله  
 کرده بخورند طبعی که حیض براند ص اسارون یکد درم سداب نیمدرم راز پانه دو درم لوبیا  
 سرخ نیمدرم عسل ده درم بچوشاند و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند طبعی که همین کار  
 دارد و نافست مردان را که منی ایشان تمهیس شده باشد ص اینستین در سه ترکی  
 سداب راز پانه تخم کفص از هر یک دو درم انجیر خجود و گلغنده ده درم بچوشاند و صاف کنند  
 و سه روز متوالی بخورند و سه روز استراحت نمایند و باز همین عمل کنند تا ادر تمام شود  
 طبعی که حیض براند ص لوبیای سرخ اینسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم رطل  
 آب بچوشاند تا طلی آید صاف کرده قدری شکر اضافه نمایند هر صباح چهل درم نبوشند  
 طبعی که دیگر حیض براند ص لوبیای سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه  
 در پنج رطل آب بچوشاند تا به نیمه آید صاف کرده قدری شکر اضافه نموده هر صباح سه درم بخورند  
 طبعی که جهت آوردن حیض مجرب است و باعتبار سیل دارد ص حب انظرطم

گا و زبان تخم خنجره بادبان بسوی شکوب که دهیم این نزد قد رفتند از مجموع در یک نیم طل خست کرده  
 صبح چو شامند هرگاه غمطل نماید صاف کنند و بشک شیرین کرده بنوشند و در که اگر در جامه گسترند و  
 کنند حشرات بگریزند چوب نار و پوست بچ آن بچ سوسن پنج درم و هم کوزن اطلاق جانور  
 و قمل بکینج آنکه در برگ غار بر یک بقدر گرفته جمع در آب شخم حنظل نموده خشک کرده بکارند  
 طر و دیگر ص بودینه و در نمده در جامه گسترند حشرات از خانه بگریزند طر و دیگر ص شوئیر  
 گوگرد شاخ کوزن باز و همه را جمع کرده استعمال نمایند موجب طر و حشرات گردد طر و دیگر  
 ص سید سالک شاخ کوزن شوئیر بر یک یک و قید پوست خایه شتر مرغ اسفنداج بکینج  
 او قید بیاورند و بسوزند طر و دیگر ص برگ صنوبر بر پنج پوست بچ قلع بر یک یک  
 بودینه شستی و کوهی هر یک و درم موی بز سه درم و فیه چهار درم بایکدیگر بیاورند و باش  
 چوب زر و بسوزانند و آنچه بر زمین ریزد بایک گستر و بسکن را بطینج خشک و آب نوشا و  
 بیاشند و بر بخاسف بسوزند و بچنگشت در زخت خواب ریزند طر و از آن ص اطلاق  
 سفر شاخ کوزن گوگرد موی آدمی بکینج زفت مقل از و از هر یک قدر مناسب گرفته بکارند  
 حرف العین المهمله عطوس عبارت است از سوط که بر آوردن عطسه استعمال  
 شود عطوس شقی نافع از برای صداع بانی ص چند بید شتر فرفیون کوفته بنجیه آب  
 چند ریاب مر بنجوش سرشته در بینی کنند عطوس نافع از برای صداع که از اخلاط بازر  
 خانیله بنجیه و سودا و بیه رسد ص فلفل کندش چند بید شتر گرفته کوفته بنجیه در بینی دهند  
 تا عطسه آرد و باد صره کتان نازکی بسته دانه بپزند تا که عطسه آید عطوس که فالج و سبکی و  
 لقوه و جمیع امراض بارده و انخی را سود و بد و تقیه دماغ کند و اخراج مشیمه بحک عطا می  
 بشیر یک چون عطسه آید و بین و بینی بند کنند تا همگی قوت بیاورن ستر و شود ص کندش  
 شوئیر فرفیون و فلفل فلفل چند بید شتر شکسته او نه حبه لبان حاقر قرچا بوره ارمنی حله بر  
 کوفته بنجیه و قوی انداخته اند بینی دهند عطوس که جمیع علل بارده و انخی را سود و بد ص

شخم خنفل فلفل اسطوخودوس چند بیدستر هر یک سه درم کندش بهشت درم کوفته بهنج و ربی  
 و مند کعطوس که سده گوش را که از خلط غلیظ بلغمی باشد بکشاید پس از تقیه استعمال نمایند  
 ص کند صبر حبه السوداء جمله با آنها بار یک ساخته و ربی کندند که غلظه آید عرق سمبول  
 عم موم برای امراض سوداوی و تقویت معده و دل و منع صعود اجزیه ص اسطوخودوس  
 دوازده توله کشیز خشک سه پاو پوست بلبله زرد یک آثار گل سرخ پنج توله گاو زبان گیادانی  
 نیم پاو موینه منقی بلبله سیاه پاو آثار چهار شبار و زخیسانده هفت آثار عرق کشیز عرق  
 کیف و استقوال اینها بن عم موم قوت بدل و دماغ و دود و خمار سازد و بویاد و بویادی  
 فرکی این عرق نمیشد ص قدر سیاه کین جهانگیری پوست یک کیمیت سیراب صافی در  
 کثیر و باشد در خم کند تا که لاس برسد بهایه دوه عرق یک آتش بکشند بپخت و پنج سیرابی پنج  
 یک آتش هر قدر نرم خواهند کشید عرق دو آتش خوب و بهتر خواهد شد و چون یک آتش تیار شود  
 او دیر مذکوره سه شبار و زخیسانده روز چهارم عرق دو آتش شبت آثار بگیرند و اگر نرم خواهند  
 پانزده کشید و فلفل و توله صندل سفید بگلایه تیره ده توله غبر لادن توله و باقیه بپزند و آب  
 سه توله گاو زبان سه دام نیکوب کرده بنمایند و صندل دو توله شک یکم آتش غبر لادن توله  
 در پارچه بسته در سبوی که عرق در آن میگذارد باندازند و هرگاه دو آتش تیار شود و سوخته بگلایه  
 پنج سیربک گل که زردی و سبزی آن گرفته باشند بگیرند و در پارچه پاکیزه بسته و در دپاک یاد  
 مرتبان چینی کنند و عرق دو آتش گرم گرم بر آن ریزند و چون چند روز بر آن بگذرد و صحت  
 لم شود استعمال نمایند عرق چوب چینی که ضعیف را قوی گرداند و آثار آن را توانا سازد و قوت  
 باه چندان شود که حد ندارد و با لیمو لیمای مراقی را سفید بود و منقول از قریب ادین عم منصور  
 چوب چینی بهشت آثار اکبری و در چینی پانزده آثار الاچی خورد که باب چینی فلفل جوز بوالسبا  
 سجد کونی سانج هندی عود غرق بهمن سنگ بهمن سفید زرد و باد و زنبویه و بونجان نبل  
 شنه گاو زبان صندل سفید سوده در و پنج عترتی خفیه الشعاب سطلی پنج بفتنه و آتش

از هر یک و سیر نبات سفید سه من موثر منفی هشت آنرا غسل مصفی هشت سیر قند سیاه سیر  
 پوست کیکر کیمین گلاب یزوی سی شیشه غبار شهاب و دوله مشک پنج توله زعفران نیم سیر  
 بدستور عرق کشند خواه یک تشه با و آتشه و بعضی عوض پوست کیکر پوست کنار میکنند و  
 آن هم خوب میشود حکیم سبع الزمان این عرق را برای انواب اعتماد الدوله تیار کرده بود عجیب  
 غریب برآمده بود و نمیشد کرد که از حیطه تقریر و تحمیر بیرون است عرق منقول از قرا با این  
 عم مردم حکیم کاظم علی بن هاشم عرق اتهمال میکرد و در تجربه را فم نیز آمده است و در طعم بسیار  
 لذت و خوش نشاء و بی خوار و برای اقسام بالینو لبار فواید بسیار دارد و پوست دخت  
 معیان شسته و پاک کرده و ده آثار قند سیاه و کیمین شایه بانی آب چهار مشک در خم  
 انداخته در زمین دفن کنند که در ته آن سر لیم اسب قدری گذاشته باشد  
 چون لاهن برسد سی آثار عرق کشند یک تشه و بسا سه جز بود و اچینی تن شیرین بیل خور و  
 خس از هر یک یک توله براده صندل و دوله گل سرخ پنج توله قنصل نیم توله کیشا و زردین عرق  
 بنجیساند روز دیگر بیت آثار عرق و آتشه گرفته نصف آن اجزا را دیگر گرفته درین عرق  
 یک شیار و بنجیساند روز دیگر آتشه و و از ده آثار عرق بکشند و اگر سه ماشه عطر  
 یا کلاب در هر یک اندازند بهتر خواهد بود برآمد بعد از چند روز استعمال نمایند  
 حکیم جعفر اگر ایامی همین قندی را بعد که شمعن چهل روز از کشیدن در خفقان و ضعف  
 قلب بالینو ایامی و فقا است با همراه گلاب نبات میداد و این طریق بگیرند نبات چهار  
 و گلاب چهار توله در هم نمایند که نبات حل شود بعد از آن شراب را در کانه چینی کرده اثر  
 دهند تا که در گیر پس نبات محلول را داخل نمایند و فاشق نیز تند تا غایتش شود و بعد از  
 شدن بنوشند و بنفای صلیه پنج گشری غذا بخورند عرق از تالیف را فم مقوی ل و  
 و مانع ص گل گنگی یکید و گل سیوتی گل گاوزبان هر یک و دوله گل نیلوفر کشنده خشک یک  
 نیم با و شب در آب تر نمایند و ده آثار عرق بکشند برای محور المزاج کافور قیصوری



عرق با درنجویر هر یک دو نیم سیر گلاب قسم اول پنج سیر و اما اگر کوتهی نیم کوفته همه را با عرق یکجا کرده  
 شیب نگا دارند و صلاح آب سبب آب انار هم داخل کرده در دیگ انداخته غنیمت و مشک پنجه  
 بسته عرق کشند قدر خوراک از هر یک <sup>یا قاف</sup> چنانچه قوه خوری یا چهار فنجان و طبیب ابوسعید  
 و حالت مریض بعضی تصرفات چنانچه جهت تقویت معده آب به یک سیر جهت تسخیر تقویت آن  
 بهار را پنج شش مثقال و جهت جس کردن طبیعت گل بنیاید یا سبزه داخل کنند عرق اسود بار و اگر  
 اگر مزاجیان است و قوی تمام آورد و نشاط آورد و اصحاب مرق و مالینولیا و سوداوی محرق را  
 نافع است حص قند سیاه بیت چهار سن تبریز پوست میخندان سه سن تبریز در خم کرده آب  
 داخل نمایند آن مقدار که بماند خم خالی ماند چنانچه هم را در سر کین اسب دفن کنند و بگذارند که جوهر  
 حوزد و از جوش فرو نشیند و به سبب این از آن عرق کشند و آن عرق در ظرفی کرده صندل سوهان  
 بیت مثقال گل نیلوفر چهل مثقال گل گاوزبان یکصد و بیت مثقال تخم کاسنی نیم کوفته تخم خرفه  
 متقشر تخم حیارین کوفته از هر یک دو صد و چهل مثقال مغز تخم کدو نیم کوفته دو صد مثقال پوست  
 بلبله کابلی کتیبید و بهار از هر یک صد مثقال پوست بلبله آمله منقی از هر یک یکصد مثقال تخم کاه  
 یکصد و بیت مثقال گل سرخ چهار سن تبریز کشتی خشک بیت مثقال همه را در عرق مذکور  
 یکش بار و زنجبیل اندوز عرق کشند و در وقت عرق کشیدن دو مثقال غنیمت شیب همه برده آن  
 نیم بند عرق که از تالیف الطباء است نشاط آورد و مفرح و مقوی و محسن لون است  
 حص از روک یکین قند سیاه نیم سن گل دما و در سیر دا چینی نیم سیر کباب چینی نیم سیر زردک  
 پاک کرده استخوان آنرا در کرده نرم بگویند و باقی او و نیم کوفته با قندی آب در خم نمایند و باید که  
 خم کشته و متخل باشد و در زیر توده خاک بیت و یک روز و دفن کنند پس از آن برآورده بپالایند  
 و در شیشه نگا دارند هر چند کشته شود بهتر است شربت نیم پالایک پالای عرق جز تفریح و  
 نشاط آورد و مقوی باه است حص بگیرند جز رسیده استخوان آن را در کرده نه سن تبریز آن  
 آب بپوشانند تا مضمحل شود پس در هم بماند آنرا و شش سن تبریز قند سیاه داخل نموده و در

و نیم پوست درخت میلدان و یکصد مثقال پوست پلید کابل می برد و در خم کرده و در سر کین پی  
 و فن کند و بگذارد تا برسد پس در آن صندل سفید غنچه گل سرخ و ارچینی گل گاوزبان پوست  
 انسج از هر یک بیست پنج مثقال داخل کرده عرق کشد و مرتبه دوم در آن عرق سعد کوفی سیاه  
 هندی چوب چینی از هر یک سی و هفت مثقال زنجبیل کنار از هر یک نوزده مثقال انگلیز  
 عرق کشد و در این مرتبه دو مثقال نیم و عنبر اشهب و مشک خالص و زعفران از هر یک یک  
 مثقال برده آن پنج بند عرق جز رساده از تالیف را قمع ص جز رسیده و استخوان دو کوزه  
 و پوست خراشید یک انگشتار گاوزبان گیلانی هشت گرم گل گاوزبان پنج گرم بهمن سفید و تور  
 گلگون هر یک سه مثقال صندل سفید پنج مثقال بطریق متعارف عرق کشد و وقت صبح  
 بقدر مناسب گلاب بید مشک قدری نبات تخم فرفرشک اضاف نموده بنوشند و نیز اگر اگر بگویند  
 و آب صافی آن گرفته با گلاب و بید مشک و تخم فرفرشک و شربت انار بنوشند در قهوج و تقویت  
 دل و باه بغایت نافع است عرق پان جهت در و معده دفع درد شکم و قهوج پانجه و غیره و  
 که از باد باشد مجرب است منقول از بیاض عم مرحوم ص گل سرخ گاوزبان پودینه برگ فنبول  
 از هر یک پانزده تا نوزده سقر و ارچینی قنصل خولجان زنجبیل الایچی خورد از هر یک نیم پانزده گلاب  
 چهار شیشه بید مشک و شیشه آب باران دو شیشه شب اودی و راتر کرده هیچ عرق هفت شبت  
 آثار باشد که عرق پان از تالیف را قمع جهت اعانت هضم و سرخی رنگ خساره و تقویت  
 ص پان یکصد و بیست و دم و ارچینی قسم اول سی و دم بهمن سفید بیست و دم و دانه سیل جز پان  
 تور ری گلگون هر یک دو زده و دم آب باران بیست آثار و آثار عرق کشد عرق  
 جهت تقویت معده و ریاح و زحیم مجرب است ص و ارچینی چهار دانه قنصل تا نوزده انیسون  
 بادیان از هر یک دو و دم گل بابونه تخم کرفس از هر یک یک دانه مشک پانزده زعفران شش  
 چهار آثار آب اودی و راتر نمایند و صبح و آثار عرق کشد عرق انیسون متوی جگانه معده  
 نافع صقر و اشتها و طعام آور و ص زرشک منقی سه من تبریز کیش با زنده آب بنجیان



و مقدار وقت ده شقال قرضل کو سپیده داخل نمایند و قدری سرکه انگوری که زیاده بر لب  
 زرشک نباشد داخل کنند و بدست و عرق کنند و اگر قدری خاک نخود داخل نمایند لذتبخش  
 شد عرق گوگرد که اهل صناعت مار العرس نامند مقوی معده و برای جرب مفید و در غایت  
 حرارت و بی هویت و سرفراغ اعضا و تشدید النفوذ و تنقیح و لطیف و جالی و جهت مبر و بین مرطوب  
 نافع و در تحلیل و لطیف فلزات قوی الاثر است ص قندیل شیشه دامن فراخ باین صورت  
 که چرخاندان محاذی لب و باشند معکوس نصب نمایند و در زیر چراغ دان طریقی بگذرانند  
 قطره از زیاده از قطر دهن قندیل باشد تا عرق که از لب قندیل که در آن طرف رود و آن طرف باید که چینی  
 و قندیل باید اندک محرف بیاورند تا از یک طرف آن عرق بچکد و چرخاندان بجای نیاید که در فارسی گوگرد شفاف  
 کرده بر فروزند تا دو گوگرد قندیل بچسبند و عرق گردد و باید که شعله بیرون قندیل نرسد و پوسته  
 گوگرد در چراغ دان کنند که منطفی نگردد و از محافظت تمام باید نمود که از خارج هوا  
 داخل قندیل نشود و قندیل را اصلاح حرکت نباید داد و پائین پایه چرخاندان  
 و طرف تحت او چیزی باید گذاشت که پایه او بعرق جمع گشته ملاقات نماید مثل سنگ  
 صلب و غیره و هرگاه قندیل شیشه بهم نرسد کانه چینی را نیز تعبیه میتوان نمود و اگر قندیل  
 ضخامت نداشته باشد و تاب شعله نیارد بیرون او را بجل حکمت باید گرفت و چون عرق  
 مجتمع مخلوط بدو گردد و هرگاه که خواهد رفیع سیاهی او شود عرق مذکور را در قلع کوچکی سوافق مقدار  
 عرق که نبات و ریح او را مخلوط سازد باید کرد و انبیه را مستحکم نمود و آتش خاکستر و آب پائین  
 تقطیر نمایند و این از تصرفات صاحب تحفه است عرق گل سبیل مقوی و سبیل شش  
 ص گل سبیل در سایه خشک کرده برابر آن گاسخ و هفتاد گل سبیل و نیمه آن گل  
 سبیل با هم مخلوط نموده مثل گلاب بچکاند عرق که مقوی باه است و اشتها آورده  
 نیم توله عنبر شب عفران و اچینی فلفل دراز قانله کبار در روغ عفرنی از هر یک یک توله  
 سبیل لطیف قرضل از هر یک چهار توله بنشین مریخی خوبنجان هر یک شش توله گاو زبان

گیلانی شفاقل بادرنجیویه خار خشک خضیره الثعلب هر یک دوازده توله ویزه شقی یک سیر  
 زردک منقی چهار سیر با همین قدر سیب گوشت گوسفند فربه ده سیر همه بنیکوب کرده در آب  
 خیسانیده بعد از ساعتی بچکاند عرق جز رقیوی باه است و نشاط آورده و شکم سبک  
 پانزده استار گداز پاک کرده سی استار چوشانیده در خمی که در گل گرفته باشد کنند و تا بهفت روز  
 بگذرانند پس صندل سفید و اچینی گل سرخ گاو زبان سافج هندی کباب چینی پوست اترج یک  
 تبول سعد کوفی از هر یک ده توله پوست بلبله کابلی یک استار نیم کوفته و اخل کنند و یکروز  
 بگذرانند و روز دیگر عرق کنند پس سعد کوفی و اچینی صندل سفید سافج هندی چوب چینی  
 بهمن سرخ و سفید شفاقل از هر یک پانزده توله زنجبیل گداز از هر یک بهفت توله نیم کوفته و در استار  
 شیر تازه و عرق اول یکروز شب خیسانند و روز دیگر عرق کنند و دو وقت عرق کشیدن  
 عنبه زعفران از شش توله مشک خالص سه ماشه در میان نیمه بنید عرق کشیدن  
 ضعف باه را نهایت مفید باشد و تقویت حواس کند و قرح قلب و تحسین لون نماید  
 را قوت دهد و طعام را بهضم کند و بجهت تسکینک خاطر فائده مند است حص و اچینی گل سرخ  
 از هر یک ده و اوقیه صندل الطیب سافج هندی قرنفل هیل بواز ازینا و بادرنجیویه گل گاو زبان  
 ابریشم مقروض از هر یک اوقیه بهمن سرخ و سفید صندل سفید و چوب چینی شده از هر یک نیم اوقیه  
 سه درم مصطک و دو درم مشک خالص نیم درم شرب که بهرم چوب چینی اعلی عرق یکصد  
 پنجاه شفاقل سیب شیرین رسیده پنجاه عدد و گلاب دو زطل نبات سفید و اوقیه چوب چینی  
 بدین شبه بخاری چون نخود ریزه ریزه کرده و سیب را پاره پاره کنند و او به را از این کوفته  
 نیم کوفته مجموع را یکشب در گلاب خیسانند پس از نیمه عرق کشند و عرقان استار گداز  
 و عنبه شرب را در پارچه کنافی بسته در جای که عرق یکپایه میشود بپزند و با شش ملاصع عرق  
 کنند و سه روز آن آب را جدا نگا دارند و هر روز بعد از بهضم سه چهار پیاله موی خوری با صفا  
 بنوشند عرق چوب چینی نیمه یکیم و نیمه شیرازی حص چوب چینی اعلی سه درم خالص

ریزه ریزه کوبیده پنجه من آب صاف طنج نمایند تا سه من آب بماند بکین ریزه سنبلی الطیب رو بناد  
 و ج ترکی عود هندی گاو زبان گیلانی فرخ مشک قاقه لسان العصاره شسته ساف هندی  
 خا خشک از هر یک پنج مثقال باد بیان ناخواه دار چینی قرفل جوز بوالبسایه نیم گدازه  
 سرخ هبمن سفید شقایق از هر یک ده مثقال مصطکی دو درم مشک خالص نیم مثقال  
 عنبر اشوب یک مثقال نبات سفید سیویستی از هر یک صد مثقال آنچه اخرا کوفتی است  
 نیم کوفته مجموع را یک شب در میان مطبخ چوب چینی نجیساند پس بدستور گلاب عرق  
 کشند و زعفران مصطکی و عنبر و مشک را در پارچه بسیار نازکی بسته در میان ظرفی که عرق  
 در آن می چکد بپزند و ازین عرق بهر صلاح دو پیاله نیگرم بنوشند و سه چهار قدم راه روند  
 تا که حرارت غریبی برافروخته شود و بپایدالت که بیگام نشدن این عرق تا از تندی  
 پریز نمایند چون اندفع بین سید عرق بهجت قوت باه و تقویت دل و و باغ و  
 تخمیر قیاس مجرب است حص کشمش تازه با نوده آثار قند سیاه کمین آب زردک چهار من  
 آنکه نیم سیر در ختم اندازند هرگاه کمین برسد یک آتش بکشند و نیم آثار دار چینی یک شازور  
 تر کرده شیر گاو و نیم آثار فانیزد و آثار انداخته بپست و دو آثار دو آتش بکشند بعد از آن دار چینی  
 نیم آثار نبات سه پا و انداخته سه شبار و زنگا بدارند بعد از سه روز صاف کرده و در شیشه  
 بعد و مہفتہ خورده باشند این نسخه معمول عم مرقوم بود در تجربه راقم نیز آمده حکم انگوری و ارد  
 در کثرت نفخ عسرق مقوی باه و معده برادر ثواب مجد الدوله بهادر بسیار نفع کرده بود  
 حص جمال یک کپور پنج آثار قند سیاه کمین گلاب یک شیشه تخم خربوزه با درنجوبه گاو زبان  
 گل گاو زبان از هر یک پنج کپور که تخم شلغم و ج ترکی بسینج فستقی جد و اخطائی از هر یک سه توله  
 اذنه کی هبمن سرخ و سفید شقایق مصری شیطرح هندی زرب ساف هندی زرب نادر و  
 عطر فیانیسیون از هر یک چهار توله قلب مصری دار چینی ابریشم خام خولجان دانه سبیل قاقه کباب  
 گل سرخ از هر یک پنج توله عنبر اشوب و توله بطرق متعارف عرق کشند عسرق و

که بخوبی آن عرق هست شهوت را زیاده کند و طعام هضم نماید و خمار می آرد و خوش گین  
و متقوی قلب است ص قند سیاه بکین جهانگیری پوست کیکر بهشت سیر جهانگیری خوش  
کنند چون برسد بهانه داده عرق کشد یک آتش بهشت سیر تاسی سیر و برین ادویه بنکوفیه  
سبب باز در بنجیسانند و نقل سه ماشه عنبر لادن موته عود و سندی صندل سفید بر واحد یک  
مشک یک آتش گاوزبان گیلانی پاد آمار و اچنی سه دایم مشک اور پارچه بسته در کوزه  
کشند و عرق دو آتش بکشند و اگر خواهند تند بهشت سیر و اگر ملائم خواهند پانزده سیه بکشند  
و سه پا و نبات انداخته نگاهدارند که حدت دور شود و عرق دو آتش که هرگز خرابی و دفع  
بسیار بخشد ص قند سیاه و دمن شا بهانی پوست کیکر شش سیر و اچنی یک اسم بل الطیب  
پنج دایم شش دایم صندل سفید دایم فاقه کبار دوازده و دم پنج بنفشه و لایق شش  
عنبر لادن هر یک یک دایم موته بهشت دایم سندی یک سیر قند سیاه بخته بهانه لادن سه چهار  
اگر بی آب خالص بقدر حاجت اول یک آتش بکشند و اگر از آن ادویه تر کرده دو آتش  
عرق کمی تا میثر خاص این عرق از احصای بیرون است و تقویت باور و صفا کشت  
نظیر ندارد و هر صد ساله را تقویت جوانی باز آرد ص قند سیاه دمن قند سیاه دمن سبب  
سیلان سیم من بلایا بلایا آله سبب الطیب آتش از هر یک پا و سیر و پنج بنفشه و لایق  
ناگه سر خولجان زرب فوه بنگه لایق خور و کلان و لکمانه بختد و سیر و لادن و سیم  
گل دباوه حسن نگار هر یک نیم سیر اندر جو کچر موته صندل سبب صندل سفید و صلی سیاه  
سولی سفید تخم او سنگن افیون خالص سبب یک سیر لادن سبب لادن و سیر و لادن و سیم  
ساور و سیر اشت برگ و سیر پاد یان پا و سیر و سیم و سیر و سیر و سیر و سیر و سیر  
و شش دمن اندازند نصف تخم شیر کافور نصف تخم آب بران و سیر و سیر و سیر و سیر  
سیاه بهانه و نه و چون لاسن برسد عرق یک آتش ملائم بکشند و سیم و سیر و سیر و سیر  
ادویه که نوشته خواهد شد جو کوب نموده سه روز در آن یک آتش بنجید و سیر و سیر و سیر

مضبوط بند نمائید کم شود و او نیز این است تخم آونگن پنج بنادر و خضبه الثلب و عوسبه  
لادن و قنصل و اچینی تخم گز تخم شلم تخم بایز بلای کند تخم کونج بهرن سرخ و سفید و دوری سرخ  
و زرد و شقایق مصری کشنیز خشک پنج بنفشه بدن مست آشنه سنبل الطیب ناکیسر پنج بنفشه  
سویچس تا ملکه مانع است بر روی پوست پنج سنبل صحبت انگیر مندر سو که پنج اونث کشاره  
گاوزبان بادرنجبویه کبابه و رنخ خنبری لمیون و رنخ خشک از هر یک دو توله الاچی خور و آب سبزه  
چون بوان پنج لبلاب زرنبا و سوسلی سیاه و سفید صندل سفید بوبلی از هر یک چهار توله اگر  
پا و سیر و چوب چینی پا و سیر پوست پنج نیم پا و تخم کاسنی و گل و ماه و نیم پا و قسط شیرین شش توله  
پوزیدان دو توله بعد سه روز نبات سه سیر و شانزده سیر شیر گاو داخل کرده عرق دو آتشیک  
و پولی زعفران پنج توله خشک سه توله عنبر اشب یک توله و رسبو اندازند و ده روز بگذارند تا فو  
گیر و بعد بر داشت طبیعت بعد تحلیل طعام بکار برند عرق سبی و مقوی که نهایت خوب  
است ص گل گوریل نیم پا و لب سبزه قنصل ثعلب مصری و اچینی از هر یک یک گرم کشنیز  
نهایت نیم پا و آب باران دو تاله و اهراب کوب نموده در شیشه کرده سه چهار روز و آفتاب  
نگاه دارند که خوب جوش خورد پس بکار برند این چند نسخه از بیاض هم حرم منقول شده و  
کافور به تب های حاره و دوق سودمند است و از خمرات متاخرون ص کشنیز خشک  
گل گاوزبان صندل سفید و رنخ تخم کاسنی تخم خیارین تخم کاهو و رنخ تخم کدو و مغز تخم بون  
نمونه قنصل طبا شیر سفید بنفشه هر یک ده ماشه گل نیلوفر غنچه گل شاهنشه و بید خشک تازه با قند تازه  
هر یک یک توله کافور و قند و سیر نیم کوفته شش ماشه برگ کاهو کشته بید که عبادت این چاه و  
بید بری است که از ساق شاهنامی او شش خوشه سیر و یک کدو و شش تازه کاسنی تازه و  
تازه سیر شیرین اهر و هر یک نیم تاله با کباب و عرق بید و عرق کاسنی عرق بید خشک  
هر یک دو تاله آب مقدار خمر و علی الزم عرق کشنیز عرق شیرین و عرق سبی و عرق  
سردادی سفید و در طبیب با عیار شایسته شش بنفشه از هر یک یک تاله عرق بید

دو آثار عرق شامه و یک آثار نبات سفید نیم پاو بطریق متعارف عرق کشند عرق شیر مرکب  
 معمول اکمل المحدثین اشرف المحققین الدیاجه مرحوم جهت حمی و ق و سوداوی نافع بود  
 و مطلقاً تشنه حرارت و مرطوب است ص کدوی سبز بزرگ کاسنی بزرگ کاهواز هر یک یک  
 کسیر و گل بیدگل نیلوفر از هر یک نیم پاو گل سرخ و دوله کشید خشک چار نوا سندان سفید و سرخ  
 و دوله تخم کاسنی بکتوانه غلبه کاهوزبان تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهوز هر یک و دوله گل  
 کاهوزبان زهره سرخ و خطائی طباشیر سفید هر یک بکتوانه کدو سه دوله گل کنول پنج دوله گلاب و آثار  
 بید خشک یک آثار عرق بید ساد و چهار آثار عرق شامه و یک آثار عرق غلبه کاهوزبان  
 شیر زده آثار آب باران بقدر حاجت بطریق متعارف عرق کشند و اگر آب و فواید غنچه شال کاهوز  
 اضافه نمایند و در ظرفی که عرق هیچ یک برین نمایند و در وقت عرق خیار کافوری نامیده خواهد شد عرق  
 کافور از حکیم عبدالهادی نافع از برای سوز المزاج و حریم و ق محرقه حاده ص گل نیلوفر کافور  
 شیر بزرگ کاهوز کشت بید کاسنی تازه و پخته از هر یک نیم من صندان سفید سی متقال کدو  
 با قلا تاره از هر یک یک و قیه گل سرخ و دو من تخم خنده متشیر هر یک نیم من طباشیر سفید کثیر  
 از هر یک ده متقال عرق بید خشک عرق نیلوفر عرق بید از هر یک من گلاب و دو من سدر  
 سقر عرق کشند و در وقت عرق کشیدن بیت متقال کافور قیه صوری اول سود و در نه طاسی  
 که عرق در آن میجکد باشد عرق بر آن بیکد عرق و کتایت راقص ص گل نیلوفر نیم پاو گل  
 کاهوزبان گل سرخ مغز تخم کدو تخم کاهواز هر یک و دوله گل بید نیم پاو تخم کاسنی نوا سندان  
 تخم خیارین و دوله طباشیر سفید و کسیر و نیم پاو بزرگ کاهوز سبز چهار دام کدوی سبز چهار دام گل کنول  
 و دوله کشید خشک و دوله خیار کدو و آثار شیرین و عدد و سیب شیرین و عدد و سیب شیرین و عدد و سیب شیرین و عدد  
 و عرق بید و عرق غلبه کاهوزبان عرق نیلوفر از هر یک چهار آثار بید خشک آثار آب باران  
 بقدر حاجت شب بخیماند و صبحی بطریق متعارف عرق کشند عرق تیزاب بنفشه رابره و فواید  
 زاید بخورد و پوست از موضع علت دور کند و پوست تازه برنگ بدن می رویاند ص

دوازده خروازج زرد و بیست و چهار جز و شوره چهل و چهار جز و تقطیر کنند و موضع برص را بگیرند و  
 خشک بماند پس نیز آب طلا کنند عرق محرب حکیم علی برص را سوخته حراحت کرده با صلاح  
 نمی آرد و ص سحر قویا شوره زنج سیاه تقطیر کنند که نیز آب حار و جویگر و یا بر موضع برص بر  
 عرق به جهت مبرص محرب است اگر سه چهار ماه استعمال شود و یا بعد از آن شفا تمام حاصل  
 ص زرد چوبه عالم پوست درخت نیم قند سیاه هر واحد یکین همه را در خم اندازند و در سرگین اسپ  
 دفن کنند بعد و بپخته بر آورده عرق کنند و نیم پا و صبح و نیم پا و شام بخورند و از ترشی و لبنیات پاک  
 پیزین کنند و غذا کم نمک خوردند و عصاره آله سمول عم مردم و این خاکسار به مقدار از جبهه تقطیر  
 بهر و ابتدا در نول و سوزش و دفن آب در ششم بسیار نافع یافته و در ابتدا در استعمال نباید  
 در او اندر در سفیدی افتد ص بگیرند آله ماز و در نول سنگی یا چوبی بگویند و در پاچه کاک  
 بپختارند و در ظرفی با آتش نرم که شل شعله شمع باشد بگذارند و بدسته نیم حرکت بدینند تا بقوام  
 غلیظ آید بعد از آن در ظرف چینی یا جسد نگاه دارند و عند الحاجة قدری از آن استعمال نمایند  
 عقد سیاه بدستور اطلالیا مجربین بهند است از برای اسنان منی ص بگیرند لبکبیر او بگویند  
 و از آن بوی سازند و به مقدار سه درم و نیم سیاه و روی اندازند و بوی مذکور را در بوی تری  
 نهند و در بوی تری آتش بر آید و بالای آن شیره و هانوره سیاه که آنرا بصری لبن جوز نال  
 اسود گویند بچکانند آن زمان که بپخته شود چون بپزد که در گاه دارند و در وقت بجا آمدن در  
 اندازند و مادام که در روغن باشد بگویند آنرا نشود و عقد سیاه بطور دیگر بقول از مجربین  
 ص چون غلیوای بپخته اند بگیرند و سه نیم درم سیاه در آن اندازند و سوراخ بهوم سفید شود  
 مگر کند و آن برهقه را در سفید بپزد که بگذارند و در شمای غلیوای گوشت نهند تا غلیوای غلیظ  
 نشسته ماند و چون غلیوای بچکان بپزد و در روغن که در آن سیاه انداخته بماند میان  
 آن سیاه بگشاده باشد بگویند که اگر بنگهد و در روغن بماند مادام که در روغن باشد آنرا نشانی  
 محرب است عقد سیاه بطوری که صاحب شفائی ذکر کرده ص زرنج پنج مثقال در

سرکه بپخته آبگینه یا آهین نیک صلایه کنند تا کشته شود و سه شغال نمک بپزدی سوده و نخل  
 نمایند و مغز آهین را بر از سرکه سازند و این را در آن مغز زرد و بر سر آتش نهند و تا آب  
 روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخور آن بدینند و بپخته آبگینه یا آهین به هم میزند تا غلظت  
 شود بعد از آن آنرا از پارچه پاک بیالایند و آنچه در کرایس با نایب مانند و پندار باب است  
 که تمام پاک شود و چرک از آن ببرد پس آنرا گلوله سازند میان آن سه ریخ اندک و سیاهان  
 بگذارند و در آب لیمو اندازند و یک شنب بگذارند تا غلظت شود و مانند جری و بعد از آن آنرا در  
 تا توره بچوشانند و وقت حاجت در روغن نگا بدارند چون خواهند که اشغال نشود و از روغن  
 آرنج عجم یا نعیم و بافتح اسم عربی خاکینه است ص که شنج را بلی بهیست زیاده و باه و قوت  
 ترتیب آده ص مغز سرکه شنگ مغز سرکه بوتر پنجاه زرده تخم کبوتر یک بیت عدد زرده تخم کبوتر  
 ده عدد آب گوشت بره جوان که گوشت کویده پنجه فشرده باشد پیاده آب گوشت بره جوان  
 گذرنج اوقیه نمک و نوا بل حاره بقدر روغن گوشت پنجاه و دم جودان تا کشته باشد و بخورند  
 بسیار آسند بر آن شراب ریجانی قوی حاوی بل بشیرنج و بعضی فسیله با نوش آب گوشت  
 آب گوشت خروس خصی جوان و عوض روغن گوشت پنجاه و دم کبوتر که در اندک است  
 عجمه متوگلی که در آن آب بسیار سفید است ص پیاز ریزه و کوبیده روغن کاه و آب گوشت  
 مرغ شود و تخم مرغ و تخم کبوتر از هر یک بیت عدد و نخل کوبیده نیم بیت نماید و بر آن  
 خولجان کویده و بقدر یک انگ نمک متفقور باشد و بخورند و کینه ص زرده تخم کبوتر  
 زرده تخم کبوتر و زرده تخم کبوتر از هر یک بیت عدد و روغن جوی مجبور را مخلوط کرده و بار روغن  
 نیم بیت کوبیده نبات سفید بیت و دم و اضنی سه و دم سوده بر آن باشد و بخورند و اگر نایب  
 باشد بعضی نبات غسل و اصل کنند با آب نعیم یا نعیم یا نعیم یا نعیم یا نعیم یا نعیم یا نعیم  
 خص و نه شنب چهار باشد و عود و شنب باشد و صندل سفید سه و دم مشک دو باشد و شنب  
 بگلایب گرم بگذارند و دیگر ادویه را ساینده در آن بپایند و بخورند و شنب تا آب که تنوی قلم



داغ است ص غنبر اشید و درم مشک یکدرم بگللاب و آب سیب سحق نموده بکار بند  
 خالیه بیکدر در افعال قوی است از سابق غنبر اشید غنبر غنیزخ بنفشه هر یک نیمدرم مشک حبه  
 غنبر اکسیر هر یک یکدرم بر باد کوه بپنجه باشد بطریق متعارف بعمل آرند غرغره باید دانست که  
 استعمال غرغره مشهور و بپنجه شمر اطلاق است یکی آنکه بر لیس قابل امراض به بند باشد دوم آنکه خلط  
 از جنس خلط انداع نبود سوم آنکه بر لیس را اثر از چیزی ردی که نزول بطرف ریه میکند ممکن  
 باشد مثلاً هرگاه که امراض حساس کنند که چیزی بطرف ریه می آید آنرا دفع بیزرق کند و هرگاه که  
 طفل باشد یا ضعیف که او را قوت بر دفع نبود پس استعمال غرغره باور و اینست چهارم آنکه آن  
 غرغره را کیفیت عاده نداده باشد که ضرر بر ریه رساند یا آنکه حال راس اشد اهتمام از ریه باشد مثلاً  
 ماوه که در سر است از آن خوف ببالک بود پس بسبب ردت و حدت آن غرغره مستعمل  
 در فالج و لقوه و نقل زبان که از رطوبت باشد منقول از بیاض عمم و حوم ص خردل زرد  
 و انفلز تخمیل شونیز سانج سوینج عود هندی از هر یک سه ماشه و ج ترکی عاقر قرحا صخر گلانی  
 اسطوخودوس عود صلیب و امش شمش باشد و نقل ده عدد و جو کوب نموده چهار پر خسیانید  
 در یک نیم سیراب بچوشانید هرگاه نیم سیر بماند صاف نموده غسل سفید و نوله نوشاد و بپوره آرد  
 تمکاب هندی در آن حل کرده غرغره نمایند غرغره جهت تقویت باغ منقول از بیاض عمم و حوم ص  
 سوینج و عاقر قرحا و نقل و انفلز عود حام عود صلیب ربناد سانج هندی تخمیل بگللاب  
 باضافه اندکی سرکه غرض خل غرغره نماید غرغره فالج و لقوه و صرع را نافع بود و سرد و مانع را از اخلاط  
 غلیظه پاک کند ص اینج فیهرا و ج خردل تخمیل عاقر قرحا سوینج فودنه صخر اصل السوس بود  
 پنج که کوفته بخیته بصل آمیخته غرغره نمایند غرغره برای استرخا و لهات و رطوبت و سوزش  
 عده شش گان را کلین الملک عذبه و رقی حنا پوست بلبله زرد و آب جوشانیده صاف  
 نموده رسیده بچوشانید غرغره نماید غرغره مستعمل در حواس عاده و ششی وقتی که باور ندارد  
 ص کشنیز خشک پوست خشاش یا بونه عنب الغلاب گمانا گل سرخ عروق سوس حنینه

صاف نموده مغز فلوس مالیده صاف نموده خفص کلی پاشیم غرغره نمایند و همچنین اگر  
 در ابتدای مغز فلوس را در آب کشتیز بنزد و در انتها در شیر گاوی جو شانیده سرش از وجه باند  
 باشند حل نموده غرغره نمایند بسیار نافع می آید غرغره برای ورم که بصلابت رسد صلابت  
 بستانی حلیه در آبی که فلوس خیاز شنبیر را جو شانیده باشد بچو شانند و صاف نموده اندک  
 خمیر حید اضافه نموده غرغره نمایند غرغره برای ورم حلق وقتی که کمالی بصلابت باشد صر  
 بزنگان حلیه از هر یک پنج درم انجیر زرشک عناب پستان منقی وانه بیرون کرده از  
 هر یک بیست درم پودینه مرزنجوش سقر از هر یک دو درم در و رطل آب بچو شانند وقتی که  
 یک رطل بماند مغز فلوس ده درم مالیده صاف نموده و سه درم رب انار شیرین داخل نموده  
 غرغره نمایند غرغره منقر درم و موی حلق و قشک جمع شود و رنگ او از سبزی به سفیدت زرد  
 لبیب استحال خون طرف ده و لبیب تقیه سترخی شود صلابت از رقیطه زرق الطاف  
 در شیر تازه بگذارد یا در امان حاره و غرغره نمایند غرغره و یک مثقال از آب گرم مالیده خیاز  
 شده فیج افتد ص شیر انجیر و شیر از هر یک درم خمیر عین غشقال در آب گرم مالیده خیاز  
 در شیر تازه حل کرده اضافه نموده غرغره نمایند غرغره که در ششی خنثا مستعمل است و قشک  
 ورم صلب باشد این غرغره تلخ و نفیج نموده القیاری نماید صلابت از آب گرم مالیده خیاز  
 اصل السوس موصوع پنج خطمی تخم مرد و موصوع عناب شعلاب کل بنفشه یک کرک  
 خبازی اکلیل الملک موصوع شیر تازه جو شانیده صاف نموده فلوس خیاز شنبیر  
 تازه صاف نموده کانیچین اضافه کرده زعفران لاشاسته انداخته غرغره نمایند غرغره منقر ورم  
 حلق ص شیر تازه شیر انجیر حلیه آب تقیه عناب خمیر عین حید و یک غرغره نمایند از  
 آن چهار اشود و اثر دردت مفید یا خمر کلب اضافه نمایند غرغره که بعد القیاری ورم تقیه ص  
 جده پودینه غشبال تقیه چو شانیده اف نموده سرکه و گلاب اضافه نموده غرغره نمایند غرغره  
 از آب گرم نموده و در تقیه مسکند خمر بکاه غسل با آب آمیزد یا خمر غرغره که در



پس در سایه خشک کنند و گویند بار و عنق مغزیه الحظار و مثل آن فانی چون کرده بر روز صبح بقد  
 گوگانی از آن بخورند و شام بقدر فندق و بیاض باشند بر آن قدحی شراب که عبارت از سه اوقیه  
 باشد پس تقویت میکند باده را و فربه میسازد بدن را بخورند و آبی که در امر باده بسیار مفید است  
 حص نخود سیاه را در آب خشک خیسانده و از عصاره و فساد محافظت کنند و همچنین بر مرتبه که خشک  
 شود و با چند مرتبه پس او را خشک کرده آرد کنند و از آن آرد با شیر تازه ووشیده و فانی و صواب  
 بخورند و خدایه دوائی که از اعظم مرکبات با منیه است و فنی آن اصبحت پوست ص ص بگیرند  
 نوم و خود و سیرکی را علیهم بگویند و با شیر و روغن متور بخورند تا محبوب آنها زائل شود پس  
 داخل کنند آنها را در سه مثل آنها غسل صاف کرده و یک مثل آنها آب پیاز و زنجبیل صاف  
 کرده بقوام آورده بکار برند و خدایه دوائی دیگر در تقویت باده بسیار مفید است ص ص ص ص  
 را قیسه کرده و پنج سیسیر گاو بخورند تا نصف رسد پس بگیرند که باده سیاه و درین شیر تر کنند و آن  
 که بکشد تر شود و در سایه خشک کنند و هر روز شش درم ازین بکشد باده دم نبات سفید تا  
 بخورند شسته بفرایند و منی زیاد کند غمزه باضم مکی است که جلا میدهد و جبر را سفید و با  
 کند آنرا غمزه که سفید و صاف میکند و راص جز قشره چای خرد و نم خیزد آرد با قلا آرد و خود بخورند  
 گندم هر یک و جز ترس بگیرند و کوفته و بخیته شب طلا نمایند و صبح بشویند غمزه دیگر ص ص ردا  
 آرد و خود از هر یک بگیرد و حدس مقشره کثیر انشا الله از هر یک نصف جز بپوره ارسنی و جز  
 زعفران قدری که رنگ کند شب طلا نمایند و صبح بآبی که در آن قشور بطیخ و بنفشه و مانند آن  
 چوشانیده بخیته باشند بشویند غسل در لغت برای یا برشی آبی است که غسل کرده شود و آن  
 در رطب سیاه اوویه است که غسل کرده شود بآن ابدان مرضی را غسل آرد و بپوشد  
 بر بکار آید ص آرد و ترس آرد با قلا کثیرا گل خوردنی قهوه ایانام بصارد چند رشته آرد تا  
 بر نهند پس بشویند غسل دیگر جهت حراص آرد و خود صدم درم آرد و طبعه بپوشد نان  
 سخاله آگینه سق خردل هر یک پانزده درم خطمی ده درم کوفته بخیته بکوری و کوری و قدری

آب شسته بر سر بالند بشویند و در هر هفته یک مرتبه استعمال نمایند و اودان خلق و قهر بین دراز  
 گل با قدری سرکه انگوری نمایند غسل جید ص با قلا مقشر که سینه ترس تخم زرب تخم خرپوزه  
 مقشر و نشاسته پسته و غسول نمایند غسل ناف برای فالج و فحی که شسته شود بآن بدن  
 ص ملح نظلی بوق امر لطرون فلفل چند پسته مساوی کوفته بخیته در روغن زیت یا زیتون  
 حل کرده بر بدن مسح کنند در حمام بعد غسل غسل که جهت منع بخار و ابتداء در حار و برای  
 حکم و دمه عاجز است ص پوست بلیله زرد پوست بلبله آمله مساوی بنمک کوفته شب  
 تر کرده در بهوای گذاشته علی الصباح این آب را در کف گرفته چند دفعه بروی و چشم بزنند  
 باز بهین آب چشم بشویند حرف الفار فرجه که قرصه گوش را سفید است منقول از  
 بیاض عم مرحوم ص زهره گاود و جز غسل بکینز هم آینه زده که شسته فقیله ساخته بدان  
 آلاینه صبح و شام در گوش گذارند و نیز اگر لته بوسل تنها آلوده در گوش گذارند قرصه جدید و غش  
 را نافست و اگر از زروت باریک سائیده بنفشه اندر عمل خود اقوی خواهد بود فقیله بر  
 در گوش و بیرون آمدن چرک منقول از بیاض مذکور ص فقیله از کاغذ سوخته بوسل  
 زرده تخم مرغ آغشته از زروت و دم الاخرین و سفید آب قلعی صبر سقوطی سوخته بر آن پاشند  
 شب وقت خواب در گوش گذارند و بهمان دست بخوابند فقیله بر آبی چرک آمدن از گوش  
 و در گوش ص من غن نیم غسل بهم شسته فقیله را بآن آغشته در گوش گذارند فقیله جهت رجا  
 ص قلع طاراقا قیاسوی خر گوش خاک کندر گین خر بهر آب بکند با بر شند و فقیله ساخته  
 در بینی و بهند فقیله دیگر برای این مرض ص کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته افاقا  
 انار شب بمانی بر یک دو دم کوفته بخیته آب بادروج یا آب لسان الحمل یا آب بلخ شسته فقیله  
 بدان آلوده نهند فقیله دیگر برای قلع رعان ص فیون دانگی گلزار گرد آسیا ناز و هر یک  
 ندرم کوفته و بجز بخیته بصهاره سر گین خر بپزند و بخانه عنکبوت بگردانند بعد از آنکه بینی را  
 و سرکه شسته باشند در بینی گذارند فقیله که همین عمل کند ص باز سوخته و در سرکه و در فرم

چهار درم شب یمانی شش درم کافور دانه کی کوفته و بنجیه فنیای کتان ابصار که سر کین خرا کرده  
 و ورین دو دانه گردانیده و بر بنی انداخته که کند بنی بر دوص مر پوست انار ترش بر کد  
 درم قصب لذیره بندر پنج هر یک یک درم و نیم نواج قرفل هر یک یک درم فنیای البشرب  
 ترکند او دویه کوفته بنجیه بدان آلوده و بر بنی گذارند فنیای که رایش بنی را نفعی به حص زاج سیاه  
 شب یمانی ماز و مر تو بال مس سوخته هر یک پنج درم زراوند طویل شش درم کنه رودار  
 درم حمله کوفته و در دوسن آب به پزند و بیالایند و باز بخوشانند تا بقوام غسل آید و فنیایه را به آن  
 آلوده و بر بنی انداخته و کبر همین کنند فرزجه که بکس فارد و سکون را به ماله فتح زراوند و دانی است  
 که زن در فرج خود برادر جمع فرزجه که کشفیق قبل است و گرم و خوشبو کند آنرا اصل  
 عنبر عود و سندی هر یک و دام حمله را به ایند و در شراب صاف بخوشانند و صاف کنند و به شیم  
 آلوده بخود باز بگیرند مجرب است فرزجه که آنرا زن جنین و شیمه کند و قاتل جنین و در جنین است  
 صا اشنان عطینا قطران شحم خطل قنار الحار خربن سیاه سوزنق فوشاور زراوند ماز و مر  
 باوشیر سکنج مر صاف روغن مبداء بنجیه زهره گا و بدستور استعمال کرده شود فرزجه مجرب است  
 قادری بحبت او را ص شراب مر صاف اهل را زیاده شحم موبالسویه زهره گا و فرزجه سازند فرزجه  
 که قطع خون حیض نماید و مجرب است ص صمغ عربی کافور هر یک یک درم کوفته و نیم شسته  
 شیا ف سازند فرزجه که درین باب بغایت موثر است ص مر دار سنک اچ سفید گنار کلر شتر  
 گل انبی سر به بالسویه فرزجه سازند فرزجه مجرب بقول از رساله ص ماز و شنبک فی سعد  
 قفاح افخر دم الاغون مر برک سوسن آزاوسک مشک از هر یک یک درم قرفل سبیل  
 پوست انار هر یک و دانه مشک بنمالک صمغ دانه کی و نیم او دویه کوفته بنجیه صمغ را و آب  
 حل نموده برابر کنار شیا ف ساخته کی صبح بخورند و شب بر آن نقیسی عمل کنند که مافوق آن  
 متصور نباشد فرزجه و دیگر که فرج را تنگ کند ص را مالک فاقیا سعد تبیل چه به برابر بود  
 پارچه را و آب کی که پوست انار در آن خوشانیده باشند تر نموده و در او به سحر آلوده برادرند

و مجرب دانند فرزند چه که چون بهشت ساله را بآن فرزند سازند از آله بکار آید آن بسهولیت توان  
نمود ص نمل اندرانی یکدم در عسل دروغن گاو مغز و ج نموده فرزند سازند فرزند که در قطع  
خون جفیس مجرب است ص از سوخته دم الاخوین برگ مورد گل ارغنی گل سنخ با سویر  
از حریر گز را بنیده پوست انار ترش نیکوب کرده طبع نمایند تا مهر شود و قدری پشیم را آب  
تر کرده بادویه سوخته آغشته بردارند فرزند چه جهت تحمیل او را مصلیه رحم ص موم پیر اردک  
پیر مرغ منقل از ق هر یک سرد در تخم کتان خطی هر یک نهاده در م با عسل بسجند و در  
فرزند چه که او را م رحم را نافع است ص از روت کند دم الاخوین حب لاس گل ارغنی  
اقاقیا کوفته بنجیه باب لسان الحمل شسته پشیم پاره استعمال نمایند فرزند چه دفع وجع رحم که  
از آب گندیده بود منقول از رساله ص یا برنگ کف دریا از هر یک با همده هر دوز خشک  
نمل لاهوری از هر یک دو حصه جمله کوفته بنجیه سیه بولی بندند و یکی در زیر دهن رحم دود  
در اطراف آن گذارند و تا سه روز چنین کنند تنقید رحم نموده وجع دور سازد مجرب است  
فرزند چه که صبر من و تقویت رحم نماید از کتاب مذکور ص موسیای صمغ عربی گل ارغنی  
هر یک یکدم دم الاخوین دودیم باریک نموده بدستور پشیم تازه که در مطبوخ امار تر کرده  
باشند بردارند فرزند چه جهت دفع رطوبت ص اجمود یا برنگ بهر دوز خشک هر یک  
یکدم تخم خطمی ده نمل هوری که پنجم دم کنند لغار که ادویه که در آن سرشته شود و سردا گرم کنند  
و ادویه را کوفته بنجیه آمیزند و با بنیده کنند بردارند دفع رطوبت تجرد کند و ضرر بان جسم را  
دور سازد مجرب است فرزند که منع کند ریم و صدید را که از موضع بعید رحم آید ص کندر  
انزروت دم الاخوین در شب یانی پوست انار جود السرد کوفته بنجیه باب عصی الراعی باب  
لسان الحمل و مورد پشیم بردارند فرزند چه جهت حله رحم نافع ص سداب نفع پوست  
انار عدس منقش در گلاب و قدری سرکه بنزد و پشیم پاره بردارند و در حادی کبیر گفته  
بنهند و بردارند فرزند چه منقش لثا ص موسیای زاج مساوی بقدر سنخ یا دوسنخ

محول سازند فرزند چه که اخراج چنین بیت و شیشه کند صحن را و ندید هیچ اهل ترس و ترس  
از هر یک جزوی کوفته بزهره گاه و شیشه فرزند سازند فرزند چه که منع استی کند صحن خشم نهند  
بگیرین فیل خردل فلفل استخوان زعفران و مساوی کوفته بخیته بمیوه سالک شسته با شیم پاره بردارند  
حامله نشود و اگر حامله باشد بیندازد و گفته اند که چون یک حب خروغ بخورد یک سال حامله نشود و اگر بخورد  
دو سال و علی بن ابی طالب فرزند چه محمول است و جهت رفع عقم صحن جزو اکوان پنج پشه گری بریان  
پوست انار از هر یک یک مثقال کوفته بخیته شسته شایف با سازند و بعد از ظهر استعمال نمایند فرزند  
که همین کار کند صحن باید و گیرین خرگوش لعین شسته با شیم پاره بردارند و شب و بعد از آن  
سباشرت نمایند فرزند چه که بچه مرده فرو دارد صحن مرغان شیر خرق سفید مساوی کوفته بزهره  
شسته استعمال نمایند فرزند چه که منع عمل کند صحن بازو حب الاسب مساوی کوفته با شیم  
شسته فرزند نمایند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزند چه که جسم ماقوت دهد و فحش را نهد  
کند صحن بسا بیه بنبل مرزنگوش قشاک کند و مغز از خر خیری گل سرخ پوست تیغ کبر ترس اسکا  
کوفته بخیته بروغن بان بپوشند و شیم پاره بردارند فرزند چه که حکم رحم را که آنرا ابنه النساء گویند  
نافع بود صحن سداب نفع پوست انار شیم پاره بردارند و کلاب و قدری سرکه بپزند  
و به شیم پاره بردارند فرزند چه که حیض بپندد صحن گلنار کند راز و سر مره افاقا شب یمانی  
کوفته باب اسبان الحمل شسته فرزند سازند و اگر بر پشت و خانه طلا کنند نیز مناسب است  
فرزند دیگر صحن کاغذ سوخته افاقا گلنار عصاره لیمه التیس گل سرخ بازو شب یمانی حنظل  
کتان سوخته مساوی گرفته بسکه شسته استعمال نمایند فرزند چه مقول از بیاض عجم مرجم  
صحن فلفل دراز سنه که پنچال کبوتر کاغذ سائیده لعین بپوشند بردارند و تر و مرده و میوه  
و اگر مرد قریب طلا ساخته جماع نماید عورت مطیع گردد و فرزند دیگر منقل از قانون  
فرج رانک کند صحن عود هندی سعد کوفی راسن قر فلفل رانک افاقا انجیر مساوی  
شک قلیلی مجروح را نرم سائیده پاره شیمی را به سیوسن تر کرده او به رابان پاشیده



استعمال نمایند فرجه دیگر که فرج تنگ گرم و خوشبو سازد ص زعفران سعد کوفی عود سبک  
 قرنفل از هر یک یک گرم قنطاریل از هر یک نیم گرم مازوی سبز یک عدد و غیره است و در  
 مشک خالص یک دانگ آله منقی یک گرم کوفته بختیج بگللاب سرشته با پارچه پشمی فرجه نمایند  
 فرجه که رطوبت فرج را باز دارد ص مازو سبز تخم حاض از هر یک دو گرم جوز السرخس یک عدد  
 مد باز هر یک یک گرم کوفته بختیج بخت بلوط و گلنار را جو شانیده و صاف نموده خرقه کنانی را  
 بان تر کرده او بر ابران پاشید بخود گیرد فرجه که بخت تنگ نمودن فرج سیع الا سبک  
 ص عود هندی سعد کوفی راسن آقا قنطاریل مازو سبز از یک یک گرم و مشک یک  
 غیره است و در سبک یک ربع جزوی با شراب خالص یا آب برگ سور و سرشته استعمال نماید  
 فرجه که فرج را تنگ کند و اشف رطوبت آن کند و کسی را که در شیرگی رفته این فرجه  
 را بکاربرد وقت مجامعت بختیج و آن مرغ یا قطعه از روده که بسیار رقیق باشد پراخون  
 کبوتر و فرج زن پنهان کند و چون مرغ خارج گردد از خون که آلوده یا بدکمان بجا که در شیر بود  
 و نداند کشیده بوده است ص شب بمانی مازوی سبز سعد کوفی سبیل الطیب سک الیسک  
 از هر یک یک گرم قرنفل نیم گرم مشک ترکی نیم دانگ بریم شیان ساخته استعمال نمایند  
 فرجه جهت تنگ کردن فرج از حکیم علی و گفته که این فرجه درین فعل عجیب است و بهتر  
 ازین دواهی نیست ص راتنج مازوی سبز یک جزو خشت الحدید آله هر یک ثلث جزو  
 قشیشا پوست بلبه زرد پوست بلبه سبز از هر یک خمس یک جزو و مرادید ناسفته و غیره یک جزو  
 او برانرم بگویند و حق کنند با حق مثل غبار گرد و دوا منکی آن را بعد از تطهیر بر قبل بر گیرند  
 اثری که سر او را است از تنگی فرج مشاهده خواهد کرد فرجه سبب آن شود که زن منبج  
 مرد گردد و حق آله تواند دید او را تا چه رسد مجامعت با او ص سفید آب از زینا میسر آن  
 دندان پلنگ محرق زهره خروس خشک کرده سر کین کبوتر ایشان سبز سوخته بگویند از  
 مجموع یا زهر واحد که خواسته باشند یک دانگ و حق که آنرا کوفته بختیج بر گیرد پس از دواست

مرد باو جماع کند چنان مخصوص او گردد که اصلاح پذیر نباشد فرجه برای عقر ص درین باره  
 افق از سب از سرب یک یکد ام مغز کوشک متقال حماما قروانا سنبلی قرفل لسان العصاره از سرب  
 نصف متقال زعفران نصف درم کوفته پیخته در گلکند شسته بر دهن با بون و روغن پیلی برایش  
 ملاکم نیز نذاسنقد شود و در آخر حیض استعمال نمایند قریب نقاره و بعد حمام استعمال کردن متقال  
 بروغن پیلی و جماع نمودن بعد از آن موجب است فرجه برای بواسیر جسم ص م الاوز  
 کبجی ششم مورد برابر کوفته فرجه سازند قاروی سیاحی است منسوب طرف افغان  
 حکیم رومی است که اول ترتیب نموده و این معجون مبارک است نزل لای باز دارد و در دهن  
 گرداند قوی الدم و اسهال موسی و قوی و پیفته و سیلان طشت را نافع باشد ص قفل سفید  
 و افلفل زبرالنج از سرب یک بیت متقال افیون متقال زعفران نیم متقال تخم کرفس سی سنبلی  
 از سرب یک چهار متقال تخم کرفس سی سنبلی سافج هندی سلیقه حب لسان عاقر قرحا قرقون از سرب  
 یک متقال و بعضی نسخه با عوض تخم کرفس سی دو قواست کوفته پیخته بعسل معجون سازند و بعد از  
 شش ماه استعمال نمایند شربت واکلی زانیم متقال از جهت قوی و در پیچ شلث و از جهت در دگر  
 و در پیچ جعده و از جهت در دگر و در پیچ افیون و از جهت سپر با سکنجبین از جهت در دگر و در پیچ افیون  
 و از جهت بازداشتن خون و در پیچ سماق دهنند قاروی حکیم عماد الدین گفته که از برای اسهال  
 منی بی نظیر است و تقویت باه کند و دل را قوت دهد و نشاطی تمام بخشد و دیگر فوائد بسیار از  
 برای آن ذکر کرده ص یا قوت رانی مر و ایدنا سفته که برای شیمی فادز هر حیوانی جد و از حلا  
 سوسپاتی دارائی از سرب یک درم درونج عقری شش قفل سفید از سرب یک چهار درم نرزد  
 طباشیر و افلفل آلمه منقی غنچه گل سرخ پوست بیرون بسته زراوند مدح حب العا حبل لزم  
 شونیز عود دهنی ناخواه اینسون بادیان قاقا حار و کبار قرقه فطره سالیون مرکب چند بیت  
 سعه کوفی عاقر قرحا سافج هندی مایه شتر اعزالی قسط شیرین اسار دهن سنبلی الطیب از سرب  
 پنجم درم ششاش سفید صفتک خصیة الشهاب جوز بواسیر یون چینی مغز چاقوزنه مغز بادام

مغز ارجیل بز النج از هر یک دو درم فلفل سیاه بیست درم تخم بیل مفت درم پوست بلبله بهمن سفید  
 و سرخ ابریشم تفرش پوست ابرج تخم پیاز تخم گندم محب لسان عود لسان جطیان روی ابی و پیاز  
 از هر یک سه درم عنبر اشهد و درم شک فلفل یک درم کندر دو درم مغز تخم خرگوز سه درم  
 زعفران سی درم ورق طلا یک درم ورق نقره دو درم افیون پنجاه درم نبات سفید یکصد درم  
 عسل مصفی سه وزن او و برینو سوجون سازند فلو نیامی و مسک بسیار خوش کین دیا کیره  
 است صنف فلفل گرد و توله بز النج یکتوله فریون تخم بیل سنبیل الطیب عاقر قرقاط فلفل از  
 هر یک یکتوله افیون مصری یک سیرا کبری زعفران ده درم خولجان و ارچینی عود لسان از  
 هر یک دو توله و فلفل یکتوله مغز بادام شیرین شش تو لایا دیان سه تو لکه بهمن سفید و توله بهمن سرخ سه توله  
 ثعلب چهار توله جوز بوالبسا سه از هر یک سه توله عسل کشمیری هفت سیرا کبری ورق طلا یکتوله  
 ورق نقره چهار توله شک و توله عنبر اشهد و توله قند سفید دو سیر نبات دو سیر و نیم سوا فو شش تو  
 مرتب سازند فلو نیام و اکلن که حکیم دوا ی بخت باد شاه جهانگیر ساخته بود چون مسک بسیار دار  
 مرد اکلن نام گذاشته اند نبات سی مسک است ص یاقوت سانی یاقوت زر و یاقوت کبود و ص  
 فیروزه عقیق هینی اسد کربالیم سبز از هر یک و توله و ارید نیمتوله سانج هندی گل سرخ گاو زبان  
 و ارچینی طهارت ششم خرفه زر بناد آله شقی چند سیر شک ورق طلا از هر یک و توله و سبک  
 پوست بیرون لبه تخم کاسنی صندلین بهمنین جد و ارخطانی تصفیه گل مخموم ورق نقره از هر یک  
 و توله پوست ترنج یک نیم توله عنبر ده توله افیون مصری مصفی سه سیر و ده دام زعفران یک سیر  
 گلاب بید شک ده شیشه نبات یک سیر عسل چهار سیر قند یک سیر مرتب سازند ارشخ  
 بوعلی سینا که در قانون آورده و خاصه او آن است که زیاده می کند باده را و بخت اساک سفید  
 ص یکیز فلفل تخم بیل و جوز بوالبسا از هر یک پنج درم خشت الحادی سحوق ده درم تخم جرجر نیم  
 شلغم تخم انجیر از هر یک چهار درم لسان العصاره حله لم مغز جبهه الحضر از هر یک سه درم  
 کوفته دهنه بسته دهنه ده یک اندازند لینی در سه دره جزو دو رخ یکوز و او و اندازند و حرکت

و مخلوط کنند آن دفع را بفتح خیز بالناسفه و اوراق قلع سازند به دستور قلع خیز فلان فیون شغول  
 از شرح حکیم علی جهت آگاهی منتهی و سقوط اسنان و بغیر آن نافع نوشته حصن اقا قیاد و از ده گرم  
 بوره موصوفه ده گرم شب یاقانی از پنج گرم بر یک هفتاد گرم زرنخ زرنخ شش گرم کوفته بنجیه بکسر قرصان سازند و فلفل  
 در مسوده و اسعار اسود دارد و برودت آن دفع کند و باد شکند و خداوند فوق را سفید است  
 صن زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس بنجیل حاشا مغز چلنوزه بر یک ششدرم فلفل  
 بهشت درم عسل دو وزن او و به شربت کیشقال فلو تیا مسک مسوده را قوت دهد و به  
 زیاده کند و سرعت انزال را دفع کند صن پوست بلبله زر پوست بلبله کابی شیلج سبک  
 تخم کرفس پیل قسط نخ و فلفل اسپاسه خولجان ناوشک بر یک ششدرم پوست بلبله آله  
 مستقر ناسخا ده و فلفل بر یک چهار درم تو در بین قمر بنجیل جوز بوز بنجیل فلفل و به بر یک  
 به ششدرم مسوده و درم ششک و ششقال غنیه ششقال خبث الی دید میر به چنادر و به روشن گاو  
 چهل ششقال عسل صاف و نیم چند به بطریق معود و چون کشته و بعد از شش ماه است حال نماید  
 شربت درم به بنجیه سوز یا به شیر تازه کوفته فلو تیا بنجیه دیگر به سیان و قونج و نس ریجی  
 اراض زنجان حامله که از رطوبت باشد سود دارد و باد های غلیظ را بشکند حصن و فنیون قورم  
 سبیل زعفران از بر یک هفتادرم افیون نبر الینج از بر یک درم کوفته بنجیه بعسل بهشت  
 بعد از شش ماه استعمال نمایند فلو تیا در مسوده و جگر را که برب برده بوده جمیات بلنجی و به  
 ریح و جمیات کهن را نافع است صن پودینه نری پودینه کوی فطر اسالیون سیالیون  
 بر یک دو از ده درم تخم کرفس بالونه حاشا بر یک چهار درم کاشم پازره درم فلفل سیاه بیت  
 و چهار درم کوفته بنجیه با عسل صاف به ششدرم شربت یک درم با گبرم فلو تیه برای اسهال درم  
 صن آسانه به ششقال منع عربی شش ششقال بزر قطن و ششقال بارتنگ و ششقال  
 بطور حایم فالوده ساخته باشد به ششدرم دل بخور تا حرفت القاف قرص جهت صانع  
 در مسامه و تب نافع بود و خواب آورد و در بیان دفع کند و تشنگی بتیاز منقول از شغالی

ص من تخم خیارین منقر تخم که و تخم کامپو هر یک که درم رب لسوس نشاسته کثیر افیون هر یک  
 سه درم کوفته بجنیه آب کامپو یا لعاب اسپنول رشته بهشت قرص سازند شربت یک عدد و یاد  
 عدد قرص مثلث چون بر پیشانی و صدغین طلا کنند صداع شقیقه و سهر را نافست  
 ص مرکب افیون مصری بزر الینج کافور لادن زعفران پوست پیچ تفاح هر یک پنج درم  
 که در انزوت آمله گل ارمنی هر یک درم کوفته بجنیه بکلاب و آب کامپو رشته اقراص پهلوی  
 سازند و وقت حاجت در صداع گرم آب لیمو یا لبر که و آب کشنیزه و آب کن و مانند آن سه درم  
 طلا نمایند و در صداع بارد آب نمک مرزنجوش و انشال آن حل نمایند و این قرص  
 بر و درم گرم صنادلوان که و مثلث از ان میسازند تا با قرص خوردنی ملتبس نشود و زود پخته  
 شود و قرص مثلث منبته حکیم علی ص زعفران بزر الینج هر یک نیم توله شایف مایشا حنیفه  
 پوست پیچ تفاح مرکب افیون زراوند از هر یک توله بستر و شایف سازند و قرص منوم بارد  
 منقول از شفای ص تخم کامپو شخاش با قلا مستقر تخم خرفه کالنج از هر یک یک درم افیون طسوج  
 کوفته بجنیه بلعاب اسپنول اقراص سازند و قرص منوم حار ص تخم شبت و و درم  
 زعفران مرز الینج سید از هر یک انگلی افیون طسوج کوفته بجنیه بلعاب اسپنول قرص سازند  
 و قرص منوم بارد ص تخم شخاش تخم کامپو راست از هر یک چهار درم سنگ خرباز و کثیر تخم خرفه  
 تخم که و شمیرین از هر یک سه درم افیون بزر الینج سفید نشاسته کثیر اگل سرخ منزع الاقماع یک  
 تخم خرفه قشیر از هر یک درم کافور قیصری صندل سفید کشنیزه خشک هر یک یک مثقال کوفته بجنیه بکلاب  
 رشته اقراص سازند شربت از یک درم نمک شتغال و اگر دو درم ساق منقی و یک درم زرد  
 درین اقراص میفرمایند قوی تر خواهد بود و قرص معمول و الیاده جهت در و گوش ص گرد  
 فوفل چالید از هر یک درم زنجبیل یک درم همه را سائیده و در آب کشنیزه سبز یا آب قراح رشته  
 اقراص سازند و وقت حاجت اندکی در آب سائیده بنگیم که و گوش طلا نمایند و قرص  
 نافع برای جمیع اوجاع گوش و جهت جمیع قروح آن منقول از بیاض تخم مرغ و ص مرکب

متقال کند بطرون بر یک سه متقال زعفران چهار متقال عصاره خشخاش گلاب بکشد  
 متقال بادام متقش بیت عدد کوفته در خل سائیده اقراص سازند وقت حاجت اگر وجع شنبه  
 باشد بار و غن گل و اگر فضل باشد باخل قطور نمایند قرص که متقش گوش از روغن کند و سده وخی  
 را نافع باشد رس زاج ربع اوقیه صبر کند بر واحد نصف اوقیه اقراص سازند وقت حاجت  
 بسر که در روغن گل حل کرده بچکانند قرص زعفران جنت بخر بلغمی که در سطح دهان و لثه باشد  
 از تنقیه بدن از باغم و مضغ مضوعات مناسبه بکاشی آید ص زاج پنج سوسن زعفران بر یک  
 جزوی گرفته کوفته بیهیسه بعسل بیشترند و قرص سازند و بسر که یا آبی که در ان اهل بخت باشد  
 حل کرده مضغه کنند قرص که با کله ساعیه نافعست ص بازو دبر کاغذ مصری سوخته آگانه  
 بر یک یکجز و نیم شب بمانی یکجز و زعفران کند بر یک نصف جز و ربع جز و نمک سوخته  
 نوشاد قطعه طارقلدیس بر یک نصف جز و کوفته بختیاقراص سازند و در سر که حل کرده مضغه  
 کنند و در دهن بدارند که اظفر منعقد و در شود قرصه برای لثه و اسهال حشمت و آگاه عجیب مجرب است  
 منقول از باض عجم موم ص زربخ سرخ و زرد نوره شب بمانی بازو مسادی کوفته بختیاقراص  
 آینه و سر که آینه قرص سازند وقت حاجت یکدانق در لثه بالند خوب چه و یک ساعت  
 بگذارد و روغن گل و در دهن بگیرد قرص که سرفه و اسهال جگر امفید بود ص لک منقول  
 بندرم ریوند حبشی یکدرم طباشیر متقال تخم کاسنی بادیان تخم کشوت بر یک یکدرم و نیم تخم  
 تخم خشخاش صغ عربی رب السوس بر یکدرم تخم خیابین منقر تخم کدو بر یک سه درم شربت  
 و درم یاد و است شربت خشخاش قرص خشخاش جنت لیش سیند و شش ص زعفران  
 بندرم رب السوس اشاسته کثیر از بر یکدرم تخم خشخاش سفید و سیاه از بر یک سه درم  
 گل سرخ صغ عربی بر یک پار و درم طباشیر سفید بندرم باب خالص اقراص سازند شربت  
 یک متقال یاد و متقال یا شربت خشخاش قرص خشخاش جنت اسهال و دوی و صفرا  
 و تخم و یواسیر و رفع عفونت و تسکین حرارت و ادجاع امعاء مجرب است ص زعفران

نصف جبهه کافور یکبه و م الاون سه جبهه مکه و دوزن پست خشتاش گل مخوم گل ارمنی  
 طباشیر صغری غری نشاسته هر یک ربع جلد یک شربت قرص بنفشه که جهت خشونت سینه  
 و سرفه ذات الجنه سل عجب است و اسهال صفرا را کند ص بنفشه ده درم سفوفینا  
 نشوی یک مثقال رب السوس کثیر انشاسته هر یک یکدرم کوفته بخیه بلعاب اسپول  
 که ماخوذ گلاب باشد اقراص سازند شربت کینشال قرص بنفشه تب یا سرفه را نافع بود  
 ص بنفشه سفوفینا دم مغر تخم خیارین کثیر از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی  
 نشاسته از هر یک سه درم کینشال سنبل یکدرم کوفته بخیه اقراص سازند قرص سلطان  
 سل و دوق و لفت الدم را نافع است ص گل مخوم گل ارمنی گل سرخ نشاسته از هر یک  
 شش درم سلطان سوخته ده درم کثیر طباشیر شادنج مقبول از هر یک پنجدرم رب السوس  
 سه درم کوفته بخیه آب لسان الحمل اقراص سازند قرص سلطان بنفشه دیگر ص کثیر  
 دو درم رب السوس سه درم گل ارمنی گل میرق گل سرخ نشاسته هر یک چهار درم شادنج  
 عدسی مقبول طباشیر هر یک پنجدرم که با دانه سوخته هر یک ششدرم سلطان سوخته  
 سه درم کوفته بخیه آب اقراص سازند شربت کینشال قرص سلطان که صاحب  
 مجرب نوشته ص زعفران یکدرم رب السوس خشتاش سفید خشتاش سیاه هر یک سه درم  
 کثیر طباشیر شادنج عدسی مقبول هر یک پنجدرم طین ارمنی طین مخوم طین دی نشاسته گل سرخ  
 هر یک ششدرم سلطان محرق ده درم آب لسان الحمل اقراص سازند شربت دوزن  
 با شربت انار شیرین و بعضی بیل شادنج ریشه انجباری اندازند و صاحب تحفه بدل آن  
 شادنج گاو کوی انداخته و نافع تر یافته قرص سلطان از تالیف راقم جهت سل و دوق ص  
 سلطان محرق گل قبری خشتاش بنفشه صغری سفوفینا خیارین یکدرم و درم افیون کافور  
 قیصری مصلطی غری الساک هر یک پنجدرم طباشیر سفید و سیاه از هر یک یکدرم و درم  
 بنفشه کثیر از رب السوس سفوفینا هر یک یکدرم کوفته بخیه آب قرص سازند قرص سلطان

کافوری جهت تب محرق و تب وصل سفید منقول از قزاق دین والدراجد ص صحن عربی گل سرخ  
 طباشیر سفید شکریه زهر یک چهار ماشه اصل السوس پنج ماشه نشاسته خرفه هر یک هفت ماشه مندل  
 سرخ و سفید و زرد هر یک و ماشه کثیر چهار ماشه تخم کامبوسه ماشه رب السوس پنج ماشه کافور ماشه  
 مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خرپوزه تخم خشخاش هر یک سه ماشه سلطان محرق توک کوفته بجنه بالابا  
 اسفنج قرص سازند قرص طباشیر کافوری نافست جهت سرفه وحی و ق و حمیات محرقه  
 و تشنگی بنشاند ص کافور یک درم طباشیر سفید مغز تخم خیارین مغز تخم خیار باد رنگ تخم کاسنی تخم کدو  
 تخم کامبوسه و ورق گل سرخ مندل سفید هر یک چهار شقال کوفته بجنه بلعاب اسفنج سرشته اقراص  
 سازند شربت کیشقال قوت تاش ماه باقی ماند قرص طباشیر افیونی اسهال منفرط را که با جود  
 بود نافع بود ص طباشیر گل سرخ تخم کامبوسه تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هر یک یک درم گلنار صندل افیونی  
 از هر یک پنجاه تخم حاض و درم و نیم کافور وانی باب خالص قرص سازند شربت یک درم قرص  
 طباشیر لولوی صغیر ص مرارید سفید طباشیر از هر یک و درم خشخاش بریان کرده پنج درم بگل  
 اقراص سازند قرص طباشیر مسک پهای محرقه منفرای رانافع باشد و شکم بندد و خون  
 باز دارد و تشنگی ص گل سرخ پانزده درم صحن عربی نشاسته تخم حاض گل اسنی از هر یک و درم طباشیر  
 زرشک سماق از هر یک هشت درم کوفته بجنه بگللاب سرشته اقراص سازند قرص طباشیر  
 سرطانی و وصل نافست ص طباشیر سفید بجنه گل سرخ منزع الاتماع از هر یک پنج درم  
 ترنجبین منقی درم کثیر صحن عربی از هر یک یک درم و نیم تخم خرفه نشاسته مغز خیار باد رنگ مغز تخم  
 کدوی شیرین از هر یک سه درم تخم کامبوسه کاسنی از هر یک چهار درم مندل سفید سه درم  
 سلطان نهری رب السوس از هر یک یک درم زعفران کافور قیصری از هر یک یک درم کوفته  
 بجنه بلعاب اسفنج بالابا صندل سرشته اقراص سازند قرص طباشیر کافوری لولوی  
 جهت تب و ق و وصل و تشنگی و حمیات محرقه و تشنگی با سهال یا تشنگی بود و تشنگی  
 قی الامه اسهال و موی که یکدی و اسهال و درمانی را نیز با سهال و تشنگی و تشنگی



ناسفته طباشیر سفید سلطان مشوی تخم خشخاش تخم کاهو تخم خرفه منقشر کثیر از هر یک سه مثقال که با  
 شمع رب سوس غنیمه گل سرخ منزع الاقماع از هر یک دو مثقال تخم خیارین نیم مثقال صمغ عربی بسد  
 محرق از هر یک یک مثقال کافور قیصری یک درم زعفران دو دانگ بر شمع مقرض دو دانگ کوفته  
 بجینه باب بارتنگ سبز سرشته اقراص سازند قرص طباشیر مسهل نافع است از برای حیاء  
 صفراویه و تقویت معده کند و مسکن مزاج است ص طباشیر سفید یک درم زرشک منقی یک درم  
 ونیم سقمونیا مشوی غنیمه گل سرخ منزع الاقماع از هر یک یک دانگ کوفته بجینه باب کاسنی تازه  
 سرشته اقراص سازند قرص کافور برفان و تپ گرم را سود دارد ص زرشک منقی طباشیر  
 سفید گل سرخ از هر یک هشت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کثیر از هر یک سه درم مغز تخم خرلوزه و کدو  
 هر یک پنج درم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یک دام بلعاب بزر قطونا شسته  
 اقراص سازند شربت دو درم با سکنجبین قند ص کافور انشیخ الریس برای سل و دوق ص  
 کافور قیصری سلطان محرق زعفران رب السوس از هر یک یک درم تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه  
 از هر یک دو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک دو درم قندل درم آب کدو و الا صندل متعاصر  
 سه درم گل سرخ چهار درم کوفته بجینه بلعاب استبول اقراص سازند قرص کافور نافع بسد  
 ص کس در راتیج از هر یک یک درم ربون چینی دو دانگ گل خنوم گل سوه گل ساسوس از هر یک  
 نیم درم نشاسته کثیر صمغ عربی خشخاش از هر یک یک درم ونیم بزر انج سفید دو دانگ فیون  
 مصری کافور قیصری زعفران از هر یک الف لبه محرق یک درم کوفته بجینه اقراص یک یک درم  
 سازند و یک قرص با ماء الشیر یا شربت آس یا رب یا بخورند قرص روفس این قرص  
 حکیم مذکور است و بسیار ستوده و طبری گفته که دیدم من جماعتی را که بر تافته الله بسبب فتنه  
 از لثه الدم نس فطر السالیون یک درم ونیم رب السوس و زوفادوق گل سرخ فیون خشک  
 هر یک دو درم که با عصا در لثه التیس کند خشن منفع عربی و فارسی نشاسته بسد هر یک درم  
 بذر القشاذ الطنج بذر القزح تلخ شکر کینچدرم کوفته بجینه بگلایب خمیر کرده قند با سازند قرص

برای نفث الدم از هر عضوی که باشد و صالح است برای سح احتشاد و فروح آن و بر  
قیام دم و طبری نوشته که من مکرر تجربه نمودم ص حفض کی گل سرخ منزوع الاقلاع از  
هر یکدوم عصاره لیمه التیس سه درم کندر چهار درم زعفران دو دانگ یونجه پنی نیدم  
پوست انار شحم آن ماز و منبر از هر یک یک درم گل ارمنی گل ساسوس گل مغنوم از هر یک یک درم  
نشاسته پریان متکلیله سه درم و شکوفه بنجینه اسپنول چوشانیده لعالش برآورد و او دیر را  
خمیره قرص کینتقال بنزد و در شربت آس حل کرده کینتقال بخورد اگر ممکن نباشد همراه آب  
قرص بن ای نفث الدم تا از رطوبت و استرخای عروق ص قشار کنند و گوشت در  
نفسه از هر یک چهار درم نمون کرمانی مغلو و ارشیمان فودنج جلی از هر یک یک درم متصا  
زعفران از هر یک هفتاد درم فلقدیس سنبل هندی چندیدستر عصاره لیمه التیس فاقیا  
گل سرخ منزوع الاقلاع از هر یک چهار درم کوفته بنجینه با آبی که در آن ماز و منبری سوراخ شود  
باشد اقراص یک کینتقال بنزد شربت یک قرص قرص که انفتاح ماده ذات الریه کند  
صحن حطی تخم جناری تخم خیار تخم خربوزه تخم کدو رب السوس فلاح از خرا کللیل الملک بنفشه  
از هر یک مساوی گرفته کوفته بلعاب بزرگمان قرص سازند و آب انجیر بخورند قرص که بخور  
دم صدر را از اذیت کند و برآرد و سینه را از ان پاک کند و آتی چند است ص زر او ند  
اصل السوس فلفل نمک هر یک یک درم حلبه آروده اینسون گل سرخ هر یکدوم درم مسه درم  
آب خمیره قرص سازند هر قدر قرص در می و در سایه خشک کنند و هر روز با یک لیقچ  
مطبخ سیخ رازیانه و سیخ کرفس بخورند قرص تالیف میر عطار الد صاحب تخمه برای سرفه  
و ذات الجنب همی دق و پنهانی محرقه و حرقت بول و تشکی التهاب خلاص جبت و جبهه  
ص زعفران نیم مثقال صندل سفید کینتقال کینر رب السوس نیلوفر هر یک و مثقال گل  
مغز تخم کدو شیرین مغز تخم بیدانه تخم خیارین تخم کشتیز هر یک کینتقال بلباشیه سفید نشاسته تخم  
خرفه هر یک نیم مثقال گل بنفشه ترنجبین هر یک ده مثقال کوفته بنجینه با شیر و جوار ص سازند و از

یکشتقال تا دوشتقال بپزند قرص ریوند برای نفت الدم که از جگر باشد ص ریوند چینی و متقال  
 یک نغول شتقال تخم کرفس نیم درم صمغ عربی دوشتقال گل ارمنی دو درم اینسون درم  
 همه کوفته بنجیه باب لسان الحمل هر یک انا قرص بوزن نیم شتقال سازند بشریت انجبار  
 یا بشریت زرشک یا آب اندین اختیار نمایند قرص ریوند درم و صلابت جگر و سیر ز قیاس  
 گفته را نافع باشد ص ریوند چینی شش درم فوه لک مغول از هر یک سه درم تخم کرفس  
 اینسون عصاره غافق از هر یک یک درم کوفته بنجیه باب خالص اقراص سازند و قرص  
 ریوند جبت استقامت که بافت الدم با اجابت طبع باشد از یقانی صمغ زعفران دانگی ریوند  
 دو دانگ زرشک بهدانه لک مغول فوه طباشیر صندل سفید تخم حاض هر یک یکشتقال  
 ورق گل سفید کرد یا صلابت کرده هر واحد کشتقال و نیم نشاسته صمغ عربی بریان هر یک و شتقال  
 کوفته بنجیه باب قرص سازند و هر روز یک نیم شتقال اجتنابی حرقه مناسب بپزند و اگر حالت  
 مریض و وقت مقتضی باشد و ریویب با وضعی گفت داده احتمال نمایند قرص ریوند بنجیه حکیم  
 محمد باقر جبت استقامت مجرب صمغ عصاره غافق صندل طباشیر و اس لک شسته  
 عصاره فستق اسارون قفاح از هر تخم شاهره تخم کشمش تخم کاسنی ریوند چینی زعفران  
 طباشیر نهمین هر یک درم مغز تخم خیار تخم کرفس گل سفید سوسن هر یک سه درم زرشک بهدانه  
 پانزده درم باب اقراص نمایند قرص شامخ از تخم جبت سل و در فرم عصاره و سبیلان خون  
 از هر عضو باطنی سفید و ورق واسمال و زرد بانی و پنهانی و صوبه یا نافع بود صمغ زعفران  
 افیون زعفران هر یک شتقال تخم خرفه شش درم شش درم شش درم شش درم شش درم شش درم شش درم  
 هر یک پنجاه سه سلطان سوخته و شتقال کثیرا ریویب اسون صمغ عربی تا پنج مغول شامخ گاو  
 کوی سوخته انجبار هر یک سه شتقال با عذاب مغول اقراص سازند تخم کافور شتقال  
 قرص کحل خون آمدن بسر بزرگ باز در صمغ اندون زعفران هر یک چند درم شامخ کوزان شش  
 اتفاقا هر یک یک درم پسیا و شان یک درم و نیم گدا سازد و هر یک درم سرخ و صمغ زعفران شامخ

مغول ورم الاقرین بر یک سه درم باب لسان الحمل شسته اقراص سازند شربت و درم  
 باب باران که طباشیر گل از منی آن خیسانیده باشند و در بعضی نسخه سه درم کبریا هم داخل است  
 قرص بس که جهت نفث الدم که عقب سعال افتد نافست و فی الدم را سفید بود  
 صغ عربی گل از منی بر یک چهار درم کبریا بس شایخ بر یک یک درم و نیم رب لوسن الاقرین  
 نشاسته بر یک و درم اقراص سازند و سه درم از وی بگیرند و یکد انگ بند را الیخ سفید سبوق  
 آمیخته بچونند قرص گلزار نافع برای نفث الدم و عالجش بوا سیر و غیر آن ص گلزار کبریا  
 بسد حرق کشنده خشک طباشیر سفید گل سرخ ساق لسان الحمل عصاره الحقیقه التیس از بر یک ده درم  
 قرن ایل محرق مغول هفت درم شنبلیله سه درم آقا قیا هفت درم ایون یک درم کوفته شسته  
 باب اقراص سازند شربت از آن سه درم باب لسان الحمل باب باران فزوده هفت درم  
 آسن نفع برای اسعال که همراه اسهال باشد ص حب آس ششخاش سفید از بر یک نیم  
 پرتیبا و شان سه درم صغ عربی و درم حب لغب نشاسته از بر یک و درم بلعاب بخل  
 قرص سازنده راک سه درم بشراب حب آس قرص کبریا نافع است برای نفث الدم  
 و سیالان و ده فواید بوا سیر بود فواید غیر آن ص کبریا بس درم و در نیم خرفه متشده از بر یک پنج درم  
 شایخ کوزن سوخته پوست بقیه سوخته کثیر صغ عربی از بر یک سه درم کشنده بریان تخم ششخاش  
 سیاه تخم ششخاش سفید از بر یک شش درم دفع حرق بند الیخ سفید از بر یک و درم کوفته  
 باب لسان الحمل اقراص بندند بوزن کمینقال خوراک یک قرص قرص مروارید  
 و نافع را قوت دهد و خفقان گرم و یرقان را نافع باشد ص گل سرخ و درم طباشیر مروارید  
 ناسته بسد عسل سفید بر یک یک درم مغز تخم نیلین تخم کبریا یک نیم درم تخم خرفه درم  
 زعفران نیم درم کوفته بجمه بلعاب اسفول سرشته اقراص سازند شربت یک متقال  
 با کنجش شرب مشک دل و معد و جگر بار در قوت نماید و خفقان و غشی و اوجا  
 معد و ناکر بسبب برودت باشد و در ص صغ عربی و در چینی عود و سنبل سداب

کوفته بچینه بشرب ریجالی رشته اقراص سازند شربت کشتقال بعضی غنبر یکد انگافزوده اند  
 قوی تر میشود قرص غنبر ساده مقوی اعضای رطبه و معده و فزایل خفقان و ناقص را  
 سودمند بود و ص غنبر شنب تراشیده بیت و بنجیو یکدیشا هجانی نبات را بقوام  
 آورده غنبر حل کرده در طبق نقره بهین ساخته اقراص سازند و بعضی در یک شتقال غنبر  
 صد شتقال نبات داخل میکنند قرص غنبر بنجیو دیگر ص غنبر شنب سه و نیم توله نبات  
 سفید نیم سیر اکبری گلاب تیردی یک شمشه نبات را صاف نموده بقوام آورده غنبر  
 در آن حل نموده بتریزند قطره قطره گلاب میداده باشند تا سفید گردد و بقوام قرص آید بعد  
 از آن در خوان نقره با چینی هموار نموده اقراص سازند را تم گوید اگر عشره و ن غنبر طلک  
 محلول با ورق طلا اضافه نمایند بر آینه در افعال خود اقوی خواهد شد و در اعراض مطلوبه  
 بیدیل قرص زرشک کبیر ورم معده و جگر و پنهانی و مرکب بلغمی و استسقاء را نافع  
 ص عصارة زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خرپوزه از هر یک سه ورم گلرنگ  
 ترنجبین از هر یک شش ورم تخم کشوت رب السوسیس طباشیر تخم کاسنی  
 سنبل الطیب عصارة غافق فوه لک مغسول ریون چینی از هر یک دو ورم زعفران نیم ورم  
 کوفته بچینه باب ترنجبین رشته اقراص سازند قرص زرشک معتبر ص زرشک  
 پانزده ورم تخم کاسنی حرفه تخم خیارین از هر یک یکدیم گل سرخ پنج ورم ریون چینی سنبل  
 از هر یک یکدیم بلواب بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک بار و ص زرشک  
 نیم ورم رب السوس یکدیم نیم مغز تخم خیارین تخم خرزه کاسنی از هر یک دو ورم گلاب و از  
 سازند شربت و شتقال قرص زرشک کافوری کمی غلب و حرارت و کبد و معده را  
 نافعت و شنگی نباشد و التباب اساکن گرداند و ص زرشک منقی مغز تخم خیارین مغز تخم  
 لک و مغز تخم بندق وانه مغز تخم خرپوزه از هر یک سه شتقال طباشیر سفید و رن گل سرخ صندل سفید  
 از هر یک یک شتقال نیم ریون چینی نیم شتقال لک مغسول و شتقال تخم کرفس کافور و

از هر یک نیم مثقال زعفران یکدانه گزیده بنجینه باب کشوث اقراص سازند شربت یک مثقال قرص  
 غافقیر همان دودر جگر و سپرز و پتهای رطوبت و کسین را نافع باشد و سده بکشاید ص عصا رفته  
 بست در م سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته بنجینه باب صاف سرشته اقراص سازند  
 قرص لک استقار لخمی را سود دارد و سده بکشاید ص لک فصول ربونند چینی از هر یک  
 هشت درم اسارون زراوند خطیله نام سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون انخو از دختر اهل قسطه  
 بادام تلخ فوه آه فسنجین عصا رفته غافقیر از هر یک درم فلفل بنجیل از هر یک یک درم کوفته باب  
 صافی اقراص سازند شربت یک مثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافع بود و سده بکشاید ص  
 پوست پیچ که از شق از هر یک چهار درم زراوند طویل دودر فم فنجانش فلفل از هر یک شش درم  
 اشق را در سر که کند حل کنند و باقی ادویه را کوفته بنجینه بان سرشته اقراص سازند قرص ایضا  
 سپرز صلب از هر یک درم اینها چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک درم اشق را در سر که کند  
 کنند و باقی ادویه کوفته بنجینه بان سرشته اقراص سازند شربت دودر با سکنجبین سبز و قرص  
 فوه طحال را نافع بود قرص فوه دوازده درم ایر سا پوست پیچ کبر زراوند طویل از هر یک درم  
 کوفته بنجینه با سکنجبین سرشته اقراص سازند و باطلیح انیسون استعمال نمایند قرص سنبل درم  
 صلب کبد و معده و جگر را نافع بود ص سنبل فجاج از خربله ربونند چینی قصب الذریره از  
 هر یک سه درم زعفران مر انیسون قسطه فلفل از هر یک یک درم مقل مصطکی از هر یک درم  
 اشق نیم درم اشق و مقل در دوشاب حل کنند و دار و بای دیگر را کوفته بنجینه بان اقراص سازند  
 جهت در معده باد و شتاب و جهت در کبد با سکنجبین قرص که استعمار و فساد جگر و سپرز  
 اسهال را نافع بود ص طباشیر گل سرخ گلزار زرشک سماق کنیا نرج تخم حاض تخم کاسنی  
 فانیس تخم خرفه از هر یک یک درم فجاج از خربله سنبل ربونند چینی لک پوست پیچ کبر انیسون  
 از هر یک نیم درم کافور دانه گزیده کوفته بنجینه اقراص سازند شربت دودر قرص کوکب سده  
 ضعیف را قوت دهد و نگذارد که فصول بان جمع شود چون بریشانی طلال کنند صدات

عمل نافه  
 و منع نزلات بکند و چون باز زوبان بیامیزند بر دندان که مخرورده نهند در دساکن نماید  
 چون آب مرزنجوش در گوش چکانند و در بنشانند و نفث الدم و سیلان خون از موضع که آب  
 باز دارد و سر فرو کند و تپهای دایره را نافع بود چون آب مرزنجوش دهند و چون آب سرد  
 بیاشامند بهیچ زهر را که در بدن جانوران سفید آید و اگر شربت بنوشند اسهال دموی را  
 و قروح السعار و مثانه را سودمند بود و صمغ مرشد بید تر سنبلیله گل مختوم پوست بخی  
 فلاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قط کوب الارض و آنرا طلق نیکو نیندازد هر یک  
 پنجم درم اینسون دو قوسه سیالیوس زبر البیض میوه سالیله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ ماراد  
 شراب ریحانی حل کنند و دارو را گرفته بخنجه بآن سرشته اقراص سازند قرصی یک درم در دهان  
 خشک کنند قرص گل در دمه و تپهای بلغمی را سود دارد و صمغ و رقیق گل سرخ شش درم  
 رب السوس چهار درم سنبلیله الطیب و می طباشیر سفید و دو درم عصاره عافت چهار درم کوفته  
 بخنجه سرشته اقراص سازند قرص گل که اقوای از نسجه اول است صمغ گل سرخ  
 ده درم اصل السوس عصاره عافت نشتین هر یک چهار درم صمغ سنبلیله اسارون  
 عود خام از هر یک یک درم کوفته بخنجه بگلابل قراض سازند و قرص میوه سالیله و میوه  
 از برای سده های کبد و طحال و معده و حمیات سوداوی و بلغمی صمغ گل سرخ سرشته اقراص  
 هفت درم رب السوس پنجم درم فلاح از هر سنبلیله الطیب سلیخه سودا مرکی صافی زعفران  
 صمغ رومی از هر یک دو درم مرزنجوش را در سرکه انگوری حل سازند و بمالند و بمالانند  
 و باقی ادویه را کوفته بخنجه بآن سرشته اقراص سازند اگر خواسته باشند ادویه را با سرکه و زنجبیل  
 غسل مصنی سرشته بخون سازند قرص نشتین بهیچ درم نشتین رومی اینسون تخم کرفس از هر یک دو درم  
 کوفته آب صاف اقراص سازند قرص عود که فی و هینیه باز دارد و صمغ عود خام چهار درم  
 کباب صمغ گل و نعل سنبلیله الطیب هر یک ده درم کوفته بخنجه اقراص سازند شراب و دو درم  
 قرص عود بنوع دیگر معده را قوت دهد و طعام بچشم کند و اشتها آورد و صمغ نعل سنبلیله

از هر یک سه درم فاقه سنبل بسیار از هر یک دو درم عود خام قرص پوست ترنج از هر یک بنزد درم عود  
 جوز بوا تخم بیل دار فلفل از هر یک یک درم قند سفید بوزن او و یک کو به بنجیه اقراص سازند شربت  
 آب بیا سبب قرص کتی بلغمی را و سوداوی را نافع بود و معده را قوت دهد و ص پوشت  
 بیرون بسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام مصطکی از هر یک سه درم سبک بنزد درم کوفته  
 بنجیه آب اقراص سازند شربت کینشال قرص که فواق استملکی را نافع باشد ص مطا  
 صبر سقوطی از خرنام فودنه کوبی انشاع خشک سداب تخم کرفس کند را سارون از هر یک  
 یک درم ایون دانگی و نیم گل سرخ بنزد درم کوفته بنجیه بدوشاب شلالت سرشته اقراص سازند  
 مصطکی قی و فواق رافع دار و ص عود مصطکی هر یک دو درم پوشت بیرون بسته چهار درم گل سرخ  
 سبک هر یک بنزد درم شربت دو درم قرص افاقا معده را قوت دهد استرخا و شنج اورا نفع  
 آید و طبیعت به بند و ص افاقا سه درم صانع عربی کینه از هر یک دو درم گل سرخ گلنار از هر یک چهار درم فشار  
 کند عود و بنندی هر یک یک درم سبک پیدز عفران هر یک بنزد درم کوبند بجز بریزند آب  
 سازند شربت از یک درم تا کینشال بر بیا سبب یارب بیا آب سر و بنزد درم ص ساق جوب  
 است جهت که یک طعم قوی کند و شهوت غذا باز آید و ص ساق سه درم زرد و طباشیر زرد  
 در بر گرفته بگللاب تر کرده و خشک نموده هر یک دو درم پوشت بسته یک درم مصطکی بنزد درم کوفته  
 بنجیه بگللاب اقراص سازند شربت از یک درم تا دو درم شربت حصص منیع یا و در مری شکر  
 قرص سبک نسیم محمد ذکر یا است معده دل و جگر بار و قوت دید و اد جاع بار و معده را  
 زائل کند و ششی و شفقان بار و نافع بود و ص مصطکی قرص عود دار چینی سنبل جوز بوا کباب  
 سبیل پوشت ترنج فاقه هر یک کینشال سبک دانگی کوفته بنجیه بیا سبب ریجالی اقراص سازند  
 قرص که بقرص معده نافع است ص گل نرسی صانع عربی هر یک بنزد درم دم الاغ بنجیه درم  
 کوفته بنجیه آب اقراص سازند و هر روز دو درم آب خرمن بنزد درم قرص خول در و سبب  
 که از باد خیزد و ناکل کند ص حبلا رشاد بنجیه سبک یارب ترخند یک تا بار و معده



برگ سداب خشک یک سیر در آن آمیزند و یکروز دیگر در آن پس بگویند و قرص بسته  
 بشود و بگویند که کند تا بریان شود و بگذارند که بشوید بگویند نرم و بهر پاد او و درم با یکجین بر بند  
 قرص که مزاج ترکیب جالینوس سپرز صلب آب که در ص کزاج چهار شتقال فلفل سفید  
 سنبل سارون اشق هر یک و شتقال اشق را در سرکه غصیل حل کرده او به دیگر کوفته بخینه  
 بآن آب میشنند و اقرص کنند شربت بکشتقال با یکجین قرص فنجکشت در و جگر دهنی و آلاس  
 و در سپرز زانافست ص لک مغسول ریونید چینی طباشیر سفید هر یک یکدرم تخم کشت  
 تخم فنجکشت پوست پنخ کبر را و ندلول کزاج غافق قوه هر یک و درم گل سرخ کاسنی هر یک  
 سه درم شربت و درم با سه درم با شربت کاسنی قرص و درم قرص جبت استسقا حار شتقال از  
 مختار و جرب است ص سنبل الطیب نیمدرم تخم خیار تخم خرفه تخم کشت تخم کرفس مصلک لک  
 ریونید هر یک یکدرم گل سرخ پنجدرم عصاره زرشک با زرشک ده درم بقدر شتقال قرص سازند  
 تا چهل درم آب کاسنی و هشت درم عذبا شعلت ده درم یکجین پنجدرم مغز خیار شربت استقال  
 نمایند قرص بندی بجهت ذرب نافعت ص بنجیل بلیگری کشتی ز خشک ال سفید کوفته  
 بخینه قرص سازند شربت یکدرم با و به مناسبه قرص دیگر نافع ذرب و اسهال ص مغز  
 انبه کشته مغز خسته جاسن کشته بلیله زرد بریان در روغن کنجد بهرگاه شگافه شود و برابر گرفته کوفته  
 آمیخته اقرص سازند شربت بکشتقال باب سرد قرص اسهال دمی و افراط طمش و  
 زانافع باشد ص پنخ انجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی که با تخم خرفه از هر یک سه درم گلنا  
 افشانه گل ارمنی لب طباشیر سفید رب اسوس از هر یک و درم آقا قیا یکدرم و بنجکوفته بخینه  
 باب سور و اقرص سازند قرص ایلاوس ص تخم کرفس ابسولن و ارچینی هر یک ششدرم  
 صمغ کافور شین هر یک چهار درم فلفل مرافیلون چند بید تر هر یک و درم باب خالص اقرص  
 سازند شربت بکشتقال قرص زحیر خون شکم و زحیر و نفث الی درم زانافع بود ص گل خنوم  
 گل ارمنی قرط طباشیر طراشیت بلوط آروکن رجب الالاس از هر یک و درم تخم حامض بر

صنع غسری گلنار از هر یک چهار دم نشاسته گل سرخ از هر یک سه دم تخم کرفس معطر  
 سماق از هر یک یکدم مازونیره که مانی مدبر بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته بجنه کرده  
 بلعاب بزر قوطونا اقراص سازند شربت یکدم قرص زجیر برای اختلاف دم و زجیر و تخم  
 ص طین مخموم طین استی قرط طباشیر طراشیت از هر یک دو دم تخم حمض بری صنع عربی  
 گلنار از هر یک چهار دم نشاسته گل سرخ از هر یک سه دم تخم کرفس سماق معطر از هر یک  
 یکدم بلوط آرد کنار حب الاس از هر یک دو دم عفش زبیره که مانی که در خل خمر کشا  
 خیساییده بعد از ان بریان نموده باشند از هر یک نصف مثقال کوفته بجنه بلعاب پسول  
 خمر کرده اقراص سازند بر قرص یکدم قوت این تا شش ماه باقی می ماند بعد ازین صنفیت  
 میشود و قرص که نافعت افراط خون بواسیه را ص مرجان که بادوغ سوخته گل آری  
 از هر یک دو دم بلبله سیاه بلبله آله از هر یک پنجم دم تخم کند ناسه دو دم مقل دو دم مقل را  
 در آب ترکند تا سرشته حل کنند و او را کوفته بجنه بان سرشته قرص سازند شربت نیم  
 ناده دو دم باب اینگردان قرص برای زجیر خوب است هرگاه حرارت نباشد و راجع  
 بود استعمال باید که ص بزر البنج ابیض تخم شب تخم رازیانه از هر یک پنجم دم ناخواه دو دم  
 ونیم افیون سه دم تخم انیسون ده دم تخم کرفس ده دم اگر دو دم زعفران زیاده کرده  
 البیق است قرص زرنج که ریج فرسن که از ان دفع شود با ماء السمل وقتی که فساد بسیار  
 باشد و باشیره برنج اگر بسیار نباشد بکار برند ص کاغذ سوخته افاقا بر یکد و مثقال زرنج  
 سرخ زرنج زرد هر یک سه مثقال آبک آب ندیده شش مثقال همه را بسایند و آب گ  
 بارنگ سرشته اقراص سازند و از نیم دم ناده دو دم بکار برند قرص زعفران سیح کوبید  
 که او شکم را نرم کند و صفرا سوخته را از تن فرو داند و اندوه دل را زایل کند و شکلی بنشانند  
 ص زعفران صندل بر یکدو دم صنع عربی شکر گل سرخ هر یک پنجم دم ترب سفید بر  
 بیست دو دم همه را کوفته بجنه آب ناسه شند و اقراص سازند و سایه خشک نمایند و گو

حاجت متوالی بآب نیم گرم بخورند قرص دیگر که اسهال دسوی و صفراوی و نزف الدم  
 هر موضع باز دارد و سبج و سرکه رطوبی و بواسیر الباقیت مجرب است ص زعفران افیون  
 هر یک یکدرم ماز و تخم حاض دم الاخون هر یک دو درم آر و کنار خربوب بنطی گل زینی  
 انجبار تخم مورد هر یک سه درم طباشیر نشاسته صمغ عربی گلزار گل مسخ کثیر اشاخ گاد کوی  
 سوخته هر یک پنجم باب بازنگ اقرص سازند شربت کشتال همراه ادویه و افقه  
 هر مرض قرص از شفا و الاستقام برای اسهال صفراوی سبج و بواسیر و دفع عفونت سفید  
 و تسکین درد که در مواباشد زده نماید ص پوست خشنخاش طین مخموم طین ازنی  
 صمغ عربی نشاسته از هر یک را بعدرم دم الاخون سه درم صمغ کله حر لوبیان کافور کاسخ  
 زعفران نیم مسخ مجموع یک شربت است قرص دیگر جهت نزف الدم و اسهال قویا  
 مجرب نوشته اند ص گل مسخ گل زینی طباشیر شاه بلوط تخم حاض ششدر صمغ بریان سلطان  
 سوخته برابر کوفته بخینه اقرص سازند آب بر قرص که جهت اسهال خون و نزف الدم  
 جمع اعضا مجرب است ص زعفران افیون و مسخ کله نشاسته طباشیر یک شفی بر النج  
 هر یک یکدرم گلزار کاسه دفع محرق هر یک سه درم بلنوره تخم کشتیز بریان صمغ عربی یا  
 گل زینی پوست تخم مرغ سوخته اشاخ گاد کوی سوخته تخم حاض بست تخم خرفه کبریا کبکچم  
 شربت کشتال بآب جهت نفث الدم و با شرب خشنخاش جهت قروح اسعار قرص  
 برای قروح اسعار اختلاف دم و شیخ سفید هر گاه حقنه کنند از آن همراه زرد می و بنه  
 که بریان نموده باشند و آب بازنگ ص اسفنداج الرصاص ششدرم کاغذ سوخته  
 چهار درم صمغ عربی پنجم درم گلزار دو درم افیون نامیران از هر یک یکدرم عصاره لیمه  
 الیس سه درم آفاقا خمر محرق دم الاخون از هر یک یکدرم و نیم کوفته بخینه از آب ان  
 و آب عصی الراعی خمیر کرده اقرص سازند و در مواباشک نمایند و وقت حاجت آب از  
 فارسی حل نموده حقنه نمایند قرص مکی این قرص جلا دهند است و خارج بلغم و

و صفرا و جنین را بکشد و حرارت را بکشد و جرب اسود دارد و صبح بوی است بلبله کبابی است بلبله کبابی است بلبله کبابی است  
 شکر بکبابی متشرب بعد از کوفتن و بختین از هر یک یک پخته و تر بد سفید بوی متشرب تراشیده و بر روغن  
 بوم شیرین جرب نموده بوزن مجموع او ویه فانیذ و فانیذ را در پاتیل کرده با قدری آب  
 بجوشانند و چون بقوام آید آنرا نش بر گرفته ادویه را بران بپاشند و مخلوط نمایند خلطی نیکو  
 پس قرص سازند و هر قرص ده درم که بآبی جوشانیده باشند در آن کشنیز خشک از اول شب  
 تا صبح و اول صبح صافی نموده باشند پس بدستی کرده مجلس با بلیت مجلس اجابت می کند غذا و وقت  
 عصر شرب یا بخود آب که باروغن از نیون مغسول ساخته باشند پس اگر احتیاج با خراج بلغم و جرب  
 باشد باید که اضافه کرده شود در اجزای این قرص ربع جزو بلبله و تخم خطل و در نسخه کوفتالی و زرد  
 تر بد و درم و فانیذ شش ستار و باقی از هر یک یک درم است و گفته اند که شربت ازین قرص  
 درم در هر راجی سبب قرص بزور از قرا باین قانون نافست از برای اسهال طبیعت  
 قرص و قیام و از برای کسی که غذا در معده آن بهضم نشود و از برای معض شدید و زهر و ریاح  
 بواسیر و آمدن خون از بواسیر و نزف طمث زنان پی در پی و بی وقت ص صلب لاسخ و  
 راز با نه انیسون ناخته تخم کرفس بنید الینج سفید و قوا از هر یک یک و قیه افیون شش درم  
 کوفته بجنیه بشراب ریجانی سرشته اقرص سازند هر قرصی بوزن بندرم و بعد از  
 شش ماه استعمال نماید شربت یک قرص یا آنچه مناسب باشد از ادیات قرص فاطم دم صحر  
 بازنگ طباشیر طین قبری و مخوم از هر یک یک درم کند سفید و درم حفص یک درم نیم که با  
 دوغ محرق بسد لوج الدم از هر یک یک درم عصا ره لعشه التیس سد درم باریک سیاه و درم  
 حب لاس یا شربت ریاس یا شربت سفرجل یا در شربت سیب خمیر کرده اقرص سازند  
 و در سایه خشک کرده هر روزه درم یا شربت مذکوره تناول نمایند غذا را ناشیه یا حصیه قرص  
 مقل صلابت کبد و معده را در و زرد و اند و ریاح بواسیر نافع بود و این نسخه نالین محمدی کوا  
 ص گل سرخ منزع الاقلاع ده درم سنبل الطیب و درم زعفران یک درم قسط تلخ یک درم نیم

مسهل دوم مغز بادام یک گرم قهوه متقل رزق سه گرم متقل از شراب گل نایب و دود کوفته بخیته بان سیر  
 اقراص سازند بر قوی سه گرم در صلابت کبد آب کاشی تازه با آنکه فربا با آب زیاد و در صلابت جدا شود  
 بادرنجوبه و در بلواسیر آب گنداق قرص شب نعمت آمدن از سر عضو که باشد باز دار و ص  
 شب یمانی کل اصفهانی از سیر یک یک گرم که با بر و ازید ناسفته آفاقا از سیر یک سه گرم هم الاخوین  
 صبح عربی کثیر از سیر یک دو گرم سهر را سحی نموده قرص سازند شربت از سیر یک سهر یک یک شغال  
 قرص نافع برای زیر بلغمی ص نیزه بریان مذبر باز و سیر مسهل سحاق تخم کرفس از سیر یک  
 یک گرم جفت بلوط کنار حب الاس طباشیر سفید کل مخموم گل ارسنی طر اثیت از سیر یک دو گرم  
 نشاسته گنداق عربی تخم حاض بر و احاد چهار گرم کوفته اقراص سازند آب بارتنگ شربت  
 یک شغال قرص ذیابیطس ص طباشیر خج جز و تخم خرفه تخم کاهوا از سیر یک هفت جز و تخم  
 حاض گل سرخ کشنیر خشک گل ارسنی از سیر یک سه جز و صندل سفید گنداق سحاق از سیر یک  
 دو جز و کافور نیم جز و آب گری خرفه اقراص سازند و یک ص با آب نارجورند و ص ای هم قوی ص خ  
 تخم خیار مغز تخم خیار زره مغز تخم خربوزه تخم خرفه از سیر یک چهار گرم گل سرخ طباشیر گل ارسنی ص  
 فنانکه از سیر یک سه گرم شارب مغسول دم الاخوین عصاره لیمو التین شند انج حب لباب  
 خشخاش سفید و سیاه از سیر یک سه گرم بادام حب چلغوزه از سیر یک دو گرم تخم کرفس یک گرم  
 زعفران نصف گرم کاکج پانزده عدد کوفته بخیته بلعاب همدان اقراص سازند شربت دو گرم  
 نمار الزور قرص طین که بهت بول و قروح شانه نافع ص گل مخموم طباشیر کثیر اصمغ  
 و فارسی تخم خرفه مغز تخم خیارین بالسویه کوفته بخیته بلعاب سبغول لبشند و پاکشکاب  
 بدیند و در نسخ دیگر مغز تخم خربوزه بهت ص جت فروح کایه و شانه و قطیر بول و بول الهم  
 لبانت مجرب است ص افیون تخم کرفس نیزه انج سفید شند انج سیر یک یک شغال تخم زرا  
 دو شغال زعفران تخم حاض بری مغز بادام تخم سفید سیر یک سه شغال تخم خار و ازده  
 شغال کاکج حب بیت و پنجه و کوفته بخیته بخیته شربت اقراص سازند قرص که با آنکه بهت

بول لدم کوی نافست صم تخم کرفس یکدم افیون کند بر یکد و درم نیم کبریا صم گردگان یک  
 پنجدرم بوزن یک مثقال قرص سازند شربت یک قرص باقیع سماق قرص لبوب قرص کلیه  
 و شانه را از یک پاک کند صم بزرالنج سفید افیون هر یک و دو درم تخم مخلب پاک کرده نشاسته  
 تخم خطمی خیارین تخم کرفس تخم خرفه تخم بادیان و دو قوسر یک سه درم و نیم مغز فندق مغز بادام  
 شیرین مغز سبدانه شیرین و پنج هر یک چهار درم بنفشه خیار مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خربزه  
 رب اسوس تخم حاض مغز چغوزه هر یک پنجدرم گل ارمنی ده درم کوفته بنجینه بلاب تخم  
 کنان شسته اقراص سازند شربت با بنفشه یا جلباب بدیند قرص با سکه لبول او بار  
 که از گرمی بود باز داروشنگی بنشاند صم که از بنج لیان ذکر افاتیا هر یک یکدرم پوست لیلیه  
 بریان کرده بروغن گا و چرب کرده یک مثقال کشنیر خشک بریان کرده و بروغن یکدرم و نیم  
 گلنار گل ارمنی گل سرخ غص هر یک و دو درم تخم بلوط تخم مور و هر یک سه درم کوفته بنجینه اقراص  
 سازند شربت و دو درم آب به قرص که در قروح نشانه سفید بود و مجرب است صم زعفران  
 هر یک پنجدرم تخم خیار مغز تخم خیاره مغز تخم هندوانه تخم خرفه تخم کنان تخم بادیان از هر یک  
 ششاش سفید سه درم مغز چغوزه پنجدرم کثیرا صم عربی نشاسته بادام تلخ هر یک درم با بنفشه اقراص  
 سازند قرص که جفت بول الله عجیب الاثر است صم بنسون سه درم تخم کرفس گل ارمنی  
 صم عربی کندرم الاخون هر یک و دو درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو هر یک یک درم اقراص  
 سازند شربت و دو درم با یک اوقیه شربت ششاش قرص کاکنج کلیه و شانه و بول الله  
 نافع بود صم مغز تخم خیارین حب کاکنج مغز بادام مغز رب اسوس نشاسته صم عربی دم الاکابر  
 کثیرا کند تخم کرفس هر یک و دو درم افیون و رمی باب صافی اقراص سازند شربت از یکدرم  
 ناکه مثقال قرص شب جرب نشانه را نافع باشد صم شب بمانی دم الاخون گلنار یک  
 سه درم کثیرا شش درم صم عربی و دو درم کوفته بنجینه آب خرفه قرص سازند و شربت  
 حب اس بنوشند قرص بزر جرب نشانه را نافع بود صم تخم خربزه ده درم مغز تخم

خیارچندرم مغز تخم که خطمی مغز بادام شیرین کثیر انشا الله رب السوس خشخاش سفید گل  
 تخم کرفس از هر یک دو درم زیر الیچ درمی کوفته اقراص سازند لثربت نبفشه بدینند قرص  
 زیابیطس نشسته ثابت این قرص حب لاس تخم حاض متغیر از هر یک دو درم صمغ عربی نشسته  
 از هر یک دو درم کوفته بجمیع بلعاب بر قطونا اقراص سازند لثربت دو درم قرص لبوب  
 قرص کلیه و شاندر از هر یک پاک گردانند صمغ فندق مغز پسته مغز بادام شیرین مغز بیدار تخم  
 تخم خربوزه مغز تخم حیدرین مغز تخم که در تخم هستند و آن تخم خشخاش سفید مغز حب لاس نشسته تخم  
 سفید تخم جبارزی رب السوس گل ارمنی مغز جلفوزه دو قوراز یا نه تخم کرفس جبار اسساک  
 بلعاب زیر کتان سرشته اقراص سازند در سایه خشک کنند و هر روز یک ص که بکشتن  
 باشد با جلابی مناسب قرص که با نالیف ارنیا سبوس نافع از برای فروغ مثانه ص  
 عصا زه لیمیه التیس مخموم بسد کربا و شمسی انشا الله تخم خیار تخم خربوزه تخم خطمی سفید تخم که در تخم  
 تخم کرفس فطر اسالیون اقراص کا کچ اجزا بساوی کوفته سرشته اقراص سازند و بوی  
 حاجت دو درم سنگ زوی بکار برند قرص بجمیع فروق در مثانه ص دار سنگ سفید  
 طلعی شسته نشسته بپور ارمنی مغسول ساییده اقراص سازند و در وقت حاجت لثرب  
 زنان حل کرده فروق نمایند قرص صمغ تبسمل ولادت نماید و بچ زنده و مرده مایرون  
 ص مجاوشیر بکینج بیز و هر یک یک درم حلیت نیندرم جمله یک شربت است با آب سداب  
 باطلنج حلید بدیند و تخم فندقی عمل نماید و غذا تخم و آب قرص مرادار طمست بقوه کند و تبسمل  
 ولادت نماید و اگر دایمت بان کنند اسقاط اجنه کند ص حلیت بکینج با و شیر برک سداب  
 خشک بکینج و دینه خشک شکط اشبع قورمانا فوه هر یک دو درم مره درم ترمس بچندرم کوفته  
 قرص سازند هر فرمی دو درم شربت یک قرص باطلنج ابل و اگر ترمس نباشد عوض آن  
 اچنی کنند و اگر آب سداب قرص سازند بهتر باشد قرص برای سوزاک ص طلعی  
 شسته سلاجیت آفتابی کثیر گل ارمنی خشخاش سفید صمغ عربی مغز بادام شیرین تخم خیار

خرفه مغز مخم تر بوز مغز مخم کد و شیرین کوفته بخته با عاب اسپغول بقدر هفت باشد اقرص  
 سازند و در سایه خشک نموده گندارند بقدر یک باشد یا شیر کا و مزوج نموده بآب فرو برند  
 قرص که قطع خون حیض و خون بواسیر کند ص زیره سفید سنبل قرفل مصطکی یک یک  
 نیندرم صندل کندرم الاغین صمغ عربی لک غول سندروس گل ارنی نشاسته افیون یک یک یک  
 بلبله سیاه بلبله آله خبث الحیدر باز و کرانج هر یک و دهم بزرا لیمو سه درم کوفته بخته اقرص سازند  
 شربت یک درم و نیم زیاده هم توان داد بطبخ کشتن و سماق قرص از برای قروح حنقیه خبیثه  
 مذاکره مفصل مس سوخته کندر شب یاقانی از هر یک چهار درم پرده های رفیق که در میان  
 انار ترش پیاشند زراوند قلع طار از هر یک بشندرم و هم درازم حق نموده بشراب شلک شتر  
 اقرص ساخته در سایه خشک کرده بوقت حاجت سوده بکار برند قرص که چون بر روز  
 یکم شغال آنرا یاده درم شراب سفرجل بخورند برای غدیو طلب یا سفید است ص گلنار  
 فارسی افاقیا حب لاس گل ارنی از هر یک یک درم صندل سفید نیندرم صمغ عربی  
 کندر از هر یک و درم کوفته بخته بآب سبب رشته اقرص سازند و قرص صالح از برای قروح  
 عفنه اکاله قضیب ص فراطس محرق سی درم اکام آب ندیده زرنج زرد از هر یک یک یک  
 همه را نیکو صلایه کرده و بآب برگ اسپغول و سرکه رشته اقرص سازند قرص اقوی از  
 قرص مذکور ص زرنج سرخ زرنج زرد از هر یک هفت جز و بوره چهاره آب ندیده است  
 جز و افاقیا و ازده جز و مجموع نیکو صلایه کرده لبس که کشته و آب برگ سفیوس رشته اقرص  
 سازند و در سایه خشک کرده بوقت حاجت بکار برند قرص از برای تقویت باه ص  
 مغز بته مغز با دم زنجبیل همین سنج همین سفید مغز ناجیل جز و اعظم از هر یک و درم شغال  
 و ارفل حصیه الثعلب گل سرخ مصطکی سلیمه خولجان از هر یک پنج درم سوزن منقعی جوز بوا  
 مغز مخم خیارین تخم کرفس از هر یک چهار درم بسپاسه صمغ عربی کثیر اوم الاخون کندر  
 مغز مخم خرپوزه رب کسوس کالنج از هر یک و دهم هم افیون دو درم نیم یکصد و پنجاه شغال



کوفته باب ششتم اقراص سازند شربت از یک درم نایک شقال با شیر تخم خرفه بنوشند سیلا  
 منی دفع شود و قوت باه بفراید قرص مجرب است جهت حیثی که با اسهال بواسیر و اید  
 ناسفته زهر جگر و سائیده کمر با سائیده از هر یک یکماشته طباشیر گل و غمستانی صمغ عربی  
 گلنار فارسی تخم حاض بریان گل سرخ گل ارسی اقا قیا پوست بیرون پسته دلب لاس  
 دانه سیل از هر یک دو ماشه نشاسته تخم خشاک تخم کاهوز از هر یک سه ماشه خرفه منقشر بر  
 صندلین از هر یک چهار ماشه کوفته پیچیده با شیر و با بشتک سبز اقراص سازند بقدر یکماشته  
 قرص صندل مشروب است جهت حمایت حاده و عطش شدید و گرمی جگر و معده و  
 خشکی زبان که از ارتفاع البحر و صفراوی باشد و صاحب شفا و الاستقام گفته که او هر دو با  
 است بهر چه درج المنع یافتیم صمغ تخم خیار بزرگ کافور کثیر اسفید بر یک پیچید درم  
 سفید زرد و صندل سرخ رب السوس تخم خرفه بر یک و درم گل سرخ طباشیر قند سفید بر یک  
 چهار درم کوفته پیچیده با عسل استعمل که از آنارین یا از گلاب برآورده باشند ششتم اقراص  
 سازند هر قرصی درمی و در سایه خشک کنند شربت یکقرص آب آنارین یا آب سیب شیرین  
 و ترش و اگر ملین مغلوب باشد با الفوج تمهید می که تخمین با شیر شربت و ران محلول با  
 بخورند قرص مجرب جهت حمایت منفع سده کبد صمغ کافور نیم شقال برون چینی یکماشته  
 کثیر صمغ عربی رب السوس زعفران طباشیر تخم بزرگ از هر یک دو درم بنفشه شک بانیوفر  
 بر یک سه درم گل سرخ پیچید تخمین شک از هر یک ده درم اقراص سازند قرص که در  
 برای هر که زانی که پشت چشم و روی و پای را تنج شده باشد بکار آید منقول از مشهور  
 صمغ قلع او خرفه زعفران تخم بادیان تخم کرفس بر یک سه درم و نیم مغز بادام تلخ بودنی  
 خشک بر یک چهار درم اینون لک منقول بر یک پیچید درم ریوند خطائی گل سرخ  
 سبیل الطیب بر یک شش درم ایارج فلفل پیچید درم کوفته پیچیده با آب عسل استعمل از هر  
 سازند هر قرصی دو درم و نیم هر یک قرص با مار الاصول بخوراند قرص جهت شفا

و پنهانی کشته مجرب است حص عصاره غافش شش درم طباشیر ده درم سنبیل الطیب دو درم  
 گل سرخ پنج درم آب اقراص بنزد قدر در پی شربت یک قرص قرص اسفیل که اجزای تراب است  
 جهت منوم و جبر و کسر و یو عسر النفس نافع و جهت استسقا و خفیل حص بگزید باز غصیل کوبک  
 و در خمیر گرفته و در شور نهند تا پخته شود و بگزید بعد از آن که مغزوی بغایت نرم شده باشد و در باون  
 بسایند و بوزن آن آرد و کرسنه اضافه نمایند و قدری شراب بر سر آن کنند و نیک بشیرند و  
 را بر روغن گل چرب کنند و اقراص سازند بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت آن تا دو ماه باقی  
 است و قرص جهت سحفه قویا و اورام بارده و صدراع لطیفی بغایت نافعت حص زرد چوب  
 مغز بادام تلخ هر یک جزوی مقل دو جز و مقل را در سه که کشته سه روز متوالی خیسانند و او را بگو  
 بخت و غل نمایند و با یکدیگر نیک صلا یه کنند و اقراص سازند و وقت حاجت باب کاسنی است  
 و طلا نمایند و قرص کلفت که بجم برش و مکه نافعت و بعد استفراغ بمطبخ هبله و افیون باز بگزید  
 سود و بر حص اشق مقل هر یک و دو درم باوزیون چهار درم خردل سفیده و درم مقل شراب  
 را در آب حل کنند و او را بگوخته بخت بآن سرشته اقراص سازند و بوقت حاجت بسکه ساینند  
 طلا کنند و قرص که تن عرق دور نماید حص کافور نیم جز و صندل سلیمه یک سنبیل الطیب شش  
 سافج هندی مرگل سرخ هر یک جزوی تو تیمار دار سنگ هر یک سه جز و کوفته بنیته بگلایه شسته  
 اقراص سازند و در سایه خشک کنند و بسایند و بریدن بپاشند و قرص حیدر برای پیدای  
 حص صندل سلیمه سنبیل الطیب شش سافج هندی مرگل سرخ هر یک جزوی تو تیمار دار  
 سفید از هر یک سه جز و کافور نصف جز و با گلاب اقراص سازند و بعد خشک شدن استعمال نمایند  
 قرص برای درازی سوی حص آبله یک انار یک انار یک نیم انار صمغ دوازده درم شیش  
 پنج انار همه او را بگوخته در گریه آهنی انداخته بر آتش بگذارند و دوا را بشیر و اخل نمایند و بپزند  
 تا که شیر خشک شود و پس دوا را بشیر و بگذارند تا که شیر جذب شود و یک انار بشیر که باقی مانده است  
 آنرا داخل کرده بپزند و در گریه آهنی از کف گیر آهنی در انار بچین سیکر اندازند و باشند پس از آنکه شیر جذب

و قابل لبثن اقواس گردد بر ابریک غلوس افراص بنزند و خشک گردانند وقت حاجت قمر  
 را در آب تر نمایند و فیکه قرص نرم شود باریک ساییده بیکم طلا نمایند و قرار و لفظ مرکب  
 است بعد چیدن بل احتمال میکنند صنی سادر سن خسته بر یکدوم تو تیا دوازده درم کوفته بچیز  
 مرغ برشند و در پوست تخم مرغ اندازند و در گل حکت گیرند و کوزه نو کنند و کوزه بخاری گذارند  
 و بعد صلیه باریک کرده اشغال نمایند و قرار و جهت میل که وصف کرد آنرا ثابت و گفته  
 موجب است صنی پوست بلیه کابلی خوب بسایند که شل غبار شود پس بسایند بموم سفید  
 نذاب بروغن گل و گرم گرم در باون ریخته قدری از اجصر مصفای پاشیده بتانج  
 شود پس لعل آرد قیرو طی جهت قروح الف ص مردار سنگ یکدوم سفیده قلعی سوم  
 بر یکدوم روغن گل یک و قیه مرتب سازند علی الرسم دبا تخم مرغ بآلند قیرو طی هم  
 جهت قروح یا بسنه خشک ایشه ص مخ ساق بقر جزوی روغن بادام مرلی بنفشه  
 کثیره بکیزد بروغن چینی قلیه بنور هم مرتب سازند قیرو طی که شقاق لب اسفید است و  
 بشقاق دست و پا نیز نافع ص موم زرد و زوفای سبز سیه مرغابی کثیره لعاب بهمانه روغن  
 گل سنخ موم را در روغن و پیله گذاشته زوفا و غیر آن داخل کرده در باون بهم زنند تا یکسان  
 گردد و بکار برند موجب است قیرو طی شقاق پرا اندال و سبوسه سیر و قو با مقشر استیصار  
 نماید ص اب چندر آب شلغم آب برگ کرنب لعاب گل خطمی آب گل بنفشه هر یک دایم  
 موم سه دایم روغن گل سه دایم علی الرسم مرتب سازند قیرو طی جهت ذات الجنب و ذات  
 موجب است ص کثیره کوفته موم سفید بر یک شقاق روغن بنفشه پنج شقاق قیرو طی سازند  
 و گرم گرم اشغال نمایند و اگر ماده سرد باشد بدل روغن بنفشه روغن زنگس یا روغن  
 یاروین یا سین کنند قیرو طی جهت ذات الجنب که بعد نسکین وجع و برآید نشت  
 رطب جهت تخمیل و الفصاج بکار آید ص بنفشه صندل سفید آرد و جو خطمی سوس گندم  
 اکلیل الماک کوفته بجزیره در موم روغن که از روغن بنفشه ساخته باشند آسخته نهاد

و اگر حاجت تجلیل و الفحاج زیاد باشد آرد با قلا آرد و حلیه خشم کتان بقدر حاجت انصاف  
 کند قیرو طی نافع برای ضیق النفس عادت از سیج غلیظ و باجم لرج ص قیق که سه حلیه  
 هر یک پنج درم شونیز اصل السوس از هر یک و درم حاقر قر حایک نیم درم موم باد و درم  
 سوسن یا نارون گداخته همه دوید کوفته بخیته بنیدازند و مثل مرهم نماده بر سینه صاعده و نازل  
 نافع سعال حار ص موم سفید در روغن نیلوفر و روغن بنفشه بگذارند آب کشیز سبز آب  
 کاموسقیده نمایند و استعمال کنند قیرو طی نافع برای ذات الجنه شود ص گل بنفشه  
 اکلیل الملک بالون بچوشانند در قدر مضاعف آب روغن کچور و روغن باقی بماند صانی نحوه سینه حلیه  
 قیرو طی نافع برای ورم حار شانه استعمال را غار حلت منقول از بیاض علویان ص  
 آب کاسنی تازه آب غب اشعب کالنج آب حی العالم بروغن بنفشه و موم سفید به ستور  
 نمایند قیرو طی سفید از برای ورم خصیه ص متل ازرق کند بر و در اصل کرده موم غیر  
 استعمال نیت گداخته همه را در بادون بسته بماند تا سهوا شود و بر موضع ورم استعمال نمایند  
 قرص که قرص گوش را فصد بدو چک پاک کند ص انزروت صبر لوره ارمنی زبد الهی و درم  
 کند مرزنگار خشت الحیدر کوفته بخیته لبس که اسپینه در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت باو غسل  
 چکانند باشند و ایضا فیتله لعل آلاینه و در او دیده مذکوره آلوده در گوش نهند قطره است  
 حار گوش ص فیون بکیرم شیان بیض سه درم و عوگل چار درم سرکه گشته سه درم با هم مزج شده  
 در گوش چکانند قطره رحمت و حج شدید که از حرارت بود و نافست ص کافور فیون  
 هر یک طسوجی در روغن خلایا بشیر و فتر حل کرده در بینی و گوش چکانند قطره که طسوجی  
 و دو می و قران نافست ص کند زعفران فرنیون جنید سر خرباق سفید سر بایست و درم  
 نظرون لوره ارمنی سر بکد و درم کوفته بخیته و در شراب حل کرده بچکانند قطره که طسوجی  
 است ص قرفل بنیدرم با شکر گی آب مرزنجوش بسایند و بچکانند قطره رحمت  
 ص حنتر بقی سفید بکیرم جنید سر بنیدرم و انکی کوفته بخیته با سرکه که بچکانند قطره

برای طرش و صمغ صمغ جذبید سر سه درم لظرون یک درم و نیم خریق یک درم و نیم قرص سازند  
 و در بعضی روغن حاصل نموده قطور نمایند قطور برب برای در و درم خار صمغ شیان  
 ابض کافوری و در شیر و ختران و سفیده تخم مرغ و لعاب بنگو مخلوط نموده بکار برند اگر بر توده  
 باشند است لیکن در بعضی شدید افترجه خار ه ادویه را بپنج پرورده در گوش استعمال نموده  
 شده و منافع مشاهده گردیده قطور که سنگ کرده و شانه که در احلیل بند شده باشد  
 بر آورد صمغ و غن خشک و غن ترب از هر یک دو درم روغن عقرب سه درم و حمیرا  
 سفر تخم خرپوزه مغز تخم که و حب کا کنج از هر یک پنج درم حب لقتب دو درم آب خشک تازه  
 پانزده درم آب بر سیاوشان ده درم ادویه را کوفته بپخته با آنها بچوشانند و صاف کنند و با غلظت  
 جوش دهند تا بجای که آنها بسوزد و روغن همانند حجر الیهود را نرم صلیا کرده در آن داخل نموده  
 در احلیل بچکانند قطور که نفع است از برای قروح شانه صمغ و تخم الاغین کندر سفید  
 نشاسته افیون شیا فها سازند و در وقت حاجت بشیر و ختران حل کرده قطور نمایند قطور  
 بجهت قروح شانه و مجاری بول صمغ عربی نشاسته سوده بشیر و ختران حل کرده در آب  
 چکانند قطور برای این مرض صمغ پوست ختنشاش نشاسته رب لسوس نرم سوده سیا  
 سازند و در وقت حاجت بشیر و ختران سوده و احلیل چکانند حروف الکاف  
 کحل بقراطی جهت رفع سباض و سیدیل است و در اندک زمان قلع میکند صمغ شیشه  
 محرق مقبول و درم بوره ارمنی زیر البحر هر یک یک درم بدستور مرتب سازند کحل بر آب  
 دفع نزول که شروع شده باشد که بپزند و بعد و تقویت با صره نماید مقبول جدا بمجرع  
 صمغ بصری گل جنبه تازه هر یک دو درم مغز گاو گچی و و نیم ماشه مرغ سیاه و و نیم عدد  
 قرنفل و و نیم عدد دامیان مغز تخم سرسهند چمن مر و اید تخم کرنی از هر یک و و نیم ماشه  
 لیون کاغذی بازده عدد گلاب نیم آمار اول در لیون که تخم بر آورده باشند سنگ بصری  
 مغز گاو گچی کرنی سرسهند انداخته بند کرده بالای دیکه آن آویزان نمایند که در و باور رسد

در چهار پنج وز که لیون خشک شود باز در لیون دیگر بر کرده نگاه دارند باز کوفته بار یک سائیده  
در ظرف کانسای آب لیون انداخته از دو چوب نیم که در یکی از آن فلوس جسد سائیده با  
و در دوم فلوس س نصب کرده باشند بدفعات کمرل نمایند و امیران کلی گل چنبیل و دیگر  
دوا که نگاه داشته اند داخل کنند تا که صد لیون تمام شود بدان وقت مروارید سائیده باز  
از گلاب هم بر اکمرل کنند باز خشک کرده مثل سر سائیده نگاه دارند وقت صبح یا شب  
یک سیل چشم کشند و بعد چهار پنج وز چرک دندان در چشم کشیده باشند لثیب و دوا آن روز  
موقوف نمایند انشاء الله تعالی است آهسته نزول دفع شود کحل منقول از بیاض جدم مجوم  
جنت سیل نزول و تقویت بصر و دیگر امراض چشم ص سر سده توله سنگ بصری توله  
جسد که نه بکتوله سمندر چشمن دار بلد هر یک شش ماشه سوین کمی مروارید مرجان مشک کافور  
فیصوری نیلاته تخته تو تپای بارونی ناف سنگ شب یانی بخته مریج سیاه از سر یک باسه  
امیران چینی شش ماشه چاکو شیره گا و سر یک بکتوله بارچه غوری بکتوله چاکو را در گوهر کا و تر  
بوشداده وقتی که نیم بخته شود بر آورده خشک کنند و همه ادویه را حل کرده غلیظه کوفته بخته  
در کمرل انداخته ببت و در گلاب سحق نمایند از صبح تا شام بعد از چهل پاس بر آورده  
چهل روز نگاه داشته استعمال نمایند معمول راقم روشنی چشم و رفع غبار و بقای رمد و تقویت  
بصر کحل سلاق ص حبت پالی شش ام سر سده اصفهانی یکدام امیران چینی مریج سفید  
دانه موئه سفید از هر یک ماشه سنگ بصری پنجاه گلاب نیم طل گل خام چنبیل شش ماشه  
اول حبت را در کرچه آهنی گذاخته گل چنبیل کشته از پارچه بافته بگذارند اگر چیزی بماند باز  
باشند تا همه کشته در ربع طل گلاب تر نموده دو روز نگاه دارند پس ادویه را مثل غبار سائیده  
و در حبت انداخته کمرل نمایند وقت حاجت گلاب باقی مانده را نیز داخل نمایند و شنبیل  
گلاب داخل خواهند نمود و کمرل خواهند کرد خوب خواهد شد و بدانند که گل چنبیل از بار  
کشش مذکور است سوای گل چنبیل خام است کحل محرب جدا جدا بر آن دفع گل چشم



اصفهانى توتىاي هندی از هر یک و درم باقشیشا مرغان و هندی رنگ عقیق سرخ طلا و نقره  
 ما بران چینی فلفل سفید و زعفران اقلیمای نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان  
 نهري مروارید ناسته سافج هندی از هر یک شش درم یا قوت سرخ لاجورد سفته زعفران  
 مس سوخته از هر یک و درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل باز و قوت بصیر نماید و سود را باز  
 دارد و خفه جفن را سود دارد و ص شاخ عذسی شاخ هندی از هر یک و درم فلفل دم لاجورد  
 از هر یک نیم درم روی سوخته باز و هر یک یک درم قاقه شک زهر یک دانگی کافور یک طلوع  
 کوفته بجز بخیته بدان الکمال نمایند کحل که نرم آب را نافعست ص ص هره بزرگویی ده درم  
 شحم خطن کشتقال فیروزه نیشاد از هر یک نیم شقال سنگ نیم درم کوفته بخیته باب سانه یا نیا آب سداب  
 و خشک کنند و دیگر بار صلایه کنند و در چشم کشند کحل بنفشی که قره بر ویاند ص سخوان خزا  
 سوخته نیم درم دغان کند چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد و شسته ده درم  
 کوفته بخیته جفن کشند کحل که صحت چشم را نگه دارد و ص توتیاده درم شیان مایا سود و ص  
 سقوطی حفص کی از هر یک یک درم کافور دانگی کوفته بخیته باب غوره یا آب سماق پُرند  
 و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند کحل الجواهر که نظیر ندارد ص کافور و نجیل  
 هر یک انگلی شاد و آقا قیاف حفص شیان مایا سرطان بجزی اقلیمای فقه هر یک یک درم قوت  
 طباشیر و پنج هر یک یک شقال اصل فیروزه باقشیشا سفید ج نشاسته هر یک و درم مروارید سبز  
 بلبله زر و هر یک سه درم از زوت چهار درم آب غوره پنجم درم سر شسته درم کحل الجواهر و ص  
 مرکبات شاهی ص مشک یک دانگ باقشیشا اقلیمای فیروزه زمر و پنج ج لاجورد و مروارید  
 ناسته لید سافج هندی توتیای کرمانی پنجم درم کحل اصفهانى ده درم فلفل اقلیمای شرب سانه  
 کحل کبک احوال موجب و صمد لید احمده ص دغان و زرد و ص باقشیشا شسته  
 و چشم کشند و دغان باین روش باید کرد که سبز و سببایند و بخیته پُر کنند و نه و نه قیاس  
 سازند و در چراغ گذاشته روغن گل سرخ یا کبود انداخته روشن نمایند و بالای طاس یا کوزه بجا



و از گون دارند آذوقه در آن متعلق شود بعد از آن از پر مرغ یا کار و گرفته بکار برند و دهان  
 کنند جهت ابتدای نزول و سیلان رطوبات نیز مستعمل است و تجربه آمده کحل جهت وسیله که  
 سبب آن ضعف عضلات باشد مجرب است ص شادنج هندی بسد مایه ان چینی بلیله  
 هر یک یکدم شک انگلی بدست و رتب سازند کحل جهت نزول منقول از مجموع ص درخت باوان  
 را که بار آورده هنوز تخم او نمخته نشده باشد از پنج برگ کنده و صافی نموده در سایه خشک کنند هرگاه  
 خوب خشک شود بلیله و برگ و شاخ و بار که کوفته در سنگ سماق لبابند و هر روز اکتحال نمایند  
 و در انشای استعمال گلشن از برگ سوز خشک یا تر ساخته بقدر تحمل تناول نمایند کحل ار اساد  
 معروف بدو در الکاتب جهت حفظ چشم و نشف رطوبت و تقویت نظر سود دارد و ص شیا  
 مایشا نیز الور و هر یک و نرمی سرمه اصفهانی در پی آب باران و دو دم بلیله زرد و نیم دم آب  
 غوره انگور یکدم کافور و انگلی بدست و رتب سازند کحل معمول حکیم اکبر خان مرحوم جهت  
 در چشم و بقایای رده و سبل ص از روت سفید بشیر خرد و رده بر چوب که چسپانده  
 آتش ملایم بریان نمایند پس بگیرد از آن شش باشد و چاکس و در کسبه کرده بیاورند و در یک  
 که در آن آب خرد گیرند و داخل کرده باشند و بچشانند تا پوست چاکس نرم شود پس از آب و  
 متقشر نمایند و بگیرند از متقشر آن و سفید آب کاشعری منقول و کف دریا از هر یک سه باشد  
 رسوت چهار باشد نبات سفید یکتوله همه را زرد مصلای نموده در چشم کشند کحل الجواهر بنحو دیگر  
 ص مروارید ناسفته مرجان قرقری اقلیمیای فیهی اقلیمیای فضله پوست بلیله زرد  
 و نیمه قرنگ اشهد اصفهانی عقیق سوخته از هر یک و شغال مرجان سفید مایه ان چینی فودر  
 یتشاپوری اصل بخشی و ارفلفل صنم عربی حفضص کی زعفران شادنج عدسی از هر یک کتقال  
 بدست و رتب سازند کحل مبارک منسوب بحضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه در  
 الله تعالی منه ص کحل اصفهانی دو دم تویشای کرمانی ملح اندرانی هر یک یکدم مایه ان  
 چینی ریح شقال کافور یک چو طریق ساختن اینچنین است که پنج عدد بلیله زرد را خسته و دو

بگویند و باب شیرین نیز مثل بگویند تاریخ بماند صاف کرده و در جهان آب دوار استی کنند تا  
 مثل غبار شود از پارچه دارائی گذرانیده بکار برند کحل که با اکثر امراض چشم بسیار نافعست  
 ص روغن کافور ریاحی مشک خالص امیران چینی گفت در یامر قشیشا تو تیار است بکحل  
 مساوی گرفته کوفته بخیته اول در سنگ صلابه کنند یا در ظرف مسی که بی قلمی باشد خوب  
 بسایند که مثل غبار شود کحل که استعمال کرده بشود در ابتدای نزول پیش از قدح منقول  
 از مجربات طبری ص مار قشیشا دهمی مکلس که خاکستر شده باشد و خان کوزه نحاسی علمای  
 ذنب هر یک و می فلفل نصف جز و همه را سحق کرده تسقیه بخیته عقیق داده خشک کرده یا در  
 در آب رازیانه تسقیه داده خشک کرده یا یک نموده از حریر گذرانیده بعمل آرند کحل جهت  
 خارش اجفان و آشوب چشم که از بوی بخت هم میرسد از مجموع ص زهره ماهی خشک کرده  
 یک دهمی شوره قلمی پا و سیر بر و در خوب صلابه کرده استعمال کنند کحل از مجموع جهت  
 کوری و سبل و غبار و در کشته و بیاض ص میج یک شته در زهره هر قدری که تر شود در  
 باز خشک کرده بعد از آن در آب لیمو درده خشک کرده مفرغ کمرنی سنگ بصیرت  
 که در آب لیمو چهار بار داغ کرده باشند غنچه جنبی که خام باشد هر یک بندهام کوفته بخیته و رنگ  
 ساق مثل غبار بسایند کحل ملکایا سهراب از قلیاناست که بسریانی عبارت ملاک باشد  
 و در کتب یونان مسطور است که بقراط در خواب با دلمه شده محلل و مطلق و جانی  
 بود و جهت او اخر مرض صعبه و اقسام رمد نافع ص ایندروت مرئی البشیر الازع نشاسته  
 شکر سفید هر یک پنجم درم مغز شنبلیله یکدم کحل منقول از اکمل الصناعته نفع میکند ابتدای  
 نزول و ضعف بصیر و سلاق راص تو تیار کربانی مغسول تو بال محرق لولو غیر مشقوب  
 بسد سافج هندی اقلیسیای فضا صبر ستقوری سلطان بگری محرق زعفران سنبل الطیب  
 از هر یک و درم شامخ مغسول ششدم نو سادر فلفل ایض و در فلفل هر یک نیم درم شک  
 دانگی بدستور مرتب سازند کحل سافج از تالیف قدما است و در رفع تشنه و در رفع

و اکثر امراض چشم شفقت عظیم دارد و گویند چون روز شنبه چهارشنبه یا  
 طلا در چشم کشند از کوری ایمن شوند صبح سر سبز اصفهانی در شیشای نقشه بر یک چهار  
 اقلیسیای فصد بسد بر یک دو درم سافج هندی یکدرم مروارید زعفران هر یک نیم درم ششک  
 چهار فیله کحل باین روزی روز زایل کنند بر خند که صاحب علت ایوس باشد ص  
 در دالجر بوزره ارمنی سر کین سوسمار شک سفید مستقونیا با سوزیه بایک حل آبی که مایه ان روح  
 هر یک ده درم را در ان جوشانیده باشند تا بربع رسیده باشد که روز آفتاب ستیده پس  
 صاف کرده خشک نموده از بافته بر کن استعمال نمایند کحل مقوی بصر و غلط روح و نزول  
 آب خیالات مفید و در جمیع آثار قوی تر از شیاف مرارات است و بحدت کم است ص  
 توتیای کرانی مفول بست درم باب مروق قرقر خوش خمیر کرده خشک کنند و بسایند و بخوبی  
 و فضل و دافضل و مایه ان هر یک دو درم نوشادر یکدرم مجموع را گویند باب از یانه تر بسایند  
 و خشک کنند پس با توتیا مذکور از حریر بیرون کرده استعمال کنند و ترویت وی آنست که  
 آب مرزخوش کیشب در ظرف آهن گذارند تا در دبه نشیند و صاف بالا ایستد کحل غریز  
 از تالیف یونس هبت حفظ صحت چشم و قطع و مسحه و امراض که از راه بصر رسد تا فحبت و دریا  
 حلق مسافه او شل مسافه با سلیقون کبیر است ص قلیمایای و بهی تو بال نخاس توتیا  
 هندی و قنفل صبر برگ فرخ خشک هر یک یکدرم ملح هندی زبد البحر نوسادر هر یک یکدرم  
 و نیم ششک انگلی کحل و یکد هبت سبل و تاریکی چشم بسیار مفید است ص پوست تخم مرغ  
 شسته پاک کرده سوخته رن جوت در شیشای هر یک یکد شسته سنگ بصری دو باشد و بخوبی  
 چهار باشد ششک تاتی نیم باشد به دستور بسازند و بکار برند کحل هبت بیاض و سبل و  
 بصر و دیگر امراض فصد دارد ص مایه ان یکد شسته و قنفل یکد شسته و غیره مل شیره بخور شانه  
 در سافج شکسته با سوزیه کبیرند سنگ بصری سر سبز سفید و دوهی زرد و چوب پنج گلایه  
 هر یک یکد شسته و کبیرند کبیرند کبیرند انار و بکاین این همه را با یک سائیده در روغن باد

که نیم پاوه باشد سه روز خمیر نمایند بعد از آن فیتله از پارچه سرخ کرده برهغن مذکور آلوده کرده چراغ  
 روشن نموده کاجل در چینی خام بگیرند بعد یک روز چشم کشند و اگر گل نیم یا کاین در پنبه پیچیده  
 در روغن سیاه تر نموده در چراغ روشن نمایند و دهان آنرا در ظرف گلی آب زرسیده بگیرند  
 و در پارچه بسته چهل روز در آب ندانند پس برآه روده احتمال نمایند برای آفتوبت بصرد  
 روشنی چشم و دفع خارش بسیار مفید است که در مسمول اکمل الحقیقین بامام الحقیقین و الد  
 ما بعد صادق الملک محمد اکمل خان برای در چشم و روده و معده صلیب کافندی یکطل ایوان  
 خالص سه روز شب یانی ربع رطل اول شب را در ظرف آهنی بریان کرده بعد از آن  
 ایوان داخل کرده و آب لیمو قدری نیز داخل ساخته از دسته آهنی حل کنند تا غلیظ شود  
 و آب لیمو فانی گردد بعد از آن همین دستور آب لیمو داخل کرده باشند تا که بوجیه نیاخت  
 شود و بهای بسته نگاه دارند وقت حاجت باب را بسته اندکی گرم کرده که اگر چشم طاری  
 و چشم بیندازند کما و که شقیقه و اوجاع شدید و بیاخ غلیظه را نفعت صلیب برگ مرزنجوش  
 بایون بریکده درم نام قسط الکلیل الملک هر یک پنج درم گرفته بینه با حباب علیه شسته بکشد  
 نمایند کما و نافع از برای صداع هر یکی صلیب تخم شبت بایون پودینه و شتی سداس بودینه  
 سبوس گندم سبیه را کوفته در پارچه بسته گرم کرده بر سر کما و نمایند کما و نافع از برای سبک  
 صلیب قرضل سبیل سیاسه جوز بواج ترکی سبیل الطیب عاقر قرحا خاک باندی  
 جا و رس گرفته و کیسه کرده گرم نموده بر سر کما و نمایند کما و در دسده ریجی را سود  
 صلیب ناخواه زیره راز یا نه بریکده و شقال گل سرخ پنجبتال کوفته بینه در خراطیه که پاس  
 نیم گرم کرده بوجده گذارند و کیسه معده حسن آنگه د فوع وی بر سر آشینت باشند بر فرم  
 و وسط آن کما و که همین عمل کنند صلیب نمک سوده سبوس گندم سبیه هر یکده درم ناخواه  
 پنجدرم در پارچه بسته بکشد کما و که جهت تحلیل ریاخ اشاجون و مراق و تقویت  
 نافعت و ابلاقی در بالیو لای مرقی نوشته صلیب شبت فونج بری زیره سیاه

انسون تخم کرفس صغیر در آب بچوشانند و صاف کرده در شانه گاوانداخته و زغلو معده تمکید  
کنند نمایند که تا لایف شاه ارزانی جهت تسکین درد معده و امعاء و جگر و کلیه و سپرز و جمع  
اعضای آن جهت سیخ العمل و قوی را بجا نیت مفید ص با بونه گل سیخ سبیل حلیه تخم کنان تخم  
شست سوس گندم نمک اکلیل الملک جلیه یا هر چه بهم رسد بچوشانند پس در شانه گاوانداخته  
تمکید کنند و اگر استیخ یا نمک بدین تر کرده بر عفونند قوی تر باشد که او که تسکین و جماع و تحلیل  
نفخ و ریاح کند تخفیف عضو نماید ص نمک یک نرم جاورس سوس گندم سهر راور  
در کیسه کنند و گرم کرده بر اعضا نمایند که تا لایف احقر العباد جهت تحلیل ریاح معده  
و جمع آن بجا نیت مفید ص ریخ که گاوان از آن پارچه پیش و نیز سبیل ناخواه نمک  
زیره سیاه آفتابین بودینه خشک هر یک بقدر مناسب با هم آینه تمکید کنند که تا جهت  
او جماع کبد و دهان الغریب باشد ص ققاح اذخر بنجد رم سبیل ده درم مزرنجوش  
با بونه اکلیل الملک هر یک پانزده درم کوفته با ده رطل آب پخته تا بدو رطل آید با بونه  
نار دین روغن با بونه هر یک ده درم پخته و تمکید نمایند که تا جهت در و جگر که تا جهت در  
ص برگ عناب شلب برگ کاسنی هر یک یکدرسته و آب پخته و در عنق شست و آینه  
که او کنند که تا و جمع طحال را که کبیب برودت و ریاح غایبه و درم صلب باشد که تا  
ص پوست بچ که بزرگه طرفای و نیمه تخم فنجکشت پوره ارشی سداب انشده هر یک یکدرسته  
سهر راور سرکه تند بچوشانند و صاف کرده پارچه ندیا استیخ بدان تر ساخته ناشتا که او کنند که تا  
و یکدر ص ارزن حلیه تخم کرفس ناخواه در پارچه کرده نیم گرم بر ناف نهند و جمع ساکن کنند  
قوی بکشاید کلک لاج سرب از لفظ سندی است که پیلانه است یکدر سرد و یا مینی  
مکی که در آن بلبل داخل شوند و نشود بعضی نفخ سهر و تا و بل و بلعت بمعنی میوه است  
استغفار و برودت معده و تب های کهن و سرفه بلغمی و ضیق النفس قوی و طحال مصرع  
و شقی و اختناق رحم را سود دارد و بول بکشاید ص بلبل یا سیاه پوست بلبله آینه تقشیر

از هر یک هفت گرم فلفل و از فلفل زنجبیل فلفله و به نمک هندی سرخ نمک سیاه اندرانی نمک طبر  
 لسان الصافیه شیطیح هندی سعد خیر لیا قرقه فلفل سحر برنگ کابلی نقشه شونیه حب لیلی زرد  
 کوبانی سانج هندی تخم کرفس کشنیر خشک زهر یک پنجم گرم تبرید سفید صد و پنجاه گرم فلفل  
 خیار شنبیره و درم سوزنی نیم من شیر کله موین را در شش من آب بنزداد و من آید پالاید  
 خیار شنبیره و آب حل کنند و سه من فایند و در آن حل نمایند و نیم من روغن کنیا یا نیا منند و  
 بچوشانند تا بقوام آید و دروای دیگر را کوفته آن بپوشند شربت پنجم باشنیر شربت آب کشکاب  
 کلک کلا پنج بار و استقاده از رافع بود حصا و از لیون مدبر غار لیون پوست بلبله زرد و از هر یک  
 پنجم گرم عصاره فستقین سه درم پنج سوس گل سرخ تخم کاسنی منفر تخم خربوزه رب اسوس یک  
 دو درم تخم زنجبیل فلفل خیار شنبیره فایند شربت زهر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورده و از  
 دیگر را کوفته آن بپوشند شربت دو درم تا چهار درم کلک کلا پنج بار نافع است استقای  
 که آن حرارت نباشد حصا و از لیون مدبر غار لیون پوست بلبله زرد و یک پنجم از هر یک یک  
 ایر ساسه درم ریوند چینی عصاره فایند سنبلیلیون از هر یک و درم کوفته بپنجه سجون  
 سازند با عسل شربت سه درم یا چهار درم کیوس استر خا و قند را فایند است حصا جفت  
 بلوط قشور کند شمع محرق و در خشک قایم یای فقه سیه اباریک ساخته بر فاده نهاده  
 بر بند حرور اللام لکاحه که منع عفونت کند و صداع را نافع بود حصا و از لیون مدبر غار  
 کشنیر کلاب سر که سیه را مخرج نموده در ظرفی کنند و بپوشند لکاحه برای صداع صفراوی  
 حصا گل ارنی سر که آب کشنیر کافور صندل بطریق متعارف بپوشند لکاحه نافع برای  
 صداع که حادث از ضعف و مانع بود حصا و از لیون مدبر غار شربت پروغن بپوشند که آید آب سبب  
 شیرین کلاب آب فرخ شمشک در شیشه سر کشاده نموده شصت و پین بی حرکت و بند لکاحه  
 معمولی علامی فنامی و الداجد بخت صداع حار و ابتدای سرسام نافع حصا و از لیون مدبر غار  
 گل نیلوفر یک درم گل ارنی پنجم درم در سید شمشک بختقال سائیده آب که آب خیار شنبیره



کرده بقوام آید لعوق که اخلاط غلیظه دهنه آرد و موجب ست ص کن در چهار درم مرصافی و قوام  
 در سه اوقیه پنجم حل نمایند و بچوشانند تا بقوام آید لعوق نماید لعوق الصنوبر پنجم که صاحب دفر  
 ص کنوز صنوبر که با نقشه اید ص صغ عربی که تیز از هر یک یک نخ و تخم کنان مقلو قمر برونی منزوع  
 از هر یک هفت جز و کوفته بخیته بروغن گاو بر ابراد وید و و چند اجزا عسل کف گرفته بمجون سازند  
 شربت یک سار لعوق اهلل موجب برای ربو غلیظی هرگاه استعمال کرده میشود و هفت جز  
 تنوالی ص اهلل یک و قیه کوفته بخیته در روغن گاو نیم اوقیه است نموده بعسل کف گرفته نمیشد  
 لعوق نماید لعوق طباشیر نافع قروح ریه و سینه و حرارت و خشونت آن ص صغ عربی  
 نشاسته تخم خشاش سفید از هر یک هشت درم طباشیر چهار درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین از هر یک  
 درم تخم خنایی تخم خطمی از هر یک سه درم کوفته بخیته با یک نموده با عسل مصفی روغن بادام  
 شیرین بمجون سازند و در ظرف چینی بریزند و بروقت حاجت لعوق نماید لعوق صبیان جهت  
 حرارت و سرفه و خشونت گوی اطفا آن شیر یاو یا شیر الایع آمیخته بلیبیا نند ص صغ عربی که تیز اسفید  
 ریل سوس قد سفید هر یک چهار درم مغز بادام وید کوفته بخیته بعسل است بشند لعوق زرقا  
 ربو و سرفه کنه را با فصت سینه و تش را از اخلاط غلیظه پاک کند ص زرقا ربو یا بس پنجم سوس  
 آسمان گون هر یک هشت درم در سه رطل آب بچوشانند تا بر طلی آید صاف نموده با یک رطل  
 بقوام آید و صاحب اعراض نوشته که زرقا ربو و پنجم سوس را کوفته بخیته بکنجبین یا با انگبین  
 بشنند و اگر پنجم سوس حاضر نباشد شونیز عوض او کنند لعوق برای سسلول نافع  
 سعال میسی را نیز سود دارد ص لعاب بهدانه لعاب سپحول لعاب تخم خطمی آب ناشیرین  
 آب خیار آب کدو آب برگ خرفه آب نیشکر از هر یک بیت درم صغ عربی که تیز اسفید و انیسون  
 شکر الکشر تخم خشاش از هر یک پنج ستر شکر نیم آمار بدشور لعوق ساخته عسل قدر  
 قدری لعوق نماید لعوق برای بومید ص عسل و دقین بزرگ کنان و روغن بادام لعوق  
 برای نوازل حاده ص خشاش رطب مع پوست یک رطل در شربت رطل آب بچوشانند



تا که سوم حصه باند صاف نموده بایک نیم انار شکر بقوام آرند و بالائی آن گلخانه غصص افاقیا  
 و سماق معصاره لحیته التیس و خرئوب شامی از هر یک یکدم افیون صری داخل کرده متصل بچند  
 نخاله معمول و الداجد حکیم علوی خان مرحوم برای سرسام حارص صندل سنج صندل  
 بگلایب سوخته گل ارمنی شیاف مایه تا حفضص یکی پوش در بندی طباشیر سفید سوخته آب  
 کاسنی تازه آب کشتیر سبز تازه آب سیب شیرین آب به شیرین آب پیمان تازه آب برگ  
 مورد و گلاب عرق بید مشک طلع سرکه انگوری شیر و شتران روغن گل روغن بنفشه و غر  
 نیلوفر داخل کرده در شیشه گسترشاده پیش بینی علیل و ایم حرکت دهند و او را بپوشانند روزا  
 علت بپای طباشیر فادانیامی کنند و روغن نیلوفر و آب مورد و آب طلع نمایند و نخاله  
 ستوی قلب و مانع حص پوست سب عود غرق صندل سفید پوست قاقله صندل پخته بستر  
 پنج بنفشه بسیاره او ویرا کوفته و عرق بهار و گلاب شرک کرده در نخاله دان نموده بر آتش  
 ملایم بگذارند تا ابجره بوساطت هوا و باد باغ برسد و نخاله که خواب آورد حص تخم گل پنج تفاح  
 از هر یک یکدم افیون و انگلی کافور و دو انگ کوفته در ظرفی کنند و بپزند و لطوخ برای  
 شقیقه و صدراع نافست حص مرهم کاهو هر یک یکدم بزر الیچ کثیر هر یک دو انگ  
 افیون نیم دو انگ بر سر که بیشترند و بر کاغذ بسوزان زنند و بر شقیقه نهند و لطوخ جهت شقیقه  
 معمول و مجرب است حص کثیر اصمغ عربی تخم کاهو تخم خشاش تخم کاسنی دم الاخرین حفضر  
 زعفران کوفته بنجینه در سفیده تخم مرغ سرشته کاغذ را بسوزان بزنند و بر و مالند و دیگر مر کرده  
 بر شقیقه بپایند و لطوخ دیگر مجربات بجهت در شقیقه حص کوکبا گل سرخ کشتیر خشک زرد  
 چهار ماشه بابونه سه ماشه پنج تفاح کلیم ماشه بزر الیچ سه ماشه افیون یک ماشه پنج بنفشه سه ماشه  
 صندل دو ماشه و کلیم نیم توله او ویرا شب آب تر کرده صبح چوشانیده روغن گل  
 آبیخته با چوشانند تا که روغن بماند بعد از آن بر بار چ غلیظ مالیده بکار برند و لطوخ جهت  
 در شقیقه مجرب است حص بزر الیچ تخم کاهو شیاف مایه تا حفضص گلوند پنج تفاح از هر یک

یکماشته افیون نیم ماشه گل سرخ صندل انزروت از سربک یکماشته در آب گ موز و کشمش پخته  
 سائیده بر کاغذ سوزان زده چسبانند و بر شقیقه بنهند لطوخ که ز کام فرسن را ناقصت صحر  
 لادن کو بان مصطک کندر زفت رومی گل بابونه سنبل الطیب سربک چسب و س  
 موم سفید روغن نرگس یا روغن گل یا خیری سربک چهار جزو موم را در روغن بکند از زرد  
 و دانه را کوفته بخینه بآن برشند و بر پارچه مالیده بر سر بنهند و سه روز بنهند لطوخ نزله جار  
 رقیق که از لوثات و استعمال منقذات مانا نشاوده باشد از این لطوخ بسبب یقینیت و مرغ و کشمش  
 تعلیظ سواد بلایند ص بکند تخم خشتاش با پوست و بکوبند و با ورق آس و روغن خلط  
 بوشانند و بعد علق راس لطوخ نمایند و اگر باین لطوخ گل ارمنی و گل محتوم آب بارنگ  
 بر وجه طلاء نمایند اقوی خواهد بود لطوخ جهت دفع نزله مجرب ص قطعه کاغذی  
 موافق پیشانی از سوزان سوراخ نموده بر بالای آن کاغذ زعفران و افیون مالیده بر  
 گرم نموده بر پیشانی بچسبانند و بالای خیری بنهند لطوخ نزله بند منقول از خط و الی  
 ص صمغ عربی کثیر آفرینش نشاسته حقیض یکی نذر البیج حید و از خطاتی افیون زعفران  
 پنج قلع در گلاب آب کشیده خشک سفید تخم مربع سبزه یک کاغذ که برابر و پیه باشد  
 کرده سوزان سوراخ نموده و ابران طلاء ساخته بر شقیقه بچسبانند لطوخ سهول  
 و لذت ص تخم کاهو تخم خشتاش افیون زعفران نذر البیج ورم الاخوین صمغ عربی کثیر  
 گل سرخ انزروت اگر حاجت باشد کافور قصوری نیز اضافه نمایند و بعد وید را کوفته بخینه  
 بسفیده تخم مربع آمیخته هر کاغذی که از سوزان سوراخ کرده باشد بر شقیقه بچسبانند  
 لطوخ برای دما الشلب ص فرمبون یا شتاروغن خار از سربک و شغال کبریت  
 آتش ندیده خریق سفید و سیاه از سرب و که ام که سرچو باشد سربک یک شغال دو پیه را کوفته  
 و بخینه نه درم موم که دخته بروغن خار یا روغن سید یا خیر یا زیت مخلوط نموده استعمال نمایند و این  
 دو اقوی الاثر است هرگاه دار الشلب از سه طسوخ بار یک نموده باینرند استعمال نمایند

لعوق پستان برای نفث سواد سینه و سرفه و نزل از مجربات است ص پستان  
 قره پنجاه دانه عناب بیت اند اصل السوس یکتوله تخم خطمی سفید چهارم باشد پوست خشتا  
 و توله بیدانه سه دانه تخم جنازی چهارم باشد در و آنرا آب بجوشانند و با نبات بقوام آرند و در  
 آخر قوام شیوه و مقلش شیر و مغز بادام مقلش شیر و تخم خشتا یکتوله افزایند بعد از آن کثیرا  
 رب السوس سوده هر یک سه دانه اضافه نمایند و بقدر دو باشد و روغن گرفته لعاب آن  
 فرو برند روزانه چار پنج دفعه وقت خواب چهارم باشد بخورند لعوق برای سل منتقل از پستان  
 عم و حوم ص سقر تخم که در سقر تخم نیارین مغز بیدانه مغز پنجه و آن تخم خشتا شش اند و در وقت  
 سفید کثیرا سقر چایزده ایساز و فای خشک از هر یک و منتقال گرفته و بنده باشد پوست زرد  
 رشته شاول نمایند شربت یکشقال لعوق ناروان جهت تقویت سینه و دفعه  
 عنف موجب ست گل سرخ آرد و بخیل پوست بیدان پوسته لاله خشک از هر یک پانزده  
 منتقال منتقال جهت شغال قلع تخم مورد و هر یک منتقال چهارم و سه رطل آب بجوشانند تا یک  
 رطل بماند صاف کرده همراه آب پیچ و آب عوزه و آب به آب تمر سندی هر یک یک است و پنج شقال سکه  
 شصت و دو و شقال نبات دو و صد و شقال بقوام آرند و اندک اندک بایند لعوق  
 خاریقون فساد شصت را که از بلغم و صفرا بود نافع است ص غاریقون سفید یکشقال  
 راه بند چینی یکدرم حمیش غاف بندر خم نین بعدرم کوفته بنجیه و بنجدرم شربت بیخ کاسنی  
 آسیخته لعوق سازند لعوق بصل سبی است و منی را زیاد کند ص بگیرند پیاز سفید و  
 کوفته آب آنرا بگیرند و مقدار نیم رطل آنرا یک رطل غسل صاف کرده داخل نمایند و بنزدیک  
 پیاز برو و غسل بماند و در ظرف چینی یا زجاجی کرده وقت خواب دو ملحقه از آن بایند لعوق  
 دیگر منتقل از قانون بحیت تقویت باه ص خرا و طبعه مساوی بجوشانند و صاف کنند و  
 چوشانیده را در غسل معنی مطلق کرده چوشانند تا بقوام آید شربت بقدر یک و نیمه  
 لعوق خشک در همانند قلع است برای تقویت باه ص بگیرند خشک در آب

قدری که از سران بگذرد و بچوشانند تا صف شود پس آنرا فشرده صاف کنند و در آن مرتبه دیگر خاک  
داخل کرده بچوشانند و صاف کنند پس تبسم خشک و خل کرده بچوشانند و بنیدازند در آن زنجبیل با  
دار فلفل از سرکه ام که باشد یکدم و با عسل و فانیذ بقوام آورند لپوب متوی باده و دماغ و حباب  
نزله نیز مفید ص مغز بادام متشکر یکطل مغز لسته نیز یکطل تخم خشخاش و درطل سیده سفید یکطل  
همه را شیره گرفته در روغن گاو نیم رطل نبات سفید یکطل قوام داده بطور حلوا بنزد چون ترب  
شود مشکاتی سه ماشه زعفران شش ماشه بگلاب سوده بالای آن ریزند و در ظرف چینی بپزد  
کرده مثل لوز بنیزند و در توله صبح بخورند لپوب کبیر کرده را گرم و فوی گرداند و منی بفراید و  
نشاط آورد و باده را زایده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگت اینکو گرداند  
و در امر جماعت نظیر دار و ص مغز لسته مغز بادام مغز فندق مغز جبهه الحضر از هر گردگان مغز لسته  
مغز حب از لم مغز حب لبطم باسی رویان خولجان شتاقل بهمنین تو درین زنجبیل کبیر متشکر <sup>چند</sup>  
از سر یک پنجدرم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کباب حب القنطاریل تخم گندم تخم شلغم تخم ترب تخم باریز  
سبب تخم بلبلون لسان العصاره در روغن عذری از رسا و از هر یک سه درم جوز بوالباسه و قو له  
دار فلفل از سر یکد و درم خضیه الثعلب نابیل تازه مغز کشته خشخاش از هر یک سه درم قصبه گان  
سوده سورنجان لوزیدان نعناع خشک از سر یک چهار درم بایشته اراکلی زعفران <sup>سبب</sup> از  
هر یک سه درم شتاقل عود خام و شتاقل ورق طلای سی عدد و ورق فند و بجا عدد و غبار سبب شتاق  
مشک نیم شتاقل عسل سه وزن او و به بطریق مشهور ترب سازند لپوب سبب منی زیاده کند و  
و مشابه را قوت دهد ص مغز بادام گردگان جبهه الحضر مغز حلونه مغز حب از لم فندق باریز  
مغز حب النعل خشخاش سفید تووری سرخ و زرد متشکر تخم جویه تخم باریز تخم شلغم تخم است بهمن  
و سفید قرفه زنجبیل دار فلفل عاقر قرحا کباب و از چینی شتاقل خولجان تخم بلبلون مسادی کوفته تخم  
باسه و زن او و عسل همچون سازند شربت و درم لپوب منقول از ذخیره ص مغز لسته  
مغز حب الحضر حب لصور کباب حب لصور ص مغز لسته مغز نابیل تازه مغز گردگان تخم بلبلون

از سربیک کجور شتاقل حبس از لم لسان العصاره زنجبیل از سربیک نیم جزو مجموع را کوفته با  
 مصغره برشته معجون سازند شربت تا چنان شتاقل و اگر مفر کثیف کجور و قوسخ خشک و در فلفل از  
 سربیک بع جزوی داخل کنند اقوی در افعال خواهد شد لیوب بار و منقل از ذخیره جهت  
 نقصان باده که سبب آن حرارت باشد ص منقر بادام شیرین متفرخ شتاقل سفید از سربیک  
 ش درم منقر تخم کدو پنجه درم منقر تخم خربوزه منقر تخم خیار منقر تخم بادرنک تخم خرفه متفرخ از سربیک سودرک  
 دو درم تووری زر دره تووری کاکون تخم کدو تخم لیون منقر خنوزه از سربیک یک درم زنجبیل خالص  
 شتاقل سربیک پنجه درم کوفته بنجیه یا زنجبیل یک من بقوام آورند شربت دو درم لیوب ابریشم  
 از اختراع بعضی متأخرین است تقویت کرده و باده کند و تولید منی با فراطنا می دهد ص منقر بادام منقر  
 حبه الحضره منقر حبس از لم منقر حبس فلفل شک بهمن سفید شتاقل و در حبس زنجبیل و در فلفل  
 که با بر قرفه ورق انقره تخم لیون خولجان سربیک نیم تولد زعفران یک تولد منقر خنوزه منقر خنوزه  
 منقر لیوب تووری سرخ و زر و سربیک تولد و نیم نارسیل شتاقل سربیک چهار تولد ابریشم متفرخ پنج تولد  
 ابریشم پادیسر عالمگیری کلاب نیم شیرین سه چند همه لیوب جو اسیر کرده تقویت باده اشتهای نام دار  
 ص عطر لای که مشهور به جوس است یک تولد تخم انجیر تخم شلغم تخم سیاه سفیده عنبر شتاقل  
 انیسون ایر ساورق طاهر ورق انقره و درید لعل بدخشی که رای که سی سربیک و تولد و چهار ناشه  
 منقر تخم حیارین همچنین منقر تخم خربوزه سربیک سه تولد که بعد شربت حبه لسان زنجبیل تخم است  
 شتاقل منقر کثیف که نه نالی خفیه خروس خشک کرده شتاقل سربیک سه تولد و چهار ناشه  
 کاکلی چهار تولد چهار ناشه منقر بادام متفرخ منقر خنوزه منقر حیارین از سربیک هفت تولد انباشته پانی پاک و یکا و  
 سفید نبات چهار ناشه شتاقل پتور و سربیک سازند لیوب از مجربات حکیم کمال الدین حسین شیرازی  
 که تریاقی است در ساز دیابا و ص جزو بهیستر شتاقل انیسون فلفل سیاه حبس لعل حیات و  
 مایه شتر اعالی ملو و درم تووری زر و کاکون لسان العصاره شتاقل مصری همچنین  
 صید منقر کثیف که نه نالی خفیه خروس بدخشی که رای که سی سربیک و تولد و چهار ناشه

تخم کرم خنجر بر یک پای فرقی و در آن رخ بنفشه سافج هندی بر یک چاشنی شغال خصیة السلس  
 بیت شغال مجموع کوفته بخیه مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز انجلیک مغز نقل خواجیه مغز بادام  
 مغز تخم که و شمدان تخم خشخاش سیاه و سفید و مغز تخم بلاد و مغز چلبوز و مغز تخم بیدان مغز تخم خربوزه  
 تخم گردگان مغز بادام تلخ مغز تخم شغال مجموع این لبوب را روغن بکنند و اجزاء را کوفته بخیه بادا  
 چرب سازند و با سه چندان او و غسل کف گرفته بقوام آید و هر صباح دو شغال از آن باشد  
 آهسته آهسته اثری بخورند لبوب دیگر از مشروبات حکیم مذکور و مجرب است ص لعل بدخشی  
 یا قوت رانی بر یک یکدم و نیم طلا محلول و نفقه محلول و فلفل عنبر اشب سنبل الطیب سافج  
 هندی بر یک و درم یک یا نه بنجیل سحر زرب تخم باد و بنجوه زربا و بنجیل تخم کدر است کبریا  
 بسد بر یک سه درم همین کسرخ و سفید بر یک چهار درم قر قش حب از لم مغز چلبوز و خولجان  
 قاقله تخم شانه زرشک و زرشک صندلین گاوزبان تخم خشخاش و ورق گل کسرخ باد بنجوه  
 تخم بلبلون قرقه اسارون و روغن جوز بواشته گل قرقه از بر یک چند درم شفته و خسته با  
 زعفران بر یک پانزده درم غسل سه چندان همه لبوب که از اسرار اطباء است تا کف  
 شمشل الدین ابن بلال اردبیلی که لیاقت بقوی باه دول و مانع است و مداومت کننده  
 او قبل از جماع و بعد از جماع امین است از عرق النسا و نفوس و نقصان منی و اعراض  
 عصبانی ص مشک انگلی و نیم و در چینی فلفل سنبل الطیب سارون بسا سه کبابه سوز فنه  
 و از فلفل عود و جوز بوا زرشک عنبر اشب عفران بر یک کیشغال بنجیل بوزیدان فطیرین  
 الزل و در پنج حبیبان حبیبان فلفل سفید مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو تخم پیاز تخم شانه تخم طنبه تخم  
 سفید شکاده و دو تخم زرد تیرک تخم گندما تخم بلبلون خشک مری بر یک و درم شغال خولجان  
 مغزی همین نو دین لسان الله و فلفل سفید بر یک و درم با جیل حبه الخضر اسفرا بادام  
 مغز چلبوز و مغز پسته بر یک بر یک با غسل آب سرد و درم و درم و درم و درم و درم و درم  
 از دو شغال تا سه شغال و در اجزاء تخم نوشته که من جهت سندانین افیون زعفران شغال

بنبرشته اعلاي تهتمثال افیون نبرالنج هر یک در شغال و بدل شفقوراهی رو بیان کرده ام  
 و قدر شربت از افیون دارا و نیم شغال تا یک شغال جبت افیون خوار با **باب** لمیم  
 ماو اللحم غذای است مقوی دل و دماغ و مولد خون و رافع ضعف و سرالنج التغذية و التقوية  
 خاصه که باو قدری شراب مفرج باشد قلیل طماعه میگوید که گوشت اگر چه غذا صرف است  
 لیکن آب او در حال ضعف قلب خلی تمام دارد و خوب ترین گوشت درین امر سرکه سیاه  
 است و در بعضی فرجه گوشت کبک مرغ بهتر اینکه گوشت بز که گوشت طيور جمع نباشد لیکن اکثر  
 الموداق قد جمعوا عنهما کانه سیریمه خب قبل الصل بها و آنچه از فراسچ در قبه جدی سازند  
 و قلیل الحار است ماو اللحم بیکه گوشت فربه و سنج از چربی جدا کرده ورق ورق  
 نمایند و در آب شیرین به پزند که آب یکسان شود و آب غلیظ که در پس  
 در قرق و اثیق عن کشند اقم اکثر و ضعف و جمی و ق یا بعضی ادویه مناسبه برآورده شغال  
 کرده بسیار منافع مشاهده نموده و دیگر طرق برآوردن ماو اللحم بطبع فواید در علاج الامراض  
 مذکور است ماو اللحم مرکب منقول از خط افضل تحقیق اکمل المقتبین والد ماجد حادون الماک  
 حکیم محمد اکمل خان برای کافین ضعف قلب بالینو لیا فحست ص کبوتر نه عدد و در پنج  
 هر یک پانزده عدد و قرح سه عدد و کشک نر پنجاه عدد و زرشک پایا و آمار آب سب آب  
 انار شیرین آب سپاتی هر یک یکصد عدد سانه چار توله کشک گل سرخ هر یک یک توله  
 برگ گاوزبان نه توله اسطوخودوس و نیم توله گل گاوزبان هشت توله باورنج و پیشانی  
 ابریشم خام چهار توله قرح کشک بالنگو هر یک سه توله گل نیلوفرش توله عود غرق پوست بنم  
 هر یک چهار توله کلاب یکسیرید ششک دو سیر عرق گاوزبان و نیلوفر هر یک یکسیر ششک  
 عنبر زعفران نه ماشه طباشیرش ماشه الاهی خورده سه ماشه قنصل دارچینی هر یک یک توله  
 متعارف تیار سازند و اگر فراج حار باشد کافور پیفز ایندرا ماو اللحم تالیف حکیم باقر موسوی که  
 همین منفعت دارد و تقویت قلب هم می نماید و خفقان بار و نا فحست ص گوشت

فربه دومن تبریز مرغ جوان هفت قطعه گلاب کین تبریز عرق بید مشک عرق گاوزبان از  
 هر یک نیم من تبریز دارچینی ده مثقال صندل هشت مثقال دانه سیل قرنفل عود <sup>مطلک</sup>  
 رومی نار مشک از هر یک پنج مثقال عنبر اشب یک مثقال ونیم بدشو و مرقی عرق کشند و مشک  
 و عنبر و نیم عرق کشتی به بندند ماء اللیحم تالیف راقم جهت مالینو لیا که از احتراق خون و صفرا بود  
 و حی دق را نافع باشد حص گوشت بز خاله و پاچه بره جوان و گوشت میش شش ماه هر یک  
 دو رطل پاک کرده ورق و رزق کرده بعد از آن صندل سفید کشتی خشک گل سرخ دانه سیل  
 طباشیر سفید از هر یک پنج مثقال دارچینی یک مثقال کوفته بنفشه بران باشد و عرق گاوزبان از  
 نیلوفر و گلاب عرق بید مشک عرق بید ساده عرق کاسنی عرق صندل از هر یک یک کسب  
 فراح بقدر ضرورت عرق کشند و نه آنرا بعد از آن که و تدرینند که ده برگ خرما سفناخ گل  
 نیلوفر کا هو برگ بید با گل آن گل سرخ یا قلاتر گاوزبان گیلانی گل گاوزبان از هر یک نیم  
 رطل تخم ششام کهنه سبزه سفید از هر یک دو توله تو درین از هر یک یک توله داخل کرده و آب با عرق  
 مناسب بقدر احتیاج اضافه نموده بقدر هفت آثار عرق کشند و عنبر اشب بقدر یکدوم و نیم بچینند  
 و اگر حاجت داند کافور و طباشیر نیز مرتبه دوم بنظر آید ماء اللیحم نیمه و یک مثقوی قلب و بر  
 ناهمین نافع بود حص حلوان شیرست یکدوم و چوب مرغ و دود قرنفل یکدوم و دارچینی نیمه اصل  
 و توله صندل سفید دو توله کشتی خشک شش چار توله <sup>مطلک</sup> و توله گل گاوزبان چهار توله  
 مشک ترکی سه ماشه عنبر اشب سه ماشه عرق بید مشک و شیشه گلاب هفت شیشه بدشو  
 مرتب سازند ماء اللیحم تالیف والد ماجد در تقویت قلب و معده بارده و یا به بسیار سفید  
 حص گوشت دراج نیم آنرا گوشت بغلی آنرا گوشت همه آنرا گوشت فنج تمام آنرا گوشت گنجک نرنگ  
 پاوانا گوشت کبوتر چنگلی نیم آنرا گوشت ارا پاک کرده ورق و رزق نموده و عرق  
 مناسب با آب مهربان بعد از آن قرنفل پوست بیرون پسته خوانبان بونیدان جوز بوالسبا  
 گل سرخ طباشیر سفید گل گاوزبان بادرنجویه از هر یک توله دارچینی الایچی خور و نافع است



پوست ترنج کشیده خشک متعش حنظل سفید گاوزبان گیلانی بهنبن شقاقل نووری سفید  
 و کلگون از هر یک دو توله خود عرق نیم توله در پنج حفری یک توله زعفران نیم ماشه لسان  
 مسطکه دو توله شک دو توله و در ماشه عنبر اشوب و ماشه تخم و خشک یک توله تخم لیون دو توله  
 خرفه دو توله و در ماشه کابی و توله لیلی کابی و توله آب سیب نیم آنا آب نیم آنا گلاب و آنا گلاب رده آنا  
 عرق بادرنجبویه و آنا آب بقدر کفایت فحل کرده عرق کنند ما را لایح سفید است از برای  
 نقصان باه و فکیکه سبب آن ضعف بدن و کمی غذا باشد حس اچوب بکینی غرق اعلی  
 بهفتا و شقاقل گل گاوزبان بادرنجبویه سنبل الطیب از هر یک پنج ماشه شقاقل قرقر ل را پنج  
 قاقله کبار جوز بوا السباسبه بادیان فارسی بادیان خطائی بهنبن خشک مغزی حنظل سمرق  
 حنظل سفید مسطکه زعفران کبابی چینی اشبه غنچه گل سرخ زربا و شقاقل قرقر خشک تخم لیون  
 عود هندی از هر یک ده شقاقل بوزیدان عنبر اشوب از هر یک شقاقل خشک جالوس  
 دو شقاقل گوشت گوسفند گوشت مرغ گوشت کبوتر از استخوان جدا کرده از هر یک گشنیز  
 کشمش زنجباده قطع و عرق عنبر اشوب عرق شک گلاب عرق گاوزبان عرق بهار  
 نانچ عرق بادرنجبویه آب بقدر ضرورت عرق کنند و او را با این عرق نسیانیده باز عرق  
 کنند عنبر و شک و مسطکه و زعفران را و پارچه نازکی بسته و جای که عرق میگیرد بگذارند و هر  
 صبح را و سه ساله قهوه خوری از آن بنوشند ما را لایح بهنبن و دیگر بجهت خوابیدن کوره مس  
 مرغ دو قطعه گوشت کباب و قطعه گوشت بره فربه که از چربی جدا کرده باشند لیون بهر نیمه  
 پرچم بر کرده و در چینی صغرفارسی سلیمه و هندی خود صلیب قرقر ل مسطکه استخوان حنظل سفید  
 حنظل سرخ شقاقل خولجان زربا و جوز بوا السباسبه سنبل الطیب ساقچ هندی زنجبیل از  
 هر یک دو شقاقل کوفته برگ گوشت پرچم کرده بپاشند و یک شب بدارند و روز شش تا سه روز  
 کلابه و یکدست من شیر به عرق بید خشک آب شش ملایم عرق کنند و عنبر اشوب و و انک  
 عرق کشیدان و در جای که میگیرد بگذارند ما را لایح که بجهت کمی از امزای غلظت ساخته بود

مقوی باده و بنایت مسکن و عسل سیاح و جنت سنگ کرده و شانه و تقویت آن سفید و وجع مفصل و  
 صاحب ترید و امراض بار و کافیه آید اصل حلوان شیرین است سید قطره که خشک زرد خاکی صندل و  
 بیهضه اخوان هر یک پنجاه عدد چونه مرغ سی عدد و راج بیست عدد و گوشه ها از استخوان و رشید یا  
 کرده ورق و ورق نموده و راغنی بپزند و هر چه نموده و راغنی بپزند و هر چه نموده و راغنی بپزند و هر چه  
 و سفید شقاقل مصری ثعلب مصری سورنجان مصری گاو زبان گیلانی انسان العضا فیروان  
 خطائی چای خطائی قاقه کبار قاقه صغاره و عرق تخم کز تخم خربوزه گل سرخ صندل و خضر و باد و بنفشه  
 خطمی سفید پستان پشیا و سان حب السمنه پودینه خطیانا ای رویان و لیمون حب الطمن  
 تخم خبازی هر یک ربع رطل تخم لمبون معاش بوزیدان قره سیلونه مصطکی و قیصر تخم انجیر و شنبلیله  
 بندی صندل سرخ تخم ترب تخم شنب استخوان خود و سنج سوسن آسمان جونی زرد و صندل و گلاب  
 تخم بالنگوسمک صیدا تخم شترتی تخم زیمان برگ فرغشک زرب اسارون کوکند از هر یک شش  
 رطل گل گاو زبان کباب چینی یا شتر اعراقی سفید الطیب تخم جرجیر حب القلقل تبسلی و بنفشه  
 عرق سیسیا اوس عود و صلیب سحر قنطاریون و قیق شیطرح بندی ریگ ای و درون عرق  
 و اسیدون لبیا سه جزو از هر یک شش شقال و از چینی شنداب شیم از هر یک نوزده شقال و از  
 مرلی رب سیب شیرین رب انار شیرین از هر یک دو رطل نبات شش رطل موسیائی کافی خجسته  
 سعد کوفی جاد و از بنفش زعفران مشک خالص غیر شنب از هر یک یک تنه و از بجان تازه سه تنه  
 چوب چینی قسم اول انجیر زرد و منقش شمش هر یک یک رطل ناخواه زود فاشک اگر ترکی از هر یک شقال  
 عنب و لاتی صندل و انگیزد و سوامی زعفران و مشک عنبر انجیر از اذویه کو قنی است و گوشه ها  
 مذکور انداخته یک شبانه روز بگذارد و زعفران و مشک عنبر را در پارچه بسته در سرخ بپزند و روز دوم  
 گلاب و شیشه بید مشک و شیشه عرق گاو زبان عرق خاز شک هر یک سه انار آب گذر تازه  
 آب نیشکر که همین زمان بر آورده باشند هر یک بیست انار اضافه نموده اول بمقدار دوازده چهار  
 انار بر آرد و این را جدا دارند و هر تنه دوم همین مقدار بگیرند مقدار شربت از اول ده انار و دوازده

دام و از قسم دوم اوسه دام و اگر گرمی نماید بعضی ادویه باره مثل گلاب بیشک انشال آن روغن فرارند  
 مانند اندام المروق جهت پهای صفراوی و دوسوی که بسیار مفید است و فوایدش در خصوص جگر و تفتیه کباب  
 از ماده غشیه نماید و هرگاه سکنجبین و سی شربت و نیار و حلیت تخم خیارین و انشال آن اضافه  
 نمایند و فواید قوی خواهد بود و در زبان همراه آب کاسنی مروق آب برگ عناب شعلی و قوی  
 بادیان سبزه مروق سکنجبین ضروری استعمال نمودن نافع ترین است و در روز مسهل سکنجبین و قوی  
 نمایند و عوض آن مغر فلوکس و سنجبین و شربت و نیار و انشال آن بکار برند و اصل بگزید برگ کاسنی سبز  
 و بسیار چه مسخ کنند تا از گرد و غبار پاک شود و غسل نمایند زیرا که سبب غسل اجزا را لطیفه که بر و بسط اندازد  
 میگرداند و کاسنی مغسول تولید ریاح میکند و از این جهات است که در کلام خیر الشی از غسل کاسنی  
 واقع شده است و بعد از مسخ برگ کاسنی را بگویند و آب او را افشرد و از نهفت توله همراه اشربه مناسب  
 استعمال نمایند و هر روز یکان یکان توله اضافه نمود و باشند تا بیک تل برسد و در آخر جبه ضعیف و بسیار  
 از سه چهار توله شروع نمایند تا به داشت خراج بنیزانند و بهترین ترویتی یعنی تسقیه آب کاسنی بر دهن  
 است یکی آنکه آب فشرده او شب بگذرانند تا اجزای قویه از اجزای غلیظه نمایند و پس قیق آنرا  
 صاف نموده بنوشند و دوم آنکه آب در ظرف خالی از سی یا فشرده یا ریگ سنگی نموده بر آتش خفیف  
 گذارند و کهنه دارند تا آنکه اجزای غلیظه متنازع شوند پس از آتش فرو داده و در که بایس و دونه انداخته  
 بیالایند و بکار بند و هرگاه حرارت قوی باشد غیر مطبوخ تنها با باقر اس کافور اولی است و الا مطبوخ  
 و مطبوخ او با گلشن جهت ریح صفراوی از مجربات نوشته اند و کاسنی سفید بسیار است مگر آنکه ترویتی  
 و هم جگر باشد و مسکه اصلاح ضرر او میکند و نیز سه الیه اصلاح میتوان کرد و کاسنی استانی بهتر است  
 است نامر الیه با الیه الیه الیه که عبارت از چکید کاسنی است و در حیات مرکبه بلغمی در آن  
 زیاده باشد از آب برگ کاسنی نفع بسیار مشاهده نموده شده و در فصل خریف بنسبت ریح فشر  
 می آید بگزید چهار توله تخم کاسنی و نیم کوب کرده و عرقیات مناسب که بگذریم تل باشد تا دو و چهار غشت  
 دارند بعد از آن و بسیار چه که چهار طرف آنرا به چوب بسته باشند تخم کاسنی را به عرقیات و نعل

نموده قطره بچکانند و همین پنج هفت مرتبه میل آرند پس صاف کرده با شرب و اقراص مناسب بکار برند  
 و دادن چهل روز یا بیست یکروز موقوف بر برای طبیب است و از ابتدای شروع ناهنما مقدار  
 تخم کاسنی همین باشد و در آخر و در صبیان از دو توله شروع نمایند و اگر عنب الثعلب است  
 حمیات مرکبه که از درم جگر و معده باشد و دیگر انواع حمیات مرکبه را کمال دفع می نماید و طریق ساختن  
 و استعمال مثل مارالند یا است و واجب است که عنب الثعلب سیاه نباشد که مورت خون است  
 و مارالقرع ناهت از برای تهی کردن صفراوی و موی و ترطیب لاج در رفع تشنگی نماید و اخلاط  
 معوقه حاره را با صلاح آوردن بگیرند که وی تازه و شیرین و از سر کار و چند جا بر نهند پس در گل زر  
 پاک یا آرد جو گرفته بنمایه یا جری گذاشته در تنور که گرمی او فروخته باشد بکشند و آن نگاهدانند تا  
 مشوی شود پس از تنور بیرون آورده گل یا خمیر در نموده سر آنرا بریدن بشارند و آب که بر آید  
 صافی نموده اول روز هفت توله بدیند و یکان توله بفرایند تا یکبار ملل رسانند و اگر محتاج تر بنهند  
 شوند و مارالقرع بتغ و برف سر کرده دهند و از اقراص و شرب و هر چه طبیب مناسب بداند بکار  
 استعمال نمایند و مضامنت خلاف بقدریک نگشت باشد که در آتش مقبل یا بنین نیک بخیه شود  
 و مارالقرع تسخیل بصفر ایشان شود پس در آخر که خوف استعمال باشد با موصات مناسبه استعمال نمایند  
 و جای که سرفه نافع موصات بود و سویق جو یا شرباب نیلوفرا بکار برند و مارالخیار بمنافع که کثرت  
 است و او را از نسبت او زیاده معادله می از جهت او را رفع می سازد و تسخیل بصفر میگرد و در طریق  
 گرفتن او و استعمال او مثل آب که دست مارالشاب سرج جهت تهیای دمای با شربت  
 عناب و اشغال آن و جهت حمیات سوداوی و جرب یا کجین افیمونی و سفوف لاجورد و  
 جز آن و جهت تفخیم سدد و تصفیه خون یا کجین شربت بنوری و غیر آن میدادند و بهر قاعده  
 منظور باشد در همین شربت و فلوئس خیابن و اشغال آن بکار برند و ص شایسته و نماند بگویند و آب  
 صاف او گرفت و با قدری پست بلیله زرد گذاشته و زردی صاف کرده بقدری مقدار  
 آتش و پنج مقدار بنوشند علل سپر زرد و فرگردانند نیز اگر آب شایسته بطریق کاسنی بکار

عروق نموده استعمال نمایند در تصفیه خون عدیل نذارند و اگر آب شاهره مروق با سفوف چوب  
که در بحث جرب خواهد آمد استعمال نمایند در رفع ماده آتشک و جرب قرین منافع جوب چینی خواهد  
بود ما را بطریق جهت حمی و قهقاری گرم و حرارت جگر نافع بود و بعضی نوشته اند که تسخیل بصفا  
مثل آب کدو لیکن فقیر چند جا در حمی و ق که همراه وی حمی صفراوی بود آب کدو با شکر که نافع باشد  
سوی صفرا بود استعمال کرده آب کدو تسخیل بصفا گشته و باعث از دیار حمی صفرا گردیده بعد  
از آنکه آب کدو را موقوف نموده آب تر بوزع موض آن استعمال کرده باعث از دیار حمی صفرا  
و لطیفه لب حمی و ق نموده و طریق استعمال و تعدیل شربت او مثل آب کدو است اما در تشویه  
اجماع واقع شده است پیرا که متعج و واسه اکثر المنافع مثل با ما شغیریت و متعج برده خصا  
است کی آنکه بارداست و در متعج سووم متفرغ مواد متفرقه چهارم متعج معده نیم سهل النفوذ  
تمام جود ششتم مسکن عیش نیم بیان اندک فاسد نمیکند و هم متعج در معده نمیشود و مرغی معده و  
اششای بارداست و نفیج می نماید و مصالح وی گلشن است ترکیب بلخ وی آلت که سفید جید  
در ظرف سنگین یا فلز یا مس قطعی دارند و ده آب صاف بر آن ریخته و آبش ملائم بنزد بعد بنزد  
است استعمال نمایند و در تعدیل آب حکما را اختلاف است نزد بعضی و در چند جواب باید و نزد بعضی نیست  
چند و نزد یک دیگر چهار و یک حصه جو و نزد دیگر پانزده حصه و باید که تبدیل آب در اششای بخشن  
تا به دو اولی آلت که بهفت آب تبدیل نمایند اما در اشغیر خوب و سفید خخته شود و باعث اقبال  
طبیعت گردد و علامت جودت جو آلت که در تنگام تخن بسیار المیده شوند و آب که در آن خخته  
نمیشود و سرخ گردد و در خمی جو علامت جودت است بر سبیل اکثری و صاحب خیره و دیگر اساذ  
نماید که در آتشک اگر خوب خخته نشود و نه قدر را شاید نمودار باید و آلت که بهر چه با در اشغیر  
بر معده چسبیده و بطریق اندر نفهم و تصرف کردن در آن متعج گرد و پس منفعت از اشغیر باطل گردد  
درین بیماری کشکاب سبب است بهر آنکه هماری توام او باطل گرداند و آن را نفهم نماند از

معه بیرون آر و پس صواب آنست که چون خواهند کشکاب و بند قبل از روی و ساعت  
 سنگین است حال نمایند تا خلط الطیف کنند و مستعد دفع نماید بعد از آن مار الشیر و بند تا بعد  
 بسبب تقارن آن یک قبول و رد و مضغ گردد و اندر خلطی که سنگین است از الطیف کرده باشد ببرد  
 مار الشیر منفع گردد و در گما و بیماری پاک شود باشد که باور ببول دفع موار شود و اگر بعد از  
 مار الشیر چون ساعت بگذرد و شربت دیگر از سنگین است پس بند تا به سه مار الشیر آنرا معتدل کرده باشد  
 و نفع پذیرفته باشد و دفع شود و اثر تری که از مار الشیر حاصل آمده باشد بیدر قیاس سنگین  
 بهمن تن رسد و در کلام بعضی از اطباء که واقع شده که مار الشیر صلاح سنگین است و شرب سیف باید  
 و رحمی که بر دوا مخرج نموده بدینند بطا به تنافض باین طریق باید نمود که منع با مار الشیر  
 قدر که سنگین است و در صورت اصلاح اندکی از سنگین است مثل خواب گشت و در دم آنکه منع او عالم  
 سنگین است با مار الشیر است و در خارج اگر مخرج نموده بدینند مضایقه ندارد و از اینجا است که  
 با مار الشیر حسب حاجت چیز را آویخته میدهند و ترتیب دادن مار الشیر چنان است  
 که اندر ابتدای رقیق و بند اگر بار عاده باشد حاجت به نگاه داشتن نباشد و نزدیک انتها  
 کشکاب باز گیرند تا طبیعت مشغول بعباده شود و آنجا که حاجت به نگاه داشتن قوت بود  
 در انقطاع کشکاب غلیظ دهند و هرگاه دلی طبع اجازت نگذارد باشد و نقل و راحه و آب  
 کشکاب نباید داد و کذا عندی زیرا که سبب ممانعت طریق استلای زیاد شود و باعث  
 گردد و در این صورت اول حقه کنند تا طبیعت طبع بکشد و بعد غذا دهند که احوال را پیش  
 مار الشیر را که هرگاه قوت و نگاه داشتن قوت منظور باشد بر بعضی داده میشود و طریق بخور  
 آنست که گوشت را که از این بعد از آن همراه چوب پرنس صاف نموده بکار بند و طریق  
 دوم آنست که هرگاه مار الشیر را خواهند که فرو آرند آب بخنی گوشت اضافه نمایند و این چند  
 و بند تا مار الشیر قوام تنوی آید پس صاف نموده بکار بند تا مار الشیر مخصوص فاش  
 شکم است بگیرد و در او متفش ساخته بپایان نمایند بعد چنانچه رسم است بپزند و اگر شفا

و دیگر ادویه قابضه مناسبه اضافه نمایند اصوب خواهد بود و اما الحامض و سرب گلو است  
 و در حمیات مرکبه فرصه کثیر النفع ص یگیرند گلو سبز از نمیدام تا یکدوم و آنرا از کار و با سیم  
 پارچه نموده در ظرف گلی انداخته آب خالص بقدر ده دوازده بروریزند و در زیر آسمان گذارند  
 صبح اندکی افشرد و آب زلال آنرا با شیر به مناسبه بکار برند و گاهی همراه قرص طباشیر و  
 قرص زرشک استعمال آن این آب لال استعمال نمایند و نیز گلو را بچوشانیده تنهالیا  
 ادویه مناسبه در حمیات و دیگر امراض استعمال می کنند و گاهی است گلو را در امراض کلیه  
 و مثانه و سوزاک با ادویه مناسبه استعمال کرده شده و بسیار مفیده یافته و دوائی که با رب یا تخم  
 در رفع کردن از حمیات عدیل ندارد و صست گلو و هموزن آن طباشیر سفید و سبزو  
 سائیده سفوف ساخته یکما شش پیش آمدن لزه بدیند انشاء الله تعالی در روز اول لزه  
 زائل خواهد شد نهایت تاسه روز و گاهی بهم نفع میرساند و استاد و در حمیات مرکبه که بالزه  
 بغیر لزه می بودند از این بهره دوائی مذکور قرص ساخته سائیده با قرص طباشیر کافور  
 و امثال آن استعمال میکند و بهترین طریق گرفتن است گلو این است که گلو سبز و نازه را  
 بشویند و آب شیرین قدری بر روی بپاشند و افشرد و آب غلیظ که برآید و در ظرف گلی با سفوف  
 یا چینی گریده و دهن اویخته در جای محفوظ بدارند و بعد از دو روز آب را دور ساخته است  
 که ته نشین شده باشد بگیند و در سایه خشک کنند و طریق دیگر آنست که آن طرف را در افتاب  
 گذارند تا که خشک شود و طریق دیگر آنست که آن افشرد مذکور را بچوشانند تا غلیظ شود  
 و اهل از همه بار و بعد از آن و صوم حار است و صاحب قادی نوشته که اگر چه گلو بخ  
 است لیکن نزد غمیر میل به ویت دارد مثل افیون و حشمت انشی و نزد ارقم مرکب الحشمت  
 است زیرا که اکثر نفع این در حمیات فرصه و مرکبه محسوس میشود و قول بهندیان اعتماد را  
 نمی شنایند زیرا که اکثر ادویه گرم را مثل کبابه و جنیان را سرد می نویسند فاقم و ارقم با هم  
 بطریق احوال طویست استعمال آنرا اینجا مذکور کرده میشود و ص پنجاه ششقال شیر بز جوان سخن

رنگ ازرق و اگر رخ رنگ نباشد سیاه رنگ قلیل السواد بگیرد و هیچ البدن بی عیب گزیده  
از دو بچه تراشیده باشد و چهل روز از این گذشت باشد و پس از گرفتن شیر چند روز تعلیف است از  
عنب ثعلب بنر و شاه تره و جو و کاسنی و بقولات بارده باید کرد و همچنین برنگام استعمال از آب  
پیریز از همین اشیا بود و آن شیر را در ظرف نقره یا سنگ یا مس قلعی دار کرده بر آتش ملایم جوش  
دهند و در جوش سوم یا چهارم بکنجین صادق الموضت یا سرکه انگوری بقدر یکان توله یا آب لیمو  
یا خوره و قند نمک لاهوری اندازند که شیر بریده شود و بعضی گفته اند که اگر در سرکه افتیمون ملایم  
سیاه و نمک شب بخیا تند و صبح و شیر اندازند اولت پس ظرف را با آتش فود آورده از آت  
سه تله بگذرانند و قدری نمک نداخته باز بکند و جوش داده صافی نموده شربت نیلوفر یا سرطیب  
مناسب داند اضافه نماید و در آشنای جوش لازم است که از چوب انجیر و اگر نباشد از چوب  
که پوست او را در کرده شش چار پاره کرده باشند تحریک علی الاتصال نمایند و در این وقت  
منطوی است یکی آنکه حسین بر اسمال باشد دوم آنکه نوزاد شیر خوار شود و هر روز یک یک  
دو و دوام بغیر ایند تا مارالجبین به یک نیم رطل برسد و بحسب قوت و ضعف مرضی کم و زیاد  
توان کرد و دادن مارالجبین چهل روز یا بشت و یک روز یا کم ازین موقوف بر ای طبیعت  
و اگر حاجت باشد پیش از دادن مارالجبین تنقیه نمایند و پس از هفت روز یا چهار روز بعد از گرفتن  
مسمل مارالجبین شروع کنند و سفوف لاجورد و شربت معمول حب فیتون و سفوف  
چوب گز خزان که نسخ هر یک در جای مای خود گذشته است همراه مارالجبین شروع نمایند  
و بود و اگر اتفاق تنقیه نیفتاد پس در آشنای خوردن مارالجبین شتم و دهم و دوازدهم مخفف  
ترنجبین و شیر خشت در مارالجبین مالیده صافی نموده بنوشند و بعد از آن سفوفها و جها و غیره  
که مذکور شد اگر حاجت باشد بکار برند و گاهی برای تلین نهان شیر خشت یا سرطیب استعمال کنند  
میشود و اگر فراج تنقیه باشد و تحلیل ریاخ منظور باشد گفتند استعمال نمایند و در بعضی افراط  
بمسکه مارالجبین برای تبرید و تسکین حرارت و بجان اخلاط حاره استعمال نموده شد هرگاه از



از شیر به دست فغانند که در جوب و جبران بر لیس داده شده باغش فرگر دیده و فقط از الجبن بهر  
 شربت نیلوفران شیر و مر و اید و با مثال از او به سکنه و تقویه نشید آند و فواید عظیمه مشاهده شد  
 و اگر کسی بترله و عوارض دیگر مانع بریدن شیر از اشیا مذکور باشد پس از حبه بز و ترب سازند  
 و طریق این است که حبه را از نمک سسته و صاف نموده خشک کرده نگذارند و شیر را چوش  
 دهند و قوری از این نفخ در میان شیر اندازند و بگذارند که شیر بخور شود بعد از آن از کار قطع  
 قطع کنند و نمک اندازند و در صافی دهنده که ده جای بیاورند تا آب قدری بچکد بعد از آن صم  
 چوشانیده گفت گرفته صاف نموده و از نمک حبه لقمه نیم یا الجبن میتوان ساخت حص بکند  
 حبه لقمه دو اوقیه نرم کوفته در و طبل شیر مغلی بندازند و بچوب زنجیری جنبانند تا شیر به  
 شود پس فرود آرند و بگذارند که سرد شود پس در پارچه دونه انداخته بیاورند و آبی که بچکد  
 و ظرف چینی گیرند و بعد از آن نمک قدری انداخته چوشانیده گفت گرفته صاف نموده بخورند  
 و دیگر طریق قریب کردن مار الجبن از سنگدان مرغ و امثال آن در رساله علامه مرقوم است  
 باید که مار الجبن را سه حصه کنند و یک حصه بخورند و راه روند بقدریکه نزدیک شود که عرق بیاید و  
 بعضی معین کرده اند که صد قدم بروند و بعضی چهل قدم و بعد از آن دو حصه را هم بدین طور بخورند  
 و باید که نیکم بنوشند و در مار الجبن رطوبت بسیار است و گرمی باعتدال و غذا باید که بسیار بخورند  
 ساعت بخورند و از اغذیه شور باهی قلیه یا خشکه باشد بی گوشت و یا بختی پلو و برنج را باید که  
 و آب سبوس کنند و بیاورند و بگذارند که بکار بندند تا سده و از وجهه نیارد و این  
 اشخاصی مار الجبن اگر بخورند بهتر بود و اجتناب از لبنیات و منقعات و حلویات و موصفات  
 شدید و از تعولات لازم دانند و احتراز از جمیع حرکات متعبه و عوارض نفسانی واجب و تفق  
 مریض کوشند و بهترین مار الجبن برای بالینو یا از شیر بز است و اگر هم نرسد از شیر گاو و یا از  
 شیر شتر به جهت سرد و استسقاء و سنا بسیار است و بهترین وقت استعمال مار الجبن زمان  
 معتدل در حرارت و بیرون بود و متفق اند حکما که مار الجبن نافهترین مسهل است

و با وجود اسهال غذا را بدن بشود و در علل حاره سوداویه و التهاب جدام و دار الفیل و ریختن  
 و حرقت بول و صفت کلیه و حصات آن و نشانه و قروح آن و دیگر قروح حدثیه و قدیمه  
 و اثر اوطلمت بصیر و شقیقه و انصباب مواد بسوی چشم و یکایک و استسار و حرارت که در وقت  
 بدن و جوب و حکم و کلفت مستعمل بشود و هرگاه در قروح نشانه مستعمل بود نمک در آن داخل  
 سازند ما را غسل جهت فالج و لقوه و تقویت سعه و باده نهایت مفید ص عمل یک  
 آب صاف و دو جز و بچوشانند با شش نرم و کف بردارند چون دو حصه بماند از آنش فرو دارند و بکار  
 برند و بعضی در یک جز و غسل شش جز و آب می اندازند و چون نصف باقی می ماند بکار برند و بکار  
 است به نسبت اولی قلیل الحار است و اگر خواهند که ما را غسل را تقویت کنند و این چنین  
 مصطک زعفران سیل جوز بوا بسبب بقدر احتیاج داخل نمایند ما را الاصول که لقوه و صرع و  
 جمیع امراض بلغمی و سوداوی را سود و دارد و سنگ کرده و نشانه را بریزند و سده بکار کنند و  
 و اوجاع مفاصل را نافع ص پوست پیچ کرفس پوست پیچ را زیاده بر یکده و درم پوست پیچ که  
 پنجم درم کرفس اینسون را زیاده پیچ از هزار هر یک چهار درم اسارون حب بلسان از هر یک  
 درم خنطیا ناسلیه بر یکده و نیم درم عود بلسان بوزیدان بنزار اسفید هر یک سه درم سوزنی شنبلیله  
 جله را در و من آب بپزند تا یکسین آید بسیار لایند شربت سی شقال یا در شقال در روغن بیدارنجیر  
 پنجم درم روغن بادام تلخ ما را الاصول که در امراض بلغمی و پنهانی بلغمی بعد از نفیج ماده بپزند  
 او را سید بند ص پیچ کرفس پیچ را زیاده پیچ از هزار هر یک چهار درم اسارون حب بلسان از هر یک  
 درم کرفس از هر یکده و درم در یکسین آب بچوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده بکار بدارند و بکار  
 آنرا گرم کرده و درم گلشن آفتابی در آن حل ساخته مالیده بخورند ما را الاصول جهت  
 نفیج مواد بلغمی غلیظه بکار آید ص پیچ کرفس پیچ را زیاده پوست پیچ که بر یکده و درم اینسون  
 ششم کرفس بر یکده و درم غافث ششین شکامی باد آورده هر یک پنجم درم قنطاریون سه درم  
 در و من آب بچوشانند تا به نصف رسد صافی نموده بر صیغ سی درم از آن باد و درم گلشن

بیاشامند و اگر سه درم مصطکی سوده و رین مارا الاصول داخل نمایند در افعال اقوی خواهد بود  
 مارا الاصول نافع برای ضیق النفس بچند صورت که حارث از احلاط غلیظه و بلغم لزج  
 بود و صفت آن پوست بخیج بادیان هفت مثقال اهل السوس خرداشیده نیکو فتریح سوسن  
 آسمان گون فایسیون قنطور لیون غلیظ از هر یک و مثقال اینسون تخم کرفس تخم بادیان  
 از هر یک سه مثقال مصطکی سنبل الطیب سافج هندی اسار فلن از هر یک یک مثقال و نیم تخم  
 زرد و خشک پیب نزع الهم از هر یک پانزده مثقال و چهار رطل آب باران بچوشانند  
 وقتی که یک رطل باقی ماند از آتش فرو آورده مالیده صاف نموده همه را در سه روز با القوات  
 مناسب بخورند مارا الاصول دیگر که سده جگر و سپرز را بکشد و برودت جگر و سپرز را تفتیح  
 ص پوست بخیج کرفس پوست بخیج رازیانه هر یک هفت درم بخیج از خر قفاح از خر هر یک یک درم  
 سنبل مصطکی هر یک یک درم و نیم قوه لک منقول خود بلسان بر یکد و درم غافث افستین  
 کل سرخ شکامی با و آورده پوست بخیج کبریک سه درم انجیر زرد و سوزنی منتقی حبیب درم و سه  
 رطل آب بچوشانند تا نیمه آید صاف کرده هر روز چهل درم روغن با و ام تلخ و یکد درم روغن  
 بادام شیرین بنوشند مارا الاصول که سده و جگر و وجع معده و سر بول ایضیه است و همراه با  
 و بدون اودمان استعمال میکند ص پوست بخیج رازیانه پوست بخیج کبریک پوست بخیج کرفس اینسون  
 سنبل الطیب پسیاوشان مصطکی سوزنی منتقی بخیج از خر تخم رازیانه تخم کرفس اینسون هر یک  
 بقدر حاجت گرفته بچوشانیده بکار برند مارا الاصول بحبت استسقا و طبعی منقول ز معالجا  
 بقراطی ص مصطکی سنبل الطیب شنه دار شیشان خود الوج قشور سلیمه هر یکد و درم اینسون  
 تخم رازیانه زیره کرمانی زوفای خشک صغرفاری ناخواه هر یک چهار درم کل سرخ پوست بخیج کبریک  
 پوست بخیج رازیانه پوست بخیج کرفس هر یک پنج درم نارون اعلی طی هفت درم از خر قفاح از خر  
 هر یکد و درم سوزنی منتقی بیست درم چنانچه رسم است بنزد صاف کرده و شیشه انداخته شیشه را  
 در آب سرد نگاه دارند تا نافع از غلیان گردد پس هر روز بیست درم با و درم معجون کل کلان

باد و ابر الکرم استعمال نمایند و غذا بسیار را وزن کنند و سرس معتاد بپزند و ناده روز سه مرتبه قسم  
 بعمل آرند مامر الاصول جهت ذرب سدی مفید ص سنبل الطیب مصطکی اسارون سیل  
 فاقه کبابه هر یک کشتال عود و بلسان سلیخه هر یک یکدم تخم کرفس رازیانه انیسون زیره کرمانی و فلفل  
 هر یک پنجم درم پوست بنج کرفس پوست بنج رازیانه پنج اذخر هر یک یک نرده درم سوزنی منقعی بیت  
 درم همه را در سه رطل آب بنزد تا برطل و نیم آید هر روز از آن چهار اوقیه تا نیم مثقال امر و سیاه  
 مطبوخ بنج جهت قولنج بلغمی مفید ص مصطکی سنبل الطیب هر یک درم پریشان شان تخم خطیب هر  
 چهار درم تخم کرفس انیسون رازیانه قنطور یون باریک هر یک پنجم درم پوست بنج کرفس  
 پوست بنج رازیانه حلب شک شبت هر یک درم سوزنی منقعی بیت درم انجیر سفید ده عدد با چهار  
 رطل آب بنزد تا برطل باز آید پس چهار اوقیه یا کشتال ایاج مخمر و روغن بیدارنجیر و غسل بدینند  
 مامر الاصول که در قلع کردن نفوس و وجع الورک عدیل ندارد ص پوست بنج کرفس پوست  
 بنج رازیانه هر یک درم پوست بنج کبر پوست خطیل قنطور یون و فلفل شیطری بندگی انخوا  
 انیسون سور سبجان بوزیدان ماهی زیره هر یک پنجم درم در سه رطل آب بپزند تا نصف  
 رسد صاف سازند شربت و دو درم مع کشتال روغن بیدارنجیر بنوشند و اگر حالت قوی باشد  
 دردی بود حتی که صاحبش آشرف بر زبان کرده باشد عوض بیدارنجیر روغن گلکالانج کنند  
 فانه عجیب و بسی میقیم الوهن مامر الاصول که در تنهای بلغمی بکار آید ص انیسون کرفس هر یک در  
 درم قنطور یون و فلفل سه درم عافت افشتین شکامی یاد آور و هر یک پنجم درم بنج کرفس  
 بنج رازیانه پنج کبر هر یک درم در دو رطل آب بنزد تا نصف آید هر صبح سه درم  
 با هفت درم گلشنه بخورند و اگر سه درم مصطکی درین مامر الاصول اضافه نمایند تا فلفل  
 مامر البر و رافع از برای امراض بلغمی خصوصاً دماغی و نفخ سواد بند و وی نماید ص پوست  
 بنج کرفس پوست بنج رازیانه هر یک درم بنج اذخر پنجم درم رازیانه انیسون تخم کرفس نخو  
 شونیز قنطور یون و فلفل حاقه فرحانیکوفته زنجبیل نمکوفته از هر یک سه درم فلفل تخم زراوند

در حرج نیمگرفته هر یک چهار درم فردا تا تخم سداب شیطرج هندی هر یک پنج درم چند بیکه  
یک درم مجموع را در سه من و نیم آب بپوشانند تا یک من آب بماند صاف نموده هر صبح چهار درم  
آنها یا چهار درم روغن هند روغن بادام تلخ نیمگرم بپاشانند مطبوخ بادام را کنده کنند  
و انعطاف غلیظه دفع نماید قویج و استقاسای لحمی و طبعی را نافع آید ص ماخواه زیره کرانی کاظم  
سفر کرویاشونیز از هر یک کنفی در سه رطل آب بپوشانند تا یک رطل آید صاف نموده هر صبح و شام  
بیتدرم با سه درم روغن بادام پنجه نشینند جزاقتی یک درم با قدری نمک سائیده و حبس شده  
هر روز مطبوخ مذکور بپوشانند تا یک رطل غلظت افزوده بنوشند مطبوخ حرارت درم جگر و سرطان است  
ص من که کثرت شبها گاهی یک غلبه شلک کاکج لبلا ب را زیاده جمله یا هر چه بهر سبب کوبیده بنوشند  
و یک قویج قویج شیرین کرده بنوشند مطبوخ نافع ربو و ضیق النفس منقول از بیاض عم  
هر صبح ص صاب بیت درانه پستان سی وانه تین ابض ده عدد و زیت خراسانی شبتدر  
تخم خطمی تخم عیاضی از هر یک سه درم اصل السوس پنج درم قنطاریون دقیق و غلیظ پوست  
بنج که با شافور پنج حبلی شیع استنی برنجاسف از هر یک چهار درم پوست بنج با دیان پوست کز  
از هر یک پنج درم زرد فانی یا لبس چهار درم پنج سوسن آسمان جونی فراسیون زراوند حرج  
از هر یک سه درم مصطک سنبلی الطیب از هر یک دو درم و در پنج رطل آب بپوشانند و قوی که  
یک و نیم رطل بماند صاف نمایند هر روز چهار اوقیه یا یک شقال معجون قوی و یک درم حبس  
بخورند و اگر قوی خواهند تریاق اربعه نیم درم حل نموده بنوشند مضمی که قی بفرغت آرد و بخورند  
نس شبتدرم و یک رطل آب بپوشانند تا به نصف رسد و جزاقتی یک درم با قدری  
نمک سائیده و حبس شده بهر مطبوخ مذکور آمیخته و بقدر حاجت آب گرم و غسل افزوده  
بنوشند مضمی که قی بفرغت آرد و دوار که سبب بخره معده باشد دفع نمایند ص قبضه از  
قنطاریون شبتدرم و سه رطل آب بپوشانند تا یک رطل بماند پس صاف کنند و قدری نمک  
اندکی غسل در آن بیامیزند و در هم کنند و بنوشند مضمی که محور بدان قی کند ص برگ خیار

کوفته آب او بگیرند و شکر سرخ و گنجهین آمیخته بنوشند مقلی صفرا ص مار الشیرسی درم طلیح آب سیرق  
 بیت درم ابی که اصل خیار در آن بخته باشند و گنجهین هر یک درم مقلی بلغم ص خردل سفید  
 یک درم بوره بنیدرم کندش ملح هندی هر یک بعد درم حلیه کوفته بختیه و بوسل آمیخته مع صد درم طلیح  
 شبت و چیل و گنجهین عسل بنوشند مقلی سودا ص ترب متعلق کعبه نمک هندی پنجدرم  
 شبت خرفه حله را در دو طل آب بپزند تا که نصف بماند و گنجهین عسل آمیخته بنوشند مقلی صفرا  
 بلغم ص گنجهین عسل ده مثقال نمک و ده مثقال آب ترب چیل مثقال بهم آمیخته بنوشند  
 مقلی که رطوبت معده و مریه سودا و صفرا دفع کند ص تخم ترب تخم شبت تخم خربوزه اصل  
 السوس پنج خربوزه هر یک سه مثقال بپزند و آب او با لکیز و گنجهین بنوشند مقلی که مواد مختلفه  
 برادر ص قطف با تخم او تخم ترب هر یک پنجدرم شبت لوبیا سرخ برگ بقدیر هر یک درم  
 تخم خربوزه متفشه پانزده درم سوربخان سفید مروض لکیز و هر یک یک مثقال نمک  
 و درم حله را در چهار طل آب بپزند تا که رطل بماند صاف کنند و نمک نان یک درم و گنجهین با  
 چیل درم اضافه کرده آب نیگرم بنوشند مقلی معمول راقم ص آب برگ ترب آب شبت  
 نمک همه را مخلوط ساخته بنوشند مضمضه جهت درد دندان و خمرک آن ص چوب آس  
 پنج کبرک گنج حوزا سر و گل سرخ براده دندان فیل شبت یانی برابر بگیرند و در سرکه بختیه مضمضه  
 کنند مضمضه جهت آگه لثه و لب ص قوطر اثیث ماز و پوست انار گلناز گنجانج حوزا سر  
 و برگ سرو آب سماق بخته صاف کرده مضمضه کنند و اگر این ادویه را کوفته بختیه بپاشند نیز  
 نافست مضمضه جهت منع خون بن دندان تعفن و جوش و رویانیدن گوشت  
 و برای قلاع مجرب ص شکر خام یک یک مثقال بنفشه نوزده مثقال توتیای مفسول سی و  
 هشت مثقال را سائیده ماسا را جزا در سرکه بنفشه و بنفشه و بنفشه نگاه دارند جهت قطع  
 خون و دفع تعفن رویانیدن گوشت یانی سرکه مضمضه نمایند و برای قلاع و جوشش  
 بدل سرکه آب کشنیز کنند مضمضه جهت درد دندان که اسباب حرارت شدید باشد و قلع

مفطر الحار تفریح میکند ص آب کشنیز سبز آب بارتنگ سبز آب عناب ثعلب سبز آب  
 اسپغول آب برگ خرفه قدری بدستور عمل آید مضمضه که آخر قلع حار و در قلع بار و ارتفاع  
 است ص اینجور زرد اکلیل الملک بزرگتان در آب جوشانیده صاف کرده قدری از عصاره  
 و صبر و روغن خیری داخل کرده تمضمض نمایند مضمضه جهت بخار شری سعه که از آید بلغم بود  
 و بعد از تنقیه کامل نفع بین می نماید ص عود خام مصطکی قرنفل لباسه جوز بواسه یکدو درم همه  
 را انگوخته در خرقه کتان بسته همراه شراب ریجانی و گلاب هر یک نیم پیل و ظرف تنگ بن  
 بجوشانند تا شراب و گلاب نصف بماند صاف و سرد کرده صبح شام گن مضمضه کنند مضمضه  
 که بطلان ذوق و فساد آنرا که از برودت بود بعد از نفع و تنقیه با ریج نافع ص خردل قلع  
 سونج در آب بجوشانند و بدان مضمضه کنند و اگر حرارت بود ریاس گل سنج سماق  
 بجوشانند و در طبع وی سکنجبین یا ریجانی آمیخته مضمضه نمایند مضمضه معمول قدوده الحقیق  
 اکسل الحقیقین و الیاداجد برای استحکام اسنان و جمع آن ص گلزار کزبانج آفاقیا جفت  
 باطوف نخل چهار لیه گل سرخ برگ سور د پوست انار جوز السودم الاخوین صندل سرخ سعد کو  
 از هر یک چهار ماشه در سه پا و آب جوشانیده صاف نموده مضمضه نمایند مضمضه جهت  
 قلع روی ص سماق زرد در هر یک یکتوله آفاقیا زرد در هر یک نیم توله جوشانده مضمضه  
 نمایند مضمضه برای لثه و امیه ص سماق سنبل الطیب از هر یک سه درم ملح زرد و  
 از هر یک یکتوله برای برگ آس نیم شقال جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه نافع برای درد  
 دندان که از برودت و رطوبت خصوصاً از انصباب ماده نزله و ریاح بود ص عاقر قرحا  
 بزر الیج بر یک شش ماشه حدیس یکتوله پوست خنخاش هفت ماشه جوشانیده مکر مضمضه  
 نمایند مضمضه برای ریج اسنان که بهیج دوا به نشود ص پوست درخت سرس چهار توله  
 برگ پیچیده و توله بامی سبک سه ماشه جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه درد دندان را  
 که از نزله و باد و رطوبت بود و استرخای لثه را مفید است ص عناب ثعلب کوکنار

فوهر یک بکتوله و نش باشد در آب بچوشانند که قوت ادویه باب در آید صاف نموده مضغه نماید  
 مضغه نافع برای استرخای لسان ص خود را بنجیل طفل عاقر قره خانوشاد و بورق ششون  
 سقر تلخ مساوی کوفته چوشانیده مضغه کنند مضغه برای ورم لسان و فم ص بنفشه  
 حله بز کسان بز و زمین یا پس اصل اسوس از هر یک پنج درم شحم و جاج و بط از هر یک ده  
 لب خیار شنبه بیت ورم و سه رطل آب بچوشانند و قنیکه نصف بماند نیم گرم مضغه نمایند  
 مضغه برای وج آگاه منقول از خط والد شریف ص گلزار فارسی گل سرخ عدس متشر  
 پوست اند شیرین پوست بلبله زر و غنص بلبله کابلی بلبله گل لیسان افروز جفت بلوط  
 گاو زبان سماق بوزن مساوی در یک نیم رطل آب بچوشانند هر گاه یک ثلث بماند صاف  
 نموده مر جان سفید بشکند یک درم کوفته بنجینه اضافه نموده مضغه نمایند مضغه برای دفع درد دندان  
 ص چمال یک درم دوام کوکشار و عدد و در و را جو کوب نموده در نیم آنرا آب بچوشانند تا که نصف  
 بماند صاف نموده نیم گرم مضغه نمایند مضغه مجرب جهت در و دندان حار ص کشمش  
 ماز و سبز پوست خشخاش گلزار غلب لثعلب بز الیچ حب لاسل زهر یکد و درم افیون کما  
 کافور نیم باشد گلاب چهار دام جمله ادویه را سوای افیون و گلاب و کافور بنماید و در و در  
 آب بچوشانند هر گاه که ربع بماند صاف نموده افیون کافور و آب کور و گلاب ندانسته حل نمایند  
 و سر در کرده مضغه نمایند مطبوخ افیون برای بالینو لیا که حادث از استراق صفر شده  
 باشد ص پوست بلبله زرد و درم پوست بلبله کابلی پنج درم بسفنج خستقی بنماید  
 سه درم افیون شش درم اسطوخودوس گل بنفشه از هر یک چهار درم اول بسفنج  
 و پوست بلبله را در شش رطل آب بچوشانند تا یک رطل و نیم برسد پس ران اسطوخودوس  
 و بنفشه را داخل نمایند تا یک رطل آید بعد از آن افیون را در صره بسته در آن اندازند و  
 جوش دیگر دهند و فرو دارند و صره را خوب بمالند تا شیر و قوتش بر آید پس بنفشه را در  
 و در کت و مطبوخ را صاف نموده پس غار لیون و ثلث درم صبر سقوطری یک درم ملک



نیندرم خربق سیاه را بعدرم کوفته بخیته بجلاب شکسته شسته قبل از مطبوخ بساعت آنرا فرو  
 بریزند و بعد از آن مطبوخ را بپاشانند مطبوخ تالیف محمد ذکر نافع از برای اقسام مایه خولیا  
 ص لیلیه سیاه بسفنج منتهی مخصوص نچدرم سنکلی بهنقدرم تر بدسفید تراشیده مدبر چهارم  
 اسطوخودوس مویطایغی دانه بیرون کرده هر یکده درم مجموع را در سه رطل آب بجوشانند  
 تا به نصف برسد اقیتمون را و کیسه کشانی کرده سر آن را بسته در آن اندازند و دو جوش بگیرند  
 داده فرو در آورند و سرد کرده کیسه را بماند تا شیره و قوت اقیتمون در مطبوخ بر آید این صاف نموده  
 سه ساعت قبل از مطبوخ اول ذکر شد فرو بریزند و بعد از سه ساعت مطبوخ بپاشانند مطبوخ  
 نافع برای وسواس و قصرع در نوم منقول از بابیه سی ص لیلیه کابلی اسطوخودوس از  
 هر یکده درم تر بد سنکلی از هر یک چهار درم منتهی دانه بیرون کرده پنجاه عدد کوفته بخیته و برنج  
 آب بجوشانند و فینیکه یک رطل بماند انداخته شود در آن خراطیه اقیتمون و یک ساعت بگذرانند و از  
 آتش فرود آورده صاف نمایند و گرفته میشود غار یقون درم صبر درم ملح هندی نیندرم  
 خربق اسوده و افق کوفته بخیته بجلاب غیر کرده حب سازند و بخورند این حب قبل مطبوخ بعد  
 بعد از آن مطبوخ بپاشانند مطبوخ که اخراج علق نماید هرگاه بمعهده رفته باشد ص سفنج  
 قیصوم استین شونیز تر مس قسطیخ برنگ کابلی متفشر کلیل دار و هر یکده درم در سرکه نمزود  
 باب بیزند و صاف نموده بخورند مطبوخ حلیه بر بوفضیق النفس که از سردی بهم رسیده باشد  
 بکار آید ص حلیه شسته بوز منتهی از هر یک پنج استار در یک زه آب باران بجوشانند و  
 صاف نموده بقدر چهل درم صبح بنوشند مطبوخ جبت سرفه که داده آن بار و غلیظه از عجمه  
 باشد ص زراوند حرج مصطک استقیل هر یک دو درم پنج فلاح او خرز و فای خشک  
 هر یک سه درم پشیا و سان اصل السوس بنفشه تخم خطمی خبازی قنطاریون غلیظه هر یک  
 چهار درم زریب طایغی منتهی بمیت درم انجیر سفیده دانه عناب حبه جانی بمیت دانه  
 سپستان سی دانه همه را در چهار رطل آب باب نرم بجوشانند تا بطل آید صاف نموده

هر روز چهل گرم باروغن بادام شیرین یک گرم بنوشند سه روز یا پنج روز هرگاه ماده نفع یابد بجای  
 مسهل ملغم اخراج کنند مطبوخ زعفران منقول از فرابادین کو تو الی نفع میکند بسعال ضعیف  
 و وجع صدر و جنب خفقان و موافق افروجه حاره است ص تخم و تخم خیارم وضوض تخم خیار  
 وضوض هر یک پنجم پیرم پیرم یاوسان بنفشه درم اصل اسوس محکوک مرضوض خطمی پوست  
 پنج بادیان تخم خبازی زوفای یا بس از هر یک سه درم گل نیلوفر و درم عناب بیست عدد  
 سپستان سی عدد انجیر زرد خشک ده عدد و سه رطل آب شیرین بچوشند هرگاه پانزده است  
 باقی ماند صاف نموده بنجاء درم پانزده درم جلاب با خود از ترنجبین بخورند مطبوخ تین لبن  
 یا سوسین نافع است بامراض صدر و جنب که حاوثر از ملغم و رطوبت و برودت بود و سعال  
 در بود ذات الریه را نفع میرساند و رطوبت فاسده از معده و اعضای صدر و احتشاک می نماید  
 ص انجیر زرد خشک بیست منقح از عجم فانی از هر یک یک پنجم و تخم بادیان انیسون از هر یک یک  
 جزو در آب شیرین بچوشند وقتی که گشت بماند صاف نموده نصف رطل گرفته و اندکی روغن بادام  
 شیرین انداخته یک گرم بنوشند مطبوخ افیتون جده کها در یوس هر یک سه درم پوست بلبله  
 زرد و بنفشه نیم تخم ده درم چنانکه رسم است بنزد و صاف کرده صد درم ازین مطبوخ گرفته  
 اول یک گرم از حبایاج خورده بعد دو ساعت بنوشند مطبوخ اکلیل الملک که در درم تخم  
 معده از گشتن منبت و زایل استعمال آب از یانه آب که فوس نازه هر یک دو اوقیه نادر و درم باو ام  
 بکار آید ص اکلیل الملک پنج راز یانه هر یک ده درم در چهار رطل بغدادی آب بنزد تا ربع  
 بماند صبح چهار اوقیه باد و درم روغن بید انجیر و سه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ  
 که در درم ملغمی معده را نافع است ص قفاح از خرمی صطک تخم کرفس هر یک ده درم انیسون  
 سه درم پیرم یاوسان پنجم راز یانه در چهار رطل بغدادی آب بنزد تا ربع بماند صبح چهل گرم  
 باد و درم روغن بید انجیر و سه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ معده را قوت دهد و در  
 باز در ص صطک نفع هر یک یک گرم در یک رطل آب جوش دهند تا به نیمه آید پس ص ص

و عود و مشک هر یک یکدرم کوفته بخیه اضافه نمایند و بنوشند مطبوع معمول و برنجیت  
 سنگه بنی ص موده بیکری و نهیان تر بالا سوننه خس هر یک پنجم درم در یک نیم با و آب  
 جوشانیده صاف نموده غسل بکند و الا اضافه کرده بخورد و برون گوم او بگیرم که نمایند و در حقیقت  
 و غیر السن زن جمیع ادویه بجا بندد و راقویا بنفشه از مطبوع برای جمع طحال و روم مقول از بنفشه  
 عمم حرم ص پوست بنج کبر کاسنی پوست بنج کرفس تخم بادیان اینسون تخم فخنکشت از  
 هر یک سه درم استوفه قدری لون غافله کلاب شسته بر سیاه و شان یک طغ فبرگ اهل حب  
 بلسان از هر یک دو درم زیر سیب بیست درم سنبل الطیب مصطکه اینسون پنج اذخر  
 و چهار رطل آب بچوشانند هر گاه دو صد دایم باقی بماند مالیده صاف نموده چهل درم تخم بنج  
 در آن حل کرده باز صاف نموده چهل درم از آن کوفته بکشتال روغن بادام شیرین و یکدرم  
 روغن بادام تلخ داخل کرده بنوشند مطبوع که درم بلغمی بنفشه را نافهست و سپیدی بول  
 که قدری سیاهی زند از علامات اوست ص بلبله سیاه بلبله نر و هر یک هفتدرم شانه  
 هفتدرم که رانج پوست بنج کبر هر یک سه درم تخم کاسنی یکدرم تخم کشوت یکدرم و نیم آلود  
 نمرسندی بقدر حاجت بنفشه پس بگیرند فخر بکشتال و خار لقون یکدرم و حب بندد و  
 وقت صبح بخورند و بالای وی نزدیک طلوع آفتاب مطبوع بنوشند مطبوع که سده  
 جگر و سپرز و یرقان را نافهست ص غافله نشتین سنبل اسارون مصطکه بنفشه سیاه و سون  
 قور را و ند عیدان بلسان هر یک یکدرم ادویه را کوفته مطبوع نمایند و ادوی آنکه ریوندا  
 سردار نمایند مطبوع جهت بر و جگر و استفراغ و یرقان نافع و لطیف اخلاط غلیظ کند و جگر  
 و معده را قوت دهد ص فوه مصطکه هر یک یکشتال پوست بنج راز یا نه پوست بنج کاسنی پوست  
 بنج کرفس و زعفران اینسون تخم کرفس سنبل الطیب تخم کشوت هر یک درم موز منفی همه را نیم  
 کرده چهار صد درم آب شیرین بنفشه چهارم حصه بماند صاف کنند شربت پنجاه درم با و  
 درم شکر سفید و دو درم روغن بادام این مطبوع را جهت حصات و بند حجر البود و بند

مطبوخ کشته متعرج کشته ایص ر یونجه چینی دو درم آشتین قلع اذخر هر یک هفت درم  
 حلبه ده درم سوزنی چهل درم انجیر بیت عدد سداب ترکیده سه علی الرسم بنیز شربت چهار اوقیه  
 باروغن بادام مطبوخ در علاج ورم کبد بکار آید ص یونجه چینی نیم مثقال تخم کشمش انیسون  
 تخم کرفس رازیانه هر یک سه درم غافث چهار درم آشتین البسیج هر یک پنج درم بلبله سیاه  
 بلبله کابلی هر یک ده درم سوزنی منقح بیت درم علی الرسم بنیز و صاف کنند و بیت درم فانیله  
 و سی درم زنجبین در آن داخل نموده بنوشند مطبوخ که دراز از او جاع مفصل قوی لای  
 است ص سوربخان بوزیدان هر یک سه درم باسی زهره تربید چهار درم فوه تخم کرفس انیسون  
 پوست خنظل هر یک دو درم دریکرطل آب بچوشانند نصف رطل بماند صاف بماند مطبوخ  
 خداوند در دوا و پشت و همه پیوند با سواد دارد ص زنجبیل باسی زهره هر یک سه مثقال  
 بوزیدان روخاس شیطرح سوربخان پنج اذخر هر یک پنج درم تخم کرفس پوست پیخ بادایان  
 هر یک هفت درم سوزنی منقح حلبه هر یک ده درم همه را بنیزند چنانچه رسم است شربت چهار اوقیه  
 باد و مثقال روغن بید انجیر مطبوخ او جاع مفصل رانفع است ص سوربخان رازا  
 پوست پیخ رازیانه تخم کرفس انیسون قنطاریون باریک دو درم پرسیاوشان گاوزبات  
 باور بنجوبه هر یک سه درم گل سرخ بلبله زرد هر یک چهار درم سناگی هفت درم جو شانیده و  
 صاف نموده گگند و ده مثقال زنجبین بیت مثقال در آن حل کرده صباح بنوشند مطبوخ  
 قوی الاثر است برای استیصال ماده و حج درک عرق النساء ص مطبوخ انیسون کبد  
 دو درم زنجبیل پنج درم پنج اذخر هر یک سه درم فوه شیطرح سوربخان بوزیدان از هر یک پنج درم  
 پنج کرفس رازیانه هر یک هفت درم حلبه سوزنی منقح هر یک ده درم همه را در چهار رطل آب بچوشانند  
 تا چهارم حصه بماند صاف نموده ثلث رطل هر روز باروغن خروغ بقدر تحمل طبیت بخورند  
 مطبوخ که ناقص است بجمعی و ربع ص پنج اذخر چهار درم قنطاریون باریک شانیله  
 هر یک پنج درم باد آور دشکامی غافث هر یک شش درم افیون هفت درم سوزنی منقح

بلبله کالی حسته بیرون کرده و درم جمله را در پنج رطل آب بپزند تا یک رطل بماند هر روز چهار اوقیه  
 ازین مطبوخ صاف کرده با یک اوقیه سکنجبین بپاشانند مطبوخ جهت بقایای شکر الغب  
 ص صبر مطبوخ بهر یک بخورم اصل السوس بخورم پنج کوفش و درم شکامی خافت  
 بهر یک سه درم کشنیر سه درم گل سرخ چهار درم تخمین بیت درم در سه رطل آب بپزند تا یک  
 آید صاف نموده هر روز نیم رطل بپاشانند مطبوخ که اصلاح جهت مختلف لاوقات نماید ص صبر مطبوخ  
 یک درم سنبل الطیب یک درم بهر یک و درم گل سرخ کشنیر خشک فستقین بهر یک بخورم تخم کشنیر  
 باد آورده پنج اذخر بهر یک هفت درم تخم کرفس خرازیانه بهر یک و درم بلبله زرد پانزده درم سوز  
 منته سی درم در شش رطل آب بپزند تا یک رطل آید صاف کنند و مقدار و ثلث از یک رطل  
 با گل قند عسل سه تو را با سکنجبین بنوشند مطبوخ که در ریح صفراوی جهت فی کردن بکار آید ص  
 ستا افشون بهر یک چهار درم سر قشقه تخم خرپوزه بکوفته تخم ترب بهر یک بخورم بلبله کالی بلبله  
 زرد بهر یک هفت درم خوشانیده صاف کنند و مقدار صد درم یا کمتر با سکنجبین بسیار بخورند مطبوخ  
 در ریح بلغمی استفراغ قوی کند ص بسفایج فستقی بکوفته برگ بادرنجوبه لسان انور استنشین بهر  
 چهار درم آو سیاه سوز خراسانی بهر یک بیت عدد جمله در و من آب بپزند تا نیم من آب  
 بماند صاف کنند و صد درم از ان یکد لنگ خربق سیاه و نیم درم بلغمی و صبر و یک شغال  
 خال بقول بنوشند مطبوخ نافع برای حمی بلغمی و درد کبد و درد معده و صبر بول ص پنج کرفس  
 بادیان پنج اذخر پشیا و سالن افشون مطبوخ مساوی گرفته بکار بپزند مطبوخ برای  
 تبهای کهنه و تب لرزه مزمن ص خس خندل پنج زکوره گوی بهر یک یکدام گرفته ص صبر  
 نمایند و یک حصه در پشت سکوره آب بپاشانند هرگاه که یک سکوره بماند صاف نموده بخور  
 و اگر طفل باشد طبیب موافق محسوس خود کم کند مطبوخ جهت ریح از مجربات است  
 ص کوکنا را در شکل فرج باوه وانه طفل کو بید و خوشانیده بنوشانند مطبوخ جهت ریح  
 نافست ص پوست بلبله کالی ده درم تخم کشنیر تخم کاشی بهر یک سه درم آو سیاه

هر یک بصیت عدد پوست پنج راز یا نه دو درم شایسته هفت درم بزرگ چنانچه رسم است در  
 صاف کنند پس فلوس خیار شنبه و همچون و در هر یک پانزده درم سیاه بنزد و صاف کرده  
 بنوشند مطبوخ برگ مورد و رن گل سرخ صندل گلاب بچوشانند و چاشنی را تر کرده بر آن  
 بچوشند مطبوخ بخت جهان ص پوست نیم یک درم تو مری یک عدد در دو را کوفته در چهار تا  
 آب بچوشانند نصف بماند بعد از آن دست را بر بخار آن بدارند و بنیدرم کاپیل هم داخل کرد  
 اند مطبوخ جهت جذام و خدر و انشال آن ص فوه پوست کز سوتله گلوی مرغ سوتله  
 زرد چوب سرد و کانی تنبول کوبیده با و بزرگ شیطج مور سهری دیو دار اندر جو شنبه بنفشه  
 تر این بان ماده شاد و مغز که پنج چوب کثیر تر پله چر اینه پوست بکاین بچه سار مغز الماس  
 بهو فرنگ باچی صندل سفید جمال بزرگ برگ آرد و سیت پا پڑا سانه اتیس پنج انداز این از  
 هر یک یک درم در سه پا و آب بچوشانند تا چهار دام باقی ماند صاف کرده ناشتا بخورند و اگر مطبوخ  
 نکنند سفوف کرده مقدار یک دام بخورند منقول از خرگ مطبوخ که بار باد و تجرید آمده اشک آن  
 کند و فساد خون را با صلاح آرد خصوصاً بر گاه بعد از تنقیه استعمال کرده شود ص پوست  
 درخت نیب پوست درخت کچال پنج خطل پهل سول کانی خور و بارک و پنج و پوست  
 قند کینه هر یک نیم پا و در سه آثار آب بچوشانند بر گاه چهار حصه بماند صاف کرده در شیشه نگارند  
 و هفت حصه کنند بر روز بخورند و اگر حاجت باقی ماند باز مرتبه دوم مرتب کنند مطبوخ  
 و یک برای تصفیه خون فاسد از جریات است ص سوتله سه ماشه بلبله بلبله آله از هر یک  
 چهار ماشه گل و چار ماشه کنگی با بزرگ و چوب مرغ سوتله کوفته اندر جو بنگار از هر یک و ماشه سرد و کانی  
 چهار ماشه بچی سار و دو ماشه باچی چر اینه پوست بکاین صندل سفید از هر یک سه ماشه  
 ادویه از نیم آثار آب بچوشانند بر گاه شش یا هفت دام بماند یک توله عمل و یک توله بنا  
 داخل کرده بخورند این چهار مطبوخ از بیاض عم مرم فقل شدند مطبوخ بهیم و طایمه  
 و شنبه و الف موقت که جهت سرفه بی نفث نافست کس شنبه بنفشه مغز بادام شسته

بهدانه سوزنی رقی رب لسوس بدستور لوق سازند مطحاً برای سعال که از حرارت و جوی  
 بود ص تخم خیارین متفشیر بنجدرم سفر بادام شیرین متفشیر شد در تخم خطمی تخم خبازی ایبر  
 چهار درم رب لسوس فانیذ از سیریک سه درم و نیم صنغ عربی کثیر انشاسته بهدانه متفشیر از  
 سیریک چهار درم کوفته بخینه نگا برد پس اصل لسوس سپستان منقی گرفته بخوشا شد تا  
 غلیظ شود بعد از آن صاف نموده غسل اضافه کرده با تش لایق تمیز تا متعقد شود پس ادویه مذکور  
 اندازند با جوسی که از تخال سفید یا آرد یا قلا و فانیذ و روغن بادام شیرین مرتب کرده باشند  
 بخورند و اگر گرمی در مزاج غالب بود همراه مارالشیرت محالی کنند مرق از تالیف را قلم کلیل  
 رباج و تقویت معده نماید ص مضطک یک درم کندر نیم درم حب افغان نیم شقال شکاک انگلی  
 نیم درم جمله جبریش بکوبند و در آب نفخاج خوب مفرط سازند و زیر احواس نگا بردارند و اندک  
 اندک پیانید مرق که طبع را نرم کند و قوی را نقد بد ص خردس پیرا بد و اندک که مانده شود  
 پس ربج کنند و بمصلح خوش ساخته بنوشند و اگر بسفایج چهار شقال باریک ساخته و در آب  
 بلبلخ بیند از نیایه بلبلخ پیانید اسهال غلط سوداناید و همچنین اگر تخم معصر کوفته در انار و بلبلخ  
 پیانید در اسهال اقوی خواهد بود مرق که صاحب تشنج را دید که روز نفع کند ص یک پیانید  
 مرغ سیاه را در آب جشق کشته و پیچین سلم باندک آب در قدری حجری پوشیده تمام شب با تش  
 نایم بخوشا شد و در این عرض مدت مهر استده همه آب میشود و از همین آب تشنج بدهند  
 ملخ اسهال اخلاط نماید و رطوبت از بدن دور گرداند و ملقوه و در مفاصل را و باج طحال  
 و استرخای عضله نافع آید و بصرا جلاد و دشوای نیز کند ص قرفل حوت ستموینا غار  
 سانج بپندید اینسون تخم رازیانه قطر اسالیون انجدان اسارون زوفا تخم کرفس بنجربیل  
 سیریک چهار درم فلفل دو ازده درم ملخ اندرانی تش او قیه کوفته بخینه در ظرفی نگا بردارند  
 و بکار برند ملخ که اسهال صفراوی باز دارد ص نمک اندرانی ساشیده بریان نمایند و در  
 بریان کردن چند دفعه سرکه تند جربا باشند پس کوفته انار دانه بریان سوم حصه در شکاف

چهار حصه نمک کشتیر خشک بریان کرده سماق پاک کرده هر یک شش حصه همه را کوفته بایست  
 مطبوخ نافع برای ربوگاتن از مواد غلیظه لزجه بلغمیه سوداویه در قصبه بر حصه گل در آن  
 گیلانی جده ایرسا اصل السوسن و فاسی خشک زهر یک و شتال انجیر زرد خشک و عذر  
 همه را بچوشانند و هر روز خورده باشند تا که نفیج و رقاره طاهر شود مطبوخ نافع اسهال  
 صفراوی منقول از قلاسی ص گینه شیر گاود و رطل مخلوط کنند بدان پنجم رطل حب  
 و ربع رطل روغن ترش و پنج طاقه سد آب بفت طاقه نفع و ربع رطل روغن ترش و ده  
 طاقه کرفس و ده عدد ورق تنج تازه و شب بگذرانند تا منجم شود و صبح بخیه کنند و مسکه از  
 بکیند و نیم رطل صاف کرده باوانگی سکه پنجم گل آسنی پنجم کلمپا شامند مسوح که در قصبه  
 انجین نهایت موثر است ص پایز غصص پایز نرگس زهر یک نیم اوقیه در بیست و هشت  
 شتال زیت و آب بچوشانند تا ماهر شود و آب سوخته شود و روغن بماند پس صاف  
 کرده زهره کجشک تخم انجیره حاقه قر خا و دل سنج از هر یک یک شتال عنبر اشب نیم شتال  
 اضافه نموده که بر قصبه عانه و انجین صفا کنند و اگر موسیای و زفت رومی و زهره  
 و مانند آن اضافه کنند باعث زیادتى قوت آن میشود و چون سورنجان و مرکبى بآن مخلوط  
 کنند نهایت مقوی باشد و از مخرجات است مسوح که نهایت مفید است و از مخرجات است  
 ص قسط تلخ بوزیدان راسن از هر یک یک شتال گل نرگس و شتال جوشانیده صاف  
 روغن زیتون داخل کرده باز بچوشانند تا آب برود و روغن بماند پس پیشه شیر کیده و زفت  
 رومی موسیای حلیت از هر یک نیم دانگ ران حل کرده شبها بمالند مسوح که قصبه  
 بزرگ گردانند ص زهره گرگ و دو دانگ مشک ترکی بنمیدم بر روغن نرگس مخلوط کرده  
 بمالند هر بی نیم میل گرم و خشک است بول براند و باه زیاده کند و پهای لغبی را سود  
 و در ص نیم میل بی رشته را زیر دیک کنند بیست روز هر روز آب بران ریزند و بعد  
 از آن برارند و بشویند و آب غسل بچوشانند تا بقوام آید هر بی پوست بیرون بسته



جهت تقویت معده و جگر و دماغ و امراض مزمنه بغایت نافعست ص پوست بر روی  
 پسته سبز بگریزد و بدستور مربی اتح نیز در مربی پوست ترنج دل و معده را قوت دهد و  
 فرج آورد و ص پوست ترنج را در نیک و نیک کنند و آب بچشانند تا نیم خفته شود و بر  
 آورده بقیارند غسل صاف بر سر آن کنند و آبش نرم بچشانند تا بقوام آید و اگر کفند خوانند  
 همین دستور است و دیگر مریات مفید مریاب در علاج الامراض مذکور است هر یک  
 گویند اختراع بقراط است و تصحیح نموده است که قوت طبع مدتها باقی می ماند و آنچه صمغ  
 بسیار داشته باشد قوت آن تا بیست سال باقیست و بعضی اعتقاد آنست که هر چه با  
 روغن زیتون ساخته شود قوتش ساقط نمیکردد و آنچه در شوم تریتب یا بد قوتش تا یک سال  
 می ماند و شرط آنست که او بیش جزو و روغن پنج جزو و موم نصف روغن بسیارند لیکن  
 این شرط در اکثر نسخه های قدیم یافت نمی شود پس معلوم شد که این شرط علی سبیل  
 اولویت است نه علی سبیل الوجوب مریاب مخصوص جراحات است و ضماد اعم از مریاب و  
 جهت مبرودین روغن زیتون و در غیر آن روغن زیتون نارس که زیت الانفاق است  
 و در امور یا به روغن بکند کنند و موم را اصل بار روغن و شوم بکند از دوز سر آتش  
 بزیار آورده و او به صغیر را در روغن کنند پس رو به سوسه را مخلوط سازند و طریقه  
 عنبر و صمغ و عسلک بطعم و موسیائی و سکنجبین و امثال آن چنان است که طرفی را بر آب  
 کنند و بر آتش گذارند تا آب بچوشاید و در ظرفی کوچک از روغن مخصوص پخته و در  
 آب ظرف اول سه پایه بگذارند تا روغن آب شود پس عنبر و امثال آن را در روغن  
 بریزند تا حل شود بعد از آن سایر ادویه را مخلوط سازند هر یک که در رض گوش بجا  
 فصد و تمیقه بکار آید ص بارز و نصف جزو صمغ البطم زفت هر یک یک جزو و قیر و طی از نیم  
 بط درست کرده بر سر آتش باشد که این ادویه بسیارند مریاب هر چه بود یعنی شکر  
 قرص گوش سیلان و تسکین و جمع منقول از بقایای ص انزوت از هر یک یک جزو و موم



مصطک مرکی مینه سالک ز راوند در ج ز راوند طولی سعد اکلیل الملك لادن قر نعل بر یک  
 چهار دریم ایر سار و غن بلسان سپه لطیبه گاو و صمغ درخت با و اتم تلخ بر یک پنجم سوم روغن که از  
 نار دین ساخته باشند بیشترند و بکار برند و اقسام صلابات بر طرف سازند هر یک هم برای شفا  
 مقعد و درم گرم ص سوم سفید و نیم درم روغن ده درم مردار سنگ نشاسته از هر یک ده درم افیون  
 درم کافور نیم درم همه را نرم نموده و روغن اگر کم ساخته بودم درم گداخته بعد از آن ادویه سیخ  
 آینه با سفید تخم مرغ سازند هر یک هم به گاه شقاق مقعد و درم نباشد بکار آید ص سوم روغن  
 کبچیه به لطیف تر ساق گاو و گویان مقل بگیرند مقل را لباب تخم کتان حل سازند و باقی گداخته  
 مخلوط نمایند هر یک هم برای شقاق مقعد ص اول قیو طی بر روغن گل و مرغ ساق بقرو قدس  
 مقل سازند وقت فرو آورده مردار سنگ سائیده و سفیده مغفول و اندک خاکستر جاد  
 انداخته فرو اندود و در باون یا در ظرفی انداخته کف زنده تا زمانی صبح او قدری قدری و غر  
 انداخته تا قوام درست میراید شود هر یک هم که بر آمدن مقعد و وجع آنرا مفید است ص الثعلب  
 عارس مقشر بر یک سه شقال گل سرخ دو شقال کوفته بنجته آب کشیده تازه بنجته زرده تخم  
 مرغ و روغن گل داخل نموده مریم سازند مغفول از بایض غم مرجم هر یک هم به جهت بواسیر مقعد  
 ص آب کند نابست درم مقل ادرق ده درم مغز قلم گاو و روغن زرد آکو هر یک یک اوشه  
 مقل را آب کند داخل نموده داخل کرده بچشانند که آب جذب شود پس مغز ساق گاو  
 نرم کرده و قدری سوم سفید داخل کرده مریم سازند هر یک هم که جهت بواسیر نافع آید و اندال  
 جراح قدیمه نماید ص مردار سنگ گلزار زرد و چوب خون سیا و شان شب بمانی سر سه  
 سائیده اگر سرخ باشد بهتر شاخ گوزن سوخته سوم سفید بر یک یک توله روغن زیت چهار  
 توله بدستور مریم سازند هر یک شادنج بواسیر و شقاق مقعد و نافع بود ص شادنج مغفول  
 کل از منی عصاره لیمه التیس بر یک سه درم افیون نیم شقال و چهار سه سفید آب و درم

زعفران یکدم روغن بنفشه با دام گشناس بر یک ه درم سوم سفید پنجدرم سوم رادر روغن  
 بگذارتند و دارو را کوفته بخیته مخروخ نمایند و با ده درم شیر و ختران در باون نیک بمالند تا بهم  
 آئینه شود هر چه که بواسیر را نافع باشد ص سیع ساکنه یکدم متقل دو درم روغن مغز زرد  
 آلوده درم متقل و سیع رادر روغن بگذارتند و هر چه سازند هر چه جهت بواسیر غلیظ التفع است  
 ص پیر بطریقه مرغ از هر یک پنجدرم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زرد و آلوخه مغز شفا و  
 روغن گل از هر یک ده درم سیع ساکنه دو مثقال متقل بستدرم آب کند با بقدر حاجت سوم سفید  
 متقل رادر آب کند تا نعل کند و روغن را با سوم بگذارتند با سیع و متقل در باون محلول ساخته آثار  
 نمایند هر چه که بار بار در درم و صلابت آن تجویز در آمده ص سوم روغن گل مغز ساق  
 گاو چربی کرده نیز از هر یک یکتوله زردی بیضه مرغ یک عدد زعفران با لویه کند از هر یک است  
 بر سه ادویه را سائیده با ادویه سابق بعد از آنکه همه را بر آتش گذاشته یک جا کرده  
 باشد آئینه مرهم سازند هر چه برای عذیو طاص روغن انبی روغن حنا و کبریا قیاس و  
 خشک برگ خنازم کوبیده از مجموع مرهم ساخته و این بر عفضل به مقدار استعمال کنند هر چه  
 این مرهم نجوی دیگر گیرند یک عدد و شیرین و میان آنرا خالی کرده که با قیاس و خشک  
 برگ خنا کوفته در میان او بر کرده بگل بگیرند و در زیر خاکستر گرم بخیته نمایند پس بر آتش بگذارند  
 کرده بر را بکوبند تا چون مرهم شود و همیشه به مقدار استعمال نمایند هر چه که جراحت قضیب است  
 و ارو ص بست درم تو نیا صلابه کرده با بابت درم سوم در پنجاه درم روغن گل انداخته مرهم  
 سازند هر چه تالیف والد علویان حکیم مذکور نوشته که بحجت قرصه قضیب بلی نظیر است  
 رال سفید آب فلمی دم الاخوین و در سنگ تو نیای کرمانی سیخ تو نیای هنری گشناس  
 فلفل از هر یک پنجدرم سوم و دوز و روغن گاو پانزده وزن سوم تو نیای هندی رادر سفال  
 آب ندیده بریان کرده با باقی ادویه کوفته بخیته سوم رادر روغن گذاشته ادویه بان مخلوط کرده  
 مرهم سازند و پارچه کتان نازکی را باندازند زخم متقاض کرده مرهم را بر آن بمالند چنانکه آرد

کتاب نمایان باشد بر سوزنم گذارد و هر روز یک مرتبه رحم را با آب برب حنایا آب چوب چینی بشویند و از  
 نوهریم را بروی پاچه که از روز گذشته کوبیده تر ارض کرده باشند ریایند و آنکه زخم رنج کرده و هم  
 نافع جهت قروح خفصین و خنجر و بر سر طان حص مر و از سنگ قند از هر یک پنجم درم لبان  
 اشق از هر یک درم حلاک بطم ش درم صمغ عربی ده استار زنجفر شش درم تربت بقدر که  
 کفایت کند پیوسته مرهم سازند هر چه از برای قروح رطب شقیع اعضاء تناسل و قنیکه محتاج  
 قوی باشد حص توتیای کرمانی صبر سقراطی از روت سفید کند و شایع منضول پوست خست  
 غرب سوخته شب یمانی زاج سفید محرق باز و گلندار آقا با جز اسسای زنگار نیم جز و افلاک  
 دو جز و مجموع را با روغن گل مرهم سازند هر چه منفت دارد حص خشت الحیدر در  
 بستر که سوخته دم الاخوین کاغذ مصری سوخته شب یمانی سوخته اجزا اسسای کوفته بروغن  
 گل شسته مرهم سازند و اگر بوده باشد قرصه حقیق کند و دقاق کند و صبر اجزا اسسای غل  
 کند هر چه که در روز قروح خفصیت با اصلاح آرد حص قند توتیا کرمانی باز و سبز از یک  
 درم زاج محرق از روت سفید دم الاخوین از هر یک یک درم کوفته بنجینه سوم سفید بروغن  
 ادویه را با آن مخرج کرده مرهم سازند هر چه از مجربات حکما بحسب جراحات خفصیت  
 حص از روت سفید مر و از سنگ سفید آب قلعی از هر یک و مثقال کوفته بنجینه سوم سفید کشته  
 و نیم بروغن بنفشه با دام گذاشته ادویه را با آن مخرج کرده سفیده تخم کبدر داخل کرده  
 در باون بدسته بماند تا خوب مخلوط شود استعمال نمایند هر چه دیگر بحسب قروح و خفصیت  
 آن حص نیواج پوست بلبله زر و شیش محرق توتیای کرمانی شب یمانی از هر یک یک مثقال در  
 و مثقال مازنی پیوسته و بر سقراطی طلق محلول در جان قمری در جان سفید از هر یک مثقال  
 شیششت خراسانی کشتهال افیون نیم مثقال زعفران و دالک سا بون فی قدری سوم زر و غیره  
 روغن گل سنج روغن شیخ ضمان ادویه را با آنکس متعلق نموده سوم و صابون را بروغن با گداخته  
 ادویه را با آن مخلوط کرده در باون بدسته بماند تا مهور شود و بروی پاچه که آن شسته

مالیده بر موضع زخم بگذرانند هر صبح که چیزی که دسومات نذار و دو آب درست میشود و استعمال  
 آب در همین استعمال این مرهم ضرر ندارد و جمیع اقسام قروح و خروج نفع تمام دارد حتی تا  
 را با صلح آرد و منقل سیاب بر او اندیکد رم حفوض هندی دو درم منقل حفوض  
 در صلح با آب حل کرده که خوب منقل شود باز سیاب داخل کرده بسایند که خوب باریک  
 یکدات شود پس استعمال نمایند هر صبح چوب چینی از مهربات صاحب قادی است  
 نوشته که در شبانه روز رفع و انداز زخم آتش میکند و از اسرار است ص کز چوب چینی  
 بندرم شکر ف دوه درم و قویای هندی شسته بیست درم باندند و تخم منق که زیر خاکستر پخته  
 باشند و بقدر شسته استعمال نمایند و اگر چوب چینی نباشد سیاب را بکریاس بگذرانند تا  
 سیاب در آن ناپدید شود پس کریاس را بسوزانند و خاکستر او تیتقال کنند مرهم بعد از آنکه  
 پوست انور خشکی آتش افتاده باشد بکار آید ص آکلیک ب ناده بگریند و هفت بار بکوبند  
 و خشک کنند و چهار اوقیه سوم صاف و سی اوقیه روغن گل علی الرغم مرهم سازند هر صبح  
 اشق و تخمیل صایبات و سلعه نفعست ص خردل کفت در یاز راوند طویل کبریت ص  
 منقل اشق هر یک و جزو زیت کنند و دانه جزو ادویه را نهایت باریک بسایند که مثل  
 خیار گرد و منقل و اشق را در زیت حل کنند و در جزو سوم زر درگاهته انصاف نمایند و ادویه  
 را بر آن بریزند و بمالند تا مرهم شود و چون خواهند که استعمال کنند یک جزو روغن گل و یک  
 جزو از این مرهم و یک جزو زیت با هم مخلوط کرده و اجتناب از سردات و مرطبات و لازم است  
 و خشکی بسیار را لازم است و گاهی ادویه این مرهم باریک سائیده غیر از زیت و سوم در سر  
 حل میکنند و می بندند همین عمل میکند بلکه قوی تر میگردد و لیکن گاهی جراحت قلیلی نوز  
 و اگر دینی عظیم عسر النفع باشد با فکر که بنجیه شود و دلوله این مرهم و دلوله گل خطمی برگ آن  
 سائیده نهایت خوب بنجیه باشند که مثل خمیر شود و در آخر قدری گلاب یزدی در آن ریخته  
 باشند ختم کنند و در صبح مالیده کرد و می بندد و در سرعت نفع کار یکان در سه روز میکنند هر صبح

که جهت نرم شدن و مانند این و برای ناصور و غیره که جراحت عسر الی و فرج خفید و در آن  
که هیچ دوا نباشد و سود دارد و صاحب قادی گوید که حق آنست که این مرهم عدیل ناز  
و با وجود این مرهم دیگر حاجت نمی آید پس شب یانی نیند و نه بر یک بیکتور و سه باشد  
کات سرخ پا پیرال روغن کبکد آب چاه شیرین تازه از هر یک پنج بول نهخت آب در عین  
را یکجا کرده در ظرف کاغذی که شعله نبوده است بدست کف مال کنند تا مثل روغن شود  
پس دوا و دیگر که هر یک را جدا گرفته با یک پیخته موازنه نموده باشند در آن آمیزند و یکبار  
و دیگر بلکه و یاس بکف دست می مالند تا جمل بگذشت شود و بقوام می آید پس در ظرف خنجر  
یا نقره نگاه دارند و وقت حاجت استعمال نمایند و نمک در خفته کرده بگیرد حوالی قرص و حرا  
نموده باشند که همین عمل مرهم است هر سه که آنرا مرهم از هر سه گویند سله را نرم سازد و بوی  
هر دو مانع بود و قروح و خفج او را نرم بارده کس از پنج پیچ که در وقت مساوی در هر سه شسته  
و بوی اضافی نمایند و استعمال کنند و در بعضی نسخ بجای دلیق قند مرغ یک بول و پنجاه آرد و در بعضی  
نسخ بجای پیچ گاموم ویده شده هر سه اندمال قروح کند و صالح است بمزاج صعب و دیگر  
بی جهت حص در کلی از پنج حکاک الانبیا که هر یک او تیر رفت بهشت او قید یک بول صوم و  
زفت را در زیت بگذارند و دیگر او دیده گرفته پیخته بآن بیامیزند و در باون بسیارند تا سوزی  
گردد و هر سه جهت بر حص جویست و بهی را فوراً از آنکس کند حص نخاس محرق زرنج زرد  
شیطان اکث را دند مساوی با یک ساخته در بول صبیان آمیخته هر روز در آفتاب گذارند  
و حرکت بپسند و اگر نه بول سرکه کشند نیز رواست و وقت استعمال موضع را ببول  
صبیان با سرکه آلودی بشویند و بماند هر سه جاذب بیکان در آن کنند و جراحت و امیر را  
بیر و قروح حاره را فراهم آورده حص از پنج را بول صوم حکاک لبطم هر یک ثلث رطل  
زیت یک بول صوم را بر آتش نرم بگذارند و بپزید و بپزیده را بر بول صوم و بپزیده و صاف  
سازند و نمک در هر سه کنند و بکار برند هر سه جود را از خفج حات علی است و منافع این مرهم

ساخته روشن و چو راست که در روشن با سلسله شد صحن جود و خالق شفا علی علیه السلام و توفیق و  
چو به دیو دار اصل السوس برگ حسا و در دستت خانه کسی که بخود بریان کشد هر یک او قیبه پوست  
درخت بغلایان بزرگ و درخت نیب به چوب هر یک که او قیبه به با و چو او پوست است بار او که قیبه پوست  
در کمال حق کشند پس باد و اهای دیگر سوای قیبه یک جا کرده در دهن من آب باقیش ملائم شود  
تا شش آب بماند نفس را خوب فشرده و در کشت و روشن کنی بیست و دو قیبه داخل کرده باز تا شش  
ملائم شود شش که آب قریب به جذب شدن رسد اندک باند پس اندکی ازین روغن گرم که  
در آن بگذارد و او قیقه را با باد و قیقه سوم زرد و سفید و روشن ادرخ چو شانه تا آب با کمال  
خشک شود و مثل مرهم گردد و هر نیمه شفا علی اندک جراح است و قیقه کند و گوشت با  
بخورده صحن مردار سنگ ملائم نموده باده درم سوم سفید و ربیت درم روغن گل که در  
قدری قدری سرکه اضافه کرده مرهم سازند هر نیمه جهت او را درم باره مرهم است صحن که  
یعنی حقیقت بنده یک درم سوم سفید و درم روغن گل روغن بنفشه هر یک چهار درم شکر  
بسیار با یک ساخته بار روغن که درم بران مذاب باشد بیشتر درم خیمه چوبی بیشتر را بجا  
و از شگافتن با دست خنی کند صحن بودرة اثرنی و قیقه فشرده و او هر یک درم صابون و درم نیمه  
سوزم آهک ب بنده و بخوریم با و شیر سرگین که پخته و مرغ هر یک درم روغن زیت بیشتر درم  
و اخلیولن قطره سیرابی یعنی لعابی است بظرافت لایف وی که در پس از آن هر یک نصف  
در آن شود متفاوت در بعضی اجزاء و از آن ازین را در اصل در آن زیت و مردار سنگ  
لعابها است و با لجام می است نافع بالفصلج او را درم و تسکین خراج او با جاع باره و او را درم  
ناید و تحلیل خنایر و صلابات و سله و تقطیر صلب راج و تخمه کنه صحر و روغن زیت که  
سی تا چهار درم مردار سنگ بیست درم تخم خطمی تخم مردار سنگ غلبه تخم کتان نیمه درم با خند درم تخم  
راشپ رآب ترکند و صلب لعاب غلبه از آن بگیرند و مردار سنگ با یک ساخته و در روغن  
انداخته بر آتش نرم بگذارند و بخیری حرکت دهند تا روغن مردار سنگ بپزد و پس از آن که



سياه و اقل کرده ظرف را از آتش فرو دارند و لعاب بعد از آن اندازند و بجز شانه  
تا غلیظ گردد پس بشود گیرند و بر سر هم زنند تا آنرا متانگی حاصل آید هر سه طریقه  
که طریقه در سعالجات بقراطی وصف آن نموده گفته شد حالمت او ستاده آید  
بصر من سله صلبه طهرت تحت مالبض رکبته و شندع من مسلما بالحدید فالزمت  
بنا المرهم بعد مرهم الاسبرنج فزاله السلطه بالواحد و لم یکن لما عوده صل  
اسبغول تخم حله لعاب تخم کنان مروار سنگ خام هر یک جدا و هم درون زیت آنقدر که طریقه  
صغیر هر سه را یکجا کرده با نش نرم بپوشانند پس از این او ویریا نشیند طهرت زیت که عبارت از طریقه  
ارضیه است که وقت از او به برفت متعقل بشود و چند مرهم یا زفت نصف وزن آن خاکستر حبیب  
انگور چند مرهم آرد و مرهم سده درم زنگار یک درم و نیم بر سر هم زنند تا بچون مرهم شود و بکار برند مرهم  
بنفشه دیگر از حکمای هند بهت انبات لحوم و دفع گوشت فاسد و برای جراحات فرسوده بسیار  
فروغ آتشک نامور نافست ص کافور قیصوری رال کاتمه هر یک چهار شقال کوفته بنفشه باقی  
گذا نازده مساوی مجموع باشد و ظرف آبی که انداخته اول رال را ریخته و سه جوش و بهند یک کاتمه  
بد شد پس کافور بزند و دیگر دو جوش و بهند و فروغ قدیم را تا سه روز با قدری فوغل سوخته استعمال  
کنند بعد از آن تنها بکار برند هر تخم که سسی بر سر هم سلین و مرهم حبیبی و اجزاء این نسخه روانه شد  
است که حمارین جهت حبیبی علی بنیای علیا السلام ترکیب کرده اند و برای تحلیل او را مر صلیبه  
و خا نیر و طوا حین و سر طمانات و تقیه جراحات از گوشت فاسد و اسلخ و جهت رویانیدن  
گوشت نازده و دفع شقاق و آثار که وجرب و سفعه و نواسیر و بواسیر سود دارد ص جاوشینگار  
مر صافی بر یکد درم کند زلفا و فطویل هر یک سه درم متعل ازرق مروار سنگ چهار درم  
و نیم اشق محقر درم و نیم سفید رانیج از هر یک چهار درم آنچه سائیدنی است بسایند و متعل را  
در سرکه حل نمایند و غیر آن را و زیت آب مذاب سازند و او ویرا بدان بشنند پس اگر  
بنگام سر او بود زیت کنیم رطل بگیرند و در زبان گر یا یک رطل و بدانند که بعضی نسخه ها مر یک رطل

است و بعضی حوض را بنج خلک بطعم مسطور است و بدل قریک سکنج بکرم و دیگر سا جزا  
 بحال حد و او زنا هر هم بخت پاک کردن چوک و گوشت مردار و پیر کردن زخم عمیق و پهلای  
 اقسام و التیام چمن فروغ سفید است حص اجمود که دوالی پهن است سنگ بصری کات  
 سفید قلیل تو تیار سبز نیاید ته و ته مردار سنگ هر یک پنجاه موم زرد و دوام روغن چهار دام عالی  
 سقری مریم سازند و آب خالص پنج شش باله پندیند هر هم جبت جراحات فرسند پهن است بجز  
 و ثانی انجمن مریم رال است و یا خندال اقرب حص انزروت کاخذ که دو سوخته پوست و خشت  
 کلج روتاس کات پندیر یکد و درم مردار سنگ مفسول سه شتقال سفیده از زیر مفسول پنجم  
 موم سفید پنج شتقال کافور قیصری ده درم روغن گل بیست درم مریم سازند هر هم که سلطان  
 متفرج و غیر متفرج را سود دارد حص سفید آب توتیای مفسول هر دو برابر آب خردیه یا خرب  
 پاکد و یا خیار یا لعاب سیخول هر یک که ام که حاضر باشد سق کنند و قدری روغن گل آینه بر نهند و اگر  
 سفید آب را تخت بر روغن سق کنند پس با آنها مسطور و پندیزد است هر هم که سلطان  
 متفرج را نافع بود حص بگیرند باون و دو پسته از آب و بیندازند در ان گل ارشی ختموم و بسایند  
 که مزوج بسکه با شیر یا بیه تاسیاه شود و اگر باوی روغن گل آب حی العالم هم باشد نافه و هر هم معروف  
 بقیر و طی سلطان حص موم روغن از موم و روغن بنفشه و از آتش فرد و آورده فاب رسد  
 و قدری سیه کرده بزوفای توفدی صبر سقوطی داخل ساخته آب تراشه که دو آب آب بر  
 خبازی متشرب کرده غلط نمایند بعد از آنکه فصد و اشقران کرده باشند هر هم سلطان و خنایر  
 را نافع بود و درم را پنجه گرداند حص مردار سنگ پنجم درم خلک مسخ هر یک پندیر کم کند  
 باز و اشق موم هر یکد و درم روغن زیت بقدر حاجت هر هم سا که را نافع بود میچول  
 عم مرجم است حص باز و مردار سنگ زرد چوب از هر یک پنجم و گندار برگ سور و بار  
 سبز از سیریکد و جزو با موم و روغن گل مریم سازند سازند هر هم در جمیع الراج سفید و بیست  
 حص کافور یا حی شش سرخ زرد چوب گل سرخ افاقیا مفسول هر یک بکرم گندار و خنایر

سفید آب سرد هم روزی چند درم روغن کشیده درم هر صبح جهت خروج و قروح انگشت وضع  
 خارش منقول از قیاتی صفت سیاه گوگرد و قویای سبزه و ارسنگ فوغل سفید سوخته  
 کات پیوندی بیکدیگر درم روغن گاو و درم هر صبح که و امیل و سایر جراحات متفرجه با  
 پاک کننده صفت از روغن و غسل برود و برابر با هم بسایند و بکار برند و بعضی نخست غسل  
 تنهائی بخوشانند که غلیظ گردد و بعد از آن از روغن سخت کرده ای بپزند و این درم جهت تنقیر  
 بر جراحات و تخم و آفتاب صفت پنج تناسل مجرب است هر صبح سه درم روغن خفیه و انافست ص  
 سرکه غسل برود و یکدیگر هم باشد با هم بپوشانند و بگوام آرند پس نگار یکدیگر درم از روغن و  
 درم موده در آن خفیه اند و درم سازند هر صبح جهت نیز تخم زایش از حله عجاایات است  
 صفت اولی که کت را در نظری بسوزانند و خاکستر نمایند و خاکستر مذکور بر پیچیده کنند و بعد شتر  
 بهلونی گیرند و نصف موم و برابر آن شمع خراسانی و لوزین بهلونی روغن گاو و روغن نیل و توتنه  
 طریق ساختن اینست که روغن را در نظری گرم کنند و موم را در و اندازند چنانکه اگر اخت  
 شود و بعد از آن خاکستر پیچید و در روغن اندازند پنج سائیده سرکه سائیده بنیدازند و نیل و توتنه را  
 انگشت دارند و بیان نماید لیکن احتیاط کنند که سوخته نشود و سائیده نیز در و اندازند بعد  
 از آن یک یک در پیچیده و در روغن حاصل نموده فرو آورند و نگاه دارند و بوقت حاجت بکار برند  
 بسیار مجرب است هر صبح برای بواسیر سرگاه در دشت نماید بگیرند برگ کرب با آب و طبع  
 درم نیم از سر و در آن اندازند و در روغن گل حلیف و طلیل آن اضافه نموده و  
 و یک تناسل از روغن شعله و بکار برند هر صبح برای پیوست و دما و مجرب است ص  
 خاکست لیلیم فلند و اندوزد و صفت از سر یک سائیده و روغن کشیده چربی تیر موم از سر یک بگوام هم  
 نیل را پیچیده و در روغن کشیده و در روغن آرد و در یک روز کار میکنند صفت زفت روی  
 این صفت از این بزرگ که آن حله را پیچید باز روغن انقی متعلی و توتنه ای و تخمیل را بپزند چینی شیر  
 شیرین که در روغن پیچیده و شیرین است موده موم را اگر از نموده هر صبح سازند هر صبح

برای بر کردن زخم و نخل و جز آن حص روغن کنجد چهار دام موم کافوری دو دام سنگ گندم  
 دو دامک مردار سنگ دو دامک سیندور یک دامک روغن راب آتش خوب گرم نموده سینه  
 در و اندازند و بسوزانند که سیاه شود و بعد از آن موم اندازند و بعد از او دویه را انداخته فرو رانند  
 هر صم که رفع آتشک کند حص رنگار سیاه از هر یک یک توله مر سفید و دونه روغن گاو نیم  
 بدستور صم سازند هر صم برای بر نمودن زخم نظیر نخل و تحلیل ادرام و صلابات نماید  
 حص روغن گل نیم پاد سفید و رسه درم کافور سه ماشه اول شلیم را پارچه پارچه نموده و در  
 خوب بریان کرده و در نمایند و از آتش فرو آورده سیندور را از چوب نیب حل نمایند  
 بعد از آنکه خوب حل شود کافور صم حل نمایند و در بعضی نسخه کافور نیست هر صم برای خوردن  
 گوشت زاید مگر تخمیر بر رسیده حص حب سلاطین چهار جمه و زنجار و جود و هر دو را خوب  
 سائیده بر موضع چسبانند و بالای آن کی از مر صم دیگر گذارند هر صم دیگر جیت تحلیل ادرام  
 و صلابات و اقسام استسقا و صلابات تحت جلد اخراج ناهست و مجرب حص شش  
 سرگین کبوتر استه خراش سلیم اجزا مساوی زفت رومی شل مجموعه او دویه مذکوره زفت رابچه  
 مرغابی گداخته او دویه را کوفته بچینه بآن برشته مر صم سازند هر صم که برای بر آمدن متعذرات آید  
 و وجع را زایل گرداند و درین باب مجرب است حص عنب الثعلب ماشه گل سرخ عدس  
 ششتر از هر یک دو ماشه بگویند و باب کشنیر تر بچینه در زده تخم مرغ و روغن گل داخل نموده و صم  
 ساخته بمقعد گذارند هر صم برای جماندن و آثار سودا و سودا و دویه و پوست آن مجرب عم موم  
 و راقم حص گل بنفشه ریشة خطمی سه چوه از هر یک یک توله روغن چنبل و دونه روغن یک توله  
 چربی کرده بر موم سفید آرد و جو ساق گاو از هر یک یک توله مر سه او دویه را در آب شب تر نمایند  
 لعاب آنرا بکینیز و بدستور مر صم تیار نمایند هر صم هر نوع و نخل را بچینه سازد و چرک بر آورده و زخم  
 کند حسن شل کنجد سفید و دونه دام سفید یک دام اول سفید را خوب با یک صلابه کنند و در  
 روغن کنجد انداخته و نظرت اینی بالای آتش گذارند و آتش را نرم برافروزند و دویه چوب



چنین سبب الطیب هر يك نش و رن گل تخم کاسنی تخم جوی از هر يك درم صبر ستمو نیا  
 از هر يك بیست درم صبر و ستمو نیا راحل کنند در يك گل از آب سیب و آب بر و آب  
 انار و گلاب بعد از آن بگیرند سه وزن همه شکری سفید و بر آتش ملایم گداخته حرکت دهند  
 و از آبهای مذکوره تسفید بیکره باشند تا قریب نفاد شود و پس دو امان دیگر کوفته بنشیند و اصل  
 کرده همچون سازند شربت ازین بکشتقال در گریاده و مثقال در سر او و در ملک بند بکشتقال  
 مطابق وقت این تا بوقت سال می ماند همچون برای امراض معده و سلسل لول فست  
 تس خبث الحیدر بر در سه که انگری هفت روز بگذارد هشت عدد بلبله زرد و بلبله کاه  
 ستمو نیا سیاه پوست بلبله از هر يك چهار توله شوند و توله صلیک زعفران از هر يك  
 دو توله باشند جوز شامی نازیل قرص زنجبیل و از چینی از هر يك یازده ماشه عمل سفید  
 وزن او و پیچ چون مسهل بر فتن و جفت اقسام صداع سفید حص کل سرخ بادرنجبویه  
 گاو زبان گل بنفشه انجیر زرد نفعی اصل السوس عناب سپستان در سه با و آب نجیسا  
 صبح بخورند چون درم بماند صافی نموده قند سفید غیر طبل در آن حل نموده بقوام آرند  
 و آخر قوام کشش مسحوق با تخم نیم طبل اضاف نموده بقوام همچون سازند همچون لبت  
 حکیم علی اس سال بر فتن و رفع مواد و هیات و امراض و معنی و مفصل می کنند و از  
 قیرماده که خالص بود و دفع نماید حص سنالکی رطل و نیم اقیسول البیاض فستقی ترد سفید  
 از هر يك نیم رطل زنجبیل هفت مثقال دویرا بایند و با پنج رطل خمیر بنفشه و یک رطل گلشن و نیم رطل  
 غسل خمیر کنند شربت از و مثقال تا و مثقال در آب حل کرده ملایم نمایند با بسته تا بخورند  
 این را به چوبار یک صاف نموده بنوشند همچون قویج را بغایت نفع است و از آنج سو او سو او نماید  
 حص سنالکوس و ده نشاسته بیاض فستقی کل سرخ هر يك بکشتقال بلبله سیاه پوست بلبله کاه  
 و زعفران و دام چرب کرده تخم کافور یک سبت مثقال سنالکی کل بنفشه هر يك سی مثقال عمل چند  
 چشمه صلیک و اینها را کل سرخ و بنفشه با سیاه بر یکده درم بلبله کاه بلبله سیاه بکشتقال بنفشه



نفس سودا باشد سودا در دوازده مجربات است ص بخ ابيض و دلت درم خنطیله نادره  
 گاو زبان و ورق فرخ شک هر یک دمی و نیم حبل شوفی کندش هفت روز در سر که خیسایند  
 خشک کرده هر یک و درم شاهره و صلب لغار ورق شکامی اصل القاح اسطوخودوس شش  
 غافق فوه سیاه فطر سالیون تخم کرفس انیسون رازیانه آشنه و نقل قشور سیاه  
 هر یک سه درم زراوند درج و طویل زرباد خارقون بیش سفید از هر یک چهار درم بلبله  
 سیاه بلبله کالی پنج سوسن آسمان گونی سفونیا و زربیب هر یک پنج درم آستین فیتون  
 ششوی هر یک هفت درم کوفته بنجینه پاکجین که از سر که غصص ساخته باشد همچون سازند  
 بعد رجابت همچون که تقیه سودا و لغم از دماغ و تمام بدن کند و نافست از برای مایه خولیا  
 ص اقسیمون افراطی لب فایشتی پوست تراشیده سنکلی خارقون ترب سفید و بران هر یک  
 یک درم گاو زبان گیلانی اسطوخودوس از هر یک سه درم پنج کالی نقشه را در بنجوبه و خشک  
 چوبارشی الاجور از هر یک و درم خربق سیاه یک درم کوفته بنجینه بعسل سفید هفتی سه وزن بمبو  
 ادویه چون سازند همچون نافع برای مایه خولیا ای مرانی از مجربات محمد سین ص آنکه منقی با  
 حای خطائی پوست بلبله کالی طباس شیرینغ از هر یک ده مثقال زعفران بخور  
 سافوج هندی و نقل سیاه وانه میل خود قهاری از هر یک ده مثقال پوست زردن پوست  
 بیرون پوست از هر یک ده مثقال قند سفید از هر یک ده مثقال گلاب بنفشه و مثقال آب شک  
 پنهان مثقال آب لیمو شست مثقال آب سبب شیرین آب سبب ترش آب انار شیرین هر یک  
 بنفشه و مثقال باقلاون تقریر چون سازند همچون از سید انسیل حرجانی برای مایه خولیا  
 ص باور بنجوبه پوست زرد است و نقل سیاه جوز بواقا قند خشک بنشین زرباد و بنج  
 تقریر بنجوبه خشک از هر یک و درم و نیم خشک تنی یک درم و نیم کوفته بنجینه شکا به آب کثیر  
 پوست بلبله کالی پنجاه درم آنکه منقی بنفشه و بنجدرم و درون آب بنفشه بنجینه آب کثیر  
 باور بنجوبه من عمل صافی و نقل سیاه و اقوام آورند و مایه خولیا سازند



در کار پادشاهی که نوبت مرع زائل کند و فالج و لقوه را بر دوش فیتون اسطوخودوس و سبب  
 جسته افرق و مسامی با بنجین غصلی یا باب سبب همچون سازند همچون برای صفا  
 مرع سفید ص بلیله کالی بلیله زرد آله اسطوخودوس هر یک در دم عود صلیب پنج درم عود  
 سه درم زبیب نزع الحجم یک پل همچون سازند هر دو نسخه منقول از بیاض عم مرع همچون  
 برای مرع نیز منقول از بیاض مذکور ص بلیله کالی ترد سفید زنجبیل ص صلیب عود صلیب  
 هر یک شتال اسطوخودوس یک شتال بلیله سیاه آله یک شش شتال و همچنین چهار شتال  
 بادام شیرین شتال عسل سه وزن اوویه بعد از چهل روز استعمال نمایند شربت یک شتال  
 همچون لسیان را نافع بود ص کندر و ج سعد از هر یک درم زنجبیل فلفل از هر یک یک  
 عسل و چند تا سه چند شربت یک شتال همچون برای لسیان و لقوه و مانع و دل چر  
 ص و همچنین قسم اول همین سبب الطیب حب لسیان عود صلیب ص صلیب زعفران کندر  
 بنج سوسن عقربی سعد و ج اسطوخودوس کباب صینی اساروان از هر واحد دو ماشه بلیله کالی  
 سقر خاجیل هر یک چهار ماشه آب شیم متفرض بیست ماشه سونیدانه بیرون کرده یا نهاده و انداخته  
 فندق ساشه و فلفل زنجبیل فلفل سفید از هر یک یک ماشه یا نبات چهارم و عسل نیم پاکه و گندم سبزه  
 همچون بود و ج فلفل زنجبیل فلفل سفید از هر یک یک ماشه یا نبات چهارم و عسل نیم پاکه و گندم سبزه  
 هر یک شش شتال تخم سدر فلفل سفید هر یک هشت شتال شربت شتال عسل و چند  
 تا سه چند همچون لقوه و فالج و عرقه و بواسیر و هرق و بر عسل نافع بود و معده را قوت و شکر  
 آورد و بلغم دفع کند و قوت بفرزاید و رنگت اینکو و سبب که در اند و حرارت غریبی  
 بر افروزد و چیران را بغایت مفید بود ص سبب پاک کرده یک نیم سن در یک  
 شیر گاو بنفشه نام مراشته سه چهار یک عسل و سه درم روغن گاو بنفشه  
 بنفشه یا یکدگر عروق نموده از آتش فرو که نذرین و اروا را کوفت و آن  
 بس شش شتال فلفل اسبابه جوز بودا فلفل ص صلیب قاقله کبار و صغار و اسپنج

زنجبیل بر یک دو درم خود خام زعفران بر یک پنجم درم شربت مقابل گردگان همچون بخت  
 علویان برای امراض سوداوی و بلغمی و لونه نشسته که تریاق جمیع سموم است و اگر در ریه  
 چله روز دواست نمایند برای اکثر امراض سفید و وحش گل گاوزبان برگ بادرنجبویه  
 از هر یک بیت و نیم مثقال بسفایخ ششقی بلبله سیاه پوست بلبله کابلی غنبله ثعلب بر یک درم  
 شش مثقال نیم مثقال را در واز در لال ب شیرین بوشا نند تا چهار رطل بماند صاف نموده پس  
 گریه شیرینانه پاک کرده بکپل و در آن مطبوخ داخل کرده تا شش ملائم بپزند تا مهر شود پس  
 شیر گاو تازه در آن داخل کرده بوشا نند آن مقدار که در زن شیر برود پس بکپل روغن گاو  
 خام داخل نموده بوشا نند از روغن را جذب کنند پس عسل مصفی در رطل داخل کرده  
 تا شش ملائم بقوام آید زنجبیل و غنبله سیاه و سفید و در آن داخل سیلینه کباب چینی خولجان  
 به وزن شش مثقال گل بابونه و زنجبیل از هر یک نیم مثقال غنبله شرب زعفران بر یک مثقال  
 او نه سخته آن سرشته بدست همچون سازند و در ظرف چینی کرده در جوشگاه بپزند بعد از چل  
 یکبار به ناخت شربت کینشال همچون شش میزان الطبایع از برای جمیع امراض سوداوی و  
 وصداعی و ضعف و مانع و ضعف کرده و غلبت تمام بدن و وسواس فاسده و البخل و جنون  
 و نسیان و سلس و جراحات و قرح و سرفه و بیهوش و برص و در معده و طحال و یقان  
 و ادجاع و مفاصل و ذات الخب و ادر الفیل و جوی طبع و تقویت باه و بواسیر و تریاق چشم و شک  
 کرده و شانه سفید و ص جلیاناروی و قورمانا و شک تم و شک حب لب غار زرا و نبط و الیاسو  
 چند بیت شرب بلبلان اسارون یا نه معطکه بر یک دو درم زعفران بوزن او و نفل یونجه  
 فاکله کباب نشسته سنبل الطیب و اجینی بر یک سه درم باور بجزو به صبر سقسطری ده درم  
 شرب سفید بچون خراشیده بپوشن با دوا هم شیرین چرب نموده بیت و پنجم درم و  
 شندی خام دو لانه درم کاس مغسول در دوا هم شروع الاقحاع از هر یک پنجم درم  
 سفید کوفی جلیاناروی زهر یک چهار درم بلبله سیاه آلفه ششقی پوست بلبله بر یک شش درم و نیم

در باریک و درم زربن بطریق هندی اهل و اسفیل ششوی از باریک سه درم مجموع  
 درغن بادام تلخ چرب نموده باشد و زن مجموع ادویه غسل جنسی بدستور بپوشد  
 سازند و در ظرف چینی یا زجاجی کرده شش ماه در جوگد زانیده و بعد از آن استعمال نمایند و هر چند  
 شود بهتر گوشت شربت از دو درم تا هفت درم و ازین معجون چهل و پنج خرد است و وزن  
 مجموع ادویه یکصد و پنجاه درم و نیم است و فراخش گرم در او خرد و در جبهه دوم و خشک را در اول  
 در جبهه سوم و شش در میان اطباء شربت ازین معجون از دو درم تا پنج درم است و در اختیار  
 بدینی بجای تخم قره خشک فنج خشک است همچون جهت تفویض و بلغم و حذر تالیف و الداء  
 ص قود الصلیب باشد و اجنبی سه باشد مصطک بوزیدان هر یکد و باشد سور بخان  
 چهار باشد شقاقل خولجان بهمنین گاو زبان گیلانی ورق بادریغویه سبیل الطیب است  
 هر یکد و باشد عود غرق باشد بلبله کابل چهار باشد قسط شیرین دانه هسل برگ قره خشک سه درم  
 هر یکد و باشد قنقل زعفران زربناد از باریک نیم باشد ثعلب سه باشد تخم خشتاش چهار باشد  
 و افلفل در پنج خنقلی لسان العصافیر فنج اسارون اسطودوس ساج هندی سیاه از  
 باریک دو درم خشک نیم درم غسل خالص سه وزن ادویه کوفته بنیت بطریق متعارف معجون  
 سازند و معجون که سسی بمبدل المزاج تالیف تحفه بحبت قطع عادت افیون بجايت بخور  
 است و در رفع اشتها و فحل و امراض بارده و در مفاصل و عرق النسا و سلسل بول  
 بجايت نافست حص از رانی که کچله ناسندش متقال در شیر خیسایند پوست او را جدا  
 کرده بسویان ریخته نموده بعد از آن نرم صلابه نمایند گل گاو زبان چهار متقال سبل زربناد  
 شقاقل صندل آله بلبله سیاه از باریک دو متقال عود هندی کیشقال اسطودوس  
 ستر عود کثیرا چیل از باریک سه متقال غسل سفید سه وزن ادویه شربت تا دو متقال  
 در پوست نمایند همچون از جالینوس صاحب تحفه نوشته که از اسرار است و نیز هر یک  
 حص قاقور متقال صلابه نمایند و از بخل باریک بگذارند بعد از آن در باریک

کینه و متعال بسایند و در غسل بیشتر شربت دو درم بابت و درم آب گرم معجون سیالیوس بر آب  
 جیح امراض بلغمی مفید بود و محض ششم سیالیوس را و درم جیح از هر یک چهار درم حبث افرا و افرا کوه  
 چند بیت چهار درم قرص سفید پنجم کوفته بخینه لعسل کف گرفته معجون سازند شربت دو درم با پنجم  
 معجون و جیح ترکی ابتدای نزول آب را نافع بود و ص و ج حلیت پنجم از زیاده مساوی لعسل کف  
 و معجون یا با ج غیر یکبار و نیز اضافه نماید معجون جهت سرفه که سبب آن رطوبت باشد نافعست  
 ص مغز چغندر سه درم مغز لسته پنجم مغز بادام مقشر بزرگ هر یک درم قند سفیدی درم معجون  
 سازند شربت مقابل گردگان معجون سرفه و در سینه و در معده و دیگر رافع بود و مول بر اندو  
 صاف کند ص مویز منقی با کشمش بابت و پنجم درم زعفران سنبلیله و اجینی و از شش دانگ  
 یک درم قصب لذیره قفاح از خر غلک بطم قمل هر یک درم و نیم چارم از پنجه کلک و دی است و شش  
 حل کنند و آنچه کوفتی است بگویند و بنیزند و جمله را با عسل بیشتر شربت یک درم آب زرفای  
 در در سینه و سرفه آب گرم در در دیگر و معده و این نسخه سرفندی نوشته مویز بابت و چهار درم  
 زعفران سنبلیله و اجینی قصب لذیره قفاح از خر غلک لانا با هر یک درم و نیم چارم  
 حاصل قدر حاجت معجون تالیف مؤلف جامع الصناعات و از صاف کنند و استعمال در سینه ضیق  
 و زرد و در معده و قوی و در در سینه رافع و گفته که یک درم پنجم رسیده است ص مکی میوه سالک کثیر صحت  
 از هر یک پنجم درم کند مغز بادام تلخ زراوند و زعفران پرسیاوشان ایر سافراسیون از هر یک است  
 درم زرفا خشک چغندر از هر یک پنجم درم مویز منقی دو درم اجزا را کوفته و بخینه و صمغ را در سه  
 اوقیه طین زرفا حل کرده و در غسل و نبات معجون سازند شربت دو درم آب گرم معجون که  
 سرفه را قطع باستعمال شش درم زعفران مکی روغن بلسان میوه سالک افیون هر را مساوی با  
 عسل سفید سه چند معجون سازند معجون منسوب طرف اسطوخودوس حکیم وای عجیب نافعست  
 برای نفث الدم و سعال و قرحه ریه و دهنه مجتمعه در صدر و رخرق عضلات و جنب و قذوف طعام  
 و بقیه و در ب و فروح اسهال و خلل مثانه و اختناق رحم و حمیات ناشبه و قتی بخورند قبل از وقت

و نه زال و آرد و قندار و مسح بولام و ذات سهم ص و اوجنی قسط چند بیدستر افیون فاضل و فلفل  
 سید سنا از سر کباب و قیحه گل گنگر فته کوفته بنجینه فته راد و غسل سچو شاسته تا که که انشه شود و پس  
 او و به انداخته همچون سازند و در ظرف پاکیزه نگاهدارند مقدار با قلابا باار غسل و سه قطره روغن بنجد  
 داخل کرده بخورند همچون سسی معجون الیو معجون کرسنه و معجون زرد فای تالیف محمد ذکر با نافع  
 بود از برای ضیق النفس سعال بلغمی ص زراوند صحت فردا و دقیق کرسنه فاضل تخم حروف  
 سفید معند بادام شیر تخم انجیر یک پنجم بر سیاه شان رب اسوس زرد فانه خشک از  
 هر یک درم صمغ عربی سه درم کوفته بنجینه با سه چندان غسل کف کوفته معجون سازند همچون  
 سفوی خفقان غشی و تشط و تنوی معده و جمیع اعصاب عجز اشبب شک فاضل و از  
 ناسفته یا قوت زهر و هر یک یک مثقال ورق طلا سه مثقال غسل بهشت مثقال آب سیب  
 شیرین آب ناشیرین نبات هر یک ربع رطل گلاب عرق بید شک عرق گاو زبان یک  
 یک رطل بدستور معجون سازند و اگر عوض ورق طلا در ورق نقره کنند معجون نقره خوانند همچون  
 از مجربات و الداجد خفقان حار نافع و نافع انجیر انعه و مراق درم ص سندی سفید و آب  
 شیرین سائیده سی درم آب تر سندی آب ندارد می که نبات ترش بپاشد و از طرف کوه  
 می آید هر یک نصف رطل شکسته سفید سه رطل شکسته القوام آورند بعد از آن سندی سفید از صحت  
 که زیانده بنید از نیکه قوام قریب آب پیلان اما آب تر سندی داخل کنند و بقوام آرند و وقت فرو  
 آردن طباشیر چهار درم عود و عفران درم سائیده اضافه نمایند و در ظرف نقره یا شیشه نگاهدارند  
 دو درم تا چهار درم معجون و یک ص طلا یک درم و نیم عنبر اشبب یک درم و نیم مشک تنی و دود  
 نبات بیت درم غسل سفید صمغی بهشت درم آب سیب شیرین چهار درم گلاب سی و پنجم درم  
 بدستور سنا از سر معجون از حکیم الملک اردستانی که بحبت عالمگیر بادشاه ترتیب داده بود  
 ص یا قوت ربانی لعل بنشی مر و اید ناسفته از هر یک چهار درم و نیم مشک تنی خاص  
 عنبر اشبب هر یک مثقال و نیم عفران و دو مثقال ورق طلا محلول و بنجینه مثقال شربت فو

شیرین آب انار شیرین آب پسته شیرین آب سیب شیرین از هر یک چهار رطل غسل منقح  
 شفتال نبات سفید و رطل عرق مشک و رطل عرق گاو زبان گلاب از هر یک و رطل  
 بدستور مرتب سازند همچون آفتابین جهت در معده و وجع الفواد که از سوا و سوا باشد  
 صاف آفتابین هفت درم انیسون تخم کرفس هر یک نیم درم سیاه درم افیون چند بدستور  
 و درم غسل و چند بطریق متعارف همچون سازند همچون جهت تقویت معده و استسقاء و  
 وی نفعست و دل را قوت دهد و قبض شکم نماید ص پوست سنگدان خردس بلای شیرین  
 شفتال گل سرخ سه درم نفع خشک است بیرون پسته پوست ترنج پوست مالینا و هر یک  
 یک شتال همین صندلین کشمش خشک بریان حبلا س صغیر هر یک و درم کوفته بخیمه و شیرین  
 فواکه همچون سازند شربت و شفتال همچون که سده و دیگر را قوی گرداند و بلغم برود و اشتها آرد  
 بدیضمی دفع نماید و بوی دهان خوش کند و سیلاب لعاب بین باز دارد و سده بپاشد و که شکم  
 بکشد و بادها بشکند و گرده را قوت دهد و رنگ گرد و دندان پاک کند و بادها بپزد و فقر اطباء که بکشد  
 در سال یک هفته هر روز سه درم بخورد از این همچون مرادی که از شتوت طایب کند بر این ص  
 ناخواه تخم گندم رنجیل هر یک ده درم زعفران بسفلیج هر یک یک درم تخم کرفس نیم درم کوفته بخیمه  
 با غسل بشیرند شربت سه درم همچون نفعست جهت کسی که سبب رده معده طعام را نمی  
 ص یخ از خرد سعاد از هر یک یک درم ناخواه آتش فلفل کند هر یک نیم درم رنجیل سیاه بوشه  
 هر یک بعد از معده عود خام هر یک شلست درم فلفل سبک هر یک انگلی موز باوانه و  
 سخت دانه از موز بر آرد و آب بسایند پس بهین آب اند موز گوشت بسایند و چوشانند  
 شود بعد از او ویه کویه بخیمه بدان بشیرند شربت بعد از او ویه کویه بخیمه بدان بشیرند  
 خالی جمع آید و اینها در ص زربنا و در پنج هر یک و درم مرادید با بشیرند سیاه فلفل  
 زعفران چند بدستور از هر یک یک نیم درم سمنبل هر یک نیم درم آتش نیم درم کوفته بخیمه و  
 بشیرند شربت یک شتال همچون طباشیر حرارت و رطوبت معده را نفعست و سده و رطوبت

در دواشته که دو تنگی نباشد و ضرب فاسده دفع کند ص طباشیر سفید گل سرخ هر یک یک درم  
 سماق منقح از حب و درم گشتا قاقا که یکبار یک یک درم مصطکه نیدرم شربت سه درم آب سبب  
 یا به معجون جهت دفع فواد و قلب نفس که از بر دواشته نیست بسیار قوی معده است ص  
 گل سرخ فلفل نخعیل زراوند طویل و ارچنی اسارون هر یک و جزو مصطکه زربنا و پودینه اینسون  
 هر یک یک جزو جندید تر وزن عمل وزن شیر و گشتا بستر شربت و و متقال معجون جهت  
 شهوت ملین و دیگر چیزها نیست ص ایارج فیکر دوازده درم بلبله بلبله آلمه بلخ فلفلی کوفته  
 بنجینه بعسل بستر شربت از سه درم تا چهار درم معجون جهت تقویت معده و باده دواشته  
 و قوت جماعت بسیار مجرب است ص جوز بلو الباسه لسان العضا فیرنج از و بنجیل  
 و ارچنی مصطکه زعفران عود هر یک سه متقال قاقا که یک درم شقال اشنة و نیم متقال قند  
 و گلاب هر یک دو متقال قند را در گلاب حل کرده غسل بقدر کفایت اضافه نموده بقوام  
 آورده ادویه مسحوق بدان بستر شربت یک متقال معجون در دواشته و جگر و سپهر را سود دار  
 در دواشته و بار ایشکند ص سلیمه ناخواه حماما از اینا اینسون سیسالیوس جندید تر شربت زراوند  
 طویل مصطکه اسارون کرو یا کوفته با عسل معجون سازند معجون سطحیقون تباهی مزاج و  
 در دواشته را سود دار و ص قسط حماما سنبل سلیمه مصطکه از هر یک دوازده درم زراوند طویل  
 فلفل سیاه فلفل سفید تخم کرفس شبت اینسون ناخواه زیره کرمانی و قو و قطر اسالیون کاشمشک  
 و اینستین اینزان فودنه لجناع خشک زهر یک چهار درم کوفته بنجینه بعسل شربت معجون  
 معجون که او را معده و جگر سود دار و ص ناخواه ریوند چینی نخعیل اسن اشتر خا بر یک  
 جزوی تخم کرفس از اینا هر یک نیم جزو کوفته بنجینه بعسل معجون سازند معجون که در دواشته و جگر  
 و سپهر را نافع و باده را ایشکند ص سلیمه حماما سنبل ناخواه تخم کرفس اینسون سیسالیوس جندید  
 تخم شبت زراوند طویل مصطکه اسارون کرو یا مساوی کوفته بنجینه بعسل معجون سازند معجون  
 معده را پاک کند فی لغبی بود اوی ابار دارد و دواشته نافع باشد ص اجزاء آن بلبله سیاه

باید که بلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افیمون چهار درم نمک هندی سی درم ایاده  
 فیترا ده درم غاریقون چهار درم کوفته بنجیه بکنجین سادو بهشت شربت سه درم یا گدیم معجون  
 که شہوت رویه و صداع را سودا در دص و دو قوریون چینی حب بلسان از خرافیسون انیسون  
 سیاه زعفران دارچینی اسارون فطر اسالیون کما فیطوس هر یک سه مثقال مغز حلزونہ سی  
 مثقال نفع خشک نیم مثقال کوفته بنجیه با حسل معجون سازند معجون ناخواہ این معجون را  
 محمد زکریا ستوده است میگوید عجیب دارم از کسی کہ این معجون بکار برد او را باطیب حاجت  
 بود و ناخ و معده را قوت دهد و گوشت را نیکو گرداند و طعام بگوارد و بوی دهن خوش کند و بن  
 سخت گرداند و آب فتن از دهن باز دارد و کرم شکم بکشد و آب و بای مخالف بسکند و گدہ را  
 قوت دهد و شانه پاک کند و قصب سخت نماید ص تخم کرفس ناخواہ تخم شبت تخم خیزر تخم کنڈا  
 از هر یک ده درم علك و می قرفصل قرفه حاقور حاسارون لباسه از هر یک یک درم عود نیم درم  
 مشک نیم انگ زعفران نیم مثقال جلد را کوفته با صند درم مویش لکری با صند درم شکر در یک  
 سنگین آب بپوشانند تا بقوام آید او به باد و رویشند شربت شبانگاہ و باد و بکشد معجون  
 بنجیه دیگر معده پاک کند و اشتها طعام آورد و باه را قوت دهد ص سقر ناخواہ زو فار نفع  
 خشک شونیز زیره کرانی از هر یک پنج مثقال و ج لباسه رازیانه زنجبیل جوز بوا کرفس لکری  
 مثقال حاشاد و مثقال کوفته بنجیه با بچندان حسل معجون سازند معجون در دجگر و معده  
 و او را رم رحم را نفعست ص یونڈ شہد انج و ج سنج اسجدان پنج کرفس رازیانه انیسون ناخواہ  
 سناوی لبسل بپوشند و بعضی بدل شہد انج راسن میگویند شربت مثقال با مار اصل  
 معجون منقول از سناج برای امراض جگر و معده ص لک مغسول ربونڈ چینی عصا  
 قنار الحار شحم شطل هر یک پنج درم عصاره افستین غاریقون هر یک ہند درم کاسنی تخم کشمش  
 هر یک ده درم عصاره زرشک پانزده درم عصاره گل خشوق خشک بیت درم کوفته چلڈا  
 بپوشند شربت اینچیزم تا ہند درم کاسنی معجون درم جگر رانفع بود ص گل سنج چار درم



پنج سوس به قدر دم ریونید چینی یک مثقال از هر یک یک مثقال و نیم سیاه زعفران هر یک سه درم  
 مریم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و دو بار اکوفته بخیه بدان مخلوط سازند و اصل بپوشند  
 معجون صلابات سپرز و جگر و در و سخته و مثانه را نافع باشد و سده بکشد و صحن خطیله ناز  
 فلفل از هر یک ده درم قسط السانج سنبل ریونید چینی از هر یک هفت مثقال کوفته با سه وزن او  
 عسل شسته شربت و در دم آب سداب معجون قونج حبیب و یک ساعت بکشد و صحن  
 قوفه سانج بپندی و از فلفل فلفل زنجبیل رنگ کابلی و فلفل آله شسته از هر یک مثقال تخم کرفس سنبل  
 زعفران معطر از هر یک نیم مثقال تریا بپسند و نیا از هر دو کوفته بخیه با سه چندان عسل شسته  
 شربت ده درم معجون قونج را بکشد و بلغم را دفع نماید و در و شسته بکشد و صحن ستمو نیاده درم  
 قاقلیکبار و صغار زنجبیل و از چینی و فلفل فلفل از هر یک پنجم درم شکر سرخ تریا بپسند از هر یک صد  
 مثقال عسل بقدر احتیاج بدستور مرتب سازند شربت و در دم معجون زنجیر و اسهال کشته را  
 دارد و اصل فیون جدید تر سیه نیر البنج زعفران اسارون مریم کرفس سنبل سیاه کله  
 مساوی کوفته با عسل معجون سازند شربت یک درم آب سداب معجون قونج را بکشد  
 در یک ساعت صحن زنجبیل زیره کافیه سداب قونج نیا از هر یک ده درم ستمو نیاده درم عسل  
 معجون که اسهال کشته و زنجیر را که با جرارت بود و سود دارد و صحن چند بیستر اسارون سیه  
 نیر البنج کندر کوفته بخیه با عسل بپسند شربت و در دم معجون کبکب کبکب کبکب  
 تخم کرفس چند بیستر از هر یک جزوی ستمو نیانیم جزو ستمو نیار و در و شستن با دوام بسایند و  
 سیککبکب را در عسل حل کرده بهم آمیزند و داروهای دیگر اکوفته بآن بپسند معجون باد و آب  
 و بادوی که در روده بود بشکند و آس مقعد را که خون از و آید سود دارد و صحن بلایه کابلی بلایه  
 شمشیر بلایه تخم سپندان تخم کندنا تخم شمشیر مقوم هر یک پنجم درم قتل ده درم قتل را در آب حل  
 نمایند و داروهای اوران بپسند شربت و در دم معجون اختلاط اسهال بلنجی و زنجیر را  
 نافع بود و اصل فیون جدید تر سیه ساهمه نیر البنج زعفران اسارون تخم کرفس سنبل

کل ازنی گلزار سادی با سوزن ادویه غسل بشنند نیم درم یا رب بر آب سماق یا آب سر  
 معجون نالیف حکیم عبدالحمید که جهت اقسام اسهال خصوص اسهال بواسیر سفید  
 اتیس نشاسته حب لاس تیواج خطائی کشتن بر ششترنج انجیر با طراشیت رال مغز بیل سعد  
 زیره سبز از هر یک یک توله که با طین ازنی هر یک شش ماشه طباشیر و توله زیره و رادر مرکب  
 خیسانده و برشته باد و بر حب لاس معجون کنند خوراک نیم توله بایک توله باشد شربت انجیر  
 معجون که طبع را نرم کند و بواسیر را فائده دهد ص نقل ده مثقال کثیر انجیر مثقال انجیر  
 سوزن دانه بیرون کرده بیت شته ال شربت سه مثقال غذا گوشت مرغ و زرده پیچیده مرغ  
 معجون منقول از تذکره جهت اسهال جمیع اخلاط و ماده متحرقة و مواد جازام و حمیات است  
 و فلفل عطرش فم کبکتر ساخته و در ای فم سواد متحرقة از مرقی غالی از فلفل سیاه ص رازیانہ صندل  
 تخم خبازی هر یک چهار مثقال گل سرخ ده مثقال بلبله زرد تخم کشتوت ششین بنفشه هر یک  
 پانزده مثقال عناب سپستان سوزن منقی هر یک سی مثقال الو بخار افرمندی هر یک نیم مثقال  
 مجازاد آب کوفته پیچیده صاف نموده و با سی مثقال ترنجبین یک زین ادویه شکر بقوام آرد  
 و کثیرا صمغ عربی و سقمونیات شسته هر یک پنج مثقال اضافه کنند و اگر خواهند اسهال خود  
 شود و هفت مثقال سقمونیات شربت از مثقال تا هفت مثقال معجون  
 که قوی بکشد و ایلا و سس را که بیش اسهال و اطفال در اسهال و فاق باشد بود  
 دار و صمصک قرفل نخبیل فلفل دار فلفل جز بود اجزاء سادی کوفته پیچیده سقمونیات  
 بوزن گل شکر آب بقوام آورده بشنند شربت از یک درم تا دو مثقال معجون نالیف حکیم  
 کیانی رفع سواد بلغمی که ص بکیر تر بد سفید صمغ مخوف مدبر کبکتر نیم مثقال فلفل  
 سد درم صمصک یک و قیة تر بد را خراشیده بر وزن بادام شیرین چرب کنند و با سی  
 ادویه کوفته پیچیده باد و وزن غسل صمغی خام معجون سازند شربت از دو درم تا پنج درم  
 با کبرم حل کرده بنوشند و اگر بخواهند نیز جایز است معجون بر بنفشه سیداحمد غفر الله

بواستیناید ص خبث الحیدر بد بر پوست بلبله سیاه آلوده منقعی که از انج از هر یک  
 پانزده درم اذخر سعد کوفی زخمبیل فلفل کند از هر یک و درم کوفته بنجینه بعسل آلوده ملی سه  
 وزن ادویه معجون سازند شربت یک نخود بزرگ معجون عقارب برای حصاة گرده و شانه  
 از این سرفهون ص عقارب سوخته سه درم و نصف خطیانار و سه چهار درم  
 و نصف بنجیل یک درم فلفل سفید فلفل سیاه از هر یک و دو درم و نصف بنج کالنج بندرم و  
 نصف چند بدیستر چهار درم کوفته بنجینه با سه چندان عسل کف گرفته معجون سازند و بعد از  
 شش ماه استعمال نمایند شربت دانگی باب کرفس معجون ید الله و تقویت حصات نهایت  
 مجرب است ص خن بز چهار ساله باشد ز جلاج محرق راه عقرب راه پنج کرب راه اوز  
 حجر سنجع پوست تخم مرغ که بنجینه سیرین آورده باشد حجر الیهود صمغ جوز و ج فطر اسالیون و قو  
 صمغ اکوشکطرا شمع تخم خطمی فلفل از هر یک کثیفال جمله را با دو وزن ادویه عسل بنشینند  
 یکثیفال تا سه مثقال باب الطلیح خشک شود سیاه که هفت ماشه باشد در یکرطل آب بچشند  
 ثالث بلانده صاف نموده بخورند و سبی ید الله بحال الله و باید که بز اول نگون پشت بنج کندن و  
 اول دانده اوز بریند و خون بر میان و را در ظرفی نگاه دارند تا بنشیند پس از کار و قطع قطع کرده  
 در آفتاب خشک نمایند و مخل الز پارچه پوشیده دارند تا از غبار محفوظ باشد معجون  
 که بول و درفش باز دارد ص مرو کند را قیاسیاف مایشا هر یک و درم شب بیانی بلان  
 سه درم تخم خطمی هفت درم راسن تخم کنان بلبله کابلی بریان هر یک و درم کوفته بنجینه با  
 آمیزند شربت سه درم معجون حجر الیهود سنگ گرده و شانه بریند از صمغ تخم که در  
 تخم خیارین صمغ تخم خیزه حب کالنج هر یک بنچدرم حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل  
 معجون سازند شربت سه درم ناد و درم معجون حجر الیهود که ص حجر الیهود پنجاه درم کالنج اسار و  
 قودا صمغ تخم خیزه تخم خیزه تخم کرفس صمغ حب لقرطم دو قوسه تخم خیارین انیسون صمغ تخم  
 تر و تخم که در صمغ تخم خیار از هر یک بنچدرم کوفته با سه وزن ادویه عسل مصفی بنشیند شربت

دو درم تاسه درم معجون کاکنج قرصه بشانه و کرده و بول الدم لثام بود ص نبر الیغ تخم کرفس رازیانه  
 هر یک به مقدار تخم خمر پوزه تخم حماض انیسون مغز حلزونه بریان کرده مغز بادام تلخ بریان فندک  
 از هر یک سه درم زعفران دو درم تخم کاکنج بنیت و پنجید و کثیر چهار درم کوفته و پنج تخم بپوشند و سر  
 یک درم باخند لقون یا با مار افسل یا شراب خشناس معجون ابن ماسویه و او گوید که معجون سنا  
 را صنعت نیکه اروص اسارون حب لغار سلینو اسپند حب بلسان عود بلسان همه را در  
 بگویند و بحر یخینه و آب بادیان سرشته معجون سازند و سه درم از وی بکار برند معجون حب  
 فراش شخصی قریب پنجاه نوبت بول میگرد و بعد اوست این ترکیب مرض او بر طرف شد  
 ص فلفل دو ماشه کندر قسط شیرین سعد کوفی بلوط از هر یک پنجاه شمشه تخم بیل سه ماشه دار فلفل  
 پنجاه شمشه عسل سه وزن ادویه معجون از علویان مرهم ساسل و فراش و سیلان منی و دود  
 وندی که یاس از علاج آمده باشد محب نوشته ص که برای شمع کفیتال و چهار دانگ بلبله سیاه  
 بلبله کابل که این بهر دو را در روغن گاو بریان کرده باشند کات هندی سفید پیریکه و شقال حبیب  
 قشاکند از هر یک نیم شقال شندنج حب لاس از هر یک چهار شقال خصیه الثعلب کوفه  
 در گلاب بنزد تاسط شود و ادویه را با آن سرشته بهر روز دو درم آنرا تناول نمایند بعد از این شراب  
 صندل ده درم تخم بالنکو دو درم در هم کرده بنوشند معجون برای تغلیظ سنی ص گوند نشانه  
 خصیه الثعلب از هر یک نیم نوله کثیر اطا شیر و از چینی دانه بیل از هر یک چهار ماشه مغز بادام متفشر  
 و دونه نارجل یکتو اعلک لبطم سه ماشه مغز حلزونه یکتو ارسطکله و ماشه نبات سه وزن ادویه  
 معجون که نجیب الدین خان اراک نقوبت باه اثر بسیاری بخشیده بود ص و از چینی قسط شیرین  
 زعفران تخم بیل فلفل سفید کچند قشر زعفران تخم بیل از هر یک یک درم خشک ساق هندی سنا  
 کو یا قرفل قاقلا از هر یک دو درم تخم ترب تخم شام از هر یک چهار درم مرارید یا سفته که را بنزد از هر یک  
 شش ماشه مغز بادام مغز حلزونه از هر یک یک درم ثعلب مصری گل سنج بهمنین از هر یک  
 یکتو ارسطکله و غرق شش ماشه شک سنا سه ماشه چهار ماشه نبات سفید یک زن ادویه عسل و دونه

شربت از دودرم تا چهار دودرم معجون که در تقویت مکرر تجویز آمده صل صفت آن عاق و حاق و حاق  
 منفرط دودرم منفرط دودرم منفرط دودرم اسکندر از هر یک سه توله فضل در از صطلک تخم لمیون از هر یک  
 یک توله که چند دقیقه چهار توله شک تینی سمندر سو که هر یک نیم توله جوز بواشعلب مصری و تخمیل از هر یک  
 دو توله زعفران ششقل همین تو درین بسا سه تخم کوچه تخم زردک تخم انجرو از هر یک یک توله فلفل  
 نیچاه توله عمل کفک فلفل یکصد و پنجاه توله شربت اول چند روز نیم شقل بعد از آن از شش شش شش  
 معجون بهجت سرعت انزال از مجربات است صل بلبله کابل بریان یک و نیم و همین سفید نصف  
 جز و اسن خشک فلفل یک و نیم و آله مربی معجون سازند و نگا بدارند و بخورند معجون پیل پاک که برا  
 تقویت باه و اعاده شهوت نافعت صل شهید دودرم روغن گاو چهار دودرم پیل در از شربت دودرم  
 نبات سفید سازند دودرم شیر گاو تا نوزده و دودرم پیل در از زرافه کوفته بخینه باشیر و روغن نبات  
 بچوشانند و اگر آبی از این باقی باشد که تمام شیر در خور و بعد از آن ناکسیر تخم پیل و آسیج  
 از هر یک چهار ماشه بهر با سوده انداخته و بعد از سر و شکان شده انداخته معجون سازند واجب  
 بر بندن بعد چهار ماشه و از یک حب تا دو حب در چاه زمستان خورده باشند معجون حبت  
 تقویت باه از بقای صل شک یک شقل عذیر انشرب زعفران لسان العضا فیر یک و شقل  
 نضاع نابیل تخم پایز منفرط دودرم تخم لمیون خشک مربی بسا سه منفرط دودرم انجرو از هر یک یک شقل  
 منفرط دودرم ریخ و سفید هر یک چهار شقل فلفل منفرط تخم قلیا و قلیب گاو همین تخم خنکاش  
 حبه الخضر از هر یک یک شقل شیر یا ششتر احوالی ده شقل نه شقله الثعلب هشت شقل باغ  
 کینشک نر چهل عدد و فلفل سفید بهر برابر معجون بهجت سلسل لمیل و فلفل آن مجرب است  
 صل مر سداب حرف یک دودرم کند حب لاس جز و با بسا سه فلفل بلبله سیاه هر یک دودرم  
 سه شونیز هر یک دودرم انجیر خشک پنجم دودرم طباشیر یا نود دودرم کوفته بخینه لعسل بپوشند  
 شربت از سه شقل پنج شقل معجون تالیف بلال الدین بهجت سرعت انزال بقای  
 سفید و در اساک سنی بنیاید و قلیب اساک کند و فلفل آورو و لذت جماع دهد از مجربات

غیر اشتبک کشتقال زعفران که با برز البرج سفید سفید سفید الطیب عود خام قرفه و اینچنین مصطکه و دانه  
هر یک و ششقال لسان العصاره فیروز با هر یک سه ششقال بایه شتر اعراقی خصیة الثعلب هر یک چهار  
ششقال پوست خنثاش دماغ کنجشک نر که وقت سبحان گرفته باشند ششقال نبات سفید و دانه  
حب النیل چهار صد عدد و دانه را گرفته بخیته با سه چندان غسل کف گرفته بپوشند و روغن  
ورغن بادام قدیری داخل نمایند و بوقت حاجت از کشتقال تاد و ششقال بخورند و غذا قلیا  
و پیازه و کباب همچون مصطقه قوی منقول از رساله نشاط و انبساط صل بهل ترس فوه  
مشکط اشج سر قراح از خزان هر یک کشتقال حلتیت جاوشی عصاره سنبلین و اینچنین از هر یک  
ششقال سداب بستانی را در آب جوشانید و صاف نموده با غسل منروج نموده بقوام آیند  
و همچون سازند خوراک از دو درم تاسه و درم که بآبی دران پرسیاوشان و پودینه جوشانید  
باشند و از خراشیرین نموده بپزند همچون که جهت تقطیر لول و سرعت انزال منی انفعل  
صل آرد کنار فوغل خصیة الثعلب و نقل سنبل مصطکه ناخواه هر یک و درم با نیم من غسل  
بپوشند شربت دو درم همچون منسوب بصدر المملکه و الدین عطار السدیز است جهت  
تقطیر لول و سرعت انزال را نافع است و در اختیارات بدعی نوشته که او در سرعت انزال  
تقطیر ندارد و قه با باید که کباب باشد ص مصطکه کند جفت بلوط بر القنب بالسوی گرفته بخینه  
باد و چندان غسل بپوشند و باید که جفت بلوط و شهد انجم کوفته بپزند و لبان مصطکه با هم  
آمیخته شربت دو ششقال و در نسخه عوض برز القنب انه سوز است همچون که در اعاده  
باه مبرودان بنظیر و در تقویت دل و دماغ و جمیع اعضای انسان معیدیل است ص  
پا زهر حیوانی غیر اشتبک رنق نفرد مشک خالص هر یک یک درم سافج هندی سوزان  
زرباد تو دیرین زعفران یا قوت از هر یک و ششقال افریقین خطابی زرب قرقش کبابین بنجین  
فلفل قاقه که کبار قاقه صغار و روغن عفری گل گاوزبان گل بنبلو فرختم که فلفل انیسون  
سعد کونی خولجان اسارون سنبل الطیب لسان العصاره سفید سفید سفید زراوند و جود

این ششم مغرض بوزیدان پوست تنج گل مخوم قضیب گاو اسطوخودوس هر یک مثقال  
 جولا جور و مشغول سونبالی کافی از هر یک چهار مثقال دار چینی قرص افعی طباشیر سفید  
 مغز تخم خرپوزه تخم شبت مایه شتر اعراقی محمود جوز بلو الباسمه آمله منقی مغز گردگان مغز شتر پرنده  
 مغز فندق لعل فیروزه مروارید نافه مر جان گل سرخ پوست بلبله زرد پوست بلبله سیاه  
 کشنیر خشک هر یک پنج مثقال خصیه الثعلب یا زده مثقال مصطکی شش مثقال مغز کشنیر  
 چهل عدد بقدر کفایت معجون که صاحب قادی نوی نوشته در تقویت باه نظیر دار و صلا و طر  
 و نقل بنجیل هر یک یک و قینه زرده تخم مرغ بخته بیست عدد غسل صد و بیست درم بقوام  
 معجون سازند شربت سه درم معجون مختصر الاجزاء در تقویت باه و تولید منی جرب است  
 صن بنجیل شقائق بوزیدان ثعلب مصری هر یک چهار درم حلتیت خوشبو شش مثقال  
 زعفران حاصل چرب کرده با قند و عسل هر یک سی مثقال آب شند شربت و دو مثقال غذا  
 قلندر روک و بیضه نیم شربت معجون چوب چینی از تالیف والد ماجد جت تقویت باه و تخلیط  
 منی سیدیل است صمغ وارید سائیده زعفران هر یک نیم مثقال شک بختی خنبر اشوب  
 دار چینی مایه شتر اعراقی بوزیدان کباب چینی هر یک نیم درم خولجان قسط شیرین سعد کوفی هر  
 نیم مثقال صندل سفید سه پاو مثقال چوب چینی دوازده مثقال ریزه چینی بنیل الطیب مصطکی  
 پیل اسارون گل مخوم سمک صید از هر یک سه حصه مثقال صندل سرخ نیم مثقال بختی  
 درونج عقری زرباد تخم کدو تخم شلغم تو در بین تخم کونج بهمنین خشک پرورده از هر یک مثقال  
 آمله منقه سه مثقال جوز بوانشاسه شقائق گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اشنه تخم خنخاش  
 مغز تخم خرپوزه مغز تخم چارین تخم کاسنی خرفه منقشر از هر یک و شش مثقال مغز فندق مغز گردگان مغز  
 چلغوزه هر واحد یک مثقال ثعلب مصری سه پاو مثقال مغز ناجیل مغز حبه الحضر اسفر حباب الزم  
 از هر یک پاو بالاکه مثقال تخم بلبله و لاتی مغز تخم کدو لسان العصاره و واحد یک مثقال پودنه  
 خشک و دو مثقال عمل کشمیری دو وزن ادویه قند سفید یک وزن ادویه

و گلاب و ازده دام بطریق مشهور معجون سازند شربت ارشش باشد تانه باشد از موصوفات  
 پیر بنیز نمایند معجون منقول از بیاض عم مرحوم ص مغز لیمو مغز فندق مغز تخم خرپوزه مغز  
 حب لیمو مغز گردگان کش خرماسه مغز حب لیمو از هر یک سه باشد خرماسه سلیمانی شش باشد مغز  
 کنبشک بنفت عدد مغز کوبیده بچوبید مغز حب السنه مغز انجلیک هر یک سه باشد مغز خربل و کبوتر مقتدر هر یک  
 یک درم خشخاش سفید مغز حب فلفل تخم کدو تخم شلغم تخم ترب تخم اسپت تخم پیاز تخم بلبلون تخم کوبیده  
 تخم انجریه تخم جیره مصطکی اغلب مصری شتاقل مصری بوزیدان لسان الصفا و سوزنجان  
 خولنجان از هر یک سه شتقال عود غوثی پودینه و فلفل زنجبیل و اله جوز بوا بسباسه زر بنا  
 درونج از هر یک دو باشد قصب گاو سولمان نموده شتقال ابریشم خام مغز حب چار شتقال بهنبر  
 تو دین هر یک شش باشد پاپشته اعرابی و اچینی هر یک سه باشد مغز فلفل دو باشد سنبل کنیا  
 هر یک یک نیم باشد چوب چینی اعلی دو توله زعفران دو باشد مشک خنجرهای رویان چهار باشد  
 خشک پرورده سه قطره بجزی قرفه هر یک دو باشد منشا بغدادی سه باشد زراوند مروج حار  
 هر یک دو باشد عسل سفید دو وزن ادویه نبات سفید یک وزن ادویه بطریق متعارف معجون  
 سازند معجون که در احتیاج طبع و بول سودمند بود و منفعت عظیم در این باب دارد  
 ص رازیانه انیسون هر یک ده درم مشکطرا شیع ریوند چینی اسارون حکما حبل جوده هر یک  
 سه درم مجموع را کوفته بخیته باشد چندان غسل کف گرفته بشنند هر باید و مقدار که شتقال بخورند  
 معجون بحیث زنان حامله که عادت باسقاط داشته باشند مفید هر گاه شروع ماه سوم  
 شود هر روز که شتقال بخورند عادت بر محل هم می نماید ص اشاره حاج شایخ گوزن سنه  
 گلزار ابریشم مغز حب هر یک یک باشد مروارید مروارید بد شیب سفید گل سرخ گل بنفشه خشک  
 عود هندی مصطکی زر بنا و کباب چینی هر یک دو باشد کوفته بخیته کنگبین سی باشد و شیر و الکه شتر  
 معجون سازند کافور قصبوری اگر مانع نباشد بقدر حاجت آمیزند معجون از سکنجبین حلو شان  
 مرحوم در خواص او شده برای زنده که همیشه اطفال او پیش از وقت ساقط میشدند اگر طفل



احياناً در وقت متولد شده زياده بر دو سال زنده نمی ماند بجز ضلیم الصبيان فات  
 سیکو معجون را تالیف نموده در ایام حمل پیش از آنکه ماه ششم رسد دست حمل او چهل و یکروز  
 خوارانیدم معجون الله تعالی آن فرزند متولد شود و در تولد نیز آفتی باو نرسیده و نوشته که یک  
 از جای انواع مختلف استعمال نمودم سودمند یافتیم ص مرورید که بای شعی بسد مرق منسوب  
 صندل سفید صندل سرخ طباشیر غصص اخضر درونج عقرنی عود الصلیب زیر یکد و شغال  
 ونیم مفرغ بند وانه تخم خرفه متشکر از هر یک پنج مثقال روغن طلا و روغن نقره از هر یک بیت عدد اثنتیم  
 مفرغ صیخ انجبار شامی گل ازنی از هر یکد ونیم مثقال عنبر اشهب و دو انگ شرب غوره  
 هشتاد و پنج مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال عسل مصفی پنجاه مثقال بدستور قرب  
 سازند شربت کنتقال معجون رفتن آب از فرج زن منع نماید و در نبات مجرب است ص  
 سوچرس سپیدی طباشیر نشاسته گل مخوم بازو گل سرخ حب لاس بلبله بلبله آله از هر یک  
 نش باشد صلی سیاه و سفید یکتوله پوست انار نه ماشه آب انار ترش و دو دام نبات و عسل  
 سچندان ادویه آمیخته بطرفی معجون سازند شربت ص الصباح یک توله از حوض  
 و ادویه منقحه بریزند معجون مجمل است و از اهل حجر منقول ص زیر کوبی و اگر کوب  
 نباشد املی که در کمال جوانی هستی رسیده باشد بسد منقول همین خولجان خردل هر یک  
 ماشه درونج عقرنی مصری هر یکده ماشه با عسل کفکفته بسرشد و سه روز هر روز از یک ماشه  
 تا بقدر تحمل مزاج و قوت بخورند معجون معروف معجون سنبل و رقیبیت باه و تولیدی  
 و سیاه دشتن سوی و بحال دشتن جوانی از جربات اهل هند است ص درخت سنبل  
 جوان تازه بکاوند و پنج اوک از میان برمی آید مانند گز بار یک بریده در میان خشک  
 نموده سقوف کرده از جامه گز انیده بهم وزن آن شکر تری بانات معجون سازند و  
 مقدار هر صبح استعمال نمایند و تاده درم برسانند و از ترشی بریزند معجون فلاسفیه از  
 ماده الحیوانه گویند ماشه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و سلسل البیون در

و در زگرده و او جاع مفصل را نافع بود و منی بهیت زاید و باه بر انگیزد و دندان رست  
 گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و در زنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران را موافق بود  
 و اضع این ترکیب اندر و اجس قدیم است که با نصاب حکمای آفتاب مرتب ساخته از تجارب  
 منسوب بفلاسفه شده و درین نسخه اختلاف بسیار است موافق شیخ بوعلی و سید اسماعیل مرقوم نمودند  
 از دوشمال تا چهار شمال قوتش تا چهار سال باقی است صفت زنجبیل فلفل و این چنینی آلهه شش  
 شیطیح هندی زراوند و جرج خصیه الشلب مغز حلزونه بابونه زاجیل از هر یک ده درم تخم بابونه  
 منقح سی درم غسل صفی دو وزن با سه وزن ادویه بطریق معجون سازند و شش اونس خبث الحید  
 اضافی درین نسخه بخت زرداب نموده را قلم این معجون با خبث الحید جهت تقویت اعضا زینال  
 و رفع قطنی بول سفید یافته معجون ماده الیه واده جد واری را با ضم و لغیر را دفع کند و لیسان و سلس  
 الیه را و در زگرده و در پشت او جاع مفصل را نافع بود و منی نیز اید صفت فلفل مرز فلفل گردان  
 از هر یک دو شمال و نیم کفیت شمال و نیم دست لیلیه دانه شمال و شیطیح هندی زراوند و جرج  
 خصیه الشلب مغز حلزونه عرق بابونه مغز زاجیل گل بابونه از هر یک ده درم آلهه شش و نیم جد واری  
 خطائی عود الصلیب از هر یک پنج شمال مر و اید با سفید هفت شمال و نیم همین نسخه پنج شمال و نیم  
 عمل سفید چار صد شمال سوزنی منقح شش و هفت شمال بیشتر معجون سازند معجون ترکیب  
 جالینوس است هفت نفع دارد و قصب سخت کند و او عین منی بکشد و شهوت زیاده کند  
 و اعصاب را قوت دهد و در خون تغییر عظیم پیدا می کند و لعل بسیار آرد و دوشی مر و در زن  
 پیدا کند صفت مر و اید بسیار از هر یک یک شمال همین از هر یک سه درم کلنج پنج لیلیه از هر یک  
 و منی قفاح از خر سحر که نانج سیاه و این چنینی اسارون مر و اید از هر یک نیم شمال و نیم عرق  
 از هر یک نیم درم کوفته بخیه یا میچندان عمل بیشترند و در وقت از هر یک چهار صد شمال یا کمتر  
 بنوشند معجون اسکالپول او را بول را نافع و سیلان را باز دارد و ناصه مر و اید  
 اتفاقاً کفار از هر یک سه درم صفد لیلین عدس قصب از زیره تخم حانض منقح عرق لیلیه شش

هر یک در دم کند یک درم تخم مورد و دو مثقال کوفته بگللاب برشته شربت بخورد غذا بره بریان همچون  
 که حیض بکشد و زادن سهل کند و بچه مرده میگذرد صحرای چینی هر یک درم برگ سداب و بونه  
 کوبی و زانما مشکطرا شمع فربه حلیت سنگینج جاشیر هر یک سه درم اهل ده درم بایگین مصفی است  
 شربت سه درم همراه مطبوخ مناسب همچون از حکیم محمد جعفر اکبر ابای در تقویت قلب و باه  
 بغایت نافعت صحرای چینی سه درم قرفل یک درم زنجبیل سه درم جوز بوا درم لباسه بایه شتر  
 اعرابی از هر یک نیم درم ابریشم قرض یک درم دار فلفل نیم درم سوربنجان خولجان از هر یک یک درم  
 حاقق زحانیدرم عود هندی نارشنگ از هر یک یک درم زعفران دو درم جرد و انقبش سه درم سبک  
 نیم درم عنبر بلعبرم مغز حلزونه ده درم روغن نارجیل ده درم ترنجبین نبات از هر یک هر ده درم  
 عسل سی و شش درم ترنجبین را در تخم آثار شیر گاو بچوشانند و صاف کرده با نبات و عسل بقوام  
 آرد انجرا را با یک ساییده همچون سازند شربت دو درم صبح دو درم شام همچون نیز از الیف  
 حکیم مذکور بجهت تقویت باه صحرای چینی الثعلب و از ده درم مغز خیمه دانه حب الصدور بکند بمقش  
 تخم مارچوبه کش خرا از هر یک ده درم مغز کنشک نر که وقت بچیان گرفته باشند طبیعت عذویه شتر اعرا  
 دو مثقال ترنجبین سفید سه برابر او و عسل کف گرفته برابر او و دیگر ترنجبین را بشیر گاو تازه بچوشانند  
 و با عسل بقوام آرد و بقدر فراخ از دو مثقال تا چهار مثقال بکار بندد همچون از ارشاد مذکور است  
 قطع اخلاط بارده و فضلات بلغمیه جهت ادرار بول نمودن حیض نافع و رنگ خساره و بشیر  
 نیکو گرداند و گفته اند که جهت برص مجرب است تا سه روز متصل بخورد پس پنج روز قطع کنند و سه  
 روز باز عود نمایند و وقت ابتدای استعمال همچون سازند که قهوه در نقصان باشد صحرای بلبله کالی  
 بلبله آله افیتون از هر یک پنج مثقال قهوه دار فلفل از هر یک چهار مثقال جوز بوا حاقق زحانیدرم از  
 هر یک دو مثقال عسل برشته همچون برای دفع سرعت انزال و ضعف کرده و مثانه و فسخ آن  
 تجرید رسیده صحرای جوز بوا و جزو آله از خر خشک بلبله لباسه قهوه خولجان حب لبسان  
 از هر یک سه جزو تخم مورد زعفران از هر یک و جزو دار چینی زنجبیل از هر یک سه جزو کوفته





و وقت فرود آوردن مشک زعفران بگلایب سوده افزایند و در ظرف چینی نگا دارند شربت  
 از سه ماشه تا یک توله معجون در تقویت باه نفع عظیم دارد و آثار غریبه و افعال عجیبه ظاهر میشود و لذت  
 میکند و کمالاتی بر سیده حس همچنین شقایق قرفه بوزیدان کبابه کباب چینی خوبان لسان  
 قاقله کباب و صندل سبیل الطیب و بنفشک قرفل سازج هندی عنبر اشهب مروارید ناسفته از هر یک  
 درم خصیة الثعلب ه درم شفق قریب کاو سویمان کرده از هر یک پنج درم خود خام لمیون  
 زعفران از هر یک چهار درم سعد بنجیل بسکه با از هر یک و درم مشک یک درم و نصف یا تو  
 زرد یک درم و طلاء محلول از هر یک یک درم و نصف زاید الفکر مدقوق سی مثقال روغن بادام شیرین  
 ده مثقال در نبات و عسل مصفی بطریق متعارف معجون سازند شربت از یک درم تا دو درم  
 معجون بزور دانه باه فعل عجیب دارد و صم تخم کد تخم شلغم تخم پیاز تخم گندم تخم لمیون مغز حلزون  
 مغز حب الفلفل مغز حب الزلم بوزیدان و ج شیرین نو درین لسان العصاره همین افلفل  
 حلیت قرفه از هر یک جود کوفته بنجیه عسل نبات سه وزن ادویه معجون سازند شربت سه  
 درم با شیر کاوش معجون لوط شایدمی نماید و قطع می نماید برای آنکه از آله نکارت عاجز باشد  
 صم ارچینی خصیة الثعلب شقایق جوز بوا صطک لسان العصاره زعفران و افلفل زرد  
 گل سرخ همین تخم لمیون تخم کد از هر یک دو مثقال شک انگج اشیب یک درم مغز حب الفلفل  
 سه درم زاید الفکر بیست پنج مثقال عسل سه وزن ادویه را بطریق متعارف معجون سازند  
 معجون منقول از قرابادین قانون زیاده میکند باه را و صالح است از برای بادشاهان صم  
 بکند شفق قریب قیه و نیم تخم شلغم تخم پیست تخم کد تخم شلغم بری تخم پیاز سفید تخم انجیر حبیر از هر یک  
 یک درم فلفل از هر یک پنج درم پیاز عسل مشوی چهار درم مغز حلزونه دو و قیه و نیم اوقیه  
 حاقق قرصا مغز کچنک زکده در خانه آشیانه میکنند لسان العصاره شش درم بهو ع را کوفته بنجیه  
 بروغن کاو برابر مجموع ادویه چرب کرده بعسل مصفی دو وزن ادویه شسته معجون سازند  
 شربت از آن نیدرم با شراب شیرین بعد از تحلیل غذا استعمال نمایند معجون انجمن

قوت مجامعت و تقویت لبت و باده نهایت مفید و طعام مفید کند حص عاق و قرحاش درم  
 فلفل به قدرم زعفران سه درم فافله گبارده درم مصلک قرقه از بر یک به قدرم مشک ترکی  
 نیم درم عنبر اشب یک درم جوز بوا سه عدد و جزو اعظم سی و درم روغن بادام شیرین ده درم فلفل  
 یکصد درم به سوه معجون سازند بقدر حاجت بخورند معجون که در تقویت باده بنظر است از این  
 والد ماجد حص مغر بادام فندق مغر یاغوره مغر یوزنه مغر حب از لم مغر حبه الخضر اش خرابا مغر  
 بسته مغر زاجیل مغر حب لعل مغر انجلک مغر اخروت مغر خشک بهمنین شتاقل مسر  
 صندل سفید حصیة الثعلب درین لسان العصفای از هر واحد یک درم مغر تخم خیارین تخم خرفه  
 بر یک نه داشته مغر تخم که و تخم خشخاش بر یک شش داشته ابریشم مقروض از چینی دانه بیل بر یک  
 سه داشته خشک مربی کا و زبان گیلانی تخم بلبلون از هر یک چهار داشته باده شتر اعالی تخم زرد  
 تخم بالنگو تخم جیر تخم بادرنجبویه تخم فرخشک تخم شلغم تخم کوب صمغ عربی تخم انجبه مصلک از هر یک  
 یک درم خولجان بوزیدان پودینه خشک زنجبیل زعفران بر یک سه داشته عنبر اشب و داشته  
 عسل سفید دو وزن ادویه قند سفید یک زن ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون  
 از حکیم محمد شیرازی جهت تقویت باده و قوی بدن و تقویت معده و دل و دماغ و جگر و کرده و  
 مثانه و بانی اعضا بسیار مفید است و نشاط آورد و سرد را قوی و بلوی دمان خوش کند و  
 نفق این ترکیب بسیار است حص بواب علی پنجاه شتاقل و در نسخه دیگر صد شتاقل مودار  
 ناسفته دو شتاقل ربون چینی اقیهون سنبل الطیب از هر یک سه شتاقل بیل بوا مصلک درم  
 عود قماری باده شتر اعالی اسارون از هر یک سه درم زعفران مشک بتی عنبر اشب زید  
 سوه بخوان از هر یک دو درم قهوه آمله دارچینی قرفل جوز بوا بسیار بهنجیل فلفل از هر یک صد شتاقل  
 گلاب چینی خولجان قسط شیرین سحر کوفی از هر یک دو درم سکه صید امانی رویان در روغن  
 زرد یا گندم شانه تخم ترب بهمنین تو درین تخم صفت خشک مربی از هر یک سه شتاقل  
 شتاقل دو شتاقل و درین نشط سدس زن مجموع ادویه و دما را گرفته بخفته نگاه دارند

گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اشنة از هر یک ده مثقال جو شانیده صافی نموده نگاهدارند  
سفید مغز تخم خرپوزه مغز خیارین تخم کاسنی تخم خرفه منتشر از هر یک ده مثقال نرم کوبیده در آب شکر کشیده  
آب به شیرین و گلاب از هر یک یک صندفند سفید غسل مصفی با لیمو نصف سه وزن ادویه بقوام آورند  
پس مغز بادام شیرین منتشر مغز فندق مغز جانوزه متحرک دکان از هر یک ده مثقال کوبیده داخل  
کرده پس ادویه زل را بان بشنند و در نسخ دیگر این معجون گل مخموم صندفند لیمو از هر یک ده مثقال  
انکه شفته دوازده مثقال خمیثه اشعلب نیم مثقال داخل است حکیم موسی در تحفه المومنین گفته که از  
دق نشاء از برای ککمه طری است داخل نکردم و نیست مثقال چوب جنی را جو شانیده آب را  
با غسل بقوام آورده ادویه را بان ششتم نبات در فعل قوی تر شده نمودم معجون  
باه و مسک که تجربه فقیر آمده حس تبخیریل بچیند کراتی مانند سوکه تخم او تنگ عاقر قرقا لکشا  
گو که و تخم کونج سوچرس گوگرد پاک صمغ عربی طلب مصری از هر یک یکدادم و صلی سفید و کنی دو  
دادم و این صوری قفطل جوتری از هر یک هفت باشد جوز بوا یکدادم زعفران چهار باشد حبیب  
نیم دادم صمغ کبیرا هم غسل کشیری یکدامل بطریق متعارف معجون سازد معجون سببی از شیخ دانی  
عجیب الفصل است در بر این متن باه و لغو و تقدیر حرارت غریزی و فربه کردن بدن و اول  
خون صلاح و اصلاح در دفع اذی جماع و خفنی که از کثرت جماع حادث شود و در نهایت  
آن خود سفید یا پوست که در آب تره ترک تازه سه یا چهار سیانیده و بهر مرتبه خشک کرده با آب  
و خشک خشک مسح را که در سه مثل آن خشک تازه باشند از هر یک سه درقه تخمین خوراک  
ده ورم و این صوری خولجان بهر یک شش ورم غسل یک نیم رطل آب سفید یا ز نیم رطل بهر آید  
آورند با شش ملائم پس بوسه بیدار و اصل کنند تخم ترب تخم کزبری شتاقیل تخم انجیر از هر یک یک  
دقیقه عاقر قرقا نیم رطل از هر یک نیم و قدیر هم زنده نانو شود پس بگیرد شش فیراط و از هر یک  
و پنج ورم زعفران شش ویرا مشک ترکی را در یک قفط گلاب حل کرده بان تقطیع کنند و در وقت  
چینی نگاهدارند شربت از دو ورم است و بهر گاه قوی تر خواهند سوز دکان مغز سبب صندفند



حب ناجیل مغز حب الحضر تخم شلغم بهشتی تخم کتان از هر یک اوقیه قسط شیرین  
 انیسون و فلفل و فلفل بامی شفق نور و اگر نباشد بدل آن مایه شتر اعرابی یا مایه رومیان از هر یک  
 سه مثقال زرده تخم مرغ مغز کنشک نر از هر یک بیت عدد اضافه نمایند قدر شش تا دودرم است  
 همچون که حکیم علویان در باب دانه ساک مجرب نوشته ص مر و اید ناسفته که نر از هر یک بگویند  
 بهشتی شقاقیل و نجیب خولجان تخم انجوره تخم شلغم تخم کدو تخم خشخاش از هر یک دانه مغز حبه مغز بادام  
 مغز حلزونه که بکند مغز حب السمه مغز حب الحضر اعرابی رومیان هر یک چهار توله مایه شتر اعرابی  
 باشد ورق طلا دو ماشه ورق لقره عنبر اشهب مشک خالص از هر یک سه ماشه مغز تخم خرپوزه  
 مغز تخم خیارین از هر یک پنج توله مغز کنشک نر خانگی هفت توله نیکه شتر شش ماشه نر انج در خشک  
 کرده و عفران پنج قلع پنج موئه و شیر خیمه انداخته شک کرده از هر یک چهار ماشه پنج موئه را با روغن  
 کرده توله شیر خیمه کرده در سایه خشک کرده باشند کوفته مجموعه ادویه را بسکه گاو ده توله چرب کرده  
 قند سفید غسل از هر یک صد توله شربت فواکه شیرین شربت بلبلون از هر یک بیت توله لقوام  
 آورده ادویه را بدستور بان سرشته اقراص یا همچون سازند همچون دیگر قضیب بسیار سخت  
 اگر دانه و باده بغیر اید ص پسند سوختنی بسیار جو بوا و فلفل و ارچنی از هر یک پنجم کبک سیاه مغز  
 به قدر رم جله را یکجا کرده کوفته بخینه با غسل همچون سازند شربت مقدار سه دودرم همچون که سیلان  
 منی و دوی نمدی و سیلان رطوبت رحم که من باشد و نباشد نفوت ص مر و اید که با محق که اگر  
 گل پسته گل سپاری شهاد انج بسیار عود سلیب خولجان طباشیر شسته جفت بلوط صمغ عربی  
 شمر درخت مغیلان بهمن سرخ و سفید شقاقیل گانار پوست پنج مغیلان صمغ سپاری کشتی  
 صمغ درخت شنبلیله خصیة الثعلب مغز فندق مغز حلزونه مغز حبه الحضر تخم خشخاش تخم خرفه از هر یک  
 مثقال مثقال عسلک ابطم ورق طلا و ورق لقره از هر یک نیم مثقال پوست بلبله کابلی غنچه گل  
 گل سرخ بلبله سیاه در روغن گاو بیان کرده از هر یک و مثقال عنبر اشهب نیم مثقال سوخته  
 بیت مثقال نبات سفیدی مثقال آب نیب غیرین آب نر شیرین آب انار و از هر یک

چهل مثقال شربت فواکه شیرین شربت کتل گلاب از هر یک بیت مثقال بدستور مرتب سازند  
 همچون خبث الحیدیه سفید از برای سرعت انزال از مجربات حکیم الملک رستانی ص  
 بهین سرخ و سفید از هر یک پنج مثقال خولجان جفت بلوط حاقرقه از هر یک دو درم حب لاس  
 پنج مثقال شادانه کندر یا شتر اربی از هر یک سی درم افیون جوز بوا اقا قیاطل مصری تخم  
 شبت سعد کونی از هر یک پنج مثقال تخم ترب ده درم خبث الحیدیه بدر سرکه خشک پنج مثقال  
 مجموع را کوفته بخیجیه بجسل کنگر فته دو وزن رشته همچون سازند شربت دو درم و از عقب  
 آن پیاله شیر تازه بنوشند پس بدستی که سخت میکند فکر را همچون کندر بهین خاصیت دارد  
 و قططیر بول دفع نماید ص حلاک و می کندر بلوط گلزار شونیز کشتیز خشک از هر یک ده درم زیره  
 کوبانی دبر ناخو از هر یک پنجم درم پوست پایله زرد پایله سپاه آله منقی از هر یک سه درم غر  
 سه وزن ادویه بقوام آرند و در نسخ دیگر ده درم گل نیلوفر است و نسخ صاحب خبثات ملک  
 ندارد و در ویا پنجم درم داخل است شربت دو مثقال است بایداد و شبانگاه غذا گوشت  
 و دیگر بقویات همچون منقوی باده محسک زتالیت راقم و چند مرتبه بنجوه در آورده و بدل  
 افیون است باین مجون که آن بتوان که در صبح و در بیدارید و یا قوت ربانی مجان فریزی که بزرگیمی  
 نزد سیر حقیق زرد بول بدخشی ایشب سبز لاجورد و منحل از هر یک و مثقال گاو زبان گیلانی گل گاو  
 هر یک یک مثقال بر شیم منقرض بهین سفید سرخ نو دری سرخ و سفید مثقال صحری سه مثقال فرفلس  
 دارچینی دو توله زعفران مشک عنبر اشک سبب مثقال ورق نقره ورق طلا از هر یک دو درم  
 چوب جینی قسم اول بیت و پنج مثقال صندلین خار خسک مربی تخم خنکاش تخم بلبلون منقوی  
 هر یک دو مثقال عسل مصفی یک زن ادویه روغن چرس از یک آثار قوام از شبت جفت توله  
 نایک اصل نماید و طریق بر آوردن روغن چرس نیست گیرند چرس و در شیر گاو که شبت  
 آن باشد حل کنند و یک شبانه روز بگذارند بعد از آن بچوشانند نیک است ببنده پس مسکه  
 آنرا بر آورده صاف بر آتش ملایم نموده داخل کنند و اگر خواهند که بوی چرس بر طرف شود

هنگام صاف کردن برآتش برگ بنویس و نقل جوړ بوا و انظار الطیب نقل سائیده و مسکه  
 بنید از نذ اگر دوسه مرتبه این تصفیه بعمل خواهند آورد و پوئخوا اید مانند معجون که مفصل و قوی  
 را سود دارد و ص سوزنجان ده درم ساکنی پنجم درم اسارون پنجم زیره کرمانی و در فلفل یک  
 درم کوفته با غسل معجون سازند شربت و در شقال با یکدم معجون در و پشت و درد را  
 نافع بود و قوت دهد و معده را پاک کند و میرا ویر سفید نماید و بسودانافع باشد و سرعت  
 اثرال را سود دارد و ص گل سرخ سعد کوفی حاق قره حاق نقل سنبلیله زرد بناد و زعفران  
 قاقلیس چون بوا سادی کنند و غسل با المناصفه بقدر احتیاج و در گلاب و قند را بگذازند با غسل  
 بقدر ارم آورند و دارو با کوفته بمان بپزند معجون که نقرس بلغمی را نافست ص پوست  
 ملیله زرد سوزنجان حاق قره حاق از هر یک پنجم درم فلفل سفید یکدم و نیم زیره کرمانی هفت درم  
 را سن چهار درم پنجمیل دو درم افیون نیم مثقال کوفته پنجم بپزند شربت و در شقال معجون  
 دیگر جرب برای نقرس ص سوزنجان شش مثقال پوست بچ کر در فلفل خاک کون کون  
 از هر یک مثقال پنج نقطی نوشا و زرد البومیه ساکنه هر یک نصف درم تربد و در شقال خردل  
 زنجبیل از هر یک دو درم و نیم غسل سه وزن معجون سازند معجون که در اکثر امراض  
 باره و اوجاع مفصل و در اعضا مخصوص که بسبب تشک بود نافست ص چوبی  
 سی مثقال نقل جوړ بوا بسا گل سرخ زعفران زرد بناد و زعفران سعد کوفی هر یک یک مثقال  
 و چوبی قاقلیس سیاه مسکه سوزنجان بوزیدان ساکنی لسان العضا فیهر یک تخم شقال پنجمیل  
 و در فلفل حاق قره حاق و از خطابی هر یک و در شقال غسل دو چند او و معجون سازند قدر شربت  
 و در افروزه ضعیف یک مثقال و در افروزه متوسطه در شقال و در افروزه قویه سه مثقال و این  
 معجون ملاحظه بپزیر که در معجون در شان او کندی گفته که جهت نقرس با وجع  
 مجرب است ص در اول مرتبگی و در آخر تحلیل ماده آن میکنند پنج نقطه نوشا و زرد البومیه  
 سیاه هر یک یک دانگ نیم فلفل و در فلفل زنجبیل خازیره کرمان و ورق کر م هر یک یکدم

سوربخان مصری دوازده درم عسل سه چندان و پود شربت پنجم درم باب گیم معجون است  
 او جاع مفاسل نهایت مجرب و ممدوح است صل سارون رنجبیل زیره کراتی و افق  
 هر یک دو درم سنگی پنجم درم سوربخان بعسل بیشترند معجون او جاع مفاسل و لقرس  
 عرق النسا و افق و صفراوی نافع است صل سوربخان شش درم بوزیدان ما بچیت  
 پنج کبریزه شیطاح هر یک دو درم بلبله زرد و سفید درم تخم کرفس رازیانه فلفل سفید و صغریک  
 پشندی بزرگ حازرید البجر هر یک یک نیم درم گل سرخ کبکند رنجبیل ستمو نیار یک سه درم بزرگ  
 سفید پانزده درم عسل یکصد و پنجاه درم روغن بادام دو استار شربت استار با یک درم و یک  
 تنقیه مطلوب باشد و جهت دوام سه درم معجون تالیف حکیم هاشم طهرانی نافع برای او جاع  
 مفاسل و تقویت باه مبرودین بالغ النفع است حکیم مذکور نوشته که در تقویت باه و سایر  
 بجز بزرگ درم صل در چینی سوربخان شفاقل مصری قلب لسان اوصاف و عود هندی  
 زعفران یک یک شفاقل و افق قاقله کبار و لیمان قرفل کباب چینی مشک بتی بوزیدان  
 رنجبیل سنبل الطیب زرباد اسارون سانج هندی و افق فلفل عنبر اشترچ و از خطا  
 از هر یک دو شفاقل مغز حبه مغز انجلیک مغز لادن از هر یک شفاقل مغز جوز و افق  
 از هر یک دو شفاقل چوب چینی اعلی یکصد و پنجاه شفاقل چوب چینی و رقی که در یک شایه روغن  
 پس با چهارمین شاه آب در یک بزرگ شش محکم نموده تدریج بآتش ملایم بپزد تا ببلع صد  
 پس صافی نموده با عسل سفید از یکصد و پنجاه شفاقل و ترنجبین که از خار خاشاک پاک  
 نموده باشد یکصد و پنجاه شفاقل داخل کرده بپوشانند و کف آنرا بگیرند و باز صافی نمود  
 بقوام آورند و او پود شور مقرر بآن بیشترند و معجون سازند که هر یک از اجزای خاشاک  
 سوای مشک عنبر و زعفران و مغز باطلحه کوفته بنیمه بوزان آورند و داخل هم سازند  
 و مغز یا نیز جدا خوب نرم نمایند و ترنجبین را قدری آب چینی حل کرده صاف سازند  
 و با عسل و آب چینی بقوام آورند انگاه عنبر داخل نموده پس زعفران را نرم کوفته بنیمه

و با کلاب بغایت نرم نموده داخل نمایند و بعد از آن در آخر سائر اجزا و بعد از تمامی مشک را با قدری نبات ساییده اضافه کرده خوب بر هم زنند با یکدیگر مخلوط و مفروغ شود و بر دارند و در حقه چینی نمایند اما باید که حقه پر نباشد و جای نفس کشیدن بماند شربت از دو مثقال تا چهار مثقال معجون از مجربات عماد الدین محمد چون روز نوبت قبل از تب بدو ساعت مثقال بنخود یا نیم مثقال تناول نمایند البته در سه نوبت قطع کنند سسی است بجهت اوروص جدید حلیت و از چینی قنفل شونیز مرصاف بیعه سالیله هر یک سه درم افیون سداب فلفل هر یک درم عسل بر این جمیع معجون لاسمنا به اکثر لیدن تنفع من القروح الجثیته و الاثام البغیثیه سیما للشرایخ و اوجاع الظفر المفاصل و العظام العارضة من المرض المعروف الذی یقال له بالانار سینه ۴۰۰ و ۴۰۳ و ذلک اجود من النخب العصبی المشهور لک المرض و اسرع نفعا و لا یغادر شئی اخر لعلاجه و لا یحتاج الی المیهن الموضات بل ینبی ان تنعم صاحبه بالمشومات و الکروایج و القلایا و انواع الاطعمه المتخذة من الورد و اللوز حیدره فان من ذالک بالرموز من قم ذالک الملعون فقد ملک لکنوز ص یونخذ من الدوا و المک یونخذ من الاکثر بلاد الهند و حروف زبیره بالعربی ثمانیه و هدد و عجم و بنیاتها اثنتی عشر خرفا و عدد یافزیه خمسة منها من الاحاد و واحد من الثنات واحد من لیات و واحد نظام فاولها ان ضرب فی ربو او فی ثانیة حل من منطه مجذوف فی نصفه و یقیم من سطح صبر فی نصفه عدد ایام مسیر الشمس فی بروج ارید من سایر البروج فی السیر و انتمایا بر عن عدد قمر الاول البدیعی الاشیاج و ثانیة ثمن اولها و رابعها یحصل من ضرب لکواکب المنخوف فی الدوا التام و خاصا لایحتاج الی ذکر یا و سادسها خمس خامسها و سابعها کثا ثلثا و ثمانها علم منه عدد اقسام العلم و یفیع من هذا الدوا العجید و زناستیا فی المایه سبعة ایام و یجد الدوا فی کل یوم و فی الیوم الثامن یخرج منه و یقتشر و یدرس فی خمیر المنطه سبعة ایام کم یخرج منه و یفیل موضع فی خریطه رقیقه و یخلق فی القدر و یصیب فی خمسة امثال لبن البقر و یفیل

حتی بمقدار البین که ششم پنج سده و نسیل بار حار و سرد و بالبر و ششم یونجه و وزن نصف نذر الد و ارمش و  
 المذکوره فی الذیل و یدق و یخل الکل و یجین بالجلس المصنوعه شنبلیله اشکال الادویه و التشریه فی الاتجار  
 غذوه علی الریق و مثله وقت النوم الی درهم و نصف آن احتمال الزاج و سن دام الرعین یونجه  
 بعد الشباب نذر ادویه الذیل فلفل اسود و سفید و ارچنی و جوز بوا الباسه مسطک حو و لبان سعد  
 هندی زنجبیل شتر نفس عود قماری المذهب قاقله ناسخه رازیانه زعفران  
 صندل سفید و فلفل من کل واحد مساوی فی الوزن حالا اینجا تفصیل این  
 محل تسبیل بشکل می نماید تا تشنگان بادیه استفاده سیراب شوند و پای بکل رنگارنگ  
 کوچ طلب بمقصود و رسد باید دانست که ازین تغییر حیل لغرب که در هندی عبارت  
 از کجاست بری آید و چون حروف را ترقیم نمایند اول حروف که در نوشتن ابدان را زبر گویند و  
 حروف باقیه را بنده مثلاً بر گاه ب ترسیم کردیم و ششم با پا که در راست آن را بقبلیس حروف الثبات  
 را اگر باین طوری بنویسند حروف زبر بیشتر خواهد بود و عدد آن یکبار بود و عدد چهل و چار که آن  
 عدد در نظم است و ظاهر گشت ازین حکم بنیات اول آن حروف که حارست و عدد او هشت  
 بود اگر ضرب کرد و شود در ربع او که دو است یا در حروف و دوم که آن اوست حاصل میشود  
 مسطح آن که شانزده است مجذور ضرب نصف آن عدد که چار است در نصف آن عدد چون  
 عدد را در نصف آن ضرب کنند حاصل ضرب را امر لاج گویند و چون در غیر آن ضرب نمایند  
 حاصل ضرب را مسطح گویند و مجذور نیز حاصل ضرب را مسطحاً گویند و نمیدانید و مسطح ضرب  
 آن عدد که هشت است در نصف آن عدد که چار بود عدد ایام شیرین بر بر جی که زیاده ازیم  
 بروج در می نماید یعنی حاصل ضرب سی و دو بود و سی و شش آفتاب درین برج نیز سی و دو است و  
 ثانی از آن حروف بار است عدد او دو بود و شش شکل اول و دو است یکی ایجاب صغری  
 و دوم کلیمه کبر و سوم آن الف است و عدد آن یک است همیشه ششم هشت است رابعه  
 آن لام بود و عدد آن سی است و چون کو اکب تحیره را که پنج اندر عدد دام که شش است

ضرب کنند سی حاصل میشود و عدد تمام آنرا گویند که چون کسوره موجوده آنرا جمع کنند مساوی عدد  
باشد مثل شش که یک کسر آن نصف و دوم ثلث و سوم سدس است چون این کسور را جمع کرده  
شود شش خواهد برآمد و پنجم آن محتاج ذکر نیست یعنی هزار است و ششم که راست عدد این دو صد است  
حصه پنجم خامس بود و پنجم آن که الف است مثل ثالث آن که نیز الف بود و پنجم که بار است  
عدد آن دو است از اقسام علم در یانته میشود منقول و مقول باید بسی و نظری یا عملی و  
فانهم معجون منقول از خط مولانا عمار الدین مرحوم خاصیت این معجون یاده از آن نیکو  
که در تریاک و دواست این معجون امراض صعبه مثل بن و قولنج و فالج و قنوه و تارکی چشم و ک  
گوش بیرون رفتی که یکبار زانیده و بار دیگر زانیده و دواست نماید بار آورده و فصل و اصفی  
یک بار درم سانج هندوی جوز بوا بلبله کالی از هر یک یک فلفل دو و از فلفل چهار تخم پیل رشت  
بلبله زر شانه ده بلبله سی و دو و آله سیست و چهار ناخواه یک عدد و سیست زیره سیاه دو عدد و پنجاه و شتر  
سیاه دانه پانصد و هشتاد و دو که تر کنند و او را بر کوفته بچینه قند بر آرد و بید قوام آرد در میان  
فوری زنده و او را به باغ بر آید و بخورد و سازند مثل غناب و بر روی یک فرو بریزد و دواست نماید  
معجون برای آنکه مری بجلدی آید و باشد فصل بلبله سیاه ده و درم بلبله پنجم فلفل دو و درم  
نصف تخم پیل گل سرخ و ج از هر یک یک درم و نصف کند و طباشیر سفید از هر یک پنجم درم صندل  
سفید نیم گرم کاسنی از هر یک سه درم کوفته بچینه غسل موزی آب شکرند مرتب سازند و شربت بزم  
سفیدی موزاد و بر کنند و سیاهی نکند و معجون که طبری در معالجه برص که کرده و گفته  
که اگر انزال بلعیت خواهد شد شغال بایرج و خربتی بقدر حاجت مقوی ساخته بکار برند  
اگر خواهند که مثل معاجین مسونه چند می بخورند هر روز نیم شغال ناشتا تناول نمایند و جن جنین  
ببخ قنار الحار و قنطره اسایون شیطون از هر یک پنجم درم زراوند و حبه تخم کرفس هر یک ده درم  
و جاد شیر هر یک بیست درم چربای خیسندنی را در آب کربن بنی خیسانیده و حل کرده باقی  
کوفته بچینه غسل کف گرفته معجون سازند معجون که خدام و امراض سوداوی بهتر از معجون

سجاج و قشر سید احمد آبادی است صنفش پیچیدم قنصل هفتد رم با و بان اندسون گاو زبان  
 بلیله سیاه بلیله کابلی بلیله زرد قافله میل مشکطه شمع هر یک درم بسفایج سنکی دوازده درم  
 ترید مجوف خاشیده سیزده درم ورق گل فودنج هر یک پانزده درم آب آله تازه چهار تا درم  
 بهر اکوفته بخیه باب آله تازه بغیر شیر می چون سازند قدر خوراک هفت باشد تا یک و نیم چون که  
 بعد از استفراغ خداوند اینخو لیا رافع بخشد ص بادرنجوبه پوست ترنج قنصل مصطکی جوز بلو لم  
 قرفه قافله یا مشک بهمن سفید و سرخ درونج عرقی زرباد زعفران تخم بادرنج و تخم شکسته  
 شک یک انگ بلیله کابلی شصت درم آله شامه آله و بلیله را در مقدار چهار لطل آب بنزد  
 تا نصف آید بیا لایند و باد و لطل غسل صاف بقوام آورند و او ویر بان بپوشند و شربت درم  
 با شربت گاوزبان می چون نافست خوش مواد سودا وید را اصل گل سرخ چهار درم بلیله  
 گاوزبان کشیده بادرنجوبه دودی گاو گونی دری سفید بسفایج هر یک درم چهار درم منسل  
 حجر لاجورد منسل تخم کشوشت تخم کاسنی منقر تخم پوزه یا قوت لعل زرد و درونج عرق  
 بهل زرباد هر یک کشتال بسدر و اید مر جان که با عنبر از هر یک درم و درم بلیله سیاه پیچیدم  
 آله منقی پانزده درم اندسون چهار درم قنصل سنبل سافج هندی بلباسه زعفران از هر یک یک درم کافور  
 و دلت درم سکت ثلث درم بانات مقوم و عرق گاوزبان بارب سبب می چون سازند شربت  
 یکشتال می چون در نهایت نفع میکند از برای ضعت و خفقان و وسواس و اینخو لیا که جاد  
 از سودای مرق و از صفرا و دم بود و در زاعلی نفی موسوی طلای نموده که بکر ساخته شد و به تجره  
 در آمده ص یا قوت سرخ و اید یا شسته که با شیمی بسدر و منسل سفید کشیده از هر یک درم بلیله  
 بهمن سفید و ورق گل سرخ گاوزبان از هر یک چهار درم بهمن سرخ ورق طلا و ورق پوست  
 از هر یک یک درم تخم خرفه منقره شربت درم زرشک منقی دوازده درم گل ارغنی منسل  
 یک درم و نیم عنبر شربت یکشتال ایشیم مقرض یک درم شربت اترج قند سفید بقدر حاجت است  
 مقدر ترکیب سازند می چون ضعت دل یا قوت و در نشاط تمام آورده ص مر و اید یا شسته



تخم بادرنجبویه پوست زرد اترج پوست برون پسته صندل سرخ و سفید گل سرخ تخم فرفنج شک  
 هر یک یک درم بیکدرم و نیم که با شیمی لثب بنزق فلفل کباب چینی بهمن سرخ دار چینی سافج سبک  
 از هر یک یکدرم لعل بدخشی عود قماری خام از هر یک یک مثقال یا قوت زبانی یا قوت زرد از  
 هر یک یک مثقال بهمن کشتیز متشکر گل اسنی مغسول طباشیر سفید از هر یک یک درم عنبر اشوب نیم مثقال  
 کافور قیصری از هر یک یکدرم درونج ورق لقره از هر یک نیم مثقال گاوزبان آبله شفی از هر یک  
 پنجدرم عصاره زرشک ده درم زعفران یکد لاک مشک تبی یکد لاک نیم شراب اترج نیم  
 سن شراب سیب صفائی چهل مثقال شراب برافضائی بیست مثقال بدستور مقرر است  
 سازند شربت دو درم مرزا محمد رضا ولد سلیمان غفر الله له قلمی نهوده که کمر تجزیه شده و اکثر از  
 جهت نواب اشرف اقدس ارفع بهایون ساخته ام در افرجه چاره قوت یاه میکند و در  
 تفریح بنظیر است معجون عجیب الدایف و شریف الکریب در غایت نفع است منقول از  
 قلائی ص خسک حجر اسنی مغسول یا قوت زبانی سنبلیله سیاه خربزه قاقا هر یک یکدرم و نیم  
 عتبری اسطوخودوس تمام هر یک یکدرم عنبر اشوب دو مثقال کندر دو درم و نیم زعفران زرد  
 عود هر یک سه درم سافج دار چینی هر یک چهار درم تخم بادرنجبویه پنجدرم که با قشور آله هر یک  
 ششدرم بادرنجبویه هفتدرم لسان الشوهر جان هر یک ده درم مروارید بیست درم باسل  
 معجون سازند معجون که با نولیا را با صلاح آورد و دماغ و دیگر اعضای تیسر معده را قوت  
 و بدو بنایت نافه است وصف این زیاده از حد و بسیار بوده اما باین قدر اقتصار کرده ص  
 عقیق ورق طلا جرشیب سافج هندی زرنباد درونج مشک هر یک یکدرم و نیم صندل  
 سرخ گل مخموم بادرنجبویه بهمن سفید هر یک دو درم حجر لاجورد لعل که با نلیوف زرشک کشتیز  
 تخم گل عود پوست زنج گاوزبان بهمن سرخ زراوند تخم کاسنی ابریشم سوخته کافور هر یک یکدرم  
 مروارید ناسته طباشیر گل سرخ هر یک ششدرم فیسر آله پوست طباشیر شربت به هر یک نیم  
 کلاب شکر طبرزد شربت سیب لبا ناریش بر یک می ششدرم بلبله را جو شاییده آب او بکشد

و آب یا و شربت با و شکری هم آمیخته قوام دهند و او وید باریک ساخته بپوشند شربت از کشتار  
 تا دو مثقال معجون که منع بخارات میکند از صاحب تحفه است حص گل سرخ ده مثقال شکر  
 فلفل هر یک سی مثقال صندل سفید طباشیر گل ریشی و بنج و پود پودست بیرون پوسته اترج از هر یک مثقال  
 کشتیر خشک تخم خرخره گل گاوزبان هر یک پنج مثقال شربت سیب شیرین یکصد مثقال چنانچه رسم است  
 معجون سازند و طلا و مخلول و نفقه مخلول زیر مهره یک مثقال آمله قشیر پنج مثقال معجون  
 مجربیت برای اقسام مالبخولیا و منافع بسیار دارد حص یا قوت ربانی مرورید ناسفته که برای شکر  
 زیر مهره خطائی ابریشم مقروض سف نفقه از هر یک و مثقال لعل بدخشی ورق طلا و محمل از هر یک  
 یک مثقال لاجورد و محمول حجر ارمی و محمول زعفران عنبر اشب شک تنبی از هر یک یک مثقال  
 و نیم گل گاوزبان پوست بنج گل گاوزبان از هر یک چهار مثقال قرص خشک بادرنجیو بی هینین و بنج  
 عطر بی طباشیر سفید و میندی صندل سفید خیر لواء قانده کبار گل نیلوفر آفتیون و ورق آفتیون  
 غنچه گل سرخ از هر یک سه مثقال آمله منقی پوست بلبله کابلی زرشک منقی از هر یک ده مثقال  
 تخم خشک تخم کشتیر خشک خرخره از هر یک پنج مثقال فلفل سیاه نارمشک زرنب تخم قرص خشک  
 تخم بادرسج تخم بادرنجیو از هر یک ده مثقال و نیم شراب سبب شراب انار شیرین شربت آب  
 لیمو گلاب عرق بیدمشک عرق گل گاوزبان عرق بهار نارنج از هر یک سی مثقال نبات سفید  
 فانی و سنجری از هر یک یکصد مثقال عسل سفید بیت مثقال پتور مرتضی اند معجون از نالیبت حکیم  
 علونجان که جبت مالبخولیا مرانی و سایر اقسام مالبخولیا هر گاه ماده محرق از صفرا و خون باشد  
 و از سودا می طبعی و قتی که حرارت غالب باشد بسیار مجرب است حص زعفران مرورید  
 ناسفته که با شمع هر یک چهار دانگ کافور قیصوری دودانگ لاجورد و محمول زیر مهره و خطا  
 صندل سفید خیر لواء گل سرخ گل گاوزبان بادرنجیو پوست بلبله کابلی اسطوخودوس از  
 هر یک یک مثقال مغر تخم که و شیرین پنج مثقال خرخره قشیر پانزده مثقال زرشک منقی دو  
 مثقال انواع خشک ابریشم مقروض گل نیلوفر گل بنفشه از هر یک ده مثقال جوار آب لیمو

و آب انرج بر سنگ ساق صلا می نموده و باقی ادویه را کوفته بنجیته بجزیره نذر شراب سیب  
 شیرین شراب فواکه از هر یک بهست و پنج مثقال و از غسل ده مثقال و از قند سفید بقدر  
 حاجت و همه را بکباب عرق بید مشک عرق گاوزبان حل کرده بچوشانند و گفت آن بکیرند  
 صافی نموده تا در دران نمایند پس در یک نقره کرده بچوشانند تا به قوام غسل غلیظ برسد  
 پس حل کنند و دران نیم مثقال عنبر است شب پس داخل کنند دران و رقی طلاء محلول در  
 نقره مخلوط از هر یک چهار دانگ از آتش فرو آورده جواهر سائیده بران پاشیده بمسوا  
 فرا گرفته از چوب صندل برنج زنده پس ادویه کوفته بنجیته را بران پاشند و بمسوا و برنج  
 قوی تا سولی گردد پس در ظرف چینی نگا بدارند شربت دو درم باشد به تقویه قلب و معده  
 و کبد و مانند شراب ران منفع شربت تفاح و سفرجل فواکه و صندل با کباب عرق گاوزبان  
 عرق بید مشک تخم فرخ مشک تخم بادرنجویه با دروج هر چه مناسب باشد بخورند همچون  
 از حکیم الملک ص صندل سفید سائیده بکباب ده توله طباشیر ابریشیم سقرض هر یک  
 یک توله کشنیزه و توله همین سفید یک توله مروارید سافه نیم مغز تخم کاهو قافله صغایر هر یک  
 نیم توله سکه سه اشبه کافور نیم ماشه گل گاوزبان گل سرخ از هر یک دو توله مغز تخم خیارین پنج توله  
 و رقی نقره سه توله نبات سه وزن غسل سفید یک وزن بدستور مرتب سازند همچون  
 از حکیم گیلانی یا بل به برودت حکیم علی گفته که مغز تام الفتح است از مبع مفرجات و در  
 امراض مختلفه بکار برده ام و نافع یافته ام حتی که با سه سال و امراض حمی بنمید آمد و بجهت بلای  
 است ص یاقوت ربانی لعل شفاف از هر یک یک مثقال مروارید سافه بسد قهری که  
 گاوزبان گیلانی بهطکه و اجینی طبعی بریشیم زرشک تخم خرفه فرخ مشک طباشیر سفید و مغز تخم  
 گاوزبان از هر یک و دو درم صندل سفید عود هندی در پنج مثقال گل سرخ از هر یک سه  
 عنبر شیب قافله کبار و رقی نقره و رقی طلا کافور طین مخوم یا بل طین باغستانی تخم کشنیزه لاجون  
 گل استی سنبل الطیب زرشک از هر یک یک درم بادرنجویه نیم مثقال شمشک نیم مثقال

شربت حماض صرد درم بقوام عمل آورده ادویه علی الاظم لبشند خوراک کیشقال معجون  
 حکیم گیلانی حکیم گفته که این تالیف منطبق است در تقویت دل که فراخش گرم باشد و منقوی دل و  
 اعصار و قیسه ص یاقوت رمانی لعل چشتی شیب کافوری هر یک سه شقال مروارید ناسفته باونجه  
 گاوزبان تخم و غنچک زعفران آمله متشخم تخم خرفه متشخم تخم کاهو پنبین از هر یک پنج شقال گل سرشته  
 کرناج تخم مورد گل بنفشه گلار فاسی از هر یک یک شقال صندلین از هر یک پنج شقال زرشک سه  
 شقال ورق نقره سه شقال جدق طلا غنچ شیب شک از هر یک یک شقال کافور قیوی شقال طباسیر  
 سفید شقال تخم کاسنی و شقال شکر شیرین شربت سیببیت حماض از هر یک پهل شقال عرق  
 کاسنی بستی شقال نبات سفید و شقال عمل در پنجاه دو درم بدستور مرتب سازند معجون  
 تالیف حکیم گیلانی گفته که اجمیع سفوحات الکفا باین مروج میکنم و در امراض مختلفه بسیار  
 از هر یک نری مروج کرده سیدیم و نافع می آید و از جمله نافع این مروج آنست که اگر اسهالات  
 راناق می آید در امراض رحم بجايت موثر است ص مروارید ناسفته زعفران گاوزبان  
 بسد و اچنی ابرشیم مقرض پوست زرد اترج که برای سیمی همین سفید زربا داشته مغز تخم کاهو  
 اظفار الطیب زرشک کنشی تخم خرفه متشخم غنچ شک طباسیر سفید مغز تخم کاهو تخم از هر یک  
 درم صندل سفید بگلای سوده و عود عرق درونج عرق گل سرخ هر یک سه درم غنچ شیب قاقله  
 کبار ورق نقره ورق طلا کافور قیوی گل منقوش کشتی شک لاجورد و منقوش گل ارمنی قرق  
 سنبل الطیب زرشک از هر یک یک درم لعل چشتی یاقوت رمانی تخم باونجه پهل از هر یک یک شقال اوخو که  
 نیم شقال شربت حماض یکصد درم بدستور مرتب سازند شربت کیشقال مروج از ایل حکیم  
 گیلانی ص یاقوت رمانی یاقوت زرد شیب کافوری که برای سیمی کباب چینی نارنگی و پنج  
 عرق زربا و صندل سفید زربا کشتی شک شربت غنچ شیب باونجه وانی از هر یک سه شقال باونجه  
 کیشقال گاوزبان پوست زرد اترج طباسیر سفید ابرشیم مقرض از هر یک شش شقال همین سفید  
 و سرخ سنبل الطیب قرق قاقله کبار و صغار گل ارمنی گل منقوش زعفران جد و از خطای در مروج

ورق نقره از هر یک یک مثقال پنجبیل خراشیده زرشک منقح ساقی هندی سعد کوفی شقاقل مسک  
 گل مصری از هر یک چهار مثقال مشک تبی و دمشقال آب شیرین گلاب آب انار شیرین عر  
 گاوزبان صندل نبات سفید از هر یک پنجاه مثقال عسل مصفی و دو وزن او و به دستور مرتب ساز  
 به چون تالیف حکیم علی گفته که چون اهل زمان خصوصاً اهل هندوستان فوخته نیک اندازان  
 ترکیب اجمعت ایشان تالیف نمودم بسیار فرحان میشدند قطع میکرد و بدند ص نیک خوب  
 سه که نه سیاه باشد و نه سرخ پنج آثار که اول نیک راناده هفته در روغن بادام شیرین نگا دارند  
 بعد از آن که نیک بوداده باشد بسایند بنیل الطیب ساقی هندی زنجبیل از هر یک سه سنا  
 فلفل مصطکی زعفران از هر یک دو استار کوفته بخیه نیک بسایند تا چون خواب شود باده وزن دو  
 عسل به چون سازند و اگر نیک ستار خود و استار عر برع استار ورق طلا نیم استار اضافه  
 نمایند بهتر است و لغزج بسیار و صمغ متقوی قلب اعضای رقیه و پیوست مزج  
 از آن که ص ل بر شیم مفرغ خام سه نوا صندل سفید یک نیم نو که کشیز خشک گل سرخ گل گاوزبان  
 از هر واحد سه نوا زرشک منقح نوا باد پیچیده گل نواز هر یک یک نوا بهمن سفید یک نوا تخم که در تخم بالنگو از هر یک یک نوا  
 تخم خیار نوا بسا سه خرفه از هر یک سه نوا زعفران قاقله صنا از هر یک یک نوا تخم ششاش دو نوا  
 تخم کاهو کاسنی از هر یک یک نوا کافور عنبر شهب ورق نقره دو نوا شیر آله شیر خیساییده و بخیه  
 نیم رطل شربت سیب ترش یک رطل آب انار ترش یا شیرین دو رطل آب انار میخوش شربت  
 فواکه یک رطل نبات قند سفید زرشک هر یک سه رطل گلاب و ویشنه عرق بیک مشک  
 یک شیشه علی الرسم به چون سازند مفرغ نافع خفقان و مقوی قلب نشط و انس و انبه  
 خبارت غریزی و ضعف معده و خیالات و سوزن رانافع بود و ترایق سموم مشرب و به و منافع  
 جلیه بسیار دار و ص صندل سفید خود هندی هر یک سه مثقال ورق زعفران شهب  
 خالص به واحد یک مثقال زعفران و دمشقال ورق نقره یا قوت رانی قیصری از هر یک  
 دمشقال گاوزبان بعد از چینی هر یک و دمشقال کشیز خشک لاجورد هر یک یک مثقال ابریشم خام

که با بهمن سفید زرباد سفید الطیب نارشک طباشیر پوست زرشک گل مخوم قاقاقه کباب صفا  
 پوست ترنج اشنة مغر تخم کدو چوب کدو گل روی از هر یک در شتهال در پنج عقری عنجه کل سنج تخم  
 خرفه مغر تخم فنج شک تخم باد بجنوبه از هر یک سه شتهال قرفه یک شتهال جمله را جدا جدا کوفته بجنه در  
 آینه تار و پوست درم شراب حماض مصری بپوشند و در آن دیاکیزه کنند شربت و در آنکس نیم  
 شتهال مفرح خفقال وضعف دل که از سردی بود زائل کند ص باد بجنوبه سه درم زرباد نیم  
 عقری گا و زبان هر یک شش درم کوفته بجنه با شربت سیب و عمل کف کوفته بپوشند مفرح  
 دلکش بار دص ورق طلا و ورق نقره هر یک نیم درم پوست بیرون بسته بکدرم طباشیر  
 بهمن گل سنج لب که بام و اریذنا سفید هر یک یک شتهال صندل سفید کشته خشک کدو درم تخم خرفه  
 هشت درم زرشک بهدانه ده درم آب ترنج چهل شتهال قند سفید یک انگار به شربت سازند  
 مفرح منقول زنجبی ص لسان الثور که بام و اریذنا تخم کشتی بهمن سفید گل سنج پوست انج  
 ابریشم تخم خرفه هر یک ده درم با عسل بلبله چون سازند شربت یک شتهال مفرح خفقال ما  
 را نافع دل را قوت دهد ص مرواریدنا سفید لبه سوخته طباشیر گا و زبان گل ارغنی هر یک  
 درم ششک نیم درم قند سفید سی درم چون سازند مفرح که محرومان را نفعیت و  
 بهتر از دار مسک بارد و یا قوتی است و برای خفقال و تب دق و جبت ناقصین بخار  
 سوداوی سوخته بغایت موثر شیخ الرئیس را و بقی مرقوم نموده حص تخم کاه بپوشند  
 تخم خربوزه مغر تخم کدو مغر تخم خرفه هر یک سه شتهال مروارید لبه سوخته که با سلطان نرس  
 ابریشم مفرض صندل سنج کافور هر یک یک شتهال صندل سفید طباشیر هر یک دو شتهال گل سنج  
 پنجاه شتهال عود هندی در پنج زرباد بهمن سفید یک شتهال زعفران نیم شتهال گا و زبان نیم  
 دانه عنبر و دانه ب سیب انار و به با سوید سه یا و چند عهه اجزا با هم بجای بپوشند مفرح  
 که از نالیت شیخ الرئیس قوت یا نالیت مشهور است و دستور العمل و یا قوتی را و ی گفته  
 در این را بلوک و امرا و دم منافع بسیار بطور آمده خاصه در خفقال وضعف دل و

ن و اکثر امراض فرشته که هیچ تدبیر انتفاع نیافت باین دوا منتفع شده و اندر علل  
 دماغ معده و جگر و سپرز و قولنج و اوجاع مفاصل و جمیات عینقه نفع کثیر از وی مشهور شده  
 ص ریزه های یا قوت که سرخ باشد بکشتقال حجر شیب عقیق هر یک یکدرم ورق طلا و در  
 خالیتون فلفل نخعیل قرصل مرزنجوش هر یک یکدرم و نیم مثقال و یک نیمه انگ جوارچی حجر  
 لاجوردی قطعی زرد بنادعاج در پنج همین گاوزبان هر یک مثقال و یکد انگ نار دین فلفل  
 سماق سافج سندی دارچینی صغیر یا شانزو فامه کون سدرج از مثقال شکله شمع فطر است  
 حجر البیهود و لیون تخم کرفس مرگند زعفران فلفل سفید هر یک نیم مثقال و نیمه انگ بدانند که  
 جوارچ را با صلایه کشند و زرد فطره را نیز در جوارچ انداخته با خراب صلایه بلنج نمایند و دیگر ادویه را  
 بار یک ساخته حله او غسل بلیله یعنی که بلیله را در آن مربی کرده باشند بپوشند و از خلاصه که  
 فی القانون مفرح مائل بگری سوده و دل و جگر را قوت دهد و خفقان و غشی و توحش از آن  
 کند و نشاط و فرح آورد و شکم بپند و صلا بپوشیم خام پنجاه درم در آبی که طلا ناب فخر تاب نموده  
 باشند بعد از یک یا نه روز بخوشانند و بمالند و صاف کنند پس بگز گاوزبان گیلانی و تخم شک  
 ورق گل سرخ سنبل الطیب شنه هر یک و درم مجموع را در گلاب خیسانیده بخوشانند و بمالند  
 و صاف نموده داخل ابریشم کنند و بافتند سفید و چند مجموعه بپوشام آورند و مر و اریدنا شسته  
 و کبر با حجر شیب زهر یک و درم صندل سدرم و در گلاب سوده و طباشیر و و شغال ساق  
 مع یکدرم عنبر شیب نیمدرم مشک اخل نموده خوب با هم آمیخته و ظرف شیشه بر دارند  
 خوراک و و مثقال با گلاب بید مشک مستح که نهایت جبر پاد با جبر بر رسیده صحرای  
 ناسفته که بای شمع هر یک بکشتقال گل گاوزبان طباشیر گل سرخ صندل سفید سقر تخم کرد  
 شیرین تخم خرفه مقشر هر یک و و مثقال عنبر شیب ورق طلا محلول در ورق فطره محلول از  
 هر یک دو و انگ ب سیب شیرین رب به هر یک بیست مثقال نبات سفید یکصد و بیست  
 گلاب زرد و است نیمه مثقال صد و مشک کشنده است و نیمه مثقال طلا و سدرم و جوارچ

سازند خوراک از یکدم تا یک شقال مفرح از حکیم محمد رضا وافع خفقال و نافع طعنف مل و  
 و نافع ص سحر و در و قفل سنبلی الطیب مصطک اسار و ن زرب زعفران از هر یک  
 شقال بسیار فافله کبار و صغار جوز بو از هر یک یک و نیم شقال عود خام چهار و نیم شقال  
 عسل مصفی بهشتا و شقال علی الرسم بهشتا خوراک نیم شقال با عرق گاوزبان از هر یک  
 مفرح از حکیم علی تقوی اعضا در پخته و شریفه و مصفی لول و و افغ مالینو یا بسیار و حاد و بسیار  
 سو بهمه حال بهتر از نوشدار و و افضل از نوشته ص با در نجو به قشور اترج قشور اترج  
 قرقه زعفران مصطک جوز بو افاقه کبار و رشک سکنجین زربنا و باد و روج در و نج عرق  
 و نج رشک زرب یک پنجم رشک یکدم با سسل بی آله و عسل بلبله بهشتا مفرح منقول  
 از قبادین مصفی ص ورق گل رخ طباشیر سفید گاوزبان از هر یک و درم مفرح نیم پاز  
 خرفه و شقال از هر یک چهار درم زرشک بیدانه که با در جان از هر یک یکدم رشک و درم  
 قند سفید و وزن او و پنجاه پنجم رسم است همچون سازند خوراک از یکدم تا یک شقال مفرح  
 از حکیم مهدی اروستانی صخ نسیم کاهو پنجم خرفه پنجم مفرح پنجم کدو پنجم شیرین مفرح پنجم  
 زرشک بیدانه از هر یک یک شقال تخم حاض فلفل سفید و سنخ و کشنیز خشک از هر یک و  
 شقال طباشیر تخم کاسنی از هر یک یک شقال و دو انگ کوفته پیخته با شربت سیب شیرین  
 همچون ساخته بهشتا شربت یک شقال مصطک کدو زرا محمد رضا موسوی قلمی نه و نه  
 از برای خود ساخته و از برای اعزیز کمال تقویت دار و ص مروارید ناسفته کل گاو و  
 از هر یک پنجم شقال که برای شیمی شیب سبز آله شیمی نصیبه الثعالب از هر یک چهار شقال  
 یا قوت سرخ عنبر اشهد بین چندل سرخ و سفید کشنیز خشک کل سرخ کل سمنه پنجم  
 طباشیر سفید تخم خرفه از هر یک سه شقال و در و نج عرق و ورق طلا که با چینی قود سبز  
 و سنخ از هر یک یک شقال و نیم ورق فقره پوست بلبله کالی عود و قماری خام زعفران  
 رومی از هر یک و شقال و در و نج عرق یک شقال و نیم زربنا و در چینی از هر یک یک شقال



تخم بادرنجبویه سانج هندی پوست بیرون پسته پسته زرد تریج از هر یک و مثقال و نیم عصاره  
 زرشک و ده مثقال اوویه کوفته بنجینه آب سیب پنجاه مثقال آب شصت مثقال آب  
 اترج سی مثقال رب سیب پانزده مثقال نبات سفید بقدر حاجت آبها و نبات را  
 بقوام آورده اوویه را بآن بیشترند و اگر خواهند منفرج را نوشداروی اولوی نمایند اما بهیست  
 پنج مثقال و خل کنند منفرج تالیف حکیم نظام الدین علی جهت ضعف جگر و سوء القیه و  
 ضعف معده و ضیق انقباض زلفای است حصن عفران و ده مثقال مروارید یا قوت لعل  
 بخشی کمره مرجان ابریشم زرشک بیدانه انار دانه بریان زعفران از هر یک یک مثقال گاو زبان  
 نفع بادرنجبویه رب لوس نارمشک پوست بیرون پسته پسته تخم سانج هندی عود و  
 فانی شک حب بلبلان تخم کاشم سعد و بلبلان مصطک صندلین طباشیر طین مخوم آله نود و پنج  
 انیسون و ارجنی لکستنی افشین سلطوخ و دوس تخم کرفس گل سرخ زرباد تخم کشوت و ریح  
 عقری بهمنین خفیه الشهاب بنبل الطیب قصبه انبره کما قیطوس قسط تلخ عصاره قش  
 ققاع اوخار وین افیتون مرزنجوش حاشا شاکر اشجع ورق نقره عنبر اشهب شک  
 خالص هر یک نیم مثقال با سه چند قند سفید بیشترند شربت یک مثقال غذا آب خود و همچون  
 از فزحات متاخرین است و تیج باه مجرب و در تفریح قلب تقویت معده بنیطر صندل  
 خالص یک مثقال ورق طلا و ورق نقره یا قوت ربانی لعل بخشی مروارید ناسفته که با هر یک و  
 مثقال عنبر اشهب گل ارمنی هر یک سه مثقال بهمن هر دو در ریح عقری بادرنجبویه گاو زبان  
 گل سرخ صندلین طباشیر که باه و قنقل زرب و ارجنی ورق شاهسفرم نو دین مرزنجوش  
 سیر سانج لیسان افروز و دو خام سعد کوفی سنبیل الطیب عفران مصطک رومی حب لاس  
 هر یک نیم مثقال خشتاش سفید هر یک ده مثقال شربت فواکه جز و اعظم هر یک نصف اوقیه  
 عمل بقوام سه چند اوویه بطریق متعارف همچون ساز و معجون تالیف علویان جهت  
 تقویت باه بنیطر و دفع سرعت انزال کند و نشاط آورد و در تفریح تمام بخشد صندلین پنج مثقال

بیمه شغال پنج تاج نبرال پنج شوکران از سر یکد و شغال نیم کوفته از شیر گاو تازه سه رطل کین تبریز  
داخل کرده خوب بچوشانند تا قوت دو ابا باز آید پس شیر را ماست کرده و اتمام گیرند و اگر خواسته باشند  
که در آوردن نفیج و نشاط اقوی باشد پانزده شغال ورق القنب بالودیه مذکوره در شیر داخل  
کنند پس آن مسکه را نگارند و جوز بوانج عدد سوراخ کرده پنج دانگ افیون را فیتله کرده در  
هر جوز پاک فیتله از آن که جوزن یکد انگار باشد بگذارند و جوز را را بخیمه گرفته در روغن گاو تازه  
بریان نمایند آنکه خیمه قریب سیاهی رسد پس خیمه را از جوز با دور کنند و هر پنج جوز را با افیون که  
در سوراخ آنها گذاشته اند در چینی شغال خشک مربی همین سرخ و سفید فلفل کباب چینی  
سور بخان لسان العصاره عفران حب فلفل خشک سفید از سر یک یک شغال زنجبیل  
در پنج عقری از سر یک نیم شغال مایه شتر اعرابی چهار دانگ خصیه الثعلب سه شغال مغز خجانه  
تخم خرپوزه از سر یک نیم شغال مغز بادام شیرین مغز فندق مغز انجیل مغز خنجره مغز حب  
مغز حب لسنه مغز انجلك مغز گردگان از سر یکد و شغال مغز سفید که در آب و شیر سه مرتبه بزرگ  
باشند و خشک نموده باشند و بریان ساخته نیم شغال مجموعه را کوفته بچینه بمسکه مذکوره چرب نموده  
عسل مصفی نبات سفید بالسنه صنفه وزن ادویه اقوام آورده او ویرا بپوشند و نیم شغال  
مشک خالص پنجاه عدد ورق طلا و ورق نقره داخل کنند و در ظرف چینی یا زجاجی نگارند  
و قوت این نفیج تا شش ماه باقی است و بعد از آن قوتش باطل میگردد و بعد از خوردن این  
پیاذ شیر گاو تازه که در آن نیم شغال عسل زنجبیل بی حکله باشد بنشینند مقدار شربت را که بیدرم با کینه  
و اگر ورق القنب داخل کرده باشند این مقدار کمتر خورند همچون که قوت باه زیاده میکنند و  
نوعی آدمی رو منی بنیزاید و کرده و مثانه پاک سازد و دل و جگر را قوت دهد و دفع ضرر جماع و  
که ورت حواس است و ذهن را صاف نماید و لذتی عجیب رسالت پیدا کند نفس شغال  
خوبنجان خصیه الثعلب همین سرخ و سفید و ج ترکی نووری زرد و گلگون لسان العصاره نیم  
بلیون خشک سی از سر یک سه درم حب لبان حب بلسان فلفل سفید تخم خرپوزه تخم خیارین

تخم خربزه تخم جویبر تخم شمشاد تخم سپید خشتاش سفید و خشک آن تخم تره تیزک و اینجی از هر یک دو درم و نیم  
 سنبل که باب اسارون لباسه جد کوفی و در لعل قره الطیب جوز بوز انا روشک خود خام غبار  
 زعفران روشک خالص نجیل بوزیدان قسطیرین مغز حب لزم از هر یک یک درم سه شفته حار  
 مغز زایل مغز بادام شیرین که شیره مغز چاقوه کیند متشتر مغز حب لطن از هر یک پنجم درم غسل  
 سه وزن ادویه بدستور چون سازند باب النون لطلول بالفتح ابو الفرج میگوید که لطلول  
 و رشی غلیظ استعمال میکنند بخلاف سکوب بعضی دیگر گویند که در لطلول ریختن انگ انگ  
 از فاساد لعل و بلاندریج باقوی ادویه بود چنانچه نفوذ کند و اختیار یا فنج و راطیه و لطلول نیز  
 از آنست که این جای نرم است و اکثر در روز در اینجا هستند و بواسطه این که تاثیر و اثر  
 خواهد شد لطلول نافع جهت صداع حار و تشنج یابس و جنون و سرسام صنف ششم  
 کوفه تخم کنان تخم شمشاد و شکو تخم خطمی تخم کاهو گل سرخ برگ بید چون کوفته در آب بخیل  
 نمایند لطلول که نافع صداع بارداست صنف سوسن بابونه اکلیل الملک و رنجبویه  
 هندی روشک جو قر لعل نیلوفر هندی هر یک جزوی و پنج انار آب بخیل لطلول نمایند  
 لطلول که صداع سوداوی را سود دارد گل بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن  
 جو ساف هندی قر لعل چوشانیده سر به بخار آن بدارند و تخلیل نمایند لطلول نافع اسهال  
 صداع خمار صنف گلاب قدری سرکه انگور سی در آب سرد داخل کرده بر سر لطلول یا  
 لطلول از این الیاس نافع از برای سرسام سوداوی صنف شش شفته بابونه شامسفرم  
 شلت گل زگرس راب شیرین بنزد لیسر اصل نمایند و ران روغن کیند یا روغن بادام  
 شیرین و شیر و خمر آن بیکدم بر سر لطلول نمایند و چنانچه بکر این عمل کنند لطلول برآ  
 سرسام حار صنف بکیند مغز سر به خاله و لحنوان حنا شب بر سر و پیشانی صاحب سرسام حار  
 خنک نمایند پس آنرا دور کرده تخم کاهو بابونه پوست تخم انار نیز قوطو یا پوست شمشاد  
 اکلیل الملک سر شفته چاده کدو برگ خطمی گل نیلوفر اشق متشتر متشتر بنفشه صنف

شیر گاو شیر دختران شیر بز از هر یک نیم سپهر خریاک قیه اضافه نموده در آفتاب کرده نیم گرم  
 نطول کنند پس روغن کدو و روغن بنفشه و مادام شیر دختران در حجم مخلوط کرده بر پیشانی او  
 بمالند و سرادرین دو اغرق دارند نطول نافع برای نفیس حس با بونه اکلیل الملک  
 نعام مزخوش شبت ریحان قیصوم پودینه و راب پنجه تلیل نمایند نطول نافع برای مالینو لیا  
 مانی برگاه که در مراق راج بارده و نافع باشد صفت پنجم رومی شبت پودینه بری ریخته اگر  
 اینسون تخم کرفس صخره فارسی با بونه برگ نعام اکلیل الملک برگ پنجه در آب بجوشانند و در  
 خلاصه معده از طعام نطول نمایند و برگ کنند این مسکون رخ دارد شانه گادی و کما و کنند گرم گرم  
 وقت خلوص معده و گاهی زیاده کرده میشود درین مسطوق کنند و استپنی نرسد با و جز آن نطول  
 اصحاب اینو لیا را این نطول کردن بمقدار که ممکن باشد بسیار نافع باشد منقول از نویسنده  
 صفت گل بنفشه گل نیلوفر خطمی برگ بیدار هواز و غلبه شتاب تراشه که و شامه منقسم برگ  
 گل سرخ با بونه اجزا مساوی در آب پنجه بر نطول نمایند نطول ورم شدی که از شبت شیر  
 بهم رسیده باشد تحلیس نمایند صفت با بونه شبت نعام حلیه قیصوم چند پودینه راب پنجه بر بنفشه  
 پستان ریزند و اگر ضرورت باشد دیگر ادویه مناسبه بجز این نطول که سنگ کرده و شامه  
 را پاره پاره کند و بیرون آرد صفت گل اکلیل الملک با بونه گل سرخ خشک برگ یکده ورم پوست  
 خرپوزه خشک پسیاوشان تخم قلات نیکوفته برگ یک ده بنفشه سرد ورم دو قور برگ نیلوفر  
 برگ یکده و متقال در ده من آب بجوشانند تا به نیم آید نطول کنند و در آن نشیند و چون برون  
 آیند دوسه قطره روغن در احلیل چکانند نطول که سه روز بپزد بکشد صفت لادن بوجوش  
 بجوشانند و سر بچهار آن فرو دارند و با سید من گت ورم و سنگ کرده شامه سرد و سنگ کرده و سنگ  
 نطول سنگ کرده و شامه و مرجع آنها را از آن کند از اخر انج و الد را جود صفت بیرون پنجه  
 پسیاوشان خا خشک نیکوفته گل با بونه بنفشه اکلیل الملک گل خطمی تخم کرفس و تخم  
 حلیه غلبه شتاب زنجوش پوست پنجه را زبانه کالنج برخواست برگ سداب گل سرخ

این سون تخم کشوت بزرگان از بربک و توله پوست خراپه سبوس گندم سبک چاردم  
تخم بلهون توله در بیت انار آب بپوشانند هرگاه نصف باشد طول نمایند و در آن بشنیدند  
که بجهت ورم بار و قضیب آتشین هرگاه ماده غلیظ باشد بکار گزید ص نعناع مرزنجوش  
در آب بپزند و آب آهسته آهسته طول نمایند و در آن با قدری زیره گاو حل حق کنند که  
مرسم شود بکار بزند نفوخ معمول و مجرب برای صدراع بار و نزول و دیگر امراض خفته  
ص گندم سفید را در شیر آگه نجیبانند که شیر و انگشت بالای آن باشد پس رسایه خشک کنید  
قدری نفوخ کنند نفوخ منقول از خط وحید الدیر فرید العصر و الیاجد برای صدراع بار و  
سفید ص تنباکو هوسنی نیم باو جوز بود و توله قرض سه عدد و نجیب سه ماشه الاکچ خورچا  
عدد و غفران چهار ماشه و اجینی سه ماشه فضل و گنی دو ماشه نمک لاهوری سه ماشه صندل  
سفید سه ماشه کوفته بجهت شل سمره نمایند و نصف ادویه بگلابل منفرج نموده بعد از آن سه  
ادویه بکار کرده در ظرف شیشه بگذارند و صبح و شام بقدر یک شسته استعمال نمایند نفوخ که صداع  
را ناعفت ص شمع خطل قنار الحار نوشادر شوتیر کندش فضل اسطوخودوس سائیده بقدر  
م حاجت در بینی و مند نفوخ که سگته را سود دهد و عطسه آرد ص چند بید شتر فضل کندش  
سدا ب جمله برابر کوفته بجهت اندر بینی و مند و همه تن بروغن نارین که در وی فروین  
حل نموده باشند چرب نمایند نفوخ که مفاصل را سود دهد و عطسه آرد ص کندش فضل  
عاققر حار نجیب پوره اسی نو سادر نظرون صبر و اجینی مشک چند خربتی سفید مرزنجوش  
جمله برابر کوفته و بجهت در بینی و مند و اگر آب مرزنجوش بپکانند نیز راست نفوخ که در بینی  
کنه را سود و ادوص باز و سوخته بکدرم شب یانی مربرک و درم زرنج سنج چهار درم  
بجهت قدری در بینی و مند بعد از آنکه بینی را خوب شسته و پاک کرده باشند نفوخ که گوشه  
فرونی از بینی برسد ص پوست انار ترش چهار درم قلع لیس سه درم زرنج زرد خربق سیاه  
قلع طار بر یکده درم کوفته بجهت بکار بزند نفوخ که رعات شدید را بند کند ص شب یانی

فلک سخته فلقین ز رخ شاخ کاو گاهی دفع سخته مغسول باز و منبر مطنی در خل خمر کاو  
 کاغذ سخته باریک ساخته در بینی و منند نفوخ که گندینی بر بروصن سکت اج قرقل مسک  
 کوفته بخینه در نی انداخته در بینی و منند نفوخ که حبس عات کند ص قراطس سخته صد  
 هر یک بکفر و فلک طار نیم جز و بسیار باریک ساخته در بینی و منند نفوخ جت رجات منقول  
 از بیاض عم مردم ص باز و نیم سخته کشتی غبار آسیا کند ر خون سیاوشان ص شب بمانی ثم  
 کوفته در بینی و مندران و خستین بر بندند نفوخ که سقوط لسات رانافست ص راکب  
 نوشادر برود و راسحق کرده در انبویه نموده بد منند که بلبات بر بند نفوخ که حلق متعلق حلق  
 ساقط کند ص شونیز خردل کوفته بخینه در حلق بد منند نفوخ که شیخ دم که از حلق بهر ساقط  
 کند ص گنار نشاسته دم الاخوین سائیده بد منند نفوخ برای سقوط لسات ص نان و  
 سنبه گل سرخ گنار حدس سماق ثمره طر فاپو دینه شکله طرز و از هر یک یک بجز و عاق و عاقه که بار  
 طباشیر از هر یک نصف جز و عفران ربع جز و کوفته بخینه نفوخ و حلق نمایند نفوخ بیا  
 اندال جراحیت بعد الفجار و رم و تنقیه آن بکار بر بند ص شادنج مغسول گل از نی باز و  
 سرطان محرق نشاسته گنار زرد و لبه محرق نفوخ محرق شب بمانی قراطس محرق کوفته بخینه در  
 و منند نفوخ ص صبر صدا ع حار رانافع بود ص آب کاسنی بهشتا و شقال صبر و طر  
 و انگ در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم روز سوم بیالایند و  
 بنوشند نفوخ که صدا ع سوداوی رانافع بود ص شستین ده و رم اسارون بنجد و  
 مصطک از هر یک سه ورم صبر و بطوی شش ورم او و به نیکو کوفته و سه طبل آن بنفشه و  
 در آفتاب نهند و در چارم صاف کنند شربت چهل ورم بایک ورم روشن با و ام شیرین نفوخ  
 نافع برای صدا ع فرس از نایسجی ص پنج کرفس پنج بادیان پنج از خرا از به پیکه ورم  
 فود ز جلی زراوند و جج شکاعی باد آورد افیتون از هر یک پنج ورم تلید کابلی بهشت  
 سنبه سیلینه ناخن و قصبه لذریره از هر یک ورم غار لقون اسطوخودوس از هر یک ورم

منقعی در آن پیرون کرده سی عدد کوفته پیخته در صفت طل آب بچو شاند و قتی که یک پیل بماند  
 صاف نموده ایارچ فیکر ایت درم انداخته در ظرف شیشه گذاشته در آفتاب بدارند و روز  
 تازه روز شربت ده درم با سه درم روغن بیدارنج نفوق زرشک حرارت جگه نشاند  
 و معده و جگر را قوت دهد و صفت زرشک منقعی یک پیل تخم کشوث تخم کاسنی هر یک یک کف ریوند  
 سه درم اینچ کوفتی است بیکوب کرده چهار روز نظری نهند و آب بقدر ریزند که دو انگشت  
 رسد بموم بالا بایستد و در آفتاب گذارند و در هر روز سه بار چهار روز و بقدر حاجت بکار  
 برند نفوق معمول اکمل المصدقین فیصل المحققین الداجیه بیت سده ماسار یقا و یرقان که با جارت باشد  
 صل آب غنبل اشباب بنیر آب کاسنی آب شامره سبزه گلاب بهر آب بایا هر چه بهر روز  
 نموده با شربت دینار استعمال نمایند و روز سه بار این آب بکافور و خیار ترتر خشک  
 اضافه نموده بکار برند نفوق که یرقان اسود را سودمند بود و صل طباشیر بنچرم گل سرخ  
 ده درم بنیب پنج اسار بهر باد آب گرم بنجیاند یک بار و پس هر روز چهار او قیو علی  
 تا یک هفته بخورند نفوق بلبله از مبربات اطباء بهند برای قرح کلیه صل پوست بلبله زرد پوست  
 بلبله که منقعی کشیده خشک از بایا بهر یک بنچرم سرخ کالی منقعه دو درم و نیم مجموع را نیم کوفته  
 در پیاله آب صافی گرم بنجیاند تمام شب در زیر هوا و صبح صاف کرده بنوشند و باید که بخور  
 مشوالی باین نفوق مداومت کنند و اگر مرض بسیار قوی باشد هفت روز چون الی شفا  
 حاصل آید نفوق که حیض فرود دارد صل بنیر اسفید اهل بهر یک یک درم و نیم دو قوشک طرا  
 یک درم نیمون تخم رازیانه بهر یک سه درم بلبله طیب ایتین بهر یک چهار درم تخم خربوزه نیم کوفته  
 هفت درم بهر دو بهر را کوفته و شیشه کنند یک نیم درم آب بر آن ریوند و سه روز در آفتاب بنشینند و بعد  
 پس هر بار دو چار او قیو بیک درم روغن بادام شیرین بنوشند و اگر بچو شاند تا نیم من باز آید  
 صواب باشد نفوق تمر منی بیفزاید و باه را قوت دهد و مسمن بدن بود و غذا را بسیار دهد  
 و بدن را گرم کند و بهتر از آن آن است که از رطب سازند صل بکیند و من رطب نمر

بیت من آب داخل کنند و بچشانند تا نصف رسد بعد از آن درخی که در گل گرفته باشند زیند  
 و قدری مشک خالص و جوز بوا و قرقفل قوه دار چینی ترنجبیل سافج هندی برگ نارنج قاقا  
 زعفران نیکو کوفته در آن ریزند و در روز برهم زنند و بعد از آن بگذارند تا ده و اکثر پانزده روز بپا  
 و صاف کنند و در خم چینی نگا دارند و اگر خواسته باشند بعد از ده روز بیش از صاف کردن و کشند  
 درین صورت در سکه انقوی خواهد بود و در تقویت باه اضعف ماطط فارسی حلوا می سحر  
 ناطف مسل ص گبند ترنجبین که اخته بقوام آورده نیم من ستمو بیا شوی یک شقال در  
 پاتیل با نش ملائم ناطف کنند و سفیده مرغ را افکنند چنانچه رسم است شربت مقدار یک  
 اوقیه اگر شیرین خواهند ترنجبین بگلاب و آب گذارند و اگر ترش خواهند بآب غوره و حرق  
 الوا و جوز نافع در حال ص ص حلیت چند بدست ترنجبین غصه ساینده و جوز نمایند  
 و جوز که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آرد ص رازیانة انیسون زیره کرمانی جوز  
 صافی نموده گفتند در آن حل کرده و جوز سازند این دوشنوخ از قرقا بدین هم مرحوم است و جوز  
 هندی جهت سرفه بلغمی از مجموعه ص انیس تجهریک چهار ماشه بهارنگی کا کر اسنگی سوه  
 پیا با نسجه پیل مغز و اکه هر یک نیم لوله کوفته بجنیه بوسل آسیننه از دوسنخ تا دو ماشه بعد از  
 و توانائی طفل باشیه و آب گرم بربند و جوز که جمیع اقسام سرفه خصوص سرفه الطفال را  
 موجب است ص پو که بول کا کر اسنگی پیل پوست بنج جوانه کوفته و بنیه باشند آسیننه بعد از  
 و سن بدیند و جوز که جهت ص ص الطفال ناقص ص صخره زیزه کرمانی مسادی کوفته  
 بنجه سه جوازان در شیر حل کرده در گوی طفل ریزند و جوز از اقم جهت اکثر اقسام غشی  
 ص مشک یا غبقری با گلاب یا بید مشک ساینده در غشی که بعد بیهوده بسبب معود  
 انچه بطرف دل و دماغ بهر سدا استعمال نمایند تا یم تمام تریاق فاروق خواهد بود و آب الیاء  
 یا قوتی باید دانست که تعدادان حصات کلوی و شافوی را از خجرات احتراز اعلی است  
 و اگر بواسطه ضعیفی احتیاج افتد منفر تخم خیارین و جوز الیود و امثال آن داخل یا قوتی نماید



و در فیروزه و در نه فرنگی بعضی نوشته اند که سمیت است اگر چه این قول قریب بصواب نیست لیکن  
 از چیزش بهتر از اولی است و بعضی ادویه مصلحه منع تاثیر میکنند مثل کنه که مصلح بسیار است و در  
 اصرار کرده و در و از قوی هست بطاهر و در التخصیث میشود و مانع تاثیر میگردد پس آنها را و اصل  
 نه نمایند و از مثل ساز و گندنا و خردل نیز بهتر از کنند و باید دانست که شیخ و دیگر اساتید مقدار یاقوت  
 کم در یاقوتی با داخل کرده اند و میبایست در حق آن فرموده اند و این از برای آنست که فرج یاقوت  
 و حق بر و حکم اثر مزاج ساز جوهرات است پس اگر حق بسیار خواهند یافت مقدار کم خواهد  
 بود و طبیعت اقبال بیشتر خواهد نمود و باسانی مفهم خواهد گردید از اینجا است که حق یاقوت بر  
 اشتیاق در غیر و جهت اقبال در گلاب میکنند و دیگر یاقوت در روایات مزاج کسر از یاقوت  
 اند پس در این صورت اولی آنست که یاقوت همراه دیگر جوهر صلیب کرده نشود و اگر برای  
 سهولت صلیب یاقوت با یاقوت را در کفچ آهن سرخ کرده در گلاب یا آب اندازند تا منقش شود  
 اولی است و بعضی نوشته اند که ترکیب یاقوتی ترکیب جدید است و این خلاف واقع است  
 زیرا که کتابی که اگر سطوح برای میکنند نوشته است در آن یاقوتی آورده و حکیم عیاد الدین آنرا نوشته است و چون مقصود از  
 ترکیب یاقوتی تقویت دل و اماره روح است و در میان طایفه مضاعف روح داخل نماید و در میان طایفه مضاعف  
 اند و آنچه از شیخ منقول که فیون در فرج یاقوتی آورده است مقصود شیخ حفظ قوت و دوار  
 و با وجود آن چندین ترکیب مصلح است نیز داخل کرده است و بر البیخ نیارده و با وجود آنکه  
 کم ترکیب از قدر خواهد بود که در و فیون باشد و بر البیخ نباشد و باید که یاقوتی از روغن و  
 لبوب جاری باشد تا از بعضی که منافی عرض است دور باشد مگر خواهند زد و استعمال  
 نمایند یا قوام بلند کنند یا قوتی معمول اکمل المحققین از فصل لم یقین علامی ضامی الله  
 ماحد محرم برای جمیع اقسام البیخ و لیا بنظیر و نیز و بعضی از فرجه تقویت باه برین میکنند که  
 آن تبوان و داخل یاقوت در و باید که با بیس لاجور و طباشیر ساقچ هندی از بر کوب  
 اگر چه گاو زمار و گلاب و هم بهر و سفید شود و درین کشته خشک کنند پس از بر واحد

چهار توله دو له خود بهندی هر یک نیم توله دانه الایچی خورد و گلان از هر یک سه توله دارمینی  
 ابریشم مقرض بر یکد توله سنبیل الطیب نیم توله پوست ترنج سه توله عنبر اشهب پنجاشبه ششک  
 خالص زعفران تخم فوجشک روخ عقری بوزیدان مصطکی بلبله زرد آمله از هر یک ششک  
 و نفل غلب ثعلب ورق نقره هر یک توله نبات عسل از هر واحد سه رطل آب سید آب  
 هر یک یک رطل گلاب بید مشک بر یکد و رطل ورق طلا ششک باشد بطریق متعارف همچون  
 سازند یا قوتی شیخ الرئیس نافع از برای جنون و وسواس و جمیع امراض سوداوی و  
 صفوی و دماغ و قلب است ص یاقوت رانی گل گاوزبان تخم کاسنی شک خالص کافور  
 قیسوری از هر یک یک مثقال و اریذ برگ که با می می از هر یک یک مثقال و نیم ابریشم مقرض طاز  
 محرق از هر یک یک مثقال و دودانگ و زنبب مکنس نیم مثقال تخم فوجشک تخم بادروج سطل  
 از هر یک سه مثقال همین سفید عود خام حجازی لاجورد سلیمه دارینی زعفران میل بو قافله  
 کبار جد و از خطای از هر یک یک مثقال اقیهون و دوشمال و نیم در روخ عقری سنبیل الطیب  
 ترنجبین عنبر اشهب زبر یکد و درم متفر تخم خیار گل سرخ از هر یک چهار مثقال گلاب یک مثقال  
 شراب حماض شراب سبب شراب انار شیرین از هر یک سی مثقال عسل بقدر حاجت و ترنج  
 و در ظرف چینی باطلایان فله نگاه دارند و بعد از چهل روز که از ساختن آن گذشته باشد استعمار  
 نمایند شربت بکدرم یا کشتال با عرق گاوزبان و تخم بادروج و گلاب یا قوتی معمول جدا  
 که اخراج و فضلات متفرقه و دفع بالبحولیا و رماتی و رطوبات کدره سوداوی از لواجی و دماغ و  
 کتد و تقویت اعضاء و ریه و انفاس حرارت غریزی و تقویت باه و از آنکه خوش دل کند  
 ص یاقوت رانی لعل شفاف از هر یک دو نیم مثقال بسد محرق و اریذ ناسفته که با گاوزبان  
 گیلانی مصطکی رومی تخم خرفه تخم فوجشک تخم خیار تخم کافور متفر تخم کدو از هر یک سه نیم مثقال  
 صندل سفید تخم کاسنی هر یک پنج مثقال لاجورد منقول تخم بادرنجبویه قرفه طباشیر بارشک  
 قافله سنبیل الطیب سانج از هر یک یک نیم و ربع یک مثقال ریوند چینی و دوشمال و رطل

ورق نفره غبر اشب مشک هر يك يك شقال و ربع آن شربت بر يك سیراب انار نیم انار  
 عرق بید مشک و گلاب یک شیشه نبات سفید یک سیر عسل صفت پنج سیر بدستور معجون سازند  
 یا قوتی قوی التفویج که با امراض سوداوی و مالینولیا نفع تمام دارد و دل و جگر را قوت و  
 ص مشک نیدرم مر و اریدنا سفته و حبان که با قوت خشک گاو زبان در و پنج لعل یا قوت  
 عقیق یعنی ورق طلا و ورق نفره غبر اشب زعفران کافور از هر یک یک درم صندلین طیار  
 زرد بلباد و رنجبویه قرفل ساج عود و ابریشم مقرض پوست ترنج هر یک ده درم  
 سفید عسل هر یک پنجاه درم چنانچه رسم است معجون سازند یا قوتی که بسیار قوی است  
 و بسیار شدت نفوس روحانی گویند که جهت مالینولیا و امراض سوداوی نفع تمام دارد و  
 دل و جگر را قوت و در ص مر و اریدنا سفته و حبان که با قوت خشک هر یک یک درم صندلین  
 طیار سفید زرد بلباد و رنجبویه قرفل ساج عود و ابریشم مقرض پوست ترنج هر یک ده درم  
 گاو زبان در و پنج عقیق یعنی ورق طلا و ورق نفره غبر اشب زعفران  
 کافور هر یک یک درم مشک نیدرم قند سفید و عسل هر یک پنجاه درم علی الرغم مرتب سازند  
 یا قوتی یار و نبخه حکیم علونجان ص یا قوت رانی مر و اریدنا سفته که با سیمی ورق نفره  
 از هر یک یک درم لعل رنجبویه و رنجبویه غبر اشب از هر یک چهار ماشه طیار سفید صندل سفید  
 گشنیز خشک مقشر هر یک یک تولا که استغنی و تولا و ورق طلا سه ماشه نبات سفید نیم انار  
 آبله نار شیرین پاوانا عسل صفت پنج تولا بدستور مرتب سازند یا قوتی از حکیم محمد رضا  
 یا قوت رانی یک شقال مر و اریدنا سفته که با سیمی لعل رنجبویه و رنجبویه غبر اشب از هر یک  
 هر یک و شقال ورق نفره نیم شقال تخم خرفه نیم شقال شربت فواکج برابر او ده قند برابر مجموع  
 بطریق مقرر مرتب سازند یا قوتی حار از قلاسی این مفرج عجیب التالیف و تالیف  
 ترکیب است ص یا قوت رانی یک درم مر و اریدنا سفته هشت درم که با سیمی شندل  
 گاو زبان گیلانی ده درم باد رنجبویه هشت درم ساج سندی چهار درم تخم باد رنجبویه

پنجم گلیس زربند در سبیل سبیل خیر لواقا قاید از یک یک یکیم پوست آله شش درم جوار می  
 مابدل آن حجر لاجورد یک روم کند رود درم تمام زعفران سه درم مشک یک درم درون پنج  
 دو درم عنبر اشوب و شقال اسطوخودوس دو درم دارچینی چهار درم عسل سفید سه وزن مجو  
 او ویه شربت یک درم یا قوتی بار و موافق مزاج و تقویت اعضا و رطوبت و بهتر از دانه المسک رویت  
 تنقان گرم و ناقص و تبدیل مزاج و تقویت اعضا و رطوبت و بهتر از دانه المسک رویت  
 لدر ورت نافع حص مغز تخم کدو شیرین تخم کاهو متختم تر و مغز تخم نیارین از هر یک یک شقال  
 و نیم تخم خرفه متختم چهار درم مر و اید ناسفته صندل سفید سبیل الطیب طباشیر سفید فلفل  
 صندل سرخ از هر یک و شقال لبه که با سلطان محرق از هر یک و شقال و بکد آنک در  
 سبیل خرد آنک بر شیم مغز صحن سرخ و سفید گل گاف زبان پنجه گل سرخ شقال وانه سبیل از  
 از هر یک و شقال و نیم آله شقی شقال زعفران عنبر شرب رقیق طلا مسک از هر یک چهار درم  
 ورق نقره دو شقال نبات سفید پنجاه شقال آب سبب فیسین آب امرو و آب شیرین شرب  
 نوا که شیرین کلاب عسل سفید عرق صندل از هر یک هشت شقال بدستور صندل سارین  
 راقم هم باندک تغیرین را قریب نموده بود نهایت غنی یافته یا قوتی حار و تقویت از سبیل ان الطیب  
 حص یا قوت رانی دو درم مر و اید ناسفته فلفل زنجبیل فلفل سبیل الطیب ارفطش قریب  
 جوز بواقا قاید کبار دارچینی شیطرح هندی سانج هندی لسان العصفای درونج بادرنجبویه  
 گاف زبان مسکه خولجان فو شقال صندل زراوند صغیر سبیل گل سرخ از هر یک دو  
 درم لباسه پوست اترج درم زعفران پوست بلبل از هر یک یک درم صحن شقال  
 عنبر اشوب از هر یک نیم دانه عسل دو وزن همه که در چهار درم و هشت دانه  
 است معجون سازد شربت یک شقال جله سی و دو خرد و یا قوتی بار و شرب  
 دل و صیغ اعضا ریتیه حص یا قوت رانی مر و اید ناسفته کبریا شیمی از هر یک  
 شقال و جوز بواقا قاید کبار دارچینی شیطرح هندی سانج هندی لسان العصفای درونج بادرنجبویه

نخک نشتر حنظل سفید از هر یک پنج مثقال طباشیر سفید و مثقال و نیم عنبر شرب بر شیم قرض و رت  
نقره از هر یک یک مثقال و یک دانگ و نیم ورق طلا یک مثقال نبات سفید  
و پنجاه مثقال شربت سبب شیرین عمل مصفی از هر یک بیت مثقال عرق شنبلیله  
از هر یک پنجاه مثقال سدر و مرتب سازند فقط

خاتمه الطبع از خامه بلاغت ختامه جالینوس زمان ابوعلی و را

جناب حکیم سید صادق علی

تعالی بجز و حمد لا تقدیر ان هو الله الاحد را زید که بر لوح جمادات از اخصانات قلم  
تسلیم الاوضاع مختلف الطبائع آفریده و جمیع حیوانات خصوصاً حضرت انسان را  
از ان نفع جلیله بخشیده و مستطیعان مکونات را به نوشبار وی روح افزا معالج حقیقی  
رسالت و نبض شناسی حکیم حاذق نبوت محمد مصطفی سپرده بعد میگوید که درین جزوه  
زمان نسخه سراسر منافع برای کل امراض جسمانی و دافعه سمی بعجماله نافعه که بر او دیده این  
و تائید حکیم تریاق کبیر بر از منفعت کثیر دارد تالیف اینف حکیم کامل طبیب کبیر  
محمد اشرف خان خلف الصدق حاذق الملک محمد اکمل خان مرحوم بابر جلیل  
مشهور نزد یک و دو در صاحب بهمت و شعور جناب مستغنی القاب نقشی نو نگاشته  
را و احتشام در مطبع فیض منبع علاج بخش مریضان ستمند و عیالان حاجتمند  
گردید و با اهتمام انالی مطبع در ماه شوال ۱۲۹۰ هجری مطابق ماه و سهبر ۱۲۹۰ هجری  
چنان جدا و ای خود آگاه رسیده که خریداران بهوشمند صحت طلب بهمد تمنا  
دل از اطراف و جوانب آواز طبش شنیده دست به بیع داده شانی مطلق مقبول  
گرداناد و بخت و کمال کرده



410



This book is due on the date last stamped. An over-due charge of one anna will be charged for each day the book is kept over time.

JAN 30

9-11-07

M.P.P.

شماره

۱۰۶۶

۹/۱۵

عبارت نامه

Date		No.	
		525/2	
		6/2	